

ابتدای سخن به نام خدامهر ورزنده و عطا بخشا

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمله حمد هست از یزدان کوست پروردگار عالمیان

۲ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

مهر ورزنده و عطا بخشا

۳ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هم خداوندگار روز جزا

۴ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ

می‌پرستیم ما ترا تنهاوز تو خواهیم یاری و یارا

۵ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

در ره راست شو به ما هادی

۶ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

راه آنان که خیرشان دادی

۷ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

نه کسانی که خشم گیری‌شان‌هم نه قومی که گمرهند ایشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم

الف و لام میم [کافاز استبین حق و رسول او راز است

ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

آن کتابی که نیست شک در آن رهنمایی است بهر متقیان

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يُنْفِقُونَ

که به غیب و نهان یقین آرند و نماز خدا به پا دارند
و آنچه بخشیده ایم از ارزاق بهر ایشان کنند از آن انفاق

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ
وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

و کسانی که آورند یقین بهر تنزیل و روز باز پسین
آنچه سوی تو یافته است نزول و آنکه پیش از تو بوده است
رسول

أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

آن کسان از طریق لطف خدا رستگارند و بر طریق هدا

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَرِهِمْ غِشْوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَرَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

آن جماعت که شد به کفر رهی‌بیمشان گر دهی و گر ندهی هست یکسان دو حال بر ایشان‌به ره حق نیاورند ایمان

بر دل و گوششان خدا زد مهر[بلکه هریک خود از جفا زد مهر] چشمشان مانده در حجاب سترک‌سهم ایشان بود عذاب بزرگ

بعضی از مردمان به لفظ و بیان‌ادعا می‌کنند بر ایمان که خدا و معاد باور ماست‌لیک ایمان نه در دل آنان راست

تا خداوند و مؤمنین به مقال‌بفریبند [در طریق ضلال نفریبند کس به جز خودشان‌این گروهند [غره و] نادان

هست دلهایشان مریض و پریش‌وان مرض را خدای سازد بیش بهر آنان عذاب جانفرساست‌بهر این کذب [آن عذاب سزااست

چون بگویندشان به ارض و بلاد‌دور باشید از ره افساد پس بگویند ما نکوکاریم‌مصلحیم و درست کرداریم

همه یار فساد و گمراهی‌نیستند اهل علم و آگاهی

هر زمان گفته‌اند با آنان‌همچو مردم شوید با ایمان گفته‌اند اینکه آه آیا ما‌باور آریم همچو آن سفها؟ [اهل دین را سفیه می‌خوانند]خود سفیهند و این نمی‌دانند

چون به دیدار مؤمنین آینداز در باور و یقین آیند حرفشان در کنار شیطان‌هاحرف همکاری است و استهزا

سخره حق شوند در طغیان‌ماندگارند نیز سرگردان

این جماعت طریق آگاهی‌داده‌اند و خریده گمراهی سودشان نیست در چنین سود‌ادور ماندند از طریق هدا

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ
ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ

مثل آنانکه آتشی سوزندتا که اطراف خود برافروزند
حق برد نورشان در این هنگام به سیاهی رها شوند و ظلام

۱۸ صُمُّ بُكُمْ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

کر و کورند و گنگ [و ظلمتها] بر نگردند [از ضلالتها]

أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ
أَصْبِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ
مُخِيطٌ بِالْكَافِرِينَ

یا چو باران کز آسمان باردظلمت و رعد و برق هم آرد
سر انگشت بر نهند به گوش تا ز تندر نیوفتنند از هوش
[غافلند اهل کفر از دادار] که فراگیر اوست بر کفار

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَرَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ
وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ
وَأَبْصَرِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

برق [هر گاه کز آسمان ببرد] شاید از نور چشمشان ببرد
چونکه روشن شود شوند روان چون رسد ظلمت ایستند در
آن
برد از جمله خواهد از دادارچشم و گوش و تواند او هر کار

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ
قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ایها الناس حق پرست شویدکو شما راز هیچ ساخت پدید
وان جماعات پیشتر ز شما شاید از این شوید با تقوی

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ
السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا
تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

آنکه از آسمان بنایی ساختوز زمین بستر ترا پرداخت
آب از آسمان فرو باریدپس ثمرها و رزق کرد پدید
پس نظیر خدا چرا خوانید؟ دیگری را و خوب می دانید

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ
مِّثْلِهِ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

گرتان شک و شبهه ایست به دلز آنچه بر عبد ما بود نازل
سوره ای آورید مانندش هم گواهان خود که دانندش
چه کسی را بجز خدا جویید؟ اگر این نکته راست می گویند

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

ناتوانید اگر که در این کارترس و پرهیز بادتان از نار
هیزمش آدمی و احجار استوان مهیا برای کفار است

وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا
قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ
فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۲۵
بقره
۲۸۶

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا
فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ
كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ
كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ

۲۶
حزب
۲

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا
أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ
الْخَاسِرُونَ

۲۷

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ
يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۲۸

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى
السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

۲۹

مژده ده اهل دين و ايمان را اهل خيرات و جمع خوبان را
بهر ايشان بود بسي بستان زير اشجارش آبهاي روان
هر چه از ميوه روزي آنان راست هست يکسان چو پيش بي
کم و کاست
بهرشان همسران پاک سرشت ماندگارند جاودان به بهشت

بي خجالت زند خدای جهان مثل پشه يا که برتر از آن
مؤمنان [اين مثال چون خوانند] از سوی کردگار می دانند
سخن کافران بود اما که چه سودی است در مثال خدا؟
شد ضلال و هدا بسی را حال اهل فسقند زين سخن به
ضلال

آنکه عهد خدای را بشکست بعد از آن موقعی که پیمان بست
و انکه [از جان برید و] بگسستش آنچه فرمود حق
بپیوستش
و انکه افساد می کند به جهان بهره اش هیچ نیست غیر زیان

کفر ورزید از چه رو به خدا؟ آنکه از مرگ کردتان احیا
باز میراند و کند زنده سوی او بید باز گردنده

آفریدست از برای شما این زمین را و کل ما فيها
پس به ترتیب آسمان پرداخت بعد از آن هفت آسمان را
ساخت
از همه چیز او بود دانا [هر چه علم است هست از آن خدا]

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۖ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

وَعَلَّمَ ءَادَمَ الْأَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ إِن كُنْتُمْ صٰدِقِينَ

قَالُوا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا بِهٰذَا مَا عَلَّمْتَنَا ۖ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

قَالَ يٰٓءَادَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَآئِهِمْ ۖ فَلَمَّآ أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَآئِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوا لِءَادَمَ فَسَجَدُوا ۖ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبٰى وَاسْتَكْبَرَ وَكَآَنَ مِنَ الْكٰفِرِينَ

وَقُلْنَا يٰٓءَادَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّٰلِمِينَ

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطٰنُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ۖ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

فَتَلَقَّى ءَادَمُ مِنْ رَبِّهِ ۖ كَلِمَتٍ مِّنْ قِتَابٍ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

با ملائک خدای گفت چنین می‌نهم من خلیفه‌ای به زمین جمله گفتند آفرینی چون در زمین مفسدی که ریزد خون [ما بری از گناه و تلیسیم اهل تسبیح و اهل تقدسیم گفت [هر چند اهل ایمانید] آنچه دانم شما نمی‌دانید

علم اسماء چو داد بر آدم به ملائک نمود آن را هم که بگویند نام اینها را اگر که باشید صادق [و دانا]

جمله گفتند ای منزّه پاک‌بهر ما نیست دانش و ادراک جز هر آنچه تو داده‌ای تعلیم این تویی خالق علیم و حکیم

گفت ای آدم اسم اینها را به ملائک بگوی و کن افشا چونکه آدم بگفت اسم را گفت آیا نگفته‌ام به شما که منم آگه از زمین و سماو آنچه پنهان کنید یا افشا

با ملائک خدا چنین فرمود که به آدم کنون برید سجود همه یکباره سجده آوردند [حکم دادر پیروی کردند] بجز ابلیس که نکرد این کار گشت مستکبر و هم از کفار

و بگفتم به آدم و همسر که بسازید در بهشت مقر هر چه خواهید روزی و برکت‌وز خوراکی خورید بی زحمت دور از آن شجر شوید [آزاد] و نه باشید در ره بیداد

اھرمن آن دو را از آن لغزاندوز نعیم بهشت بیرون راند حق تعالی به آدمی فرمود که بیا بید از بهشت فرود پاره‌ای خصم پاره‌ای دیگر مدتی در زمین کنید مقر

پس کلامی ز حق گرفت آدم مهر آورد خالق عالم و خداوند کردگار قدیر اهل بخشایش است و توبه‌پذیر

قُلْنَا أَهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

يٰٓبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّيَ فَارْهَبُونِ

وَعَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۖ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّيَ فَاتَّقُونِ

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقَوْنَ رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

يٰٓبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

حق تعالی به آدمی فرمودهمه آیید سوی خاک فرود چون بیامد زمن به سوی شمادرس دینداری و طریق هدا پیروان ره هدایت من‌دور مانند از هراس و حزن

کافران و مکذبان نشان‌یار نارند و جاودانه در آن

آل یعقوب یاد نعمت من‌پاس دارو مباش عهد شکن تا که پیماتتان بدارم پاس‌باش تنها ز کار من به هراس

بهر تنزیل آورید ایمان‌کاین مصدق بود به نامهی‌تان هان مباشید اولین کفار[مکنید آیه‌های حق انکار] مفروشید آیه‌ام ارزان‌اهل تقوا شوید با یزدان

رخت باطل به حق می‌وشانیدحق چه کتمان کنید؟ و خود دانید

هم نماز خدا به پا سازیدهم زکات خدا بپردازید [به ره عقل و دین رجوع کنید]همره راکعین رکوع کنید

مردمان را به حق شوید آمر؟لیک خود را برید از خاطر و بخوانید هم کتاب خداپس تعقل نمی‌کنید آیا؟

مددی جوی از شکیب و رکوع‌وان گران است جز به اهل خشوع

کاگه از ربّ و شوق دیدارندباز گردنده سوی دادارند

آل یعقوب نعمتم یاد‌آرکه به اهل جهان شدی سالار

خوف کن زان زمان که دادرسی‌ندهد کیفر کسی به کسی نه شفاعت ز خلق بپذیرنده غرامت ز مجرمی گیرند هم نه یاری شوند اهل خطا[این چنین است کار روز جزا]

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُم سُوءَ الْعَذَابِ
يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ
بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ

چون ز فرعون ساختیم رهاجانتان را که می‌کشید بلا
آنکه می‌کشت از شما پسران زنده می‌داشت از شما نسوان
بود بهر شما بلای بزرگ آزمون بود از خدای بزرگ

۵۰

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

چونکه بشکافتیم دریا را پس رهاندیم قوم موسی را
آل فرعون غرق شد دریمو شما دیده‌اید آن را هم

۵۱

وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ
بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

چون چهل لیله وعده‌ی موسی‌به درازا کنشاند حکم خدا
بود گوساله انتخاب شما بر عبادت به غیبت موسی
[حق رها کرده و گرفته صنم این شما بیید اهل جور و ستم

۵۲

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

در گذشتیم از شما پس از آن‌بلکه شاکر شوید بر یزدان

۵۳

وَإِذْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

حق به موسی کتاب و فرقان دادشاید آیین در طریق رشاد

۵۴

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِۦ يُقَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ
بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

گفت موسی به قوم خود که شما ظلم کردید این زمان خود را
عبد گوساله بوده‌اید به جان‌توبه آرید سوی خالق‌تان
پس کشید ای ستمگران خود را این بود خیر از برای شما
مهر آوردتان خدای قدیر اهل بخشایش است و توبه‌پذیر

۵۵

وَإِذْ قُلْتُمْ يَمُوسَىٰ لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً
فَأَخَذْتَكُمُ الصَّعِقَةَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

باز گفتید ای کلیم خداهیچ ایمان نیاوریم ترا
[آن زمان مذهب تو بگزینیم که به چشمان خدای را بینیم
صاعقه برگرفتتان پس از آن‌همه بودید سوی آن نگران

۵۶

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

زنده کردیم‌تان پس از مردن‌شاید این گه شوید شاکر من

۵۷

وَوَهَبْنَا عَلَىٰكُمْ الْأَعْمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلَٰوَىٰ
كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

ابر شد سایبان برای شما بهر‌تان بود من و هم سلوا
رزق دادیم پاک بهر شما تا که از آن خورید [بی‌پروا]
نکند هیچ کس ستم بر ما که به خود می‌کنند جور و جفا

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا
وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرَ لَكُمْ
خَطَايَكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

و به یاد آورید وقتی راکه بگفتیم در شوید [آنجا]
گفته بودیم تا به آبادی بخورید از نعم به آزادی
وارد در شوید سجده کنان وز سر صدق طالب غفران
بگذریم آنگه از خطای شمالطف افزون کنیم نیکان را

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى
الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

داد تغییر اهل جور و جفا آنچه شد گفته بهرشان [از ما]
پس عذابی از آسمان [پر بیم بر سر فاسقان فرستادیم

وَإِذْ أَسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ
فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ
مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعَثُّوا فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ

بهر قوم آب خواست چون موسی گفتمش سنگ را بزن به
عصا
پس بر آمد دوازده چشمه آگه از سهم خود شدند همه
بخورید آنچه رزق رحمان داددور باشید در زمین ز فساد

وَإِذْ قُلْتُمْ يَمُوسَىٰ لَن نَّصِيرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا
رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا
وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ
بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ
وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ
بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

باز گفتید ای کلیم خدانیست طاقت به یک غذا ما را
به خدا گوی از زمین بدر آربقل و فوم و عدس پیاز و خیار
گفت موسی اگر کنید گزین خواستهایی فروتر از پیشین
پس به شهری کنون فرود آیدکانه خواهی حاضر است و
پدید
سخت مسکین شدند و خوار شدنددر خور خشم کردگار
شدند
این گروه طاغر جائرشد به [آیات ایزدی کافر
پس بگشتند انبیا ناحق داشت این قوم سرکشی با حق

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّبِئِينَ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

مسلمین آن گروه ایمانی صابئین و یهود و نصرانی
هر که مؤمن به حق و روز جزاست نیز اعمال صالحی او
راست
اجرشان ثابت است نزد خدانیست حزن و هراس آنان را

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

چون گرفتیم از شما پیمان طور افراشتیم بر سرتان
هان بگیرید آنچه دادمتان یاد آرید هر چه هست در آن
شاید آیید در ره تقوا [و بیایید در طریق خدا]

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

روگردان شدید بعد از آن سخت بودید در خور خسران
فضل حق گر نبود شاملتان ور نمی بود رحمت رحمان

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ

خوب دانید کز میان شما دسته ای روز شنبه کرد خطا
هر یک از دسته را خدا فرمود شد به بوزینه ای بدل مطرود

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

پس نهادیم عبرتی در آن بهر مردم در آن زمان و مکان
هم پس از مردمان آن دوران این بود پند بهر متقیان

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

گفت موسی به قوم خود که خدا خواسته ذبح ماده گاوی را
قوم گفتند این چه استهزاست؟ گفت موسی پناه من به
خداست
که مبادا ز جاهلین باشم سخره و رزی به کار دین باشم

قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِصٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانُ بَيْنَ ذَلِكَ فافعلوا مَا تُمَرُونَ

قوم گفتند ربّ خویش بخوان که بگوید چه شرط دارد آن
گفت گوید خدا که هست از سال نه جوان و نه پیر بین دو
حال
پس بجا آورید حکمی را که رسیدست از برای شما

قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ

قوم گفتند ربّ خویش بخوان که بگوید چه رنگ دارد آن؟
گفت گوید خدا که هستش رنگ زرد یکدست رنگ شاد و
قشنگ

قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَبَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ

قوم گفتند ربّ خویش بخوان که بگوید چه هست؟ شبهه شد آن
گر بخواهد خدای راهنماست ما هدایت شویم در ره راست

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْكَنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ

۷۱

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّرَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجُ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ

۷۲
۱۰۹

فَقُلْنَا أَضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

۷۳

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْقَقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

۷۴

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

۷۵
حزب
۵

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُم بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۷۶

گفت گوید خدا که باشد آن گاو یکرنگ دور از نقصان
نه بود رام بهر شخم زمین نه کشد آب بهر کشت همین
قوم گفتند حق مطلب را حال آورده‌ای به جا بر ما
ذبح کردند گاوی آنسان زودوین علی رغم میل آنان بود

چون کسی را به قتل آوردید بر سر آن نزاع می‌کردید
به در آرد خدای فاش و عیان آنچه سازید از همه پنهان

پس بگفتیم قطعه‌ای از آن بزنید [این زمان بر آن بیجان
آنچنان کردگار بی همتا می‌کند خلق مرده را احیا
آیه‌هایش نشان دهد به شما که شاید شوید اهل دعا

قلبتان شد سپس به مثل حجر در قساوت ز سنگ هم بدتر
کز حجر گاه نهر گشت روان بشکند گاه و آب جوشد از آن
گاه سنگ افتد از هراس خدانیست غافل خدا ز کار شما

چشم دارید از این گروه آیا؟ اینکه باور کنند دین شما
چون شنیدند بعضی از آنان سخنان خدای عالمیان
از پس فهم [آن کلام بلند] منحرف ساختند و خود دانند

چون به دیدار مؤمنین آیند از در باور و یقین آیند
[چون دلیل پیمبران جویند] در نهانی به یکدیگر گویند
که چه گویند با مسلمانان؟ آنچه بگشود بر شما یزدان
تا خلاف ره شما آن را حاجتی آورند نزد خدا
[این چنین اند آن گروه عنید] اینک آیا در آن نیندیشید؟

أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

میدانند این گروه آیاه که خدای جهان بود دانا؟
آنچه پنهان و آشکار کنند [و آنچه در کار اختیار کنند]

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

زان میان عامیان که قرآن را نشناسند جز خیال و هوی
نسپارند این کسان دل خود جز به پندارهای باطل خود

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ

وای از آن کس که نامه‌ای مکتوب به خداوند می‌کند منسوب
[زان کتابی که خویش بنگارند] بهره‌ای کم از آن بدست آرند
وای از آنچه نوشته‌اند ایشان وای از آنچه کنند کسب از آن

وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ ۖ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

گفته‌اند اینکه آتش جانشوزبهر ما نیست غیر یک دو سه
روز
بگو آیا که هیچ خط امان داشتید از خدای یا پیمان؟
آنکه او را به عهد نیست خلاف یا سخن‌هایتان بود به گزاف
این سخن را ز سوی حق خوانید آنچه را خود به حق نمی‌دانید

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

هر کسی گر ره خطا گیرد و آن خطا جان او فرا گیرد
آتش دوزخ است یا ورشان هم در آن آتشند جاویدان

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

وان کسانی که آورند ایمان و بود کار نیک با ایشان
هست فردوس یاور آنان ماندگارند جاودانه در آن

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ
وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ
وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ
تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ

آل یعقوب داده‌ای پیمان نپرستید کس بجز رحمان
نیز نیکی به باب و مادران هم به خویش و یتیم و مسکینان
هم به قول خوش و قیام صلاه نیز در راه حق ادای زکوة
جز قلیلی شدید رو گردان این شما بید معرض از پیمان

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تَخْرُجُونَ
أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ

عهد بستیم با شما یکسرکه مرزید خون یکدیگر
هم مرانید یکدگر ز دیار خود گواھید و می‌کنید اقرار

ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا
مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ
يَأْتُوكُمْ أُسْرَى تَفْذُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ
أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ
مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ
الْقِيَمَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا
تَعْمَلُونَ

۸۵

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُفُ
عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

۸۶

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ
وَءَاتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ
فَلَمَّا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ
فَفَرِّقَهَا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ

۸۷
۱۲۰

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا
يُؤْمِنُونَ

۸۸

این شما ریختید از هم خون نیز کردید از دیار برون
و به هم می‌شوید پشتیان در طریق گناه و در عدوان
چون اسیران رسند فدیہ کنیدگر چه اخراجشان بد است و
پلید
کرده بعض کتاب را باورلیک کافر به پاره‌ای دیگر
چیست پاداش آنکه کرد چنان‌غیر خواری و ذلتی به جهان
و اشدّ عذاب در عقابنیست غافل خدا ز کار شما

می‌فروشد این جماعتها آخرت را به عالم دنیا
نیست تخفیف بهر کیفرشان احدی نیز نیست باورشان

به یقین داد داور یکتابیات و کتاب موسی را
و پیایی گسیل شد یکسر بعد موسی پیمبران دگر
حق به عیسی نشانه‌ها بخشیدوان به روح القدس شده تأیید
هر چه آمد رسول سوی شماگفت چیزی خلاف نفس و هوی
شد به دست شما ز استکبارگه به تکذیب و گه به قتل دچار

گفته بودند [از ره تسخر] در غلاف است قلب ما یکسر
اهل کفرند و لعنت یزدان جز قلیلی نیاورند ایمان

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا
مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا
عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ

چون کتاب آید از سوی یزدان منطبق با شواهد آنان
مژده فتح مؤمنین در پیش‌به‌زیان گروه کافر کیش
با همه آگهی کنند انکار لعنت حق به فرقه‌ی کفار

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ بَغْيًا
أَن يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا
بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ

خوشتن را فروختند به شرکفر ورزیده‌اند و برده ضرر
کافرند آنچه حق فرستادست‌وز عطایش به بندگان دادست
پس به خشم پیپای‌اند دچار کافران را عذاب سازد خوار

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أَنزَلَ
عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ
قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

گفته شد چونکه آورید ایمان آنچه نازل کند خدای جهان
گفته‌اند اینکه ما کنیم قبول آنچه زین پیش یافتست نزول
غیر آن منکرند و حق آن است‌گر چه شاهد به نزد آنان است
گو گر از پیش مؤمنید شما از چه کشتید انبیای خدا؟

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن
بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

چونکه آورد آن زمان موسی‌بینات و دلیل بهر شما
بود گوساله انتخاب شما در عبادت به غیبت موسی
[حق رها کرده و گرفته صنم این شما یید اهل جور و ستم]

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا
ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي
قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُم بِهِ
إِيمَانُكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

چون گرفتیم از شما پیمان‌طور افراشتیم بر سرتان
بستانید آنچه دادمتان بشنوید [آنچه گفته‌ایم به جان
قوم گفتند ما شنیدیم آن‌لیک بودست کار ما عصیان
مهر گوساله بود در دلشان کفرشان بود اصل مشکلشان
گو که بد حکم داد باورتان‌گر شما یید پیرو ایمان]

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

گو اگر هست خاص بهر شماخانه آخرت به نزد خدا
پس کنون آرزوی مرگ کنیدگر شما صادقید [و بی تردید]

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

و ندارند آرزو بر آن ز آنچه از پیش کرده اند آنان
[کارهایی ز راه جور و جفا] حق بود بر ستمگران دانا

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوٰةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحِّزٍهُ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

تو بیابی همین جماعت را آرمند حیات در دنیا
از همه خلق پیشتر در آریل ز آن کاورد به حق انباز
آرزو هست این جماعت را که بماند هزار سال به جا
ورزید از عذاب نیست رهاحق به اعمالشان بود بینا

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

بگو آن را که دشمنی داردبهر جبریل آنکه وحی آرد
به یقین بر دل تو قول هدااو فرود آورد به اذن خدا
هست تصدیق قول پیشین رامؤمنان را بشارت است و هدا

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ

آنکه شد دشمن خدا و رسول حکم پیغمبران نداشت قبول
دشمن هر فرشته از [تضلیل دشمن جبریل و میکائیل
بهر آنان چنین بده اخبار] که خدا هست دشمن کفار

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ

ما فرستاده ایم بی تردیدسویت آیات بینات مجید
کس ندارد بر این نشان کفران جز گروهی که هست نافرمان

أَوْ كُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

هر زمان بسته اند یک پیمان نقض کردند جمعی از آنان
نیست ایمان برای اکثرشان و نمانند بر سر پیمان

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

چونکه آمد رسولی آنان را داشت تصدیق نامه های خدا
عده ای زین گروه اهل کتاب دور از راه صدق و حق و حساب
پشت سر افکند کتاب خداگویی نیستند از آن دانا

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَنَ ۖ وَمَا كَفَرَ
 سُلَيْمَنُ وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ
 السِّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَرْوَتْ
 وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا
 تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ
 وَزَوْجِهِ ۚ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ
 وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۚ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ
 اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ
 أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۲۰
 بقره
 ۱۰۲
 ۲۸۶

وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا
 يَعْلَمُونَ

۱۰۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا
 وَاسْمَعُوا ۚ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۰۴
 ر۱۴

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ
 أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۚ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ
 بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

۱۰۵

چونکه در دورهی سلیمانند پیرو گفته‌های شیطانند
 خود سلیمان رهش نشد کفران بلکه کافر شدند اهرمانان
 [جمع اهریمنان کافر خو] یاد دادند خلق را جادو
 [نیز آن قوم بود در باطل زانچه بر دو فرشته شد نازل
 که یکی بود نام او هاروت دیگری بود نام او ماروت
 نمی‌آموختند کس را علم‌جز که گویند بهرشان با علم
 آرمونیم ما برای شما پس مباحثید کافران خدا
 زان دو آموختند قوم عنید [سحر و افسون و حیل‌های پلید]
 [فی‌المثل شد تلاش قوم و فنش بهر تفریق بین مرد و
 زنش

گر چه کس راز کس نبود زیان‌جز به اذن خدای عالمیان
 قوم آموختند علم ضرر آنچه سودی نداشت بهر بشر
 داشتند آگهی که روز جزا بهرشان نیست بهره زین سودا
 بد متاعی خریده‌اند به جان آگهی داشتند اگر ایشان

اگر این قوم داشتند ایمان زهد و پرهیز داشتند به جان
 بود بهتر ثوابی از یزدان آگهی داشتند اگر اینان

ای کسی کاوری به حق ایمان‌پس تو بر «راعنا» بپند دهان
 بلکه بر گو «نگاه کن ما را» گوش کن [قول رب یکتا را]
 دردناک است کیفر کفار [این بود بهر کافران هشدار]

میل اهل کتاب نیست چنین‌که دهد خیر حق به اهل یقین
 نیز کفار و مشرکین به خدایم‌لشان نیست سوی خیر شما
 داد رحمت به هر که خواست رحیم‌که از آن خداست فضل
 عظیم

گر شود نسخ آیهی قرآن یا نهیمش به بوتهی نسیان
مثل آن آوریم یا به از آن حق به هر چیز قادر است بدان

مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا ۗ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

[ای که گیری به غیر حق مولا] می‌دانی تو این سخن آیا؟
ملک ارض و سماست زان خداغیر او نیست یار بهر شما

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

دوست دارید پرستی آریده رسولی که نزد خود دارید
آنچنان پرستی که از موسی‌داشتند [آن گروه بی پروا]
هر که بگزید کفر بر ایمان‌گمره است و به راه بد پویان

أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَن يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

بین اهل کتاب بسیارندکز ره رشک آرزو دارند
که برون آوردن از دین بعد از آنکه بر آن کنید یقین
گر چه حق است بهرشان روشن بگذرید از خطایشان به سخن
تا رسد امر دیگری ز خداو خدا قادر است بر اشیا

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنفُسِهِم مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۖ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا ۚ حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هم نماز خدا به پاسازیدهم زکات خدا بپردازید
هر چه نیکی به خود کنی تقدیم‌یابی آن را به نزد حق قدیم
به یقین آن خدای بی هم‌تاهست بر کارهایتان بینا

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

سخن اهل کتاب را این بودکه به غیر از مسیحیان و یهود
نرود هیچکس دگر به جنان این بود آرزوی باطلشان
گو دلیلی بیاورید پدیداگر از جمع راستگویانید

وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرَىٰ ۚ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ۚ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

هر که آورد رو به سوی خداگر نکوکار بود در دنیا
اجرشان ثابت است نزد خدانیست حزن و هراس ایشان را

بَلَىٰ ۚ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِندَ رَبِّهِ ۖ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتْ التَّصْرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ
التَّصْرَىٰ لَيْسَتْ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ^ق
كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

هم نصارا به قول اهل يهودبود بی اعتبار و هیچ نبود
هم یهودان به قول نصرانی هیچ و پوچند و [غرق نادانی
گر چه آنان کتاب می خوانندیکدیگر را کسی نمی دانند
این چنین گفته اند نادانان پس خدا حاکم است بر آنان
چون به روز حساب رو آرند آنچه در آن خلافا دارند

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ
وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا
خَافِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ
عَظِيمٌ

کیست ظالمتر از کسی که کند منع ذکر خدا به هر معبد
منع ذکر خدا به مسجد راسعی هم بر خرابی آنها
این چنین کس به ساحت مسجد جز به خوفی نمی شود وارد
اجر دنیای اوست خواری و بیم هم به روز جزا عذاب عظیم

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ
اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

شرق و غرب جهان از آن خداست هر کجا رو کنی خدا
آنجاست
هم محیط است بر جهان عظیم هم به سرو نهان اوست علیم

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ^ط بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَنِينٌ

گفته اند اینکه خالق سبحان ولدی بر گرفته [چون انسان
بهر او هست آسمان و زمین همه در راه او نهاده جبین

بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ
كُنْ فَيَكُونُ

ساخت از هیچ آسمانها را هم زمین شد به امر او پیدا
چون به امری گذشت حکم احد چونکه فرمود باش پس باشد

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا^ظ آيَةً
كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَبَّهَتْ^ظ قُلُوبُهُمْ
قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

گفت نادان جماعتی که چرا هیچ با ما سخن نگفت خدا؟
یا چرا بهر ما نداد نشان؟ پیش از این نیز گفته اند چنان
قلب ایشان و مردم پیشین شد مشابه به یکدیگر به یقین
ما بیان کرده ایم آیت دین بهر آنان که آورند یقین

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ
أَصْحَابِ الْجَحِيمِ

تو رسولی به حق بشیر و نذیر و نه مسئول ساکنان سعیر

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۚ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۚ وَلَئِنَّ آتَابِعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

این نصارا و این گروه یهود نیستند این زمان ز تو خشنود
جز که پیرو شوی به باورشان گو هدایت مراست از یزدان
گر شوی پیرو هوسهایشان بعد از آنکه که آگهی از آن
[گر نباشی به راه حق قدیر] نیست از حق ترا ولی و نصیر

الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ ۖ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۚ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ ۖ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

به کسانی که داده ایم کتاب هم تلاوت کنند خوب و صواب
این جماعات اهل ایمانند کافران نیز اهل خسرانند

يَبْنَئِ إِسْرَءِيلَ أَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

آل یعقوب نعمتم یاد آر که به اهل جهان شدی سالار

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفْعَةُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

خوف کن زان زمان که دادرسی ندهد کیفر کسی به کسی
نه عدیل و شفاعت است آنجا هم نه یاری شوند اهل خطا

وَإِذْ أَتَاكَ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۖ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۖ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ

چونکه پروردگار ابراهیم امتحان کرد کار ابراهیم
آزمون را خدای کرد تمام ساختش از برای خلق امام
گفت رهبر شوند ولدانم گفت ظالم کجا و پیمانم

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

کعبه را مرجعی بنا کردم مأمن خلق آن سرا کردم
کن گزین از مقام ابراهیم هم نیایشگاهی [به یاد قدیم
هم براهیم و نیز اسماعیل عهد کردند با خدای جلیل
که بدارند پاک بیت و دودبهر طوف و رکوع و عکف و سجود

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ ۖ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

یاد آر آن زمان که گفت خلیل هم در این شهر با خدای جلیل
که به این شهر بخش امن و امان رزق اهلش بده ز حاصل آن
آنکه را هست معتقد به خدائیز مؤمن بود به روز جزا
گفت آن کس که بود در کفران بهره ی او کنیم در نقصان
پس در آتش در آرمش به عذاب هم سر انجام او بد است و
خراب

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا
تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

پایه‌ی بیت حق چو ساخت خلیل‌یاورش در تلاش اسماعیل
گفت یا ربّ تو این ز ما پذیرای خدا هم تویی سمیع و خبیر

۱۲۸

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ
وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

ای خدا ما و عترت ما را اهل اسلام کن برای خدا
هم نشان ده به ما مناسکمان‌توبه ما پذیر ای یزدان
که تویی بر گناه توبه‌پذیر و تویی مهربان به عبد و مجیر

۱۲۹

رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ

ای خدا در میان عترتمان‌کن گزینش کسی هم از آنان
خواند آیات حق به عترت محکمت آموزد و کتاب خدا
هم کند پاک جان ایشان را و توانا تویی و هم دانا

۱۳۰
۱۷۲

وَمَنْ يَرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ
أَصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

هیچکس برنگشت از این کیش‌غیر آنکه سفیه دارد خویش
برگزیدم خلیل را به جهان‌در قیامت هم اوست از نیکان

۱۳۱

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

گفت پروردگار ابراهیم‌که به اسلام حق شود تسلیم
گفت اسلام آورم از جان‌بهر پروردگار عالمیان

۱۳۲

وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَبْنِي إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ
لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ

نسل خود هم به راه حی و دودهم‌چو یعقوب توصیت فرمود
که خدا دین برایتان بگزیدجز به اسلام از جهان نروید

۱۳۳

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا
تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ
إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ
مُسْلِمُونَ

یا گواهید چون به موت افتادگفت یعقوب با همه اولاد
چه پرستید بعد من؟ گفتندمی‌پرستیم کردگار بلند
آنکه معبود بر تو بود و خلیل‌نیز اسحاق و نیز اسماعیل
آن خدایی که هست فرد و قدیم‌نیز ماییم در رهش تسلیم

۱۳۴

تِلْكَ أُمَمٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ
وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

امتی رفت و ماند از او آثار از شما هم بجای ماند کار
زانچه اعمال هشته‌اند به جانیست مسئول آن کسی ز شما

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

و بگفتندتان به راه هدایا یهودی شوید یا ترسا
گو که ناب است دین ابراهیم دور از شرک بر خدای عظیم

و بگویند مؤمنیم اینجابه خدا و آنچه نازل است به ما
و آنچه نازل شدست بهر خلیل نیز اسحاق یا که اسماعیل
نیز یعقوب و عترت او راو آنچه آمد به موسی و عیسی
و آنچه بر انبیا ز سوی خدا [گشت نازل به راه دین خدا]
نیست فرقی در انبیای عظاما گزیدیم بهر حق اسلام

قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ
وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ
مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

۱۳۶

گر که مؤمن شوند همچو شماره یابند بر طریق خدا
ور بیچند سر ز راه خدای شوند از طریق خیر جدا
بس بود دفع شر آنان را کردگار سمیع و هم دانا

فَإِنْ ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ بِهِ ۖ فَقَدِ اهْتَدَوْا ۖ وَإِنْ تَوَلَّوْا
فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ ۖ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ

۱۳۷

بهرتر از رنگ حق کجاست کجا؟ ما عبادت کنیم بهر خدا

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً ۖ وَنَحْنُ لَهُ
عَبِيدُونَ

۱۳۸

در خدا می کنی جدل با ما اوست پروردگار ما و شما
بهر ما نیست جز عمل از مانیز بهر شماست کار شما
[اجر هر کس دهد خدای وحید] ما به حق خالصیم در توحید

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَلُنَا
وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ

۱۳۹

یا بگویند بوده است خلیل نیز اسحاق نیز اسماعیل
نیز یعقوب و عترت او بودیا نصاری و یا ز قوم یهود
گو شما بیشتر شدید آگاه؟ [از چنین سر گذشت یا الله
کیست ظالمتر از کسی که نهفت خود گواهی ز حق و هیچ
نگفت
نیست پروردگار بی همتا غافل از آنچه می کنید شما

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ
ۚ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

۱۴۰

امتی رفت و ماند از او آثار از شما هم به جای ماند کار
و آنچه اعمال هشته اند به جانیست مسئول آن کسی ز شما

تِلْكَ أُمَمٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ
وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۴۱

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي
كَانُوا عَلَيْهَا قُلٌ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

زود گویند نادانان که چه گرداند قبله‌ی آنان
که به آن داشتند روی دعاگو که شرق است و غرب از آن
خدا
او هدایتگر است و هر کس خواست رهنمایی کند سوی ره
راست

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى
النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا
الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ
يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ
هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ
لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ

و شما را بساخت خالقان امتی شهره در میانه روان
تا به خلق خدا شوید گواه هم گواه شما رسول الله
ما برگردانده ایم قبله‌ی خویش که به آن روی داشتی از پیش
تا مطیع رسول بشناسیم زان که برگردد از ره تسلیم
این گران است و سخت بر هر فرد جز کسی را که حق
هدایت کرد
نشود ضایع از شما باور که خدا هست مهربان به بشر

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً
تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا
كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا
يَعْمَلُونَ

روی گرداندن تو را دیدیم در سپهر [و ترا پسندیدیم
قبله‌ای تا کند تو را خشنود روی کن سوی کعبه‌ی مقصود
هر کجا بید روی گردانید سوی بیت الحرام [اگر دانید]
آنکه بهرش عطا کتاب هداست خوب داند که حق ز سوی
خداست
[و آنکه این امر را کند پنهان نیست غافل ز کار او یزدان

وَلَيْنِ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا
قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبَلَتِهِمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ
بَعْضٍ وَلَيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ
الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

گر که این دسته را ز اهل کتاب دهی آیات [روشن از هر
باب
قبله‌ات را نمی‌شود تابع نه تو گردی به قبله‌اش راجع
کس ندارد متابعت ز کسی‌گر کنی پیروی تو از هوسی
بعد از آن کز خبر شدی آگاه تو هم اهل ستم شوی آنگاه

الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ^ط
وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

آنکه را داده‌ام کتاب و نشان می‌شناسد به مثل فرزندان
عده‌ای زان کسان کند مکتوم‌گر چه حق است نزدشان معلوم

الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

حق بود نزد قادر مطلق پس مکن شکّ و شبهه‌ای در حق

وَلِكُلِّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيَهَا^ط فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا
تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ

بهر هر قوم قبله‌ای شایدسوی خیرات سبقتی باید
هر کجایید حق برد همه را بر همه چیز قادر است خدا

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ^ط
وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ^ط وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

و به هر ره که می‌شوی پویان هر کجایی به کعبه رو گردان
به یقین راستی بود ز خدانیست غافل خدا ز کار شما

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ^ط
وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ^ط لِئَلَّا يَكُونَ
لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا
تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تُمَيِّعْ عَلَيَّكُمْ وَلَعَلَّكُمْ
تَهْتَدُونَ

و به هر ره که می‌شوی پویان هر کجایی به کعبه رو گردان
هر کجایید روی گردانیدسوی بیت الحرام [اگر دانید]
تا نباشد ز مردم نادان به زیان شما ره برهان
جز ستم پیشگان [طعن زدن و ستمگر ترس بل از من
گشت تکمیل نعمتم به شما شاید آید در طریق خدا

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِنَا
وَيُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا
لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

ما فرستاده‌ایم سوی شماوز میان شما رسولی را
تا تلاوت کند برای شما آیه‌های کتاب و قرآن را
هم کند پاک جاتان از بدهم کتاب و حکم بیاموزد
این زمان یادتان دهد ره دین که ندانسته‌اید پیش از این

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ

پس بدارید ذکر و یاد مرا من هم اینگونه‌ام به یاد شما
شکر از بهر من بجا آریدراه کتمان و کفر مسپارید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ
مَعَ الصَّابِرِينَ

ای کسانی که اهل ایمانیداز نیایش مدد فراخوانید
صبر هم چون دعا مددکار است و خدا بهر صابران یار است

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أَحْيَاءٌ
وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ

وَلَتَبْلُغَنَّكُمْ بَشَىٰ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ
الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْمُهْتَدُونَ

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ ۖ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ
اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا ۚ وَمَن تَطَوَّعَ
خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِن
بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ
وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ
وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ
اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ

وَاللَّهُكُمْ إِلَهٌُ وَاحِدٌ ۖ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

آنکه او کشته در طریق خداست از چه خوانید مرده کز
احیاست
[گر چه در بین خلق نیست پدید]لیک این نکته را نمی‌دانید

خوف و جوع است آزمایش‌تان نیز نقصان ز مال یا کز جان
یا به نقصان حاصل [دنیا]پس بشارت بده شکیبا را

در مصیبت بود چنین گویا از خداییم و سوی او پویا

صلوات خداست آنان را راه ایشان بود طریق هدا

مروه است و صفا نشانه‌ی حق‌هر که را بود حج خانه‌ی حق
یا که در عمره بود نیست گناه‌که کند سعی و طوف این دو به
راه
هر که فرمان حق کند اجرا پس خدا شاکر است و هم دانا

مردمی را که می‌کنند نهان آنچه دادم ز بیانات و نشان
وز هدایت که ساختیم بیان از نزول کتاب بر ایشان
هم خدا می‌کند بر او نفرین هم دگر لاعنان کنند چنین

غیر آنکس که توبه کرد ز جان‌وز بهی حق به خلق ساخت
عیان
مهر ورزد به بنده حی قدیر حق بود مهربان و توبه‌پذیر

آن کسی را که راه کفر سپردنیز در راه کفر و عصیان مرد
هست لعنت برای او کيفراز خدا و فرشتگان و بشر

جاودان در عذاب بی کم و کاست و نه وقتی ز مهلت آنان
راست

هست معبودتان خدای احدفرد و بخشنده است و بخشاید

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ
اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ
الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

۲۰
بقره
۱۶۴
۲۸۶
۲۱۲

به یقین خلقت سپهر و زمین آمد و رفت روز و شب چندین
خلقت کشتی روان دریم و آنچه زان سود می برد آدم
و آنچه آب آورد خدا ز سماتا کند ارض مرده را احیا
انتشار دواب در همه جاگردش باد و ابر بین هوا
از خدای جهان نشان داردبهر قومی که هست اهل خرد

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ
كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ
ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ
شَدِيدُ الْعَذَابِ

۱۶۵

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ
وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ

۱۶۶

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا
مِنَّا كَذَلِكَ يُلْهِمُهُمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ
بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ

۱۶۷

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا
خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

۱۶۸
۲۲۲

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا
لَا تَعْلَمُونَ

۱۶۹

مردمی بر خدا گرفت رقیب چون خدا هم به خویش ساخت
حبیب
مؤمنان را محبتی است اشدبهر پروردگار حی صمد
آن کسانی که ظلم ورزیدند چون عذاب خدای را دیدند
خوب دانند کز خداست توان و شدید است کیفر یزدان

آن زمان پیروان اهل بوار هست از آن قوم رهبران بیزار
بیند این قوم از خدای عذاب هم شود قطع از آن گروه
اسباب

آن کسانی که پیروی کردند فاش گویند اگر که برگردند
اهل ایمان شوند و هم بیزار از آن که امروزشان نباشد یار
آنچنان می دهد خدای نشان کارشان بافسوس بر ایشان
[کو کسانی که بهرشان یارند] تا کز آتش برونشان آرند

ایها الناس برخورید از خاک هر چه را کان حلال باشد و پاک
تابع گام اهرمن نشویدبهرتان زو عدواتی است پدید

زوست فرمان به زشتی و فحشانی ز تهمت به حق زدن به خطا

هر زمان گفته شد کنید قبول آنچه از کردگار یافت نزول گفته‌اند اینکه پیروی ما راهست از یافته‌هایی از آبا گر چه آنان ز عقل مهجورندوز طریق هدا و حق دورند

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَٰئِكَ كَانَ عَابَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

۱۷۱

مثل کافران به مثل کسی است که ورا بانک و داد ملتسمی است نیستش بهر غیر بانگ بلندکر و کورند و گنگ و بی‌خردند

وَمَثَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمْىٰ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

۱۷۲

ای کسانی که آورید ایمانز آنچه ما ساختیم روزی‌تان بخورید و به شکر روی آریدگر پرستش برای حق دارید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

۱۷۳

میته و خون و خوک و آنچه وراموقع ذبح نیست نام خدا کرد تحریم بر شما یزدان‌جز گه اضطرار بی طغیان نیست دارای اضطرار ائیم و خداوند غافر است و رحیم

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنِزِيرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لَعِغِيرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۷۴

آن گروهی که می‌کند کتمان آنچه آورد در کتب یزدان می‌فروشد آن به قیمت کم نبود غیر نارشان به شکم پس به روز جزا گه عقابح نگوید کلامی آنان را و نه از لوث و عیب پاک شونداهل تعذیب دردناک شوند

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۷۵

آن کسان راست بهره گمراهی‌داده از کف هدا و آگاهی مغفرت داده بر عذاب دچارچه شکیبایی آورند به نار

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ

۱۷۶

این بود ز انکه قادر مطلق می‌فرستد کتاب را بر حق قوم ناسازگار از این گفتاربه ستیزی بعید گشت دچار

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ
وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَأَبْنَى السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ
وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا
وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ ۗ أُولَٰئِكَ
الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

نیست خوبی که روی گردانید جانب شرق و غرب [اگر دانید]
بلکه خوبی است کاورید ایمان به خدا و فرشته و یزدان
به کتاب و به انبیا یکسره حساب و به عالم دیگر
هست خوبی که بذل مال کنند در رضای خدا به خویشاوند
به یتیم و فقیر و ابن سبیل هم به اهل سؤال و عبد ذلیل
هست نیکی قیام بهر صلاه است خوبی ادای دین و زکوة
هست خوبی وفا به عهد و شکیب آن زمان کز تعب توراست
نصیب
راستگويان واقعی اینند اهل پرهیز و زهد در دینند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ
الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ
مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَنٍ ۗ
ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ۖ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ
فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای کسانی که آورید یقین حکمتان در قصاص هست چنین
حر به حر است چونکه گشت قتل زن به زن عبد عبد راست
عدیل
گر کسی هم گذشت کرد بر او بایش پیروی ز راه نکو
هم ادای دیت بود احسن لطف و تخفیف هست از ذو المن
گر تعدی کند کسی پس از آن کیفر او بود عذاب گران

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَّأُولَى الْأَلْبَبِ لَعَلَّكُمْ
تَتَّقُونَ

در قصاص است زندگانی تان صاحبان خرد بدانید آن
[مکنید از ره خرد تردید] شاید ای قوم رستگار شوید

كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا
الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ ۚ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

شد نوشته به مؤمنین که اگر یافتند از حضور مرگ خبر
در حق باب و مام و خویشاوند خوب و شایان وصیتی بنهند
[کار اهل ره یقین این است مؤمنین حق به متقین این است

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ
يُبَدِّلُونَهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

کس چو بشنید آن وصیت را اگر عوض کرد مطلب موصی
در حقیقت مبدل است ائیم به یقین حق بود سمیع و علیم

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوَصِّ جَنْفًا أَوْ إِيْثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا
إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ
عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ
فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ
مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا
خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ
وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ
فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ
أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْتُكُمْ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ
إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

گر بترسد که آن بود بی راه یا طرفداری است یا که گناه
به تراضی جمع کار کنند بینشان صلح اختیار کنند
هیچ کس زین رویه نیست ائیمهم خداوند غافر است و
رحیم

ای کسانی که مؤمنید به ما روزه مکتوب شد برای شما
نیز پیش از شماست بر اقوام فرض امساک روزه های میام
شاید از آن شوید با تقوی

چند روزی است روزه های شما
هر که باشد مریض یا به سفر صوم او هست روزه های دگر
و آنکه طاقت نداشت بهر میام به فقیری دهد به فدیة طعام
هر که با طوع کرد کار نکوبیشتر خیر می دهند به او
روزه خیر است از برای شماگر شما بید آگه و دانا

[ماه صوم است این مه رمضان آنکه نازل بود در آن قرآن
بهر مردم هدایت ایمان بینات هدایت و فرقان
هر که یابد ز فیض این مه بهر بایدش حکم روزه در این
شهر
و آنکه باشد مریض یا به سفر صوم او هست روزه های دگر
به تو خواهد خدا سهولت و یسر حق نخواهد به تو صعوبت و
عسر
کامل این روزه های خود سازیدو به تکبیر حق بپردازید
چون خدا راه را نمود پدید شاید اهل سپاس او باشید

چون بپرسند بندگان از من منم اینک به نزدتان [به ز من
دعوت بنده را جواب کنم چون دعا کرد مستجاب کنم
بپذیرند دین و دعوت من راه یابند بر هدایت من

أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا ۚ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ ءَايَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

۲۰
بقره
۱۸۷
/۲۸۶

در شب ماه روزه گشت حلال رفتن زوجه [چون بقیه سال جامه‌ای بر شماست همسران هم شما باید جامه بر آنان می‌شکستید چون به خود پیمان مهر آورد بر شما یزدان حق ببخشیدتان جماع نسا [پس مدارید از این عمل پروا] و بخواه آنچه حکم یزدان داد اکل و شرب شما بود آزاد [تا زمان سحر] که تار سپید شود از رشته سیاه پدید روزه را تا به شب کنید تمام این چنین تا به سلخ ماه میام هم مشو در ره رفتن وارد چون شوی معتکف تو در مسجد آن حدود خداست [پس باریک به حدود خدا مشو نزدیک کند آیات حق به خلق بیان تا که تقوا گزین کنند آنان

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۱۸۸

به خطا ملک و مال را مخورید هم به نزدیک حاکمان مبرید پس مخور مال مردمان به گناه و شما باید از این خطا آگاه

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۱۸۹
حزب
۱۲
۲۵۹

از تو پرسند چیست سود هلال؟ گو که میقات حج و هم مه و سال نیست خیری در این طریقه که کس وارد خانه‌ها شود از پس لیک خوب است این که با آداب داخل خانه‌ها شوید از باب اهل تقوا ای کردگار شوید شاید ای قوم رستگار شوید

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

۱۹۰

جنگ آرید در طریق خدایه کسی کاید او به جنگ شما متجاوز مشو [به حق بشر] نیست حق یار با تجاوزگر

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ
أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقْتُلُوهُمْ عِنْدَ
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقْتَلُوا فِيهِ ۖ فَإِنْ قَتَلُوكُمْ
فَأَقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

بکشید آن گروه بی پروا هر کجا یافتید آنان را
هم بر آریدشان از آن بلدان که شما را برون کنند از آن
فتنه باشد شدیدتر از قتل حرمت کعبه را مبر از قتل
در حرم کن ز جنگ و کین پروا که جنگ آورند در آنجا
بکشید آن زمانشان ناچار این چنین است کیفر کفار

فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

گر که باز ایستند از پیکار حق خطا بخش باشد و غفار

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ ۚ فَإِنْ
أَنْتَهُوا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ

جنگ آرید تا که فتنه ز پا افتد و دین شود برای خدا
گر که باز ایستند جنگ و غزانیست الا به اهل ظلم روا

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ ۚ فَمَنْ
أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَى
عَلَيْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

هست شهر حرام بهر حرام جائز آید قصاص شهر حرام
متجاوز شوند اگر آنان پس تجاوز کنید چون ایشان
اهل تقوی شوید و هم داناکه خدا هست یار اهل تقا

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ
وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

به طریق خدا بپردازید خویش را در فنا میندازید
کار نیکو کنید و هم احسان دوست با محسنین بود یزدان

وَاتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ
الْهَدْيِ ۚ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ ۚ
فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّنْ رَّأْسِهِ ۖ فَفِدْيَةٌ
مِّنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ۚ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ
بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ
فَصِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ ۚ تِلْكَ عَشْرَةٌ
كَامِلَةٌ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

[چون برای حق اهتمام کنید] حج و هم عمره را تمام کنید
اگر از ترس جان شدی محصور ذبح کن هدی هر چه شد
مقدور
متراشید سر مگر حیوان بشود در محل خود قربان
هر که باشد دچار بیماری که تراشد سرش به ناچاری
روزه یا گوسفند کفاره است هم تصدق به جرم او چاره است
چونکه ایمن شوید از هر بدانکه در ختم عمره حج آرد
بایدش ذبح کرد یک حیوان هر چه مقدور بود از قربان
ور نیابد کسی سه روز میام واجب آید بر او در آن ایام
چونکه برگشت هفت روز دگرتا که آن روزه ها شوند عشر
این بود حکم آن کسی که عیال نیست او را به مکه در آن
حال
اهل پرهیز و با خبر باشید که عذاب خدا بسی است شدید

الْحُجَّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ
وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ
يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ
يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ

وقت حج ماههای معلوم است هر که دانست فرض محکوم
است
دور ماند در آن مقام و مجال از رفث وز فسوق هم ز جدال
آنچه انجام می‌دهید از خیر حق بداند و گر نداند غیر
زاد گیرید در طریق خدا بهترین زاد و توشه شد تقوی
[بهر تقوای حق شوید مرید] ای کسانی که پیرو خریدید

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا
أَفْضَيْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ
وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمَنِ
الضَّالِّينَ

نیست بهر شما گناه و خطاکه بخواهید نعمتی ز خدا
چونکه کردید کوچ از عرفات ذکر حق کن به معشر این میقات
ذکر او کن که راه داد نشان پیش از این گر بدی ز گمراهان

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

لازم آید شوی روان پس از آن هر کجا دیگران شوند روان
و خداوند را کن استغفار آن خدای رحیم و هم غفار

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ
ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا
فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ

چونکه آداب حج تمام کنید یاد خالق در آن مقام کنید
آنچنانکه کنید یاد پدر بلکه از یاد باب هم بهتر
بعضی از مردمان کنند دعا که خدا ده به ما تو در دنیا
[حق دنیا فقط به جا آرند] از قیامت چه بهره‌ای دارند

وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

لیک برخی دعا کنند چنین که به دنیا و روز بازپسین
کن عطا لطف و خیرت ای دادار و نگهدارمان ز کیفر نار

أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

بهرشان ز آنچه کرده‌اند نصیب دهد آن خالق سریع حساب

وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ تُحْشَرُونَ

روزهایی که بر شماست عیان‌یاد آرید از خدای جهان هر که او بر دو روز داشت شتاب‌بهر او نیست هیچ جرم و عذاب و آنکه او در سه روز داشت نگاه‌نیز از بهر او نبود گناه اهل تقوی شوید و اهل شعور که شما باید سوی حق محشور

۲۰۴

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۖ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ

برخی از خلق در حیات جهان در شگفت افکند تو را ز بیان بر دل و جان گواه گیرد حق‌گر چه او هست دشمن مطلق

۲۰۵

وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ

چونکه برگشت داشت سعی تمام‌تا کند در زمین فساد مدام کشت و نسل بشر کشد به فساد و خدا دوست نیست با افساد

۲۰۶

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ ۖ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ

گفته شد چونکه خویش دار نگاه‌از تعصب در اوفتد به گناه بهر او آتش جحیم بس است‌و‌ان چه بد جایگه برای کس است

۲۰۷

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ أُتْبَعَاءَ مَرْضَاتٍ ۖ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

برخی از خلق در رضای خداجان خود را دهد به بیع و شرا [چونکه تا پای جان به حق استاد] هم خدا هست مهربان به عباد

۲۰۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

ای کسانی که آورید ایمان‌پس در آیین سلم را همگان پیرو گام اهرمن نشوید‌او عدوی شماست بی‌تردید

۲۰۹

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

بعد از آن کاوریدتان آیات‌گر بلغزید از طریق نجات پس بدانید اینکه حق عظیم‌هست در کارها عزیز و حکیم

۲۱۰

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ ۚ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

چشم دارند از سما آیابا ملائک رسد ز ابر خدا؟ قضی الامر و کارها شد جور‌باز گردد به حق جمیع امور

سَلِّ بَنِي إِسْرَءِيلَ كَمَا ءَاتَيْنَهُمْ مِّنْ ءَايَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

ز آل یعقوب پرس چند نشان به شما داده ایم و گشته بیان [هست آیات خیر و رحمت حق هر که تغییر داد نعمت حق بعد از آنکه که یافتست خبرپس خدا سخت می‌دهد کیفر

زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

بهر کفار داده است خدازینت زندگانی دنیا سخره دارند از این به اهل یقین که شما را حیات نیست چنین
گر کسی اهل دین و تقوی شدچون به عقبا رسید والا شد حق به هر کس که خواست [از هر باب رزق و روزی دهد به غیر حساب

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

خلق بودند امتی یکتاپس بر انگیخت حق رسولان را تا به مردم دهند بیم و امیدبهر آنان کتاب حق برسید تا کند داوری به خلق جهان آنچه بودست اختلاف در آن چونکه آمد به سوی خلق نشان پس از آن اختلاف گشت عیان آن کسانی که آورند ایمان اختلافی اگر کنند در آن بهرشان از خدای بود هدااین عطا بودشان به اذن خدا حق بود رهنمای هر کس خواستدر طریق هدایت و ره راست

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمْ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلاَ إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ

مردمان در گمان شدید آیا؟ که در آید در بهشت خدا نرسیدست بر شما آن حال زان جماعت که بود در زلزال در گذشتند پیشتر ز شما بهرشان بود بیش رنج و عنا آنچنان که رسول و اهل یقین به حق اظهار داشتند چنین یاری حق کجاست؟ گفت مجیب به یقین یاری خداست قریب

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

از تو پرسند خلق از احسان گو که هر کار خیر باشد آن هست از باب و مام و مردم خویش از یتیم و مسافر و درویش
هر که انجام داد کار نکوبه یقین خالق است آگه از او

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ
تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا
وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ
كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ
الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ
إِنْ أَسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ
كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ
وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ
مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ
لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

بهرتان فرض گشته است غزاوین خوشایند نیست بهر شما
ای بسا کار ناخوشایند است و در آن خیر و نعمتی چند است
وی بسا خوب می‌رسد به نظر که در آن هیچ نیست غیر از شر
از همه آگه است رب مجید [همه چیزی شما نمی‌دانید]

از تو پرسند جنگ ماه حرام‌گو که این معبر است راه حرام
سد راه خدا و کفر به او هتک بیت عظیم نیست نکو
هست اخراج اهل آن اکبرفته باشد ز قتل هم بدتر
کافرانند در قتال مدام با شما در جدال بی‌آرام
تا که از دین حق بگردانند مؤمنین را اگر که بتوانند
هر که برگشت از ره ایمان پس بمیرد به کفر در کفران
کارشان شد تباه در دو جهان یار نارند و جاودانه در آن

مؤمنان و مهاجران به عنانیز رزمندگان راه خدا
همه را رحمت خداست رجاهم غفورست و هم رحیم خدا

از تو پرسند از شراب و قمارگو در اینهاست معصیت بسیار
گر چه دارند سود بهر بشر هست اما گناه آن بدتر
وز تو پرسند خلق از احسان‌گوی هر چیز زاید آید آن
به شما حق چنان نمود پدیدآیه‌هایش مگر بیندیشید

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الَّتِي مَنَعَتْ قُلَّ إِصْلَاحٍ
لَّهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ
مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ
مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ
يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ
أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ
بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ ءَايَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ
فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ
فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ
وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا
لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّلَقَوهُ وَبَشِّرِ
الْمُؤْمِنِينَ

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا
وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

بهر دنیا و آخرت شاید [کادمی در ره خرد آید]

از تو پرسند از یتیم اگرگو که اصلاح کارشان بهتر

ور به ایتم هم در آمیزید چون برادر [قرین پرهیزید]

می‌شناسد ز مفسدان مصلح حق [که بر اوست چیزها واضح

افکند حق به رنجتان گر خواست به یقین حق عزیز و هم

دانااست

مستان مشرکات را به نکاح مگر آیند در طریق فلاح

برده‌ی مؤمنه ز مشرک به‌گر چه تحسین کنی ز دست بده

بهر مشرک مرو به قید نکاح مگر آید به راه دین و فلاح

مؤمن برده هم ز مشرک به‌گر چه تحسین کنی ز دست بده

دعوت می‌کنند بر نیران و خدا می‌برد بسوی جنان

نیز بخشنده گناه و خطاست هم ره مغفرت به اذن خداست

آیه‌هایش به خلق کرد بیان شاید این قوم پند گیرد از آن

از تو پرسند از محیض بگو که زیان و اذیت است در او

از زنان در محیض دور شوید مگر آنکه که طهر گشت پدید

هم پس از طهر از آن طریق روید که به آن امر کرد حی مجید

مهر ورزد خدا به توبه کنان هم به پاکان [پاک جسم و روان

زوجه‌ها کشتگاه شد به شما هر زمان خواستی به کشت در آ

بفرستید بهر خویش از پیش‌راه تقوا گزین کنید به خویش

و بدانید خویش را حق بین و بشارت بده به اهل یقین

و مسازید [از ره ترفند] نام حق را بهانه در سوگند

بهر تقوا و نیکی و اصلاح بین مردم به راه خیر و صلاح

[این عیان است نزد حی کریم و خدا هم بود سمیع و علیم

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

باز خواهی نمی‌کند ز شما بهر سوگندهای لغو خدا
باز خواهی کند ولی ز شما آنچه را کسب می‌کند دلها
اوست بخشنده‌ی گناه کسان و حلیم است و مهربان یزدان

لِلَّذِينَ يُؤُولُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

آن کسانی که می‌کنند ایلاچار ماه است انتظار نسا
گر که برگشت شخص از تصمیم‌پس خدا نیز غافر است و
رحیم

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ورکه خواهد شود ز زوجه جدا هم سمیع است حق و هم دانا

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

به زنان مطلقه باید که سه مهر تمام سر آید
نیست جائز زنی کند پنهان آنچه سازد در او خدای جهان
گر که او معتقد بود به خدائیز دارد یقین به روز جزا
گر ره صلح شوهر او خواست در چنان دوره نیز زن او راست
بهر زن گر نوشته شد تکلیف نیز حق بر اوست بی تخفیف
و مزیت بود به زن شور او خدا قادر است و هم دانا

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

شد جدایی زن دوبار روایا نگهدار یا بساز رها
یا نگه داشتن به وجه نکویا به خوبی جدا شدن از او
نیست جائز کز او بگیرد باز آنچه را داده‌ای به او ز آغاز
غیر جایی که حق فتد به خطر [هست جائز برای دفع ضرر]
گر زیان می‌رسد به حق و به حدهست جائز که زوجه فدیہ
دهد

نیست اینجا بر آن دو زوج خطاپس تجاوز مکن به حد خدا
گر تجاوز کند کسی از حد اوست از ظالمین [به نزد احد]

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

چونکه اینان ز هم شوند جدانیست تزویجشان دوباره روا
جز که مردی دگر برد او را پس از آن ز هم شوند جدا
پس نباشد گناه بر آنان ازدواج مجدد ایشان
هست امید تا حدود خدا گردد از سعی مؤمنین بر پا
و بیان می‌شود حدود خدا بهر افراد عالم و دانا

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا
وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا عَآئِلَتِ
اللَّهِ هُزُوءًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ
عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

۲۲
بقره
۲۳۱
/۲۸۶

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ
يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ ۚ ذَلِكَ
يُوعِظُ بِهِ ۚ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
ذَلِكَ أَرْكَى لَكُمْ وَأَظْهَرُ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

۲۳۲
۳۱

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَدَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ
يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ ۚ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ
بِالْمَعْرُوفِ ۚ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ
بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ ۚ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ ۚ فَإِنْ
أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ
عَلَيْهِمَا ۚ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ
عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۲۳۳
حزب
۱۵

چون جدا گشته‌ای تو از همسرو رسد وقت عده نیز به سر
یا به طرزی نکو نگه دارش یا رهایش کن و میازارش
هر که راه جفا گرفت به پیش‌خود ستمکار شد به هستی
خویش
و به سخره مگیر آیت حق و به یاد آورید نعمت حق
زانچه نازل شدست بهر شما از حکم نیز از کتاب خدا
که در آن هست پند بهر شما نیز تقوا کنید بهر خدا
و بدانید ایزد یکتا بر همه چیزها بود دانا

چون جدا می‌شوید از همسرمی‌رسد وقت عده نیز به سر
پس مباشید بهرشان مانع‌که شود شوی زن به او راجع
چون به خوبی موافقت کردنداین سخن هست بهر مردم پند
آنکه دارد به کردگار یقین‌نیز ایمان به روز باز پسین
بهرتان این کلام پاکتر استنه شما که خدای با خبر است

مادران در کمال بر فرزنده دو سال تمام شیر دهند
بر پدر واجب است روزیشان و لباسی که خوب باشد آن
نیست تکلیف ما به خلق روان‌جز به مقدار وسع و طاقتشان
نیست جائز به مادر و به پدرکه رساند به طفل خویش ضرر
[و اگر رفت باب او ز جهان بهر وارث وظیفه‌ای است چنان
گر کسی از طریق شور و رضاباز گیرد ز شیر کودک را
سپس او را به دایه‌ای سپرندهیج جرمی از این عمل نبرند
چونکه پرداختند حق کسان‌هیچ کس زین عمل نبرد زیان
اهل تقوی شوید و نیز خبریکه به کار شما خداست بصیر

وَالَّذِينَ يُتَوَقَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ
بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا
جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

زوجه‌ای را اگر بمیرد شوچار ماه و ده است عده بر او
چون رسد وقت او ز عده به سر هست آزاد بر نکاح دگر
راه معروف و خیر نیست گناه‌حق ز کردار خلق هست آگاه

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ
أَوْ أَكَنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ ۚ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ
وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۚ
وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ ۚ
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ ۚ وَأَعْلَمُوا
أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

خواستگاری کنید اگر ز نسابا کنایه گنه نشد ز شما
ورکه در ذهن خود نگه داریدحق بداند که آن به یاد آرید
و مبندید عقد و عهد نهان‌آورید از رهی نکو به زبان
مکنید این نکاح را اقدام‌مگر آنکه که عده گشت تمام
و بدانید حق بود داناز آنچه باشد درون جان شما
پس بترسید از حق و دانیدبا شکیب و غفور رب مجید

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ
تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ۚ وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ ۚ وَعَلَى
الْمُقْتَرِ قَدَرُهُ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ ۚ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ

زوجه‌ای گر نداشت مس و صداق‌نیست بر شو گناه کار طلاق
لیک باید دهند در آن حال‌هدیه‌هایی به قدر وسع از مال
این بود حق زوجه و یزدان‌کرد تکلیف بر نکوکاران

وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ
فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي
بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ ۚ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا
الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

زوجه‌ای را که بود مهر و صداق‌قبل از آمیزش ار دهند طلاق
می‌شود نصف مهر بهر زن‌ان‌جز به وقتی که بگذرند از آن
یا که خود بخشش آورد بر شویا کسی که ولی بود بر او
ور بخشی تمام مهر به زن‌بهر تقواست اقرب و احسن
نرود لطف هان ز یاد شماحق به کار شما بود بینا

حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ

جهد آرید از برای صلاه و نماز وسط هم از صلاه
با کمال خشوع برخیزید از برای خدای حی مجید

۲۳۹

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

پس سواره بخوان به گاه خطریا پیاده بخوان به وقت سفر
چونکه ایمن شدید از آن بیم پس بیاد آورید حی قدیم
به طریقی که یاد داد خداو نبودید پیش از آن دانا

۲۴۰

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَّعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

داری ای مرد بهر زوجه خویش وقت مردن وصیتی در پیش
که به یک سال خرجیش بدهندگر به مردی نباشدش پیوند
ور که تزویج کرد در آن سال نیست در آن گناه یا اشکال
[کار شایسته‌ای است دور از بیم و خدا هم عزیز هست و
حکیم

۲۴۱

وَالْمُطَلَّقَاتِ مَتَّعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

هست بهر مطلقات ضرور هدیهای مناسب و مقدور
وین که حق بود ز زن در آن فرض باشد برای متقیان

۲۴۲

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

بر شما حق بس آیه کرد پدیدشاید ای قوم اهل عقل شوید

۲۴۳

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

نشنیدی تو حال قومی را؟ که برون آمدند از ماوا
داشتند از جهاد یا وسواس آن هزاران نفر ز مرگ هراس
حق به آنان بداد حکم ممات و ز پس مرگشان بداد حیات
باشدش لطفها خدا با ناس اکثر خلق نیست اهل سپاس

حزب
۱۶
۲۳۳

۲۴۴

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

در طریق خدا برو به غزادان سمیع و بصیر خالق را

۲۴۵

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَأُضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصِطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

هر که وامی دهد برای خدا آن بود وام خیر در معنا
پس زیادش کند خدا بسیار دو برابر کند به چندین بار
قبض و بسط از خداست بی تردید باز گردید سوی حی مجید

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ اأُبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

آن شنیدی که مردمی درواز آل یعقوب از پس موسی به نبی زمان بگفت چنین که شهی بهر ما کنید گزین [تا که فرمانش آوریم به جا] بهر پیکار در طریق خدا گفت شاید اگر ره پیکار بهر تان شد نوشته از دادار سر بیچید گفته اند چرا؟ ما نجنگیم در طریق خدا کاین زمان گشته ایم بیچاره هم ز فرزند و خانه آواره جنگ چون فرض گشت بر آنان شد جماعت ز جنگ رو گردان جز که از بینشان گروهی کم هست آگاه حق به اهل ستم

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أُصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

گفت پیغمبر اینکه بهر شما پادشاهی گزیده ساخت خدا هست طالوت نام آن حاکم این چنین خواست ایزد عالم گفت امت چگونه او شه ماست که به زر بس ز ما بر او اولاست گفت کردش گزین حق ذو المن و ببخشید علم و نیروی تن حق دهد ملک خود به هر کس خواست و خدا فضل گستر و داناست

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ ءَالُ مُوسَى وَعَالُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

گفت پیغمبر اینکه بهر نشان آورد جعبه ای ز امن و امان یادگار آنچه مانده است به جال موسی و آل هارون را می کشندش فرشتگان خداو در آن آیتی است بهر شما [باید اکنون براه دین باشید] اگر از جمع مؤمنین باشید

۲۰
بقره
۲۴۹
/۲۸۶
۳۴ ر

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ
فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي
إِلَّا مَنْ أَغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ
فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا
الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُّلْقُوا
اللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَت فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ
وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

۲۵۰

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا
وَتَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَانْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

۲۵۱

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ
الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ
النَّاسَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو
فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ

۲۵۲

تِلْكَ ءَايَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ
الرُّسُلِينَ

چونکه طالوت رفت با آنان گفت دادار آزمایدتان
ز آب نهی که هر که نوشد از آن نیست از ما و امت رحمان
گر ننوشد به غیر یک کف دست اوست اهل من و از آن من
است
همه خوردند آب را افزون جز گروهی قلیل [در هامون
پس چو طالوت و جمع لشگریان بعد از این فتنه‌ها] گذشت
از آن
گفت جمعی ز لشکر طالوت نیست تاب نبرد با جالوت
لیک یک جمع تشنه‌ی دیدار با خدا داشت بهر جنگ اصرار
کای بسا فوج کم به اذن قدیرگشته پیروز بر سپاه کثیر
[پایداری کنید و صبر در آن که خدا هست با شکیبایان

بعد از آن حال لشکر طالوت شد مقابل به لشکر جالوت
گفت یا رب تو صبر ده ما را [در طریق نبرد با اعدا]
تو بکن گامهای ما استوار چیره کن جمع ما تو بر کفار

پس شکستندشان به اذن ودودکشت جالوت را سپس داود
و به او حکمت و حکومت راداد و ز علم هر چه خواست خدا
گر نمی‌کرد دفع شر کسان با گروهی دگر خدای جهان
این جهان بود در فساد امالطف دارد خدا خلائق را

آن نشانه‌ها که بر تو خواند خدا هست صدق و تویی رسول او
را

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ^ص
وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَعَاتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ
وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ^ق وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ
بَعْدِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا
فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ^ج وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا
أَقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ
يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفِيعَةٌ^ق وَالْكَافِرُونَ هُمُ
الظَّالِمُونَ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ^ج لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ^ج
لَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ^ق مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ
عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ^ع يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ^ص وَلَا
يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ^ج وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ^ص وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ^ص قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ^ج فَمَن يَكْفُرْ
بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا
انْفِصَامَ لَهَا^ط وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

زان رسل فضل داد برخی را بر گروه دگر ز لطف خدا
آن یکی را خدا متادا کرد دیگری را به رتبه والا کرد
حق به عیسی نشانه‌ها بخشیدوان به روح القدس شده تأیید
گر که می‌خواست حق نبود قتال بعد از آن [انبیای ذو الاجلال
] هر که زان بعد در حیات آمد[بعد از آنکه که بینات آمد
بود بس اختلاف در ایشان‌گاه در کفر و گاه در ایمان
گر نمی‌خواست حق نبی پیکار آنچه را خواست می‌کند دادار

ای کسانی که آورید ایمان‌بذل و احسان کنید روزی‌تان
پیش از آنکه که در رسد عقباکه نباشد مجال بیع و شرا
نه ره دوستی شفاعت هم‌کافرانند اهل ظلم و ستم

نیست معبود کس به غیر خدازنده و پایدار و پابرجا
نبرد خواب و بینکی او را و هموراست ملک ارض و سما
چه کسی می‌شود شفیع شمانزد او جز به اذن و حکم خدا
داند او کل آشکار و نهان‌حال و هم مامضای خلق جهان
کس به آگاهیش فرا نرسدجز که خواهد خدای حی و صمد
کرسی حکم او سپهر برین‌تا فرودین‌ترین نقاط زمین
نشود رنجه بهر حفظ جهان‌اوست والامقام و عالیشان

نیست اکراه بهر خلق به دین‌که ره از گم‌رهی شده تبیین
هر که ورزید کفر با طاغوت‌به خدا معتقد شد و لاهوت
به چنان دستگیره‌ای زد دست‌که بر آن نیست هیچ قطع و
گسست
شنود حق هر آنچه هست نداوز همه چیز آگه است خدا

اللَّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ ءَامَنُوا یُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
وَالَّذِینَ كَفَرُوا أَوْلِیَاؤُهُمُ الظَّالِمُونَ یُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ
إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیْهَا خَالِدُونَ

هر گروهی که اهل ایمان استحق مطلق ولی آنان است
به در آوردشان ز ظلمت‌ها به سوی روشنی [به رحمت‌ها]
نیز یاران کفر و هم کفران‌که بود سر پرستان شیطان
بدر آوردشان به سوی ظلم از ره نور [و علم و پند و حکم]
آن گروه تباہ [بی ایمان یار نارند و جاودانه در آن

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِی حَآجَّ إِبْرَاهِیمَ فِی رَبِّهِ أَنْ ءَاتَاهُ اللَّهُ
الْمُلْکَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِیمُ رَبِّی الَّذِی یُحِیْءُ وَیُمِیتُ قَالَ أَنَا
أَحِیٌّ وَأُمِیتُ قَالَ إِبْرَاهِیمُ فَإِنَّ اللَّهَ یَأْتِی بِالشَّمْسِ مِنَ
الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِی کَفَرَ وَاللَّهُ
لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ

تو ندیدی که داشت ابراهیم؟ گفتگو در وجود ربّ کریم
با کسی که شهیش داد خدا گفت ربّ من است آن مولا
که کند زنده و بمیراند گفت این شاه نیز بتواند
گفت پیغمبر خدا خور راسوی غرب آورد ز شرق خدا
گر توانی ز مغرب آر به درگشت مبهوت شاه و شد مضطر
نگشاید خدا در این عالم از هدایت دری به اهل ستم

أَوْ كَالَّذِی مَرَّ عَلَى قَرْیَةٍ وَهِيَ خَاوِیَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنِ
یُحِیْءَ هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةً عَامٍ ثُمَّ
بَعَثَهُ ۖ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ یَوْمًا أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ ۖ قَالَ
بَلْ لَبِثْتُ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظِرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ
یَتَسَنَّهْ ۖ وَأَنْظِرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ ءَايَةً لِلنَّاسِ ۖ وَأَنْظِرْ
إِلَى الْعِظَامِ كَیْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا ۖ فَلَمَّا تَبَيَّنَ
لَهُ ۖ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

یا همانند آن کسی که گذشت بر دهی سقف خفته در ره و
گشت
[کس نمانده ز ماجرا زنده استخوانهایشان پراکنده
گفت با خود چگونه زنده کنی این چنین مرده‌ها خدای احد
پس بمیراند صد سنه او را پس بر انگیخت [آن سخنگو را]
گفت ماندی به چند روز چنان؟ گفت یک روز یا که لختی زان
گفت صد سال مانده‌ای ایدر به طعام و شراب خود بنگر
که نگشته است آن خراب و تبا‌به خر خویش نیز کن تو نگاه
ما تو را ساختیم از برهان آیتی از برای خلق جهان
و نگه کن به استخوانهایش که نشانیم بر سر جایش
سپس آن را به گوشت پوشانیم پس چنین کرد حق به او
تفهیم
آن زمان گفت دانم اینکه خدا هست قادر به جمله‌ی اشیا

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۖ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ ۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَظْمِنَ قَلْبِي ۖ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا ۚ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

و زمانی که گفت ابراهیم تو نشانم ده ای خدای عظیم مرده‌ها را چگونه زنده کنی؟ [جسد مرده را رونده کنی گفت آیا نه‌ای تو بر ایمان؟ گفت قلبم بیابد اطمینان گفت بگیر از طیور چهارریز ریزش بکن [پس از کشتار] پس به هر کوه جزیی از آن نهو به آن جزءها ندا در ده تا شتابان به سوی تو آیندکه خدا قادر است و دانشمند

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةٌ حَبَّةٌ ۖ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

مثل آن کسی که از ارزاق می‌کند در طریق حق انفاق هست چون دانه‌ای کز و رویدهفت خوشه به دانه هر یک صد حق مضاعف کند به هر کس خواست و خدا واسع است و هم داناست

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبَعُونَ مِمَّا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آن کسانی که ثروت خود را بخشش آرند در طریق خدا هم ندارند در پی ایثارمتنی بهر مردم و آزار اجرشان هست نزد خالقشان نیست حزن و هراس بر ایشان

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ ۖ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ

سخن خوب و عفو مردم دان بهتر از کار بخشش و احسان که به آزار می‌شود تقدیم و خدا هست بی‌نیاز و حلیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۖ لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۖ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ای کسانی که آورید ایمان از چه باطل کنید هر احسان منت و هم اذیت مردم می‌کند کار بذل و احسان گم همچو آن کس که ثروت خود را کند انفاق در طریق ریا همچو یک تخته سنگ و بر آن خاکپس شود با نزول باران پاک پس نهد سنگ سخت را ستوارتوانند سود برد از کار نکند حق قادر و قاهر رهنمایی به مردم کافر

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ آتِبْعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا
مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ
أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلٌّ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و کسانی که با رضای خدا و به تثبیت خاطر و به رضا
میکنند از متاع خود احسان مثلش هست چون یکی بستان
که به باران شود بسی خرم جای او در زمین عالی هم
میوهی آن شود دو چندان همگر چه باران بباردش کم کم
و خداوند قادر یکتاهست بینا به کارهای شما

أَيُّودُ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ
الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضِعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ
فَأَحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ
تَتَفَكَّرُونَ

دوست دارد کس از شما آیا؟ که ز انگور و نیز از خرما
باشد از بهر او یکی بستان زیر اشجارش آبهای روان
میوهها جمله بر درخت عیان سن پیری و بهر او صبیان
ناگهان تند باد بر خیزد و آتشی از درون بر انگیزد
حق برای شما بیان دارد آیهها تا شوید اهل خرد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا
أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ۖ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ
تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ
اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

ای کسانی که آورید ایمان روزی پاک را کنید احسان
و آنچه بهر شماست از دل خاک و نبخشید حاصلی ناپاک
و آنچه را خویش نیز نستانید جز که در آن به غمض درمانید
و بدانید اینکه رب مجید از جهان است بی نیاز و حمید

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ ۗ وَاللَّهُ
يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

اهرم بر تو فقر مژده دهدنیز او امر میکند بر بد
و بود لطف و مغفرت ز خدا و خدا واسع است و هم دانا

يُوتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ
خَيْرًا كَثِيرًا ۚ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

هر که را خواست داد حکمت خویش و انکه را داد داد خیری
بیش
متذکر نشد کسی از آن بجز از تیره‌ی خردمندان

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ^{۲۷۰}
وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

آنچه بخشید مال از احسان یا که دارید نذر بخشش آن
پس خدا خوب آگه است آن رانیست یاری برای اهل جفا

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ^{۲۷۱} وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا
الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ^{۲۷۱} وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ
سَيِّئَاتِكُمْ^{۲۷۱} وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

گر که در بذل خیر کار کنید خوب باشد که آشکار کنید
ور نهانی دهید بر فقرا خیر آن بهتر است بهر شما
وان گناهاتان ببوشانندو خدا کارهایتان داند

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ^{۲۷۲} وَمَا
تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ^{۲۷۲} وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ
اللَّهِ^{۲۷۲} وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ^{۲۷۲} وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

نیست بر تو وظیفه تا کفار یکشانی به راه دین ناچار
بلکه هر کس که حق تعالی خواست خود هدایت کند طریقه‌ی
راست
هر چه از خیر می‌کنید احسان نفع آن کار هست از خودتان
و ندارید هیچ‌گه احسان جز برای خدای عالمیان
هر چه خیرات می‌کنید ادا باز گردد تمام سوی شما
[نکند ظلم خالق عالم و شما هم نمی‌شوید ستم

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ^{۲۷۳} لَا يَسْتَطِيعُونَ
ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ^{۲۷۳}
تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ^{۲۷۳} لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا^{۲۷۳} وَمَا تُنْفِقُوا
مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ^{۲۷۳} عَلِيمٌ

بخششی لازم است بر فقرا گر که احصار شد به راه خدا
تتواند به شغل روی آرد یا که راهی به ارض بسپارد
جاهلش بی نیاز پندارد بکه توقیر و آبرو دارد
بر شناساییش عذار گواست نکند چیزی از کسی در خواست
و آنچه از خیر می‌کنید عطا به یقین حق بود از آن دانا

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ
أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ^{۲۷۴} وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

و آنچه از مال می‌کنید احسان به شب و روز آشکار و نهان
اجرشان ثابت است نزد خدانیست حزن و هراس آنان را

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي
يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ
مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ
مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ
وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ
كَفَّارٍ أَثِيمٍ

۲۷۶

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَعَاتُوا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

۲۷۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

۲۷۸

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ
فَلََكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ

۲۷۹

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ
لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۲۸۰

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا
كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

۲۸۱

آن کسانی که می‌خورند رباچونکه خیزند بعد مرگ از جا
گیج و گولند و بی اراده و مست‌گویی دیوشان به تن زده
دست
این چنین‌اند چونکه در دنیا بیع را گفته‌اند همچو ربا
لیک از سوی ایزد دانا بیع شد حل و هم حرام ربا
آنکه پند خدا به او برسید پس ز کار حرام دست کشید
آنچه بگذشته است هست او را امرا و می‌رود به سوی خدا
و آنکه برگشت [سوی آن عصیان یار نار است و جاودانه در
آن

حق ربا را کند همه نابود و دهد خیر صالحان را سود
و ندارد خدای حی قدیم مهرورزی به کافران اثم

آن کسانی که آورند ایمان نیز هستند از نکوکاران
هم نماز خدا پیاسازند هم زکات خدا بپردازند
اجرشان ثابت است نزد خدائست حزن و هراس آنان را

ای کسانی که آورید ایمان اهل تقوا شوید با یزدان
واگذارید مانده‌ها ز رباگر که هستید معتقد به خدا

گر ندارید این کلام قبول جنگ دارید با خدا و رسول
ور که سازید توبه از دل و جان اصل سرمایه هست از
خودتان
نه ستم کار و سختگیر شوید و نه هرگز ستم‌پذیر شوید

ور بدهکاران بود در عسر مهلتی بایدش که آید یسر
ور که آن وام را ببخشایید هست بهتر اگر که دانایید

و بترسید از آن زمان که در آن باز گردید سوی خالقان
هر کسی کار او بود او رابه کسی هم نمی‌کنند جفا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْب الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَعُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلٍ ۚ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا ۖ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا ۖ وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ وَيعَلِّمُكُمُ اللَّهُ ۖ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

ای کسانی که آورید ایمان‌گر که دینی بود به عهده‌تان بنویسید و کاتبش بایدراه صدق و سداد پیماید بنویسد چو یاد داد خداوانکه مدیون بود کند املا نیز بهر خدا کند پرهیزبنویسد دقیق از هر چیز گر که مدیون ضعیف یا کاناستیا که او ناتوان در این املاست کند املا ولی او آنگاهو بگیرد بر آن دو مرد گواه گر یکی مرد بیش نیست دو زن‌هم‌هی می‌کند به آن یک تن گر بلغزد یکی ز راه خطرشود آن دیگریش یاد آور [باید این شاهدان خطا نکنند]وز شهادت ز حق ابا نکنند بنویسند [هر قرار از پیش تا گه سر رسید از کم و بیش هم بدانید کاین برای شماعادلانه‌تر است نزد خدا وز برای شهادت است بهین‌نیز نزدیک‌تر به حق و یقین نسیه‌ای گر در آن تجارت نیست‌حاجتی هیچ بر کتابت نیست و بگیرید دو گواه بر آن‌گر تجارت نداشت قید زمان و نباید زیان رسد به گواه‌یا به کاتب [که هست زان آگاه و چنان کار هست فسق و پلیداز گناه خدا بپرهیزید حق چنین یاد می‌دهد به شماو به هر کار حق بود دانا

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَٰنٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمْنَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ۚ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ عِشْمٌ قَلْبُهُ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ ۖ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ ۚ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۗ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ ۚ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا ۗ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۚ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۚ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

و اگر در سفر شدید شماو نیابید کاتبی آنجا

پس بگیرید از او گروگانی گر نپرداخت هست تاوانی

اعتماد ار به یکدیگر دارید پس امانت به اهل آن آرید

متقی باش از برای خدانیز کتمان مکن شهادت را

هر که این کرد قلب اوست پلیدو خدا آگه است از آنچه کنید

آنچه در پهنه‌ی زمین و سماست و همه کائنات از آن خداست

آنچه سازید از ضمیر عیان و آنچه دارید از همه پنهان

همه را می‌رسد حساب خدا [جمله افکار و قول و فعل شما]

هر که را خواست می‌دهد غفران هر که را خواست می‌دهد

نیران

همه در دست اوست جنت و نارو خدا قادر است بر هر کار

هست بهر رسول حق ایمان ز آنچه بر وی رسید از یزدان

مؤمنین نیز آورند ایمان به کتاب و ملائک یزدان

به رسولان بیاورند ایمان و چنین است گفته‌ی آنان

نیست فرقی به انبیای عظیم ما شنیدیم و پیروی کردیم

ما و غفران و عفو رب کریم همه سوی تو باز می‌گردیم

حق مکلف نکرد خلق جهان بهر کاری مگر به حد توان

آنچه نیکی کنید سود شماست هم زیان تو آنچه از تو خطاست

ای خدا جرم ما مگیر به ماعفو کن این خطا و نسیان را

ای خدا بر منه تو بار گران بهر ما آنچنان که بر دگران

بهر پیشینیان ما چندین فرض و تکلیف کرده‌ای سنگین

ای خدا بر منه تو بار گران جان ما را که نیست طاقت آن

بگذر از ما و جرم و لغزشها رحمت خویش را ببخش به ما

سرور ما تویی تو ای غفاردار پیروزمان تو بر کفار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم

۱
۴۲

[الف و لام و میم کاغازستیین حق و رسول او راز است

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

۲

نیست معبود کس به غیر خدازنده و پایدار و پا برجا

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ
التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

۳

به تو از حق کتاب نازل کرده‌م ز پیشینه‌ها گواه آورد
و فرستاد نامهی تورات نیز انجیل را [به راه نجات

مِن قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

۴

پیش از آن رهنما به خلق جهان و فرستاد نامهی فرقان
آنکه آیات حق کند کفران‌بهر او می‌رسد عذاب گران
و خدا هست صاحب قدرت و همو هست واجد نعمت

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

۵

آنچه باشد به ارض یا به سمانبود ذره‌ای نهان ز خدا

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۶

هم به زهدان نگاشت شکل شمایه همان صورتی که
خواست خدا
نیست معبود کس به غیر خدا آن خدای توانگر و دانا

هُوَ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ
الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَبِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ
فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا
يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا
بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِندِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

۷

او همان منزلی بود که کتاب‌کرد نازل به تو [در او هر باب
برخی آیات آن بود یک لاکه بود محور کتاب خدا
و ان دگر آیه‌های تو در تو] که در آن آیه‌هاست چندین رو
آن جماعت که کج دل و راین‌ددر پی آیه‌های بس لایند
فتنه جویند از کنایه‌ی آن و نداند کنایه جز یزدان
و فرو رفتگان به دانش و دین‌همه گویند کاورند یقین
همه اینها بود ز سوی خدادر نیابند غیر اهل دها

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ
رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

۸

ای خدا قلب ما مکن گردان‌پس از این رهنمایی و ایمان
رحمت از سوی خود ببخش به ما این تویی رب مرحمت بخشا

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ
الْمِيعَادَ

۹

ای خدا مردم آوری یکجادر زمانی که نیست شک آن را
این بود وعده‌ی خدای جهان‌خلف پیمان نمی‌کند یزدان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ
مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ

بهر کفار مال و فرزندان می‌بخشد رهایی از یزدان
[چون قیامت فرا رسد ناچار] هیمه‌ی آتشند آن کفار

كَذَّابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

آل فرعون و پیشتر ز آنها داشت تکذیب آیه‌های خدا
به گناهان گرفتشان یزدان و عذاب خدا بسی است گران

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ
وَبِئْسَ الْمِهَادُ

گو به کفار ای رسول خدازود مغلوب می‌شوید شما
به جهنم شوید پس محشور بد بود جایگاه قوم کفور

قَدْ كَانَ لَكُمْ ءَايَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الَّتِيئَا فِئَةٌ تَقْتُلُ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلِيهِمْ رَأَىٰ الْعَيْنِ وَاللَّهُ
يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

بود از بهرتان دو دسته نشان‌چو بهم رو به رو شدند آنان
دسته‌ای در نبرد راه خدا و آخرت و آن دگر به راه خطا
اهل ایمان به دیده‌ی کفار شد دو چندان به موقع دیدار
هر که را خواست می‌کند تأیید با کمک‌های خود خدای مجید
این نشان است عبرتی در آن‌بهر بینندگان و دیده‌وران

زِينٍ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ
وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ
الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ

بهر مردم شدست زیب نشان‌مهر بهر زنان و فرزندان
نیز قنطارها ز نقره و زرچارپایان و کشتزار و شجر
بهره زندگانی دنیا است لیک فرجام نیک نزد خداست

قُلْ أُوْنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ
جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ
مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

گو که آیا خبر دهم به شما؟ چیزهایی نکوتر از اینها
متقین راست نزد حق بستان‌زیر اشجارش آب‌های روان
جاودانند این چنین به بهشت‌بهرشان همسران پاک سرشت
نیز از بهرشان رضای خداست و خدا هم به بندگان بیناست

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا عَامِنَّا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ

آن کسانی که گفته‌اند از جان‌بهر پروردگار عالمیان
کای خدا ما که اهل ایمانیم خطای و خواستار غفرانیم
از لهییب عذابمان تو برآرو قنا ربنا عذاب النار

۱۷

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْفَنِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ
وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ

یاوران شکیب و صدق مقال قانتان نیز منفقان از مال
نیز مستغفران به وقت سحر همه خوبان و صالحان یکسر

۱۸

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ
قَابِئًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

حق بود شاهد اینکه نیست الاه‌جز خداوند قادر و آگاه
نیز جمع ملائکند گواه‌همره اهل علم در این راه
اوست در کار عدل پا برجاهیج معبود نیست غیر خدا
ذات او مظهر توانایی‌منبع حکمت است و دانایی

۱۹

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ
يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

دین جز اسلام نیست نزد خدا اختلافی نبود مردم را
خلق چون با کتاب شد آگاه‌از ستم و ز خلاف رفت از راه
کافران نشانه‌ی حق را در حسابش بود سریع خدا

۲۰

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ
لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا
فَقَدْ أَهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ
بِالْعِبَادِ

گر جدل داشت با تو کس به سخن‌گو من و هر که تابع است
به من
روی‌مان سوی حق بود تسلیم نپرستیم جز خدای رحیم
بهر اهل کتاب و امی‌هاگو مسلمان شوید بهر خدا
به هدایت رسند از اسلام‌بر تو تکلیف نیست غیر پیام
[ور بگردند از طریق هدا] هست بیننده‌ی عباد خدا

۲۱
۴۴

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّكَ بِغَيْرِ
حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

آنکه کفران کند نشان خدا و کشد ناروا رسولان را
و کشد آمران به عدل رحیم‌مژده ده بهرشان عذاب الیم

۲۲

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا
لَهُمْ مِنْ نَّاصِرِينَ

کارشان در دو عالم است هدرنیست از بهرشان کسی یاور

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى
كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكَمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ
مُّعْرِضُونَ

می‌دیدید تو آن کسانی را که نصیبی ز نامه داد خدا
کرد سوی کتاب دعوتشان تا دهد بینشان به حق فرمان
جمعی از قوم رویگردان شد رویگردان ز حکم و فرمان شد

۲۴

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ
وَّغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

گفته‌اند اینکه آتش جانسوزبهر ما نیست غیر یک دو سه
روز
ساخت مغرور دینشان اینجاچونکه بستند افترا به خدا

۲۵

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْتَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ
مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

چونکه گرد آوریمشان به زمان‌روزگاری که نیست شک در
آن
مزد گیرد ز کار خود هر کس هیچ ظلمی نمی‌رود بر کس

۲۶

قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنَزِعُ
الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ
الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

گو خدایا تویی به ملک خداهر که را خواستی دهی آن را
هر که را خواستی ستانی زوپادشاهی و عزت و نیرو
هر که را خواستی دهی عزت‌هر که را خواستی دهی ذلت
خیر آید اگر تو فرمایی‌این تو بر کارها توانایی

۲۷

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ
بِغَيْرِ حِسَابٍ

شب به روز آوری درون [به شفق روز در شب کنی درون
[به فلق
از تو نابود گشت و باشندده‌زنده از مرده مرده از زنده
می‌دهی رزق هر که را خواهی‌بی‌حساب] و از آن تو آگاهی

۲۸

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ
وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا
مِنْهُمْ تُقَنَّهُ وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

[گو] نگیرند مؤمنان خداولیا، مردمان کافر را
هر که این کار کرد از آنان‌نیست از سوی حق بر او پیمان
جز کز آنان تقیه‌ای دارد[راه خیر و صلاح بسپارد]
و خدا خواست دورتان ز گناه و بود بازگشت بر الله

۲۹

قُلْ إِن تُخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمَهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ
مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنچه در سینه‌ها کنید نهان و آنچه را در عمل کنید عیان
همه چیزی خدای می‌داند[هر چه پنهان کنید می‌خواند]
و آنچه را نیز در زمین و سماستدر همه کارها توان
خداست

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا
عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا
وَيُحْذِرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۖ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ
لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْكَافِرِينَ

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ
عَلَى الْعَالَمِينَ

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي
مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي ۖ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا
وَضَعْتُ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ ۖ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي
أُعِيدُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا
زَكَرِيَّا ۖ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا
رِزْقًا ۖ قَالَ يَمْرِئُمُ أَنَّىٰ لَكَ هَذَا ۖ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ
إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

آن زمان هر که از نکو یابدهر چه کردست رو به رو یابد
بد کنش آرزو کند آنگاهکاش می‌بود دور خود ز گناه
دور خواهد خدایتان ز خطامهربان است بر عباد خدا

گو اگر دوستدار داداریدامر و حکم مرا به جا آرید
تا خدا دوستدارتان باشدو شما را ببخشد از هر بد
[تو بیا در ره خدای کریم که خدا هم بود غفور و رحیم

گو اطاعت کنید از یزدان و ز رسول خدا [و از فرمان
گر بگردید از ره دادارپس خدا نیست یار با کفار

به یقین بر گزید حی قدیم‌آدم و نوح و آل ابراهیم
نیز بگزید از بنی عمران رهبرانی برای خلق جهان

عده‌ای بهر عده‌ای فرزندهست یزدان سمیع و دانشمند

به خدا گفت همسر عمران‌نذر کردم برایت ای یزدان
کودکی را که در شکم دارم‌بهر تحریر بر تو بسپارم
بپذیر ای خدا تو این فرزنده که تو هستی سمیع و دانشمند

چون نهاد آن ولید را در برگفت یا رب ولد بود دختر
نیست دختر برای من چو پسرگر چه یزدان ز حمل داشت
خبر
نام او را نهاده‌ام مریم‌این ولد نیز بر تو بسپارم
او و ذریه‌اش بدار سلیم‌از همه فتنه‌های دیو رجیم

پس پذیرفت حق چو خواشش اورویشش داد رویشی نیکو
زکریا از او کفالت کرد[و خدا هم از او حمایت کرد]
تا به محراب می‌شد او واردبود رزق ولید را واجد
گفت مریم! بیامد این ز کجا؟گفت از نزد خالق یکتا
به یقین هر که را که خواست خداروزی بی‌حساب هست او
را

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ ۖ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ۖ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

زکریا دعا بکرد اینجاکی خدای جهان ببخش مرا
نسل طیب به من عطا فرمای خدا این تویی سمیع دعا

چون به محراب بر نماز استادپس ملائک به او ندا در داد
که بشارت دهد خدای تو راراست دارندهی کلام خدا
اوست یحیی و رهبری خود دارو پیام آوری نکو کردار

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ

گفت یا رب چسان پسر آرم من که در سال و سن کبر دارم
هم زن من بود زنی نازاگفت سازد هر آنچه خواست خدا

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ ۖ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

گفت بر گو نشانه‌ای گفتاتو نباشی سه روز و شب گویا
جز که با رمز و بهر این کارت یاد کن کردگار غفارت
هم تو تسبیح گوی بر الله‌به شب و روز شامگاه و پگاه

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّي آيَةً ۖ قَالَ ءَايَتُكَ إِلَّا نُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمَزًا ۖ وَادْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

و ملائک بگفت با مریم ساخت حقت گزیده در عالم
پاک گرداند و برگزید تو رابر زنان جهان [تویی والا]

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرُؤُا إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

مریما بهر حق نما تو خضوع در نماز آی و در سجود و رکوع

يَمْرُؤُا أَقْنَتِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ

بر تو اخبار غیب وحی کنیم تو نبودی به نزد جمع مقیم
می‌فکندند از قلمها بستا به مریم شود کفیل چه کس
نزد آنان نبودی آنکه نیزکه در این کار داشتند ستیز

ذَٰلِكَ مِنْ أُنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۚ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

چون ملائک بگفت با مریم مزدهات داد خالق عالم
به کلام خدا به نام مسیح آن نبی خدا و پاک و صبیح
آبرو دار خلق در دو جهان هم مقرب به درگاه یزدان

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرُؤُا إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ ۖ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

هم به مهد و به کهل اهل بیان بهر مردم هم از نکوکاران

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ

۴۷

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ
كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ
كُنْ فَيَكُونُ

۴۸

هم بیاموزدش کتاب جلیل هم ز تورات و حکمت و انجیل

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

۴۹

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن
رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ
فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ
وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا
تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ
مُؤْمِنِينَ

حکم پیشینیان کنم تصدیق آنچه آورده شد به عهد عتیق
پاره‌ای را روا کنم به شما آنچه از بهرستان نبود روا
و فرو آورم برای شما آیه از جانب خدای شما
اهل تقوا شوید بهر خدا و اطاعت کنید حکم مرا

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ
أَلَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا
اللَّهَ وَأَطِيعُوا

۵۰

۵۱

رب ما و شما به حق که خداست پس پرستش کنید این ره
راست

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

۵۲
حزب ۲۳

چونکه دریافت کفر آنان را گفت یارم که هست سوی خدا
بهر عیسی حواریان گفتند یار ماییم و بهر دین پابند
و گواهی دهیم ما به خدا بهر اسلام دین پاک خدا

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى
اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ
بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أُنزِلَتْ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

ای خدا آنچه کرده‌ای نازل‌باور ماست [باوری کامل پیروانیم بر رسول خدا از گواهان حساب کن ما را

۵۴

وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكِرِينَ

مکر کردند و مکر کرد خدا او بود بهترین ماکرها

۵۵
۴۷۲

إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ارْفُضْ عَنْكَ إِلَهُكَ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ ۚ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

چون خداوند گفت با عیسی‌باز گیریم و بر کشیم تو را پاک سازم تو را ز کفر و ز شریروان تو را کنم برتر در قیامت به کافران و بدان‌پس به سوی من است مرجعتان بیتتان داوری کنیم پدیدز آنچه در آن نزاع داشته‌اید

۵۶

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ

آن کسانی که کفر ورزیدند[در جهان آیت مرا دیدند] در دو عالم دهم عذاب گران‌هم کسی نیست یار با آنان

۵۷

وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

و کسانی که آورند ایمان‌نیز باشند از نیکوکاران اجرشان حق دهد به وجه اتم‌نیست حق دوستدار اهل ستم

۵۸

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ

آنچه خواندیم بر تو هست نشان‌نیز ذکری است از حکیم جهان

۵۹

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ ۖ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ ۖ كُنْ فَيَكُونُ

شد مثال مسیح نزد خدا مثل آدم که خلق کرد او را خواست آدم ز خاک چون فرمودپس به او گفت باش و شد موجود

۶۰

الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ

سخن حق بود ز سوی خدا شک به کار خدا مباد تو را

۶۱

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

هر که را با تو بود راه جدل‌بعد از این علم و وحی ما انزل گو که دعوت کنیم ما و شماخویش را با زنان و هم ابنا پس کنیم ابتهال و نیز دعالعنت حق دروغگویان را

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ
لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

به یقین این قصص بود بر حق هست از سوی قادر مطلق
نیست معبود کس به غیر خدا و خدا هست قادر و دانا

۶۳

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ

رویگردان اگر شوند خداهست بر کار مفسدین دانا

۶۴

۴۸ر

قُلْ يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ
أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا
بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا
مُسْلِمُونَ

گو که اهل کتاب باز آییده کلامی که بین ماست پدید
نپرستیم کس به غیر خداهم نه انباز آوریم او را
و نداند کسی کسی از مارب و پروردگار غیر خدا
گر بیچند سر بگو آنگاهکه به اسلام ما شوید گواه

۶۵

يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتْ
التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

بهر اهل کتاب گو به مقال از چه دارید در خلیل جدال
بود تورات و همچنین انجیل نازل از سوی حق ز بعد خلیل
[وین دو ذکر خلیل را دارد] پس شما نیستید اهل خرد

۶۶

هَٰأَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ حَاجَّجْتُمْ فِيْمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ
تُحَاجُّونَ فِيْمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا
تَعْلَمُونَ

راهی از احتجاج بسپاریدبهر چیزی که علم از آن دارید
از چه راه جدال می‌خواهیدبهر چیزی کزان نه آگاهید
بر همه چیز آگه است خدا و همه علم نیست بهر شما

۶۷

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا
مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

نه خلیل است بر طریق یهودو نه از فرقه‌ی نصارا بود
او مسلمان و پاک بود و سلیم‌نیز مشرک نبود ابراهیم

۶۸

إِنَّ أَوَّلَى الْآلِاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ
وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ

بهترین خلق بهر ابراهیم‌آنکه در راه او بود تسلیم
به نبی پیرو است و اهل یقین‌و خدا شد ولی مؤمن دین

۶۹

وَدَّتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا
يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

هم ز اهل کتاب جمعی چندتا شما را به گم‌رهی فکنند
سعی دارند و خود شدند از راه‌نیستند این گروه خود آگاه

۷۰

يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ
تَشْهَدُونَ

از چه اهل کتاب کفاریدبه نشان خدا و نظارید

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ
الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

از چه اهل کتاب پوشانید حق به باطل [گر اهل ایمانید]
از چه سازید کار حق پنهان گر چه آگاه گشته‌اید از آن

هم ز اهل کتاب جمعی چند [به رفیقان خود] چنین گفتند
اول روز آورید ایمان بر همه باور مسلمانان
شامگاهان شوید کافر آن‌تا برآیند از ره ایمان

وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى
الَّذِينَ ءَامِنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكُفِّرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ

۷۲
۴۹

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ
اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ
رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ
وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۷۳

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

۷۴

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنُ إِذَا تَأَمَّنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ
وَمِنْهُمْ مَّنُ إِذَا تَأَمَّنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ
عَلَيْهِ قَائِمًا ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيَّاتِ
سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

۷۵
حزب ۲۴

بَلَىٰ مَن أَوفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

۷۶

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا
أُولَٰئِكَ لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا
يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۷۷

آن کسانی که عهد و هم سوگند بهایی قلیل بفروشنند
بر ندارند بهره‌ای به جز او نگردند همسخن به خدا
حق به آنان نمی‌کند نگهی‌نکند پاکشان ز هر گنهی
[پس به دوزخ شوند یار و مقیم بهر آنان بود عذاب الیم]

هر که را خواست فضل خاص دهد و بزرگ است فضل حی
احد

بعض اهل کتاب باز دهند بده‌ها گر به نزدشان بنهند
پاره‌ای را اگر دهی دینار وقت ارجاع می‌کنند انکار
مگر آنکه که ایستی به سرشز آنکه در دیده است این
نظرش
که جز آن قوم هیچ ذیق نیست وین سخن از حکیم مطلق
نیست
گر چه این قول را ز حق خوانند این دروغ است و خویش هم
دانند

هر که دارد وفا به عهد و تفاحق محب است اهل تقوی را

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ
مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ
اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
وَهُمْ يَعْلَمُونَ

پاره‌ای از کسان به وقت بیان آنچنان پیچ می‌دهند زبان
که بداری گمان کتاب خداست و به واقع نه آن کتاب خداست
و بگویند آن ز نزد خداست و به واقع نه آن ز نزد خداست
کذب را از خدای می‌خوانند و به واقع خود این سخن دانند

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ
ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ
كُونُوا رَبَّيْنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ
تَدْرُسُونَ

نیست هرگز روا به هیچ انسان اگر از حق رسد به او فرمان
با کتاب و نبوت و دستور او شود سوی مردمان مأمور
پس بگوید به مردمان که مرا بپرستید هم به جای خدا
بلکه حق است اینکه گویدشان خود الهی شوید در ایمان
آنچنان کز کتاب آموزید و آنچنان که ز درس اندوزید

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَيِّكَةَ وَالنَّبِيِّنَ أَرْبَابًا
أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

و شما را نمی‌رسد فرمان که بگیری فرشته را یزدان
نیز پیغمبران پاک خدانیست جایز پرستش آنان را
داد فرمان به کفرتان آیا؟ بعد از آنکه که مسلمید شما

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ
وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ
بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ
إِصْرِي ۖ قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ
الشَّاهِدِينَ

ما گرفتیم از انبیا پیمان داده شد چون کتاب و حکمتشان
و بگفتیم اگر رسید رسول راست دانست آنچه یافت نزول
آنکه آرید بهر او ایمان یار باشید با وی از دل و جان
اینک آیا مقرر شدید به آن؟ که به من بسته‌اید آن پیمان
همه گفتند می‌کنیم اقرار گفت حق بپوشان پس این گفتار
پس گواهی دهید و این من هم با شما همراه گواهانم

فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

هر که برگشت از آن پس از این کار هست از مردم تبه
کردار

أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

از چه جویند غیر دین خدا که به تسلیم اوست ارض و سما
و آنچه در آن به جبر یا رغبت همه را هست سوی او رجعت

قُلْ ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ
وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ
وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

گو که ایمان بود دل ما رابه خدا و آنچه نازل است به ما
و آنچه نازل شدست بهر خلیل نیز اسحاق نیز اسماعیل
نیز یعقوب و عترت او راوحی موسی و نامی عیسی
و آنچه از انبیا ز سوی خداگشت نازل به راه دین و هدا
نیست فرقی در انبیای عظام ما گزیدیم بهر حق اسلام

۸۵

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي
الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

غیر اسلام هر که کرد قبول هرگز از او نمی شود مقبول
در قیامت [که کارهاست عیان اوست از دسته ی زیانکاران

۸۶

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ
الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ

چون هدایت کند خدای جهان فرقه ی کافران پس از ایمان؟
زان که بودند بر رسول گواه که بود حق [و از سوی الله
آمد از بهرشان نشانه ها هم نیست هادی خدا به اهل ستم

۸۷

أُولَٰئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ
أَجْمَعِينَ

هست لعنت بر ایشان کیفراز خدا و فرشتگان و بشر

۸۸

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

جاودان در عذاب بی کم و کاست و نه وقتی به مهلت ایشان
راست

۸۹

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ

جز کسانی که توبه ورزیدند پس از آن راه خیر بگزیدند
[دور گشتند چون ز دیو رجیم پس خدا هست هم غفور و
رحیم

۹۰

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَّنْ
تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ

هر که کافر شود پس از ایمان پس فزودست بیش بر کفران
نیست مقبول توبه اش ز گناه هست در راه زندگی گمراه

۹۱

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ
أَحَدِهِمْ مِّلٌّ أَلَّا تَرْضَىٰ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ

هر که کافر شد و به کفران مردنیست مقبول از او اگر چه
سپرد
زر روی زمین به کفاره هم ز کیفر نباشدش چاره
بهر او نیست جز عذاب الیم یار و یاور نباشدش [به جحیم

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَءِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ

فِيهِ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

قُلْ يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ

قُلْ يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبِعُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

يَٰأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ

بخشش تو قرین اجر نکوست‌گر ببخشی هر آنچه داری دوست
هر چه انفاق می‌کنید و عطا به یقن حق بود از آن دانا

هر غذایی که بود بود حلال‌بهر یعقوب و آل در همه حال
جز غذایی که گشته بود حرام‌بهر یعقوب [در همان ایام
پیشتر از نزول عهد عتیق این چنین بود حکم اهل طریق
گو بیار و بخوان تو عهد عتیق‌گر شمایید در سخن صدیق

هر که زان پس زد از ره بهتان‌کذب بر حق شد از ستمکاران

گو که صدق است قول رب جلیل‌پیروی کن ز کیش پاک
خلیل
او نیاورد شرک بهر خدا[و چنین است راه حق و هدا]

اولین بیت بود مردم را آنچه در مکه شد به خلق هدا

بس نشان مبین در اوست مقیم‌بین آنها مقام ابراهیم
هر که داخل شود بود ایمن از بلاهای ظاهر و باطن
حج بیت است بر بشر ز خداگر توانست کس رود آنجا
هر که کافر شد از عذاب نرس‌ت‌پس خدا بی‌نیاز از خلق
است

گو که اهل کتاب از چه شکافر ورزید با نشان خدا
[کار کفرست عیب و زشت و گناه و به اعمال‌تان خداست گواه

گو که اهل کتاب از چه شما باز دارید از طریق خدا
و بخواهید کج کنید آن راه بهر افراد مؤمن و آگاه
خود گواهید و نیست آن علام‌غافل از آنچه می‌دهید انجام

ای یقین آورندگان به خداگر اطاعت کنید مردم را
که به آنان کتاب شد تبیین‌به ره کفرتان کشند از دین

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ءَايَاتُ اللَّهِ
وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۚ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ ۚ وَلَا تَمُوتُنَّ
إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَادْكُرُوا نِعْمَتَ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ فُلُوبِكُمْ
فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ
النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ ۚ
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

وَلَتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا
جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۚ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ أُسَوِّدَتْ
وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا
كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ

تِلْكَ ءَايَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۚ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ
ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ

از چه کافر شوید بهر خداخوانده شد آیه‌های حق به شما
در میان شما رسول آمد[تا که روی آورید سوی احد]
آنکه خود معتمد به حبل خداست رهنمایی شود به معبر
راست

مؤمنان نیک حق تقوی را از برای خدا کنید ادا
و زمانی که مرگتان برسیدنا مسلمان از این جهان نروید

معتصم شو به رشته‌ی یزدان با همه مردمان با ایمان
یاد آرید نعمت حق را چونکه با خویش بوده‌اید اعدا
پس به دلهایتان فکند الفت پس برادر شدید زان نعمت
بر لب حفره‌ای پر از نیران داد یزدان نجاتتان از آن
این چنین می‌کند بیان به شماحق نشانهای خود به راه هدا

جمعی از مردم شما بایدراه خوبی به خلق بنماید
وز بدی باز دارد آنان رارستگارند آن جماعت‌ها

و مباشید مثل آن امت‌که پراکنده گشت با غفلت
بعد از آن بینات بر آنان بهر آنان بود عذاب گران

باش آگاه از اینکه روز جزا رو سپیدند و رو سیاه جدا
به سیه رو خطاب آید هان از چه کافر شدی پس از ایمان؟
بچشید از عذاب دوزخ و نار چونکه کافر شدید بر قهار

مردمان سپید رو اما جودانند در نعيم خدا

به حق آیات خوانده شد به شما و نخواهد ستم به خلق خدا

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ

لَنْ يَضُرَّوْكُمْ إِلَّا أَذًى ۖ وَإِنْ يُقْتَلُوا يُوَلَّوْكُمْ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ

ضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةَ أَيْنَ مَا تَقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَآءُوهُ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

لَيْسُوا سَوَاءً ۚ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ ءَايَاتِ اللَّهِ ءَانَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ ۖ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

از حق است آنچه در زمین و سماست بازگشت امور سوی خداست

بهترین امت ای مسلمانان این شما هستید بهر خلق جهان که به هر کار نیک امر کنید نهی سازید کار زشت و پلید به خدای جهان یقین دارید [ترس از رب عالمین دارید] گر که این بود حال اهل کتاب بهر این قوم خیر بود و صواب مؤمنانند برخی از ایشان بیشتر فاسقند و نافرمان

جز اذیت نیاورند زیان وز نبردند نیز رو گردان [به شکستی چو می شوند دچار] هیچ کس نیست بهر آنان یار

هم به هر نقطه خوار و زار شدند هم به خشم خدا دچار شدند

جز که پیوند با خدا سازند و به خلق خدا بپردازند مهر بیچاری بر آنان خورد چونکه این قوم راه کفر سپرد کافر آیه های حق گشتند انبیا را به ناروا کشتند چون به حق گشته اند نافرمان و برفتند در ره عدوان

همه یکسان نیند اهل کتاب دسته ای قائمند بهر صواب نیز خوانند آیه های خدایان گاهان به سجده اند و دعا

مؤمنان بر خدا و روز جزا آمر خیر و ناهیان ز خطا پیشتازند در ره احسان این گروهند از نکوکاران

جمله اعمال خیر از آنان هیچگه نیست قابل کفران [این چنین دسته در ره تقواست و خدا هم به متقین داناست

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ
مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ

بهر کفار مال و فرزندان ندهد سود در بر یزدان
[چون قیامت فرا رسد آنان اهل نارند و جاودانه در آن

۱۱۷

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا
صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتُهُ ۖ وَمَا
ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِن أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

مثل خرجشان به دار جهان مثل بادی است سرد و سخت
وزان
آن کسانی که داشتند ستم می برد باد کشتنشان به عدم
نکند بر کسی ستم یزدان بلکه دارند ظلم بر خودشان

۱۱۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا
يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ
أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ
الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ

ای جماعت که آوری ایمان رازداری مگیر جز خودتان
نکند از فساد کوتاهی رنجه دارندتان ز خودخواهی
بغضشان در کلام هست عیان و آنچه پنهان کنند بدتر از آن
ما نشانها نموده ایم عیان اگر اندیشه ای کنید در آن

۱۱۹

هَٰئَنتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ
بِالْكِتَابِ كُلِّهِ ۖ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا
عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ ۖ إِنَّ
اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

هان شمايید دوست آنان را و ان جماعت نیند یار شما
به تمام کتب کنید یقین و ان جماعات نیستند چنین
چونکه بیندنتان کنند بیان اینکه دارند بهر حق ایمان
چون به خلوت نهان شوند از چشم سر انگشت می جوند از
خشم
گو بمیرید از غضب که رواست حق هم از راز سینه ها
دانااست

۱۲۰

إِن تَمَسَسْكُمُ حَسَنَةٌ تَسُوءُهُمْ وَإِن تُصِبْكُمُ سَيِّئَةٌ
يَفْرَحُوا بِهَا ۖ وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ
شَيْئًا ۖ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

گر که خیری رسد به سوی شما می شوند از خبر به رنج و عنا
و به شری کنند شادیها هست بر کارشان محیط خدا
گر شکبیا شوید و با تقوا نزنند کیدشان زیان به شما

۱۲۱
۵۴۰

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعِدَ لِلْقِتَالِ
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

بامدادان برون ز خانه شدی جانب رزمگه روانه شدی
تا نمایی به مؤمنان سنگر هست یزدان سمیع و داشت خبر

إِذْ هَمَّتْ طَّائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُهُمَا ۖ وَعَلَى
اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

۱۲۳

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَانْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ

۱۲۴

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ
بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ

۱۲۵

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا
يُمِدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
مُسَوِّمِينَ

۱۲۶

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ ۗ
وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۱۲۷

لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا
خَآئِبِينَ

۱۲۸

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ
فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ

۱۲۹

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ
وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۳۰
ره

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ مَصَافَةً
وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۱۳۱

وَأَتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

۱۳۲

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

دو گروه از شما به وقت نبردبهر سستی تمایلی آورد
و خدا گشت یارشان زان بندمؤمنان کار خود به حق سپرند

کرد یاری خدایتان در بدرگر چه بودید آن زمان بی قدر
اهل تقوا شوید بهر خداتا که آرید حق شکر به جا

گفته بودی به مؤمنین که خدابس نبود از برایتان آیا؟
آمدند از فرشتگان سه هزاراز سوی حق برایتان انصار

هان اگر اهل صبر و تقواییدو گر آماج جنگ اعدایید
ملک با نشانه پنج هزاررسد از حق برایتان انصار

این بشارت بود برای شماو به تحکیم باور دلها
نیست یاری مگر ز سوی خداآن خدای عزیز و هم دانا

بشکند تا گروهی از کفاریا کند ناامید و سازد خوار

بهر تو نیست اختیار و توانجز به امر خدا یگان جهان
هست عفو و عذاب از آن خداوین گروه است اهل جور و جفا

آنچه باشد در این زمین و سماهست از بهر قادر یکتا
هر که را خواست می‌دهد غفرانهر که را خواست می‌دهد
نیران
زو بود کیفر و عذاب الیمو خدا هست هم غفور و رحیم

ای کسانی که آورید ایمانمخورید از ربای بس چندان
و به راه تقای حق برویدشاید ای قوم رستگار شوید

و بمانید دور از آن نارکه مهیا شدست بر کفار

و اطاعت کن از خدا و رسول‌نا که رحمت کند سوی تو نزول

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ
وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

بشتابید بهر عفو خداو بهشتی به عرض ارض و سما
این چنین باغ و آن چنان غفران شد مهیا برای متقیان

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ
وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

آن کسانی که می‌کنند انفاق هم به وقت توان و هم املاق
و آنکه هر خشم خود فرو ببردو آنکه از خبط خلق در گذرد
یارشان هست کردگار جهان هست حق یار بر نکوکاران

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ
فَاسْتَعَفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ
يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ

و کسانی که چون خطا کردندیا که بر نفس خود جفا کردند
یاد کردند نام پاک خداو از خدا خواستند غفران را
و چه کس ز اشتباه در گذردجز خدا کز گناه در گذرد
و ندارند بر گنه اصرارز آنکه دانند حاصل آن کار

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتُ تَجْرِي مِن
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ

هست پاداش آن نکوکاران مغفرت از خدا و نیز جنان
زیر اشجارش آبهای روان ماندگارند جاودانه در آن
و چه خوب است اجر کارکنان که بود کار خیر با ایشان

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

بود قبل از تو سرنوشت کسان پس بگردید در زمین نگران
پس ببینید چیستش فرجام آنکه تکذیب کرد [هر پیغام

هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

این بیانی است بهر خلق جهان رهنمایی و پند متقیان

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُم مُّؤْمِنِينَ

و مباشید سست و هم غمگین که شما بید برتر از ره دین

إِن يَمَسَّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ
الْآيَاتُ نُدَاجِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

بر شما گر جراحی برسد مثل آن بهر خصم گشت پدید
ما در این روزها بگردانیم بین مردم [شکست و نصرت و بیم
و خدا می‌شناسد اهل یقین و گرفت از شما گواه در این
]گو به آن کس که نیک عالم نیست که خدا دوستدار ظالم
نیست

وَلِيْمَحِصَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِيْنَ

و خدا ناب سازد اهل يقين و کند محو کافر ره دين

۱۴۲

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوْا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ
جَاهَدُوْا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصّٰبِرِيْنَ

در گمانی که می‌روی به جنان جهد ناکرده این مدار گمان
نیست معلوم کیست رزم آورو که در کار صبر داشت ظفر

۱۴۳

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ
رَاَيْتُمُوْهُ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ

آرزوی ممات می‌کردید پیش از آنکه که رو به رو گردید
پس بدیدید و بنگرید آن را [که چه اندیشه‌ها که بود خطا]

۱۴۴
۵۶ ر

وَمَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهٖ الرُّسُلُ اَفَاِيْنَ
مَاتَ اَوْ قُتِلَ اَنْقَلَبْتُمْ عَلٰٓى اَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلٰٓى
عَقْبِهٖ فَلَنْ يَضُرَّ اللّٰهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللّٰهُ الشّٰكِرِيْنَ

و محمد بجز رسولی نیست نیز زان پیش بس رسل می‌زیست
گر بمیرد و گر شود مقتول بر مگردید از یقین و قبول
ور بگردند چه زیان به خداحق دهد زود بر شکور جزا

۱۴۵

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوْتَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ كِتٰبًا مُّوَجَّلًا^ط
وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهٖ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْاٰخِرَةِ
نُؤْتِهٖ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشّٰكِرِيْنَ

و نمیرند جز به اذن خدا و نوشته است وقت آن بر جا
هر که خواهد ثواب دنیا رامی‌دهیمش از آن در این دنیا
و انکه خواهد ثواب روز جزای‌دهیمش ثواب آن او را
و به زودی دهیم اجر شکور [مشو از راه شکر خالق دور]

۱۴۶

وَكَايْنِ مِّنْ نَّبِيٍّ قَتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيْرٌ فَمَا وَهَنُوْا لِمَا
اَصَابَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَمَا ضَعُفُوْا وَمَا اسْتَكَانُوْا^ط وَاللّٰهُ
يُحِبُّ الصّٰبِرِيْنَ

ای بسا انبیا که در پیکار داشت همراه الهیان بسیار
هر چه دیدند در ره یزدان ضعف و سستی نبود با ایشان
خواری از بهرشان نبود نصیب و خدا دوست دارد اهل
شکیب

۱۴۷

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ اِلَّا اَنْ قَالُوْا رَبَّنَا اَغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا
وَإِسْرَافَنَا فِيْ اَمْرِنَا وَثَبَّتْ اَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلٰٓى الْقَوْمِ
الْكٰفِرِيْنَ

بود گفتارشان چنین به خدا [آن جماعات اهل صدق و صفا]
ای خدا عفو کن گناهان رانیز اسرافها به کرده‌ی ما
گام ما را به کار کن ستوار ساز پیروزمان تو بر کفار

۱۴۸

فَعَاثَلَهُمْ اللّٰهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْاٰخِرَةِ^ط وَاللّٰهُ
يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ

دادشان حق ثواب هر دو جهان حق بود دوست با نکوکاران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ
عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

ای کسانی که آورید یقین‌گر اطاعت کنید کافر دین
باز گردید بر گذشته‌ی خویش راه خسران گرفته‌اید به پیش

هست مولایتان خدای جهان اوست نیکوتر از همه یاران

۱۵۰ بَلِ اللّٰهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ

زود باشد که افکنیم هر اس‌در دل آنکه هست حق شناس
چونکه شرک آورند بر یزدان و دلیلی نیامدست به آن
هست آتش بر ایشان ماواید مکانی است جای اهل جفا

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللّٰهِ
مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ ۖ سُلْطٰنًا ۖ وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوٰى
الظَّالِمِينَ

به یقین راست گفته است خدا وعده‌ی خویش را برای شما
چونکه کشتیدشان به اذن خداست گشتید بعد از آن به
غزا

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللّٰهُ وَعْدَهُ ۖ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ ۖ حَتّٰى
إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا
أَرْسَلَكُمْ مَّا تُحِبُّونَ ۚ مِّنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ
يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۚ ثُمَّ صَرَفَكُم عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۖ وَلَقَدْ عَفَا
عَنْكُمْ ۖ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

و به امری نزاع می‌کردید گشته عصیان میان جمع پدید
و نشان داده شد ز سوی خدا آنچه مطلوب بود بهر شما
پاره‌ای دوستدار بر دنیا عده‌ی خواستار بر عقبا
باز گرداندتان از آن هیجاو آزمونی نمودتان آنجا
و خدا زان خطا بیخشدتان لطف دارد خدا به با ایمان

آن زمان که صعود می‌کردید و کسی هم نبودتان در دید
چون بیامد برایتان غم بس‌پس فرا خواندتان رسول از پس
تا نباشید از آنچه رفت غمین‌وز مصیبات و رنجهای غمگین
و خدا آگاه است و هم داناز آنچه انجام می‌دهید شما

إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلَوْنَهَا عَلَىٰ أَحَدٍ ۚ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي
أُخْرَىٰكُمْ فَأَتْبَبَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا
فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ ۖ وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَآئِفَةً مِّنكُمْ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُل لَّو كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

۳۰:
آل عمران
۱۵۴
/۲۰۰

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

۱۵۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرَى لَّوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۱۵۶
۵۸۲

وَلَيْن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتْتَمَ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

۱۵۷

حق بیاورد بعد حزن فرودامنی از بهر تان به شکل غنود
پاره ای از شما به امن و قرار پاره ای را نجات جان پندار
به خدا نادرست برده گمان چون گمان سخیف جاهلیان
چیزی از امر حق مگر از ماست گو که هر امر و حق از آن
خداست

در دل خویش می کنند نهان نکنند این نهفته بر تو عیان
گر که چیزی ز حق بود ما را از چه گردیدیم کشته در اینجا
گو چو بر خلق قتل بنوشتند گر که خود را به خانه ها هشتند
خود روان می شوند جانب گور آرماید خدای راز صدور
ناب سازد خدا ضمیر شما اوست از راز سینه ها دانا

چونکه دو جمع رو به رو گشتند آن کسان از شما کزو گشتند
دیو لغزندشان به راه ضلال بهر شان شد ز حاصل اعمال
و خدا در گذشت از آنان حق بود با شکیب و ذو غفران

اهل ایمان مباش چون کفار که به اخوان چنین نمود اظهار
چون برفتند سوی جنگ و سفر گر که بودند این زمان ایدر
قتل و مردن نبود ایشان را [و مگویند این کلام شما]
تا به دلهایشان نهد یزدان حسرت و رنج و سوز را از آن
حق بمیراند و کند احیاء و به هر کار تان بود بینا

کشته گردید اگر به راه خدایا بمیرید هر زمان هر جا
رحمت و بخشش خدای مجید بهتر است از هر آنچه جمع
کنید

وَلَيْنَ مُتَمِّمٌ أَوْ قَتَلْتُمْ لِإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ

گر بمیرید یا شوید قتل‌حشرتان هست سوی رب جلیل

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ
الْقَلْبِ لَآنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ
وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

از ره رحمت خدای جهان‌نرم دل گشته‌ای تو بر آنان
بودی ار از خشونت آکنده‌می‌شدند از برت پراکنده
عفویشان بخش و نیز استغفارجوی از ایشان مشاورت در کار
چونکه تصمیم داشتی هر جاپس توکل کن آن زمان به خدا
دوست دارد خدای بی‌همتامردم صاحب توکل را

إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذَلْكُمْ فَمَن
ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُم مِّن بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُؤْمِنُونَ

گر شما را خدا کند مددی‌نیست پیروز بر شما احدی
ور خدا بهرتان دهد خواری‌چه کسی با شما کند یاری
بعد از او کیست یار بهر شما؟ مؤمنان کار بسپرنند او را

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَن يَغُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ
الْقِيَمَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

نیست جائز خیانتی ز رسول هر که خائن شود بود مسئول
هر که کار خیانتی دارد در قیامت به همراهی آرد
گیرد آن هر چه می‌کند هر کس‌ظلم هرگز نمی‌شود بر کس

أَفَمَن أَتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَا وَهْ
جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

آنکه خواهد رضای حق آیه‌ست چونانکه خواست خشم خدا؟
که بود جای او به دار بواربد سر انجامی است او را نار

هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِيرُ بِمَا يَعْمَلُونَ

همه را پایه‌ای است نزد خداحق به اعمالشان بود بینا

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ
أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

داشت منت به مؤمنان یزدان‌که گزیند رسولی از ایشان
آیه‌هایش برایشان خواندپاک و پاکیزه‌شان بگرداند
هم کتاب و حکم دهد تعلیم‌بهر ایشان ز سوی رب حکیم
گر چه زان قبل بوده‌اند آنان‌گم‌هی آشکاره و به عیان

أَوَلَمْآ أَصَبْتُكُمْ مُّصِيبَةً قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ أَلَنَّا
هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ

گر که آماج محنت و دردیدخود دو چندان به دشمن آوردید
و بگفتید از کجا بود آن؟ هست آن رنج از بر خودتان
[و بدانید در زمین و سما] بر همه چیز قادر است خدا

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَيَاذْنِ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ
الْمُؤْمِنِينَ

آنچه از رنج بر شما برسید شد چو برخورد دو گروه پدید
بود با اذن کردگار چنین تا مشخص شوند اهل یقین

۱۶۷

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ
اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَكُمْ هُمْ
لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا
لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ

و مشخص کند دورویان را هر زمان شد خطاب ایشان را
که بیایید در طریق خدا بهر پیکار یا دفاع شما
گفته اند اینکه گر بدانستیم جنگ قطعی است جنگ
می جستم
بود نزدیکتر در آن هنگام بهر آن قوم کفر تا اسلام
آنچه در گفتگو کنند بیان نیست آن در ضمیر باطنشان
هست دانایان از همه یزدان ز آنچه در سینه ها کنند نهان

۱۶۸

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ
فَادْرَعُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

[خویش در کنج خانه گشته نهان آن کسان گفته اند با اخوان
پیروی گر که داشتند از مایه ر آنان نبود قتل و فنا
گو که از خویش مرگ را رانید اگر از جمع راستگویانید

۱۶۹

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ
عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

هر که شد کشته در طریق خداتو مپندار اهل مرگ و فنا
بلکه جاوید زنده اند ایشان نزد حق می دهند روزی شان

۱۷۰

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ
لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ

شادمانند از اینکه داده خدا بهر این جمع لطف و فضلش را
و بشارت دهند بر آن جان که نرفته هنوز در پیشان
نیست حزن و هراس آنان را [این چنین است بهره ی شهدا]

۱۷۱
حزب ۲۹

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ
أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ

مژده دارند لطف و فضل خدا اجر مؤمن خدا نساخت فنا

۱۷۲
۵۹ر

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ
لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ

آن کسانی که داشتند قبول دعوت و حکم از خدا و رسول
از پس آن جراحی که رسید التیامی بر آن نگشته پدید
بهر این محسان و متقیان از چنین جمع هست اجر کلان

۱۷۳

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ
فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

چونکه گفتند خلق با آنان دشمن آورده اجتماع گران
پس بترسید از آن گروه عنود این سخن بر یقینشان افزود
حق بگفتند بهر ما کافی است و خداوند بهترین حامی است

فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ
وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

بازگشتند از آن به لطف خدا هیچ شری نبود ایشان را
پیروانند بر رضای خدا و راست رحمتی والا

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ
وَخَافُونِ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ

اوست شیطان که می‌کند تهدیدیاور خویش را چرا ترسید؟
خائف از من به راه دین باشید اگر از جمع مؤمنین باشید

وَلَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوْا
اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ
عَذَابٌ عَظِيمٌ

کار آنان نسازدت نگران که شتابند در ره کفران
هرگز آنان به حق زیان نزنند بهرشان حق چنین بکرد پسند
بهره از آخرت نباشدشان و بر آنان بود عذاب گران

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوْا اللَّهَ شَيْئًا
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

گر گزینند کفر بر ایمان بهر دادار هیچ نیست زیان
[و زمانی که ما جزا بدهیم بهر آنان بود عذاب الیم

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ
إِنَّمَا نُمْلِ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

گو مپندار آنکه کفران کردمهلتش داده‌ایم و سود آورد
شد گناهش در این میان سنگین بهر آنان بود عذاب مهین

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ
الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى
الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِيٰ مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَآمِنُوا
بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ

مؤمنین را خدا نکرد ره‌ابه همان گونه که شدید شما
تا که سازد تمیز پاک و پلیدو شما از نهان خبر نشوید
حق تعالی گزید هر کس خواست از رسولان [هادی ره راست
باور آرید سوی رب جلیل و رسولان که داشته‌ست گسیل
گر که مؤمن شوید و با تقوا هست اجری عظیم بهر شما

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ
يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

آن کسانی که گشته‌اند بخیل آنچه را لطف کرد رب جلیل
به گمانی که خیر آنان است لیک شر از برای ایشان است
آنچه از بذل آن بهره‌یزند در قیامت به گردن آویزند
حق که میراث دار ارض و سماست آنچه را می‌کنید او
داناست

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

قولشان بشنود خدا به یقین آن کسانی که گفته‌اند چنین که بود حق فقیر و ما دارا می‌نویسیم قول آنان را بس نبی کشته‌اند ناهنجار پس بگویم چشید کیفر نار

۱۸۲

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ

بهر خود پیش از این فرستادید و ندارد خدا ستم به عبید

۱۸۳

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلاَّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

گفته‌اند اینکه حق به ما پیمان‌بست کانه‌آه آوریم ایمان که بیاید برای ما قربان و شود طعمه‌ای به آتش آن گو که آمد رسولها زین پیش‌همه با آیه‌های روشن خویش از چه کشتیدشان [و خود دانید] اگر از جمع راست‌گویانید

۱۸۴

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

گر کنند این زمان ترا انکار بوده بر امر انبیا انکار با رسولان پیش بود نشان‌کتاب و نامه‌های نور افشان

۱۸۵

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَمَن زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

همه کس مرگ را چشد ناچار اجر گیرید هم به روز شمار هر که شد دور از آتش عقبا شد درون بهشت و گشت رها [بهره‌ی این جهان نداشت سرور] نیست دنیا مگر متاع غرور

۱۸۶
حزب ۳۰

لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

می‌کند آزموتان یزدان‌گه به اموالتان و گه با جان وز سخن مشرکین و اهل کتاب به شما می‌دهند رنج و عذاب ور که پرهیز و صبر پیشه کنید این مهم را سزاست عزم شدید

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ

حق گرفت اهل نامه را پیمان که به مردم ز حق کنند بیان و ن سازند نکته ها پنهان پس فکندند پشت سر پیمان می فروشند آن به قیمت کم و چه بد باشد این معامله هم

۱۸۸

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

هر که باشد به کار خود مسرور دوستدار سپاس بهر قصور تو میندارش از عذاب سلیم بهر آنان بود عذاب الیم

۱۸۹

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ملک ارض و سما از آن خداست حق توانا به جمله ی اشیاست

۱۹۰
۶۱ر

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ

به یقین خلقت سپهر و زمین آمد و رفت روز و شب چندین در همه حکمت است و رمز و نشان بهر یاران عقل و دیده وران

۱۹۱

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

آنکه او راست ذکری از داور در قیام و قعود و خفته به بر و بیندیشد از زمین و سما که نبودست خلقتش بیجا گوید ای حق منزهی و غفور از عذاب جحیم مان کن دور

۱۹۲

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

هر که را افکنی به آتش ها به یقین خوار کرده ای او را [و زمانی که می رسد کیفر] نیست از بهر ظالمین یاور

۱۹۳

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ

ای خدا ما شنیده ایم ندا آن ندای یقین و ایمان را اینکه مؤمن شوید بهر خدا اهل ایمان شدیم اینک ما ای خدا از گناه ما بگذر زان همه سیئات پرده مدر [چونکه ما می رویم از دنیا] همچو نیکان ممات ده ما را

۱۹۴

رَبَّنَا وَعَايِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

ای خدا [کز وجود تست عطا] وعده های رسل ببخش به ما هم مکن خوارمان به روز جزا نیست در وعدهات خلاف و ابا

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ
مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتُمْ بِبَعْضِكُمْ مِّنْ بَعْضٍ ۖ فَأَلَّذِينَ هَاجَرُوا
وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَتَلُوا وَقَتِلُوا
لَا كُفْرَانَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دُخْلَنَّهُمْ جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ
الْثَوَابِ

پس پذیرفتشان و گفت خدامن نسازم تباه کاری را
هر که کاری کند ز زن یا مرد او بود همچو دیگری یک فرد
هاجران نیز مخرجان ز دیار رنجگان در ره حق و پیکار
نیز آن کشتگان [راه خدا] پرده پوشم گناه آنان را
می‌دهم من مکانشان به جنان زیر اشجارش آبهای روان
این ثواب است هم ز نزد خدا چونکه نزد خداست حسن جزا

لَا يَغُرَّتْكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبَلَدِ

نفریبد تو را چنان آرد آمد و رفت کافران به بلاد

مَتَعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

این متاعی کم است و در نیران جایگاهی بد است بر آنان

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ
خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ

قوم پرهیزکار بهر خدا باغها از خداست آنان را
رزق دارند جاودانه در آن زیر اشجارش آبهای روان
آنچه باشد به نزد خالقشان هست خیر و ثواب بر نیکان

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ
وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا
قَلِيلًا ۖ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ
الْحِسَابِ

هم ز اهل کتاب جمعی چند بهر وحی خدا یقین دارند
آنچه نازل به اهل قرآن شدو آنچه نازل به سوی آنان شد
بهر حق در تواضعند و خشوع همه اهل عبادتند و رکوع
نفروشد آیه‌های خدا به بهایی قلیل در دنیا
اجر آنان به نزد رحمان استدر حسابش خدا شتابان است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا
اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که آورید یقین صبر و تثبیت را شوید قرین
اهل تقوا و مرزدار شوید شاید ای قوم رستگار شوید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ
وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً
وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَلَيْكُمْ رَقِيبًا

۱
حزب
۳۱
۶۲ ر

وَعَاتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْحَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا
تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا

۲

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ
لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبْعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا
تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا
تَعُولُوا

۳

وَعَاتُوا النِّسَاءَ صَدُقَتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ
مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا

۴

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا
وَأَرْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

۵

وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ
رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا
أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا
فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا
عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا

۶

ایها الناس متقی باشید که شما را خدای ساخت پدید
از یکی نفس و جفت او از آن زن پراکند بس رجال و زنان
و بترسید از خدا که ز هم می بخواید نام او به قسم
نیز پروا کنید بر خویشان به یقین حق بود مراقبتان

مال یتام را درست دهید و مکن پاک را بدل به پلید
مخور آن مال هم ز خویش بدان به یقین هست آن گناه
گران

گر بترسید از ستم به یتیم زن ستانید خوب و پاک و سلیم
دو و سه یا چهار بستان زن ور ز بیداد خائفی یک تن
یا کنیزی که مالکی او رابه بود تا نیاورید جفا

بدهید آنچه هست مهر زنان مگر آن را که خود ببخشدتان
گر که زن خود ببخشدت آن مال آن گواراست بر شما و حلال

به سفیهان مده تو از اموال که خدا دادتان قوام به مال
رزق و جامه ببخششان و بگوهرشان گفته ی خوش و نیکو

آزمون کن یتیم را به توان تا شود بالغ آن یتیم جوان
چونکه دیدید رشد در حالش پس بپرداز سوی او مالش
مکن اسراف مال او به شتاب تا شود او بزرگ [از هر باب
هست در مال حق زحمت نیز] اگر غنی بود از آن کند پرهیز
گر فقیر است بر خورد از آن خوب و شایسته تا به حد توان
چون که پرداختید آن اموال پس گواهی بگیر در آن حال
همه جا با حساب باید زیست و خدا بر حسابها کافی است

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ
نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ
نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينُ
فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَفًا خَافُوا
عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي
بُطُونِهِمْ نَارًا^ط وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ^ج فَإِنْ
كَانَ نِسَاءً^ج فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ^ط وَإِنْ كَانَتْ
وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ^ج وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ^ج
مِمَّا تَرَكَ^ج إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ^ط فَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَتْهُ
أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ^ج فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ^ج مِنْ
بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ^ط ءَابَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا
تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفَعًا^ج فَرِيضَةٌ^ط مِّنَ اللَّهِ^ط إِنْ اللَّهُ
كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

آنچه را باب و مام و خویشاوندان پس مرگ خود به جای نهند
از کم و بیش هست زان اموال سهم مفروضی از نساء و
رجال

گر ز خویشان به موقع تقسیم بود مسکین و مستمند و یتیم
زان همه رزقشان ببخش و بگوسخی بهرشان خوش و نیکو

گر کسانی ضعافی از فرزندان پس مرگ خود به جای نهند
و بسوزند دل به فرزندان اهل تقوا شوند با یزدان
[و نگردند دور از ره داد] و بگویند گفته‌ای به سداد

آن کسی کز طریق جور و جفامی خورد مالی از یتیمان را
در دل خویش بر نهد آتش زود افتد به شعله‌ای سرکش

هست فرمان حق برای بشر به پسر دو برابر از دختر
ور که بیش از دو تن بود ز اثاث بهر آنان دو سوم میراث
ور یکی بود بهره‌اش نیم است والدین ار به وقت تقسیم
است
یک ششم بهر مادر و پدر است گر که از مرده دختر و پسر
است
ور که او را ولد نبود از مال ثلث از مادر است در آن حال
ور که باشد کسی برادر او یک ششم هست زان مادر او
هست بعد از وصیت این تقسیم نیز دینی [که می‌شود
تسلیم
زین همه والدین و دخت و پسر بهر تان بیش کیست سود
آور؟
بهرتان شد معین این ز خدا و خدا هست آگه و دانا

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ
فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ
يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ
لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِّنْ
بَعْدِ وَصِيَّتِ تَوْصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ
كَلَلَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا
السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ
مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ
اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ
تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا
خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ

گر زنی مرد و خود نداشت ولد نصف میراث او به زوج رسد
ور که بود از برای او فرزند ربع میراث او به زوج دهند
هست بعد از وصیت این تقسیم نیز دینی [که می شود
تسلیم
مرد اگر مرد و خود نداشت ولد ربع میراث او به زوجه رسد
ور که بود از برای او فرزند ثمن میراث او به زوجه دهند
هست بعد از وصیت این تقسیم نیز دینی [که می شود
تسلیم
گر که دارد برادر و خواهر سهم او سدس [همچو یکدیگر]
گر که بیش از یکی شود اخوان بخش سازند ثلث بر آنان
هست بعد از وصیت این هنجار نیز دینی که هست غیر مضار
این سفارش بود ز سوی خدا اوست هم بردبار و هم دانا

آن حدود خداست گشته نزول هر که باشد مطیع حق و
رسول
در قیامت درون شود به جنان زیر اشجارش آبهای روان
و در آنجاست جاودانه مقیم و آن بود بهر خلق فوز عظیم

هر که عصیان کند به حق و رسول و حدود خدا نکرد قبول
جاودانه در آورند به نار و عذابی که سازد او را خوار

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَحِشَةَ مِنْ نِّسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ
أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى
يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا

گر زنی رفت در طریق گناه پس بجویند از او چهار گواه
گر گواهی دهند امر پلید پس به کاشانه اش نگهدارید
تا که مرگش فرا رسد ناگهیا گذارد خدا برایش راه

وَالَّذَانِ يَأْتِيَنِهَا مِنْكُمْ فَأَازُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا
فَاعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا

گر که مرد و زنی کنند زنای پس اذیت کنید آنان را
گر که تائب شدند از کردار نیز مصلح شدند و نیکوکار
پس ببخشیدشان که حی قدیر مهربان است و نیز توبه پذیر

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ
يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ
عَلِيمًا حَكِيمًا

توبه زانان بود که نادانندوز جهالت گناهکارانند
زود تائب شوند سوی قدیرو خدا نیز هست توبه پذیر
[بندگان نادمند و اوست حلیم و خدا عالم است و نیز حکیم]

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ
أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْإِسْلَامَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ
كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

هرگز از توبه بهره ای نبرند گر که راه گناه می سپرند
تا رسد مرگ بر یکی زیشان گوید او توبه می کنم الآن
[هم نه آنان که راه کج دارند] از جهان می روند و کفارند
آن کسان را تهیه گشت جحیم بهر آنان بود عذاب الیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا
وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ
بِفَحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ
فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

ای کسانی که آورید ایمان نیست تحمیلتان روا به زنان
که ز آنان برید ارث به قهر یا ستانید آنچه بوده ز مهر
جز که ظاهر شوند در فحشا خوب صحبت کنید آنان را
گر خوشایند نیست دیگر [زندگی در کنار آن همسر]
چه بسا چیز ناخوشایند است و در آن خیر از خداوند است

وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَسْتَبْدَالَ زَوْجَ مَكَانَ زَوْجٍ وَءَاتَيْتُمْ إِحْدَهُنَّ
قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بِهْتِنَا وَإِنَّمَا
مُبِينًا

گر که خواهید همسری دیگری را دهید بدره زر
پس مگیرید هیچ از آن کابین و نزن تهمت و گناه مبین

وَكَيفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ
مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا

از چه گیرید [و چون کنید ستم که به افضا رسیده‌اید از
هم
و گرفتند از شما پیمان و چه میثاق محکمی است همان

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ
سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا

مستانید همسر پدران جز که چیزی گذشته باشد آن
هست این کار زشت و هم منفورید طریقی است [و ز
هدایت دور]

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ
وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ
وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضْعَةِ
وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَّائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ
نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ
أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ
اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا

به شما شد حرام مادران دختران شما و خواهرتان
عمه‌های شما و خاله دگردختران برادر و خواهر
مادران رضاعی و خواهرمادران زانتان دیگر
هم ریببات در حجور شما از زمانی که کرده‌اید افضا
ور نکردید نیست هیچ جناح که در آریدشان به عقد نکاح
و انکه باشد حلال بر ابناء وین چنین جمع بین خواهرها
جز که بگذشته در زمان قدیم که خدا هست هم غفور و
رحیم

۴:
نساء
۲۴
۱۷۶/
جزء ۵
حزب
۳۳

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا
بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ
مِنْهُنَّ فَعَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا
تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
حَكِيمًا

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَن يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ
الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّن فَتَيَاتِكُمْ
الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ
فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْفِحَاتٍ وَلَا مَتَّخِذَاتٍ أَخْدَانٍ فَإِذَا
أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى
الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ
وَأَن تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۲۵

۲۶
۶۶

همچنین از زنان شوهردار جز کنیزان [عرصه‌ی پیکار]
این نوشته است از برای شما و جز آن هر چه هست روا
که به اموال خود به عقد آرید پاکدامن شوید و غیر پلید
و آنکه را متعه کرده‌ای ز نسای پس بپرداز مهر آنان را
بر شما نیست از گناهی بهره‌گر توافق کنید بعد از مهر
[این چنین حکم داده شد تعلیم و خدا هست هم علیم و
حکیم

هر که را از شما که نیست توان به نکاح زنان با ایمان
پس کنیزی قرین دین و صلاح برگزینید بهر عقد نکاح
بیش داند خدا از ایمانها جز یکدیگرند انسانها
اذن مالک بگیر بهر نکاح اجر آنان بده به خیر و صلاح
تا که باشید پاک و رو گردان از گناه زنا و یار نمان
کیفر اوست گر که کرد فسادنیمی از کیفر زن آزاد
این بود بهر آنکه می‌ترسد رنجه گردد [ز هر طریقه بد]
وز شکیبایی است خیر شما اهل غفران و رحمت است خدا

خواست حق تا بیان کند به شما شیوه‌ی مردمان پیشین را
اوست توبه‌پذیر و راهنما و خدا هست عالم و دانا

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مِيلًا عَظِيمًا

و خدا خواهدت ببخشايدبه شما راه توبه بگشايد
پيرو شهوت از شما خواهدکه ز ره کج شويد خيلي بد

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا

خواست يزدان براي‌تان تخفيفو بشر خلق گشته است
ضعيف

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ
بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا
تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

ای کسانی که راه دين سپريدناروا مال يکديگر مخوريد
جز که باشد تجارتي به رضاو نبايد کسی کشد خود را
و نبايد کشيد يکديگرو خدا بر شماست بخششگر

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ
ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

هر که اين ظلم کرد و اين عدوانزود داخل کنيم در نيران
و ان بود بهر حق بسی آسان دور باشيد از ره عدوان

إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ
سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا

از کباير که نهی از آن شده‌ايدگر که دوري کنيد بی‌ترديد
پرده پوشيم بهرتان به ذنوبو در آريمتان به جایی خوب

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ
نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبْنَ
وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

و خواهيد برتری که خدا امتیازی دهد به بعض شما
آنچه مردان کنند از آنان استو آنچه نسوان کنند از ایشان
است
و خواهيد لطف و فضل خداو خدا عالم است بر اشياء

وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوْلًى مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلَّذِينَ
عَقَدْتَ أَيْمَنُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ شَهِيدًا

آنچه را والدين و خویشاونداز پس مرگ خود به جای نهند
وارثانی خدا نهاده بر آنو کسی را که بسته شد پيمان
سهمشان را دهيد بی کم و کاستبه يقين حق بر آنچه هست
گواست

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى
بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ۚ فَالْصَّالِحَاتُ قَنَتَتْ
حَفِظَتْ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ ۗ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ
فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ ۖ فَإِنْ
أَطَعَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
كَبِيرًا

۴۰
نساء
۳۴
۱۷۶/
۶۷ر

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا
مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَلِيمًا خَبِيرًا

۳۵

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۚ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَنًا
وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا
مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا

۳۶
حزب
۳۴

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا
ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا

۳۷

مردها سرپرست نسوانند[صاحب برتری بر آنانند]
که خدای جهان به بعض بشر می‌دهد برتری ز بعض دیگر
هم از آن رو که می‌دهند رجال به زنان بخشهایی از اموال
زن نیکو فروتن است به شوهم نگهدار حق غیبت او
و زمانی که سرکشی دارند بهر آنان سخن ز پند آرند
پس کنند از منامشان دوری و زند آن زنان به دستوری
گر اطاعت کنندشان زان پس راه تنبیهشان نجوید کس
هیچگاه بر زنان بهانه مگیر و خدا هست هم علی و کبیر

نگرانید اگر ز امر شقاق که فتد بین زوج و زوجه طلاق
ز اهل زن داوری کنید گزین نیز از زوج او شود تعیین
گر که خواهند بینشان اصلاح حقشان می‌کند کمک به نجات
گر به راه خدا بود تدبیر به یقین حق بود علیم و خبیر

بپرستید ایزد یکتا و شریکی نیاورید او را
نیز با والدین کن احسان هم قریب و یتیم و درویشان
پس به همسایه خویش و بیگانه همنشینان و دور از خانه
و انکه او ملک از برای شماسست اولین گام خیر ایشان راست
نیست لایق به مهر بی انباز هر که خود بین شدست و صاحب
ناز

آن کسانی که خود شدند بخیل و به خلقتند سوی بخل دلیل
و آنچه را حق ز فضل بر آنان داد سازند آن عطا کتمان
شد عذابی تهیه بر کفار که کند این ستمگران را خوار

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا
بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا
رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكُ حَسَنَةً يُضْعِفْهَا
وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى
هَؤُلَاءِ شَهِيدًا

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ
الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَى حَتَّى
تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى
تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ
مِنْكُمْ مِنَ الْغَايِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً
فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ
اللَّهَ كَانَ عَفْوًا غَفُورًا

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ
الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳
۶۸۲

۴۴

و کسانی که می‌کنند انفاق مالشان از ره ریا و نفاق
نیست ایمان برایشان به خدا هم نه ایمانشان به روز جزا
و آنکه شیطان برای اوست رفیق بد رفیقی است بهر او [به
طریق

و چه باشد اگر که [بی ترفند] مؤمن حق و آخرت باشند
بخش دارند روزی خود را و خدا هست بهرشان دانا

به یقین حق به کس ستم نکند و ان به مقدار ذره هم نکند
دو برابر کند ثواب کسان دهد از نزد خویش اجر کلان

چون رسد روز آخرت آنگاه بهر هر امت آوریم گواه
و تو را از میان خلق جهان ما گواه آوریم بر اینان

آن زمان آنکه می‌کند کفران و رسول خدای را عصیان
گوید ای کاش خاک بودم من و نسازد ز حق نهفته سخن

ای کسی کاوری به حق ایمان دور باش از نماز در سکران
تا بدانی که خود چه می‌گویی نه جنب باش جز که ره پویی
الغرض رو مکن به سوی نماز تا کنی غسل [در زمان نیاز]
گر که بودی مریض یا که به راهیا پلیدی رسد ز غایط و باه
و نبود آب بهر غسل و وضو پس تیمم بکن به خاک نکو
مسح کن روی خویش و پس دستان حق بود خود عفو و ذو
غفران

تو ندیدی مگر کسانی را که بود سهمشان کتاب خدا
گمراهی می‌خرند و گمراهند گمراهی بهر خلق هم خواهند

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا

و خدا اعلم است و داناتر به ره دشمنانتان یکسر
و خدا بس بود ولایت راو خدا کافی است نصرت را

مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ
سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالسِّنَتِهِمْ
وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ
وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ
بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا

۴۶

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ءَامِنُونَ بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا
مَعَكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ
نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

۴۷

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ
يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا

۴۸

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ
وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا

۴۹

أَنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا

۵۰

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ
بِالْحُبِّ وَالطَّلْعُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ
مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا

۵۱
۶۹

از یهودان کسی بود که کلام منحرّف سازد از محل و مقام
گوید او که «شنید و عصیان کرد» و «شنو کر شوی» پی آن
کرد
«راعتنا» گفت و پیچ داد زبان طعنه زن شد به دین و بر ایمان
گر که می‌گفت ما شنیدیم آن و اطاعت کنیم از آن فرمان
«بشنو» گفته بود و «انظرنا» که خدایا نگاه کن ما را
راست‌تر بود و بهتر آنان را کرد نفرینشان به کفر خدا
به ره حق نیاورند ایمان‌کافران جز قلیلی از آنان

ای کسانی که داده شد به شما [آیه روشن و] کتاب خدا
آنچه تنزیل شد یقین آریداوست تصدیق آنچه را دارید
پیش از آنکه رخان کنیم تباہ افکنیمش به پشت سر آنگاه
یا که نفرین کنیمشان که چنین‌بهر اصحاب سبت شد نفرین
[هیچ شکی به کار یزدان نیست حکم و امر خدا یقین شدنی
است

نیست از بهر شرک حق غفران و بیامزد آنچه خواست جز آن
هر که آورد شرک بهر علیم مرتکب می‌شود گناه عظیم

دیدی آنان که خودستا بودند [هیچ راهی به حق نپیمودند]
و خدا هر که را که خواست ستودو به او اندکی ز ظلم نبود

بین که تهمت ز کذب زد به خدا این گناه مبین بس است او
را

تو ندیدی مگر کسانی را که بود سهمشان کتاب خدا
بت و طاغوت را کنند گزین‌بهر کفار گفته‌اند چنین
از کسانی که آوردند ایمان در هدایت نکوترند اینان

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ
نَصِيرًا

آن کسان را خدا کند نفرین‌نیست یاور بر آنکه هست چنین

۵۳

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا

بهرشان سهم ملک اگر شد پس هیچ چیزی نمی‌دهند به کس

۵۴

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۖ فَقَدْ
آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا
عَظِيمًا

رشک دارند بر کسی که خداداد از فضل و خیر خود او را
نیز دادم به آل ابراهیم حکمت و هم کتاب و ملک عظیم

۵۵

فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ بِهِ ۖ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ
سَعِيرًا

بعضشان مؤمنند و بعضی شان رویگردان شدند از ایمان
[اگر از راه حق گریزد کس شعله‌ی دوزخ است او را بس

۵۶

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كَلَّمًا
نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدَلْنِهِمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا

هر که کفران کند نشانه‌ی مایس در آتش در افکنیم او را
چونکه بریان کنند جلد تنش جلد دیگر کنیم بر بدنش
تا چشند از عذاب رب علیم و خدا هست هم عزیز و حکیم

۵۷

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ لَهُمْ فِيهَا زَوْجٌ
مُّطَهَّرٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا

مؤمنی را که داشت کار نکوپس فرود آوریم در مینو
زیر اشجارش آبهای روان ماندگار است جاودانه در آن
بهرشان همسران پاک سرشت ساکن سایه‌های باغ بهشت

۵۸
حزب
۳۵

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا
حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۚ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا
يَعِظُكُمْ بِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا

داد فرمان خدا برای شماکه به اهلش دهید امانت را
چونکه داور شدید بهر کسان دادورزی کنید با ایشان
خوب پندی دهد خدا به شماهست بینا خدا و هم شنوا

۵۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي
الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۖ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ
وَالرَّسُولِ ۚ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ
وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

ای کسانی که دین کنید قبول پس اطاعت کنید حق و رسول
و اولو الامر را کنید مطاع پس به کاری اگر کنید نزاع
رد کنیدش سوی خدا و رسول گر خدا و جزا کنید قبول
[هر که این کار را دهد انجام آن بود خیر و بهترش فرجام

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا
أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ
أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۚ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا
بَعِيدًا

دیدى آنان که داشتند گمان که به حق گشته اند با ایمان
آنچه سوى تو یافته است نزول و انکه پیش از تو بوده است
رسول
نزد طاغوت داورى آرندگر چه فرمان به رد او دارند
خواست شیطان که آن گروه کفور به ضلال افکند ضلالی دور

۶۱

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ
الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا

هر زمان گفته شد که شو مقبل به رسول و هر آنچه شد
نازل
آن منافق [که خصم ایمان است بنگری کز تو رویگردان
است

۶۲

فَكَيفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ
جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا

چون مصیبت رسد سوى ایشانز آنچه کردند ظلم پیش از
آن
سویت آیند با قسم به خداکه وفاق است و خیر خواهش ما

۶۳

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ
وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا

آگه است از ضمیرشان یزدان رویگردان شوید از آنان
پند گوی و به جانشان بر خوان سخنان رسا به لفظ و بیان

۶۴

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ
ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمْ
الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا

نفرستاده ایم هیچ رسول جز که اذن خدا کنند قبول
چون به خود داشتند ظلم و ضار سویت آیند بهر استغفار
گر که غفران طلب کنی ز قدیر هست یزدان رحیم و
توبه پذیر

۶۵

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ
لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

به خدا نیست بهر شان ایمان بلکه دارند چون جدال ایشان
پیشست آیند تا شوی داور و دهی رأی بینشان به نظر
پس شوند از حرج رها و سلیم وز دل و جان به حکم تو
تسلیم

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أُخْرِجُوا مِنْ دَيْرِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ ثَبَاتًا

۶۷

وَإِذَا لَأَتَيْنَهُمْ مِّن لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا

۶۸

وَلَهَدَيْنَهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا

۶۹

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا

۷۰

ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عِلِيمًا

۷۱
۷۱ر

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا

۷۲

وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْطِئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُن مَعَهُمْ شَهِيدًا

۷۳

وَلَٰئِنْ أَصَابَكُمْ فُضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَلَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا

۷۴
حزب
۳۶

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

می‌نوشتیم اگر که بر ایشان‌اینکه خود را کشید از این فرمان و بیایید از دیار به درجز قلیلی نبود فرمانبر ور که این پند می‌گرفت انجام‌بهرشان خیر بود و استحکام

و انکه از سوی خویش می‌دادیم‌بهر این قوم مزد و اجر عظیم

به یقین می‌شدیم آنان را به رهی مستقیم راهنما

هر که باشد مطیع حق و رسول‌نعمت حق بر او شدست نزول هست با انبیا و صدیقان‌با شهیدان [عرصه‌ی ایمان نیز با صالحان راه خداو چه نیکوست صحبت آنان را

آن بود رحمتی ز سوی خداو بس است اینکه حق بود دانا

ای کسانی‌که آورید ایمان‌بازگیرید ساز و برگ و توان سوی دشمن روان شوید چو موج‌دسته جمعی و یا که فوج به فوج

هست در بیتتان کسانی‌چندکه شما را به رزم سست کنند چونکه آید مصیبتی‌گویند[که از این قسمتند بس خرسند] حق بدادست نعمتی بر ماکه نبودیم همراه شهدا

ور که خیری ز سوی حق آید‌پس ره اعتراض بگشاید که نبودست گوییا یاری‌بین ما و شما ز همکاری کاش بودیم با شما در آن‌می‌رسیدیم پس به اجر کلان

پس بجنگد به راه حق و خداآنکه داده به آخرت دنیا هر که جنگید در طریق خداگشت پیروز یا شد از دنیا زود باشد که در بهشت نعیم‌بدهیمش ثواب و اجر عظیم

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا

چیست برهانی از برای شما؟ که نجنبید در طریق خدا وان رجال و زنان و فرزندان که ضعیفند و داده‌اند توان همه گویند کای خدا ما راکن برون از دیار جور و جفا و به ما رهبری عطا فرماو ز سوی خود فرست نصرت ما

الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

آن کسانی که آورند ایمان جنگ دارند در ره یزدان و ان کسانی که کافرند به جان جنگ دارند در ره شیطان جنگ کن با صحابه‌ی شیطان کید شیطان نداشت هیچ توان

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا

دیدی آنان که گفتشان دادار باز دارید دست از پیکار و نماز خدا به پا سازیدو زکات خدا بپردازید چونکه فرمان جنگ شد مکتوب بعض آنان ز خلق شد مرعوب همچو خوف از خدا و برتر از آن پس بگفتند با خدای جهان از چه بنوشته‌ای تو بر ما جنگ‌کاش بود اندکی به جنگ درنگ گو قلیل است بهره‌ی دنیا آخرت به بود به اهل تقا نیست هرگز ستم برای شماهم به حد فتیلی از خرما

أَيُّنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا

ایها الناس هر کجا باشیدهمه را مرگ می‌کند تهدید نیز دریابدت اجل ناچارگر چه باشی به قلعه‌ای ستوار چون رسد لطف و خیر آنان راگفته‌اند این بود ز نزد خدا چون رسد شری آن زمان آنان گفته‌اند از تو بود این خذلان همه از نزد حق بود تا چنداین جماعت سخن نمی‌فهمند

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَّفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

آنچه از خیر می‌رسد ز خداستو آنچه از بد رسد ز نفس شماست من فرستادمت به خلق رسول‌حق گواهی است کافی و مقبول

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا

گر اطاعت کند کسی ز رسول پس اطاعت ز حق بکرده قبول
ور شدند از خدای رو گردان نیستی تو محافظ آنان

گر چه گویند اطاعت از فرمان چون برفتند قومی از آنان
دارد اندیشه‌ی خلاف به شب‌با سخنها که آوری بر لب
و خدا می‌نویسد آنچه به شب‌بر خلاف تو آورند به لب
پس بگردان تو روی از آنان کار خود را سپار بر یزدان
[هم اعانت بخواه از دادار] که خدایت بس است کارگزار

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

۸۱

چون تدبر کنید در قرآن گر نباشد ز جانب یزدان
اختلافی زیاد می‌یابید [در کتابی که گشته است پدید]

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانُ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

۸۲

امن و ترسی که بود آنان را منتشر می‌کنند در همه جا
گر نسازند این سخن منقول به اولو الامر رد کنند و رسول
پس بدانند چون بود آن کار ریشه یابی کنند آن گفتار
گر نباشد ز ربتان کرمی دیو را پیروید غیر کمی

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا

۸۳

کن تو پیکار در طریق خدانیست مسئول کس مگر خود را
مؤمنان را به رزم کن تشویق شاید از رزم حق دهد توفیق
قدرت کافران کشد به شکست کیفر و خشم حق شدیدتر
است

فَقَتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنَكُّلًا

۸۴

گر شفاعت کند به کار نکوهر کسی خیر آن رسد بر او
گر وساطت کند به کاری بدسهمی از آن گنه به او برسد
و قدیر و گواه یزدان است بر همه چیز حق نگهبان است

مَنْ يَشْفَعْ شَفْعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفْعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتِنًا

۸۵

گفته شد گر سلام بهر شمایه از آن پاسخ آورید آن را
یا که پاسخ دهید چون آن را بهر هر چیز حاسب است خدا،

وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا

۸۶

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرَكْسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقْتُلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا

سَتَجِدُونَ عَآخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا

هیچ معبود نیست غیر خداجمعتان می‌کند به روز جزا
هیچ شکی به روز محشر نیست از خدا راستگوی‌تر چه کسی
است؟

باور فرقه‌ی دورویان رادو گروه از چه گشته‌اید شما
هر چه انجام داده‌اند آنان واژگون کردشان خدا از آن
از چه رو رهنمون شوید بر آن‌که به گمراهی افکند یزدان
آنکه گردید گمراه از الله‌تو نیابی ز خیر بهره‌ش راه

دوست دارند کافران که شماکفر ورزید در طریق خدا
تا شوید از لحاظ دین یکسان‌پس مگیرید اولیا ز آنان
روگردان شوند اگر مطلق‌جز که هجرت کنند در ره حق
پس بگیریدشان به قصد فناهر کجا یافتید آنان را
[و اگر مؤمنی تو] هیچ مگیر از چنین کافران ولی و نصیر

جز گروهی که مؤمنین پیمان از وفا بسته‌اند با ایشان
یا که آرند روی با دل تنگ‌سویت آیند منزجر از جنگ
سلطه‌شان را اگر خدا می‌خواست‌بهرشان جنگ را همی
آراست
گر ز پیکار روی گردانندصلح کن چونکه طالب آنند
بهرتان از سوی خدای جهان‌راه پیکار نیست با ایشان

و ان گروهی که خواستند امان از شما وز جماعت خودشان
لیک در وقت حیل و ترفندسوی آن فتنه باز می‌گردند
گر نکردند از این عمل پرهیزوز ره صلح داشتند گریز
ور گشایند دست بهر فساد[پیش گیرید راه جنگ و جهاد]
و بگیریدشان به قصد فناهر کجا یافتید آنان را
این چنین در نبرد اهل خطاسلطه دادیم از برای شما

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا
 خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ
 يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنَ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ
 رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنَ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ
 فَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ
 فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا
 حَكِيمًا

نساء
 ۹۲
 ۱۷۶/۷۴

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا
 وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا

۹۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا
 تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ أَلْسَلَمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ
 عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ
 مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا
 تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

۹۴

قتل مؤمن به کس نگشت رومگر افتد ز راه سهو و خطا
 و کس این سهو و این خطا سازد بایدش برده ای رها سازد
 اهل هم حق خونبها گیرند جز که بخشش کنند و نپذیرند
 کشته گر مؤمنی به قوم عدوستکار تحریر برده چاره ای
 اوست
 و ر که دارند با شما پیمان حکم تحریر و خونبهاست در آن
 و ر نیابید آن دو ماه تمام متوالی بیاورید میام
 توبه و عفو خویش جو ز خدا و خدا هست عالم و دانا

گر کسی مؤمنی به عمد کشد کیفرش دوزخ است تا به ابد
 هم بر او خشم و لعنت یزدان هم مهیا بر او عذاب گران

مؤمنان چون مسیر حق پویید همه در این مسیر حق جویید
 با شما هر که طرح صلح افکند نسبت کافری به او میسند
 و مجوید مکت دنیا بیش از این مالهاست نزد خدا
 آنچنان نیز بوده اید شما بر شما متنی نهاده خدا
 اهل تحقیق باش و در ره راست آنچه را می کنی خدا داناست

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ
وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ
الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا
وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ
أَجْرًا عَظِيمًا

دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمُتَلَبِّكَةَ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ
كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ
أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ
وَسَاءَتْ مَصِيرًا

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا
يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا

فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَن يَعْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا
غَفُورًا

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا
وَسِعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ
يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
رَّحِيمًا

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ
تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّ خِفَتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ
كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا

مؤمنی را که نیست عذر و زیان و نباشد به راه جنگ روان
نیست او چون مجاهد یزدان که ز اموال بگذرد و ز جان
حق دهد برتری مجاهد را که زر و جان خویش کرد فدا
همه را مژده داد لطف کریم برتری دادشان به اجر عظیم

رتبه از حق و خیر و غفران است و غفور و رحیم یزدان است

آنکه بر خود پسند داشت جفا به ملائک چو داد جانش را
پس بگفتند بوده ای به چه سان گفت بودیم بی توان به جهان
پس بگفتند اینکه ارض مگر بهر هجرت نبود پهناور
جایشان در جهنم است آنان بد سر انجامی است بر ایشان

و ان کسان را که نیست تاب و توان از رجال و زنان و
فرزندان
و ندارند چاره ای در کار و نیابند راه بر رفتار

شاید آنان به عفو حق برسند هست یزدان غفور و بخششمند

هر که هجرت کند به راه خدا یابد او در زمین گشایش و جا
و انکه از خانه اش برون آید راه حق و رسول پیماید
موت اگر در ربایدش در راه اجر او ثابت است عند الله
[پس مباح از مهاجرت در بیم و خدا هست هم غفور و
رحیم

در سفر نیست هیچ جرم و گناه که نماز شما شود کوتاه
گر بترسی ز فتنه ی دشمن کافران راست دشمنی روشن

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَافِيَةً مِنْهُمْ
مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ ۖ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ
وَرَائِكُمْ وَلَتَأْتِ طَافِيَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يَصْلُوا فَلْيَصْلُوا مَعَكَ
وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ ۚ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ
تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ
مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّنْ
مَّطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَّرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا
حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا

۴۰
نساء
۱۰۲
۱۷۶

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعودًا وَعَلَىٰ
جُنُوبِكُمْ ۚ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۚ إِنَّ الصَّلَاةَ
كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا

۱۰۳

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ ۚ إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ
يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ ۗ وَكَانَ
اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

۱۰۴

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا
أَرْنَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا

۱۰۵
۷۷ج

چونکه باشی میان اهل هداو بسازی نماز را بر پا
عده‌ای با سلاح رزم تمام‌با تو باشند در محل قیام
چونکه باشید در سجود خدادیده بانی کنند بهر شما
آن گروه دگر دوباره تمام‌با تو سازند در نماز قیام
باید ای مؤمنین به جنگ افزارپاس دارید از ره دادر
کافران غفلت شما خواهندوز سلاح و متاع آگاهند
یورش آرند پس به سوی شماپورشی دسته جمعی و یکجا
رنجه باشید اگر که از باران‌یا که باشید خود ز بیماران
به زمین گر نهید جنگ افزارنیستید این زمان گنه کردار
پاسداری کنید از ره حق این شما وین وظیفه‌ی مطلق
شد عذاب‌ی تهیه بر کفارکه کند این ستمگران را خوار

چون به جای آوری نیایش رامبر از یاد خویش ذکر خدا
ایستاده نشست خفته به برهر گه آرامشی تورااست به سر
پس به هر جا نماز بر پا دارکان معین شدست بر دیندار

وز پی کار خصم سست مباش‌گر که با رنج همدمی به تلاش
رنج و غم نیز همدم اعداستو امید شما به لطف خداست
نیست بهر عدو امید خداو خدا هست عالم و دانا

ما فرستاده‌ایم بر تو کتاب‌که به حق است و در طریق صواب
تا تو حاکم شوی میان کسان‌در رهی که خدات داد نشان
خائن‌ان را مباش تو حامی‌گر که مؤمن به دین اسلامی

وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

مغفرت جو ز جانب یزدان هست حق مهربان و ذو غفران

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا

و نگیری ره دفاع به پیش از کسانی که خائنند به خویش
دور ماند از محبت دادار آنکه خائن شد و گنه کردار

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ
إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ
مُحِيطًا

کار خود از کسان کنند نهان و نسازند از خدا پنهان
و خدا هست همراه ایشان و آنچه در شب به هم کنند بیان
نیست راضی ز قولشان یزدان و محیط است حق به
کرده‌ی‌شان

هَآأَنْتُمْ هَآؤُلَآءِ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَوةِ الدُّنْيَا فَمَنْ
يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَمْ مَّنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ
وَكِيلًا

این شماید آنکه در دنیا حامیانی شدید آنان را
چه کسی می‌کند حمایتشان در قیامت به درگاه یزدان
و چه کس می‌کند وکالتشان از عذاب جحیم و از نیران

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ
اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

هر که راه خطا گرفت به پیش یا ستم کرد در جهان بر خویش
پس طلب کرد عفو از یزدان یافت حق را رحیم و ذو غفران

وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهِ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ
اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

هر که راه گنه گرفت به پیش از آن گنه می‌زند زیان بر
خویش
و خدا عالم است و دانشمند [هر چه کار بد و گناه کنند]

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدْ
أَحْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

هر که کسب گناه کرد و خطا و در افکند بی گناهی را
متحمل شود ره بهتان راه بهتان و هم گناه عیان

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ
يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ
وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ
تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا

بهر تو گر نبود لطف خداجمعی از دشمنان راه هدا
داشت اندیشه‌ای به ذهن و خیال تا کشاند تو را به راه
ضلال
نیست گمراه کسی بجز خودشان و ندارند هیچ بر تو زیان
کرد نازل کتاب و دانش را از برای رسول خویش خدا
و ندانسته یاد داد تو را بر تو باشد بزرگ فضل خدا

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

نیست نیکو بسی ز نجواشان جز که امری کنند بر احسان
یا که اصلاح در میان کسان و آنکه انجام داد کار چنان
بهر خشنودی و رضای خدامزد و اجری گران دهیم او را

وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

چونکه روشن شود طریق هداهر که شد دشمن رسول خدا
و نشد یار خلق با ایمان و انهمیش به هر چه گشت روان
افکنیمش به دوزخ از فرجام و چه جای بدی است آن انجام

۱۱۵

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ ۖ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

۱۱۶
۷۹

هر که شرک آورد برای خدا بخشش حق نمی‌رسد او را
و آنکه جز آن کند خدای جهان هر که را خواست می‌دهد
غفران
و آنکه شرک آورد به رب مجید او فتادست در ضلال بعید

إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا

۱۱۷

بت بخوانند جای رب وحید و خوانند غیر دیو مرید

لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

۱۱۸

گفت ملعون حق که من در بندگیرم از بندگان تو یک چند

وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَنِيْنَهُمْ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَبْتَئِكُنَّ ءَاذَانَ الْأَنْعَمِ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا

۱۱۹

افکنم آن گروه را به ضلال آرزوهای دور و راه خیال
می‌کنم امرشان کزان ترفندگوش انعام خویش بشکافند
می‌کنم امرشان کزان افسون‌خلق حق را کنند دیگرگون
هر که شیطان کند گزین به خدایس خسارت کشید بس
رسوا

يَعِدُّهُمْ وَيُمَيِّنُهُمْ ۖ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

۱۲۰

زو نوید است و آرزوی غریب و عد ابلیس نیست غیر فریب

أُولَٰئِكَ مَاؤُهُم جَهَنَّمُ لَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا

۱۲۱

بهرشان در جهنم است مقرو نیابند از آن گریز و مفر

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا
وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا

و کسانی که آورند ایمان کار نیکوست نیز حاصلشان
پس در آریم آن کسان به جنان زیر اشجارش آبهای روان
و مقیمند جاودانه در آن همه حق است وعدهی یزدان
چه کسی از خداست صادقتر؟ [در همه گفته‌های او بنگر]

لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ
سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

نیست آمال مسلمین مطلق و نه اهل کتاب هست به حق
هست کیفر به هر گنه کاری و نیابند غیر حق یاری

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ
فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا

و انکه راه صلاح و احسان داشت از زن و مرد گر که ایمان
داشت
پس به جنت درون شوند آنان و ستم هم نمی‌شوند ایشان

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ
وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا

چه کسی به بود به دین ز مقام از کسی کاورد به حق اسلام
اوست نیکو خصال و اوست سلیم‌پیرو کیش پاک ابراهیم
نام او را خلیل رب علیم‌خواند [چون بود یار ابراهیم]

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ
شَيْءٍ مُحِيطًا

از حق است آنچه در زمین و سماست به همه چیزها خدا
دانااست

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى
عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتْلَى النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُوْثِقُنَّ
مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ
مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ
خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا

از تو خواهند فتوی نسوان گو خدا گفته فتوی آنان
بر شما خوانده در کتاب حکیم‌دختری را که گشته است یتیم
نیست جائز تباه حق کردن‌خواهی ار ازدواج با آن زن
با یتیمان عمل کنید به دادکودکان ضعیف را به وداد
هر چه از خیر می‌دهی انجام‌پس خدا هست آگه و علام

وَإِنْ أَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

گر زن از شوی خویش شد نگران که شود بد سلوک و رو گردان
پس گنه نیست بینشان اصلاح تا در آیند در طریق صلاح
صلح خوب است بین خلق خدا و بخیلی گرفت جانها را
گر که باشید خوب و با تقوا حق به کار شما بود دانا

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُواهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

تتوانید عدل بین زنان گر چه بسیار راغبید به آن
پس مکن میل تام زوجی راو به تعلیق هم مساز رها
گر که باشید خوب و با تقوی حق بود غافر و گنه بخشا

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا

ور جدایی رسید بر آنان می کند بی نیازشان یزدان
همه هست از عطای رب رحیم و خدا واسع است و نیز حکیم

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا

آنچه در پهنه ی زمین و سماست همه بی شک و ریب زان
خداست
بهر اهل کتاب گفت خداهم سفارش کند برای شما
متقی باش اگر کنی کفران بی نیاز است آن حمید جهان

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

آنچه در پهنه ی زمین و سماست همه بی شک و ریب زان
خداست
از حق است آنچه در زمین و سماست و کالت به خلق بس او
راست

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا

ایها الناس خواهد ار یزدان همه را می برد ز دار جهان
آورد مردمی به جای شما و خدا قادر است بر اینها

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا

هر که خواهد ثواب دنیا راهست دنیا و آخرت ز خدا
خیر دنیا و آخرت زو گیر بی گمان حق بود سمیع و بصیر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِٱلْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلَىٰٓ أَنْفُسِكُمْ أَوِ ٱلْوَالِدِينَ ۖ وَٱلْأَقْرَبِينَ ۚ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَاقِرًا فَإِنَّهُ ٱوَّلَىٰ بِهِمَا ۖ فَلَا تَتَّبِعُوا ٱلْهَوَىٰٓ أَن تَعْدِلُوا ۚ وَإِن تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

مؤمنان عدل را به پا دارید و گواهی برای حق آرید
ور که باشد زیانتان در آن یا که از والدین و نزدیکان
گر که ندار بود و یا دارادر همه حال حق بود اولی
پیروی از هوا مکن در دادگر شوی منحرف ز حق و سداد
وز گواهی شوید رو گردان هست آکه ز کارتان یزدان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۖ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلَّذِي أُنزِلَ مِن قَبْلُ ۚ وَمَن يَكْفُرْ بِٱللَّهِ وَمَلَٰئِكَتِهِ ۖ وَكُتُبِهِ ۖ وَرُسُلِهِ ۖ وَٱلْيَوْمِ ٱلْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

ای کسانی که دین کنید قبول باور آرید بر خدا و رسول
و آنچه یابد بر این رسول نزول و آنکه از پیش بوده است
رسول
هر که شد کافر خدای جلیل و ملائک که گشته اند گسیل
و کتاب و رسول و روز جزا پس ضلالی بعید هست او را

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ٱزْدَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ ٱللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا

آنکه مؤمن بد و سپس کافرباز مؤمن شد و سپس کافر
پس بیفزود در ره کفران نیست او را ز سوی حق غفران
نیست او را هدایتی از حق به یقین هست کافر مطلق

بَشِّرِ ٱلْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

به دورویان بده بشارت و بیم که بود بهرشان عذاب الیم

ٱلَّذِينَ يَتَّخِذُونَ ٱلْكَافِرِينَ أَوْلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ۚ أَيْبَتُونَ عِندَهُمُ ٱلْعِزَّةَ فَإِنَّ ٱلْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا

آنکه گیرد محبت کفارو نه از مؤمنین بگیرد یار
خواهد از اهل کفر عزّ و توان کل عزّ است از خدای جهان

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِى ٱلْكِتَٰبِ أَن إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَتِ ٱللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِى حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ جَامِعُ ٱلْمُنَافِقِينَ وَٱلْكَافِرِينَ فِى جَهَنَّمَ جَمِيعًا

در کتاب خدا بسی ز نشان به شما گشت نازل از رحمان
چون شنیدند آیه های خداکارشان کفر بود و استهزا
همنشینی مکن تو با ایشان تا نیفتی به یاوه از دگران
ور نه با همنشینی کفار مثل آنان شوید در کردار
به یقین حق به آخرت در نارجمع سازد منافق و کفار

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْكُمْ عَلَيْهِمْ وَنَمْنَعَكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

آن جماعت که شد مراقبتان فتح اگر با شما شد از یزدان گوید آن قوم [در طریق غزا] ما نبودیم با شما آیا؟
ور که یابند بهره‌ای کفار بهر کفار می‌کنند اظهار
ما مسلط نبوده‌ایم آیا؟ نیز مانع شدیم بهر شما
تا که از مؤمنان خورید شکست هم ز کفارشان امیدی هست
پس خدا داور است بین شما فرقه‌ی کفر و دین به روز جزا
و خدا بهر کافران در کین‌نگشاید دری بر اهل یقین

و منافق دهد فریب خدا و خدا می‌دهد فریب او را
چون نیایش به پای می‌دارند سست خالد و هم ریا کارند
و ندارند یاد رب جلیل این دورویان مگر گروه قلیل

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا

سست و ناپایدار در ره دین‌گه چنانند و گاه نیز چنین
هر که را حق بخواست راه ضلال‌ره نیابد به قادر متعال

مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

ای کسی کاوری به حق ایمان‌کافران را ولی خویش مخوان
خواهی آیا دهد خدا به عیان؟ سلطه‌ی اهل کفر بر ایمان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا

بر دو رو درک اسفل است ز نازو نیابند هیچ آنجا یار

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا

جز کسانی که توبه ورزیدند هم به اصلاح خویش کوشیدند
معتمد با خدا و مخلص دین‌مؤمنان را شدند یار و قرین
زود باشد دهد خدای کریم مؤمنان را ثواب و اجر عظیم

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

نرسد کیفر از خدای جهان‌گر که شاکر شوید و با ایمان
[خویشتن بر خدای کن تسلیم که خدا نیز شاکر است و علیم

مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَءَامَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ
اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا

خوش ندارد خدا به بانگ بلندسخن بد به یکدگر گویند
غیر از آن کس که دیده است جفاو خدا آگه است و هم
شنوا

۱۴۹

إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَفُوًّا قَدِيرًا

گر کنی خیر آشکار و نهان‌ور ببخشی گناه بر دگران
به یقین نیز حق گنه بخشاست و خدا قادر است بی کم و
کاست

۱۵۰

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا
بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ
وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

کافران بر خدا و پیغمبرفرق خواهند در رسل یکسر
برخی از انبیاست باورشان‌شده کافر به بعضی دیگرشان
خواستند این گروه با ترفندزان میان راه دیگری گیرند

۱۵۱

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا
مُّهِينًا

کافرانند این کسان به یقین‌هست از بهرشان عذاب مهین

۱۵۲

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ
أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجُورُهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

و کسانی که آورند ایمان‌به خدا و پیمبر یزدان
و ندارند فرق را باوردر میان پیمبران یکسر
زود یابند اجرشان به جان‌و رحیم است حق و ذو غفران

۱۵۳
۸۳ر

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنِزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ
فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً
فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ
مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَعَاتَيْنَا مُوسَىٰ
سُلْطَانًا مُّبِينًا

خواهد اهل کتاب اینکه خدا بهرشان نامه‌ای دهد ز سما
پیش از این خواست امت موسی‌که خدا را نشان بده بر ما
صاعقه پس گرفتشان ز ستم‌عجل را پس گرفته‌اند مضم
پس از آیات بینات که ماداده بودیم آن جماعت را
عفو کردیمشان و داد خدا سلطه‌ای آشکار بر موسی

۱۵۴

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ
سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ
مِيثَاقًا غَلِيظًا

طور افراشتیم بر سرشان‌و گرفتیم از همه پیمان
و ان زمان گفته‌ایم با ایشان‌وارد در شوید سجده کنان
حرمت شنبه را نگهداریدنیز پیمان گرفته‌ایم شدید

فَمَا نَقْضِهِمْ مِّيثَقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمْ
الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ
عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا

۱۵۶

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَنًا عَظِيمًا

۱۵۷

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ
وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ
أَخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا
اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا

۱۵۸

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

۱۵۹

وَإِنَّ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ ۖ وَيَوْمَ
الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا

۱۶۰

فَظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ
لَهُمْ وَبَصَدَّتْهُمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا

۱۶۱

وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّوْا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ
بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

۱۶۲

لَٰكِن الرِّسْخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا
أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ
وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ أُولَٰئِكَ
سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا

از چه بشکسته‌اند پیمان را کفر ورزیده با نشان خدا
کشته‌اند انبیای حق به خلاف دلشان شد به قولشان به غلاف
و خدا مهر زد به دلهاشان جز خیلی نیاورند ایمان

در سخن داشتند کفرانی و به مریم عظیم بهتانی

گفته‌اند اینکه ساختیم فناعیسی مریم آن رسول خدا
و نه کشتند و نه زدند به دار بلکه شد مشتبه برایشان کار
و کسانی که اختلاف آرندو به امر مسیح شک دارند
عوض علم ظن کنند قبول به یقین آن نبی نشد مقتول

که ببردش به سوی خویش خداو خدا قادر است و هم دانا

کس ز اهل کتاب نیست مگر پیش از مرگ آورد باور
و ان رسول خدا به روز جزا می‌شود خود گواه ایشان را

از جفای یهود گشت حرام بهرشان طیبات حل طعام
و چه بسیار کرده‌اند جدامردمان را ز راه پاک خدا

و ربا خورده‌اند از دگران که خدا نهی کرده بود از آن
مال مردم به ناروا خوردند[با گنه آبروی خود بردند]
کرد آماده کردگار عظیم بهر کفارشان عذاب الیم

استواران به علم از آنان آن کسانی که آورند ایمان
آنچه را بر تو یافتست نزول و انکه پیش از تو بوده است
رسول
به اقامه کنندگان ملاءو کسانی که می‌دهند زکوة
مؤمنان قیامت و یزدان زود باشد دهیم اجر گران

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ
بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ
وَعَاتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا

وحی ما داده ایم بر تو نبی نیز دادیم بهر نوح نجی
به خلیل خدا و اسماعیل و به اسحاق و نیز اسرائیل
هم به اسباط و عیسی و هارون نیز ایوب و یونس ذا النون
و سلیمان که شد به حق مأمور و به داود داده ایم زبور

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ
نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا

انبیایی که بر تو گشت بیان و انکه را قصه بر تو نیست عیان
بود موسی کلیم آن ذو المن با کلیمش خدای گفت سخن

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ
حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

رسلی با بشارت و هشدار بهر خلقتند حجت از دادار
حجتی نیست با کسان دگرو خدا قادر است و دانشور

لَكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ وَ يَعْلَمُ
وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا

آنچه بر توست نازل از الله هست از علم حق و اوست گواه
و ملائک گواه شد بر آن و گواهی بس است از یزدان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا
ضَلَالًا بَعِيدًا

کافرانی که جمع مردم را باز دارند از طریق خدا
بهر ایشان بود ضلال بعید [دور گشتند از خدای مجید]

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا
لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا

کافرانی که می کنند جفانیست آمرزش حق ایشان را
رهنمایی نکردشان یزدان

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ
يَسِيرًا

جز به دوزخ که خالند در آن
وین برای خداست بس آسان و تواناست کردگار جهان

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ
فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

مردمان این رسول بر حق راحق فرستاده است سوی شما
خبر بهر شما بود ایمان ور که کافر شوید بر یزدان
از حق است آنچه در زمین و سماست و خدا هم حکیم و هم
دانااست

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ
إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ
وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ
وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ
وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

۴۰
نساء
۱۷۱
/۱۷۶

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا
الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ
وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا

۱۷۲
۸۵ر

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ
وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا
فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا
وَلَا نَصِيرًا

۱۷۳

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا
إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا

۱۷۴

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي
رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا

۱۷۵

و مباش از غلام اهل كتاب و مگو بهر حق به غير صواب
عيسى مريم آن رسول خداست شد به مام او القا
او مسيح است و روحى از دادار به خدا و رسول ايمان آر
كار تثليث را كنيد رها اين طريق است خير بهر شما
نيست معبود جز خداى احد پاك باشد از اين كزوست ولد
زو بود آنچه در زمين و سماست هست كافى اگر و كيل
خداست

و ندارد مسيح هيچ ابا كه بود بنده اى براى خدا
ملكى كه مقرب حق است نكشد از عبادت حق دست
هر كه ورزيد كبر و كرد اباحشر سوى خدا بود همه را

مؤمنانى كه كار خير آرند اجرشان را تمام بردارند
و خداى جهان ببخشد بيش آن كسان را ز فضل و رحمت
خويش
هر كه ورزيد كبر و كرد اباحق عذابى اليم داد او را
و نيابند جز خدا يارى بهر خود ياورى و غمخوارى

مردمان آمد از خدا برهان بر شما نازل است نور عيان

و كسانى كه آورند ايمان متوسل شوند بر يزدان
رحمت حق و فضل ايشان راست و هدايت شوند در ره
راست

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أُمِرُوا هَلَكَ
لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا
إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا أُثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الشُّلْثَانِ مِمَّا
تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حِظِّ
الْأُنثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمٌ

۴۰
نساء
۱۷۶
/۱۷۶

از تو پرسند گر که فتوا را از کلاله بگویی حکم خدا
مردی از مرد و خود نداشت ولد نصف میراث خواهرش ببرد
زنی از مرد و هم نداشت ولد ارث او را برادرش ببرد
و کلاله دو تن بود ز اناث سهم آنان دو سوم میراث
و ر که باشند از رجال و نسابه مذکر دو بهره از اثی
حق عیان کرد ره به گمراهی حق به هر چیز دارد آگاهی

۵. مائده

الْمَائِدَة: سفره غذا

مدنی

۱۲۰ آیه

۲۲ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ
الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ
إِنَّ اللَّهَ يُحْكُمُ مَا يُرِيدُ

۱
حزب
۴۳
۸۶
منزل
۲

ای کسانی که آورید ایمان پایداری کنید بر پیمان
شد حلال از برایتان انعام جز که باشد حرام در احرام
حکم و فرمان خدای را شاید هر چه را خواست حکم فرماید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعِيرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ
وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا ءَامِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ
فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا
يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى
الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۲

ای کسانی که آورید ایمان مگذرید از شعائر یزدان
هم ز ماه حرام حرمت دان هم زهدی و قلاند از قربان
محترم دار کعبه جویان را خواستاران فضل و رضوان را
چون ز احرام آمدید برون نیست جرمی برای صید اکنون
گفته‌ی آن گروه ناخرسند که ره کعبه بر شما بستند
و ا ندارد تو را به راه جفایار باشید بهر خیر و تقا
هان مباشید یار یکدگر در گناه و ره تعدی و شر
بهر دادار متقی باشید به یقین کیفر خداست شدید

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ
لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ
وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ
تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَيسُ الَّذِينَ
كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ
أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ
مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۵:
مانده
۳
/۱۲۰

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا
عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ
فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

۴

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
حِلٌّ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ
الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن
قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَفِحِينَ
وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ
عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

۵

ناروا گشت خون و هم مرده خوک و نام خدای نابرده
خفه گشته و یا که مرده به چوب مرده از شاخ و از سقوط و
ضروب

و آنچه را دد خورد مگر آن را ذبیح سازید پس به نام خدا
و ذبیح بتان و هم از نام این عمل بر شماست جرم و حرام
کافرانند این زمان نومیددیتان را خدا کند تأیید
پس از ایشان مترس بل از من دیتان گشت کامل و روشن
نعمتم بر شما شدست تمام دین گزیدم برایتان اسلام
هر که باشد گرسنه و مضطرب به عصیان نداشت میل و نظر
[بود ناچار بهر خوردن آن حق بود مهربان و ذو غفران]

از تو پرسند چیست حل و روا؟ گو حلال است پاک کل غذا
و آنچه آموختید بر حیوان مید را چون سگ شکاری تان
یاد دادیدشان از آنچه خدایاد داد از نعیم خود به شما
چون نگهداشت بهر تان حیوان یاد آرید نام حق بر آن
بهر یزدان شوید با تقوی و شتابان بود حساب خدا

بر شما هست طیبات روا و آنچه اهل کتاب راست غذا
وز شما هم حلال بر ایشان این چنین حکم می دهد یزدان
به زن پارسای مؤمن ناب و زن پارسای اهل کتاب
چونکه حقش دهید پس باشید پارسایان نه یارگیر و پلید
هر که کافر شود به دین خدابه هدر داده کارهایش را
و به عقابست از زیانکاران این بود کیفر از خدای جهان

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا
وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ
وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ
كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ
أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا
فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِّنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ
عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ
وَعَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۵:
مانده
۶
۱۳۰/
۸۷ ر

وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ
إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الصُّدُورِ

۷

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ
أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

۸

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

۹

مؤمنان از برای راز و نیاز چونکه برخاستید بهر نماز
پس بشویید روی خود مطلق و بشویید دست تا مرفق
مسح سر را بیاورید به جاو پس آنگاه پا الی مچ پا
تنتان گر بود ز باه پلید پس برای نماز غسل کنید
چونکه باشی مریض یا در راه یا پلیدی رسد ز غایط و باه
گر نبود آب بهر غسل و وضو پس تیمم بکن به خاک نکو
مسح کن روی و هر دو دستت راحق نخواهد حرج برای شما
بلکه خواهد که پاکتان سازد [پس به تطهیر جان بپردازد]
نعمتش بر شما کند اتمام تا که شاکر شوید بر انعام

یاد آرید لطف و فضل خدائیز عهدی که بسته اید شما
گفته بودید [اینکه ستواریم ما شنیدیم و پیروی داریم
اهل تقوی شوید با یزدان و خدا آگه است از دل و جان

مؤمنان بهر حق شوید سدید و گواهان به عدل و داد شوید
کینه دارید اگر که قومی رانشود باعث طریق جفا
عدل ورزید چونکه عدل شما هست نزدیکتر به راه تقا
اهل تقوی شوید بهر خداحق به کار شما بود دانا

آن کسانی که آورند ایمان و بود کار خوب با ایشان
مژده دارد خدای بر آنان لطف و آمرزش و ثواب گران

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

کافران مکذب آیات یار دوزخ شوند در عرصات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

۱۱

ای کسانی که آورید ایمان یار نعمت یزدان
خواست قومی که برگشاید دست بر شما لیک دستشان را
بست
اهل تقوا شوید با دادار اهل ایمان به حق سپارد کار

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ ۖ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَءَاتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

۱۲
حزب
۴۴
۸۸

و یقینا ز آل اسرائیل عهد بگرفت کردگار جلیل
برگزید از میانشان دادار از بزرگان دوازده سالار
گفت حق با شما منم همراه هم ز اعمالتان منم آگاه
تا نماز خدا به پا سازید و زکات خدا بپردازید
به رسولانم آورید ایمان عز و نصرت دهید بر ایشان
وام نیکو دهید بهر خداتنا کنم عفو سینات شما
پس شما را در آورم به جان زیر اشجارش آبهای روان
پس از آن گر کسی کند کفران پس به راهی بد است
سرگردان

فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ ۚ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۚ مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

۱۳

پس چو بشکسته اند آن پیمان لعن و نفرین ماست بر ایشان
سخت گردانده ایم ما دلشان نیز تحریف ساختند بیان
شد فراموش بهره ها زانان آنچه هم پند بود بر آنان
دائما بنگری خیانتشان غیر جمعی قلیل از ایشان
عفو کن درگذر تو از ایشان دوست دارد خدا نکوکاران

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا
مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَمَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

از نصارا گرفته شد پیمان پس فراموش گشت بهری از آن
و آنچه را پند بود بر ایشان پس فکندیم کینه در دلشان
دشمن هم شدند تا محشر حق دهد زودشان ز کار خبر

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا
مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ
جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ

ای گروه کتاب سوی شمایه یقین آمد این پیمبر ما
تا کند او برای خلق بیان آنچه از نامه کرده اید نهان
عفو دارد بسی و از یزدان آورد نور و هم کتاب عیان

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمُ
مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ

آنکه رضوان حق گزید مرام حق هدایت کند به راه سلام
از سیاهی به روشنی گر خواست و هدایت کند به راهی
راست

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ
فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ
مَرْيَمَ وَأُمُّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ

کافر است آنکه گفت [بی پروا] که مسیح بن مریم است خدا
گو چه کس را چنین بود یار که کند منع و دخل کار خدا
گر بخواهد هلاک عیسی و مامو آنچه خلق زمین بود به تمام
ملک ارض و سما از آن خداست و آنچه مخلوق بین ارض و
سماست
هر چه را خواست آفریند نیز و خدا قادر است بر هر چیز

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصْرَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّوهُ ۖ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ ۖ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۚ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

۵۰
مانده
۱۸
/۱۲۰

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ۖ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱۹

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ ۖ يَقَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَءَاتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ

۲۰
۸۹

يَقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

۲۱

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ

۲۲

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اللَّهَ عَلَيْنِهَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِتَّكُمُ غَلِبُونَ ۚ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

۲۳

گفت قوم مسیح و قوم کلیم بر خدا یاوریم و فرزندیم
گو چرا پس خدایتان به شما می‌دهد کیفر گناهان را
گو که هستید همچو خلق شمایری ز آنچه آفرید خدا
هر که را خواست می‌دهد غفران هر که را خواست می‌دهد
نیران
ملک ارض و سما و بینهماست از وی و بازگشت سوی
خداست

ای گروه کتاب سوی شما به یقین آمد این پیمبر ما
تا بیان دارد از برای تمام فترتی بود این زمان به پیام
تا نگوید کو نذیر و بشیر آمده سویتان بشیر و نذیر
و خدا قادر است بر هر کار [پس مبادید بهر حق کفار]

گفت با قوم خود چنین موسی‌یاد آرید لطف یزدان را
دادتان انبیا و حکم چنان که ندارد کسی ز عالمیان

و در آید ارض پاکی را که معین شدست بهر شما
گر به پیشینه روی گردانید در چنان حال اهل خسرانید

قوم گفتند اینکه ای موسی قومی اهل ستم بود آنجا
ما بدانجا نمی‌شویم درون جز که آیند آن گروه برون
گر که بیرون روند از آنجا در رویم [بی پروا]

دو نفر زان جماعت ترسان که خدا فضل داد بر آنان
رای دادند رو کنید به درو در آید با شماست ظفر
پس توکل کنید بر یزدان گر شما بید پیرو ایمان

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَّا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ
أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ

قوم گفتند ما درون نرویم تا به شهرند آن گروه مقیم
تو و پروردگارت ای موسی بروید از برای جنگ آنجا
ما همین جا به جای بنشینیم تا که پایان جنگ را ببینیم

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي ۖ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ
الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

گفت یا رب بجز برادر من نیست کس بهر [جنگ یاور من
پس جدایی بیفکن ای یزدان بین ما وین گروه نافرمان

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ
فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

گفت حق شد حرام بر ایشان این دیار و شوند سرگردان
تا چهل سال پس مباحش غمین بهر این مردم گنه آیین

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ
مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا
يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

و بخوان از برای خلق خبر از دو فرزند آدم آن دو پسر
گشت قربانی یکی مقبول و از آن دیگری نگشت قبول
گفت پس می‌کشم ترا گفتا حق پذیرد فقط ز با تقوی

لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَّا أَنَا بِبَاسٍ يَدَيَّ إِلَيْكَ
لَأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

دست آری اگر به کشتن من نکنم دست باز بر کشتن
می‌هراسم من از خدای جهان حق و پروردگار عالمیان

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ
وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

خواهم از درگه خدای احدکه گناه من و تو بر تو رسد
پس شوی زین گنه به آتش یارو آن بود کیفر ستم کردار

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ ۖ فَأَصْبَحَ مِنَ
الْخَاسِرِينَ

پس بکشت او برادرش آسان شد از این کار از زیانکاران

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي
سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يُوَيَّلَتْنِي أَعْجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا
الْغُرَابِ فَأُورِيَ سَوْءَةَ أَخِي ۖ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ

پس کلاغی خدای کرد گزین جستجو گر در آن دیار و زمین
تا دهد بهر او نشان که چسان پیکر کشته را کند پنهان
گفت ای وای بر من [بیتاب عاجزم تا شوم به مثل غراب
دفن سازم تن برادر را پس پشیمان شد [از گناه و خطا]

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا
بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا
وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ
رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ
لَمُسْرِفُونَ

و از آن بهر آن اسرائیل شد معین چنین برای قتل
گر کسی را کشند از بیدادیا که روی زمین کنند فساد
گویا کشته‌اند جمع کسان وین چنین کار زنده کردنشان
گر کسی را ز مرگ داد نجات به همه خلق داده است حیات
بس رسولان که داشتیم گسیل همه را بینات بود و دلیل
چه بسا بعد از آن به ارض خدا اهل اسراف بوده‌اند و جفا

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي
الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ
وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ
فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

آنکه جنگید با خدا و نبی‌بهر افساد ارض شد سعی
کیفرش قتل و دار و تبعید است قطع کردن خلاف پا و دو
دست
این به دنیا است ذلت ایشان و به عقابست هم عذاب گران

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

جز که تائب شوند و رو گردان نه پس از دستگیری آنان
پس بدانید اینکه با ایشان حق بود مهربان و ذو غفران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ
وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که آورید ایمان اهل تقوا شوید با یزدان
و به سویش وسیله‌ای جوید [و ره اولیای حق پویید]
و به راه خدا به جنگ روید شاید ای قوم رستگار شوید

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ
مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

گر متاع زمین دو چندان بودو آنهمه بهر اهل کفران بود
و همه چیز را فدا بدهند از عذاب گه جزا نرهند
نپذیرد خدای حی و علیم بهر ایشان بود عذاب الیم

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

آرزو مانده است بر دلشان که بر آیند از دل نیران و نگردند خارج از آن نار بهر آنان عذاب شد ستوار

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

قطع کن دست دزدها یکسر این بود بر گناهشان کیفر این عقوبت بود ز سوی خداو خدا هست قادر و دانا

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

ظالم ار توبه کرد بعد جفاو نکو ساخت کرده‌ی خود را توبه‌اش را کند قبول خدای حق بود غافر و عطا بخشا

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

تو ندانی مگر کز آن خداست آنچه در پهنه‌ی زمین و سماست هر که را خواست می‌دهد کیفر هر که را خواست بخشد آن داور و خدا قادر است بر هر کار [از خدا جوی نیکی کردار]

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنَكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ ءَاخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

ای پیامبر مشو غمین ز آنان که شتابند در ره کفران هست ایمانشان به لفظ و بیان و نگشتند مؤمن از دل و جان از یهودند جمع کذب نیوش داده بر قول جمع دیگر گوش که نیابند نزد تو خرسند سخن از جای خویش گردانند و بگویند اگر که گفتند آن‌پس بگیرد گوش از دل و جان ور نیارند آن سخن به زبان دور باشید از چنان سخنان هر که را حق به فتنه کرد دچار کیست آنکو ز حق ستاند کار؟ آن کسان را نخواست رب جهان تا که تطهیرشان کند دل و جان هم به دنیا است ذلت از ایشان هم به عقا بود عذاب گران

سَمْعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْثَرُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

۵:
مانده
۴۲
/۱۲۰

۴۳

وَكَيْفَ يُحْكِمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنَ اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ

۴۴
۹۲۰

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۴۵

سحت خواران و قوم کذب نبوش چون بیایند سوی تو [به
خروش
یا بکن داوری و حکم بخوان یا که اعراض داری از ایشان
ور که اعراض داری از ایشان نرسانند بر تو هیچ زیان
در قضاوت به داد ده فرمان و خدا هست یار دادگران

داوری خواستند از تو چرا؟ چونکه تورات هست آنان را
حکم یزدان دروست گردانند پس از آن روی خود بگردانند
نیست از بهر این گروه ایمان وین چنین مانده اند در کفران

ما فرستاده ایم عهد عتیق زوست نور و هدایت و تحقیق
باز گفتند زان کتاب احکام انبیا کاوریده اند اسلام
بهر قوم یهود در کردار نیز ربانیون و هم احبار
گر کتاب خدا نگهدارند خویشتن را بر آن گواه آرند
پس مترس از کس و بترس از من مده آیات با قلیل ثمن
آنکه حاکم نشد به ما انزل اوست از جمع کافران به عمل

ما نوشتیم بهر ایشان آن چشم با چشم هست و جان با جان
انف انف است و گوشها آذان نیز دندان برابر دندان
و برای جروح هست قصاص هر که خواهد رسد به کار تقاص
گر که راضی شود به کفاره فدیة باشد به کار او چاره
هر که حاکم نشد به ما انزل اوست از جمع ظالمان به عمل

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ ۖ وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ ۖ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

۵۰
مانده
۴۶
/۱۲۰

عیسی مریم از پی آثار ما فرستاده ایم بر هشدار بود در نزد آن نبی تصدیق از کتاب قدیم عهد عتیق داده ایم از برای او انجیل اوست نور خدای رب جلیل و به تورات شد گواه همان رهنمایی و پند متقیان

وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ ۖ وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

۴۷

اهل انجیل بایدش فرمان ز آنچه نازل شدست از یزدان و آنکه حاکم نشد به ما انزل اوست از جمع فاسقان به عمل

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ ۖ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۚ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً ۚ وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۖ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

۴۸

و به حق [ای پیامبر مرسل شد کتاب از خدا به تو منزل اوست تصدیق نامهی پیشین و بر آن شد محافظ از آیین پس تو در دینشان بده فرمان ز آنچه نازل شدست از یزدان و مکن پیروی تو از اهوای بمانی از آنچه داده خدا داده ام بهر هر کسی دینی بهر هر قوم شرع و آیینی امتی واحد از خدا می خواست همه را می نمود یک ره راست تا شوید آزمون به داده ی او بشتابید سوی کار نکو بازگشت شماست سوی خدا و کند بر خلافتان دانا

وَأَن اَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۚ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ

۴۹

داوری کن به نامهی یزدان و مشو پیرو دل ایشان حذر از فتنه هایشان کز آن دور گردی ز گفته ی یزدان و بیچند سر بدانکه خدا خواست بر جرمشان عقوبتها بسی از مردمند نافرمان بهر فرمان قادر سبحان

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

۵۰

این جماعت به داوری آیا؟ خواستارند جاهلیت را کیست در حکم بهتر از یزدان بهر قومی که آورند ایمان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ أَوْلِيَآءَ
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنَّهُمْ إِنَّ
اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

بر مگیر ای گروه ایمانی اولیا از یهود و نصرانی
اولیای همد در آیین زان گروهید اگر کنید چنین
رهنمایی نمی کند دادار بهر قومی که شد ستم کردار

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ
نَحْشَىٰ أَن تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ
مِّنْ عِندِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ

۵۲

جمعی آزار هست در دلشان می شتابند جانب ایشان
در هراس از گزند تا شاید فتح و امری ز سوی حق آید
پس پشیمان شوند و رو گردان ز آنچه در جان خود کنند
نهان

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ
أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فَأَصْبَحُوا
خَاسِرِينَ

۵۳

مؤمنان از چنین کسی گویند آنکه ابرام داشت در سوگند
که منم با شما قسم به خدا چون شد اعمال او به باد فنا
و شد از دسته ی زیانکاران وین چنین اند در ره خسران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ
يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ
عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ
لَا إِمٍ ذَٰلِكَ فَضَّلَ اللَّهُ يَوتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۵۴

مؤمنان هر که بازگشت از دین زود آرد خدای قوم گزین
این گروهند دوستدار خداو خدا دوست دارد ایشان را
مؤمنان را فروتنی دارند بهر کفار سخت و دشوارند
در ره حق مجاهدند به جان نیستند از ملامتی ترسان
فضل حق است هر کسی را خواست و خداوند واسع و
دانا ست

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

۵۵

شد ولی شما خدا و رسول و کسانی که دین کنند قبول
آن اقامه کنندگان صلاۀ در رکوعند معطیان زکوة

وَمَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ
الْغَالِبُونَ

۵۶

یار حق و رسول و مؤمن دین هست پیروز حزب حق به یقین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ
هُزُوءًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ
أَوْلِيَآءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُم مُّؤْمِنِينَ

۵۷
۹۴ ر

مؤمنان از جماعت کفار هم ز اهل کتاب مسخره کار
آنکه بگرفت دین حق بازی هان مبدا که یار خود سازی
اهل تقوی شوید با یزدان گر که دارید بهر حق ایمان

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

چون ندا در دهید بهر نماز سرخه گیرند لهو و لعب و مجاز چون چنین مردمی نیندیشند [اهل لهوند و مسخره کیشند]

۵۹

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنْ أَكْثَرُكُمْ فَسِقُونَ

گو به اهل کتاب داری کین بهر ما که خدا به ماست یقین نیز تنزیل این زمان و ز پیش بیشتر فاسقید و عصیان کیش

۶۰

قُلْ هَلْ أَنْبِئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ

کنم آگاهتان که نزد خدا کیست بدتر به کیفر و به جزا؟ آنکه مغضوب حق شد و ملعون و انکه ممسوخ گشت چون میمون چون پرستد بتان و هم شیطان بدترین جا برای اوست مکان نیز گمراه ترین خلق خداست از چنین کار گم شد از ره راست

۶۱

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ ءَ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ

چون بیایند سویتان به زبان آن گروهند پیرو ایمان شده در دین حق به کفر درون هم به کفر آمدند زان بیرون هست آگاهتر خدای جهان ز آنچه این قوم می کند کتمان

۶۲

وَتَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

بینی از بینشان گروهی را که شتابند در گناه و جفا قوت ایشان بود خوراک حرام بد بود آنچه می دهند انجام

۶۳

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

از چه ربانیان و هم احبار می نکردند نهیشان زان کار؟ از سخنها ی اثم و اکل حرام بد بود آنچه می دهند انجام

۶۴

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

گفت قوم یهود دست خداست بسته بل بسته قدرت آنهاست هر که گفت این کلام ملعون است از خداوند باز هست دو دست هر که را خواست می کند احسان گشت نازل به سوی تو قرآن وان جماعت فزود بر کفران پیشتر رفت در ره طغیان بین آنان عداوت و بغض اما فکندیم تا به روز جزا چون بر افروختند نار غزا کرد خاموش آن لهیب خدا و بکوشند در ره افساد نیست حق دوستدار اهل فساد

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ
سَيِّئَاتِهِمْ وَلَادْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ

گر که مؤمن شوند اهل کتاب اهل تقوی شوند و خیر و
صواب
پس گناهانشان بیوشانیم و در آرمشان به باغ نعیم

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ
رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ
مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ

گر به عهد عتیق و عهد جدیدو آنچه از حق به سوبشان
برسید
بهر اجرا شوند پا بر جابر خورند از نعیم ارض و سما
بعض ایشان میانه رفتارندو از ایشان بسی تبهارند

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ای پیمبر به مردمان برسان آنچه بر تو رسید از یزدان
ور نکردی نداده ای انجام از خداوند خویش امر پیام
شد نگهدارت از کسان دادار حق هدایت نمی کند کفار

قُلْ يَٰ أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ
وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا
مِّنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى
الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

ای پیمبر بگو به اهل کتاب بهرتان نیست هیچ خیر و صواب
جز که عهد عتیق و عهد جدیدو آنچه از حق بسویتان برسید
پای دارید و پاس دارید آن گشت نازل به سوی تو قرآن
وین جماعت فزود بر کفران پیشتر رفت در ره طغیان
پس تأسف مخور تو بر کفار [که به خشم خدا شوند دچار]

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ
ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

از یهود و گروه ایمانی صابئین و ز گروه نصرانی
هر که شد مؤمن خدا و جز او نکوکار بود در دنیا
نیست حزن و هراس بر ایشان نه به دنیا و نه باغ جنان

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا
جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا
يَقْتُلُونَ

عهد بستند آل اسرائیل سوبشان انبیا شدند گسیل
چون پیامد رسول بر ایشان بر خلاف هوای خاطرشان
گاه تکذیب کرده اند او را گاه کشتند [آن سخنگو را]

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

و بلا را نداشتند گمان پس کر و کور شد بسی زانان
و خدا کارهایشان بیند[گر که نیک آورند یا از بد]

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبْنِي إِسْرَءِيلَ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

۷۲

کفر ورزید آنکه شد گویاکه مسیح بن مریم است خدا
گفت عیسی به آل اسرائیل پیوستید حق و رب جلیل
آنکه رب من است و رب شماور کسی شرک داشت بهر خدا
حق کند جتتش به وی تحریم و به عقباست در جحیم مقیم
[در قیامت درون دوزخ و نار] نیست بهر ستمگران انصار

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۷۳

آنکه تثلیث باشدش ایمان در حقیقت به حق کند کفران
نیست معبود جز خدای احدگر به پایان چنین سخن ترسد
کافران را بود عذاب الیم در قیامت به دوزخند مقیم

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۷۴

نمی آرند توبه ای آیا؟ یا بخواهند مغفرت ز خدا
هست رب جهان غفور و رحیم توبه آرید بر خدای کریم

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَتَى يُؤْفَكُونَ

۷۵

نیست عیسی بجز رسول هدایش از او بود انبیای خدا
مام او راستگوی بود مدام و آندو می خورده اند قوت و طعام
می نگر چون بیان کنیم آیات و کجا کج برندشان به حیات

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۷۶

گو بجز حق پرستش چه کنید؟ که نباشد مضر و نیست مفید
آنکه بشنید هر کلام خداست و به اعمال مردمان داناست

قُلْ يَٰ أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ

گو به اهل کتاب بی آیین نشوید از غلات در آن دین و مباحثید پیروان هوی مردمانی ز پیش گمره را که بسی خلق را برد از راه از ره راست گشته نا آگاه

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

ز آل یعقوب کافران را بود لعن عیسی بن مریم و داود ز انکه بودند در ره عصیان سرکشی داشتند از یزدان

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

نکشیدند دست از منکر آنچه کردند بود زشتی و شر

تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ

بینی از بین این کسان بسیار که بگیرند دوست از کفار بد بود آنچه می کند تقدیم جانشان بهر آن گروه اثم قهر و خشم خداست آنان را جاودانند در عذاب خدا

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَلَسِقُونَ

گر یقین داشتند حق و رسول و آنچه را سوی او شدست نزول نگرفتند اولیا ز آنان لیک از ایشان بسی است نافرمان

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِيَّ ذَلِكَ بِأَنْ مِنْهُمْ قَسِيصِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

اهل شرک و یهود مؤمن راهست دشمن ترین دشمنها و بیا بی محبت انصار بین نصرانیان خوش رفتار چون کشیشان و راهبان دارندوز تکبر همیشه بیزارند

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَمَّاذَا فَاكْتُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

چون شنیدند آنچه یافت نزول آیه‌های خدا به سوی رسول
پر کند اشک چشم ایشان راز آنکه حق را شناختند به جا
پس بگویند مؤمنیم خدا از گواهان حساب کن ما را

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ

و چرا ما نیاوریم ایمان به خدا و آنچه آید از یزدان
دوست داریم حق برد ما رادر میان جماعت صلحا

فَأَثْبَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

اجرشان داد حق بسی بستان زیر اشجارش آبهای روان
پس مقیمند جاودانه در آن این جزا هست با نکوکاران

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

کافران مکذب آیات یار نارند جمله در عرصات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَّا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

مؤمنان پاکها مکن تحریم آنچه دارد حلال رب کریم
و مباشید در ره عدوان نیست مهرش به سرکشان یزدان

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِء مُؤْمِنُونَ

بخورید آنچه داده است خدارزق پاک و حلال بهر شما
اهل تقوی شوید با یزدان که شما را به او بود ایمان

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ ۖ فَكَفَرْتُمْ ۖ وَاطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۖ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ ذَٰلِكَ كَفَرَةٌ ۚ أَيْمَانُكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ ۚ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ ۚ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

حق نگیرد گناه بهر شما قسم لغو را که گشته ادا
و مؤاخذ شود اگر که قسم بود با اعتقاداتان توأم
فدیه‌اش شد غذای ده درویش از طعام وسط به خانه‌ی
خویش
یا لباس است یا بود تحریرور نیابی سه روز روزه بگیر
پس قسم را نگاه دار درست که در آن سود زندگانی توسست
حق کند آیه‌های خویش بیان تا که شاکر شوید بر یزدان

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ
وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ

مؤمنان خمر و میسر است حرام نیز انصاب بازی و ازلام
کار اهریمن است و هست پلیدالحدز تا که رستگار شوید

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي
الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ
فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ

دیو خواهد عداوت و بغضادر شراب و قمار بهر شما
و کند دورتان ز ذکر و نمازدست آیا کشید از آنها باز؟

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ
فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

و مطیع خدای باش و رسول و حذر کن که رد کنی و نکول
پس بدانید بر رسول امین نیست تکلیف جز بلاغ مبین

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا
طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا
وَءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

نیست بر مؤمنان نیکوکارگنهی گر شوند برخوردار
از طعام و شوند با تقوا اهل ایمان شوند و از صلحا
اهل تقوا شوند و با ایمان باز تقوا کنند و هم احسان
دوست دارد خدا نیکوکاران

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَبْلُوَنَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ
تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ
بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای کسانی که آورید ایمان
می کند امتحانتان یزدان از شکاری که می رسید به آن
یا به دست و به تیر و نیزه رسد که چه کس در نهان از او
ترسد
گر تجاوز کند سپس [ز حریم بهره ی او بود عذاب الیم

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَن
قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ
يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَرَةٌ
طَعَامُ مَسْكِينٍ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكِ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهٖ
عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ
عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ

مؤمنان بر شما شدست حرام کشتن هر شکار در احرام
ور به عمد کشید کفارهمثل حیوان بر او بود چاره
و دو عادل بود بر او شاهدتا به شهر خدا شود وارد
یا که اطعام مردم مسکین یا صیامی بود معادل این
تا چشد از عقوبت کارش بگذرد از گذشته دادارش
هر که برگشت انتقام خداشامل اوست بهر کیفرها
و خدا هم عزیز و منتقم است گر که از جرم بر ندارد دست

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلْغِيَّارِ
وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ
الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

صید دریا حلال بهر شماست و طعام شما و قافله‌هاست
هر زمانی که بسته‌اید احرام بهر تان صید خشکی است حرام
اهل تقوی شوید بهر خدا و به سوی خداست حشر شما

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ
الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلْبَ ذَلِكْ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا
فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

و خدا ساخت کعبه بیت حرام و به خلق جهان محل قوام
ماه عز و قلاند و هدی است محترم کش نبود و نیست
شکست
تا بدانید عالم است خدا آنچه را هست در زمین و سما
و خدا آگاه است از همه چیز [وز همه کار بندگانش نیز]

أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

و بدان کیفر خداست شدید هم غفور و رحیم رب مجید

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا
تَكْتُمُونَ

نیست بهر نبی بجز ابلاغ پس بیان کن علی الرسول بلاغ
هست آگاه کردگار جهان گر که ظاهر کنید یا پنهان

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ
الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَأُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

گو که پاک و پلید نیست و حیدور شگفت آیدت و فور پلید
تا شوی رسته‌ای تو اهل ده‌باش پرهیزکار بهر خدا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَ لَكُمْ
تَسْؤُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْءَانُ تُبَدَ
لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

زان می‌رس ای گروه با ایمان که شود گر عیان بد آیدتان
گر بی‌رسید از آن گه تنزیل می‌شود بهر تان عیان به دلیل
بگذرد حق ز کرده‌های شما حق بود غافر و گنه بخشا

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ

قوم قبل از تو هم چو پرسیدند بعد از آن کار کفر ورزیدند

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ
وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

حق ندارد بحیره‌ی نامی سائبه یا وصیله یا حامی
کذب بستند بر خدا کفار اکثرند این گروه ناهشیار

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا
حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ عَابَاءَنَا أُولَٰئِكَ كَانَ عَابَاؤُهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

هر زمان گفته شد کنید قبول آنچه حق آورد به سوی رسول
گفته‌اند اینکه هست پس ما رایافته‌ها از طریقه‌ی آبا
گر چه آبانشان نبود آگاه‌و هدایت نیافتند به راه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِّنْ
ضَلَّ إِذَا أَهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ
بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

مؤمنان خویش را بدار نگاه‌نرساند به تو زیان گمراه
چونکه ره یافتی به سوی خدا سویی حق است بازگشت شما
کند آگاهتان ز کار خدا آنچه انجام می‌دهید شما

۱۰۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ
الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ ءَاخِرَانِ
مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَبْتَكُمْ
مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُوهُمَا مِّنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ
بِاللَّهِ إِنْ أُرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا
نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الْآثِمِينَ

مؤمنان چون رسد یکی را موت پیش از آن یا در آستانه‌ی
فوت

بر وصیت دو عادل آگاه‌باید از خویش یا ز غیر گواه
گر که مرگش رسد به وقت سفرجوی بعد از نماز آن دو نفر
پس قسم می‌خورند بهر خدا ندهند اعتقاد خود به بها
گر چه باشد منافی پنهان‌زان گواهی برای نزدیکان
و گواهی ز حق مکن کتمان‌ور نه باشی تو از گنه‌کاران

۱۰۶

فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اُسْتَحَقَّ إِثْمًا فَآخِرَانِ يُقِيمَانِ
مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اُسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأُولٰٓئِنِ فَيُقْسِمَانِ
بِاللَّهِ لَشَهِدْتُنَا أَحَقَّ مِنْ شَهِدَتِيهِمَا وَمَا اُعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا
لَمِنَ الظَّالِمِينَ

ور که گردند مرتکب به گناه پس بیاور بجایشان دو گواه
وان دو اولی قسم خوردند به حق‌کاین دو در این گواهیند
حق
و نباشند در ره عدوان‌ور نه باشند از ستمکاران

۱۰۷

ذَٰلِكَ اَدْنَىٰ أَن يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَن تُرَدَّ
أَيْمَانُهُمْ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَأَسْمِعُوا ۙ وَلِلَّهِ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الْفٰسِقِينَ

به بود گر به حق گواه شوندو به سوگند رد شود سوگند
اهل تقوی شو و شنو که خدارهنما نیست قوم فاسق را

۱۰۸

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا
إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

حق کند جمع چون رسولان را که چه دادند پاسخی به شما
پس بگویند نیست علم به ما تو هستی ز غیبا دانا

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَٰعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَذْكُرُ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ
وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ
وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ
وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي
فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ
وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي
إِسْرَءِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

گفت پروردگار با عیسی‌یاد کن نعمتم که بود ترا
نیز مامت [که بود پاک و سعید] شد ز روح القدس ترا تأیید
و سخن گفته‌ای به مردم سهل‌گاه در مهد و گاه هم در کهل
یاد دادت کتاب رب جلیل هم ز تورات و حکمت و انجیل
آفریدی ز گل یکی پیکرهمچو مرغی به قدرت داور
پس دمیدی در آن به اذن خداگشت مرغی ز مرغهای هوا
و شفا داده‌ای به اذن خداهم به پیس و به کور مادرزا
مرده کردی برون به اذن خداوز تو کردم به دور کید و بلا
آل یعقوب هر چه داشت جفاچون بیاوردی آیه‌های خدا
کافران زان گروه نافرمان‌پس بگفتند هست سحر عیان

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ ءَامِنُوا بِي وَبِرُسُولِي قَالُوا
ءَامِنَّا وَآشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

به خواری بدادم این فرمان به رسول و من آورید ایمان
پس بگفتند مؤمنیم آنگاه‌بهر اسلام ما تو باش گواه

إِذْ قَالَ الْخَوَارِجُونَ يَٰعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ
أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

کرد پرسش خواری از عیسی‌هست این شیوه در توان خدا
که فرستد برای ما ز سماخوانی آراسته ز قوت و غذا
گفت تقوا کنید بهر خدا اگر از مؤمنین شدید شما

قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ
صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ

پس بگفتند ما بخواهیم آن‌تا خوریم از خوراکی آن خوان
بعد از اینها قرار در دل ماست و بدانیم اینکه گویی راست
و بر این کار تو شویم گواه و نباشیم بعد از آن گمراه

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِّنكَ ۖ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ ۖ فَمَن يَكْفُرْ بَعْدُ مِنكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ ۖ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ ۚ إِن كُنتَ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ ۚ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ ۚ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ ۚ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۚ وَكُنتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ ۖ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنتَ أَنتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

إِن تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ ۖ وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ ۚ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

گفت عیسی به حق که یا رباخوان فرست از برای ما ز سما تا بود عید خرمی ما را بر نخستین ما و آخر ما رزق ما بخش و این ز توست نشان و تو هستی بهینه رزق رسان

گفت حق این غذا فرستمتان هر که کافر شد از شما پس از آن پس عذابش کنم عذاب چنان که نبودست بهر عالمیان

گفت یزدان به حضرت عیسی این تو گفتی به مردمان آیا؟ که بجز حق مرا و مام مرا برگزینید بهر خویش خدا گفت پاکی تو ای خدای امم نتوانم من این سخن گویم گر بگویم چنین سخن دانی و آنچه باشد به جان من دانی من نمی دانم آنچه هست ترا و تو هستی به غیبها دانا

من نگفتم برایشان الا آنچه فرمان دهی به آن تو مرا که عبادت کنید بهر خداحق و پروردگار ما و شما بوده ام من گواه بر آنان ز آنچه بودم میانه ی ایشان چون مرا برده ای مرا قبشان این تویی ای گواه کل جهان

بنده اند ار عذاب فرمایی و بر بخشی قدیر و دانایی

سخن صادقان خدا فرمود دارد امروز بهر آنان سود هست از بهرشان بسی بستان زیر اشجارش آبهای روان پس مقیمند جاودانه در آن و خدا هست راضی از ایشان این گروهند راضی از یزدان آن بود بهر خلق فوز کلان

ملک ارض و سما از آن خداست نیز از اوست آنچه در آنهاست او توانا بود به هر کاری نیست جز او قدیر و قهاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ
وَالنُّورَ ۖ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

۱
۱۰۲

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا ۖ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى
عِنْدَهُ ۖ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ

۲

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ
وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ

۳

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ ءَايَةٍ مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا
مُعْرِضِينَ

۴

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا
كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

۵

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي
الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ
مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ
بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءَاخِرِينَ

۶

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ
الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ

۷

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَفُضِيَ الْأَمْرُ
ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ

۸

هر چه حمد است هست از آن خدا آن کسی کافرید ارض و
سما
تاری و روشنی است زان قادرپس شریک آورد به حق کافر

از گل آوردتان پدید خدامهلتی پس گذاشت بهر شما
مهلت قطعی است نزد خدایان هم شبهه‌ای است بهر شما؟

اوست پروردگار ارض و سما عالم سرّ و آشکار شما
و آنچه را کسب می‌کنید شما هست بر آن خبیر و هم دانا

نرسد آیهی خدا به کسان جز که آنان شوند رو گردان

چونکه حق می‌رسد سوی ایشان آن جماعت شوند منکر آن
زود آگه کنند آنان را آنچه را داشتند استهزا

نشنیدند پیش از آنان هم‌مکتبی بوده است در عالم
که نبودست آن برای شما و فرستاده‌ایم هم ز شما
شد پیایی بر ایشان باران و نهادیم نهرهای روان
از گناهان هلاکشان سازیم پس به قرنی دگر بپردازیم

گر فرستیم نامه‌ای مکتوب و بساوند با دو دستان خوب
گوید آن کس که هست بی‌ایمان نیست این هیچ غیر سحر
عیان

و بگویند اگر بود ملکی بر تو نازل نمی‌کنیم شکی
گر ملک هم بیاورد یزدان‌گذرد کار و نیست مهلتشان

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبَسُونَ

وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

قُلْ لِّمَن مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

مَنْ يُصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

وَإِنْ يَمَسُّسُكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسُّسُكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

گر که او را فرشته‌ای سازیم همچو یک آدمی بپردازیم و بیپوشد از آنچه خود پوشند[از چه در کار کافری کوشند]

پیش از تو بسی رسولان را بود از سوی خلق استهزا پس گریبان گرفت آنان را آنچه را داشتند استهزا

گو بگرد این زمین و بین به جهان چیست بهر مکذبان پایان

از که هست آنچه در زمین و سماست گو که ارض و سما از آن خداست کرد مکتوب بهر خویش و دادتا کند گردتان به روز معاد نیست شکی در آن و اهل زیان در دل و جان نیاورند ایمان

هر چه در روز و شب شدست مقیم هست از ایزد سمیع و علیم

گو چه گیرم ولی به غیر خدا آن پدید آور زمین و سما می‌دهد قوت و خود نمی‌گیردگو که فرمان گرفته‌ام ز احد که شوم ز اولین مسلمانان پس میارید شرک بر یزدان

گو که می‌ترسم از ره عصیان وز عذاب خدا به روز کلان

ور رهد کس از آن ز لطف خداست و همان کامیابی پیداست

گر رساند خدای بر تو زیان کیست غیر از خدای دافع آن ور رساند خدا برای تو سودبهر هر کار قادر است ودود

او بود چیره بندگان را و خدا هست آگه و دانا

قُلْ أَىُّ شَىْءٍ أَكْبَرُ شَهَدَةً ۖ قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ
وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ ۚ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ
لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ ءَالِهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا
هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّى بَرِىءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ ۚ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ
الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۚ
إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ
شُرَكَاءُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا
مُشْرِكِينَ

أَنْظِرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَفْتَرُونَ

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۖ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ
يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ ءَايَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا
حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا
إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْعَوْنَ عَنْهُ ۚ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ
وَمَا يَشْعُرُونَ

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا
نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

کیست برتر گواه گو که خداکه گواه است بین ما و شما
وحی آمد به سویم از دادار به شما و دگر کسان هشدار
هان بگویید جز حق یکتاهست معبود دیگری آیا؟
من نگویم چنین بگو تنهااو خداوند واحد است به ما
از چنین شرک سخت بیزارم و گواه خدای غفارم

و کسانی که نامه دادمشان می‌شناسند آن چو فرزندان
آن کسان راست بهرشان خسران از دل و جان نیاورند ایمان

کیست بدتر به راه جور و جفا؟ از کسی که دروغ زد به خدا
یا که تکذیب می‌کند آیات بر ستمکاره نیست راه نجات

چون بسازیم جمله را محشور پس بگوییم بهر قوم کفور
به کجایند آن همه ز جهان شرکایی که داشتید گمان

نیست عذری ولی کنند اظهار که نبودیم مشرک دادار

بنگر چون زنند بر خودشان کذب و گم می‌شود بت و بهتان

بشنوند از تو بعضی از ایشان و نهادیم پرده بر دلشان
و نفهمند هیچ از آن سخنان چونکه سنگینی است در آذان
ور ببینند هر چه هست نشان باز ایمان نیاورند آنان
چون بیایند سوی تو به جدل کافران را سخن بود مهمل
[پس بگویند این سخنها چیست؟] غیر اسطوره‌های پیشین
نیست

خود ز حق و کتاب بیزار ندخلق را نیز باز می‌دارند
غیر خود کس نمی‌کنند هلاکو ندارند اندکی ادراک

و ببینی در آتشند مقیم پس بگویند کاش برگردیم
بیش تکذیب آیه‌ها نکنیم مؤمنانی شویم پاک و سلیم

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

می‌شود آشکار بر آنان آنچه از قبل داشتند نهان
ور بگردند باز از عرصات باز گردند سوی منهیات
و یقیناً دروغ می‌گویند[و طریق فساد می‌پویند]

۲۹

وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

و بگفتند غیر از این دنیانیست بعثی برای ما و شما

۳۰

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

آن زمان کایستند نزد خداگوید ایزد به حق نبود جزا
قوم گوید چرا قسم به خداگوید ایزد چشید پس آن را
چونکه کافر شدی عذاب این است و عذاب کفور سنگین
است

۳۱
۱۰۵۵

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ
السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَحْسِرْتَنَّا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ
يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ

به زیانی گران شدند دچارچونکه دیدار حق کنند انکار
چون قیامت فرا رسد ناگاهدر فسوسند بر قصور و گناه
بارهای گنه برند به دوش و چه بد باری آورند به دوش

۳۲

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ
يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

غیر بازی حیات دنیا نیست بهترین خانه غیر عقبا چیست؟
بهر آن کس که بود با تقوانیست آیا خرد برای شما؟

۳۳

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا
يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

آهیم اینکه می‌شوی تو دژم از سخنهاى پوچ اهل ستم
نیست تکذیبشان تو را امانگر آیه‌اند اهل جفا

۳۴

وَلَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا
وَأُودُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ
جَاءَكَ مِنْ نَبَائِ الْمُرْسَلِينَ

منکر انبیا شدند از پیش‌پس به تکذیب صبرشان شد بیش
بس اذیت شدند تا برسیدبهرشان نصرت خدای مجید
نکند کس عوض کلام خداخبر مرسلین رسید تو را

۳۵

وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ أُسْطِطِعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ
نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بَأْيَةٌ وَلَوْ شَاءَ
اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ

گر ز اعراضشان تویی غمگین‌گر توانی بجوی نقب زمین
یا که با نردبان برو به سماپس بیاور تو آیه‌های خدا
خواهد ار جمعشان کند یزدان‌بر هدایت مباح تو نادان

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

۳۷

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَن يُنْزِلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

۳۸

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

۳۹

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَاءِ اللَّهُ يُضِلِّلْهُ وَمَن يَشَاءُ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

۴۰

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنِ أَنْتُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

۴۱

بَلْ إِلَٰهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ

۴۲

۱۰۶۲

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ

۴۳

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۴۴

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ

و کسانی سخن کنند قبول که سپارند گوش [جان به رسول چون خدا زنده می‌کند موتی‌باز گردند پس به سوی خدا

و بگفتند پس چرا اینجا؟نیست نازل نشانه‌های خدا گو خدا دارد این توان اما بیشتر نیستند از آن دانا

نیست جنبنده‌ای به دشت و جبال و نه مرغی که می‌پرد به دو بال جز گروهی به خلق مثل شمانیست ما را قصور در اشیا همه چیز است در کتاب خداپس به سوی خداست حشر شما

و ان گروه مکذب آیات‌کر و لالند در دل ظلمات می‌دهد گم‌رهی به هر کس خواست و انکه را خواست برد در ره راست

گر عذاب خدا رسد به شما یا قیامت فرا رسد به شما چه کسی جز خدا فرا خوانید؟اگر از جمع راست‌گویانید

پس بخوانید حق که بگشایدمشکلی را که سویتان آید گر بخواهد خدا ز راه و دادش‌رک بگذشته را برید از یاد

و فرستاده‌ایم سوی امم روزگاران پیشتر زین هم پس بدادیمشان گرفتاری‌تا بیارند سوی حق زاری

چونکه سختی رسید بر آنان‌پس به زاری نیامدند ایشان زان که دل‌های قوم شد سنگین‌دیوشان کارها کند تزیین

چون فراموش کرده‌اند اذکارپس گشودیمشان در از هر کار شاد گردند از آن و پس ناکام‌بازگیریمشان چه بی‌هنگام

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ریشه کن گشته‌اند اهل جفاحمد پروردگار عالم را

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ أَنْظِرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْأَيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ

گر بگیرد خدا ز سمع و بصر و کند مهر قلبتان یکسر
گو چه کس جز خدا بیاورد آن‌بگر چون بیان کنیم نشان
باز اعراض می‌کنند آنان این چنین‌اند قوم بی‌ایمان

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ

گر عذاب خدا رسد به شما ناگهان یا که آشکار و به جا
گو چه کس می‌رود به باد فناغیر قومی که بود اهل جفا

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

نفرستد پیمبری دادار جز برای بشارت و هشدار
هر که شد مؤمن و نکو اعمال‌بهر او نیست هیچ ترس و ملال

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

منکران نشان ما به جزا در عذابند از گناه و خطا

قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ

گو نمی‌گویم از برای شما هست با من خزائی ز خدا
و ندانم ز رازهای نهان و نگویم فرشته‌ام [به جهان
پیروی نیست بهر من آاز آنچه وحی است سوی من ز خدا
کور و بینا مساویند آیا؟ مگر اندیشه نیست بهر شما

وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

و بده بیم آنکه شد ترسان از مجازات و حشر با یزدان
نیست یار و شفیع غیر خدا شاید آنان شوند با تقوا

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ

و مکن طرد آنکه راست دعا سوی حق گاه صبح و گاه عشا
غیر حق دیدگاه آنان نیست‌بر تو هیچ از حساب ایشان
نیست
وز حساب تو نیست آنان راگر برانی تویی ز اهل جفا

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ

آرمودیمشان به یکدیگرتا نگویند این گروه مگر
منتی دادشان خدا بر ماهست اعلم به اهل شکر خدا

۵۴

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

چونکه آیند مؤمنان نشانپس بیاور سلام بر ایشان
حق به خود بر نوشت رحمت را هر که جرمی کند ز جهل و خطا
پس شود توبه کار و خوشرفتار حق بود مهربان و هم غفار

۵۵

وَكَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ

وین چنین ما بیان کنیم نشانگشت روشن ره گنه کاران

۵۶

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

گو مرا نهی کرده است خداکه پرستم کسی بجز او را
از بتانی که می‌کنید دعامن نباشم مطیع میل شما
ورنه کردم از این عمل گمراه‌مهدی نیستم به ره آنگاه

۵۷

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِلَّا الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَفْضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ

گو منم بر دلیل حق ستوارو شما می‌کنید آن انکار
آنچه را با شتاب می‌خواهیدنیست در نزد من ز حی مجید
هست از او حکم و او بگوید راست‌بهرترین داوران به خلق
خداست

۵۸

قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ

گو اگر بود نزد من ز خدابه شتاب آنچه خواستید شما
می‌گذشت امر بین ما و شماست اعلم خدا به اهل جفا

۵۹

وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَتٍ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

هست نزدش کلید هر پنهان و نداند و را بجز یزدان
بر همه برو بحر او دانافتد برگ جز به علم خدا
دانه‌ای در دل زمین پنهان‌تر و خشکی که هست [در دو
جهان
هست مکتوب در کتاب مبین منکر حق مباح و منکر دین

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

او شما را به شب بمیراندنیز اعمال روز می‌داند
پس شما را در آن فرا ببرد تا زمان معینی گذرد
پس به حق است بازگشت شما پس به اعمالتان کند دانا

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۖ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ

اوست فوق عباد و قدرتمندمی‌فرستد نگاهبانی چند
از شما تا رسد یکی را فوت آن ملائک بیاورندش موت
نیست هرگز قصور برایشان

ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ ۖ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ
الْحَسِبِينَ

باز گردند سوی سرورشان
آنکه حق است و زو بود فرمان اسرع الحاسبین بود یزدان

قُلْ مَنْ يُنَجِّيْكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ
تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لِّئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ
الشَّاكِرِينَ

چه کسی می‌دهد نجات ترا؟ از سیاهی به خشکی و دریا
خوانیش با تضرع و به نهان‌گر نجاتم دهی از این بحران
پس من از جمع شاكران باشم شاكر خالق جهان باشم

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيْكُمْ مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ

گو خدا می‌دهد نجات شما از گرفتاری وز رنج و بلا
پس شما باز شرک می‌ورزید به خدای رحیم و حی مجید

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ
أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ
بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۚ أَنْظِرْ كَيْفَ نُصْرَفُ ۖ أَلَا يَتِلَّعَلَّهُمْ
يَفْقَهُونَ

گو که یزدان توان آن دارد که عذابی برایتان آرد
کز سما و زمین شوند پدیدیا که در چند دستگی افتید
سختی از یکدیگر چشید ببین چون کنم آیه‌های حق تبیین
شاید ایشان شوند اهل خرد [و بفهمند هر چه گفت احد]

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۚ قُلْ لَّسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

حق همین است و منکرند آن را گو که من نیستم و کیل شما

لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

هر خبر را معین است زمان‌زود یابید آگهی از آن

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي عَايَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ
يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا
تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

چون ببینی به آیه بازیشان پس بگردان تو روی از ایشان
تا بیفتند در حدیث دگربرد از خاطر تو دیو اگر
منشین بعد پند و ذکر دگربا چنین فرقه‌ی ستم گستر

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

متقین را حساب آنان نیست‌لیک تقوای قوم را پندی است

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا ۖ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

۷۰

قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا اللَّهَ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانًا لَهُوَ أَصْحَبُ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ انْتِنَا ۚ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۖ وَأْمِرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

۷۱
۱۱۰

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

۷۲

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۖ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ ۚ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ ۚ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

۷۳

و رها کن کسی که دینش را الهو خواند و فریفتش دنیا

گو که هر کس بر آن گرفتار است‌که از او در عمل پدیدار است

نیست جز حق بر او شفیع و خلیل‌نپذیرند از او نظیر و عدیل پس از اعمال خود فتد به عذاب و حمیم از برای اوست شراب

و عذابی بر اوست دردآور کافران راست این چنین کیفر

گو چه خوانم به جز خدا دگری‌که نه سودم رساند و نه ضرری

و نگرديم باز بر اعقاب‌بعد از آن امر حق به راه صواب آنکه از دیو شد به ره حیران‌به هدایت بخواندش اعوان که بیا سوی ما بگو که هدانیست هرگز مگر هدای خدا و به اسلامان دهد فرمان‌حق و پروردگار عالمیان

و نماز خدا کنید به پا‌هل تقوا شوید بهر خدا [و بدانید کوست رب غفور] آنکه گردید سوی او محشور

بحق ارض و سما کند بنیان‌چون بگوید که باش باشد آن سخنش حق بود خدای غفور ملک از اوست چون دمد در صور اوست دانای آشکار و نهان‌او حکیم و خبیر کل جهان

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَازَرَ اتَّخِذْ أُصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّي
أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

چون ابراهیم با پدر فرموداز چه گیری بتان خود معبود؛
بینم اینک به این ره و آیین تو و قوم تو در ضلال مبین

وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ
مِنَ الْمُوقِنِينَ

و نمودم چنین به ابراهیم ملکوت سما و ارض عظیم
تا که باشد یقین او محکم اوست بر دین پاک در عالم

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا ۖ قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ
قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ

چونکه تاریک گشت بروی شب دید در آسمان شب کوكب
گفت این رب من چو کرد غروب گفت آفل نباشدم محبوب

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ
يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ

ماه را دید و گفت ربّ من این کرد زان پس افول و گفت
چنین
گر هدایت نسازدم یزدان می شوم من ز قوم گمراهان

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ ۖ فَلَمَّا
أَفَلَتْ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

مهر را دید و گفت اینم رب برترست این و کرد افول [به
شب
گفت ای قوم این منم بیزارزان همه شرک و زان همه پندار

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا
وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

روی خود می کنم به سوی خدا آفریننده ی زمین و سما
دین من پاک شد برای خدا و شریکی نیاورم او را

وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ ۚ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ ۚ وَلَا
أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ ۚ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا ۚ وَسِعَ رَبِّي
كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

پس جدل کرد قوم وی او را گفت در حق جدل کنید چرا؟
که هدایت کند مرا یزدان و نباشد مرا هراس بتان
جز که چیزی برای من حق خواست و به هر چیز ربّ من
دانااست
متذکر نمی شوید آیا؟

وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ
بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنْزَلْ بِهِ ۚ عَلَيْكُمْ سُلْطَانٌ فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ
أَحَقُّ بِالْأَمْنِ ۖ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

و چرا ترسم از بتان شما؟
می ترسید بهر شرک خدا؟ نیست نازل دلیل بهر شما
پس کدامیم ما به حق اولی؟ گر شما ببید آگه و دانا

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ

وَتِلْكَ حُجَّتُنَا ءَاتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ ۚ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّن نَّشَأٍ ۖ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

وَوَهَبْنَا لَهُ ۖ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۚ كُلًّا هَدَيْنَا ۚ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ ۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ ۚ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ ۚ كُلٌّ مِّنَ الصَّٰلِحِينَ

وَإِسْمَاعِيلَ ۚ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا ۚ وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَىٰ الْعَالَمِينَ

وَمِنَ ءَابَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ ۖ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ ۚ مَن يَشَآءُ ۚ مِّنْ عِبَادِهِ ۚ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ۚ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ ۖ فَبِهَدَنِهِمْ أَقْتَدِهٖ ۖ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ

آن کسانی که آورند ایمان و نیامیختند جور به آن
بهر این قوم هست امن و یقین و هدایت شدند در ره دین

آن بود حجتی که ما دادیم به همان قوم بهر ابراهیم
هر که را خواستم دهیم مقام هست ربت حکیم و هم علام

نیز یعقوب را و هم اسحاق داد رزق هدایتش رزاق
پیش از او نوح را بداد هدایس از او خاندانی از او را
چون سلیمان و یوسف و ایوب نیز داود [از پس یعقوب
نیز هارون به همراه موسی بهر نیکان چنان دهیم جزا

زکریا و بعد از او عیسی نیز الیاس و بعد از او یحیی
همه بودند از نیکوکاران

یسع و لوط و یونسد چنان
و اسماعیل را چو ابراهیم برتری بر جهانیان دادیم

نیز آبائشان و فرزندان برگزیدیم نیز از اخوان
رهنمایی به راه راست شدندو خدا دادشان مقام بلند

این هدای حق و هدای خداست هر کسی را که از عبادش
خواست
هر که مشرک شود شود نابودهر چه اعمال او بود موجود

آن کسان را بداده ایم کتاب نیز حکم و نبوت از هر باب
گر که کافر شوند از آن یکسر پس وکالت دهیم قوم دگر
که نباشند هیچگه کافر [و نباشند هیچگه فاجر]

حق به این مؤمنان هدا بخشیدو شما نیز اقتدا بکنید
گو که اجری نخواستم بر آن نیست آن غیر پند عالمیان

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ ۚ قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ ۚ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا ءَابَاؤُكُمْ ۖ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ

نشناسند حق و قدر خدا آن کسانی که گفته‌اند به ما نکند حق به آدمی القاگو که تنزیل داشت بر موسی؟ آن کتابی که بود نور و هدایر مردم [ز مؤمنین خدا] پس به کاغذ نموده‌اید پدیدو بسی نیز از آن نهان کردید و آنچه را بر شما و بر آبابود پنهان شدید از آن دانا گو خدا پس رهایشان بگذار تا به بازی روند در گفتار

این کتابی که ما فرستادیم و نشان خجستگی دادیم هست تصدیق نامی اسلاف نیز هشدار مکه و اطراف مؤمنش مؤمنی به روز جزاست و نگهدار بر نماز خداست

وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا ۚ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

۹۲

کیست بدتر به راه جور و جفا؟ آنکه بهتان کذب زد به خدا یا بگوید که فیض و حی مرست و سخنهای او نباشد راست و انکه گوید فرو فرستم زودمثل آنچه خداش منزل بود گر ببینی تو حال اهل جفا سکران ممت ایشان را که ملانک گشوده دستان را که ستانند جان ایشان را پس بگویند این جزا و عذابز آنچه بستی به حق به غیر صواب و آنچه را داشتید استکبار بر نشانهای ایزد غفار

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ ۚ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ ءَايَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ

۹۳

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ ۚ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

۹۴

پس بیایید سوی ما تنها کافریدیمتان به این معنا و آنچه را داده‌ایم بهر شما بگذارید پشت سر بر جا و نبینیم بهر تان شفاعاز رفیقان و یاوران شما و کسانی که در گمان شما بوده‌اند از برایتان شرکا پس شود قطع و گم میان شما آنچه را بود در گمان شما

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالْتَّوَىٰ ۖ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ
وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ۚ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ ۖ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ

از شکافی به دانه و هسته حق کند کشف راز سر بسته
هم بود او پدید آرنده زنده از مرده مرده از زنده
او بود قادر و بود الله به کجا کج برندگان از راه

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا ۚ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ
حُسْبَانًا ۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

او شکافنده است پرده بام و سکونی نهاده است به شام
و مه و مهر با حساب تمام هست تقدیر ایزد علام

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۚ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

و ستاره نهاد بهر شمابر سیاهی به بر و بحر هدا
به یقین بس نشان کنیم بیان از برای گروه دانایان

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ۖ فَمُسْتَقَرٌّ
وَمُسْتَوْدَعٌ ۚ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ

از یکی نفس کردتان ایجاد مستقر کرد و هم ودیعه نهاد
به یقین بس نشان کنیم بیان از برای گروه فهم کنان

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ
شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ
النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ
وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ ۚ انْظُرُوا إِلَىٰ
ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يُؤْمِنُونَ

آب از آسمان فرستادست هر گیاهی از آن برون دادست
سبزه آریم از آن برون کم کم نیز آن دانه های چیده به هم
خوشه ها از شکوفه ی خرمای در هم فشرده و یکجا
باغ زیتون و هم عنب هم انار ناشیبه و شبیه در آثار
می نگر حاصل و ثمر در آن آن نشانهاست بهر با ایمان

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ ۖ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ
وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ

آوردند از برای حق شرکا همچو جنی که خلق کرد خدا
و شناسند هم بنات و بنین بهر خالق بدون علم و یقین
و میرا و برتر است خداز آنچه توصیف می کنند او را

بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ
لَهُ صَاحِبَةٌ ۖ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

اوست سازنده ی زمین و سما ولد و زن کجا بود او را؟
آفریدست جمله ی اشیابه همه چیز هم بود دانا

ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ
فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَرَ وَهُوَ اللَّطِيفُ
الْخَبِيرُ

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ
وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِيُقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ
يَعْلَمُونَ

اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ
الْمُشْرِكِينَ

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا
أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدُوًّا
بَغِيْرٍ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ
بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا
جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ

وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ
وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ
وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

رَبّان هست آن خدای ودودنیست معبود جز خدا به وجود
آفریننده همه اشیا[هست معبود ایزد یکتا]
بپرستید در جهان او رااو و کیل است بر همه اشیا

بیند و کس نبیندش به نگاه او لطیف است و از همه آگاه

نازل از حق دلائلی به شماستهر که بیناست منفعت او
راست
و زیان کرد اگر شود اعمی‌نیستم من نگاهبان شما

ما چنان آیه‌ها کنیم بیان و بگویند درس خواندی آن
و به تحقیق می‌کنیم بیان از برای گروه دانایان

پیروی ساز وحی ربت رانیست معبود غیر آن یکتا
نیز از مشرکان بگردان روی راه رضوان حق تعالی جوی

گر بخواهد خدای بی‌همتا سازد آن قوم را ز شرک رها
و نگهبان نه ای تو بر آنان نیستی هم و کیل بر ایشان

سبّ نباشد مجاز بر اصنامنا نگویند بهر حق دشنام
از ره چهل و از ره عدوان مشرکان را طریقتی است عیان
آنچنان می‌دهیم ما زینت‌همه اعمال را به هر امت
پس به سوی خداست مرجعشان‌کند آگه ز کارشان یزدان

و قسم می‌خورند بس محکم‌که اگر آیتی رسد ما هم
پس بیاریم سوی او ایمان‌گو که آیات هست با یزدان
و چه آگاهتان کند زیشان‌چون بیاید نیاورند ایمان

همه برگشته چشم و هم دلشان‌همچو بار نخست از ایمان
و رها می‌کنیمشان حیران‌مانده در کفر و در ره طغیان

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبَلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَٰكِنْ أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ

گر ملائک به سویشان آریم و ر که با مردگان شوند کلیم همه آید مقابل ایشان به حقیقت نیاورند ایمان جز که خواهد اگر خدای جهان این گروهند بیشتر نادان

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ ۖ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

هر نبی راست دشمنی چونان از شیاطین جن و هم انسان یکدگر را به زیور گفتار به بلای فریب کرده دچار خواهد ار حق نمی کنند چنان تو رها سازشان در آن بهتان

وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْعَدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ

تا گر آیند سویشان آنان که به عقبا نیاورند ایمان و شوند از خصالشان شادان و کنند آنچه می کنند آنان

أَفَعَيِّرَ اللَّهُ أَبْتَغَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ ۖ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

از چه جویم حکم به غیر خدانامه ای باز داد سوی شما وان کسان را که داده ایم کتاب می شناسند از خدا به صواب پس مباش از گروه شکاکان از خدا دان هر آیه قرآن

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا ۚ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

حرف حق شد به صدق و عدل تمام کس خدا را عوض نکرد کلام هر سخن را خدا بود شنوا و همه چیز آگه است خدا

وَإِنْ تُطِيعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

تو اطاعت مکن ز اکثرشان که شوی گمراه از ره یزدان پیروانند جملگی به گمان در ره ظن و یاوه سرگردان

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

هر که گم گشت از ره داور ربّ تو بهر اوست دانانتر نیز دانانتر است [از دو جهان ربّ عالم به کار مهتدیان

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ أَسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ

مؤمنان نشان حق بخورید آنچه را نام حق بر آن ببرید

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ
فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ
كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ
بِالْمُعْتَدِينَ

۶:
انعام
۱۱۹
۱۶۵

چیست بهر شما چرا نخورید آنچه نام خدا بر آن ببرید
و به تفصیل گفته شد به شما آنچه را بر شما نبود روا
جز گه اضطرارتان در آن هست اعلم به معتدین یزدان
بسی از مردمان برند از راه دیگران را به میل و ناگاه

وَذَرُوا ظَهْرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ
سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ

۱۲۰

و رها ساز ظاهر و باطن از گناه و پلیدی ای مؤمن
و کسانی که مجرمند اینجاست کار خود به جزا

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ
وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَى أُولِيَائِهِمْ لِيُجْدِلُوكُمْ وَإِنْ
أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ

۱۲۱

آنچه را نام حق بر آن نبرید فسق باشد اگر که آن بخورید
دیوها نزد دوستان آیند تا طریق جدال بگشایند
گر اطاعت کنید از ایشان شرک قائل شوید بر یزدان

أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي
النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا
كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۲۲
۱۱۶ر

مردهای را که می‌کنیم احیاء به ره نور داده‌ایم او را
نیست همچون کسی که در ظلمات ماند و بر او نبود راه نجات
آنچنان زینت است بر کفار هر چه باشد بر ایشان کردار

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا
وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

۱۲۳

و نهادیم مهتران به بلاد مجرمانی به کار مکر و فساد
و ندارند مکر جز بر خویش نیستند آن گروه فهم اندیش

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ
رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ
الَّذِينَ أَجْرُمُوا صَعَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا
يَمْكُرُونَ

۱۲۴

آیتی چون رسید بر ایشان پس بگویند ناوریم ایمان
جز که آید نظیر آنچه خداداد بر انبیای پیش از ما
هست آگاه‌تر ز خلق خدا که گذارد پیام خویش کجا
زود بینند مجرمان خواری و عذابی ز کار مکاری

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ ۖ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

۶:
انعام
۱۲۵
۱۶۵

هر که خواهد هدایتش یزدان سینه‌اش را گشاید از ایمان
ور که خواهد بسازدش گمراه سینه‌اش تنگ می‌کند آنگاه
آنچنان تنگ گویا او رامی‌کشند از زمین به سوی سما
آنچنان رجز می‌دهد یزدان بر کسی کاو نیاورد ایمان

وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا ۚ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
يَذَكَّرُونَ

۱۲۶

راه حق راست است و راه نجات‌ما به تفصیل گفته‌ایم آیات
بهر آن قوم که تذکر و پند از خدا و رسول بپذیرند

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۲۷
حزب
۵۸

داد دار السلامشان دادارو خدا شد ولیشان در کار

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَمْعَشَرُ الْجِنَّ قَدْ أُسْتُكْثِرْتُمْ مِّنَ
الْإِنْسِ ۖ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِّنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا
بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ
خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

۱۲۸

وان زمانی که حشر ایشان راست‌همه گردند جمع بی‌کم و
کاست
حق ندا می‌دهد سوی پریان که زره برده‌اید بس انسان
پس بگویند عده‌ای انسان‌یاور و دوست بهر آن پریان
بهره بردیم ما ز یکدیگر مدتی را که بود آمد سر
پس بگویند خدا که جای شما نار شد جاودانه‌اید آنجا
جز که چیزی دگر بخواست خدا هست ربت حکیم و هم دانا

وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

۱۲۹

ظالمان سرپرست یکدیگرند اجرت است این بر آنچه کار کردند

يَمْعَشَرُ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ
عَلَيْكُمْ ءَايَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا
شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى
أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

۱۳۰
۱۱۷

ای دو مخلوق جن و انس آیامی‌نیامد رسول بهر شما؟
تا بخواند نشان من به شما و دهد بیمتان زر و ز لقا
و لقای شما بود امروز همه گویند شاهدیم آن روز
لیک دنیا فریفت آنان را [و نرفتند در طریق خدا]
و شهادت دهند بر خودشان که برفتند در ره کفران

ذَلِكَ أَنْ لَّمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا
غَافِلُونَ

۱۳۱

نفرستد خدا به دار فنا مردمی را ز راه جور و جفا
گر که باشند قوم ناآگاه جز که گردند ز انبیا آگاه

وَلِكُلِّ دَرَجَتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

همه دارند پایه‌ای از کار و خدا نیست غافل از کردار

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ
مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ
ءَاخِرِينَ

و خدا راست لطف و نیست نیاز خواهد از می‌برد شما را باز
می‌کند جانشین ز بعد شما خواهد آن کردگار هر کس را
آنچنان کافریدتان یکسر از بن خاندان قوم دگر

إِنَّ مَا تُوْعَدُونَ لَأَتِيٌ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

وعدۀ ماست لازم الاجرا باز دارنده نیستید شما

قُلْ يَتَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ
تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَقِيبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ
الظَّالِمُونَ

گو که ای قوم کار ساز درست‌تا به حدی که استطاعت تست
می‌کند کار خویش را الله‌پس به زودی شما شوید آگاه
که سر انجام این سراسر است که راستگاری ندارد اهل جفا

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا
هَذَا لِلَّهِ بِرَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا
يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا
يَحْكُمُونَ

و نهادند سهم بهر خدا آنچه که حق بیافرید آن را
سهمی از کشت و چارپایان را گفته‌اند این به زعمشان ز خدا
نیز آن سهم هست از شرکا که از اینها نمی‌رسد به خدا
سهم حق می‌رود به سوی بتان بد بود این قضاوت ایشان

وَكَذَٰلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ
شُرَكَاءُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

شرکا نیز کشتن فرزند بر بسی ز اهل شرک جلوه دهند
تا که این جمع را تبه سازند دین بر این قوم مشتبه سازند
خواهد از حق نمی‌کنند چنان‌پس رها سازشان تو در بهتان

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَمُ وَحَرَّتْ حِجْرٌ لَا يَطْعُمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ
بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَمُ حَرِمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَمُ لَا يَذْكُرُونَ أَسْمَ
اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

۶:
انعام
۱۳۸
/۱۶۵

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَمِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ
عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ
وَصَفَهُمْ إِنَّهُوَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

۱۳۹

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا
مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا
مُهْتَدِينَ

۱۴۰

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ
وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ
مُتَشَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا
حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

۱۴۱
حزب
۵۹
۱۱۸

وَمِنَ الْأَنْعَمِ حُمُولَةٌ وَفَرَّشًا كُلُوا مِنَّمَا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا
تَتَّبِعُوا خُطُوتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

۱۴۲

و بگفتند کشت و هم انعام نیست جائز برای خلق طعام
جز کسانی که ما اراده کنیم این بود در گمانشان ترسیم
و سواری به بعضی از انعام شد به پندار این گروه حرام
[ذبح سازند چارپایان را] و بر آن ذبح نیست نام خدا
و به حق میزنند از آن بهتان و جزا می شوند زود به آن
و بگویند در دل انعام

جمله هست از نر و به ماده حرام
میته را مشترک اناث و ذکرزود بینند از این بیان کیفر
و خدا بهر کارهاست حکیم و به ذرات کائنات علیم

هر که فرزند خود به چهل و سفه بکشد خاسر است و هم
گمره
کرد تحریم و زد به حق بهتان آنچه رزق خداست بر ایشان
هست این قوم گمره و نادان نیست در بین جمع مهتدیان

و خدا آفرید بستانها داربستی و غیر ذلک را
نخل و هم زرع مختلف اثمار همچو زیتون و چون درخت انار
متشابه و غیر آن بخوریداز ثمرها چو میوه گشت پدید
حق آن را دهید وقت حصیدهم ز اسراف بر کنار شوید
مصرفان را خدا ندارد دوست همه جا اعتدال و عدل
نکوست

چارپایان کشند بهر تو باردر ره خود بر آن شوید سوار
بخورید آنچه رزق داد خدانیز تابع مباش شیطان را
اوست از بهر مؤمنین دشمن دشمنی آشکاره و روشن

ثَمَنِيَّةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ اثْنَيْنِ قُلْ
ءَالَذَّكَّرَيْنِ حَرَّمَ أُمُّ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ
الْأُنثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

هشت زوج از بره ز ماده و نرنیز از بز هم از اناث و ذکر
نر حرام است یا که ماده حرام یا حرام است بچه در ارحام
خبرم زان دهید اگر دانیدو گر از جمع راستگویانید

وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ ءَالذَّكَّرَيْنِ حَرَّمَ أُمُّ
الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ
شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّيْكُمْ اللَّهُ بِهَذَا فَمَن أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ
عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

از شتر هم دو جنس ماده و نرنیز از گاو هم اناث و ذکر
نر حرام است یا که ماده حرام یا حرام است بچه در ارحام
باشی آیا ز دسته‌ی شهداگر سفارش کند خدای شما
کیست بدتر به راه جور و جفا ز انکه بست افترا به ذات خدا
تا کشاند کسان به گمراهی و خود از ره نداشت آگاهی
و هدایت نمی‌رسد ز خدا بهر قومی که بود اهل جفا

قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا
أَن يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ
رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَن اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ
وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

گو نیابم به وحی خویش حرام بهر مردم ز هیچ نوع طعام
غیر موتی و خون ریخته رالحم خوک است نیز غیر روا
و آنچه را نام حق بر آن نبرند جز که در حال اضطرار خورند
نه که از روی جور و از عدوان هست یزدان رحیم و ذو
غفران

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ
حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُرُهُمَا أَوْ
الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا
لَصَادِقُونَ

گشت تحریم بهر قوم یهود آنچه در پنجه‌هاش ناخن بود
نیز از گاو و گوسفندان هم پیه‌ها جز به پشت و عظم و شکم
و جزا داده ایمشان ز جفا و به هر قول صادق است خدا

گر که تکذیب تو کنند جمیع تو بگو رحمت خداست وسیع
نشود دور کیفر الله از گروهی که هست اهل گناه

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ
عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا
وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ
لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ

۱۴۸

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ

۱۴۹

قُلْ هَلَمْ شُهَدَاءَكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا
فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

۱۵۰

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ
شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ
نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ
مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا
بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَدِّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

۱۵۱
حزب
۶۰
۱۲۰هـ

مشركان را سخن بود که خداخواسته شرک ما و آبا را
و آنچه را کرده ایم ما تحریم آنچنان بوده از زمان قدیم
پیش از این نیز داشتند انکارتا چشیدند کیفر دادار
گو اگر هست نزدتان برهان بهر اثبات هان بیارید آن
تبعیت نمی کنند الا از گمان و دروغ و وهم و خطا

از برای خدا دلیل رساست حق اگر خواست رهنمای شماست

گو بیارید آن گواهان را که گواهی دهند بهر شما
که خدا کرد تا روا این را که گواهی دهند خود اینجا
و مشو تو گواه بر آنان هم ز امیالشان مبر فرمان
هست انکار این جماعت را به نشان خدا و روز جزا
و نهند این جماعت نادان شرکا را مقابل یزدان

گو بیابید تا که بر خوانیم آنچه حق کرد بهر تان تحریم
شرک هرگز مورد با یزدان دار با والدین خود احسان
مکش از ترس فقر فرزندان حق دهد روزی شما و ایشان
و پرهیز هم ز کار پلیدگر نهان است و گر که هست پدید
قتل مردم خدای کرد حرام جز به راه حقیقت و احکام
این سفارش بود ز سوی خدا شاید اهل خرد شوید شما

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

هم ز مال یتیم دار حذر جز به وجهی که هست نیکوتر تا که یابد بلوغ او اتمام نیز میزان و کیل دار تمام نیست تکلیف خلق جز به توان عدل گو ور که بود بر خویشان این سفارش شد از سوی یزدان متذکر شوید شاید از آن

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

این ره راست است از الله پس اطاعت کنید از این راه و مباشید پیرو رهها که کند دورتان ز راه خدا این سفارش کند خدا به شما ز انکه شاید شوید با تقوا

ثُمَّ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

پس به موسی کتاب شد تنزیل بود بر بهترین روش تفصیل و همه چیز گفته شد به عیان بود لطف و هدایت رحمان شاید آنان به دیدن یزدان به قیامت بیاورند ایمان

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

وین کتاب خجسته یافت نزول تا اطاعت از آن کنید قبول جان خود از گناه دار نگاهتا در آیی به رحمت الله

أَن تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ

تا نگویند آن دو طایفه بود که به آنان کتاب گشت فرود بی خبر بوده ایم از آن ما

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ

یا نگویند اگر ز سوی خدا بهر ما می رسید وحی و کتاب قوم ما بود بیشتر ره یاب پس پیامد نشان حق به شمار حتمی هم هدایتی ز خدا کیست بدتر به راه جور و جفا؟ زان که شد منکر نشان خدا روی گرداند از آن و زود آنان به بدی بنگرند کیفرشان

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

چشم دارند تا فرشته رسد؟ یا خدا و نشانه‌های احد
گر بیاید نشان ز سوی خدانبود سودشان ز ایمانها
پیش از این هم نداشتند ایمان و نکردند کار خیر به آن
گو بمانید بهر آن نگران نیز ماییم هم ز منتظران

۱۵۹

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

آن کسانی که خود پریشانند متفرق به دین و ایمانند
بهر آنان ترا نباشد کار امرشان هست جانب دادار
پس به ایشان خبر دهد دادار آنچه انجام داده‌اند از کار

۱۶۰

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

هر که بهر خدا کند احسان بهر او هست ده برابر آن
و انکه را بود کار زشت و خطا جز به مثلش نمی‌دهند جزا
ظلم بر هیچ کس نکرد خدا [ظلم بر خود کنند اهل جفا]

۱۶۱

قُلْ إِنِّي هَدَيْتَنِي رَبِّيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

گو خدایم به راه راهنماست در طریق خلیل و در ره راست
دین ناب و حنیف داشت خلیل هیچ مشرک نشد به ربّ جلیل

۱۶۲

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

گو نماز است و نسک و مرگ و بقا بهرم از ربّ عالمین ز خدا

۱۶۳

لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ

بی‌شریک است و این بود فرمان منم از اولین مسلمانان

۱۶۴

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

گو بجویم چه ربّ بجز یزدان و خدا هست ربّ کون و مکان
هیچ کاری نمی‌دهید انجام جز که بینید بهر آن فرجام
هیچ کس بار دیگری نبرد بازگشت شماست سوی احد
پس شما را خبر دهد یزدان آنچه ناساز بوده‌اید در آن

۱۶۵

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا ءَاتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

در زمین هشت از شما خلفا داده شد پایه‌ها به بعض شما
تا کند آزموتان به عطا و شتابان بود عذاب خدا
و خدا هست صاحب غفران نیز او راست رحمت شایان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْمَصِّ

[الف و لام و میم و صاد آمدرازی از سوی کردگار احد]

كُتِبَ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ
بِهِۦ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

شد کتابی به سوی تو انزال که نباشد به سینه‌ی تو ملال
مردمان را به آن دهی هشدار و بود بهر مؤمنین تذکار

اتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِۦٓ
أَوْلِيَاءَ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

پیروی کن از آنچه شد تنزیل‌سویتان از خدا و رب جلیل
اولیایی به پیروی تو مگیر غیر یزدان کمید پند پذیر

وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيِّنًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ

ای بسا شهر کرده‌ایم خراب‌که به شب یا به روز بود به
خواب

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا
ظَالِمِينَ

وقت کیفر چنین کنند اقرار که ستم بود بهر ما کردار

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ

آنکه را داده شد کتاب و رسول‌همچو جمع رسل بود مسؤول

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ

شرح دادیمشان به علم و صواب‌نیست از بهر ما به خلق
غیاب

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُۥ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ

سنجش و کار قادر مطلق در قیامت تمام هست به حق
هر که میزان کار اوست گران‌او بود رستگار [و زوست چنان

وَمَن خَفَّتْ مَوَازِينُهُۥ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُم بِمَا
كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ

وانکه باشد سبک بر او میزان‌هست بی‌خیر و خاسر است به
جان
چون به آیات ما ستم کردند [در قیامت به دوزخند به بند]

وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُم فِيهَا مَعِيشَٔ
قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

ما توان داده‌ایمتان به زمین و بدادیمتان معاش در این
کمی از خلق شاکرند به آن تو نعیم خدا مکن کفران

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ
اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ ۖ لَّمْ يَكُن مِّنَ
السَّٰجِدِينَ

آفریدیمتان و پس صورت‌داده‌ام بهرتان پس از خلقت
پس به جمع فرشتگان گفتم سجده آرید در بر آدم
سجده کردند جمله جز شیطان‌که نبود از گروه سجده‌کنان

قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ۚ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ

قَالَ فَأَهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ ۖ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا ۚ لَّمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ

وَيَعَادِمُ اسُّكُنُ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ

فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ

فَدَلَّلَهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ ۖ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ

گفت حق چونکه امر فرمودم از چه مسجود تو نشد آدم گفت در خلقتم از او بهتر او ز گل بود و من شدم ز آذر

گفت پایین برو ترا چه رسد؟ که تکبر کنی [در این معبد] پس برون آی از بهشت خدا که تو هستی فروتر از اینجا

گفت تا حشر ده به من فرصت

گفت تا حشر دادمت مهلت

گفت اغوا چو گشته‌ام به گناه پس بشر را کمین کنم در راه

پس بیایم سراغشان به کمین از پس و پیش و از شمال و یمین و نیابی شکور اکثرشان

گفت زشت و زیون برو از آن و هر آن کس که شد ترا پیرو دوزخ از آن کسان کنم مملو

آدم پس تو نیز با همسر در بهشت بلند ساز مقر هر چه خواهی بخور مخور اما این شجر را که گردی اهل جفا

کرد وسواس آن دو را شیطان تا زهار نهان کنند عیان گفت نهی شما کند یزدان که مبدا ملک شوید از آن یا که باشید جاودان با هم

با قسم گفت من نکو خواهم

پستشان کرد با فریب چنان چون چشیدند زان شجر ایشان شد زهار آشکار بر آنان پس گرفتند برگهای جنان و ندا دادشان خدا کایا زان شجر نهیتان نکرد خدا؟ نیز آیا نگفته بودمتان؟ اینکه ابلیس دشمنی است عیان

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ
مِنَ الْخَاسِرِينَ

پس بگفتند ای خدا زین کار ظلم کردیم بر خود ای غفار
گر نبخشی تو از ره غفران به یقینیم از زیانکاران

۲۴

قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ
مُسْتَقَرٌّ وَمَتَعٌ إِلَىٰ حِينٍ

گفت نازل شوید پس به زمین بهره گیرید تا زمانی از این
دشمن هم شوید

۲۵

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ

و باشدتان
زیست و مرگ و بر شوید از آن

۲۶
۱۲۴۲

يَبْنِيٰ ۡءَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُم لِبَاسًا يُورِي سَوَآتِكُمْ
وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَةِ اللَّهِ
لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

ای بنی آدم آورم به بشر
پوششی بر زهار و هم زیورو به از اوست جامهی تقوی
بهر پند است آییهای خدا

۲۷

يَبْنِيٰ ۡءَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم
مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَآتِهِمَا إِنَّهُ
يَرِيكُم هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا
الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

ای بنی آدم اهرمن به بلا
میفریبد شما و خلق خدا که برون کرد آدم و حوا
رخت کند و زهار کرد افشااو و اهلش نگه کند به شما
و شما ننگرید آنان را ما نهادیم دستهی شیطان
اولیا بهر خلق بیایمان

۲۸

وَإِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا ءَابَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا
بَهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَىٰ اللَّهِ مَا لَا
تَعْلَمُونَ

چونکه زشتی کنند میگویند
راه آباء میجویندو خدا امر کرده است به ما
[که بیابیم شیوهی آبا]گو به زشتی نداد حق فرمان
از جهالت مزین به حق بهتان

۲۹

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ
وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ

گو که پروردگار من فرمود
عدل پیش آر و روی کن به سجودو به اخلاص دین بخوانش
باز
بازگرداندت چنان ز آغاز

۳۰

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا
الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ

عدهای در هدایتند اما
عدهای راست گمراهی بر جاکه گرفتند اهرمنها را
اولیا بهر خود به جای خداو چنین مردمی کنند گمان
که شدند از گروه مهتدیان

يَبْنِيْ عَادَمَ خُذُوْا زِيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوْا وَاشْرَبُوْا
وَلَا تُسْرِفُوْا اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ

ای بنی آدم آر زیور خویش راه مسجد چو آوری در پیش
خور و آشام و بس زیاده مران نیست حق یا ربا زیاده روان

گو که تحریم کرد زیب خدا آنچه آرد برون برای شما
نیز از رزق پاک گو اینها مؤمنان راست سهمی از دنیا
و به عقاست ویژه بر آنان بهر دانا بیان کنیم نشان

۳۲
۱۲۵۶

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِيْنَةَ اللّٰهِ الَّتِي اُخْرِجَ لِعِبَادِهٖۤهٗ وَالطَّيِّبَتِۤهٖ
اَلرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِيْنَ ءَامَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَّوْمَ
اَلْقِيٰمَةِ ۗ كَذٰلِكَ نَفْصَلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُوْنَ

گو که زشتی حرام کرد خدا از عیان و نهان و اثم و جفا
وینکه مشرک شوید بر یزدان و ندارید بهر آن برهان
وینکه گویند از برای خدا آنچه را علم نیست بهر شما

۳۳

قُلْ اِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ
وَالْاِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ اِحْقٍ وَاَنْ تُشْرِكُوْا بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ
بِهٖۤهٗ سُلْطٰنًا وَاَنْ تَقُوْلُوْا عَلٰى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ

و به هر امتی بود اجلی که در آن نیست شکی و خللی
چونکه آجالشان رسد در پیش بهرشان نیست ساعتی کم و
بیش

۳۴

وَلِكُلِّ اُمَّةٍ اَجَلٌ ۖ فَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ لَا يَسْتَاْخِرُوْنَ سَاعَةً وَلَا
يَسْتَقْدِمُوْنَ

ای بنی آدم آورد یزدان رسی را هم از شما سویتان
تا بخوانند بر شما آنان آیه هایی ز جانب یزدان
اهل تقوا و هم نکوکاران نیست حزن و هراس بر ایشان

۳۵

يَبْنِيْ عَادَمَ اِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُّسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّوْنَ عَلَيْكُمْ
ءَاٰيٰتِيۤهٖ فَمَنْ اٰتَقٰى وَاَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُوْنَ

و آنکه سازد نشان حق انکارو در این ره گرفت استکبار
یار او شد جهنم و نیران و در آن آتش است جاویدان

۳۶

وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِءَاٰتِيَّتِنَا وَاَسْتَكْبَرُوْا عَنْهَاۤ اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ
النَّارِ ۖ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ

کیست بدتر به راه جور و جفازان که بدد دروغ بهر خدا
یا که آیات او کند تکذیب چونکه از نامه یافتست نصیب
چون بیایندشان ملائک موت بکشانشان به جانب فوت
چون بگویندشان کجاست کجا؟ آنچه را خوانده اید غیر خدا
پس بگویند گم شدند از ماو به کفران خود شوند گواه

۳۷

فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلٰى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِءَاٰتِيَّتِهٖۤهٖ
اُولٰٓئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيْبُهُمْ مِّنَ الْكِتٰبِ ۖ حَتّٰىۤ اِذَا جَآءَتْهُمْ
رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوْا اٰيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُوْنَ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ
قَالُوْا ضَلُّوْا عَنَّا وَشَهِدُوْا عَلٰى اَنْفُسِهِمْ اَنَّهُمْ كَانُوْا كٰفِرِيْنَ

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ
وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا
ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ
أَضَلُّونَا فَعَاتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ
وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ

وَقَالَتْ أُولَهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ
فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ
أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ
الْحَيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ

لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي
الظَّالِمِينَ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا
وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ
وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا
أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ
تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

گوید آنگه درون شوید به ناریا گروهی مشابه از کفار
جن و انسند و بوده‌اند از پیش هر گروهی به فکر کبیر
خویش

هر گروهی که رفت در نیران می‌کند سب و لعن بر دگران
تا همه راه نار را پویند پیروان بهر رهبران گویند
کای خدا لعن بر مضلان باد کبیر رهبران دو چندان باد
گوید از جمله هست دو چندان لیک آگاه نیستید از آن

مهربان بهر پیروان گویند بر شما نیست امتیازی چند
بچشید از عذاب همچون مایین مجازات کارهای شما

آنکه آیات حق کند انکار و به آیات داشت استکبار
نگشایندشان دری ز سمادر نیایند در بهشت خدا
تا شتر بگذرد از آن روزن از چه روزن ز روزن سوزن
و چنین می‌دهیم ما کبیر مجرمین را به عرصه‌ی محشر

دوزخ است از برایشان بستر پوششی نیز بهرشان ز سقر
ما چنان می‌دهیم اجر و جزایه ستم پیشگان و اهل جفا

و کسانی که آورند ایمان و نکو بود کرده‌ی ایشان
نیست تکلیف کس به غیر توان به چنانند و جاودانه در آن

حسد و کین بریم از دلشان مشرفند آن زمان به آب روان
و بگویند حمد بهر خدا که به ما داد این طریق خدا
گر به ما رهنما نبود خدا بهر هی ما نبود راه خدا
رسل آورده‌اند حق سوی ما [پس بیاید ندا ز سوی خدا]
دوست داریم ارث بهر شما چنت از اجر کارتان اینجا

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا
وَعَدْنَا رَبَّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا
نَعَمْ فَإِنَّ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

و ندا می‌دهند اهل جنان در قیامت به فرقه‌ی نیران
یافتیم آنچه وعده داد خدایافتید آنچه وعده داد آیا؟
و بگویند مجرمان آری که به حق است وعده‌ی باری
پس منادی ندا دهد به میان‌بر جفا کار لعنت یزدان

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ
بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ

آن کسانی که جمع مردم را باز دارند از طریق خدا
نیز خواهند منحرف آن راو نه باور کنند روز جزا

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا
بِسِيمَتِهِمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلِّمُوا عَلَيْنَا لَمْ
يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ

و حجابی است بین این دو خلافو رجالی نشسته در اعراف
که شناسندشان به روی و کلام‌بهر اهل جنان کنند سلام
و نیایند سوی باغ جنان‌گر چه باشد امید برایشان

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَرُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا
تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

چشمشان چون فتنه به اهل جحیم‌پس بخواهند از خدای
علیم
که مساز ای خدای ما ما راهمره و همنشین اهل جفا

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَتِهِمْ قَالُوا
مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

اهل اعراف می‌دهند ندابه کسانی معرف از سیما
که چه سودی دهد شما را کارجمع مال و منال و استکبار

أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ
لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ

نیستند این کسان که با سوگندگفته بودی به خیر حق
نرسند
پس ز حق می‌رسد پیام و خبر[بهر اعرافیان چشم به در]
که در آبیید در جنان خدانیست حزن و هراس بهر شما

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن أَفِيضُوا عَلَيْنَا
مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى
الْكَافِرِينَ

و بخواهند فرقه‌ی نیران‌خواهش خویش را ز اهل جنان
که ببخشید شربتی ما رایا ز چیزی که رزق داده خدا
پس بگویند حق بساخت حرام‌بهر کفار [این خور و آشام

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
فَالْيَوْمَ نَنسَلُهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا
بِآيَاتِنَا يَحْحَدُونَ

هر که بازی گرفت دین خداغره شد بر حیات بر دنیا
بردم از یادشان که ایشان راشد فرامش لقای روز جزا
و به آیات خالق قهاربرگزیدند شیوه‌ی انکار

وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

پس بدادیمشان کتاب و دلیل و بیان کرده‌ایم با تفصیل
رهنمون است و رحمت یزدان‌بهر آنانکه آورند ایمان

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ
نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ
شُفْعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ
قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

غیر تأویل را نمی‌جویند چونکه تأویل آن رسد گویند
که رسول خدا به ما حق دادگر چه از قبل برده‌اند از یاد
هست آیا برای ما شفعا؟ اگر بیابیم باز در دنیا
ما بگیریم راه دیگر را غیر از این کار و راه رفته‌ی ما
باختند این فریق گوهر جان‌گم شد از این گروه آن بهتان

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ
حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ
الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

ربّ تست آن خدای ارض و سماکه به شش روز آفرید آن را
پس پرداخت کار عرش آن ربّ و بیوشد به روز پرده‌ی شب
شب به دنبال روز در تک و پوست‌مهر و مه و اختران مسخر
اوست
نیز از اوست خلق و امر جهان‌پس بزرگ است ربّ عالمیان

أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

به تضرع بخوان حق و به نهان و خدا نیست یار معتدیان

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا
وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ

و مکن در زمین حق افسادبعد از آنکه که شد صلاح و سداد
و بخوان ربّ خود به خوف و رجاخیر حق دور نیست از صلاح

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا
أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ
فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

بادها را فرستد از برکت‌که دهد مژده پیش رو رحمت
برکشد ابر توده‌ای سنگین و برانیم آن به مرده زمین
پس فرستم فرو از آن باران و بر آریم میوه‌ها از آن
آنچنان هم برآورم موتی‌پند گیرید شاید از اینها

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُۥ بِإِذْنِ رَبِّهِۦ ۚ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْأَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦ فَقَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُۥ ۖ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِۦ ۖ إِنَّا لَنَرُكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

قَالَ يَتَقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُۥ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ

وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُۥ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِۦ ۖ إِنَّا لَنَرُكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَذِبِينَ

قَالَ يَتَقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

خاک خوش بر دهد به اذن خداخاک بد بر نداد جز کم را
و بیان می‌کنم نشانه چنان‌بهر قومی که شاکرند به آن

به حقیقت که کردگار جلیل‌نوح را سوی قوم کرد گسیل
گفت ای قوم حق پرست شویدنیست معبود جز خدای مجید
بهرتان جان من بود پر بیم‌از عذاب خدا به روز عظیم

ملاء قوم گفت با نوح این‌هستی اکنون تو در ضلال مبین

گفت گمراه نیستم به جهان‌که رسولم ز ربّ عالمیان

می‌رسانم پیامهای خداو نصیحت کنم برای شما
و بدانم من از خدای جهان‌آنچه آگاه نیستید از آن

در شگفتید کامده ز خداذکر بر مردی از میان شما
بهر هشدار خلق و هم تقوارحمت حق مگر رسد به شما

بود تکذیب نوح و یاران راپس به کشتی رهاندم از آنجا
غرق کردیم منکران نشان‌زان که بودند جمع کوردلان

هود هم چون به سوی عاد رسیدگفت ای قوم حق پرست
شوید
نیست معبود غیر آن یکتانیست تقوا برایتان آیا؟

ملاء قوم کافران گفتادر سفاخت بدیده‌ایم ترا
و گمان می‌کنیم حرف تو راسخن یک دروغگوی و خطا

گفت ای قوم نیستم نادان‌که رسولم ز ربّ عالمیان

أَبْلَغُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ

می‌رسانم پیام ربِّم را و منم ناصحی امین به شما

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ
لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ
وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً ۖ فَأَذْكُرُوا ءَالَآءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ

در شگفتید کامده ز خداذکر بر مردی از میان شما
تا دهد بیمتان ز راه فسادو بدارید آن زمان را یاد
که پس از نوح جانشین بودیدو به بسط توان بیفزودید
یاد دارید لطف حی مجیدشاید ای قوم رستگار شوید

قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا
فَأَتَيْنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

پس بگفتند آمدی سوی ما بر عبادت به خالق یکتا
تا گذاریم شیوهی آبایس بیاور به سوی ما آن را
که تو ما را از آن بت‌رسانی‌اگر از جمع راستگویانی

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۖ
أَتَجِدِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمِيئْتُمْوهَا أَنْتُمْ وَعَبَاؤُكُمْ مَا نَزَلَ
اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ۖ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

گفت افکند حق میان شمارجس و خشم و جدل کنید مرا
بهر اسماء جعلی از آباکه نباشد دلیل بهر شما
پس بمانید بهر خود نگران و منم با شما ز منتظران

فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ
كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ

پس رهانیدیم او و یاران را بود این رحمتی ز جانب ما
ریشه کن شد مکذب آیاتو نبودند مؤمنین به نجات

وَالِإِثْمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَاقَوْمُ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ
مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ ۖ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ هَذِهِ نَاقَةُ
اللَّهِ لَكُمْ ءَايَةٌ ۖ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا
بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٌ

هود هم چون به سوی عاد رسیدگفت ای قوم حق پرست
شوید
نیست معبود جز خدای جهان‌آمد از حق ز بینات نشان
ناقه‌ی حق برایتان آیدآن نشانی بود ز سوی احد
وانهیدش به ارض حق به چرامرسانید اذیتی او را
[گر نباشید تابع فرمان پس عذابی الیم گیردتان]

وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آيَاتَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و به یاد آورید وقتی راکه پس عاد کردتان خلفا جایتان داد در زمین و شماکاخ کردید روی دشت بنا در دل کوه کنده‌اید سراپس به یاد آورید لطف خدا و مکوشید در ره افساددر زمین [از طریق جور و فساد]

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ

آن تکبرکنان به عز و شرف‌گفت با مؤمنین مستضعف هیچ دانید این زمان آیا؟ هست صالح رسول راه خدا پس بگفتند کرده‌ایم قبول آنچه را شد به سوی او مرسول

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي ءَامَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

آن تکبرکنان به عز و شرف‌شد مخاطب به قوم مستضعف پس بگفتند نیست باورمان آنچه دارید بهر آن ایمان

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يُصْلِحُ آتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

ناقه را پی زدند و هم ز جفاگشته سرکش ز حکم و امر خدا و بگفتند مال‌ها برسان ز آنچه بر ما تو بوده‌ای ترسان اگر از سوی حق شدی ارسال

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَثِيمِينَ

برگرفت آن گروه را زلزال قوم گشتند پیکر بیجان‌در سراهایشان که شد ویران

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ

روی گرداند و گفت سوی شما من رساندم پیام ربم را خیر خواه شما شدم اماخوش ندارید خیر خواهان را

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ

لوط هم چون بگفت قومش را از چه آرید روی بر فحشا که نکردست پیش از این به جهان هیچ کس از میان عالمیان

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

میلتان می‌رود به سوی ذکوروز زنانید در جماع به دور و شما مردمی ستم کاریدو تعدی به حق روا دارید

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ^ط إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ

پاسخ قوم بود اینکه اکنون باید از شهر کردشان بیرون
[این گروه است خشک و بی‌تدبیر] خواهد از بهر قوم ما
تطهیر

۸۳

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمْرَأَتَهُ وَكَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

او و اهلش رها شدند الا همسرش کو بماند در آنجا

۸۴

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا^ط فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ

و ببارید از حجر باران بنگر کیفر گنه کاران

۸۵
۱۳۲

وَالِی مَدَیْنٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَبْقَوْمُ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ^ط قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ^ط فَأَوْفُوا^ط الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا^ط النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا^ط ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

و به مدین شعیب چون برسیدگفت ای قوم حق پرست
شوید
که جز او نیست بهر تان معبودو آمد از حق نشانه‌ها مشهود
کیل و میزان ادا کنید تمامو مکهید از حقوق انام
و مسازید در زمین افساد بعد از آنکه که صلح بود و سداد
این بود بهتر از برای شماگر که مؤمن شدید بهر خدا

۸۶

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مَن عَآمَنَ بِهِ^ط وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا^ط وَأَذْكُرُوا^ط إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُكُمْ^ط وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

مکنید از طریق حق تهدیدو مبندید راه ربّ مجید
کج مسازید خلق را ز سیل یاد دارید بوده‌اید قلیل
پس فزون ساخت جمعتان یزدان بنگر کیفر گنه کاران

۸۷

وَإِنْ كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنْكُمْ ءَامَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ^ط وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا^ط وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

از شما جمعی آورند ایمان آنچه را شد گسیل از یزدان
عده‌ای نیست بهر شان ایمان صبر کن تا خدا دهد فرمان
اوست داور میان ما یکسرو خدا هست بهترین داور

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ
يَشْعِيبَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي
مِلَّتِنَا قَالَ أُولَٰؤُ كُنَّا كَٰرِهِينَ

جمعی از قوم و مردم کافر که ز اشراف بود و مستکبر
گفت هان ای شعیب پیغمبر ما برون می‌کنیمت از یکسر
تو و اتباع تو از این استان جز که باور کنیید مذهبمان
گفت هر چند آوریم اکراه؟

قَدْ أَفْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ
نَجَّيْنَا اللَّهَ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ
اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا
أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ

چون بگردیم باز از این راه؟
که خدا دادمان نجات از آن از چه بندیم بهر حق بهتان؟
نیست برگشت ما ز راه رواج که خواهد خدای ما آن را
و خدا آگاه است از هر کار ما توکل کنیم بر دادار
ای خدا بین ما و مردم ماز ره خیر و حق دری بگشا
این تویی بهترین گشاینده باب لطف و صلاح بر بنده

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنْ أَتَبَعْتُمْ شُعَيْبًا
إِنَّا لَنَكُونَنَّ إِذَا لَخَسِرُونَ

پس ملاء گفت بس زیانکارید از شعیب ار که پیروی دارید

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَٰثِمِينَ

زلزله برگرفت آنان را تنشانشان ماند بی‌روان به سرا

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا
شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ

آنکه را بر شعیب بود انکار گویا می‌نزیست در آن دار
آنکه را بر شعیب بود انکار بس زیان کرد از چنین کردار

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَٰ قَوْمُ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي
وَنَصَحْتُ لَكُمُ فَكَيْفَ ءَاسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ

روی گرداند و گفت مردم رامن رساندم پیامهای خدا
خیر خواه شما شدم بسیار چه تأسف خوریم بر کفار

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ
وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ

نفرستاده‌ام به هیچ مکان این رسولان مگر به تابعدشان
بدهم سختی و گرفتاری تا که روی آورند بر زاری

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ
ءَابَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

جای شر خیر ساختیم گزین پس فزون گشت قوم و گفت
چنین
پدران را رسید رنج و خدانگهان برد قوم نادان را

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ
مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ

گر که اهل دیار ایمان داشت‌راه پرهیز بهر یزدان داشت
برکاتی از آسمان و زمین‌بود بهر جماعت [از ره دین
لیک انکار بودشان اقوال‌پس گرفتیمشان بر آن اعمال

ایمنند از عذاب ما آیا؟چون به شب خفته‌اند اهل قرا

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَّتًا وَهُمْ نَائِمُونَ

۹۷

ایمنند از عذاب ما آیا؟چون به روزند اهل لهو آنجا

أَوْ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحَىٰ وَهُمْ يَلْعَبُونَ

۹۸

در زیانکاری ایمن است آیا؟کسی از مردمان ز مکر خدا

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ
الْخَاسِرُونَ

۹۹

بعد اهلش به وارثان زمین‌نشد آیا ز سوی حق تبیین؟
که اگر خواست خالق یکتا‌می‌رساند عذابشان ز خطا
و زند مهر بر دل آنان‌تا دگر هیچ نشنوند ایشان

أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ
نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا
يَسْمَعُونَ

۱۰۰
۱۳۴

قومها بر تو داشتیم بیان‌وز خبرها که بوده است در آن
رسل آوردشان نشان عیان‌که به آنها نداشتند ایمان
چونکه از قبل داشتند انکار‌حق زند مهر بر دل کفار

تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِهَا ۖ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ ۚ
كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ

۱۰۱

بیشتر نیستند بر پیمان‌اکثرند اهل فسق و هم عصیان

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ ۖ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ
لَفَاسِقِينَ

۱۰۲

و بر انگیختم پس از ایشان‌همچو موسی به بینات و نشان
سوی فرعون و قوم [بهر نجات پس ستمگر شدند بر آیات
پس نگه کن به آن همه آثار‌مفسدان را چه شد نتیجه‌ی کار

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَٰٓئِهِ
فَظَلَمُوا بِهَا ۖ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

۱۰۳

بهر فرعون گفت موسی هان‌من رسولم ز ربّ عالمیان

وَقَالَ مُوسَىٰ يٰفِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

۱۰۴

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَن لَّا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ
بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَءِيلَ

قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنتَ مِنَ
الصَّادِقِينَ

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظَرِينَ

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ

يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ
الْغَالِبِينَ

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَن تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ

قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ
وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَن أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا
يَأْفِكُونَ

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ

وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَجْدِينَ

نیست شایسته و سزا بر من جز به حق گویم از خدای سخن
چونکه آوردم از برای شمایینات از خدای بی‌همتا
آل یعقوب هم‌ره من دارتا بر آییم از این زمین و دیار

گفت آورده‌ای اگر تو نشان‌ور که صادق تویی بیار عیان

پس عصایش فکند بهر نشان‌شد در آن حال اژدهای عیان

دست خود را ز جیب کرد بدرگشت رخشان به صاحبان نظر

پس بگفتند مهتران آنجاهست این مرد ساحری دانا

خواهد او تا برون برد ز ینجاقوم را گو که چیست امر شما؟

پس بگفتند بهر این افسون‌مهلتی ده به موسی و هارون
و روان کن رسول در کشور

تا که جمع آورند افسونگر

ساحران چون بیامدند آنچاپس بگفتند مزد هست آیا؟
گر که غالب شدیم اینان را

گفت آری مقربید اینجا

پس بگفتند جمع با موسی‌سحر خود را تو افکنی یا ما

گفت آن بفکنید و آن ترفندچشم آن جمع را به بند افکند
و بترساندشان ز سحر عظیم

پس به موسی چو وحی فرمودیم
که عصایت فکن فکند عصابرگرفت آن دروغ و افسون را

حق عیان گشت و نیز شد به هدرکارها زان گروه افسونگر

گشت مغلوب و خوار آن ترفند

ساحران هم به سجده افتادند

قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

پس بگفتند آوریم ایمان بهر پروردگار عالمیان

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ

[آنکه نابود ساز افسون است ربّ موسی و ربّ هارون است

قَالَ فِرْعَوْنُ ءَامَنْتُمْ بِهِۦ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَٰذَا لَمَكْرٌ مَّكَّرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

گفت فرعون آورید ایمان؟پیش از اینکه دهم اجازه‌ی تان
پس فکندید مکر در اینجاست که خارج کنید اهلش را
زود یابید اطلاع شما[که چه باشد عذاب و کیفر ما

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ

می‌کنم دست و پا یمین و یسارپس برآرم جمیع را بردار

قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

پس بگفتند باز می‌گردیم‌سوی پروردگار حی کریم

وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّفْنَا مُسْلِمِينَ

زان ستانی تو انتقام از ماکه بود بهر ما نشان خدا
نیز مؤمن شدیم بهر خداسبر یا ربّ به ما عطا فرما
چونکه ما را برون بری ز جهان‌ساز همراه با مسلمانان

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُۥ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَءَالِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ

گفت اشراف بهر فرعون این‌از چه موسی و پیروان در دین
وانهی بر فساد در دنیا تا گذارد تو و الهت را
گفت پس می‌کشیم‌شان پسران و رها می‌کنیم ما نسوان
سلطه داریم نیز بر ایشان تا بمانیم ما به امن و امان

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِۦ ۖ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

گفت موسی به قوم خود ز خدایاوری جوی و صبر کن [به بلا]
به حقیقت زمین از آن خداست و دهد ارث آن به هر کس
خواست
ملک بر بندگان دهد یزدان‌عاقبت هست بهر متقیان

قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوُّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ

پس بگفتند دیده‌ایم ستم‌پیش از آیین تو از آن پس هم
گفت امید هست خصم شما برود بعد از این به باد فنا
و کند جانشیتان به زمین‌نگرد پس چه می‌کنید [به دین

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

آل فرعون خشکسالی دیدنیز نقص ثمار گشت پدید
[این چنین می‌کند خدای قدیر]شاید آنان شوند پند پذیر

فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَّعَهُٗٓ إِلَّا إِنَّمَا ظَنَرُوهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

گر که خیری رسید بر ایشان گفته‌اند اینکه هست از خودمان
ور که شری رسید ایشان رانسبتش داده‌اند بر موسی
هان شگون‌هاست جمله نزد خدایبشتر نیستند از آن دانا

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ ءَايَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ

و بگفتند آوری چونشان بر فسونت نیاوریم ایمان

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجُرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ
وَالدَّمَ ءَايَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

پس فرستاده‌ایم بر ایشان ملخ و خون و قمل و طوفان
و وزغ را جدا جدا ز نشان‌کبر ورزیده‌اند باز ایشان
بوده‌اند این گروه اهل گناه وز نشانه‌ها نیامدند به راه

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَمُوسَىٰ أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا
عَهِدَ عِنْدَكَ لِنِ كَشَفْتِ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ
وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَءِيلَ

چون بلا چیره گشت ایشان را قوم گفتند اینکه ای موسی
پس دعا کن برای ما ز خداکه بیارد وفای عهد تو را
گر بلا را ز ما بگردانی‌می‌شویمت گروه ایمانی
پس از آن می‌کنیم با تو گسیل‌قوم در بند آل اسرائیل

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بَلِغُوهُ إِذَا هُمْ
يَنْكُشُونَ

چون گرفتیم از آن گروه بلادر زمان رسیدن آنان را
باز پیمان خویش بشکستند [به شیاطین خویش پیوستند]

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ

انتقامی گرفتم ایشان را غرقشان ساختیم در دریا
بهر تکذیب آیه‌ی رحمت‌داشتند از همه نشان غفلت

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ
وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا ۖ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ
عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ بِمَا صَبَرُوا ۖ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ
فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ ۖ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ

ارث دادیم شرق و غرب جهان‌بهر مستضعفانی از ایشان
نیز فرخنده ساختیم آن را و ادا شد کلام نیک خدا
به گروهی ز آل اسرائیل‌داشت چون این گروه صبر جمیل
وانچه فرعون ساخت با یاران‌وانچه افراخت ساختم ویران

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ
عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَمُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ
ءَالِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

گذراندیم آل اسرائیل چون ز دریا [به لطف رب جلیل
پس رسیدند بر یکی ز اقوام که نیایش کنند بر اصنام
پس بگفتند لشکر موسی که خدایی قرار ده بر ما
همچون معبودهایی از ایشان گفت هستید امتی نادان

۱۳۹ إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَبَرِّئُونَ مِمَّا هُمْ فِيهِ وَبِطُلُّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

کار ایشان بود تباہ و تبار باطل است این گروه را کردار

۱۴۰ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

گفت معبود کیست جز یزدان برتری دادتان به خلق جهان

۱۴۱ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَالٍ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ
الْعَذَابِ يُقْتِلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي
ذَلِكَ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

ز آل فرعونتان رهاییم بهرتان بود از آن عذاب الیم
پسران شما همی کشتند دختران لیک زنده می‌هشتند
و در آن بود آزمون و بلا از خدای بزرگ بهر شما

۱۴۲ وَوَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مِيقَاتِ
رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي
قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ

بودی سی لیلہ وعده موسی و فرودیم ده دگر آن را
پس چهل گشت وعده گاه خدا پس به هارون برادرش موسی
گفت بر قوم من خلیفہ تو باش و به اصلاحشان بدار تلاش
و مکن پیروی ره آنان که به افساد گشته‌اند روان

۱۴۳ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ
إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرْنِي وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ
مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ
دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ
إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ

چونکه موسی ز وعده گاه آمد و بگفتش سخن خدای احد
گفت یا رب خودت به من بنما گفت ز نهار ننگری تو مرا
بلکه بنگر به کوه مانده به جازود پس بنگری نشان مرا
جلوه بر کوه کرد و شد ویران موسی افتاد چون تنی بی‌جان
چون بیامد به هوش گفت چنان که میرا و پاکی ای یزدان
باز گشتم به راه و توبه ترا اولین مؤمنم به ذات خدا

قَالَ يَمُوسَىٰ إِنِّي أَصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي
وَبِكَأَمَلِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ

گفت حق برگزیدم ای موسی به پیام و کلام خویش ترا
پس بگیر آنچه دادمت ز نشان باش از دسته‌ی سپاسگران

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا
لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا
سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ

۱۴۵

و نوشتم به لوح از هر چیز پند هست و به هر چه هست
تمیز
پس به جد گیر و قوم را فرما که بدارندش احسن و اعلا
زود باشد برایتان به جحیم‌خانه‌ی فاسقان نشان بدهیم

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ
الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ
الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ
سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ

۱۴۶

از نشانه‌ای ما بگردیدند آن کسانی که کبر ورزیدند
ناحقند و نیاورند ایمان چون ببینند آیه‌ای آنان
گر که ببینند راه آگاهی‌نشوند از غرور خود راهی
ور طریق ضلالتی بیندبهر خود آن طریقه بگزینند
چونکه تکذیب کرده‌اند نشان‌نیز غافل شدند جمله از آن

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ
يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۴۷

آنکه تکذیب کرد آیه‌ی مانیز دیدار ما به روز جزا
به هدر رفت جمله کردارش نیست کیفر بر او جز از کارش

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِن بَعْدِهِ مِن حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا
لَّهُمْ خُورٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا
اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ

۱۴۸
۱۳۹

قوم موسی گزید بعد از آن جسم گوساله‌ای ز زیورشان
داشت بانگ و نداشت هیچ کلام و نشد رهنمونشان به مرام
و ستمکار بوده‌اند آنان

وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَّمْ
يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

۱۴۹

و مواجه شدند چون با آن
و چون دیدند گم شدند از راه‌پس بگفتند اینکه از الله
گر نمی‌بود رحمت و غفران همه بودیم از زیانکاران

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَنَ أَسَفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي ۖ أَعْجَلْتُمُ أَمْرَ رَبِّكُمْ ۖ وَأَلْقَى الْأُلُوحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۚ قَالَ ابْنُ أُمِّ إِيَّاهُ الْقَوْمُ اسْتَضَعِفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

چونکه موسی به قوم باز آمدخشمگین و غمین بگفت چه بد جانشین بدی شدید مرا سبقت آورده بر کلام خدا لوحها را فکند و پیش کشیدسر هارون [چو کار قوم بدید] گفت هارون که یا بن ام موسی قوم بیچاره کرده است مرا بود نزدیک تا کشند مرا نپسندم ملامت اعدا تو مدان ای نبی من مضطرهمره فرقه‌ی ستم گستر

گفت یا رب من و برادر راتو ببخشی و بگذر از سر ما ساز ما را به نعمت ناعم این تویی مهربان‌ترین راحم

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ ۖ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ

آنکه گوساله را نیایش کردخشم حق را به سوی خویش آورد خواری از اوست در حیات جهان اینچنین شد جزای مفتترین

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَعَٰمَنُوا ۖ إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

و کسانی که کار بد کردندپس از آن کار توبه آوردند و به یزدان بیاورند ایمان‌هست ربّ رحیم و ذو غفران

وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأُلُوحَ ۖ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ

خشم موسی نشست و لوح خدا برگرفت و در او عطا و هدا بهر خلقی که شد ز حق ترسان‌بهر پروردگار [از عصیان

وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَتِنَا ۖ فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّيَّ أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا ۖ إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ ۖ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۖ وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ

کرد از آن مردمان گزین هفتادتا که با هم روند در میعاد زلزله برگرفت آنان را این چنین گفت با خدا موسی خواستی پیش از این اگر ما را برده بودی به جایگاه فنا تو به ما می‌دهی هلاک آیا؟ زانچه کردند عده‌ای سفها نیست این غیر آرمون و بلاو تو هستی ولی و والی ما هر که را خواستی کنی گمراه‌هر که را خواستی کنی آگاه پس بیامرز و بهر ما رحم آریبهترین غافری تو یا غفار

وَكَتُبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدَّنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ^ط وَرَحْمَتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ

تو مقدر کن ای خدا ما رانیکی این جهان و هم عقبا
سوی تو آوریم روی نیازای غفور و رحیم و بنده نواز
گفت هر کس که خواستم او را می رسانم عذاب و رنج و بلا
رحمتم واسع است بر همه جامی نویسم برای اهل تقا
آن کسانی که می دهند زکات نیز مؤمن شدند بر آیات

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ^ط أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

پیروان پیمبر امی که بیابند در کتاب نبی
هم به انجیل هست و هم تورات اوست آمر به جمله ی
حسانات
ناهی منکر است و زو گردیدهم روا پاک و هم حرام پلید
برگرفتست او ز دوش کسان غل و زنجیرها و بار گران
آن کسانی که باور آوردند نیز اکرام و یاریش کردند
تابع نور منزل اویندرستگارند [و راه او پویند]

قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ^ط لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ^ط فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَتِهِ^ط وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

بگو ای مردمان به سوی شما بر همه این منم رسول خدا
آنکه از اوست ملک ارض و سماهیچ معبود نیست غیر خدا
او کند زنده و بمیراند پس تو ایمان بیار بهر احد
و رسول و نبی امی را مؤمن حق و هم کلام خدا
و بدارید پیروی او راتا هدایت رسد به سوی شما

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ

امتی نیز پیرو موسی هادی حق شدند و عدل گرا

وَقَطَّعْنَاهُمْ أَثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا ۖ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ
إِذِ اسْتَسْقَلَهُ قَوْمُهُ ۚ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ ۖ
فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ أَثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ
مَّشْرَبَهُمْ ۖ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ ۖ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ
وَالسَّلْوَىٰ ۖ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ۚ وَمَا ظَلَمُونَا
وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

۷۰
اعراف
۱۶۰
/۲۵۶

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ
وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ
خَطِيئَتَكُمْ ۚ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

۱۶۱

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ
فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ

۱۶۲

وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ
فِي السَّبْتِ ۖ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَاعًا وَيَوْمَ لَا
يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ ۚ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

۱۶۳
۱۴۲

بهر تعیین راه آن امتبخش کردم دوازده قسمت
قوم چون آب خواست از موسی گفتمش سنگ را بزن به عصا
پس بر آمد دوازده چشمه آگه از سهم خود شدند همه
ابر گسترده بر ایشان ظل من و سلوی ز لطف شد نازل
رزق دادیم پاک و پالوده تا که از آن خورند آسوده
نکنند هیچکس ستم بر ماکه به خود می کنند جور و جفا

یاد آرید قصه ی موسی در زمانی که گفت قومش را
باد سکنا یثان به آبادی بخورید از نعم به آزادی
و بخواهید از خدا غفران هم ز در در شوید سجده کنان
پس ببخشیم هر خطای شما جر افزون دهیم نیکان را

آنکه زیشان ز راه جور و جفاداد تغییر گفته ی ما را
پس فرستادمش عذاب و بلای آسمان بهر آن طریق جفا

و از آن شهر ساحل دریاسرگذشتی بپرس ایشان را
روز شنبه که اعتدا کردند ماهیان نیز چون شنا کردند
بود اگر روز سبت بر آنان بر روی آب می شدند عیان
روز سبت ار نبود بر آنان در دل آب می شدند نهان
این چنین آزمون کنیم آنان آنچه را بوده اند نافرمان

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ
مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ قَالُوا مَعَذَرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ
يَتَّقُونَ

چونکه گفتند جمعی از ایشان‌پند از چه دهید بر آنان
که هلاکت رسد ز حی معیدو به آنها رسد عذاب شدید
پس بگفتند بهر عذر خدایشاید آنان شوند باتقوا

۱۶۵

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ ۖ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ
وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَّيْسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

چون فراموش گشتشان تذکاربرهاندیم نای از انکار
ظالمان در عذاب افکندیم سخت زیرا که بوده‌اند اثمیم

۱۶۶

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهَوُّ عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ

پس زمانی شدند نافرمان ز آنچه را نهی کرده‌ایم از آن
هر یک از آن جماعت مردودشد به بوزینه‌ای بدل مطرود

۱۶۷

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَن
يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

و خبر داد حق که تا عقاببرگزیند خدا کسانی را
که چشاند عذاب بر آنان و سریع است کیفر یزدان
و خدا مهربان و غفار است بهر نیکان و مؤمنان یار است

۱۶۸

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا ۖ مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ
ذَلِكَ وَبَلَّوْنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

متفرق شدند روی جهان‌عده‌ای نیک و عده‌ای جز آن
آزمودیمشان ز نیک و ز بدشاید آن قوم باز برگردد

۱۶۹

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ
عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ
مِّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِّيثَقُ الْكِتَابِ أَنَّ لَا
يَقُولُوا عَلَىٰ اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ ۚ وَالْدَّارُ الْآخِرَةُ
خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

وارثان کتاب بعد از آن‌برگرفتند مال پست جهان
و بگفتند عفو حق با ماست باز هم گر دهند ایشان راست
نگرفتند گوییا زیشان‌بر قبول کتاب حق پیمان
که نگویند ناروا به خدا بارها خوانده‌اند آنها را
آخرت به بود به اهل تقانیست بهر شما خرد آیا؟

۱۷۰

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ
أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ

متمسک به نامه و آیات و اقامه کنندگان صلاه
[همه را حق کند نکو کردار] و تبه نیست اجر نیکوکار

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

بر سر افراشتیم‌شان ز جبال‌سایه‌بانی که می‌فتد به خیال آنچه دادیم‌تان به جد گیرید یاد آرید از آن و بپذیرید شاید اهل هدا شوید شمادر ره حق شوید با تقوی

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ

جمله ذریه‌ی بنی آدم آنچه از پیش اوست در عالم همه را برگرفت و کرد گواه‌که مگر نیست ربّ‌تان الله همه گفتند هست تا به جز اکس نگویند شدیم غافل ما

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةَ مِّنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ

یا بگویند مشرکند آیا؟ نسلی از پی شدیم آنان را از چه خواهی هلاک جمعی چندبهر کاری که مبطلان کردند

وَكَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

آیه‌ها را چنان کنیم بیان‌بلکه برگشت آورند ایشان

وَأْتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ

بهرشان قصه از کسی برخوان‌که به او داده‌ام ز خویش نشان دست خود ساخت ز آیه‌ها کوتاه‌پیش‌اش افتاد دیو و شد گمراه

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرَكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

گر بخواهم فرا برم او رابر زمین ماند و شد مطیع هوی مثل او بود شبیه سگان‌گر کنی حمله برکشند زبان ور نیاری یورش، کنند این کاراین چنین‌اند فرقه‌ی انکار داستانها بگوی بهر کسان‌شاید اهل خرد شوند ایشان

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ

مثل منکران ما چه بد است‌ستم این گروه بهر خود است

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِىٰ وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

مهدی حق به شاهراه هداست‌وانکه گمراه شد زیان او راست

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَآلَ الْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

۷:
اعراف
۱۷۹
/۲۵۶

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۸۰

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَّهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ

۱۸۱

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

۱۸۲
۱۴۴

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ

۱۸۳

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِم مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

۱۸۴

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ فَلَبَّيْ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

۱۸۵

مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

۱۸۶

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْةٌ يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

۱۸۷

بسی از جن و انس حی علیم آفریدست از برای جحیم
قلب دارند و فهم نیست در آن چشم دارند و دید نیست بر آن
گوش‌ها هست بهرشان و کردند چارپایند و بل از و بترند
آن کسانی غافلان جهان هر چه دارند غافلند از آن

بهر حق است نامهای نکوبا همین نامها بخواه از او
و رها ساز ملحد اسمازود ببند به کار خویش جزا

آفریدیم امتی به هداعدل ورزند و حق کنند اجرا

منکران نشان حق را زودپله پله بیاوریم فرود
[و در آریم در عذاب آنگاه از محلی که نیستند آگاه

مهلتی می‌دهیم‌شان زیرانقشه و طرح محکمی است مرا

از چه اندیشه نیست در آنان‌که جلیس و مصاحب ایشان
نیست دیوانه [این رسول امین بلکه بر خلق شد نذیر و
مبین

در نظامات آسمان و زمین‌وانچه را آفرید حق چونین
کافران از چه رو نمی‌نگرندچه بسا زود وقتشان ببرند
بعد از آن بر چه آورند ایمان چون ندارند فرصتی به جهان

گمره از حق نباشدش رهبان‌واگذارش به حیرت و عصیان

از تو پرسند روز و ساعت رالنگر افکندن قیامت را
گو که تنها خداست زان دانانشود آشکار جز به خدا
هست سنگین بر آسمان و زمین‌ناگهان می‌بریمتان به یقین
از تو پرسند گوییا داناین تویی گو که آگه است خدا
لیک اکثر ز مردمان جهان آگهی نیست بهره‌ی ایشان

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ
كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ
السُّوءُ إِنَّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

گو ندارم به خویش سود و زیان غیر چیزی که خواست ربّ
جهان
گر که بودم ز علم غیب آگاه می‌فزودم به خیر و نعمت و جاه
هم نمی‌بود بهر من ضرری یا که پیش آمد بدو خطری
نیستم من مگر بشیر و نذیر بهر ایمانیان [وحی پذیر]

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا
لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ
بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ ءَاتَيْتَنَا صَالِحًا
لَّنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

اوست آن کافریدت از یک جان جفت او نیز خلق کرد از آن
تا که پهلوی او بیارامد چون که با آن جلیس جمع آمد
اندکی بار برد و گشت روان تا زمانی که بار گشت گران
خواستند از خدا که یا ربّ اگر که صالح عطا کنی تو به ما
به یقین می‌شویم ای رحمان در سپاست به شکر این احسان

فَلَمَّا ءَاتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا ءَاتَاهُمَا
فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

چونکه صالح خدای کرد عطایس نهادند بر خدا شرکا
و خدا هست اشرف و اعلا ز آنچه شرک آورند بهر خدا

أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ

و شریک آورند از اشیا که نسازد پدید چیزی را

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ

هست مخلوق و نیست بر کس یارو نه خود را مددگر است
به کار

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ
أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَالِتُونَ

گر که دعوت کنیدشان به هدا نپذیرند این سخن ز شما
گر بخوانید یا نه آنان راهست یکسان دو حال بهر شما

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ
فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

هر که را خوانده‌اید غیر خدا هست او نیز بنده‌ای چو شما
پس بخوانید تا جواب دهند راست گویید اگر در این ترفند

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا ۖ أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبِطُشُونَ بِهَا ۖ أَمْ لَهُمْ
أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا ۖ أَمْ لَهُمْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۚ قُلِ ادْعُوا
شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنْظَرُونَ

هست آیا برای ایشان پا؟ تا بپویند راه در هر جا
یا که دارند بر گرفتن دست‌یا که چشمانشان به دیدن هست
یا که باشد دو گوششان شنوا گو بخوانند جمله‌ی شرکا
طرحی از کید بهر من بنهید مهلتی نیز بهر من مدهید

إِنَّ وَلِيََّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ ۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتِطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا ۚ وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ
إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۚ إِنَّهُ
سَمِيعٌ عَلِيمٌ

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا
فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغِيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَأْيَةٌ قَالُوا لَوْلَا أُجْتَبِئَتْهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا
يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي ۚ هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ

وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنْ
الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ
وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿١٧٦﴾

سرپرست من است آن یزدان که بود منزل کتاب و نشان
هر که اعمال و نیتش نیکوست سرپرستش حق است و
یارش اوست

هر چه را خوانده‌اید جز یزدان نیست او را توان به یاری‌تان
نیز آن جمله را نبود توان که بدارند یاری خودشان

گر که خوانیدشان به سوی هدانشنوند و نگه کنند تو را
و ببینیدشان نمی‌بینند[چونکه باطل پرست و بی‌دینند]

عفو گیر و به کار خیر بخوان روی گردان ز فرقه‌ی نادان

گاه وسواس دیو آر پناه به خدا کوست سامع و آگاه

متقین را چو کید دیو رسیدروی آرند بر تذکر و دید

یارشان می‌کشد به گمراهی و ندارد ز جرم کوتاهی

چون نیاری نشانه‌ای گویندنیست چیزی تو را ز آیه و پند
گو که من پیروم به وحی خداکه بود بینش از خدای شما
رحمت است و هدایت از رحمان بهر قومی که آورند ایمان

گر بخواند کسی کتاب خدا گوش دارید [آن کلام هدا]
و به غیر از سکوت نیست رواتا که رحمت دهد خدا به شما

یاد کن ربّ خویش را در جان هم به حال تضرع و ترسان
نرم و آرام صبح و شام گهان و مباحثید غافل و نادان

هر که را کبر نیست بهر خدا ذکر تسبیح و سجده است او را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

۱
حزب
۷۱
۱۴۶

گر ز انفال می‌کنند سؤال از رسول و خدا بود انفال
با خدا تقوی اختیار کنید بین خود صلح برقرار کنید
و مطیع خدای باش و رسول‌گر که اسلام کرده‌اید قبول

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

۲

مؤمن است آنکه وقت ذکر خداترس بر جان او بود ز دعا
چون بر او خوانده شد نشان خدای پس بیفزود باور او را
[کارهایی که در جهان دارد] او به پروردگار بسپارد

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

۳

هم نماز خدا به پا سازدهم ز رزقش به غیر پردازد

أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

۴

اوست مؤمن به حق به نزد خدای پایه و عفو و روزی است او را

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَرِهُونَ

۵

حق برون کردت از سرای به جاعمی از مؤمنان نداشت رضا

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

۶

با تو در حق جدل کنند کسان بعد از آنکه که داشتیم بیان
گوییا رانده می‌شوند به فوت‌نگرانند از این سخن از موت

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ

۷

وعدۀ فرمود حق برای شما بردن قومی از دو طایفه را
میلتان بود تا شود ز شما کاروانی که خود نداشت قوا
خواست حق از سخن شود ستوارو شود کنده ریشه کفار

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ

۸

تا بماند حق و رود باطل‌ور گنهکار هم نشد خوشدل

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ
بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ

چون کمک خواستید خود ز خدا این چنین داد حق جواب شما
بهرتان در غزا فرستم یار از ملائک ردیف گشته هزار

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا
النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

این بشارت شد از خدای جهان دلتان زان گرفت اطمینان
نیست یاری مگر ز نزد خدا و خدا هست قادر و دانا

إِذْ يُغَشِّيكُمُ اللَّعَاسُ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ
السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ
وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ

چون به خوابی سبک شدید فرو آنچه امن و قرار بود در او
و فرستاد از آسمان باران بر شما تا شوید پاک به آن
ببرد از شما پلیدی راکه ز ابلیس می رسد به شما
و کند قلبهایتان ستوار گامتان را کند به آن ستوار

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ
ءَامَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَصْرَبُوا
فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاصْرَبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ

چون ملایک شنید وحی خدا که منم یار و در کنار شما
دل ایمانیان قوی سازید کافران را به وحشت اندازید
ضربه آرید بر سر ایشان نیز ضربت زنید انگشتان

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
فَأِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

ز آنکه گشتند این گروه جهول دشمن خوبی و خدا و رسول
دشمنان خدا و پیغمبر سخت بینند از خدا کیفر

ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ

بچشید این بود عذاب شما بهر کفار دوزخ است جزا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا
تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ

ای کسانی که آورید ایمان چون بدیدید کافران تا زان
پشت بر دشمنانتان نکنید [بلکه باشید همچو سد سدید]

وَمَنْ يُؤْلِهِم يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَى
فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ
الْمَصِيرُ

گر کسی پشت کرد بر کفار جز که خواهد مصاف را تکرار
یا که پیوست دوستان را خواست پس گرفتار خشم و قهر
خداست
در دل دوزخ است او را زیست و جهنم چه بد سر انجامی
است

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ
وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ
اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدِ الْكَافِرِينَ

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ
لَّكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا
وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ
وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا
وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ
لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ
وَأَنَّهُ رَئِيسُ إِلَٰهِ تَخْشَرُونَ

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

کشتنشان حق نه مؤمنان کشتندتو نه بلکه خدای تیر افکند
جمع مؤمن شد آرمون آنجاو خدا هست آگه و شنوا

آن شد و بی‌گمان بود دادارست گردان حیل‌ی کفار

فتح اگر خواستید آن ما را است‌ور به پایان برید خیر
شماست

گر برگردید نیز برگردیم‌نکند سود بهرتان تسلیم
کثرت عده نیست سودآور[گر نباشد خدایتان رهبر]
به یقین هست قادر غفارهمره مؤمنان نیکوکار

ای که اسلام را کنی تو قبول‌پس اطاعت کن از خدا و رسول
رو مگردان ز گفته‌ی دادارکه شما بشنوید آن گفتار

و چو آنان مشو که می‌گفتندما شنیدیم لیک نشنفتند

بدترین جانور به نزد خداست‌کر و لالی که بیهشی او راست

گر که خیری خدا در او می‌دیدپس منادی به خیر می‌گردید
گر رسد حق به گوششان به عیان‌باز از آن شوند رو گردان

ای کسانی که حق کنید قبول‌بپذیرید حکم حق و رسول
چون شما را به حکم می‌خوانددر طریق حیات می‌راند
و بدانید حق بود حایل‌در میان تبار آدم و دل
جمع گردید پس به نزد خدا[نشوید از ره خدای جدا]

دور باشید از مصیبت عام‌کان بلا نیست ویژه بر ظلام
و بدانید اگر گنه کردیدکیفر حق به مجرم است شدید

وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ
وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و به یاد آورید وقتی راکه کم و خوار بوده‌اید شما در هراس از کسان به شهر و دیار که ربایندتان ولی دادار جایتان داد و کردتان تأییدوز همه رزق پاکتان بخشید تا مگر ای جماعت توحیدپاسدار سپاس حق باشید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَتَكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ای که اسلام را کنی تو قبول‌پس خیانت مکن به حق و رسول و خیانت مکن امانت را تو هستی بر این سخن دانا

وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

فتنه هستند مال و فرزندان و به نزد خداست اجر گران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

ای کسانی که آورید ایمان‌گر که تقوی کنید با یزدان می‌نهد از برایتان فرقان و گناهاتتان کند کفران و نصیب شما کند غفران و خداوند راست فضل گران

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ

کافران مکر و حيله‌ای دارند که ترا حبس یا به قتل آرند یا برون آورندت از ماوامکر کردند و مکر کرد خدا و خدا هست بهترین مکار [هیچ کس نیست به از او در کار]

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

چون شود خوانده بهرشان ز نشان‌پس بگویند ما شنیدیم آن گر خواهیم مثل آن گوییم نیست این جز فسانه‌های قدیم

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

و بگویند اگر که باشد راست این سخنها و هم ز نزد خداست سنگ از آسمان به ما می‌باریا عذاب‌ی الیم بر ما آر

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

و نسازد عذابشان رحمان چون تویی در میانه‌ی ایشان و نسازد عذابشان غفارتا که دارند حال استغفار

وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُۥٓ إِنَّ أَوْلِيَاءَهُۥٓ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

ندهد از چه حقشان فرجام منع سازند راه بیت حرام
و ندارند سرپرستی آن سرپرستی است کار متقیان
لیک این قوم کافر اکثرشان غره‌اند و به این سخن نادان

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا
الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

نیست جز سوت و کف نمازی‌شان بچشید از عذاب بر کفران

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ
كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ

کافران مالشان کنند عطا باز دارند تا ز راه خدا
هر چه این مالها عطا دارند حسرتی را به خویش بگذارند
پس از آن در ره شکست روند کافران در جحیم جمع شوند

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ
عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ
الْخٰسِرُونَ

تا مشخص کند خدا در خاک خلق ناپاک را ز مردم پاک
فاسدان وانهد به یکدیگر جمع سازد جمیع در آذر
آن جماعت [که غرقه در نارند] به حقیقت همه زیانکارند

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ
يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ

گر که باز ایستند آن کفار بر گذشته خدا شود غفار
ور بگردند باز هم به خطاستت اولین شود اجرا

وَقَتِّلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ
فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

راه پیکار گیر برایشان تا نماند ز شر و فتنه نشان
دین شود کامل از برای خدا [و نماند معارضی بر جا]
گر که باز ایستند این ره راحق به اعمالشان بود بینا

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلٰكُمْ نِعَمَ الْمَوْلٰى وَنِعَمَ
التَّصِيرُ

رویکردان اگر شدند بدان سرپرست شما بود یزدان
و خدا یار و یاور خوبی است سرپرستی به از خدا گو
کیست؟]

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ
وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ
ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ
الْجُمُعَانِ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ
أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَأَخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَدِ وَلَكِنَّ
لَيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِّيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنَةٍ
وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيْنَةٍ ۖ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ

إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا ۖ وَلَوْ أَرْنَاهُمْ كَثِيرًا
لَّفَشِلْتُمْ وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ اتَّقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا
وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَىٰ
اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ
كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

هر غنیمت رسد به دست شما خمس آن هست از رسول و خدا

نیز خویش و یتیم و بیچاره و آنکه از شهر گشته آواره
گر که مؤمن شدید بهر خدا و آنچه نازل بود به بنده‌ی ما
روز فرقان دو فرقه را پیکار هست یزدان قدیر در هر کار

چونکه بودید جانب پایین دشمنان برتر از شما به زمین
کاروان نیز پست‌تر ز شما بود در وعده‌تان خلاف اینجا
و خدا خواست کار را پایان به هلاکت رساند با برهان
و بمانند با دلیل احیاق بود هم سمیع و هم دانا

و نشان دادتان خدای جلیل لشکر کافران به خواب قلیل
ور که می‌دادتان نشان بسیارست بودید و مختلف در کار
حق نگهداشت جمله را سالم‌اوست از راز سینه‌ها عالم

چون نشان دادتان خدای جلیل لشکر کافران ضعیف و قلیل
و شما را به دیده‌ی کفارکم نشان داد در عدد دادار
تا دهد کارها خدا انجام و به سوی خدا بود فرجام

ای کسانی که آورید ایمان چون بدیدید عده‌ای نادان
پس بمانید و یاد حق داریدتا به راه فلاح روی آرید

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

و خدا و رسول گیر مطاع و مباشید خود به راه نزاع که بگردید سست و بی مقدار صبر کن حق بود به صابر یار

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

و مشو چون کسی که از مأوارفت بیرون پی هوی و ریا و بگرداند از طریق خدای حق به اعمالشان بود دانا

وَإِذْ زَيْنَ لَّهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

و به یاد آر اینکه دیو لعین بهرشان کرد کارها تزیین گفت شیطان که از کسان امروز بر شما نیست هیچ کس پیروز و منم یار و جار بهر شما بین دو عده چونکه دید غزا بازگشت و بگفت بیزارم از شما چونکه بینشی دارم و شما ننگرید و من ترسان از عذاب خدا که هست گران

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

چون دو رویان و لشکر کفار که بود قلبهایشان بیمار گفته بودند این مسلمانان دینشان غره کردشان به جهان هر که بسپرد کار خود به خدایست خدا هست قادر و دانا

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

چون ببینی ملائک یزدان که بگیرند کافران را جان پشت و روشن به ضربه آزارند پس گرفتار کیفر نارند

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

ز آنچه از پیش دستهای تو دادنیست بیدادگر خدا به عباد

كَذَّابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

آل فرعون و پیش از آنان کرده اند آیه های حق کفران به گناهان خدا بداد جزاقوی و سخت کیفر است خدا

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و بدان خاطر است اینکه خداستند ز خلق نعمت را
جز که نعمت دهند خود تغییر و خدا هست هم سمیع و خبیر

كَذَّابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَآهَلَكْنَا بَذُنُوبِهِمْ وَٱغْرَقْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ وَكُلَّ كَاۡنُودٍ ظَالِمٍ

آل فرعون و پیش از آنان داشت تکذیب آیهی رحمان
همه گشتند از گناه هلاک و جهان شد ز لوث ایشان پاک
آل فرعون غرقه شد در یمز آنکه بودند جمله اهل ستم

إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

نزد حق بدترین جانوران کافرانند و خلق بی‌ایمان

ٱلَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ

آنکه چون عهدگیری از آنان پس به هر دفعه بشکنند پیمان
نیستند این گروه با تقوا

فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي ٱلْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مِّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ

چونکه در جنگ یابی آنان را
پشتیبانان پراکنید از جاشاید آرند رو سوی ذکری

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَٱنْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَآءٍ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْخَآئِنِينَ

چون بترسی ز نقض عهد کسان پس بیفکن به سویشان
پیمان
به مساوات کار کن که نکوست خائنان را خدا ندارد دوست

وَلَا يَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ سَبَقُوا۟ إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ

گو به کافر سبق مدار گمان ناتوان ساز نیستند آنان

وَٱعِدُّوا لَهُم مَّا أَسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِنْ رِّبَاطِ ٱلْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ ۚ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِّن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

گو بیارید تا به حد توان بهر کفار از قوا و اسبان
زان هراس افکنید در دلهادشمن حق و دشمن خود را
نیز قوم دگر بجز ایشان که ندانید و داندش یزدان
هر چه بخشید در طریق خدا باز گردد تمام سوی شما
همچنین بر شما ستم نرسد [ستم از سوی ذو الکریم نرسد]

وَإِن جَنَحُوا۟ لِلسَّلْمِ فَٱجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ إِنَّهُ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ

میل آرند اگر به صلح و صفابر گشا بال صلح آنان را
کار خود را سپار سوی خداکه خدا هست سامع و دانا

وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ
بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ

وَأَلَفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا
أَلَفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ
مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ
مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا
يَفْقَهُونَ

أَلَنْ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ
يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ
مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُوَ أَسْرَى حَتَّى يُشْخِنَ فِي الْأَرْضِ
تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ

لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ
عَظِيمٌ

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَحِيمٌ

۶۳

۶۴

۶۵
۱۵۴ر

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

خواستند ار تو را دهند فریب بس بود حق که او تورا ست
حبیب
نیروی توست یاری یزدان و کسانی که آورند ایمان

مؤمنانی که از ره احسان الفتی داد حق به دلهاشان
گر که می‌دادی آنچه در ارض است نمی‌آوردی این نعیم به
دست
و خدا داد الفت آنان را به یقین اوست قادر و دانا

ای نبی بس بود تو را الله همراه مؤمنان پیرو راه

ای پیمبر به مؤمنان روی آرو برانگیز در ره پیکار
از شما گر که بیست صابر هست بر دو صد دشمنان دهند
شکست
گر که باشند از شما صد تن می‌برند از هزار تن دشمن
نیست سهمی ز فهم در کفار

و خدا می‌کند سبک این کار
بهرتان شد سبک به حکم خدا چونکه ضعیفی است از برای
شما
گر که باشند از شما صد تن می‌برند از دویست تن دشمن
ور هزار است مؤمنان را یار پس بگردند چیره بر دو هزار
و به اذن خدا بود این کار و خدا هست صابران را یار

نیست جائز نبی بگیرد اسیر مگر آنکه که بر زمین شد چیر
چه بخواهید بهره‌ی دنیا؟ که خدا خواست آخرت به شما
و خدا هست قادر هر کار و خدا هست عالم از اسرار

گر نمی‌بود نامه‌ای ز خدا چونکه بگرفته‌اید آن اسرا
بود بهر شما عذاب گران لیک بود از گذشته حکم در آن

از غنیمت خورید پاک و روا اهل تقوا شوید بهر خدا
به یقین هست کردگار جهان بهر تان مهربان و ذو غفران

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ
اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ
وَيَغْفِرَ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

ای پیمبر بگوی با اسراخیر اگر دید حق ز قلب شما
به شما می‌رسد بسی اولی‌ز آنچه قبلاً گرفته شد ز شما
حق ببخشاید از برای شماو بود غافر و رحیم خدا

۷۱

وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ
مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

خواهد ار کس شکست عهد تو راپیش از آن هم شکست
عهد خدا
پس تو پیروز گشته‌ای او راو بود عالم و حکیم خدا

۷۲

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ
بَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلِيَّتِهِمْ
مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا ۚ وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ
فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ ۖ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ ۗ وَاللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

آن کسانی که آورند ایمان و مهاجر شوند در ره آن
و مجاهد شوند با زر و جان در طریق رضایت یزدان
و کسانی که داده‌اند پناه و شده یار یکدیگر در راه
نیست حق و لا برای شماهر مسلمان نامهاجر را
ور مهاجر شود به راه خدا فرض دانید نصرت او را
و بخواهند یاری از ایمان‌بر شما باد یاری ایشان
جز به ضد گروه هم پیمان‌هست بینا به کارتان یزدان

۷۳

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ
فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ

اولیای همدان این کفارگر شما را چنین نباشد کار
فتنه‌ای در زمین شود بر پاو فسادی کبیر هست آن را

۷۴

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ
ءَاوُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ۚ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

آن کسانی که آورند ایمان و مهاجر شوند در ره آن
و کسانی که داده‌اند پناه و شده یار یکدیگر در راه
مؤمنان بحق هم آنانندلایق عفو و رزق شایانند

۷۵

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ
فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ ۚ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي
كِتَابِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

مؤمنان و مهاجران خدانیز رزمندگان به راه شما
از شمایند و بعض خویشان را امتیازی است در کتاب خدا
به یقین کردگار بی‌همتا بر همه چیزها بود دانا

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ

هست بیزاری خدا و رسول مشرکی را که عهد کرد قبول

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ

چار مه مهلت است بهر شما که بگردید در زمین خدا
نشود ناتوان خدا در کار و خدا خوار می کند کفار

وَأَذِّنْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

این پیام از رسول و از یزدان بهر مردم به حج اکبرشان
که خدا و رسول شد بیزار از شما مشرکان [بد رفتار]
توبه آرید اگر به سود شماست و برگردید باز از راه راست
پس بدانید اینکه بهر خدا ناتوان ساز نیستید شما
مژده ده بهر کافران یکسری عذابی که هست دردآور

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

جز که مشرک بیست پیمانی و به کارش نبود نقصانی
و نبودست پشتبان کسان بهر پیکار با مسلمانان
عهد کامل کنید تا به زمان و خدا هست یار متقیان

فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

سلخ ماه حرام چون برسید مشرکان را به هر کجا یابید
بکشید و اسیرشان سازید و به حصر و کمین بپردازید
و اگر سوی توبه روی آرند و نماز خدا به پا دارند
و زکات خدا کنند اداراهشان را رها کنید شما
به حقیقت خداست ذو غفران و بود مهربان به خلق جهان

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَمَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ

مشرکی گر که خواست از تو پناهنده که تا بشنود کلام الله
برسان پس به مأمنش او رانیست این قوم آگه و دانا

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ
إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَمُوا
لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

مشركان را چسان بود پیمان بهر پیغمبر و خدای جهان
جز که از مشركان کسانی چندعهد در مکه با شما بستند
بر وفاییشان سزااست وفاکه خدا هست یار اهل تقا

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا
ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ
فَلْسِقُونَ

و ندارند اگر ظفر یابندپاس پیمان و حرمت پیوند
با زبان می‌کنندتان خشنودو به دل‌هایشان نهفته جحود
فاسقند این گروه اکثرشان آگه است از مرامشان یزدان

أَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ
سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

می‌فروشد آیه‌های خداو در این ره کم است اجر و بها
باز دارند از طریق خدابد بود کارهایشان همه جا

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ

و ندارند پاس از پیمان نیز پیوند با مسلمانان
این گروهند در ره عدوان و تجاوزگردن از پیمان

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي
الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

پس اگر سوی توبه روی آرندو نماز خدا به پا دارند
و زکات خدا کنند ادایس برادر شوید آنان را
و به تفصیل می‌کنیم اداآیه‌ها را به مردم دانا

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ
فَقَتِّلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ

چونکه سوگند خویش بشکستندبعد از آنکه که عهدها
بستند
و نکوهش کنند دین شما با امان کفرگیر غزا
محترم نیست بهرشان سوگندشاید از کار خویش دست
کشند

أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ
وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

و نجنید از چه قومی راکه شکستند جمله پیمانها
خواستند آن گروه بی‌باورتا که بیرون کنند پیغمبر
جنگ آغاز کرده‌اند آنان از چه دارید ترس از ایشان
هست بهر هراس حق اولی اگر ایمان بود برای شما

قَتَلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ
عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ

پس بکنید تا عذاب خدا بر آنان رسد ز دست شما
و کند آن گروه را رسوا و کند نصرتی عطا به شما
و کند شاد قادر یکنادل جمعی ز مؤمنین به شفا

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ
عَلِيمٌ حَكِيمٌ

خشمشان را برد ز قلب و ضمیر هر که را خواست هست
توبه‌پذیر
و خدا هست آگاه از اسرار و حکیم است بر همه کردار

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا
مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا
الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

به گمانی که گشته‌اید رها و نداند خدا ز کار شما
از شما هر که بود در پیکار نیز نگرفت محرم اسرار
جز خدا و پیمبر یزدان و کسانی که آورند ایمان
حق بود ز آنچه می‌کنید آگاه و بداند روید در هر راه

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى
أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ
خَالِدُونَ

نیست از بهر اهل شرک روا که بسازند سجده‌گاه خدا
ز آنکه بر کفر خود شدند گواه‌کارشان را خدای کرد تباه
یار نارد و جاودانه در آن این گروه کفور بی‌ایمان

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ
الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ
يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

مسجد حق کسی کند آباد که دل خویش را به یزدان داد
مؤمنان خدا و روز جزا و آنکه دارد نماز را برپا
و دهد در زکوة حقش را و ترسد ز کس به غیر خدا
پس امید است از خدای جهان که شوند از گروه مهتدیان

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ
اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

آب دادن به حاجیان حرم‌کعبه را ساختن ز راه کرم
هست چون کار مؤمنان آیا؟ مؤمنان خدا و روز جزا
که به راه خدا کنند غزانه مساوی نیند نزد خدا
و خدا نیست هادی و رهبر بهر این فرقه‌ی ستم گستر

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ
وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

مؤمنان و مهاجران هدانیز رزمندگان راه خدا
که ز اموال و جان کنند شارنزد حق برترند در کردار
و همان قوم رستگار اندک‌امیاب از عطا رحمانند

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتِ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ

حق دهد مژده بهرشان رحمت نیز رضوان حق و هم جنت که در آن هست نعمتی جاوید[و چنین است لطف رب مجید]

۲۲

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

ماندگارند جاودانه در آن نزد او هست مزد و اجر گران

۲۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءَابَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

مؤمنان گر برادر و پدران کفر برتر نهند از ایمان پس مگیرید اولیا ز آنان از شما هر که کار کرد چنان اهل بیداد گشته است و ستم

۲۴

قُلْ إِن كَانَ ءَابَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

گو به آنان تو ای رسول امم گر که آبائتان و فرزندان نیز از همسران و از اخوان قوم و مالی که کرده اید زیاده تجارت که ترسایش ز کساد و سرایی که دوست دارید آن نزدتان هست برتر از یزدان وز رسول خدا و نیز جهاد در طریق خدا به راه و داد پس در این حال منتظر باشید تا رسد امر کردگار مجید نیست هادی خدای عالمان بر گنه پیشگان نافرمان

۲۵
۱۵۹

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ

و خدا یار بود بهر شما در نبرد حنین و دیگر جا غره باشید اگر به کثرت خویش هیچ کاری نمی برید از پیش و زمین فراخ گردد تنگ پس بگردید در گریز از جنگ

۲۶

ثُمَّ أَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ ۖ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

و خدا بهر مؤمنان و رسول کرد آرامش و قرار نزول و سپاهی که ننگرید او را و به کافر رسد عذاب خدا [مؤمنان راست رحمت دادار] و ان عذاب است کیفر کفار

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۹۰ :
توبه
۲۷
/۱۲۹

توبه زان پس پذيرد از آنان که بخواهد رحيم ذو غفران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا ۖ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۖ إِنْ شَاءَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۲۸

مؤمنان اهل شرک هست نجس نرود سوی کعبه از اين پس
می شوی گر ز مسکنت ترسان می کند بی نیازتان رحمان
گر بخواهد کند ز فضل عطاو خدا هست عالم و دانا

قَتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ

۲۹

کن تو پیکار آنکه را باور نیست بهر خدا و هم محشر
و روا بودنش کنند قبول آنچه تحریم کرد حق و رسول
و نسازد قبول دین احدز آنکه را نامه از خدا آمد
تا تواضع کنند و جزیه دهند [مسلمین از مزاحمت برهند]

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ۚ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضِلُّونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَتَلَهُمُ اللَّهُ ۚ أَنَّى يُؤْفَكُونَ

۳۵
۱۶۰ ر

گشت قوم يهود را باور که خدا را بود عزير پسر
و نصارا چنین گمان دارند که مسيح است بر خدا فرزند
اين سخنها چو گفته ی قومی است کز ره کفر پيش از اين
می زیست
حق رساند به قتل ایشان رابه کجا کج برندشان آيا؟

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَٰهًا وَاحِدًا ۚ لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

۳۱

برگزیدند راهب و احبار ربّ خود جای قادر قهار
نیز عیسی گرفته شد معبود نیست این حکم از خدای ودود
که پرستند جز خدای احد نیست معبود غیر ذات صمد
هم منزّه بود خدای احد که کسی بهر او شریک آرد

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ
يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

قوم خواهد خموش نور خدای دهان و خدای داشت ابا
میرساند به اوج نورش را کافران را اگر چه نیست رضا

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى
الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

او فرستد رسول خود به هدانیز آیین حق دهد او را
چیره سازد به هر مرام این راه‌مشرکان را اگر چه هست
اکراه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ
لِيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ
اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

مؤمنان! بس ز راهب و احبارمال مردم خورند بی‌هنجار
باز دارند از طریق خداو زر و سیم را نهند به جا
گر نبخشند در طریق کریم‌مژده ده به‌رشان عذاب الیم

يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ
وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا
كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ

بر فروزیمشان به نار جحیم‌پس به آنها ز نار داغ نهیم
صورت و پشت و پهلوی ایشان‌داغ سازیم و پس کنیم بیان
اینک از گنجهای خود سوزیدبچشید آنچه را که اندوزید

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ
يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ
الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ
كَأَفَّةً كَمَا يَقْتُلُونَكُمْ كَأَفَّةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

نزد حق از شمار آنچه مه استدر کتاب خدا دوازده است
آن زمانی که این زمین و سماآفریدست قادر یکتا
چار مه شد حرام از آنهااین بود دین پایدار خدا
پس در آن بهر خود ستم مکنید[جنگ در ماه محترم نکنید]
گر به پیکارتان کنند قیام‌پس به پیکارشان روید تمام
و بدانید اینکه هست خدادوست با مردمان با تقوا

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

۹۰
توبه
۳۷
۱۲۹

و نمی ساخت کفر را افزون کافران را ز ره برد بیرون
سنه ای را حلال و دیگر سال شد حرام و نبود رزم حلال
تا برابر کنند شهر حرام پس حرام خدا دهند انجام
سوء رفتار شد به آنان جور نیست حق رهنمای قوم کفور

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتِلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ

۳۸
۱۶۱

مؤمنان چگونه گفته شد به شما راه پویید در طریق خدا
می شدید آن زمان به روی زمین سخت چسبیده و بسی
غمگین
راضی از زندگانی دنیا عالم آخرت کنید فدا
بهره ی زندگانی دنیانیست جز کم به عالم عقبا

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۳۹

گر نرفتید و بوده اید مقیم می رسد بهر تان عذاب الیم
قوم دیگر به جای تان برونند رسد بهر او زیان و گزند
و خدا قادر است بر هر کار

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا أَتْنِینَ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَالْكَلِمَةُ اللَّهُ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

۴۰

ور نبودی خداست او را یار
و برون شد ز شهر کفر آنگاه دومین بود از دو تن در راه
چونکه بودند آن دو تن در غار گفت پیغمبر خدا با یار
غم مخور حق به ما بود همراه داد آرامشی به او الله
و خدا ساختش به رزم قوی با سپاهی که بود نامرئی
سخن کافران فرو افکند سخن حق به رتبه هست بلند
و خدا قادر است بر هر کار و بود آگه از همه اسرار

أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

به در آبیید در ره پیکاریا سبکبار یا که سنگین بار
گر مجاهد شوید با زر و جان در طریق خدای عالمیان
آن بود خیر و فضل بهر شماگر که هستید مردمی دانا

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

۴۲

سود نزدیک در رهی آسان همه را تابع تو ساخت به جان
لیک چون دور شد مسافت و راه پس قسم می‌خورند بر الله
که اگر بود بهر رزم توان پس برون می‌شدیم هم‌ره‌تان
لیک افکنده‌اند خود به فناکاذبند و خدا بود دانا

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ

۴۳
۱۶۲

بگذرد از تو ربّ عالمیان از چه دادی اجازه بر ایشان
تا شناسی تو جمع حقگو را و آنکه کذب است در سخن او را

لَا يَسْتَعِذُّكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

۴۴

مؤمنان خدا و روز جزای طلب می‌کنند اذن تو را
بر جهادی به مال و با جان‌هاحق بود بهر متقین دانا

إِنَّمَا يَسْتَعِذُّكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ

۴۵

که طلب می‌کنند اذن تو را کافران خدا و روز جزا
ظن و ریب است در دل آنان و در این شک شدند سرگردان

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ

۴۶
حزب
۷۸

گر که می‌خواستند راه جهادبودشان وسع بر تهیه‌ی زاد
حق نمی‌خواست رفتن ایشان و جلوگیری گشت بر آنان
گفته شد پس به جای بنشینید و گروه نشستگان ببینید

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا وُضْعُوا خَلَلَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

۴۷

گر روان می‌شدند هم‌ره‌تان بیشتر می‌شدید از آن نگران
می‌فتادند در سخن چینی‌فتنه می‌خواستند و بدبینی
هست سماع در میان شماحق بود بر ستمگران دانا

لَقَدْ أَتَبَعُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَافِرُونَ

فتنه می‌خواستند از این پیش‌کار بهر تو کرده‌اند پریش
حق رسید و امور گشت عیان‌گرچه بی‌میل بوده‌اند از آن

۴۹

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أُنْذِنَ لِي وَلَا تَفْتِنِي ۚ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ۚ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

بعضشان گوید اذن ده بر من و مکن آزمون مرا به فتن
و هم اکنون به فتنه‌اند دچار شد جهنم محیط بر کفار

۵۰

إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ ۖ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ

خیر بر تو رسد شوند نژندگر مصیبت رسد تو را گویند
پیش از این امر داشتیم بیان‌باز گردند با دلی شادان

۵۱

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

گو که جز از خدای حی ممدهیج امری برای ما نرسد
اوست مولای ما و معتقدان می‌سپارند کار بر یزدان

۵۲

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ ۖ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ ۚ أَوْ بِأَيْدِينَا ۖ فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ

گو شما منتظر شدید آیا؟ کز دو نیکو یکی رسد سوی ما
منتظر می‌شویم ما امانت رسد بهرتان عذاب خدا
از سوی حق و یا ز جانب مانیز ماییم منتظر چو شما

۵۳

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنِّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ

گو به انفاق اگر برید پناه‌یا که از روی میل یا اکراه
پس نگردد قبول چیزی از آن‌چون شما مجرمید و نافرمان

۵۴

وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ

خیر و انفاق از او نگشت قبول‌که بود کافر خدا و رسول
چون به سستی اقامه کرد صلات و به اکراه می‌دهد نفقات

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ
بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

۹:
توبه
۵۵
۱۲۹

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ
قَوْمٌ يَفْرُقُونَ

۵۶

لَوْ يَجِدُونَ مَلَجًا أَوْ مَغْرَبًا أَوْ مُدْخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ
يَجْمَحُونَ

۵۷

وَمِنْهُمْ مَن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رِضًا
وَإِنْ لَّمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ

۵۸

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ
سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ

۵۹

إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا
وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۶۰
حزب
۷۹
۱۶۳

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ
لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا
مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۶۱

به شگفتی نبایدت افکندمال ایشان و کثرت فرزند
خواست یزدان عذابشان زینها بر سر زندگانی دنیا
چونکه از جسمشان برآید جان جان سپارند در ره کفران

و قسم می‌خورند بهر خدا اینکه ماییم از گروه شما
نیستند از شما و می‌ترسند[هست سوگند و کذبشان
ترفند]

گر بیابند ملجای غاری یا که سوراخ بهر جاننداری
سوی آن با شتاب بگریزند[از ثبات قدم بیرهیزند]

به غنائم چو روی می‌آرند بعض ایشان نکوهشی دارند
گر دهی‌شان شوند از آن خرسندور نبخشی از آن به خشم
آیند

گر به رغبت ز جان کنند قبول آنچه را می‌دهد خدا و رسول
و بگویند بس خدا ما راست‌وز خدا و نبی امید عطااست
هست امید ما به سوی خدا[بہتر است این طریق آنان را]

شد زکات از فقیر و مسکینان و کسانی که عاملند بر آن
و به تألیف قلب و بر مولاو بدهکار در طریق خدا
و به واماندگان راه خدا فرض کردست [ایزد یکتا]
از همه چیز آگه است خداو به هر کار او بود دانا

بعض ایشان نبی بیزارندو به او نسبت «اذن» آرند
گو «اذن» بہتر است بهر شماکه همو مؤمن است بهر خدا
مؤمن و رحمت مسلمانان بلکه رحمت به کل خلق جهان
هر که رنجہ کند رسول عظیم‌بهرہی او بود عذاب الیم

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ

هست سوگندشان به حی و دودکه شما را کنند پس خشنود و خدا و رسول هست اولی که رضایت دهند آنان را گر که ایشان ز مؤمنین باشند پیرو باور و یقین باشند

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَلِيدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ

مگر آنان نداشتند خبر که عدوی خدا و پیغمبر اهل نار است و جاودانه در آن و آن بود خواری بزرگ و گران

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوْا إِنَّ اللَّهَ مُحَرِّجُ مَا تَحْذَرُونَ

و دو رو را هراس هست به دل که شود سوره بهرشان نازل تا شود خلق آگه از دلهاکو که دائم کنید استهزا؟ که عیان می کند خدای جهان آنچه باشد هراسان از آن

وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَعَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ

گر بپرسی ز حرفشان گوینداین بود بهر شوخی و لبخند گو که آیا کنید استهزا بر رسول و نشانه های خدا

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبُ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ

کفر ورزید گر پس از ایمان پس مبادید عذر خواه از آن گرچه بخشیده ایم بعض شما کافر آریم بعض دیگر را چون گنهکار بوده اند آنان و به یزدان نداشتند ایمان

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

از دو رویان ز مرد و زن با غیر امر منکر کنند و نهی از خیر هر که او بست دست خود ز عطایاد برد او خدا و ما او را و دو رویان شدند نافرمان بر خدا و رسول و بر قرآن

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

به دو رویان و فرقه ی کفار حق دهد وعده بر عذاب النار دائم است و بس است ایشان را و به ایشان رسید لعن خدا و بر آنان بود عذاب مقیم در قیامت درون نار جحیم

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَكَثَرُوا مَالًا
وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا
اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي
خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

نیز پیش از شما بسی بودند بیش در مال و قدرت و فرزند
بهره بردند از نصیب و شمایره دارید نیز از دنیا
یاوه گفتند و یاوه می‌گویند فنا آنچه ساختند پدید
کارشان شد تباہ در دو جهان همه هستند از زیانکاران

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ
إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
يَظْلِمُونَ

پیش از این نیز داستانها بود قصه‌ی قوم نوح و عاد و ثمود
نیز قوم خلیل و از مدین شهرهای خراب دور زمن
بهر ایشان پیمبران زمان آیه آورده‌اند خوب و عیان
حق ستمگر نبود بر ایشان خود ستم کرده‌اند بر خودشان

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرُسُلَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ
اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

مؤمنان مرد و زن همه در کاربهر یکدیگرند یاور و یار
بهر نیکی سفارشی دارند مردم از کار زشت باز آرند
هم نماز خدا به پا سازند هم زکات خدا بپردازند
و مطیعند بر رسول و خدای دهد زود خیر ایشان را
و خدا قادر است بر هر کار و بود آگاه از همه اسرار

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ
وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

مژده دارد به مؤمنان زن و مرد باغهایی [از میوه‌ها و ز ورد]
زیر اشجارش آبهای روان و مقیمند جاودانه در آن
مسکنی پاک در جنان جاوید به از آنها رضای رب مجید
و چنان رستگاری است عظیم از عطایای کردگار کریم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ
وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

ای نبی بر منافق و کفار سخت گیر و بجوره بیکار
جمله را نار می‌شود مأواید سر انجامی است آنان را

پس قسم می‌خورند بر یزدان که نگفتیم ما چنین و چنان
و بگفتند حرف کفر پیام‌کفر آرند از پس اسلام
بود تصمیمشان به کار حرام‌نرسیدند بر مراد و مرام
و نگیرند انتقام آله‌ غنا دادشان ز لطف خدا
و خدا و رسول از رحمت‌خوب دادند بهرشان نعمت
توبه آرند اگر بود نیکو و اگر رو کنند دیگر سو
می‌رسد بهرشان عذاب الیم هم به دنیا و هم به دار جحیم
نیست از بهرشان به روی زمین نه ولی و نه یار [نیک آیین

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا
بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ
اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ
يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ
فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

۷۴

بعضشان عهد بست بهر خدا که گر از فضل خود دهد ما را
ما ببخشیم نعمت باری و رویم از ره نکوکاری

وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَيْنَ عَاتِنَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ
وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ

۷۵
حزب
۸۰

فضل حق چون رسد سوی ایشان بخل کرده شوند رو گردان

فَلَمَّا عَاتَبَهُمُ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

۷۶

این نفاق است در دل آنان تا لقای خدای عالمیان
چونکه عهد خدای بشکستند و به راه دروغ پیوستند

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ
مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

۷۷

و ندانند اینکه هست خدا عالم از رازشان و هر نجوا
و خدای جهان بود دانا از همه رازهای ناپیدا

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ
الْغُيُوبِ

۷۸

آنکه دارد نکوهش از دیندار بهر بخشش که هست بی‌مقدار
و از آن ریشخندشان دارند که به مقدار وسعشان آرند
سخره کردند از خدای عظیم و برایشان بود عذاب الیم

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ
وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ
مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۷۹

أَسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ

فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَعِذْنَاكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَّنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَن تُقْتَلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَلِيفِينَ

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَانُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

وَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَعِذْنَاكَ أُولَؤُلَ الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ

گر بخواهی بر ایشان غفران‌ورنه [این هست بهرشان یکسان
گر که هفتاد بار استغفاربر ایشان کنی تو از غفار
پس نبخشد خدایشان زیراکفر ورزند با رسول خدا
نیست هادی خدای عالمیان‌بهر قومی که بود نافرمان

آن کسانی که در طریق غزا بر خلاف ره رسول خدا
باز ماندند از ره پیکارو نبودند مایل ایثار
در جهادی به مال و با جانهادور ماندند از طریق خدا
و بغفتند اینکه در گرماز چه آرید روی بهر غزا
گرمتر زان جهنم است بگوگر بفهمند [این سخن نیکو]

خنده را کم کنید و گریه فزون‌بر مجازات کارتان اکنون

چون گذشتی به قومی از ایشان‌که بخواهند بر خروج ایذان
گو میباید هم‌رم ابد او نرزمید جمع دشمن را
اولین بار مانده‌اید از آن‌پس بمانید با خلاف گران

گر بمیرند هر یک از ایشان‌بر سر پیکرش نماز مخوان
بر سر قبر او مشو حاضر چون به حق و رسول شد کافر
فاسقی بوده است و شد ز جهان‌هم به حالی که بود نافرمان

به شگفتی نیایدت افکندمال ایشان و کثرت فرزند
خواست خالق عذابشان زین‌ها بر سر زندگانی دنیا
چونکه از جسمشان بر آید جان‌جان سپارند در ره کفران

از خدا سوره‌ای چو یافت نزول‌بهر ایمان و جنگ بهر رسول
از تو خواهند اجازه بر ماندن‌گرچه دارند قوتی در تن

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

و به واماندگی دهند رضائیز دارند مهر بر دلها
و نفهمند هیچ چیز ایشان از کلام خدا و از قرآن

لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و رسول و گروه با ایمان رو به جنگ آورند با زر و جان
هست خیرات بهره‌ی ایشان در ره رستگاریند روان

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

دادشان وعده حق بسی بستان زیر اشجارش آبهای روان
پس مقیمند جاودانه در آن‌وین چنین کامیابی است گران

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

عذر خواهان بیامد از اعراب‌که بگیرند اجازه بهر حراب
کذب بستند بر خدا و رسول که شده ماندن گروه قبول
کافرانی که گشته‌اند مقیم‌بهر آنان بود عذاب الیم

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بر ضعیفان و نیز بر مرضاوان کسی که نداشت مال و غنا
حرجی نیست گر که نیکو خواه‌بر خدا بود و بر رسول الله
نیست ایراد بر نکوکاران حق بود مهربان و ذو غفران

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ

نیست باکی بر آنکه چون برودتا که بر مرکبی سوار شود
پس چو گویی نیافتم مرکب‌باز گردد دلش به رنج و تعب
دیدهای او ز اشک غم پر بارکه متاعی نیافت بهر ثار

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَعِذُّونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

هست ایراد بر کسی که غنی است و به واماندگی خود راضی
است
از تو خواهد اجازه بر ماندن از ره جنگ روی گرداندن
و خدا مهر زد به دلهاشان و از این ره شدند بس نادان

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ
تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ
عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلِّمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۹۴
توبه
۹۴
/۱۲۹

عذر خواهند از شما زان کارچونکه گردید باز از پیکار
گو میارید عذرها دیگر نیست ما را به حرفتان باور
کارتان را خدای داد خبرو خدا و رسول کرد نظر
باز گردید سوی رب جهان عالم علم آشکار و نهان
و شما را به حق دهد اخبار آنچه انجام داده اید از کار

سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لَكُمْ إِذَا أُنْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِيُغَرِّضُوا عَنْهُمْ
فَأَغَرِّضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجَسٌ وَمَا وَلَهُمْ جَهَنَّمَ جَزَاءً بِمَا
كَانُوا يَكْسِبُونَ

۹۵

پس قسم می دهند بر یزدان باز گردید چون سوی ایشان
که از آنان شوید رو گردان رویگردان شوید از آنان
چونکه رجسند و نارشان مأواست بهر این کار آن عذاب
جراست

يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِيُغَرِّضُوا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ
لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

۹۶

پس قسم می خورند بهر شما اینکه راضی شوید آنان را
گر که راضی شوید از ایشان نیست راضی خدا ز نافرمان

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا
أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۹۷

قوم اعراب کفر پیشه ترند و ز حدود خدای بی خبرند
آنچه دادست بر رسول خدا و خدا هست عالم و دانا

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمْ
الدَّوَابِّ عَلَيْهِمْ ذَايِرَةٌ السَّوْءِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۹۸

بعض اعراب آنچه را بدهند نام تاوان به روی آن بنهند
و بود انتظار ایشان را حادثات بدی برای شما
حادثات بد است آنان را و خدا هست عالم و شنوا

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا
يُنْفِقُ قُرْبَتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ ۚ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ
سَيَدْخِلُهمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۹۹

بعض اعراب آورند ایمان به خدا و قیامت و قرآن
و بدانند داده ی خود را مایه ی قربتی به نزد خدا
هم دعای رسول نیز بدان کان بود مایه ی تقریبشان
و در آرد به رحمتش یزدان حق بود مهربان و ذو غفران

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ
اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ
جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ

۹:
توبه
۱۰۰
/۱۲۹
۱۶۸

پیشگامان اولین در کار از گروه مهاجر و انصار
تابعان بهینه از آنان راضی از حق شدند و حق زیشان
ساخت حق بهرشان بسی بستان زیر اشجارش آبهای روان
پس مقیمند جاودانه در آن و چنین کامیابی است کلان

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُتَفِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ
الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ
سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرُدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ

۱۰۱

بعض اعراب حول و حوش شمانیز هستند در مدینه بسا
به نفاقند مبتلا ایشان نشناسید و حق شناسدشان
زود کیفر دهیمشان به دو باره عذاب گران کشد پس کار

وَعَاخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَعَاخِرَ
سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۰۲

بعض دیگر مقر به جرم و خطا بد آمیختند نیکی را
توبه شاید پذیرد از آنان حق بود مهربان و ذو غفران

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ
عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۱۰۳

صدقاتی ز مالشان بستان تا که تطهیر و پاکسازی آن
و دعا کن برایشان که دعا هست امن و قرار ایشان را
و خدا بشنود دعای شماو به اعمالتان بود دانا

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ
الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

۱۰۴

میدانند اینکه حیّ قدیر هست بهر عباد توبه پذیر؟
و بگیرد زکات را ز کسان هست تواب و مهربان یزدان

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ
وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ
تَعْمَلُونَ

۱۰۵

گو که کار آورید ز انکه خدا هست بینا به کارهای شما
مؤمنان و رسول هم بینند هر عمل را که خلق بگزینند
زود گردند باز خلق جهان سوی دانای آشکار و نهان
پس خبر می دهد خدای مجید به شما آنچه در جهان کردید

وَعَاخِرُونَ مُرْجُونَ لَأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ
عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۱۰۶

و گروهی رها به امر خدایا دهد توبه یا عذاب او را
و به خلق جهان خداست علیم و به هر کار عالم است و حکیم

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ
الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ
وَلِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ
لَكَاذِبُونَ

۹
توبه
۱۰۷
۱۲۹

آن کسانی که در طریق زیان بنهادند مسجدی بنیان
وز پی کفر و اختلاف به دین‌بهر کفار حق محل کمین
آن جماعت که بود جنگ اندیش‌با خدا و رسول او از پیش
حال سوگند می‌خورند که مامی‌نخواهیم غیر نیکی را
کذبشان را خدا بود شاهد و مکن ایست در چنان مسجد

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ
أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ
يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ

۱۰۸

مسجدی بر نهاده بر تقواز اولین روز هست بس اولی
که در آن ایستند و نیز در اوست‌مردمانی نظیف و پاکی
دوست
دوست دارد خدای عالیشان‌مردم پاک جسم و پاک روان

أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ
مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ
جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

۱۰۹

آنکه تأسیس کرد بنیان‌ش بر تقای خدا و رضوانش
به بود یا که برنهد آن رابر لب پرتگاه سست بنا
می‌فتد در جحیم و نهر ظلوم‌نیست رهبر مهیمن قیوم

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ
قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۱۱۰

دائما زین بنا و این بنیان‌شک و تردید هست در دلشان
تا زمانی که بگسلد دله‌او علیم است و هم حکیم خدا

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ
الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا
عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ
بِعَهْدِهِ مِنْ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ
وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۱۱۱
حزب
۸۲
۱۶۹

حق ستاند ز مؤمنان زر و جان و به ایشان دهد نعیم جنان
قوم رزمنده در طریق خداکشد و گشته می‌شود به غزا
وعده‌ی حق محقق است و دقیق‌وعد عهد جدید و عهد عتیق
نیز آن وعده‌های قرآنی‌ای وفادار عهد ربانی
مژده بهر شماسست بیع کریم‌وین بود بهر خلق فوز عظیم

التَّائِبُونَ الْعَبِدُونَ الْحَمِيدُونَ السَّابِقُونَ الرَّاكِعُونَ
السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

تائبان عابدان حمد کنان سائقان راکعان و سجده‌گران
آمر خیر و ناهی از هر بدحافظان بر حدود حی احد
مژده ده از خدای بر ایشان بر چنین مردمان با ایمان

۱۱۳

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ
كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ
الْجَحِيمِ

نیست جائز نبی و هر دیندار بهر مشرک کنند استغفار
گر چه باشند اقربا پس از آن‌گز خدا شد برای خلق بیان
که بود اهل نار و اهل جحیم هر که مشرک شود به ربّ
عظیم

۱۱۴

وَمَا كَانَ أَسْتَغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَا
إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ
لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ

گر که غفران باب خواست خلیل بهر این کار وعده بود دلیل
گشت چون فاش کو عدوی خداست بعد از آن دوری از پدر
را خواست
و ان خلیل خدای ابراهیم لا به گوی خدای بود و حلیم

۱۱۵

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ
مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

نشود در طریق حق گمراه مردمی در هدایت از الله
تا که گردد بیان ره تقوا به همه چیز عالم است خدا

۱۱۶

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا
لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

ملک ارض و سماست زان خدا او بمیراند و کند احیا
نیست غیر از خدای بی‌همتاسرپرست و نصیر بهر شما

۱۱۷

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ
اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ
فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

رحمتی داد قادر غفار بر نبی و مهاجر و انصار
که به هنگام عسرت و حرمان پیروی داشتند از یزدان
هم پس از آنکه عده‌ای ز آنان بود نزدیک غفلت ایشان
پس ببخشودشان خدای کریم حق بود بهرشان رءوف و رحیم

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ
بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ
مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

۹۰
توبه
۱۱۸
/۱۲۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

۱۱۹
۱۷۰ ر

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَن
يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ
نَفْسِهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا
مُخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ
وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ
إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

۱۲۰

وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا
إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۲۱

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ
مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا
رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

۱۲۲
حزب
۸۳

و ان سه تن را که باز ماند از جنگ شد زمین با تمام وسعت
تنگ

تنگ شد جان و دل بر آن سه تژندنا امید از پناهگه گشتند
جز خدا کو بداد رحمت خویش پس گرفتند راه توبه به پیش
به یقین خالق است توبه پذیر نیز بخششگر است حیّ قدیر

مؤمنان بهر حق کنید تقانیز با صادقان شوید شما

مردمان مدینه و اطراف هست از بهرشان حرام و خلاف
که بمانند از رسول خدا خود رهند و رها کنند او را
این بدان شد که چون به جوع و تعب و عطش نیستند در ره
رب

و نه در ره چو گام بردارند باعث خشم و رنج کفارند
و ندارند بر عدو ضربت جز نویسند بهرشان رحمت
حسنات است جمله عند الله اجر نیکان خدا نکرد تباه

آنچه را می دهند خرد و کبیرو آنچه پیموده اند ارض و مسیر
بنویسند بهر خلق صواب و بهین کار شد برای ثواب

نیست جائز که مؤمنان اکنون همه از شهر خود روند برون
به زهر قوم یک نفر برود متفقّه به امر دین بشود
آید و قوم را کند اندازتا بترسند قوم از آن هشدار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ
وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

و بجنگید کافرانی را که مقیمند در کنار شما
تا بیابند در شما شدت مؤمنان [این بود ره عزّت
و بدانید ایزد مٔان هست با اجتماع متقیان

وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ
هَذِهِ ءِيمَنًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَنًا وَهُمْ
يَسْتَبْشِرُونَ

سوره‌ای چون نزول شد ز احدیض ایشان به دیگران گوید
چه کسی را افزوده گشت هداگو که ایمان فرود مؤمن را
و همه شاد می‌شوند از آن ز انکه دارند بر خدا ایمان

۱۲۴

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ
وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ

و ان کسان را که دل شدست پریش رجس‌شان را خدای
سازد بییش
و بمیرند در ره کفران و به یزدان نیاورند ایمان

۱۲۵

أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا
يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ

نگرند این کسان که در هر سال آزماییشان یکی دو مجال؟
پس نیارند توبه‌ای آنان متذکر نمی‌شوند ایشان

۱۲۶

وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَيْنَا
مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا
يَفْقَهُونَ

سوره‌ای چون نزول شد ز احدیض ایشان به دیگران نگرد
هست آیا کسی که ببندتان این بگویند و پس شوند روان
و خدا منصرف کند دلشان ز انکه فهمی نبود در آنان

۱۲۷

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ
حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

آمده سویتان نبی ز شمامی‌برد رنج اگر کشید عنا
و مصرّ است در ره تعلیم و به مؤمن بود رءوف و رحیم

۱۲۸

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

رویگردان شوند اگر تو بگو بس مرا لا اله الا هو
من توکل کنم به حیّ علیم آن خدا هست رب عرش عظیم

۱۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

[الف و لام و را که آغاز استبیین حق و رسول او راز است
آن نشانهای نامهی داناست

بهر مردم مگر شگفتی زاست
که فرستیم بر کسی زیشانوحی [پروردگار عالمیان
که بده بیم آن جماعت راو به مؤمن ده این بشارت را
که بود ثبت کل سابقههاقدم صدق هست نزد خدا
کافران گفتهاند این قرآن نیست چیزی به غیر سحر عیان

أَكَاَنَّ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ
النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ
قَالَ الْكَاْفِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ

۲

هست پروردگار خلق خداکه به شش روز این زمین و سما
آفرید و به عرش پردازد نیز تدبیر کارها سازد
نیست هرگز شفیع مردم راجز به اذن خدای بیهمتا
آن خدا هست رب و خالقان بپرستش هم این تذکر دان

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا
مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا
تَذَكَّرُونَ

۳

به سوی اوست بازگشت شماوعدهای راست داده است خدا
کار خلقت نخست آغازد پس از آن هم اعادهاش سازد
مؤمنان را ثواب خواهد دادبهر اعمال خیر از ره داد
کافران را دهد شراب حمیم و بر آنان بود عذاب الیم

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوُ الْخَلْقَ ثُمَّ
يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا
كَانُوا يَكْفُرُونَ

۴

مهر و مه را فروغ و نور نهادهای اندازهی منازل داد
کز حساب و سنین شوید آگاه جز بحق آن نیافرید الله
کار تبیین آیه گشت ادااز برای جماعت دانا

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ
لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا
بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

۵

آمد و رفت روزها و شباندر زمین و سپهر و خلقت آن
به یقین هست [بی شمار] نشان از برای گروه متقیان

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ

۶

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا
بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ ءَايَاتِنَا غَافِلُونَ

آن گروهی که نیستش امیدبهر دیدار کردگار مجید
و بر این زندگانی دنیاتکیه دادند و داده‌اند رضا
غافلند از نشانه دادار

جایشان آتش است از آن کار

أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ أَلَنَارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ
بِإِيمَانِهِمْ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

آن کسانی که آورند ایمان و فزودند کار نیک بر آن
حق شود رهنمونشان به جنان‌زیر اشجارش آبهای روان

هست گفتارشان خدا پاکو تحیاتشان سلام و صفا
و بود گفتگوی آخرشان‌حمد بهر خدای عالمیان

دَعْوُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ
دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

به جزا گر خدای داشت شتاب‌کانچنانید بهر نفع و صواب
پس به سر می‌رسید مدّتشان‌پس رها می‌کنیمشان در آن
که ندارند امید دیدنمان‌زین ره آواره‌اند در طغیان

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفَضَىٰ
إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ فَنَذَرَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ
يَعْمَهُونَ

چون زبانی رسد به این انسان‌پس دعا می‌کند سوی یزدان
گر که او خفته است بر پهلویا نشسته است یا ستادست او
چونکه از او کنیم دفع زیان‌گذرد گوییا نبودست آن
آنچنان جلوه داده شد هر کاربهر اسرافکار [بدکردار]

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا
فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ
كَذَٰلِكَ زَيْنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

بسی اقوام کرده‌ایم هلاک‌چونکه بودند اهل ظلم به خاک
انبیا آمدند با برهان و نیلورد آن گروه ایمان
مجرمان را جزا دهیم چنان

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ
الْمُجْرِمِينَ

پس شمایید از پس ایشان
جانشین در زمین شدید که مایس نظارت کنیم کار شما

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ خَلِيفَ فِي الْأَرْضِ مِن بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ
كَيْفَ تَعْمَلُونَ

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَتُتْلَىٰ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَائِي نَفْسِي ۚ إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ ۖ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ ۖ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۖ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

چون شود خوانده آیه بر ایشان آیه‌هایی که روشن است و عیان
نامیدان ز دیدن دادارپس بگویند نامه جز این آر
یا دگرگونه ساز قرآن راگو ندارم من اختیار آن را
آنچه وحی است از طریق خداپیروی می‌کنم من از آنها
ترسم از حق که آورم عصیان از قیامت و زان عذاب گران

گو نخوانیم آیه‌ای به شما بهر تعلیم گر نخواست خدا
بودم از پیش در میان شما نیست عقلی برایتان آیا؟

کیست بدتر به راه جور و جفا ز آنکه بدد دروغ بهر خدا
یا که آیات حق کند انکار نشود رستگار هر بدکار

بپرستند غیر حق آنان که نه سودی دهندشان نه زیان
و بگویند نزد حق آنها همه باشند بهرشان شفعا
گو که آیا خبر کنید خدا؟ که ندارد خبر ز ارض و سما
پس منزله بود خدای جهان ز آنچه این مشرکان کنند بیان

امتی بود واحد اهل جهان کرده‌اند اختلاف بعد از آن
گر نمی‌بود حکم حق به [معاف دآوری بود بین‌شان به خلاف

و بگویند اینکه نیست چرا؟ بر تو نازل نشانه‌ای ز خدا
گو که غیب است خاص بر یزدان و منم با شما ز منتظران

وَإِذَا أَدْفُنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءَ مَسْتَهُمْ إِذَا لَهُمْ
مَكْرٌ فِيْٓ ءَايَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ
مَا تَمْكُرُونَ

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي
الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ
عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ
بِهِمْ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ
لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَأْتُهَا
النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ثُمَّ
إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ
بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا
أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ
عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن
لَّمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ
مُّسْتَقِيمٍ

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

چون چشاندیم بر کسان رحمت پس از آنکه که بودشان
رحمت
مکر کردند در نشانه‌ی ماگو که در مکر اسرع است خدا
می‌نویسند مرسلان خدا آنچه را مکر می‌کنید شما

اوست در بر و بحر رهبرتان چونکه کشتی به باد هست روان
گر وزد باد خوش از آن شادند چون زهر جای موج گشته بلند
گوییا در دلش گرفتارند پس به ذکر خدای روی آرند
و دعا می‌کنند با اخلاص که گر از این بلا شویم خلاص
پس شویم آن زمان سپاسگزار همراه شاکران نیکوکار

چون خدا دادشان نجات از یم پس به روی زمین کنند ستم
مردمان این ستم به جان شماست بهره‌ی زندگانی دنیاست
پس بود بازگشتشان سوی ماو دهیم آگهی ز کار شما

مثل زندگانی دنیا هست آبی که چون رسد ز سما
همر هس می‌رسد گیاهی چند چار پایان و آدمی بخورند
و زمین چون گرفت از آن زینت اهل آن را گمان بود قدرت
روز یا شب چو حکم ما برسد شود آن کشتی بدل به حصید
گوییا کاین نبود پیش از آن ما چنان آیه‌ها کنیم بیان
گر که اندیشه است در اقوام

دعوت حق بود به دار سلام
و هدایت کند هر آن کس خواست ذات پروردگار در ره
راست

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

آن کسانی که نیک کردارند اجرت خوب و برتری دارند
ننشیند به روی صورتشان گرد اندوه و ذلت و خذلان
آن کسانی که اهل باغ جنان‌ماندگارند جاودانه در آن

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و کسانی که خود گنه‌کارند اجرتی مثل آن گنه دارند
گرد خواری به چهره آنان راکه کند حفظشان ز قهر خدا؟
چهرشان را گرفته گرد غضب‌گویی پاره‌ای است از دل شب
آن کسانی که در دل نیران‌ماندگارند جاودانه در آن

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَائُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَائُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ

آن زمان جمع آوریم ایشان‌پس بگوییم مشرکان را هان
این مکان شما و آن شرکا همه از یکدگر کنیم جدا
پس بگویند بهرشان شرکانه شما بوده‌اید عابد ما

فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغْفِيلِينَ

حق گواه است بین ما و شما چهل ما را از آن عبادتها

هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

همه کس آزمون شود اینجا هر چه انجام داده در دنیا
بازگردند جانب مولا گم شوند آن همه بت و شرکا

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

گو چه کس رزق می‌دهد به شما از دل ارض و از فراز سما
کیست بر چشم و گوش خود مالک‌حی برون آرد از دل هالک
زنده را نیز مرده می‌سازد کار تدبیر خلق پردازد
پس بگویند او خداست خداگو که آیا شوید با تقوا؟

فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَآذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ

آن خدای شما و حق است آن‌به کجا می‌شوید رو گردان؟
بجز از حق هر آنچه می‌خواهی چیست غیر از طریق گمراهی

كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

شد مسلم به فاسقان کانا به ره حق نیاورند ایمان

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُوُا الْخُلُقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۚ قُلِ
اللَّهُ يَبْدُوُا الْخُلُقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۖ فَأَنَا تُوَفَّكُونَ

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ
يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا
يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ ۖ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ
شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ
تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ
مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ ۚ وَادْعُوا مَنْ
اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ ۚ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ
كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الظَّالِمِينَ

وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ ۚ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ ۚ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ
بِالْمُفْسِدِينَ

وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلٍ وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ ۖ أَنْتُمْ بَرِيءُونَ
مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بِرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ ۚ أَفَأَنْتَ تَسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا
لَا يَعْقِلُونَ

گو که هست از میان آن شرکا؟ آنکه خلق جهان کند انشا
و پس آنگاه بازگرداندگو خدا خلقت جهان داند
بازگرداند از پیش آن رابه کجا کج برندتان آیا؟

گو که هست از میان آن شرکا؟ که هدایت کند به حق ما را
گو خدا هادی است در ره حق پیروی را خدای هست احق
یا کسی کو نکرد کار هدا جز که در ره بیاورند او را
پس شما را چه می شود آیا؟ یا چسان داوری کنید شما

بیشتر شد گمانشان رهبان و کفایت به حق نداشت گمان
به یقین هست کردگار جهان آگه از کارشان [به سرّ و عیان

نیست شایسته کاین کتاب هدا خلق نسبت دهد به غیر خدا
بلکه تصدیق نامهی پیشین و بر آن نامه می شود تبیین
هیچ از شک و ریب نیست در آن هست از کردگار عالمیان

یا که گویند بر خدا بهتان گو بیارید سوره ای چون آن
هر که را خواستید هم خوانید اگر از جمع راستگویانید

بلکه تکذیب کرده اند ایشان آن چه را جهل داشتند به آن
نیز تاویل نیست بر آنان همچنین بوده اند پیش از آن
تو ببین ز انهمه حدیث امم عاقبت چیست بهر اهل ستم

بعضشان مؤمنند و بعض دگر بهر آن نیستش به دل باور
مفسدان را خداست دانان تراوست آگاه از همه یکسر

گر که قول تو را کنند انکارگو شما راست کار و ما را کار
من ز کار شما شدم بیزارو شما ز آنچه شد مرا کردار

بعضشان گوش می دهند تو رابشنوانی سخن به کر آیا؟
آن کران که سخن نیندیشند گوش دارند و غافل از خویشند

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْى وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ

۴۴

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

۴۵

وَأَمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ

۴۶

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

۴۷

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۴۸

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۖ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَعْجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

۴۹

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنِ اتَّكُمُ عَذَابُهُ بَيِّنَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ

۵۰

أَنْتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ عَامَنْتُمْ بِهِ ۚ عَالَيْنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ ۚ تَسْتَعْجِلُونَ

۵۱

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

۵۲

وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُوَ لَحَقُّ ۖ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

۵۳ حزب
۸۶

بعض آنان به سوی تو نگرنددر حقیقت و لیک بی‌بصرند کوردل را هدایت تو چه سود[داشت چشمان ولی بصیر نبود]

نکند حق به خلق هیچ جفا بلکه هر کس ستم کند خود را

چون که محشورشان کنی گویاکه بماندند ساعتی آنجا تا شناسند یکدیگر حضارو انکه دیدار حق کند انکار نیست از بهر او بجز خسران و نباشد ز جمع مهتدیان

گر ببینی تو پاره‌ای ز وعیدکه به آنان دهیم گشته پدید یا که بیرون بریمت از دنیا هست برگشتشان به جانب ما و خدا شاهد است بر آنان آنچه را می‌کنند [سرّ و عیان

بهر هر امتی است پیغمبر چون بیامد رسولی از داور داوری بینشان به عدل شودو ستم زان میان به کس نرود

و بگویند کو زمان وعید؟اگر از جمع راستگویانید

گو ندارم به خویش سود و زیان جز که خواهد به من خدای جهان
بهر هر امتی است وقت و زمان چون زمان می‌رسد به سر زیشان
ساعتی نیست بهرشان تأخیر و نگیرند سبقت از تقدیر

گو شب و روز آید ار که عذاب مؤمنان بر چه می‌کنند شتاب؟

باور آرید چون رسید عذاب حال و از قبل داشتید شتاب

گفته آید به ظالمان بچشیدکیفر جاودان [که هست شدید] و جزا می‌دهندتان آیا؟جز به کاری که کرده‌اید شما

از تو پرسند حق بود آیا؟گو که آری قسم به ذات خدا و شما نیستید مانع آن پس رسد زود کیفر یزدان

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۖ
وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ ۖ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

۱۰
یونس
۵۴
/۱۰۹
۱۷۷

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

۵۵

هُوَ يُحْيِي ۖ وَيُمِيتُ ۖ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۵۶

يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ
لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ

۵۷

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ ۖ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا
يَجْمَعُونَ

۵۸

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ
حَرَامًا وَحَلَلًا قُلْ ءَاللَّهِ أَذِنَ لَكُمْ ۖ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ

۵۹

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ إِنَّ
اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ

۶۰

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ
مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ ۖ وَمَا
يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ
وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

۶۱
۱۷۸

ندهد سود بهر اهل ستم‌گر دهد فدیهِ جمله‌ی عالم
چونکه بیند عذاب یزدانی‌باز پنهان کند پشیمانی
بینشان داوری به عدل شودو بر آن مردمان ستم نرود

آنچه باشد درون ارض و سماپاش آگه که هست زان خدا
و محقق شود نوید خدابیشتَر نیستند از آن دانا

او بمیراند و کند احیابازگردید جمله سوی خدا

مردمان آمدست بهر شماپند از سوی قادر یکتا
نیز بر درد سینه‌هاست شفامؤمنان را تفضل است و هدا

گو که از فضل و رحمت یزدان‌خلق باشند خرم و شادان
بهتر از آن چه بهره‌ای دارند؟ آنچه در عمر خویش گرد آرند

گو خبر ده مرا از آنچه خدا بفرستاد رزق بهر شما
پاره‌ای را حرام می‌دانیددسته‌ای را حلال می‌خوانید
گو که اذن از سوی خدا دارید؟ یا به حق افترا روا دارید؟

آنکه از کذب زد به حق بهتان‌بهر روز جزا چه داشت گمان؟
لطف دارد به مردمان داداربیشتَر نیستند شکرگزار

نیستت هیچ کار و حالت و شان و نداری تلاوت قرآن
و ندارید هیچ کار شماجز که ما بهر آن شدیم گواه
نیست پنهان ز دیدگاه خداوزن یک ذره از زمین و سما
بیش از آن نیز یا از آن کم‌تردر کتاب مبین بود یکسر

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

باش آگاه که اولیای خدانیست حزن و هراس ایشان را

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

اهل تقوی شدند و هم ایمان بهرشان شد بشارت دو جهان

لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

نیست تبدیل در کلام خدا هست فوز عظیم ایشان را

وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

نکند حرفشان ترا غمگین که ز حق است عزت و تمکین
هم خدا عالم است هم شنوا

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

نیز او راست ملک ارض و سما
و انکه خواند بجز خدا شرکاجز گمان نیست مقتدا او را
سخنش نیست غیر کذب و گمان هر که آرد شریک بر یزدان

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

اوست کز بهر شب سکون بنهادروز را نور و دید کرد ایجاد
هست چندین نشانه در آنهاز برای جماعت شنوا

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَنَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَنِ بِهَٰذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

گفته‌اند اینکه حق گرفته ولدگو منزله بود خدای احد
بی‌نیاز است و او بود دادار آنچه را هست در زمین و سما
راه برهان شما نمی‌پویید آنچه از جهل بر خدا گویند

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ

گو نگردند رستگار آنان که ببندند بر خدا بهتان

مَتَّعُ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نَذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بهرشان زندگانی دنیاست پس از آن بازگشتشان سوی
ماست
می‌چشایمشان عذاب شدیدز آنچه از کفر آوردند پدید

وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ أَقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلِيفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ

قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا وَتَكُونُ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ

خبر نوح گوی ایشان را که به قومش چنین بداد ندا گر که سخت است ماندنم به شما نیز تذکار آیه های خدا سپرم کار خویش را به خدا جمع سازید کار با شرکا کارتان نیست بر شما پنهان سویم آیین بی امان به زمان

روی گردان اگر شوید از ماما نخواهیم اجرتی ز شما نیستیم جز به اجر حق مأجور بهر اسلام گشته ام مأمور

قوم کردند گفته اش انکار پس رها ندیم نوح با انصار و به کشتی شدند بعد از این جانشین ساختیمشان به زمین و ان گروه مکذب آیات ز اب دریا نیافتند نجات پس نگه کن که چیست در پایان؟ امتی را که بیم دادمشان

و بدادیم بهر قوم نبی پس از آن با نشانه های جلی و نکردند آن نشان باور بود پیشینه بهر شان یکسر آنچنان مهر می زنیم به جان هر که افتاد در ره عدوان

و بدادم بر آن گروه زبون نیز موسی به همراه هارون سوی فرعون و لشکرش رفتند و نشانهای ما به او گفتند قوم بگرفت راه استکبار چونکه بودند مردمی بدکار

حق چو آمد ز ما سوی ایشان گفته اند این بود فسون عیان

گفت موسی که حق به سوی شما آمد و سحر گفته اید آن را رستگاری به کار افسون نیست سحر حکم خدای بی چون نیست

پس بگفتند آمدی ما را باز داری ز شیوه آبا و شود عز ارض از خودتان به شما ما نیاوریم ایمان

وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ

گفت فرعون تا شود تسلیم به من آرید ساحران علیم

۸۰

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُّلقُونَ

ساحران آمدند و موسی گفت بفکنید آنچه سحر را شد جفت

۸۱

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ
سَيَبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ

چون فکندند گفت خالق مامی کند باطل این فسونها را
به یقین حق نمی کند اصلاح کار مفسد که دور شد ز صلاح

۸۲

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ

متحقق شود کلام خداور نخواهند مجرمان حق را

۸۳
۱۸۰۹

فَمَا ءَامَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن
فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ
وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ

راه ایمان نیافتند الّا کمی از نسل امت موسی
چون ز فرعون و مردم دربار بود ترسی ز کیفر و آزار
بود فرعون در زمین والانیز اسرافکار و بی پروا

۸۴

وَقَالَ مُوسَىٰ يَقَوْمِ إِن كُنْتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن
كُنْتُمْ مُّسْلِمِينَ

گفت موسی اگر مسلمانی دو گر از اهل دین و ایمانید
بسپارید خود به حی قدیم

۸۵

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

قوم گفتند ما چنین کردیم
مپسند ای خدای ما ما رافتهای بهر این گروه جفا

۸۶

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

و رها سازمان به رحمت خویش از اسارات قوم کفران کیش

۸۷

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا
وَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

وحی کردم به موسی و هارون قومتان را مکان دهید اکنون
خانههایی که رو برو آرید و نماز خدا به پا دارید
و بشارت ده اهل ایمان را

۸۸

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ
عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَأَشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا
الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

گفت موسی خدای ما ربّا
توبه فرعون دادی و یاران زینت و مال در حیات جهان
و برآرند مردمان از راهای خدا مالشان بساز تباه
دلشان سخت ساز و نابور بنگرند آن عذاب دردآور

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ
الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

گفت اجابت شود دعای شماپایداری کنید [راه مرا]
و ماباشید پیرو آن راهکه بود بهر خلق ناآگاه

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ
بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَذْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ ءَامَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ
إِلَّا الَّذِي ءَامَنْتُ بِهِ بَنُوءَ إِسْرَءِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ

آل یعقوب بردم از دریاآل فرعون در پی آنان را
از سر ظلم و از ره عدوانغرق گشتند سر به سر یاران
گفت مؤمن شدم به حی وودوکه جز او نیست در جهان
معبود
آل یعقوب بود با ایمان و منم اینک از مسلمانان

ءَالْتَنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

حال مؤمن شدی و پیش از آن بودی از مفسدان و نافرمان

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بَدَنِكَ لَتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ ءَايَةً وَإِنَّ
كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَن ءَايَتِنَا لَغَافِلُونَ

پس کنون جسم تو دهیم نجات تا پس از تو بماند این آیات
و بسی مردمان در این دنیاغافلند از نشانههای خدا

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ
الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

جای دادیم آل اسرائیل جای صدقی [به دور از تضلیل
رزقشان پاک و بعد از آگاهی به ره اختلاف شد راهی
حق به روز جزا شود داور آنچه را اختلاف بود ایدر

فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ
الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا
تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

اگر شک و شبهه ای است به دلز آنچه سوی تو می شود
نازل
قاریان کتاب پیشین راتو بپرس از حقیقت آنها
حق به سوی تو آمد از یزدان پس مباحش از شمار شبههکنان

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِءَايَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ
الْخَاسِرِينَ

و مکن آیه های حق انکارو به خسران حق مباحش دچار

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ

هر که محکوم بر عذاب خداست دور از دین و شاهراه
هداست

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

ور که هر آیه ای به او بدهیم ببیند آن سنگدل عذاب الیم

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيَّةٌ ءَامَنْتَ فَنَفَعَهَا إِيْمَنُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ
لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَن فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ
تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ
عَلَىٰ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

قُلِ أَنْظِرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ
وَالنَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِهِمْ قُلِ
فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِ
الْمُؤْمِنِينَ

قُلْ يَٰأَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِّن دِينِي فَلَا أَعْبُدُ
الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي
يَتَوَفَّاكُم ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۖ فَإِن
فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِّنَ الظَّالِمِينَ

هیچ قومی چرا ره ایمان نرود تا برد منافع آن؟
جز که انصار یونس از ایمان شد رها از حیات در خذلان
تا برد بهره از حیات جهان در زمانی [مشخص از رحمان

حق اگر خواست آورند ایمان به خدا کل مردمان جهان
خواهی آیا که مردم از اکراه؟ باور آرند بر رسول الله

نیست آن کس که آورد ایمان جز به اذن خدای عالمیان
و در آلودگی نهد آن راکه ز عقل و درایت است جدا

گو نگر آنچه را به ارض و سماست همه آیات بینات خداست
نبرد بهره زین نذیر و نشان امتی کو نیاورد ایمان

هست در انتظار [ذلت خویش مثل آنان که رفته اند از پیش
گو بمانید منتظر به جهان و منم با شما ز منتظران

رسل و مؤمنین کنیم رها این رهایی مقرر است به ما

گو ایا مردمان که شک دارید بهر دینم [به این یقین آرید]
نپرستم الهه های شمامی پرستم خدای بی همتا
که شما را کند ز دنیا دور من به ایمان خود شدم مأمور

روی کن سوی دین پاک خدا و مشو اهل شرک در دنیا

بهر طاعت بجز خدای مخوان که نه ات سود می دهد نه زیان
در ره شرک اگر روان باشی تو هم از جمع ظالمان باشی

وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

۱۰۸

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصْبِرْ حَتَّىٰ يَخُصَّكَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

۱۰۹

گو که ای مردمان بیامد حق‌بهرتان از سوی حق مطلق
هر که ره یافت یافت ره بر خویش‌ور نه راه ضلال یافت به
پیش
نیستم من وکیلان در کار [خود از این ره شوید برخوردار]

پیرو وحی حی یکتا باش می‌رسد سوی تو شکبیا باش
تا کند داوری حق یکتا‌بهرترین داوران خداست خدا

۱۵ صفحه

۱۲۳ آیه

مکی

هُود: هود

۱۱ . هود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الرَّ كِتَبٌ أَحْكَمْتُ ءَايَتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ

۱
۱۸۳۲

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ

۲

وَأَنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ

۳

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۴

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

۵

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ
مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

۷

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ
عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَلَئِنْ
قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ
كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ

۸

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا
يَجْبِسُهُ ۚ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

۹
۱۸۴

وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ
لَيَكْفُرُ

۱۰

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ
السَّيِّئَاتُ عَنِّي ۚ إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ

۱۱

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

۱۲

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ
يَقُولُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ كُتُبٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ ۚ إِنَّمَا أَنْتَ
نَذِيرٌ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

نیست جنبده‌ای به روی زمین جز که رزقش ز حق بود تعیین
به مقر و سپرد گه داناست همه در آن نوشته‌ی پیداست

او به شش روز ساخت ارض و سما عرش او بود بر سر دریا
همه را آزمون کند دادار که کدام از شماست نیکوکار و
بگویی به خلق بعد ممات او برانگیزدت برای حیات کافران را
سخن بود اینسان نیست این کار غیر سحر عیان

چون به تأخیر افکنیم عذاب به زمانی دگر ز روی حساب پس
بگویند چیستش دافع؟ چون رسد آن نباشدش مانع و بیاید
فرود آنان را آنچه را داشتند استهزا

بچشانیم اگر که بر انسان رحمت خویش پس بگیریم آن
بی‌گمان اوست کافر و نومید

ور تنعم ز بعد رنج رسید پس بگوید بدی ز من شد دور به
یقین اوست شادمان و فخور

جز صبوران و نیک کرداران اهل اجر کبیر و هم غفران

پاره‌ای ز آنچه وحی شد ز خدا شاید ار ترک سازی آنها را
سینه‌ات تنگ شد ز قول کسان که چرا نیست گنجی از
یزدان یا فرشته بیایدت همراه [تو مشو رنجه یا رسول الله
نیستی تو مگر نذیر و دلیل بر همه چیزها خداست و کیل

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ
وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

یا بگویند افترا این را گو که ده سوره آر چون اینها راست
گویید اگر فرا خوانید جز خدا هر که را که بتوانید

فَالَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا
إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

گر ندادند پاسخی به شما نازل آن را بدان ز حکم خدا
نیست معبود جز خدای وحید نیز آیا شما مسلمانید؟

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ
فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ

هر که خواهد جهان و زیب جهان می‌دهیمش جزای کار به آن
بهره‌اش زندگانی دنیا است نیست در این جهان بر او کم و
کاست

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا
صَنَعُوا فِيهَا وَبَطِلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

نیست در آخرت بر او جز نار به هدر می‌رود از او هر کار

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ
قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ
وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي
مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا
يُؤْمِنُونَ

و انکه باشد بر آیت رحمان وز پی آید شهادتی از آن و از آن
بیش نامهی موسی رحمتی از خدا و راهنما مؤمن و معتقد
شود او را [او به راه خداست پا بر جا] و انکه کافر شود به
آن ز احزاب وعده‌گاهش در آتش است و عذاب پس
مباشید هیچ در تردید که بود حق ز کردگار مجید ولی از
مردم اکثر ایشان نیستند اهل و پیرو ایمان

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ
عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ
أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

کیست بدتر به راه جور و جفا؟ ز انکه بندد دروغ بهر خدا
چون بگردند عرضه پیش خدا پس بگویند شاهدان کاینها
قول کذب آورند بر یزدان لعن حق باد بر ستمکاران

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ
بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

آن کسانی که باز می‌دارند از طریق خدا [کسانی چند] و
بخواهند کج کنند آن را کافرنه این کسان به روز جزا

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ
دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضْعِفُ لَهُمْ الْعَذَابُ مَا كَانُوا
يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ

۲۱

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَفْتَرُونَ

۲۲

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ

۲۳

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۲۴
حزب
۹۰

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ
يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

۲۵
۱۸۵ر

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦٓ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

۲۶

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۚ إِنَّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ
الْعِلْمِ

۲۷

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِۦٓ مَا نَرَكَ إِلَّا بَشَرًا
مِّثْلَنَا وَمَا نَرَكَ أَتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ
وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ

۲۸

قَالَ يَقَوْمُ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَعَآتَنِي رَحْمَةً
مِّنْ عِنْدِهِۦ فَعَمِيتَ عَلَيْكُمْ أَنْزِلْ مُكْثُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا
كَارِهُونَ

نرهند از عذاب حق به جهان و ندارند یابوری آنان دو برابر
کنند کیفرشان ناتوان بود سمع و منظرشان

داده‌اند این کسان ز کف خود را گم شدند آن بتان و آن
شرکا

لا جرم این گروه بهتان بند بیشتر در زیان و خسرانند

مؤمنان و کسان نیکوکار که تواضع کنند بر دادار یاورانند
بهر باغ جنان ماندگارند جاودانه در آن

این دو قومند چون کر و شنوا یا مثال بصیر و نابینا این دو
دسته مساویند آیا؟ می‌نگیرید هیچ پند آیا؟

نوح را سوی قوم او بردیم گفت روشن دهم شما را بیم

نپرستید کس بجز یزدان که منم بر عذابتان ترسان و عذاب
قیامت است الیم

گفت اشراف کافر از این بیم ما ببینیمت آدمی چون ما و
نبینیم پیروان شما جز کسانی که خود فرودستند ساده
لوحند و با تو پیوستند در شما برتری نمی‌خوانیم بل شما را
دروغگو دانیم

گفت ای قوم آگهم سازید گر نشان از خدای بود پدید رحمت
از حق برای من می‌بود دیدتان نیز سخت می‌فرسود حال
مجبورتان کنم آیا؟ که خوشایند نیست بهر شما

وَيَقَوْمٌ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا
أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّهُمْ مُلَقَوُا رَبَّهُمْ وَلَكِنَّي أَرَبُّكُمْ
قَوْمًا تَجْهَلُونَ

وَيَقَوْمٌ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا
أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ
يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا ۖ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ
الظَّالِمِينَ

قَالُوا يَنُوحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَلَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا
إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيَكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ
اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۚ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا
بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ

وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ ءَامَنَ
فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

وَأَصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَوْحَيْنَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ
ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِفُونَ

قوم من من نخواستم ز شما بهر این کار مال و اجری را نکنم
طرد اهل ایمان را که ببینند ربّ به روز جزا بینم اهل
جهالتید شما [و تترسید از عذاب خدا]

قوم من گر که طرد سازمتان کیست یارم به کیفر یزدان؟
متذکر نمی‌شوید آیا؟ [به ره حق نمی‌روید آیا؟]

و نگوییم من از برای شما که مرا هست گنجهای خدا عالم
غیب هم نیم مطلق و نگویم منم فرشته‌ی حق و نگویم کسی
که خوار شماست نامناسب برای خیر خداست و خدا هست
بیشتر دانا که چه رای است در دل آنان را و اگر من چنان
کنم باشم [بی‌خبر از گناه اهل ستم]

پس بگفتند کرده‌ای تو جدال و تو افزون کنی جدل به مقال
آنچه را داده‌ای به خلق وعید راست گویی اگر بیار پدید

گفت آرد اگر خدا خواهد کیست کز قدرت خدا کاهد

نبود سودی از شما آن را گر خدا خواست گم‌رهی به شما گر
که اندرز خواستم به شما بازگشت شماست سوی خدا

گر بخوانند افترا این را گو که جرمش مرا بود اینجا من مبرا
ز جرمشان هستم [و شما هم ز جرم من بی‌غم]

نوح را وحی آمد از یزدان که دگر کس نیاورد ایمان پس ز
اعمالشان مشو غمگین

با عنایات ما و وحی مبین یک سفینه بساز در اینجا و شفاعت
مکن ز اهل جفا می‌شوند این گروه غرقه به یم [این مجازات
ماست بهر ستم]

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ ءَامَنَ وَمَا ءَامَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبَهَا وَمُرسِلُهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَبْنَىٰ أَرْكَبَ مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ

قَالَ سَآوِيَ إِلَىٰ جِبَلٍ يَْعَصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ

وَقِيلَ يٰنَارُ ضُ أَبْلَعِي مَاءَكَ وَيَسْمَاءُ أَقْلَعِي وَغِيضُ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ

ساخت کشتی و برگذشت آنجا ملأ قوم سخره کرد او را گفت اگر سخره می‌کنید مرا همچنان من عمل کنم به شما

زود دانید کان عذاب ابد خوارساز است و هر که را برسد

تا زمانی که امر ما آمد آب و سیل از تنور بیرون زد پس بگفتم سوار کن بر آن از همه نوع از دو تن حیوان اهل خود را بر آن بدار سوار غیر آنان که گفته شد گفتار مؤمنان هم‌رهان بر آر از یم بود تعداد این جماعت کم

گفت با نام حق سوار شوید [و روان در دل بحر شوید] و به خشکی رسید بعد از آن هست ریم رحیم و ذو غفران

بردشان کوه وش ز موج و ز باد به پسر نوح این ندا را داد گوشه‌گیرا سوار شو با ما و مشو کافری برای خدا

گفت در کوه می‌کنم مأوا که نگه داردم ز آب اینجا گفت ایمن کنون ز حکم خدا نیست جز آنکه رحم کرد او را موج شد حایلی میانه‌ی‌شان غرق شد پور نوح در طوفان

گفته شد ای زمین فرو بر آب و آسمانا دریغ کن به شتاب آب بنشست و شد به پایان کار پس به جودی سفینه یافت قرار گفته شد آن زمان که بادا دور قوم ظالم [ز مهر حی غفور]

نوح سوی خدا بداد ندا پسرمن عضو بود اهل مرا وعده‌ات راست است ای داور از همه حاکمان تویی برتر

قَالَ يَنْوُحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ
فَلَا تَسْأَلِنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَِّّي أَعْظُكَ أَنْ تَكُونَ
مِنَ الْجَاهِلِينَ

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ
وَالَا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُن مِّنَ الْخَاسِرِينَ

قِيلَ يَنْوُحُ أَهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ
مِّمَّن مَّعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ
وَلَا قَوْمُكَ مِن قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقِيبَةَ لِلْمُتَّقِينَ

وَإِلَى عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمُ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ
إِلَهِ غَيْرُهُ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ

يَقَوْمُ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي
فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ

وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ
عَلَيْكُمْ مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا
مُجْرِمِينَ

قَالُوا يَهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ
قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ

گفت ای نوح او ز اهل تو نیست بود نامالحی [و اینسان
زیست آنچه را نیستی از آن آگاه ای نبی نجی ز من تو مخواه
می‌دهم پند بر تو بپذیر آن تا نباشی ز مردم نادان

گفت یا رب برم سوی تو پناه کز تو سازم سؤال ناآگاه تو مرا
بخش رحمت و غفران ورنه باشم من از زیانکاران

گفته شد با سلامت آی فرود بر تو و همراهان نعیم و درود ما
امم را نخست بهره دهیم پس رسد سوبیشان عذاب الیم

این خبرها که بود غیب و نهان بر تو کردیم وحی و پیش از
آن تو و قوم تو زان نشد دانا صبر کن حق رسد به اهل تقا

هود هم گشت سوی عاد گسیل تا عبادت کنند رب جلیل
گفت جز او نباشدم معبود و شما کاذبید [بهر ودود]

قوم من من نخواستم ز شما بهر این کار مزد و اجری را
خالقم می‌دهد سزای مرا نیست فهمی برایتان آیا؟

و بخواهید از خدا غفران توبه آرید جانب یزدان ز اسمان
آب پشت هم آید پس به نیرویتان بیفزاید و مشو مجرمانه
رو گردان

پس بگفتند قوم او اینان تو نمی‌آوری نشان بر ما ما نگردیم
تارک بتها هر چه گویی به ما تو این سخنان ما نیاریم بهر تو
ایمان

إِنْ نَقُولُ إِلَّا أَعْتَرَكْ بَعْضُ ءَالِهَتِنَا بِسُوِّ^ق قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ
ٱللَّهَ وَأَشْهَدُواْ أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

۵۵

مِنْ دُونِهِ^ط فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُونَ

۵۶

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى ٱللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَّا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ
ءَاخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

۵۷

فَإِنْ تَوَلَّوْاْ فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ^ط إِلَيْكُمْ
وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ

۵۸

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا
وَنَجَّيْنَاهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

۵۹

وَتِلْكَ ءَادٌ جَحَدُواْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْاْ رُسُلَهُ^ط وَاتَّبَعُواْ
أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

۶۰

وَاتَّبِعُواْ فِي هَذِهِ ٱلدُّنْيَا لَعَنَ^ط وَيَوْمَ ٱلْقِيَمَةِ^ط ٱلْآلَ إِنَّ ءَادًا
كَفَرُواْ رَبَّهُمْ ٱلْآلَ بُعْدًا لِّءَادٍ قَوْمِ هُودٍ

۶۱
حزب
۹۲
۱۸۸۲

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَتَقَوْمَ ٱعْبُدُوا ٱللَّهَ مَا لَكُمْ
مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ^ط هُوَ أَنشَأَكُمْ مِّنَ ٱلْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا
فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُّواْ إِلَيْهِ^ط إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ

۶۲

قَالُواْ يَصْلِحْ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ
تَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ ءَابَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ
مُرِيبٍ

بعض بتهای ما ز شر و بدی برده اندت به راه بی‌خردی گفت
بینید و شاهد است خدا که چه بیزارم از بتان شما

بهر من نقشه‌ای کشید شدید و به من نیز مهلتی ندهید

کار خود را سپرده‌ام به خدا اوست پروردگار ما و شما نیست
جنبنده در زمین مطلق جز که باشد به زیر سلطه‌ی حق و
خدای من است در ره راست [حکم او بر همه عباد رواست

رویگردان شوید اگر که تمام من رساندم به سوی خلق پیام
می‌کند جانشین برای شما ذات پروردگار قومی را از شما کی
زیان رسد او را ربّ من حافظ است بر اشیا

حکم ما چون به هود گشت فرود پس رساندیم مؤمنان با
هود با عنایات و مهر و رحمت ما از عذاب شدید گشت رها

عاد شد منکر نشان خدا کرد عصیان پیمبرانش را پیروی
داشت امر هر جبار که به حق داشت شیوه‌ی پیکار

هم به دنبال اوست در دنیا لعنت حق و هم به روز جزا کفر
ورزید قوم هود که عاد دور از مهر و رحمت حق باد

گفت صالح برای قوم ثمود از چه گیرید جز خدا معبود او
شما را بیافرید چنین تا که عمران کنید روی زمین پس
بخواهید از خدا غفران پس به سوبیش روید توبه‌کنان ربّ
من هست بهر خلق قریب و دعاهای خلق راست مجیب

پس بگفتند بوده‌ای تو رجا بهر ما نهی می‌کنی آیا؟ آنچه
معبود بود بر پدران ما پرستش کنیم نیز همان هست بس
شک و ریب در دل ما ز آنچه خواهی بر آن روش ما را

قَالَ يَقَوْمُ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَعَآتَنِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ ۖ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ

وَيَقَوْمُ هَذِهِ نَافَةٌ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَةٌ ۖ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ۖ ذَٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ جَثَمِينَ

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۖ آلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا سَلَامًا ۖ قَالَ سَلَامٌ ۖ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ

فَلَمَّا رَآهُمُ أُيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ لُّوطٍ

وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ

گفت اگر باشدم نشان ز خدا گر دهد نیز رحمت خود را [نرسانم اگر که این فرمان که مرا یار گردد از عصیان؟ نکنید از سخن فزوده مرا غیر خسرانی از برای شما

قوم من ناقه‌ای است این ز خدا آیتی هست از برای شما می‌چرد در زمین حق زهار نرسانید بهر او آزار گر نباشید بهر حکم مجیب می‌رسد بر شما عذاب قریب

ناقه‌ی حق ز پا در آوردند گفت در خانه بهره‌ور گردند و سه روز است وقت این فرمان و بود راست وعده یزدان

بهر صالح رسید حکم خدا پس رهانیدم او و یاران را رحمت ما رهندش از خدلان حق عزیزست و بهر اوست توان

میچه بگرفت ظالمان در بند در سراها به روی افتادند

گویی آنان نبوده‌اند در آن و ثمودند کافر یزدان دور بادا [از مهر ربّ ودود] کافران ظلوم و قوم ثمود

رسل آمد به سوی ابراهیم نیز تبشیر داد با تسلیم پس درنگی نداشت کامد زود هدیه گوساله‌ای که بریان بود

دید چون دستشان به آن نرسد پس بدانست کارشان را بد و بترسید از جماعتشان پس بگفتند هان مشو ترسان جمع ما آفریدگار جلیل به سوی قوم لوط داشت گسیل

زنش استاده بود شد خندان پس بشارت رسیدش از یزدان کاید اسحاق و بعد از او یعقوب [این بشارات بود بس مطلوب

قَالَتْ يَوۡلَيَتَىْ ءَالِدٌ وَأَنَاْ عَجُوزٌ وَهَٰذَا بَعۡلِي شَيْخًا إِنۢنَّ هَٰذَا لَشَىْءٌ عَجِيبٌۭ

۷۳

قَالُواْ أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ ٱللَّهِ ۖ رَحِمْتُ ٱللَّهَ وَبَرَكَتُهُۥ عَلَیْكُمْ أَهْلَ ٱلْبَیۡتِ إِنَّهُۥ حَمِیدٌۭ مَّجِیدٌۭ

۷۴

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَهِیمَ ٱلرُّوۡعُ وَجَآءَتُهُ ٱلْبُشْرَىٰ يُجَدِلُنَا فِی قَوْمٍ لُّوۡطٍۭ

۷۵

إِنۢنَّ إِبْرَهِیمَ لَحَلِیمٌۭ ءَاوَهُۥ مِّنۢنِیبٍۭ

۷۶

یَٰإِبْرَهِیمُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَا ۖ إِنَّهُۥ قَدْ جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۖ وَإِنَّهُمْ ءَاتِیهِم عَذَابٌۭ غَیۡرُ مَرۡدُودٍۭ

۷۷

وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِیۡءَ بِهِمۡ وَضَاقَ بِهِمۡ ذَرَعًا وَقَالَ هَٰذَا یَوْمٌۭ عَصِیۡبٌۭ

۷۸

وَجَآءَهُۥ قَوْمُهُۥ یُهَرَّعُونَ إِلَیْهِ وَمِنۢ قَبۡلُ كَانُواْ یَعْمَلُونَ ٱلسَّیِّئَٰتِۭ قَالَ یَقۡوَمُ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِی هُنَّ أَطۡهَرُ لَكُمۡ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُخۡزَوۡنِ فِی ضِیۡفِیۡ ۖ ٱلۡیَسَ مِنكُمۡ رَجُلٌۭ رَّشِیدٌۭ

۷۹

قَالُواْ لَقَدْ عَلِمۡتَ مَا لَنَا فِی بَنَاتِكَ مِنۢ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعۡلَمُ مَا نُرِیدُ

۸۰

قَالَ لَوۡ أَنۢ لِّی بِكُمۡ قُوَّةٌۭ أَوْ ءَاوِیۡٓ إِلَىٰ رُكۡنٍۭ شَدِیدٍۭ

۸۱

قَالُواْ یَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنَ یَصِلُواْ إِلَیكَ ۖ فَٱسۡرِ بِأَهۡلِكَ بِقِطۡعٍۭ مِّنَ ٱللَّیۡلِ وَلَا یَلۡتَفِتۡ مِنكُمۡ أَحَدٌۭ إِلَّا أُمۡرَأَتُكَ ۖ إِنَّهُۥ مُصِیۡبُهَا مَا أَصَابَهُمۡ ۖ إِنۢنَّ مَوۡعِدَهُمۡ ٱلصُّبۡحُ ۖ ٱلۡیَسَ ٱلصُّبۡحُ بِقَرِیبٍۭ

گفت ای وای من که هستم زال بهر من زادن است امر محال همسرم را ز پیری است نصیب وین هم از بهر اوست امر عجیب

پس بگفتند [مرسلان هدا] تو تعجب مکن ز کار خدا لطف حق و نوازش یزدان بر شما اهلبيت گشت روان هست والا و هم ستوده خدا

ترس چون از خلیل گشت جدا و پیامد بشارتی ز خدا جدل از قوم لوط کرد به ما

چونکه آواه بود ابراهیم بازگردنده بود و نیز حلیم

زین سخن ای خلیل رو گردان چون رسید از خدای تو فرمان به یقین می‌شوند قوم دچار به عذابی که می‌رسد ناچار

چون ملک بهر لوط شد نازل تنگدل شد از آن و هم بد دل گفت این روز هست سخت و گران

قوم پس نزد لوط گشت روان پیش آن اهل سیئات همه گفت اینان مرا بنات همه هست پاکیزه‌تر برای شما متقی گر شوید بهر خدا نزد مهمان مرا چه خوار کنید در شما نیست هیچ مرد رشید

همه گفتند اهل اکر اهیم تو بدانی هر آنچه ما خواهیم

گفت می‌بود کاش نیرویی یا پناهی برای من سویی

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَىٰهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا
حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنْضُودٍ

مُسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَبْنَؤُا لَّيْسَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَبُكُمْ
بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ

وَيَقَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا
النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ
بِخَفِيفٍ

قَالُوا يَشْعِيبُ أَصْلَوْتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا
أَوْ أَنْ تَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ
رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَكُم عَنْهُ
إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

چونکه فرمان حق رسید بر آن گشت شهر و دیارشان ویران
نیز باران سنگ شد نازل سنگهایی به هم فشرده ز گل

و ان نشاندار از خدای مجید نیست این بهر اهل جور بعید

و به مدین شعیب گشت گسیل که عبادت کنند ربّ جلیل
گفت جز حق که را شوید عبید؟ نیز از کیل و وزن کم مکنید
خیر دارید و ترس هست مرا از عذاب محیط بهر شما

کیل و وزن آورید هم به کمال کم ندارید از کسان اموال و
مکشید در زمین به فساد

بهتر است آنچه را خدای نهاد گر که مؤمن شدید بهر خدا
نیستم من نگاهبان به شما

پس بگفتند ای شعیب آیا؟ نهی ما از طریقه‌ی آبا که
عباداتشان کنیم رها شد نمازت دلیل این ره را؟ هم ز
اموال خویش [از زر و سیم بکنیم آنچه را که می‌خواهیم و
یقیناً تویی حلیم و رشید

گفت مردم به من خبر بدهید گر که بودم نشانه‌های خدا ور
خدا رزق نیک داد مرا آنچه را نهی می‌کنم ز شما من نخواهم
که خود کنم آن را خواهم اصلاح تا به حد توان هست توفیق
کارم از یزدان هم به او کار خویش بسپارم هم به او روی
خویش باز آرم

وَيَقَوْمٌ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ
قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنْكُمْ
بَبَعِيدٍ

۹۰

وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ

۹۱

قَالُوا يَشْعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرُّكَ فِيْنَا
ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ

۹۲

قَالَ يَقَوْمُ أَرْهَطِي أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ
وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

۹۳

وَيَقَوْمُ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ
مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَذِبٌ وَأُرْتَقَبُوا إِنِّي
مَعَكُمْ رَقِيبٌ

۹۴

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَحْيِنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ
مِّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ
جَاثِمِينَ

۹۵

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۚ أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِثْتُ ثَمُودَ

۹۶
۱۹۱۲

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

۹۷

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ فَاتَّبَعُوهُ أَمَرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ
بِرَشِيدٍ

قوم من هان جدالتان با ما نرساند مصیبتی به شما همچو
اقوام نوح و صالح و هود نیز لوط از شما بعید نبود

پس بخواهید از خدا غفران توبه آرید جانب یزدان حق و
پروردگار ماست رحیم [دوست دارد اگر سوبیش برویم

پس بگفتند ای نبی خدا ما نفهمیم گفته‌های ترا ناتوانی تو
در میانه‌ی ما گر نباشد قبیله‌ات اینجا سنگ باران کنیم
سخت تو را و تو را نیست قدرتی بر ما

گفت ای قوم اگر قبیله‌ی من هست قادرتر از حق ذو المن
پشت سر افکنید حکم خدا اوست آگه ز کارهای شما

بکنید آنچه در توان شماست می‌کنم نیز من هر آنچه
مراست زود دانید بهر کیست عذاب؟ کیست رسوا و هم
بود کذاب؟ خوب باشید منتظر بر آن و منم چون شما ز
منتظران

رحمت از حق رسید و فرمانش پس رها شد شعیب و
یارانش صیحه بگرفت ظالمان در بند در سراها به روی
افتادند

گویی آنان نبوده‌اند در آن دور باد اهل مدین [از رضوان
آنچنانی که بود قوم ثمود دور از رحمت خدای ودود

و فرستاده‌ایم موسی را با دلیل عیان و آیته‌ها

نزد فرعون رفت و مهترها آن مطیعان حکم حکمروا حکم
فرعون در حیات کسان نیست رشد و نجات برایشان

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ

۹۹

وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةُ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ بئسَ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ

۱۰۰

ذَلِكَ مِنْ أَتْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ

۱۰۱

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ

۱۰۲

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ

۱۰۳

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ

۱۰۴

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ

۱۰۵

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ

۱۰۶

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ

۱۰۷

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ

۱۰۸

حزب
۹۴

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُودٍ

در قیامت به قوم پیشاپیش [رهنمایی است بهر امت خویش پس به آتش در آرد آنان را چه بد است آن ورود ایشان را

وز پی آرند لعنت دو جهان چه بد است آن نصیب برایشان

قصه شهرها کنیم بیان آنچه معمور مانده یا ویران

ما نکردیم بهر خلق جفا بلکه هر کس ستم کند خود را و نکردند یاری ایشان جمله معبودها بجز یزدان و نیفزودشان به غیر فنا چون بیامد مثال و امر خدا

آنچنان بر گرفت خشم خدا شهرها را برای جور و جفا خشم حق است سخت دردآور [تا چه آید به عرصه‌ی محشر]

آن نشان است بر کسی کو را هست ترس از عذاب روز جزا در همان روز خلق گرد آیند و به آن روز چشم بگشایند

و به تأخیر نفکینم آن را جز زمانی شمرده از سوی ما

کس نگوید سخن در آن دوران جز به اذن خدای عالمیان بعضشان در شقاوتند مقیم بعضشان در سعادتند مقیم

تیره بختان در آتشدن به بند که زفیر و شهیق از آن شنوند

ماندگارند در جحیم خدا تا زمین و سماست پا بر جا جز که خواهد خدای عالمیان آنچه را خواست می‌کند یزدان

نیک بختان درون باغ جنان ماندگارند جاودانه در آن ماندگارند در نعیم خدا تا زمین و سماست پا بر جا جز که خواهد خدای عالمیان بخشی بی‌حد است و بی‌پایان

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا
يَعْبُدُ ءَابَاؤُهُمْ مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوفُونَ نَصِيبُهُمُ الْغَيْرَ
مَنْقُوصٍ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكِّ مِّنْهُ
مُريبٍ

وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوفِيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ
خَبِيرٌ

فَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم
مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي الْتَهَارِ وَزُلْفَا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ
يُذْهِبْنَ أَلْسِيَّاتٍ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ

وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ^ط وَاتَّبَعَ
الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَرَفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ

شک مکن در عبادت ایشان که عبادت کنند چون پدران
اجرشان می‌دهیم بی‌کم و کاست [هر عمل را جزای خاص
سزاست

و به موسی کتاب داد خدا اختلافی در آن بماند به جا گر
نمی‌بود حکم پیش خدا بینشان رفته بود حکم و قضا و
هنوزند جمله در تردید [در ثواب و عقاب و وعد و وعید]

همه را حق دهند بی‌کم و کاست و به اعمالشان خدا داناست

پایداری کن آنچنان که خدا داد فرمان ترا و تائب را اهل
طغیان مباش ز آنکه خدا هست بینا به کارهای شما

تکیه بر ظالمان مدار روا که به آتش در افکنند تو را که در
آن جا ولی شما را نیست جز خدا یار مردمان گو کیست؟

و نماز خدا بدار به پا دو سوی روز و اول شب را کار نیکو
برد بدیها را شد تذکر به ذاکران خدا

صبر کن حق نمی‌کند نابود از نکوکار خلق اجرت و سود

گر که بودند صاحبان ده‌ها در زمانهای پیشتر ز شما نهی
کردند از فساد زمین و قلیلی رهانده‌ایم چنین آن گروهی
که شد ستم را یار وز تنعم شدند بر خوردار مجرمند آن
گروه اهل جفا [پیرو ظالمان مکن خود را]

نفرستد خدا به دار فنا از ره ظلم و جور شهری را گر که
اهلش رود به راه صلاح [راه یابند بر طریق فلاح

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۖ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ

گر که خواهد خدای مردم را می‌کند قوم و امتی یکتا اختلاف است دائما پیدا

إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

جز به قومی که داشت لطف خدا خلقشان کرد زین ره آنان را و محقق بود کلام خدا پر کنم دوزخ از پری و بشر [از همه اهل جور و کین یکسر]

وَكَلَّا تَقْصُ عَلَيكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّتُ بِهِ ۚ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ

بر تو خوانیم از رسل اخبار تا بگیرد دلت ثبات و قرار بر تو حق است و شد تذکر و پند بهر آنان که اهل ایمانند

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَمِلُونَ

گو به کافر که تا به حد توان کن که ما نیز می‌کنیم چنان

وَأَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

منتظر باش بر عذاب گران نیز ماییم خود ز منتظران

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ ۚ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

وز خدا علم این زمین و سماست بازگشت امور سوی خداست بپرست و توکل آر او را نیست غافل خدا ز کار شما

۱۲۰ یوسف

یوسف: یوسف

مکی

۱۱۱ آیه

۱۴ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

[الف و لام و را که آغاز است بین حق و رسول او راز است آن نشانه‌ای نامه‌ای است عیان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

ما فرستاده‌ایم این قرآن به زبان عرب بیافت نزول تا که باشید صاحبان عقل

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَٰذَا الْقُرْءَانَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ ۚ لَمِنَ الْغَافِلِينَ

بهترین داستان کنیم بیان از ره وحی بر تو زین قرآن گر نبودى تو پیش از آن آگاه [بشنو قصه‌ی وجیه الله

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

گفت یوسف به باب خود که پدر خواب دیدم کنار شمس و قمر یازده اختر آمدند فرود آمدند از برای من به سجود

قَالَ يَبْنَى لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَنِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

وَكَذَٰلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ ءَالٍ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ ءَايَاتٌ لِّلسَّالِينَ

إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ

قَالُوا يَبْنَى مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُو لَنَصِحُونَ

أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُو لَحَفِظُونَ

قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنَّ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ

قَالُوا لَينَ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَسِرُونَ

گفت فرزند من، تو با اخوان مگو از آن که ماکرند آنان بیگمان اهرمن بر آدمیان کینه ورز است و دشمنی است عیان

برگزیند تو را خدای جلیل و بیاموزدت ز هر تأویل هم پس از توبه آل اسرائیل نعمتش را خدا کند تکمیل همچو اسحاق و همچو ابراهیم و خدایت بود علیم و حکیم

در حدیثی ز یوسف و اخوان بهر جویندگان بسی است نشان

چون بگفتند اینکه نزد پدر یوسف است و برادرش بهتر و اینکه ما را فروتر است توان پدر ماست در ضلال عیان

یوسف آرید در محل هلاک یا که بیرون کنید از این خاک تا پدر روی آورد به شما و پس از آن شوید از صلحا

آن یکی گفت قتل نیست روا پس به چاهی بیفکنید او را کاروانی بر آورد او را اگر این کار آورید به جا

پس بگفتند ای پدر تو چرا؟ بهر یوسف نه ایمنی از ما خیر خواهیم بهر یوسف ما

بفرستش به جمع ما فردا تا در آید به بازی و تک و پو به یقین ما محافظیم بر او

گفت غمگین شوم گرش ببرید و به من ترس گشته است پدید که خورد گرگ ناگهان او را چونکه غافل از او شوید شما

همه گفتند بهر ماست توان اگر اینسان شود کنیم زیان

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ
وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۱۶

وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ

شب به نزد پدر به گریه شدند

۱۷

قَالُوا يَتَابَنَا إِنَّا زَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَعِنَا
فَاكْغَلَهُ الذِّبْطُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ

سبقتی بود بین ما بابا ترک کردیم یوسف و کالا گرگ او را
بخورد و حال پدر حرف ما را نمی‌کنی باور گر چه باشیم
راستگویی چند

۱۸

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ
أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا
تَصِفُونَ

و لباسش به رنگ خون بردند گفت آراسته‌ست بهر شما
کارها را فریب نفس و هوی صبر زیبا و هم اعانت را خواهم
از حق در این بیان شما

۱۹

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَبُشْرَى
هَذَا غُلْمٌ وَاسْرُوهُ بَضْعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

کاروانی رسید و ساقی آن [به سوی چاه آب گشت روان پس
بیفکند دلو و مژده بداد که جوانی [درون دلو افتاد] و ان
متاع از همه نهان کردند حق شد آگاه کانچنان کردند

۲۰

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ
الزَّاهِدِينَ

نیز بفروختند و ز آنان بود ثمنی بخت و درهمی معدود و به
رغبت نبوده‌اند او را

۲۱
۱۹۵

وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ
عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ
فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ
عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

بود از مصری مشتری آنجا چون خریدش بگفت با همسر که
مقامش عزیز دار ایدر بهره شاید از او کنیم وصول یا به
فرزندیش کنیم قبول قدر دادیمش آنچنان در خاک علم
تعبیر خواب کرد ادراک هست غالب خدا به کار جهان اکثر
الناس جاهلند از آن

۲۲

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَآتَيْنَهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجِّزِي
الْمُحْسِنِينَ

چون به نیرو رسید در آنجا پس بدادیم حکم و علم او را
آنچنان مزد می‌دهیم به کار بهر آن کس که شد نکو کردار

وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ ۚ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ
وَقَالَتْ هَيْت لَكَ ۚ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ
إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ ۚ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنَّ رَعَا بُرْهَنَ رَبِّهِ ۚ كَذَلِكَ
لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ ۚ إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا
الْمُخْلِصِينَ

وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِن دُبُرٍ وَأَلْفَا سَيِّدَهَا لَدَا
الْبَابِ ۚ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ
أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَن نَفْسِي ۚ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِن
كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

وَإِن كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ
الصَّادِقِينَ

فَلَمَّا رَعَا قَمِيصَهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ ۚ قَالَ إِنَّهُ مِن كَيْدِكُنَّ ۚ إِنَّ
كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَن هَذَا ۖ وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ ۖ إِنَّكِ كُنتِ
مِنَ الْخَاطِئِينَ

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتْلَهَا عَن
نَفْسِهِ ۖ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا ۖ إِنَّا لَنَرْنَهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

آن زنی که همو به بیتش بود خوااهش کامجوییش بنمود
بست درها و گفت پیش من آی گفت باشد پناه من به خدای
اوست پروردگار من که مرا داد جاه و مقام بس والا ظالمی را
[که دور شد ز صلاح نبرد حق به راه خیر و فلاح

زن در آهنگ و مرد بود همان گر نمی‌بود از خدا برهان دور
از او ساختیم زشتی را او شد از بندگان مخلص ما

سوی در زن ز پشت مرد دوید نیز از پشت جامه‌اش بدیدید
پس بدیدند شوی او بر در گفت بر گو چه باشدش کیفر
آنکه خواهد برای اهل تو شر غیر حبس و عذاب درد آور

گفت او داشت قصد من به نهفت و گواهی ز اهل خانه
بگفت گر بود پاره جامه‌اش از پیش کذب او دان و صدق
همسر خویش

ور بود پاره جامه‌اش از پس راستگو می‌شناس یوسف و بس

چونکه از پشت پاره دید آن را گفت این است کید و مکر
نسا و زنان راست کید و مکر گران

یوسف از این تو باش رو گردان وای زن از جرم کن تو
استغفار به یقین بوده‌ای خطا کردار

و بگفتند جمع نسوان نیز کامجو گشته است زوج عزیز عشق
ورزد غلام را از جان همه بینیم گمرهی‌ست عیان

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَكًا وَعَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

۳۲

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاودْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا ءَامُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونَا مِنَ الصَّاغِرِينَ

۳۳

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ

۳۴

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۳۵

ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا الْآيَاتِ لَيْسَجُنَّهُ وَحَتَّىٰ حِينٍ

۳۶
۱۹۷

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرْنِي آعِصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرْنِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبَأْتُ بِنَاوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

۳۷

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَأُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

چون زیبا شنید مکر زنان بفرستاد کس سوی ایشان متکاها و کاردها بنهاد و سپس بر غلام فرمان داد چون در آمد غلام جمع نسا یافتندش بزرگ [و بس زیبا] ببریدند دست خود نسوان پس بگفتند حاش لله از آن این بشر نیست [نزد عقل سلیم به یقین او فرشته‌ای است عظیم

گفت آری غلام باشد این که نکوهش مرا کنید چنین خواستم زو چو کام کرد ابا گر که اجرا نکرد حکم مرا زودش آرم به بند با خواری [کو ز حکم نمود خودداری

گفت یوسف خدای من زندان هست به ز آنچه خواندم بر آن گر که مکرش ز من نگردانی پس گرایش کنم به نادانی

پس اجابت شد آنچه او برخواند کید زن را خدا از او گرداند نشود او دعای خلق جهان [و بداند حدیث فاش و نهان

و پس از رؤیت نشان به عیان باز چندی بماند در زندان

دو جوان نیز حبس گشت آنجا یکی از دو جوان بگفت او را دیده‌ام کار خویش را در خواب که فشارم عنب برای شراب دیگری گفت خواب دیدم نان بر سرم بود و خورد طیر از آن پس تو تاویل را بگو از آن ز انکه بینیمت از نکوکاران

گفت قبل از وصول وقت غذا من شما را خبر کنم ز انها ذات پروردگار بی‌همتا علم تاویل یاد داد مرا کرده‌ام کیش آن گروه رها که به حق کافرنند و روز جزا

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا
أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى
النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

يَصْلَحِي السَّجْنَءَ رَبَّابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ
الْقَهَّارُ

مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ
وَعِبَادُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا
لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

يَصْلَحِي السَّجْنَءَ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا
الْآخَرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ فُضِيَ الْأَمْرُ
الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ
فَأَنسَلَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السَّجَنِ بِضْعَ سِنِينَ

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ
عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَأْتِيهَا الْمَلَأُ
أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ

پیروی می‌کنم ز ربّ جلیل کیش اسحاق و نیز اسرائیل هم ز
آبای خود چو ابراهیم نیست جایز به ما که شرک آریم خلق و
ما راست فضل از یزدان لیک شاکر نیند اکثرشان

هان ایا همرهان زندانی تا به کی اینهمه پریشانی این بتان
بهترند [در هر کار] یا خداوند قادر قهار؟

چه پرستید جز خدا اسما؟ که بنامیده‌اند شان آبا و نیامد
برای آن برهان نیست حکمی مگر که از یزدان داد فرمان
خدای بی‌همتا نپرستید کس مگر او را این بود دین حق و
پابرجا اکثر خلق نیست زان دانا

از شما همرهان زندانی آن یکی راست خمر افشانی دیگری
را کشند بر سر دار وز سرش طیر هست برخوردار این
چنین کار می‌شود اجرا آنچه را داشتید استفتا

آنکه را ظن نجات بود بر او گفت حالم به سرور خود گو برد
از یادش این سخن شیطان چند سالی بماند در زندان

شاه در خواب دید هفت بقر چاق خوردند هفت تن لاغر هفت
خوشه که بود سبز و جوان هم‌رهش هفت خوشه خشک و
نوان خواست اشراف را از آن تعبیر باز گویند اگر شدند
خبیر

قَالُوا أَضْغَتْ أَحْلَمٌ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَمِ بِعَلَمِينَ

پس بگفتند شد پریشان خواب ما نداریم علم در این باب

۴۵

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ

یکی از آن دو تن که شد آزاد کرد از روزگار زندان یاد گفت
من می‌دهم خبر به شما گر به زندان در آورید مرا

۴۶

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَتٍ لَّعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ

گفت ای یوسف ای که گویی راست گو تو پاسخ به پرسشی
که مراست آنکه در خواب دید هفت بقر چاق خوردند هفت
تن لاغر هفت خوشه که بود سبز و جوان همراهش هفت
خوشه خشک و نوان تا روم باز سوی خلق الله و از این ماجرا
شوند آگاه

۴۷

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ

گفت کشت آر هفت سال به بار نیز خرمن به خوشه‌ها بگذار
جزقلیلی که می‌خورید از آن همه بهر ذخیره کن پنهان

۴۸

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُخْصِنُونَ

پس از آن هست هفت سال شدید کانچه باشد ذخیره‌ها
بخورید جزقلیلی که بهر بذر نهید [و از آن رزق از بلا
برهید]

۴۹

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعَصِرُونَ

پس از آن سالها رسد باران میوه گیرید و پس عصاره از آن

۵۰
۱۹۹

وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ أَرْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ

شاه گفتش به نزد من آرید چون فرستاده نزد او برسید
گفت از او بپرس آن دستان مجراهای قطع دست زنان به
یقین از تمام مکر نسا هست پروردگار من دانا

۵۱

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاودْتُنَّ يُوسُفَ عَنِ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ لَأَنْ أَكُنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاودْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ

شاه گفتا که بر شما چه رسید چونکه یوسف به خویش
می‌خواندید همه گفتند حاش لله ما کار زشتی ندیده‌ایم او
را پس زلیخا بگفت حق الان آشکارست و هیچ نیست نهان
من به خود خواندمش [که پنهان بود] به یقین او ز
راستگویان بود

۵۲

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ

تا بداند که در غیاب مرا نادرستی به او نبود ابدًا و خداوند
هادی سرمد هادی کید خائنان نشود

وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِيَّ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُتُونِي بِهِ؟ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي؟ فَلَمَّا كَلَّمَهُ وَقَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ

قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ

وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبَوُّا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ قَالَ أَتُتُونِي بِأَخٍ لَّكُمْ مِّنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ، فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ

قَالُوا سَنُرَوِّدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضْعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا أُنْقَلِبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ

من میرا نمی‌کنم خود را نفس ما بر بدی است حکمروا جز که رحم آورد خدای کریم به یقین حق بود غفور و رحیم

گفت شه سوی من بیاریدش بلکه مخصوص من بداریدش پس چو گفتش سخن بگفت چنین نزد مایی کنون امین و مکین

گفت با من خزاننت بسیار که نگهبان بر آنم و هشیار

نیز دادیم قدر یوسف را بود در اختیار او هر جا هر که خواهیم بهره پردازیم اجر نیکان تبه نمی‌سازیم

بہتر است اجر و بهره در عقبا اهل ایمان و اهل تقوا را

چون به یوسف در آمدند اخوان خوب بشناخت جمله رازیشان لیک نشناختش کسی ز آنان

چونکہ محمولہ داد بر ایشان گفت بار دگر برون آرید آن برادر کہ از پدر دارید تا دہم کیل بہرتان بہ کمال و بود بہرتان بہین انزال

گر نیارید بہر من او را نزد من نیست کیل بہر شما گر نیارید بہر من او را پس دگر رو نیاورید اینجا

پس بگفتند با پدر گوییم وان رھی را کہ گفته‌ای پوییم

با غلامان بگفت کان کالا بگذارید بار ایشان را تا بہ برگشت با خبر گردند بشناسند و باز برگردند

چون بگشتند باز نزد پدر پس بگفتند با پدر یکسر گشت ممنوع کیل غلہ بہ ما نہریم ار دگر برادر را بفرست این سفر بہ ہمہرہ ما کہ حفاظت کنیم ما او را

قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

۶۵

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتْعَهُمْ وَجَدُوا بِضَلْعَتِهِمْ رُدتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَٰأَبَانَا مَا نَبْعِیْ هَٰذِهِ بِضَلْعَتُنَا رُدتْ إِلَيْنَا وَنَمِیرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزَدَادُ کَیْلَ بَعِیرٍ ذَٰلِكَ کَیْلُ یَسِیرٍ

۶۶

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُوا مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

۶۷

وَقَالَ یٰبَنَی لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِی عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَیْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلِیتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

۶۸

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَیْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ یُغْنِی عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَیْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِی نَفْسٍ یَعْقُوبَ قَضَلَهَا ۚ وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ

۶۹
۲۰۱۲

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ یُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَیْهِ أَخَاهُ ۖ قَالَ إِنِّی أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا یَعْمَلُونَ

گفت چون ایمنم بر او ز شما؟ همچنانکه گذشت یوسف را بهترین حافظان بود یزدان ارحم الراحمین بود رحمان

چون گشودند بارهاشان را جای خود یافتند کالاهای پس بگفتند ما چه می‌خواهیم؟ گشت سرمایه‌هایمان تقدیم بهر این بیت توشه می‌جوییم با برادر ره سفر پوییم تا که افزون کنیم کیل بعیر هست کیل بعیر کیل یسیر

گفت او را نمی‌دهم به شما جز که پیمان کنید بهر خدا به منش زود باز گردانید جز که در این قرار درمانید چونکه بستند با پدر پیمان گفت باشد و کیل ما یزدان

ای پسرهای من درون نشوید خانه شاه را ز باب واحد بلکه وارد شوید از درها سعی من چیست؟ پیش کار خدا نیست حکمی مگر برای خدا من سپارم به حق ره خود را آن جماعت که شد توکل جو کار خود جمله بسپرنند به او

چون شدند اندرون به امر پدر کار حق را از آن نبود ضرر حکم یعقوب گشته بود روا بود از بهر کارها دانا ز آنکه آموخت بهر او الله اکثر الناس نیستند آگاه

چون به یوسف در آمدند ایشان نزد خود داد جا یکی ز اخوان گفت این من برادری به توام تو ز اعمالشان مباش دژم

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَتْهَا أَلْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ

قَالُوا وَأَقْبِلُوا عَلَيْهِمْ مَّاذَا تَفْقِدُونَ

قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُوَ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ

قَالُوا جَزَاؤُهُوَ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُوَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَؕ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍؕ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ

قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُوَ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُّوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًاؕ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ

قَالُوا يَأَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُوَ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُوَ إِنَّا نَرْنَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

چونکه مأمور بارشان را داد جام شه را به بار او بنهاد پس منادی بداد صوت و ندا کاروان اهل سرقتید شما

گفته شد شد گم شده بگوی چه بود؟

گفت جام ملک بود مفقود بهر یابنده یک شتر محمول وین منم بهر این سخن مسؤول

پس بگفتند که قسم به خدا همه آگاه بوده‌اید از ما به فساد زمین نیامده‌ایم به ره سارقین نیامده‌ایم

پس بگفتا جزا چه خواهد دید؟ گر که جمعی دروغگو باشید

پس بگفتند کیفر آن کس اینکه آن شخص برده گردد و بس این چنین می‌دهیم ما کیفر بهر هر فرقه‌ی ستم گستر

پس به دیدار بارها رو کرد سپس از ظرف او برون آورد و چنین بهر یوسف آوردیم نقشه‌ای را که یافت او تعلیم نگرفتش به حکم مذهب شاه جز که این بود اراده الله و ببخشیم هر که را خواهیم فوق هر عالمی است نیز علیم

پس بگفتند اگر که دزدیدست رسم و راه برادرش دیدست گشت یوسف غمین از این سخنان لیک اندوه خود نکرد عیان گفت بهر شما بد است مکان و خدا عالم است از این سخنان

پس بگفتند ای عزیز بگیر یکی از ما به جای فرد اسیر پدرش هست پیر مردی زار ما ترا بنگریم نیکوکار

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَلَعًا عِنْدَهُۥٓ إِنَّآ إِذَا لَظَلِمُونَ

فَلَمَّا أَسْتَيْسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِىَ أَبِى أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لىَ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

أَرْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ فَقُولُوا يٰٓأَبَانَا إِنَّ أَبْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ

وَسَأَلَ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَدِيقُونَ

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يٰٓأَسْفَىٰ عَلَىٰ يُونُسَ وَأُبَيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَوْا تَذْكُرُ يُونُسَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحُزْنِىَ إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

گفت باشد پناه من به خدا که بگیریم اسیر جز وی را آن که بودست نزد وی کالا ورنه باشیم اهل جور و جفا

چونکه مأیوس از او شدند آنجا پس به سویی شدند بر نجوا مهتر جمع گفتشان آیا؟ نیست پیماتنان برای خدا پدر از ما گرفت آن پیمان و به یوسف چه رفت قبل از آن نروم من مگر به اذن پدر یا خدا بهر ما شود داور و خدا هست بهترین حاکم [ز انکه از کار ماست او عالم

بازگردید و با پدر گویید پسر [جام شاه را] دزدید ما هم از علم خود شویم گواه و نبودیم بهر غیب آگاه

از دیاری که بوده‌ایم در آن تو از آن سرگذشت شو پسران یا از آن کاروان که با آنیم تا بدانی که راستگویانیم

گفت یعقوب نفستان آراست کار و صبر جمیل هم ما راست تا به من جمله بازگرداند و خدا علم و حکمتش داند

پس از آنان بگشت رو گردان هم ز یوسف دریغ داشت بیان و از این غم سفید شد چشمش و فرو خورد در جگر خشمش

پس بگفتند بر خدا سوگند که مکن یاد یوسفت یک چند ورنه آبی در آستان فنا یا هلاکت شود نصیب ترا

گفت من شکوه دل خود را زین غم و درد می‌برم به خدا چیزهایی بدانم از الله که شما نیستید از آن آگاه

يَبْنِيْ اَذْهَبُوْا فَتَحَسَّسُوْا مِنْ يُوسُفَ وَآخِيْهِ وَلَا تَأْيَسُّوْا
مِنْ رَّوْحِ اللّٰهِ ۚ اِنَّهٗ لَا يَأْيِسُ مِنْ رَّوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ
الْكَافِرُوْنَ

فَلَمَّا دَخَلُوْا عَلَيْهِ قَالُوْا يٰٓأَيُّهَا الْعَزِيْزُ مَسَّنَا وَاهْلُنَا الضُّرُّ
وَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُّزْجَلَةٍ فَاَوْفِ لَنَا الْكِیْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا ۖ
اِنَّ اللّٰهَ یَجْزِی الْمُتَصَدِّقِيْنَ

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِیُوسُفَ وَآخِيْهِ اِذْ اَنْتُمْ جَاهِلُوْنَ

قَالُوْا اَءَنْتَ یُوسُفُ ۖ قَالَ اَنَا یُوسُفُ وَهٰذَا اَخِیْ ۖ قَدْ
مَنَّ اللّٰهُ عَلَيْنَا ۚ اِنَّهٗ مَنْ يَّتَّقِ وَيَصْبِرْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا یُضِیْعُ
اَجْرَ الْمُحْسِنِيْنَ

قَالُوْا تَاللّٰهِ لَقَدْ ءَاثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَاِنْ كُنَّا لَخٰطِیِّیْنَ

قَالَ لَا تَثْرِیْبَ عَلَیْكُمْ الْیَوْمَ ۖ یَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ وَهُوَ اَرْحَمُ
الرَّحِیْمِیْنَ

اَذْهَبُوْا بِقَمِیصِیْ هٰذَا فَاَلْقُوْهُ عَلٰی وَجْهِ اَبِیْ یَٔتِ بِصِیْرًا
وَاُتُوْنِیْ بِاَهْلِیْكُمْ اَجْمَعِیْنَ

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِیْرُ قَالَ اَبُوْهُمْ اِنِّیْ لَآجِدُ رِیْحَ یُوسُفَ ۖ لَوْلَا
اَنْ تُفَنِّدُوْنَ

قَالُوْا تَاللّٰهِ اِنَّكَ لَفِیْ ضَلٰلٍكَ الْقَدِیْمِ

پسرانم به راهها پویید یوسف و هم برادرش جویید و
مباشید هیچگه نومید از ره رحمت خدای مجید آن گروهی
که اهل کفرانند ناامید از عطای رحمانند

چونکه وارد شدند [ناخرسند] با عزیز این چنین سخن گفتند
که زیانی رسیده است به ما و متاعی است کم کنون ما را
پس بده کیل را به ما به تمام و تصدق به ما کن و انعام که
خدا می‌دهد جزای نکو آنکه را بخشش است شیوهی او

گفت آگه شدید هیچ آیا؟ بهر یوسف چه داشتید روا چونکه
بودید جاهل و کانا

پس بگفتند یوسفی آیا؟ گفت من یوسف این برادر من متنی
حق نهاد بر سر من هر که باشد صبور و با تقوا نکند حق تباه
اجرش را

پس بگفتند که قسم به خدا که خدا ساخت برترت از ما نیز
بودیم ما به راه خطا

گفت توبیخ نیست بهر شما بهرتان از خدا بود غفران ارحم
الراحمین بود رحمان

ببرید این لباس سوی پدر بکشیدش به روی وجه و بصر
بازگردد برای چشمش دید پس همه خانواده را آرید

کاروان رفت و پس بگفت پدر بوی یوسف شنیده‌ام ایدر گر
که حکم جنون به من ندهند

پس بگفتند بر خدا سوگند که به گمراهی قدیمی تو [با
خیالات خود ندیمی تو]

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ ۖ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ۚ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ

قَالَ سَوْفَ أُسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي ۖ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُسُفَ عَاوَىٰ إِلَيْهِ أَبْوِيهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ

وَرَفَعَ أَبْوِيهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَأْبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءُوسِي مِنْ قَبْلُ ۖ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۚ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ

ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۚ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ

آمد و جامه را فکند بشیر به رخ آن نبی و گشت بصیر گفت آیا نگفته‌ام به شما؟ که منم آگه از پیام خدا آنچه را نیستید از آن آگاه

پس بگفتند اینکه یا ابناء بر گناهان ما تو غفران خواه که شدیم اهل اشتباه و گناه

گفت خواهم برایتان غفران از خداوند قادر منان به یقین نزد او بود غفران مهربان است هم به خلق جهان

چون به یوسف در آمدند آنان خواند در نزد خویشان ابوان گفت در مصر در شوید شما و بمانید اگر که خواست خدا

والدینش به تخت برد فرا جمع در سجده افتاد او را گفت تأویل ای پدر این است که به رؤیای عهد پیشین است داشت احسان مرا خدای جهان و برآورد از دل زندان و شما را ز بادیه آورد پس از آنکه که دیو وسوسه کرد بین اخوان و من فکند فساد [و نبودند در طریق سداد] لطف دارد خدا به هر کس خواست به یقین او حکیم و بس داناست

ای خدا داده‌ای تو ملک مرا یاد دادی ز معنی رؤیا آفرینی تو این زمین و سما تو ولیّ به دنیا و عقبا تو بمیران مرا به مذهب حق و به نیکان مرا بکن ملحق

[ای رسول آن خبر که بود نهان وحی سوی تو گشت از یزدان و نبودی تو همراه ایشان مکرها داشتند همدستان

خلق اکثر نیاورند ایمان گر چه باشی حریص بر ایشان

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

و نخواهی تو اجرتی زیشان نیست جز ذکر بهر عالمیان

وَكَايْنٍ مِّنْ ءَايَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ

۱۰۵
۲۰۴ر

در زمین و سما بسی است نشان بگذرند و شوند رو گردان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُّشْرِكُونَ

۱۰۶

و ندارند اکثرا ایمان شرک ورزند بهر خالقشان

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ
السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۱۰۷

ایمنند از عذاب حق آیا؟ که فرا گیرد آن جماعت را یا قیامت
فرار رسد ناگاه و نباشند هیچ از آن آگاه

قُلْ هَذِهِ سَبِيلُ أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ
اتَّبَعَنِي ۖ وَسُبْحَنَ اللَّهُ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

۱۰۸

گو در این راه من شدم راهی سوی حق خوانمت به آگاهی
من به همراه جمع متقیان نیستم مشرک حق سبحان

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ مِّنْ أَهْلِ
الْقُرَى ۚ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا
تَعْقِلُونَ

۱۰۹

نفرستاده‌ایم پیش از این انبیا را مگر به وحی متین در همه
روستا و شهر آیا می‌نگردند در زمین خدا؟ بنگرند آنکه
چیست آخر کار؟ بهر اقوام پیش در ادوار آخرت به بود به
اهل تقا نیست آیا خرد برای شما؟

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ
نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَّشَاءُ ۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ
الْمُجْرِمِينَ

۱۱۰

بود هر قوم انبیا به گمان که بگویند کذب با ایشان تا
رسولان شدند از آن نوמיד یاری ما برای‌شان برسید خشم
ما رد نمی‌شود ز اثیم و رهایی است هرکه را خواهیم

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۚ مَا كَانَ حَدِيثًا
يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ
شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

۱۱۱

عبرت است این قصص به اهل خرد سخن کذب و افترا نبود
لیک تصدیق نامه‌ی پیشین و به هر چیز می‌شود تبیین
رحمت است و هدایت رحمان از برای گروه با ایمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْمَرْ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

۱
۲۰۵۵

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ
عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ
مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ
تُوقِنُونَ

۲

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ
الْثَمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ إِنَّ
فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

۳

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ
وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِصِلُ
بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يَعْقِلُونَ

۴

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَعْنَا لَفِي خَلْقٍ
جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلُلُ فِي
أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۵
حزب
۱۰۰

[الف و لام و میم و را آمدرازی از سویی کردگار احد]
آن نشانهاست از کتاب خداو آنچه از حق نزول یافت ترا
بیشتر مردم جهان امانیست ایمان به واقع ایشان را

آن خدایی که بر فراشت سماییستونی که بینی آنها را
شد مسلط به عرش بر تدبیرمهر و مه را گرفت در تسخیر
همه در مدتی دقیق روانکارگرداند و آیه کرد بیان
شاید ای قوم آورید ایمان بهر دیدار رب عالمیان

آنکه گسترد ارض و ساخت در آن کوههای بلند و آب روان
از همه میوهها دو زوج نهادپرده شب از او به روز افتاد
به یقین هست آیهها در آن بهر اندیشهی خردمندان

در زمین با قطاع جوراجورباغهایی ز کشت و از انگور
نیز نخل دو پایه و یک پایا یکی آب می شوند اسقا
پاره ای بار بهتری آردزان نشانهاست بهر اهل خرد

گر تعجب کنی عجیب است آن سخنانی که می کنند بیان
که بگردیم خاک و پس آیا؟ خلق گردیم بار دیگر ما
کافرنده آن کسان به رب جهان هست زنجیرها به گردنشان
آن کسانند یار بر نیران و مقیمند جاودانه در آن

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ
قَبْلِهِمُ الْمَثَلَتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ
وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّْمَا
أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ
وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ

عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ

سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ
مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ
اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ
وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ
مِنْ وَاٍلٍ

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ
الثِّقَالَ

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَكُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ
الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ
وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ

از تو خواهند کیفری به شتاب پیش از لطف خواستند عذاب
گرچه دادیم پیش از ایشان هم بهر عبرت بسی بلا به امم
حق بود خلق را خطا بخشاو شدید است هم عذاب خدا

کافران گفته اند اینکه چرا؟ نشود نازل آیه های خدا
نیست بر تو به غیر دادن بیم هست از بهر هر گروه زعیم

داند از حمل مادگان یزدان وانچه می کا هد از بسی زهدان
وانچه افزون شود همه مقدار[هست در نزد ایزد قهار]

عالم آشکار و پنهان است و بلند و بزرگ یزدان است

هست بهر شما سخن یکسان گر که ظاهر کنید یا پنهان
آنچه باشد به شب ز چشم نهان وانکه گردد به نور روز روان

هست مأمور بهر او در پی که به امر خداست حافظ وی
هست از پیش و پشت نیز او راکه بود حافظش به امر خدا
خلق را حق نمی دهد تغییر مگر آنکه که خود شوند بصیر
گر بدی خواست بهر شان یزدان چه کسانی شوند مانع آن
سرپرستی به غیر یزدان نیست پس توکل به دیگران از
چیست؟]

برق را او دهد نشان به شما که امید است و بیم جمعی را
نیز ابر گران کند ایجاد

رعد بر حمد او کند فریاد
و ملائک ز خوف ربّ جلیل غرش آتشین کنند گسیل
هر که را خواست می رساند آن و جدل آورند در یزدان
و عذاب خدا بسی است گران پس بترسید از ره عصیان

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبْسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝

سجده آرند از برای خداجملهی ساکنان ارض و سما
خواه و ناخواه بامداد و پسین

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَبَّهُهُ خَلَقَ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

گو که ربّ است بر سپهر و زمین؟

و چه گیرید بهر حق یاران که ندارد به خویش سود و زیان

گو که بینا برابر است به کور؟ یا که ظلمت مساوی است به نور؟

و نهادند بهر حق شرکا که بسازند همچو خلق خدا

امر شد اشتباه بر آنان همه را خلق می‌کند یزدان

که خدا هست واحد و قهار [نیست دست کسی دگر در کار]

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

آب از آسمان فرو باریدو از آن جوی و رود گشت پدید

سیل کفها گرفت و گشت روان مثل کفها که هست از نیران

زانچه در کوره‌ها بپزد از نذریب و آلات زندگی سازند

مثلی را که می‌زند یزدان همه از حق و باطل است نشان

کف برفت از میان و ماند به جا آنچه سود آور است مردم را

آنچنان می‌زند خدا امثال بهر اندیشمند در هر حال

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

بر مجیبان حق دهند عطاور نخواهند دعوت حق را

گر متاع زمین دو چندان بود و انهم از بهر جمع ایشان بود

گر همه چیز را فدا بدهند از حساب بدو جزا نرهند

هست دوزخ بر ایشان مأوا و چه جای بدی است آنان را

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ
أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

آنکه داند بحق هر آنچه خدا کرد نازل به سوی تو آن را
گو مساوی بود به کور آیا؟این تذکر بود به اهل نهی

که به پیمان حق بیوستندهم وفا کرده عهد نشکستند

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ

نیز پیوند می‌کنند به آن‌کز خدا بوده بهر آن فرمان
در دل از حق برایشان اربابو بترسند هم ز سوء حساب

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا آمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ

آنکه صابر بود برای خداو نماز خدا کند بر پا
وانچه باشد ز روزی آنان رادر نهان و عیان کنند عطا
و بدی را به خیر بردارندو سر انجام نیک هم دارند

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَانْفَقُوا
مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ
أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ

پس درآیند در نعیم جان‌همره باب و زوج و فرزندان
گر که باشند نیک و بهر دروداز همه در کند فرشته ورود

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ
وَذُرِّيَّتِهِمُ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ

بهر صبر شماسست این شاباشو چه خوب است آخرین پاداش

سَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعَمَ عُقْبَى الدَّارِ

وانکه عهد خدای را بشکست‌بعد از آن موقعی که پیمان
بست
و انکه از جان برید و بگسستش‌آنچه فرمود حق به
پیوستش
وانکه افساد می‌کند به زمین‌بهرشان کیفر است و هم نفرین

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا
آمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ
الْعَنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

بسط رزق کسان به دست خداستو بگیرد همان ز هر کس
خواست
شاد از زندگانی دنیااست‌عمر دنیا به آخرت کالاست

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَعٌ

کافران گفته‌اند اینکه چرا؟نیست نازل نشانه‌ای ز خدا
حق کند گمره آن گروه که خواستو به تائب نشان دهد ره
راست

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ
إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ

مؤمن مطمئن به ذکر خداذکر حق امن می‌کند دلها

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ
تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

بهره‌ی مؤمنان نیک اعمال‌خوبی و پاکی است و حسن مآل

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ

آنچنان ای پیمبر رحمت‌تو رسول آمدی بر این امت
بس امم بوده‌اند پیش از آن‌تو ز وحی خدا بر آنان خوان
کافرند این گروه بر رحمان‌گو که ربّ من است ربّ جهان
نیست معبود غیر آن یکتامرجع و هم و کیل اوست مرا

كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ
عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ
رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ

۳۰

گر خدا با وسیله‌ی قرآن‌کوهها را کند به راه روان
پاره پاره شود تمام زمین‌ور که با مردگان شود تبیین
کارها جمله هست از آن خدانیست باور به مؤمنان آیا؟
همه مردم روند راه خداگر بخواهد خدای بی‌همتا
کافران را همیشه هست نصیب‌خشم کوبنده یا بلای قریب
تا رسد وعد حق سوی آنان‌نیست حق را خلاف در پیمان

وَلَوْ أَنَّ قُرْعَانًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ
كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَأْتِشِ الَّذِينَ
ءَامَنُوا أَن لَّو يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ
الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا
مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

۳۱

سخره کردند انبیای قدیم‌مهلتی بهر کافران دادیم
پس گرفتیمشان به درد و عذاب دیدی آنک چگونه بود
عقاب

وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا
ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

۳۲
رعد
۲۰۹

آنکه آگه بود ز کار کسان هست آیا به غیر او یکسان؟
و نهادند بهر حق شرکاگو بنامید حق همینها را
یا خبر می‌دهید بر الله‌سخنی را که نیست زان آگاه
از سخن لفظ و ظاهری بر جاست‌مکر کفار این سخن آراست
باز دارند مردمان ز سیل‌گمره حق نیافت هیچ دلیل

أَفَمَن هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ
شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ
يُظَاهِرُ مِنَ الْقَوْلِ بَلْ زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَصُدُّوا
عَنِ السَّبِيلِ وَمَن يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ

۳۳

بهر آنان عذاب در دنیاست‌هم از آن سخت‌تر به روز
جزاست
و چه کس یار بهر ایشان است؟ کز عذاب خدا نگهبان است

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُم
مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ

۳۴

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
أُكْلُهَا دَائِمٌ وَظُلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى
الْكَافِرِينَ النَّارُ

مثل جنتی که ربّ جهان وعده دادست بهر متقیان
میوه‌اش دائم است و سایه همان‌زیر اشجارش آب‌های روان
عاقبت هست بهر متقیان کافران راست عاقبت نیران

وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنْ
الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ
وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَعَابِ

آن جماعت که حق کتابش دادبهر منزل به توست خرم و شاد
پاره‌ای پاره‌ای کنند انکارگو منم بر پرستش دادر
سخن شرک را ندانم راست‌بازگشت و دعای من به خداست

وَكَذَلِكَ أُنزِلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ
مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ

و فرستاده‌ایم این فرمان‌به زبان عرب فصیح و روان
گر شوی تابع تمایلشان‌پس از این علمت از سوی یزدان
نیست یار و نگاهدار تو را از مجازات ایزد یکتا

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً
وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ
كِتَابٌ

و فرستاده‌ام رسولی چندپیش از این نیز با زن و فرزند
ناتوانند کاورند نشان‌جز به اذن خدای عالمیان
هر زمانی نوشته‌ای دارد

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

هست ام کتاب نزد احد
هر چه را خواست محو ساخت خداهر چه را خواست می‌کند
ابقا

وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا
عَلَيْكَ الْبَلَّغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ

گر ببینی تو پاره‌ای ز وعیدکه به آنان دهیم گشته پدید
یا بریمت از این جهان به شتاب‌بر تو ابلاغ و بر من است
حساب

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ
يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

ننگرند آن کسان مگر این را که بکاهیم در زمین هر جا
که جلوگیر حکم یزدان است؟ و حساب خدا شتابان است

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا
تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفْرُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ

مکر کردند پیشتر زانان و همه مکرهاست از یزدان
آگه از کار هر کس و کفارزود داند زکیست عقبی الدار

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا
بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

۱۳:
رعد
۴۳
/۴۳

کافران حرف تو کنند انکار که نه ای مرسل از سوی دادار
گو که ام کتاب نزد خداست حق گواهی میان ما و شماست

۱۴. ابراهیم

إِبْرَاهِيمَ: ابراهیم

مکی

۵۲ آیه

۷ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى
النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

۱
۲۱۱ ر

[الف و لام و را که آغاز است بین حق و رسول او راز است
این کتابی است نازل از یزدان تا برون آوری تو آدمیان
از سیاهی به روشنایی ها ذن پروردگار هست ترا
به ره آن خدای قدرتمند که و را کائنات بستایند

اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَوَيْلٌ
لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

۲

آن خدایی کز او بود به یقین آنچه باشد در آسمان و زمین
وای بر کافران ز کیفر سخت که کسی نیست مثلشان بدبخت

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن
سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

۳

هر که این زندگانی دنیا برگزیند به نعمت عقبا
بازدارنده از طریق خداست در ضلال است و کج کند ره
راست

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ ۚ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ
اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۴

هر رسولی که ما فرستادیم هم به او لفظ قوم او دادیم
تا به قومش بیان کند حق را و خدا قادر است و هم دانا
هر که را خواست میبرد از راه هر که را خواست می کند آگاه

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِنَا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ
صَبَّارٍ شَكُورٍ

۵

و فرستاده ایم موسی را با نشانهای قادر یکتا
که شود منجی امت خود را تا به یاد آورند روز خدا
تا ز ظلمت روند جانب نوروان نشانهاست بر مبور و شکور

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ
أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَالٍ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ
بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

چونکه موسی بگفت قومش رایاد آرید مهر و لطف خدا
چون ز فرعون ساختیم رهاجاتان را که می‌کشید بلا
پسران را به جور می‌کشتند دختران لیک زنده می‌هشتند
بود بهر شما بلای بزرگ آزمون بود از خدای بزرگ

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ
كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

و به یاد آرید وقتی راکه بیان داشت کردگار شما
گر سپاس خدا کنید کنون نعمت خویش را کنیم افزون
ور که روی آرید بر کفران کیفر من بسی است سخت و
گران

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ
اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ

گفت موسی به قوم خویش که هان‌گر شما و تمام اهل جهان
روی آرید در ره کفران حق حمید است و بی‌نیاز از آن

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ
وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَعْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا
أُرْسِلْتُمْ بِهِء وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ

و مگر بر تو ماجرا ننمودحق ز اقوام نوح و عاد و ثمود
هم ز اقوام بعد از آنان نیست آگاه کس مگر یزدان
شد چو ارسال بینات و پیام‌پس بگفتند دستها در کام
ما نداریم بهرتان باور بدگمانیم از آن پیام و خبر

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ
مُسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا
عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ

پس بگفتند شک بود آیا؟ در پدید آور زمین و سما
او کند دعوت از شما شایدکه گناهاتان ببخاشد
یا به تأخیر افکند کیفرتا زمان معین دیگر
پس بگفتند مثل ما بشریددوست دارید تا ز ره ببرید
از عبادت به شیوهی پدران‌پس بیارید یک دلیل عیان

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ
يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ
بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

پس بگفتند انبیای خداما بنی آدمیم مثل شما
لیک حق خواست هر که را ز عبادیهر آن جمع منتی بنهاد
توانیم کاوریم دلیل جز به اذن خدای حی جلیل
آن کسانی که آورند ایمان متوکل شوند بر یزدان

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ
عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

نیست از بهر ما رهی آله که سپاریم کار خود به خدا
و نشان داده ره به ما غفارتا شکبیا شویم بر آزار
باید اهل توکل از ایمان کار خود بسپرنند بر یزدان

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ
لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ

پس بگفتند با رسل کفار که برون آوریمتان ز دیار
جز که بر راه قوم باز آییدوحی پس بر پیمبران برسید
که ستمگر ز خاک برچینیم

وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ
مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ

و شما را به حکم بگزینیم
این سزای کسی که می ترسیداز مقام خدا و نیز وعید

وَأَسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

فتح چون خواستند شد نومیدهر کس از جمع سرکشان عنید

مِّنْ وَرَآيِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ

پس از آن می رسد جحیم بر اوتا بنوشد ز آب بس بدبو

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ
مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۖ وَمِنْ وَرَآيِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ

و بنوشد خلاف میل آن را برسد مرگ بهرش از هر جا
و بمیرد در این غم و خذلان پس از آن هم بود عذاب گران

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ
الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ ۖ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ۚ
ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

مثل کار کافران به سدادهمچو خاکستریست در ره باد
هیچ از آنها به دستشان نرسیداین بود بهرشان ضلال بعید

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَاشَأُ
يُذْهِبُكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

می‌بینی که قادر مطلق آفرید آسمان و ارض به حق
گر بخواهد برد شما و پدید آورد بعد از آن گروه جدید

۲۰

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

نیست این مشکل از برای خدا [که همه خلق را کند افنا]

۲۱

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا
كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّعْنُونَ عَلَيْنَا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ
مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَّيْنَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا
أَجَزَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ

خلق نزد خدا شود ظاهرهم ز مستضعف و ز مستکبر
قوم مستضعفان دهند ندای پیروی داشتیم راه شما
پس هم اکنون به عرصه‌ی محشر بدر آرید مان از این کیفر
پس بگویند اگر شویم ره‌ارهنمون می‌شویم بهر شما
هم مساوی است اضطراب و شکیب نیست راه گریز از
تعذیب

۲۲
۲۱۴۲

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ
الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ
سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي
وَلُمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ
إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ

اهرمن این چنین دهد پیغام چون به کفار کار گشت تمام
به شما وعد حق بداد خدا وعد من کذب بود بهر شما
بهرتان من نداشتم برهان و پذیرفته‌اید از من آن
پس نکوهش به من نبود روا و نکوهش کنید از آن خود را
من نیم دادرس برای شما و شما نیز نیستید مرا
من نیم منکر خدای قدیم بر ستمگر بود عذاب الیم

۲۳

وَأُدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرَى
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا
سَلَامٌ

مؤمن نیک می‌شود به جنان جاودانه به اذن رب جهان
زیر اشجارش آبهای روان و سلام است هم تحیتشان

۲۴

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ
أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

زد مثل هر کلام پاکی را به درختی لطیف و پاک خدا
ریشه‌اش ثابت است و میوه‌ی آن هست در آسمان به جلوه
عیان

تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ
الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ
دَارَ الْبَوَارِ

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ
مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ

قُلْ لِّعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا
رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ
وَلَا خِلاَلٌ

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ
الْفُلُكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآبِّينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ
وَالنَّهَارَ

میوه‌هایش به هر زمان برسد به مقیمان به اذن حی احد
بهر مردم مثل زند غفارتا بود بهر مردمان تذکار

مثل گفتهی پلید شمار هیزمی کنده از زمین بی‌بار

مؤمنان را خدا کند ستواردر دو دار از ثبات در گفتار
و کند گمره اهل جور و جفامی‌کند آنچه را که خواست خدا

آنکه تغییر داد لطف خدابه هلاکت کشاند قومش را

بد مقری است دوزخ آنان را

و نهادند بهر حق شرکا
و فتادند در طریق ضلال بهرشان یک دو روز هست مجال
گو بگردید کامیاب از آن بازگشت شماس‌ت در نیران

تو بگو بهر بندگان خدا آن کسانی که مؤمنند به ما
که نماز خدا کنند به پابخشی از رزق خود کنند عطا
به عیان و نهان و پیش از آن‌که نباشد فروش و نه یاران

آنکه ارض و سما نمود عیان و فرستاد از آسمان باران
و برآورد میوه‌ها از آن بهر روزی برای خلق جهان
رام گرداند فلک بهر شماتا به اذنش روید بر دریا
و مسخر کند برای شمارودها را [مثال دریاها]

رامتان ساخت مهر و مه در کاررامتان ساخت نیز لیل و نهار

وَعَاتِلْكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ ۖ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي ۖ وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ ۖ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ ۚ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفِيلًا ۖ عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ ۚ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ

آنچه را خواستید از رحمان داد بهر شما ز لطف همان
شمرید ار عطای یزدان را نتوانید بشمرید آن را
به یقین بس ستمگر است انسان ناسپاس است بر خدای
جهان

با خدا چونکه گفت ابراهیم این بلد را بدار امن و سلیم
هم مرا دور دار و اولاد که عبادت کنیم بهر صنم

بسی از مردمند گمره از آن از من است آنکه می برد فرمان
وانکه در امر من کند عصیان پس تویی مهربان و ذو غفران

ای خدا بهر خانواده ی من در بیابان خشک شد مسکن
نزد بیت الحرام تو ربا که نماز ترا کنند به پا
دل مردم به سویشان گردان وز همه میوه دار روزی شان
شاید آنان شوند شکر گزار [بهر پروردگارشان در کار]

ای خدا آگهی ز سرّ و عیان نیست چیزی نهفته بر یزدان
آنچه باشد در آسمان و زمین هست آگاه از آن خدا به یقین

حمد بهر خدای ربّ جلیل به من اسحاق داد و اسماعیل
وین به سن کبر بداد مرا ربّ من بشنود ز خلق دعا

من و اهل نماز خوان گردان و دعایم پذیرای یزدان

من و هم والدین و اهل یقین تو بخشا گنه به یوم الدین

نه گمان کن که غافل است خدا آنچه انجام داد اهل جفا
که به تأخیر افکند کیفر بهر روزی که خیره است نظر

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ ^ط وَأَفْعِدَتْهُمْ
هَوَاءً

در شتابند و سر کنند فراز چشمشان از نگاه ماند باز
دلشان مانده خالی از آمال این چنین است کافران را حال

بیم ده مردمان ز روز جزا پس بگویند ظالمان به خدا
که پس افکن برای ما تعذیبتا زمانی دگر زمان قریب
دعوتت را اجابتی آریم وز رسل نیز پیروی داریم
و قسم خورده‌اید پیش از حال‌که ندارید ره به سوی زوال

وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا
رَبَّنَا أَخْرِنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نُحِبِّ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعُ الرَّسُولَ ^ط
أَوْ لَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ

و به جایی گرفته‌اید مکان‌که به خود داشتند ظلم در آن
آگهی داشتید از کیفرکه چه آمد ز کارشان بر سر
ما زدیم از برایتان امثال تا برآیید از طریق ضلال

وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُم
كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ

بودشان مکر و نقشه‌ها در سرکه از آنها خداست مستحضر
نیست هرگز ز مکرشان به زوال‌هرچه در روی ارض هست
جبال

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ
لَيَازُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ

و خلاف خدا گمان مکنیدزآنچه از انبیا رسید وعید
و خدا کامل است در قدرت‌آنچنان نیز هست در نعمت

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخِيفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو
انْتِقَامٍ

چونکه ارض و سما شود تبدیل‌جمع گردند نزد حی جلیل

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ ^ط وَبَرَزُوا لِلَّهِ
الْوَحِيدِ الْقَهَّارِ

مجرمان را به هم بپیوندندو به زنجیر دست و سر بندند

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

همه دارند جامه از قطران‌رخشان مانده در پس نیران

سَرَابِيلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهَهُمُ النَّارُ

حق دهد بهر کار خلق جزاو سریع است هم حساب خدا

لَيَجْزِيَّ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ
الْحِسَابِ

این پیام است بهر مردم و بیم‌تا بگیرند مردمان تعلیم
کوست معبود و واحد است واحدتا بگیرند پند اهل خرد

هَذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا بِهِ ۚ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ
وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الرَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْءَانٍ مُبِينٍ

[الف و لام و را که آغاز استبیین حق و رسول او راز است
آن نشانهاست از کتاب خداهم ز قرآن آشکار نما

رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ

کافران آرزو کنند بساکاش اسلام بود مذهب ما

ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

بگذار اهل کام در خور و کامزود آگه شوند [از فرجام

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ

هیچ شهری نشد به راه فناجز که مکتوب بود اهلش را

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَعْجِرُونَ

نه پس آریم سرنوشت اممو نه پیش افکنیم آن را هم

وَقَالُوا يَأْتِيهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ

ای که شد بر تو ذکر حق نازلگفته‌اندت جنون بود در دل

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

از چه بر ما ملک نمی‌آری؟سخن صادقانه گر داری

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ

نکنم جز به حق ملک تنزیل نیست آنگاه بهرشان تمهیل

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

ما فرستندگان تذکاریم‌نیز آن ذکر را نگه داریم

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شَيْعِ الْأَوَّلِينَ

بس رسل بهر ذکر پیش از تستدر میان گروههای نخست

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

نیست در هیچ قوم پیغمبرجز که بر او شوند مسخره‌گر

كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ

آنچنان راه می‌دهم قرآن‌در دل دسته‌ی گنه کاران

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ

نیز جمعی نیاورند یقین‌و چنان بود شیوه‌ی پیشین

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ

گر گشاییمشان دری ز سماو از آن همچنان شوند فرا

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَرُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ

پس بگویند چشم ما بندندهما فسون گشته‌ایم با ترفند

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ

برجها در سما دهیم مقررکه به بینندگان بود زیور

وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ

و نگهداری از سپهر کنیماز فسونها و سحر و دیو رحیم

إِلَّا مَنْ أَسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ وَشِهَابٌ مُبِينٌ

جز که دزدانه گوش داد فرابه شهاب مبین زنند او را

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ

و زمین گستریم از هر سوو در او کوه کردهایم فرو
نیز رویاندهایم بس افزون هر چه سنجیده بود و هم موزون

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ

زندگی می‌دهیم بهر شماو انکه رازق شما نه‌اید او را

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ

هست با ما خزائن اموالو به اندازه می‌کنیم ارسال

وَأَرْسَلْنَا الرِّيْحَ لَوَفِحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ

و فرستاده‌ایم هر جا ریح‌تا کند ابر و کشت را تلقیح
آب را از سما فرستادیم‌به شما آب زندگی دادیم
و شماپید بهر آب روان‌توان از نگاهداری آن

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ

زنده سازیم و هم بمیرانیم‌مرده ریگ جهان ز خود دانیم

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمُ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ

خوب دانیم کار خلق زمین‌خلق پیشین و نیز خلق پسین

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

و خدا جمع سازد آنان راهست یزدان حکیم و هم دانا

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

آفریدیم آدمی از خاک‌گل بدرنگ و خشک و هم بوناک

وَالْجَبَّارِ فَخَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ

آفریدیم ز آتش این پریان‌پیش از اینها ز آتش سوزان

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

گفت رب با ملک بشر را چون‌آفریدم من از گل مسنون

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ وَسَجِدِينَ

پس بیرداختم دمیدم هم‌روح خود را به پیکر آدم
پس در آبیید بهر او به سجود

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

ملک آورد سر به سجده فرود

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ

غیر ابلیس کو نکرد سجودو نیاورد سر به حکم فرود

گفت ای اهرمن بگو به چه روسر نیاورده‌ای به سجده فرو	قَالَ يٰٓإِبْلِيسُ مَا لَكَ اَلَّا تَكُوْنَ مَعَ السَّٰجِدِيْنَ	۱۵: حجر ۳۲/۹۹
گفت سجده نیاورم بر خاک‌خاک خشکیده و گل بوناک	قَالَ لَمْ اَكُنْ لِاسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ	۳۳
گفت بیرون رو ای رحیم لعین	قَالَ فَاخْرِجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيْمٌ	۳۴
تا به روز جزا به تو نفرین	وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ اِلٰى يَوْمِ الدِّينِ	۳۵
گفت تا حشر زنده‌ام می‌دار	قَالَ رَبِّ فَاَنْظِرْنِي اِلٰى يَوْمٍ يُبْعَثُوْنَ	۳۶
گفت مهلت دهیم بر این کار	قَالَ فَاِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِيْنَ	۳۷
نیز وقتی معین است ترا	اِلٰى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوْمِ	۳۸
گفت یا رب به جای این اغوا ارض سازم بر ایشان زیورو به گمراهی آورم یکسر	قَالَ رَبِّ بِمَا اَغْوَيْتَنِيْ لَازِيْنَنَّ لَهُمْ فِى الْاَرْضِ وَلَا اُغْوِيَنَّهُمْ اَجْمَعِيْنَ	۳۹
بجز از بندگان پاک خدا	اِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِيْنَ	۴۰
گفت این راه راست هست مرا	قَالَ هٰذَا صِرَاطٌ عَلٰى مُسْتَقِيْمٍ	۴۱
چیرگی نیست از تو بر ایشان‌غیر گمراه و پیرو شیطان	اِنَّ عِبَادِىْ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنٌ اِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِيْنَ	۴۲
وعده‌گاه همه بود در نار[این بود جای مردم بدکار]	وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ اَجْمَعِيْنَ	۴۳
هفت در دارد و به هر در آن‌دسته‌ای می‌روند در نیران	لَهَا سَبْعَةُ اَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُوْمٌ	۴۴
متقینند در عیون و جنان	اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِىْ جَنَّتٍ وَعُيُوْنٍ	۴۵ ۲۲۱ ر
واردین با سلام و امن و امان	اَدْخُلُوْهَا بِسَلٰمٍ ؕ اٰمِنِيْنَ	۴۶
کینه از سینه‌ها برون آریم‌همه را چون برادران داریم تختها رو به روی یکدیگر	وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُوْرِهِمْ مِّنْ غِلٍّ اِخْوَانًا عَلٰى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِيْنَ	۴۷
و ندارند از ستوه خبر و نه از آن مکان برون آریم	لَا يَمَسُّهُمْ فِيْهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِيْنَ	۴۸
بندگانم منم غفور و رحیم	نَبِیُّ عِبَادِیْ اَنِّیْ اَنَا الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ	۴۹
و عذابم بود عذاب الیم	وَاَنَّ عَذَابِیْ هُوَ الْعَذَابُ الْاَلِيْمُ	۵۰ حزب ۱۰۶
یادشان آر ضیف ابراهیم	وَنَبِّئُهُمْ عَن ضَیْفِ اِبْرٰهِيْمَ	۵۱

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَمًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ

با سلام آمدند مهمانان گفت من هستم از شما ترسان

۵۳

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَالِمٍ

پس بگفتند تو مترس از مامژده بر تو به کودکی دانا

۵۴

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَى أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبَشِّرُونَ

گفت پیری رسیده است مرا به چه چیزی دهید مژده شما

۵۵

قَالُوا بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ

پس بگفتند مژده ای است به حق نیز نومید هم مشو مطلق

۵۶

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ

گفت نومید رحمت یزدان نیست کس جز ز جمع گمراهان

۵۷

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

پس بگفتا که چیست امر شما؟ ای فرستادگان ز سوی خدا

۵۸

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

پس بگفتند ما شدیم روان سوی آن فرقه ی گنهکاران

۵۹

إِلَّا عَالُ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّهُمْ أَجْمَعِينَ

بجز از آل لوط پیغمبر که رهایی ده میشان یکسر

۶۰

إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ قَدَرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ

همسرش را نوشته ایم از پیش که بماند به شهر و خانه ی خویش

۶۱

فَلَمَّا جَاءَ عَالُ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ

چون ملایک به آل لوط رسید

۶۲

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ

گفت ای قوم ناشناخته اید

۶۳

قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ

پس بگفتند آوریم همان که تو گویی و [شک کنند در آن

۶۴

وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

حق رسانیم و صدق در گفتار

۶۵

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَرَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ
مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ

پاسی از شب تو اهل خویش بر آر
از پی اهل خود تو باش روان و مباشید هیچ رو گردان
و شوید از دیار و شهر به دور به همان جا که می شوی مأمور

۶۶

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ
مُّصْبِحِينَ

ساختیمش ز امر خود آگاه که شود قوم ریشه کن به پگاه

۶۷

وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ

آمدند اهل شهر بس شادان

۶۸

قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ

[لوط] گفتا مرا بود مهمان

۶۹

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَخْزُونِ

اهل تقوا شوید بهر خدا و مریزید آبروی مرا

۷۰

قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ

پس بگفتند بود گفته ی ماکه نیاری تو میهمان اینجا

گفت این دختران من آیاعامل کار صالحید شما؟	قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ	۱۵: حجر ۷۱/۹۹
آن جماعت به جان تو سوگندسخت سرگرم سکر خود بودند	لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ	۷۲
میخه‌ای در ربودشان به پگاه	فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ	۷۳
گشت ویران دیارشان آنگاه سنگباران شدند از سجیل	فَجَعَلْنَا عَلَيْهِمَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ	۷۴
وان نشانه‌است بهر قوم عقیل	إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ	۷۵
به یقین بین ره مقیم است آن	وَإِنَّهَا لِبِسْبِيلٍ مُّقِيمٍ	۷۶
و در آن بهر مؤمن است نشان	إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ	۷۷
بود اصحاب ایکه اهل جفا	وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لظَالِمِينَ	۷۸
[کرد تکذیب مرسلین خدا] انتقامی گرفتم از آنان‌وان دو شهرند هم به راه عیان	فَأَتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ	۷۹
نیز اصحاب حجر کرد جفاکرد تکذیب مرسلین خدا	وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسِلِينَ	۸۰ ۲۲۳ر
و بدادیمشان بسی ز نشان‌پس از آنها شدند رو گردان	وَعَاتَيْنَهُمْ ءَايَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ	۸۱
در دل کوه خانه‌ها کندندتا که یابند ایمنی ز گزند	وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ	۸۲
میخه‌ای در ربودشان به پگاه	فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ	۸۳
کارشان نیست سودبخش آنگاه	فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ	۸۴
آفریدیم آسمان و زمین‌وانچه در بینشان بود به یقین و به حق می‌رسد زمان جزاپس از ایشان گذشت کن زیبا	وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ ۖ فَاصْفَحَ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ	۸۵
هست پروردگار تو دانازو بود خلقت همه اشیا	إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ	۸۶
حمد و سبع المثانیت دادیم‌نیز قرآن همان کتاب عظیم	وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ	۸۷
چشم بر بهره‌هایشان تو مدارو مشو بهرشان غمین زین کار بال خود کن فرود مؤمن را	لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِٓ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِّلْمُؤْمِنِينَ	۸۸
گو منم منذر مبین به شما	وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ	۸۹
می‌فرستیم همچنان کیفر‌بهر قومی که هست تجزیه گر	كَمَا أَنزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ	۹۰

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ

می‌کند پاره پاره قرآن را

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

ما بپرسیم جمع ایشان را

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

از همه کارهایشان به خدا[و به هر کارشان دهیم جزا]

فَأُصْدِعْ بِمَا تُمَمَّرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

فاش گوی آنچه باشدت فرمان‌مشرکان را تو باش رو گردان

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ

دفع سازیم شر آنان را که تو را آورند استهزا

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

آنکه آورد شرک بهر خدازود بر کار خود شود دانا

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ

می‌شناسیم آنکه [از کفار]سینه‌ات تنگ سازد از گفتار

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ

پس به تسبیح حمد او روی آرو برای خدای سجده بدار

وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ

و پرستش بکن تو ربت راتا رسد گاه مرگ بر تو فرا

۱۶. نحل

التَّحِلُّ: زنبور عسل

مکی

۱۲۸ آیه

۱۵ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

۱
حزب
۱۰۷
۲۲۴ر

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ

آورد روح با فرشته فروبهر امر آنکه را که خواهد او
بهر هشدار خلق و نیست خداغیر من پس شوید با تقوا

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

او به حق آفرید ارض و سمابیز از شرکها بود والا

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ

او ز نطفه بیافرید انسان‌وانگهی او مجادلی است عیان

وَالْأَنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

چارپا آفرید بهر شماکه از آن پوشش است و سود و غذا

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ

نیز هستند زیب بهر شمارفت و برگشتشان به راه و چرا

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ
الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَّءُوفٌ رَّحِيمٌ

بارتان را کشد به سوی بلادخود نیارید جز به رنج زیاد
به یقین ربّ خلق هست رءوف و به نعمت بود رحیم و عطوف

وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرْكُبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا
تَعْلَمُونَ

آفریند ز اسب و استر و خراز برای سواری و زیور
آفریند هنوز مرکبهاکه شما نیستید از آن دانا

وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَنَكُمْ
أَجْمَعِينَ

هست بر حق نمودن ره راست و بس از راهها فریب و
خطاست
بهره می‌داد گر خدا می‌خواست همه را از هدایت و ره راست

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَّكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ
شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ

اوست آن کس کز آسمان بارید آب باران از آنچه می‌نوشید
و از آن هم درخت شد پیدا که در آن دام می‌بری به چرا

يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَبَ وَمِنْ
كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

کشت و انگور و نخل هم زیتون و ز همه میوه‌های گوناگون
همه رویاند بهرتان و در آن آیتی هست بر خردمندان

وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومُ
مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

رامتان ساخت روز و شب مه و مهر نیز جمع نجوم را به سپهر
همه رامند بهرتان و در آن آیتی هست بر خردمندان

وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَنُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

آفرید از برایتان به زمین چیزهای دگر همه رنگین
و در آن چیزها بسی است نشان بهر قومی که پند گیرد از آن

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا
وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ
فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ساخت تسخیر بهرتان دریاگوشت‌ها تازه داد از آن به شما
و بر آید زیب بهر ثیاب و شکافنده کشتی است بر آب
بهره گیرید از نعیم خدایشوید اهل شکر بلکه شما

وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوْسِي أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَرََا سُبُلًا
لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

کوهها در زمین فکند ایزدکه شما را در آن نلرزاند
رود وره [بهر سیر گشت پدید] بلکه راه هدایتی یابید

۱۶

وَعَلَّمَتْ بِالتَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ

و علامات نیز هست به جاهم نجوم است رهنمای شما

۱۷

أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

آنکه خود آفرید اشیا رانزد عاقل برابر است آیا؟
با کسی کو نکرد خلق اشياء؟می‌گیرید هیچ پند آیا؟

۱۸

وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

نعمت حق فزون بود ز شمارحق بود مهربان و هم غفار

۱۹

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

و خدا داند آشکار و نهان

۲۰

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ
يُخْلَقُونَ

وانچه دعوت کنید جز یزدان
آنکه خالق به هیچ چیزی نیستو خودش چون بقیه مخلوقی
است

۲۱

أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

مردگانند و نیستند احیاءو ندانند وقت محشر را

۲۲
۲۲۶ر

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُم
مُّنْكَرَةٌ وَهُمْ مُّسْتَكْبِرُونَ

هیچ معبود نیست بهر شماجز خداوند ایزد یکتا
آنکه بر آخرت بود کافر اوست مستکبر و دلش منکر

۲۳

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
الْمُسْتَكْبِرِينَ

حق بود آگاه از علن و ز سرّنیستش دوستی به مستکبر

۲۴

وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَا أُنْزِلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

گر کس از وحی رایشان را جست‌پاسخ آید فسانه‌های
نخست

۲۵

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ
يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلا سَاءَ مَا يَزِرُونَ

در قیامت کشند بار گناه‌نیز بار مصل نا آگاه
آنکه را برده‌اند سوی ضلال‌و چه بار بدی است آن اعمال

۲۶
۲۲۷ر

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَآتَى اللَّهُ بُنْيَنَهُم مِّنَ الْقَوَاعِدِ
فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِن فَوْقِهِمْ وَأَتَنَّهُمُ الْعَذَابُ مِمَّنْ
حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

مکر کردند پیش از آنان‌حق بیاورد روی بر بنیان
سقف تخریب کرد بر سرشان‌داد کیفر به امت نادان
کان زمان بوده‌اند غافل از آن این چنین است کیفر کفران

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ

خوار سازد قیامت آنان را و بگوید کجاست آن شرکا؟
که جدل کرده‌اید بر سر آن‌اهل دانش چنین کنند بیان
هست امروز خواری و زاری بهره‌ی کافران به ناچاری

الَّذِينَ تَتَوَفَّيْهُمْ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

چون ملک بردشان ز دار جهان‌که ستم کرده‌اند بر خودشان
پس به ظاهر شوند خود تسلیم‌که گناهی نکرده و نکنیم
حق به اعمالتان بود دانا

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ

و در آید باب دوزخ را
و بمانید جاودانه در آن‌سرکشان را بد است جا و مکان

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ

چون بگویند بهر متقیان چه فرستاده است خالق‌تان
پس بگویند بهرمان خیر است بهر نیکان در این جهان خیر
است
و به عقابست نیز بهتر از آن‌و چه خوب است جای متقیان

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ

پس درآیند جاودان به جنان‌زیر اشجارش آبهای روان
هر چه خواهند هست ایشان رامتقین را چنین دهند جزا

الَّذِينَ تَتَوَفَّيْهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

چون ملک برد پاک ایشان را گفته آید «سلام بهر شما»
پس درآید در بهشت خدااین بود اجر کارهای شما

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

بنگرد این‌که کی فرشته رسد یا که فرمان کردگار احد
ای بسا قوم پیش از آنان بود که بر آن منتظر چو ایشان بود
نکند حق ستم خلائق را بلکه مردم به خود کنند جفا

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

آنچه بد کرده‌اند در کردار عاقبت خود بدان شوند دچار
وانچه را سرخه داشتند به آن‌عاقبت می‌رسد به جانبشان

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا ءَابَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

۱۶
نحل
۳۵
۱۲۸
۲۲۸

و بگفتند مشرکان که خداگر نمی‌خواست شرک را بر ما و آبای ما نمی‌بودیم بر عبادت به غیر حق تسلیم می‌کردیم هیچ چیز حرام جز به اذن خدای ذو الاکرام و چنان کرده‌اند قبل از این بر رسل نیست جز بلاغ مبین

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

۳۶

ما برانگیختیم پیغمبر در میان امم همه یکسر که پرستش کنید یزدان را دور باشید نفس طغیان را بعضشان از هداست برخوردار بعضشان بر ضلالتند دچار پس تماشا کنید [در هر گام اهل تکذیب را چه شد فرجام

إِنْ تَحَرَّصَ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

۳۷

گر حریصی تو بر هدایتشان آنکه را گمراهی دهد یزدان نیست بهرش هدایتی دیگر همچنین نیست بهرشان یاور

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

۳۸

و قسم سخت می‌خورد که خدا بر نیانگیزد آنهمه موتی گو که حق است وعده‌های خدا اکثر خلق نیست زان دانا

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ

۳۹

اختلافاتشان شود اظهار و بدانند کذب خود کفار

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ

۴۰

چیزی ار خواستیم ما به بیان چون بگوئیم باش باشد آن

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوَّنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جَزَاءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۴۱
۲۲۹

و آنکه بهر خدا بود مهجور پس از آن کز ستم شود محصور بهر او جای نیک در دنیا است به از آن بهره‌ها به روز جزاست گر بدانند

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

۴۲

صابران جهان کار خود بسپرنند بر یزدان

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِيَ إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ
الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

۴۴

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا
نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

۴۵

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ
الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

۴۶

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلُبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ

۴۷

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ

۴۸

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلَالُهُ عَنِ
الْيَمِينِ وَالْشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ

۴۹

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ
وَالْمَلَائِكَةِ وَهُمْ لَا يُسْتَكْبَرُونَ

۵۰
سجده
مستحب

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿۱﴾

۵۱
حزب
۱۰۹
۲۳۰هـ

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ ۚ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ
فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ

۵۲

وَلَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ
تَتَّقُونَ

۵۳

وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ۚ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ
تَجْعَرُونَ

۵۴

ثُمَّ إِذَا كُشِفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ
يُشْرِكُونَ

نفرستاده‌ایم پیش از این‌انبیا را مگر به وحی مبین
پس بپرسید اهل ذکری را اگر شما نیستید از آن دانا

و نشانه‌ها و نامه و قرآن‌به تو دادیم و بهر خلق بیان
آنچه نازل بود سوی ایشان‌شاید اندیشه‌ای کنند در آن

صاحب مکر ایمن است آیا؟که به خاک اندرون کشد او را
یا عذابی دهند بر ایشان‌کان زمان سخت غافلند از آن

یا رسد وقت رفت و آمدشان‌توانند خود رهند از آن

یا بتدریج گیرد ایشان راربتان هست مهربان به شما

بنگرید آنچه حق بساخت پدیدکز چپ و راست سایه‌اش
گردید
از برای خدا کنند سجودوز تواضع سر آورند فرود

آنچه باشد در آسمان و زمین‌جانور هم فرشته نیز چنین
همه بر خالقند سجده‌گزارو ندارند هیچ استکبار

و بترسند از حق از بالاو کنند آنچه هست امر خدا

گفت یزدان که دو الهه مگیراوست یکتا و از من این تحذیر

هست از او ملک آسمان و زمین‌هست دائم از آن یزدان
دین
هست پروایتان ز غیر خدا؟

وز خدا هست جمله خیر شما
چون رسد بر شما گزند و زیان‌ناله آرید پس سوی یزدان

از شما چونکه دور داشت گزنداز شما یک گروه شرک آرند

لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

هر چه دادیمشان به کفرانندبهره گیرند و زود می‌دانند

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ ۖ تَاللَّهِ
لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ

ز آنچه روزی عطایشان کردیم‌شی، مجهول را کنند سهیم
می‌شود پرسش از جمیع شمار آنچه بندید افترا به خدا

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ

و برای خدا بنات نهندو به خود ز آنچه خود شده خرسند

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

گر که دختر دهند مژده به او و سیاه گردد و به خشم فرو

يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ ۚ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ
هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

متواری شود ز قوم از شرچون از این مژده‌اش دهند خبر
یا به خواری نگاه دارد آن‌یا که در خاک سازدش پنهان
و چه بد داوری کنند آنان با چنین دیدگاه از نسوان

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوِّ ۚ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

آنکه مؤمن نشد به روز جزاچه صفات بدی بود او را
و خدا راست شیوه‌ی اعلاهم خدا قادر است و هم دانا

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ
وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا
يَسْتَخِيرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

گر بگیرد خدا کسان به جفاپس نماند دگر کسی بر جا
پس به تأخیر افکند به زمان‌چون بیامد زمان قطعی‌شان
نیست تأخیر ساعتی به جز او نه پیش اوفتد [عذاب خدا]

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ
لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ

از برای خدای خویش نهندآن چه را نیستند از آن خرسند
کذب هم بر زبان خود آرندکه ز خیرات بهره‌ای دارند
پس به ناچار اهل نیرانند[و به کیفر] ز پیشگامانند

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ
أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ وَليَهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

پیش از این نیز داشتیم ارسال‌دیو آراست بهرشان اعمال
اوست امروز بهرشان یاورو عذابی است نیز دردآور

وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا
فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

نامه بر تو فرو فرستادیم‌تا به خلق جهان کنی تفهیم
آنچه دارید اختلاف آن رامؤمنان راست نیز مهر و هدا

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

حق فرستاد آب را ز سماکرد از آن ارض مرده را احیا
به یقین آیتی است در آنها از برای جماعتی شنوا

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۚ نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ ۖ مِنْ
بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ

هم در انعام پند بهر شماست که بنوشید آنچه در آنهاست
شیر در بین خون و سرگین است خالص و خوشگوار و شیرین
است

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا
وَرِزْقًا حَسَنًا ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

نیز از بار نخل و از اعناب هست رزقی حلال و پاک و شراب
به یقین آیتی بود در آن بهر اندیشمى خردمندان

وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ
الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ

وحی آورد سوی نحل خدا که بگیر از فراز کوه سرا
نیز از داربست و از اشجار

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا ۚ يَخْرُجُ مِنْ
بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَنُهُ ۚ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ ۚ إِنَّ فِي
ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

پس بخور از تمامی اثمار
پس برو راه ربّ خود راحت از دلش می شود برون شربت
گونه گون رنگ و بهر خلق شفا و ان نشان است بهر اهل دها

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ ۚ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ
الْعُمْرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

حق شما را حیات و مرگ آرد بعضتان راه عمر بسپارد
تا پس از علمها شود نادان عالم و قادر است ربّ جهان

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ ۖ فَمَا الَّذِينَ
فُضِّلُوا بِرَأْدِي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ
سَوَاءٌ ۚ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

برتری داد حق به بعض شما و آنکه را امتیاز داد خدا
ندهد رزق بر کنیز و غلام تا مساوی شوند در انعام
نعمتی را که داده است خدامی کند از ره عمل حاشا

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا ۚ وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ
أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً ۚ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ
أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ

زوجتان را ز نوعتان بنهاد و او داد بهرتان اولاد
به شما داد رزق پاک و حلال شکر یزدان کنید در هر حال
بهر باطل به باورند آیا؟ نیز کفران کنند خیر خدا

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ

می‌پرستند جز خدا بتهاکه ندارند رزق ایشان را
هیچ چیزی در آسمان و زمین و ندارند استطاعت این

۷۴

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

مثل آرید از چه بهر خدا؟ اوست آگاه و نیستید شما

۷۵
حزب
۱۱۰

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَن
رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ
يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

برده‌ای را مثل زند یزدان که ندارد به هیچ چیز توان
و انکه را نیک داده‌ایم ارزاق‌زان به سرّ و نهان کند انفاق
حمد حق را مساویند آیا؟ اکثرا نیستند از آن دانا

۷۶

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى
شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ
يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

دو نفر را مثل زند دادار آن یکی گنگ و ناتوان در کار
او بود بهر صاحبش سر بارو خوش انجام نیست او را کار
دیگری هست عدل را آمر نیز بر راه راست او عابر
این دو انسان مساویند آیا؟ [این چنین می‌زند مثال خدا]

۷۷
۲۳۴

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ
الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بهر حق است غیب ارض و سمالمح چشم است امر روز جزا
بلکه نزدیکتر بود به شمابر همه چیز قادر است خدا

۷۸

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا
وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ

حق برآوردت از دل مادرکه نبودت ز هیچ چیز خبر
داد گوش و دل و بصر به شماتا که شاکر شوید بهر خدا

۷۹

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ
إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

ننگرند آن پرنده را به سما؟ که نگهداردش به غیر خدا؟
به یقین آیتی بود در آن از برای گروه با ایمان

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا وَمِثْلًا إِلَى حِينٍ

۰۱۶
نحل
۸۵
/۱۲۸

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُم سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ

۸۱

گر که باشند از تو رو گردان نیست بر تو مگر بلاغ عیان

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

۸۲

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ

۸۳

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

۸۴
۲۳۵ر

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ

۸۵

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ

۸۶

وَأَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامَ^ط وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

۸۷

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ
الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ

کافرانی که جمع مردم را خود برآرند از طریق خدا
دائماً می‌شود عذاب زیادچونکه بودست کارشان افساد

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا
بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ
شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

چون برانگیزیم از تمام امم‌شاهدی از میانشان به کرم
پس تو را آورم به خلق شهیدو به سوی تو این کتاب رسید
همه چیز است از این نوشته پدیدمسلمین از هدا و نور و
نوید

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ
عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَذَكَّرُونَ

حق به داد و دهش دهد فرمان نیز انفاق بهر نزدیکان
نهی دارد ز زشتی و فحشاو دهد پند از برای شما
شاید اهل تذکرید شماو بگیرید پند از آنها

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ
تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ
مَا تَفْعَلُونَ

و اگر عهد با خدا داریدپس به پیمان خود وفا دارید
و نه سوگند خویش را شکنیدکه در آن داشتید بس تأکید
و نهادید حق کفیل بر آن‌آگاه از کارتان بود یزدان

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا
تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ
أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ
الْقِيَمَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

و مباشید چون زنی که رس‌باز پیچید بعد از آنهمه فن
و مگیرید خدعه در سوگندکه گروهی ز عده بیشترند
آزمون کرد حق برای شماو بیان می‌کند به روز جزا
آنچه را اختلاف داشته‌اید[یا از آن بوده‌اید در تردید]

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ يُضِلُّ مَنْ
يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

امتی واحد ار خدا می‌خواست‌همه را می‌نمود راهی راست
هر که را خواست می‌کند گمراه‌هر که را خواست می‌کند آگاه
از شما در قیامت است سؤال‌هر چه دارید از این جهان
اعمال

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا أَلْسُوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

آنچه را داشتید از سوگندبر مگیرید بین خود ترفند که شود گامها در آن لغزان بعد از امر ثبوت در ایمان از پی منع از طریق خدایچشید آن جزای زشتی را و عذاب عظیم بهر شماسست و ان عذاب عظیم روز جزاست

۹۵

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

نفروشید عهد حق ارزان و بخواهید لطف از یزدان کان عطا بهترست بهر شماگر شمايید عالم و دانا

۹۶

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هر چه نزد شما بود فانی است هر چه نزد خدا بود باقی است صابران را دهیم اجر و جزا بهترین کارهای ایشان را

۹۷

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

مؤمنی را که کرد کار نکوخواه بد مرد خواه زن بد او زندگی پاک می دهیم او را بهترین کار او دهیم جزا

۹۸

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

چونکه داری تلاوت قرآن به خدا بر پناه از شیطان

۹۹

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

مؤمنان را ندارد او سلطان که توکل کنند بر یزدان

۱۰۰

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ

سلطه‌ی اوست ویژه بر یاران که شریک آورند بر یزدان

۱۰۱
۲۳۷۸

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنْزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

آیه گر آیه را کند تبدیل که خدا آگه است از تنزیل پس بگویند این بود بهتان بلکه نادان شدند اکثرشان

۱۰۲

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

گو که از جانب خدا جبریل آرد از بهر مؤمنان تنزیل تا کند استوار آنان را مسلمین را بشارت است و هدا

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ

و بدانیم قول ایشان را که بشر یاد می دهد آن را آنکه بر او دهند نسبت کار اعجمی باشد و عجم گفتار همه دانند اینکه این قرآن عربی باشدش کلام و بیان

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

کافران نشانه های خدایق نمی آورد به راه هدا بهر آنان بود عذاب الیم جاودانه در آتشند مقیم

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ

آن کسی از دروغ زد بهتان کش به آیات حق نبود ایمان آری آنان دروغگویانند [مستحق عذاب یزدانند]

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

گر که کافر شوند بر یزدان پس از آنکه که آورند ایمان غیر از آنکه شوند خود مجبور و شد ایمانشان نهان به صدور آری آنکس که سینه را بگشودبهر کفران کردگار و دود پس بر او هست خشم از یزدان و برایش بود عذاب گران

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

آن کسان زندگانی دنیا برگزیدند بر نعیم بقا و خدا نیست هادی آنان که روانند در ره کفران

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمِعَتْهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

غافلاند و مهر کرد خدا خود دل و چشم و گوش آنان را

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ

همه در آخرت زیانکارند [مستحق عذاب قهارند]

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

آنکه مهجور شد ز شهر و دیاربعد از آنکه به فتنه بود دچار جنگ کرد و به صبر بود ندیم حق بر آنان بود غفور و رحیم

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَدِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ
مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

همه از بهر خود کنند جدال و بگیرند حاصل اعمال
و نباشند تحت جور و جفاین چنین است کار روز جزا

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا
رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا
اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

می‌زند حق مثال شهری را ایمن و مطمئن ز رزق و عطا
رزق او می‌رسید از همه جاگشت کافر به مهر و لطف خدا
پس از آن خوف و جوع را بپشیدوین جزا بهر کارشان
برسید

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ
وَهُمْ ظَالِمُونَ

چون رسولی رسید برایشان منکر او شدند و بی‌ایمان
پس عذابی گرفت آنان را چونکه آن قوم بود اهل جفا

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ
إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

بخورید آنچه رزق داد خدا رزق پاک و حلال بهر شما
شکر نعمای او به جای آریدگر عبادت برای او دارید

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ
لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۚ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ
غَفُورٌ رَّحِيمٌ

میته و خون و خوک و آنچه وراموقع ذبح نیست نام خدا
کرد تحریم بر شما یزدان جز گه اضطرار بی‌طغیان
نیست دارای اضطرار ااثیم و خداوند غافر است و رحیم

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ
وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ
عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ

و گر از کذب آوری به زبان کاین حلال و حرام باشد آن
تا ببندی تو افترا به خدا از طریق دروغ [و راه خطا]
گر کسی افترا زند به خداستگاری نمی‌رسد او را

مَتَّعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

بهره‌ی او قلیل از دنیاو عذابی الیم هست او را

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۚ وَمَا
ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

بر یهودان حرام شد تبیین ز آنچه گفتیم بر تو از پیشین
ما نکردیم جور ایشان را بلکه بر خود کنند جور و جفا

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

شَاكِرًا لِلنَّعْمَةِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

وَعَاتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ

وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

آنکه از جهل کرده است خطاپس از آن توبه کرد سوی خدا رو به اصلاح برد و گشت سلیم هست ربّت سپس غفور و رحیم

امتی پاک و ناب بود خلیل تابع امر کردگار جلیل و نبودست مشرکی به خدا

شاگری بود نعمت حق را برگزیدش خدا و داد هدایه سوی راه راست برد او را

داده ایش نعیم در دنیا هم ز نیکان بود به روز جزا

وحی سوی تو کرد ربّ کریم تا کنی پیروی ز ابراهیم کیش او پاک بود و راه هداو نبودست مشرکی به خدا

شنبه بودست حکم بر آنان که نمودند اختلاف در آن حق دهد حکمشان به روز جزاز آنچه ناساز بوده اند آن را

سوی پروردگار کن دعوت از ره پند خوب و هم حکمت و جدل کن به بهترین ره هم هست پروردگار تو اعلم ز آنکه گمره شد از ره یزدان نیز اعلم به حال مهتدیان

و مجازات را بدار روایا به حدی که بوده است ترا و ترا صبر به بود زین راه صبر کن صبر توست با الله

و برایشان مشو غمین در کارو در آن تنگنا مباش دچار و در آن کید و مکرها دارند [قصد رنج و غم تو را دارند]

به یقین هست ایزد غفار متقین را و محسنین را یار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى
الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ وَ مِنْ عَائِيتِنَا
إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

۱
جزء ۱۵
حزب
۱۱۳
۲۴۰ ر
منزل
۴

وَعَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ إِلَّا
تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا

۲

ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

۳

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ
مَرَّتَيْنِ وَلِتَعْلَنَ عُلوًّا كَبِيرًا

۴

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي
بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا

۵

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ
وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا

۶

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا
جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُئُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ
كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا

۷

پاک آن کس که برد شب هنگام بندهی خویش را ز بیت
حرام

سوی بیت المقدس آنکه خدا برکت داد گرد آن جا را
تا ببیند نشانه‌های مراحق بود هم سمیع و هم بینا

و به موسی کتاب داد خداو همان را قرار داد هدا
بهر اقوام آل اسرائیل که بگیرند جز خدای و کیل

آن به یاران نوح فرزندان بود او عبد شاکر یزدان

آل یعقوب را خدا اخبار بدهد در کتاب اینکه دوبار
می‌گیرند راه استکبار و به افساد می‌شوند دچار

چون رسد وقت وعدهی اولی برگزینیم رو بروی شما
بندگان شدید جنگاور که بگردند خانه‌ها یکسر
و محقق بود وعید خدا

باز گردید چیره آنان را
و به مال و بنین کنیم مددور شما می‌کنیم بیش عدد

گر که نیکی کنید سود شماست و بدی هم کند کسی او
راست

چون رسد وقت وعدهی دیگر چهرتان می‌شود غمین یکسر
پس به مسجد درون شوند آنان همچو بار نخست حمله‌ی‌شان
همه سازند سر به سر ویران آنچه را چیره می‌شوند بر آن

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا
جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا

۹

إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ
الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

۱۰

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

۱۱
۲۴۱ ر

وَيَدْعُ الْإِنْسَنُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَنُ
عَجُولًا

۱۲

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا
آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا
عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا

۱۳

وَكُلَّ إِنْسَنٍ أَلَزَمْنَاهُ طَبِيرَهُ فِي غُنْفِهِ ۖ وَنُخْرِجْ لَهُ يَوْمَ
الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا

۱۴

أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا

۱۵

مِّنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ
عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ
نَبْعَثَ رَسُولًا

۱۶

وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا
فَحَقَّقَ عَلَيْهَا الْقَوْلَ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا

۱۷

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ ۖ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ
بِدُنُوبٍ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

چه بسا بر شما خداست رحیم‌ور بگردید باز برگردیم
و به دوزخ کنیمشان محصور‌هر که را هست از گروه کفور

رهنمایی است این کتاب مبین‌به طریقی که هست
راست‌ترین
مژده بر مؤمنان نیکوکارمی‌دهد اجر عمده و بسیار

ور ندارد به آخرت ایمان‌شد مهیا بر او عذاب گران

خواهد انسان بدی چو کار نکوچه عجول و شتابکارست او

و نهادیم روز و شب دو نشان‌آیت شب چو ساختیم نهان
روز را ساختیم روشنگرتا بجویند فضل حق یکسر
و بدانید سالها و شمارو بیان داشتیم از هر کار

هر چه را می‌کنند آدمیان افکنم من به گردن ایشان
در قیامت بر آوریم عیان‌چون کتابی گشوده بیند آن

نامهات را بخوان و بس باشداینکه نفست حسابرس باشد

گر هدا یافت پس از اوست هداور ضلالت رسد بود او را
هر کسی بار خود برد در راهکس نگیرد ز غیر بار گناه
نرسانیم بر کسی کیفرمگر آنگه که داشت پیغمبر

چون بخواهیم بلده‌ای ویران‌پس بگویم به خلق خوشگذران
تا به فسق آورند رو آنچاپس بکوبیمشان به راه سزا

در قرون پیشتر ز نوح به خاکبس امم بود و کرده‌ایم هلاک
و خبیر و بصیر بر هر کس‌هست پروردگار عالم بس

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ
ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا

۱۹

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ
كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا

۲۰

كُلًّا نُّمِدُّ هَهُوًّا وَلَهُ فَنَاءٌ مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ
رَبِّكَ مُحْظُورًا

۲۱

أَنْظِرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُم عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ
دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا

۲۲

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا

۲۳
حزب
۱۱۴
۲۴۲۲

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا
يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا
أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

۲۴

وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا
كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

۲۵

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ
فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا

۲۶

وَعَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ
تَبَذِيرًا

۲۷

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ ۖ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِۦ
كَفُورًا

هر که خواهد ز بهره‌ی گذران‌چون بخواهیم می‌دهیمش آن
در مذلت در آورم به جحیم‌رانده از رحمت خدای کریم

و انکسی هم که خواست دار بقاو در این راه کوشش است
او را
سعی او نزد ما بود مشکور[و نماند ز نعمت حق دور]

هر دو را از مدد دهیم عطانیست ممنوع بخششی ز خدا

بنگر چون کنیم ما برتر بعض مردم ز دسته‌ای دیگر
پایه‌ها برتر است در عقبافضلا نیز برتر است آنجا

تو مدان با خدا خدای دگرور نه مانی ذمیم و بی‌یاور

و خدا امر می‌کند به شمانپرستید کس مگر او را
نیز بر باب و مام کن احسان‌چون به پیری رسد یکی زیشان
یا دو تن اف مگو تو ایشان راو بگو قول خوب آنان را

بال بگشا ز کرنش آنان رارحمت از بهرشان بجو ز خدا
کای خدا ز گناهشان بگذرپروریدند چون مرا به صغر

هست پروردگار داناترز آنچه دارید در دل و در سر
گر که باشید خوب و نیکوکار او بود بهر تائیین غفار

حق خویشان بخش و بیچاره‌نیز واماندگان آواره
مشو از مسرفین تو هم کایشان

همه هستند اخوهی شیطان
بود شیطان به ربّ خود کافر[اوست رهبر به فاسق و فاجر]

وَمَا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ أَبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا

۲۹

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا

۳۰

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

۳۱
۲۴۳ر

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمَّا يَكُنْ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا

۳۲

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا

۳۳

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا

۳۴

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا

۳۵

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُنْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

۳۶

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

۳۷

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا

۳۸

كُلُّ ذٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا

ور تو اعراض داری از آنان در امیدی به رحمت یزدان
پس به ایشان سخن بگو آسان‌نرم و آمیخته به لطف بیان

دستها را میار در زنجیر بسته بر گردن و تو سخت مگیر
نیز بسیار دست باز مدار که بمانی نشسته مانده ز کار

هر که حق خواست روزیش بگشاده‌ر که را خواست نیز
کاهش داد
به یقین حق به بندگان داناست در همه کار آگهی او راست

طفل خود را مکش تو از املاق که منم بر شما و او رزاق
قتل آنان بود گناه کبیر[این بود بهر مردمان تحذیر]

دور باش از زنا که هست پلیدزین ره زشت و عیب دور
شوید

و مدارید قتل نفس رواقتل ناحق حرام کرد خدا
هر که شد کشته در طریق ستم‌باشدش حق سلطه صاحب دم
و به کشتن مباش افزونگر هست منصور [حق خون بشر]

سوی مال یتیم دست مبر جز به راهی که هست نیکوتر
تا شود کودک یتیم رشیدنیز پیمان خود به جا آرید
عهد و پیمان بود مقام سؤال پس وفادار باش در هر حال

حق پیمانه را کنید اداگر به پیمانه بود کار شما
با ترازوی راست کن توزین‌آن به است و به اجر نیک‌ترین

و مباشید پیرو آن راه‌که شما نیستید از آن آگاه
چشم و گوش و دلی که مشغولندهمه در این زمینه
مسئولند

در زمین بسپری چو ره زنهار متکبر مباش در رفتار
نه زمین زیر پای تو شکننده توانی رسی به کوه از قد

و گناهی که هست در این کار ناپسند است در ره دادار

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ
اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا

۴۰

أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا
إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا

۴۱
۲۴۴۲

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا
نُفُورًا

۴۲

قُلْ لَّوْ كَانَ مَعَهُ ءَالِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَبَّتَغَوْا إِلَىٰ ذِي
الْعَرْشِ سَبِيلًا

۴۳

سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا

۴۴

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِّنْ
شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ
إِنَّهُوَ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

۴۵

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا

۴۶

وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا
وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوُاْ عَلَىٰ أَدْبَرِهِمْ
نُفُورًا

۴۷

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ
نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا

۴۸

أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
سَبِيلًا

۴۹

وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَمًا وَرُفُتًا أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

این بود ز آنچه وحی کرد خداسوی تو حکمت و هدایت را
تو مدان با خدا خدای دگرورنه می‌افکند به نارت در
پس به دوزخ شوی [تو درمانده هم نکوهیده هم ز حق
رانده

حق پسر داد بر شما آیا؟وز ملک خود گرفت دخترها
سخنی بس بزرگ می‌گوید[به یقین راه حق نمی‌پویید]

گونه‌گون بهر پند شد قرآن‌نفزودست جز رمیدنشان

بود اگر همره خدا معبودراهی او را به عرش او می‌بود

پاک و والاست ز آنچه می‌گویندآنکه را پایگاه هست بلند

اهل هفت آسمان و اهل زمین و آنچه در این دو گشته‌اند
مکین
اهل تسبیح گشته‌اند او راهست تسبیح گوی او اشیا
می‌نفهمید هیچ چیز از آن‌هست یزدان حلیم و ذو غفران

چون تویی گرم خواندن قرآن‌ما نهادیم بین تو و آنان
پرده‌کان حایل است و ناپیدانیست ایمانشان به روز جزا

و به دلها نهاده‌ایم حجاب تا نفهمند آیه‌های کتاب
گوششان ساختیم هم سنگین‌چون بخوانی تو آن کتاب مبین
و بخوانی خدای در وحدت‌رویگردان شوند از نفرت

ما بدانیم گوش دادنشان‌هست نجوا میانه‌ی ایشان
ظالمان گفته‌اند اینکه شماپیروید آدمی فسون شده را

چه مثلها زدند و گمراهندوز هدایات دست کوتاهند

و بگفتند چون شدیم عظام و پراکنده می‌شویم تمام
باز ما را خدای چون سازدو به بعثی نوین بپردازد

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا

گو که باشید سنگ یا که حدید

۵۱

أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا
قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ
وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا

یا که افزوتر آنچه اندیشید

پس بگویند کیست کرد بازگو همان کافریدتان ز آغاز
پس به پیش تو آورند فرودسرشان را که کی بود موعود
گو که شاید بود زمان قریب

۵۲

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ ۖ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا
قَلِيلًا

چون بخواندتان شوید مجیب

حمد او را کنید و پس به گمان‌هست کوتاه وقت ماندنتان

۵۳

۲۴۵ر

وَقُلْ لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ
بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنسَنِ عَدُوًّا مُّبِينًا

و بگو با عباد من که سخن‌بازگوییید بهتر و احسن
دیو سازد فساد بین شمااوست خصم عیان انسانها

۵۴

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ۖ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ
يُعَذِّبْكُمْ ۚ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا

و خدا اعلم است بهر شماخواست بخشش و گر که خواست
جزا
و بر این قوم نیستی تو و کیل نیست بر تو مگر نشان و
دلیل

۵۵

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا
بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ وَءَاتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا

هست پروردگار داناتر از آنچه ارض و سما گرفت مقر
بس نبی شد به برتری مأمورو به داود داده‌ایم زبور

۵۶

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهِ ۚ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ
الصُّبْرِ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا

هر چه را جز خدا خدا خوانیدگو به پندار خود فرا خوانید
نگشایند از شما ضرری و نسازند جا به جا خطری

۵۷

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ
أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ
كَانَ مُحْدُورًا

ملکی را که خواندش معبود[راه جوید به سوی حی وودود]
خویش جوید وسیله‌ای به خداتا که گردد قریب مهرش را
و بترسد ز کیفر داورکه عذاب خداست ترس‌آور

۵۸

وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ أَوْ
مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

نیست شهری مگر کنیم فناپیشتر از وصول روز جزا
یا بر آنان رسد عذاب و بلااین بود ثبت در کتاب خدا

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ
وَعَاتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ
إِلَّا تَخْوِيفًا

هیچ چیزی نبود مانع ماکه فرستیم آیهی خود را
جز که قومی بر آن مکذب بودنداقه دادیم بهر قوم ثمود
بود روشنگری میانه‌ی‌شان‌پس روا داشتند جور بر آن
نفرستاده‌ایم هیچ نشان‌جز به تهدید خلق [در خسران

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا
الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي
الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا

۶۰

چون بگفتیم بهر تو که خدایس فراگیر هست مردم را
بر تو خوابی که داده‌ایم نشان‌نیست جز آزمایش ایشان
وز درختی که لعن شد به کتاب‌هست تهدید و بیم بهر عذاب
پس نیفزودشان بجز طغیان‌نیز آن سرکشی چه بود گران

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ
ءَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا

۶۱
۲۴۶۹

با ملائک خدا چنین فرمودکه به آدم بیاورید سجود
سجده کردند غیر دیو دغاگفت سجده کنم به گل آیا؟

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَنْ أَخَّرَنِي إِلَى يَوْمِ
الْقِيَمَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا

۶۲

برتر از من بساختی او رامهلتم بخش تا به روز جزا
همه را می‌کشم به راه فناجز قلیلی ز خاندانش را

قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً
مَوْفُورًا

۶۳

گفت رو هر که تابع است تراپس جهنم برای اوست جزا

وَأَسْتَفْزِرُ مِنْ أَسْطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ
بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدهُمْ وَمَا
يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

۶۴

تو برانگیزشان به حدّ توان‌با ندایت بساز گمرهشان
یا سوار و پیاده ده آوازشو به مال و به نسلشان انباز
و بده وعده‌ها [سریع و قریب وعده‌ی دیو نیست غیر فریب

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا

۶۵

نیستت بر عباد من سلطان‌که خدا بس و کیل بر ایشان

رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ
فَضْلِهِ إِنَّهُوَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

۶۶

و خدا راند از برای شماکشتی از لطف خویش بر دریا
تا بجویید فضل و خیرش رامهربان است از برای شما

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ
فَلَمَّا نَجَّيْكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

خطری چون به یم رسد سویتان پس فراموش می‌کنید بتان
چون رهاوند شوید رو گردان ناسپاس است بر خدا انسان

أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ
حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا

گو که در خشکی ایمنید آیا؟ که شما را برد درون ثری
یا که طوفان شن کنیم گسیل پس نیابید بهر خویش و کیل

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ
قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا
لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا

یا شما را دوباره باز آردو به کوبنده باد بسپارد
کند از کفر غرق جمع شماو نیابید داد خواهی را

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ
مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

فضل دادیم بر بنی آدم سیر دادیمشان به خشکی و یم
رزق دادیم پاک و قدر بشر ساختیم از همه جهان برتر

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْهَمِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُۥ بِيَمِينِهِۦ
فَأُولَٰئِكَ يَفْرَهُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا

چون بخواهیم هر جماعت را با امامانشان به روز جزا
هر که را نامه داده شد به یمین خواند آن را [به شوق و
شور قرین
ستمی نیست بهرشان تحمیل هم به اندازه‌ی کمی چو فتیل

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِۦ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ
سَبِيلًا

هر که در این جهان بود اعمی بیش گمره بود به روز جزا

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِينَا إِلَيْكَ لِيَتَفَتَّرِ
عَلَيْنَا غَيْرُهُۥ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ حَلِيلًا

بود نزدیک تا به یک ترفند دلت از قول وحی دور کنند
که جز آن را زنی به ما بهتان تا شوی یار و یاور آنان

وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا

گر نمی‌کردم استوار ترامیل بودت کمی سوی آنها

إِذَا لَا أَذُقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ
لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا

می‌چشانددیم بر تو در آن حال دو برابر [ز سیئات ضلال
در حیات و ممات بودت شرو نمی‌یافتی در آن یاور

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لَيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلْفَكَ إِلَّا قَلِيلًا

۷۷

سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا

۷۸
۲۴۸۲

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا

۷۹

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا

۸۰

وَقُلْ رَبِّ ادْخُلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيرًا

۸۱

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

۸۲

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

۸۳

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَنِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا

۸۴

قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا

۸۵
۲۴۹۲

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا

۸۶

وَلَيْنُ شِئْنَا لَنُدْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا

بود نزدیک تا بلغزانندو ترا از زمین برون رانند می‌نماندند در زمین آنگاهبعد تو غیر مدتی کوتاه

سنتی پیش از تو شد تنزیل و نیابی به سنتم تحویل

نیمه‌ی روز تا به نیمه‌ی شب‌پایدار نماز شو بر ربّ خواندن فجر هم بدار به پاخواندن فجر را شوند گواه

پاسی از شب بخوان از آن قرآن و فرونی دهند بر تو از آن تا برانگیزدت خدای ودوده مقامی و مبعثی محمود

گو خدایا مرا به صدق درآرو برون کن به صدق [از هر کار] از سوی خویش بهر من بگذارحجت و سلطه‌ای معاون و یار

گو که حق آید و رود باطل‌به یقین ناروا شود زایل

ما فرستاده‌ایم از قرآن‌بهی و رحمت مسلمانان و نیفزود بر ستمکاران‌هیچ چیزی بجز خسار و زیان

چونکه نعمت دهیم بر انسان‌شود او بر کران و رو گردان چون زبانی رسد شود نوמיד

کار هر کس ز شیوه است پدید حق ز تو بیشتر بود آگاه‌ز انکه رهیاب‌تر بود در راه

گر بپرسد کسی ز روح تو راگو بود امر خالق ما ما ندادیم بر بنی آدم‌بهره از علم و معرفت جز کم

گر بخواهیم از تو برداریم‌آنچه از وحی سوی تو آریم پس نیابی تو هیچ یار و و کیل‌بهر خود در قبال ربّ جلیل

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا

بجز از رحمت خدای کریم هست فضل خدای بر تو عظیم

قُلْ لِّينِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْحِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا
الْقُرْءَانِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ ۚ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا

گو بیایند اگر ز انس و ز جان تا بیارند مثل این قرآن
توانند کاورند نظیرور که با هم شوند یار و ظهیر

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ
أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

گونه‌گون آوریم در قرآن هر مثل را برای آدمیان
اکثر خلق هست در کفران

وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا

و بگویند ناوریم ایمان
مگر آری تو چشمه‌ای از آب

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّحِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ
خِلَالَهَا تَفْجِيرًا

یا که باغی ز نخل و از اعناب
یا بیاری تو چشمه‌ای جوشان در همین دشت خشک از دل
آن

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ
وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا

یا سما را به ما فرو باری یا خدا و ملائکش آری

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرِفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَن
نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزَّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرُؤُهُ ۚ قُلْ سُبْحَانَ
رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا

یا که بیتی بود تو را ز طلا یا که در آسمان روی بالا
و نیاریم بهر آن ایمان تا که آری نوشته از قرآن
گو که پاک است ربّ من آیا؟ کیستم من بجز رسول خدا؟

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَن قَالُوا
أَبْعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا

چیست مانع به اعتقاد کسان؟ چون هدایت رسد به جانبشان
پس بگویند آن کسان آیابشری را پیام داد خدا؟

قُلْ لَّوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا
عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا

گو اگر بس فرشته بود اینجاراه می‌رفت در زمین خدا
امن و آرام باز هم ز سماملکی بود او رسول خدا

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ
خَبِيرًا بَصِيرًا

گو گواهی بس است بهر خدا که بود او گواه ما و شما
اوست از بندگان خود آگاه و کند سوی خلق خویش نگاه

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۖ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ
أُولِيَاءَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ
عُمِيًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّاوَلَهُمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ
سَعِيرًا

۱۷:
اسراء
۹۷
/۱۱۱

ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا
عِظْمًا وَرُفَاتًا أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

۹۸

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ
عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى
الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا

۹۹
حزب
۱۱۷

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذَا لَا مُسَكَّتُمْ
خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَنُ قَتُورًا

۱۰۰

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسَعَلَ بَنِي
إِسْرَءِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَمُوسَىٰ
مَسْحُورًا

۱۰۱
۲۵۱

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَفِرْعَوْنُ مَثْبُورًا

۱۰۲

فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَّعَهُ
جَمِيعًا

۱۰۳

وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَءِيلَ اُكْنُوْا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ
وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا

۱۰۴

هر که را حق دهد هدا به هداست و انکه را حق بر آرد از ره
راست
نیست پیدا بر ایشان یاری جز خدا سرپرست و غمخواری
گرد سازم به دوزخ آنان را کور و گنگ و کنند در عقبا
جایشان نار و چون نشست آتش می‌فراییم شعله‌ی سرکش

آن جزا بهرشان که آنان را کفر بودست با نشان خدا
و بگویند چون شویم عظام و پراکنده پس شویم تمام
باز ما را خدای چون سازد؟و به بعثی جدید پردازد

ننگرند اینکه قادر یکتا که بود خالق زمین و سما
هست او را به کار خلق توان و برایشان مقدر است زمان
به یقین فرقه‌ی ستم کردار می‌کند غیر کفر را انکار

گو اگر گنجهای لطف خدا جمله می‌بود از برای شما
داشتی باز بخل و ترس کرم‌تنگ چشم است این بنی آدم

به یقین داده‌ایم موسی رانه نشان آشکاره و گویا
ز آل یعقوب کن سؤال از آن‌چونکه آمد به جانب ایشان
گفت فرعون شد گمان ما را که به افسون دچاری ای موسی

گفت دانی نداد کس اینها جز خداوندگار ارض و سما
بینش است و مرا بود ادراک که تو فرعون می‌رسی به هلاک

خواست قومش برد به دار فناغرق کردیم او و یاران را

آل یعقوب را سپس گفتیم که در آن سرزمین شوید مقیم
چون رسد وقت وعده‌ی عقباهمه را آورم برای جزا

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

وَقُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا

قُلْ ءَامِنُوا بِهِ ؕ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا

وَيَقُولُونَ سُبْحَنَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا

وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ۝

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّلَىٰ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

۱۸. كهف

الْكَهْفُ: غار

مکی

۱۱۰ آیه

۱۲ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَّهُ عِوَجًا

قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا

مَّكِيثِينَ فِيهِ أَبَدًا

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا

تو بر آن بوده‌ای به حق منزل و به حق این کتاب شد نازل
بهر مردم تو را فرستادیم که به آنان دهی بشارت و بیم

و جدا کرده‌ایم این قرآن تا بخوانی به گوش خلق جهان
با درنگ و شمرده این تنزیل و به تدریج داشتیم گسیل

گو که ایمان بیاورید شما یا که ایمان نیاورید آن را
هر که را علم بود پیش از آن چونکه شد خوانده بهر او قرآن
به ز نخدان در اوفتد به فرودبهر یزدان کند به خاک سجود

و بگوید خدای را سبحان که یقین است وعده‌ی رحمان

و بیفتند بر ز نغ گریان و بیفزود کرنش آنان

خوانیش گر خدا و گر رحمان نامهای نکوست از یزدان
نه نمازت بخوان تو با آوازه که آهسته ساز بانگ نماز
و بجو بین این دو راهی را

و بگو حمد از برای خدا
بر نگیرد ولد خدای جهان و ندارد شریک در فرمان
و نه خوار است تا بخواهد یارتو هم او را بسی بزرگ شمار

که به حفظ کتابها برپاست

تا بترساند از عذاب شدیدکه بود آن ز نزد حی مجید
و به هر مؤمن نکوکردار مژده آرد به اجر خوب از کار

که بمانند جاودانه در آن

و دهد بیم و خوف بر آنان
که بگفتند کردگار بلندبر گرفتست بهر خود فرزند

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنَّ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا

فَلَعَلَّكَ بَخِيعُ نَفْسِكَ عَلَىٰ عَاثِرِهِمْ إِنْ لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ ءَايَتِنَا عَجَبًا

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا ءَاتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا

فَضَرَبْنَا عَلَىٰ ءَادَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا

ثُمَّ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى

وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ ؕ إِلَٰهًا ۖ لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا

هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ؕ ءِلَٰهَةً ۖ لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ ۖ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

و ندارند آگهی از آن و همین طور جدّ و آباشان سخنی کز دهان شان آیدبهر آنان بزرگ بنماید همه کذب است گفته‌ی ایشان

شاید اندوهگین شوی ز آنان

به هلاک افکنی خودت را زارچونکه این گفته‌ها کنند انکار

ما نهادیم بر زمین زیورتا بدانید کیست نیکوتر؟

پس از آن می‌نهیم آن آثاردشت خشکی که نیست غیر غبار

به گمانت که اهل کُف و رقیم‌عجبی هست ز آیه‌های عظیم

آن جوانان به غار برده پناه‌روی کردند جانب الله پس بگفتند ای خدا ما راخیری از سوی خویش دار عطا کن مهیا برای ما در کارراه لطف و نجات ای غفار

بهرشان پرده‌ها زدیم به گوش‌چند سالی به غار رفته ز هوش

برگزیدم دو دسته از آنان‌تا کدامین گروه از ایشان بهتر آرند در شمار و حساب‌روزهایی که مانده‌اند به خواب

بر تو خوانیم قصه‌ی ایشان‌آن جوانان مؤمن یزدان و بیفزوده‌ایمشان به هدا

و قوی ساختمشان دله‌ا

چون بگفتند خاستند به پاربّ ما هست ربّ ارض و سما جز خدا نیست بهر ما معبوددر سخن بهر ما گزافه نبود

قوم ما جز خدا گرفت الاهو دلیلی نیاورند گواه کیست بدتر به راه جور و جفا؟که ببندد دروغ بهر خدا

وَإِذْ أَعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْرَأَ إِلَى الْكَهْفِ
يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ
مَرْفَقًا

۱۸
کهف
۱۶
/۱۱۰

چون از ایشان شوید دور شما هم ز معبودها ز غیر خدا
پس بیارید سوی غار پناه تا دهد خیر بر شما الله
و مهیا کند برای شما امن و آرامشی در این مأوا

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَّوُّرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ
وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ
ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ
يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا

۱۷
حزب
۱۱۸

آفتاب از افق چو برمیخاست بود مایل به غارشان در راست
چون به مغرب همی گرفت قرار به سوی چپ همیشه داشت
گذار
و مکانی فراخ بود آنجا بود آن هم ز آیه های خدا
هر که را حق دهد هدا به هداست و انکه را دور داشت از
ره راست
پس نیابی برای او یاور و نه آنکس که باشدش رهبر

وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ
الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ
عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعبًا

۱۸
۲۵۴ر

بود آن دسته ظاهرا بیدار گرچه در خواب داشتند قرار
و بگردانده ایمشان چپ و راست سگشان بر دهانه دستش
راست
هر که میدید بود رو گردان هم به ترس و گریز از آنان

وَكَذَٰلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ
لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا
لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ
فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ
وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا

۱۹

و برانگیختیمشان از خواب تا بپرسند بین خود ز اصحاب
گفت فردی که مانده اید چه گاه؟ پس بگفتند مدتی کوتاه
یا به یک روز یا که بخشی از آن هست آگاه تر خدای جهان
پس یکی از شما روانه شود با همین سکه سوی شهر رود
بنگرد چيست پاكتر ز غذا؟ تا بیارد برایتان آن را
نیز دقت کند بسی در راه که نگردد کس از شما آگاه

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ
وَلَنْ تُولِيَهُمْ ظَهْرًا

۲۰

قوم آگه چو شد ز کار شما سعی دارد به سنگسار شما
یا که باز آورد به مذهب خویش پس نباشد فلاحتان در پیش

وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا

۱۸ :
کهف
۲۱
/۱۱۰

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا

۲۲

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا

۲۳
۲۵۵

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا

۲۴

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا

۲۵

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا

۲۶

وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا

۲۷

کردم آگه ز حال مردم راتا شناسند راست وعد خدا و قیامت که ریب نیست در آن شد نزاعی میانهی ایشان و بگفتند جمعی از آنان که بسازید رویشان بنیان هست آگاهتر خدا زیشان نیز گفتند جمعی از آنان که شدند آگه از ره ایشان معبدی می نهیم بر آنان

گفته اند اینکه بوده اند سه تن سگشان چارمین [در آن مأمن نیز گویند پنج تن [مردند] سگشان شد ششم [گمان کردند] نیز گویند هفت تن [شد یار] سگشان بود هشتمین [در غار] گو خدایم بود از آن اعلو و نیاموخت خلق را جز کم جز به ظاهر میوی راه جدال و هم از هیچکس مدار سؤال

مگو این کار را کنم فردا

جز که خواهد خدای بی همتا یاد کن ربّ خویش در نسیان گو امید است از خدای جهان که شود رهنمای من به یقین به رهی اقرب و رساتر از این

و بماندند بعد سیصد سال نه سنه نیز در همان احوال

و خدا بیشتر از آن داناست بهر او غیب این زمین و سماست چه بصیر و سمیع باشد حق غیر او نیست یاوری مطلق و نسازد شریک خود کس را بهر فرمان خدای بی همتا

و بخوان آنچه وحی کرد خدابه سوی تو از این کتاب هدا نیست تبدیل در کلام خداو نیابی ز غیر او ماوا

وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشيِّ
يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ
وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا

صبر کن همره کسی که دعاخواند حق را به بامداد و عشا
که طلب می‌کند رضای خدا و نگه بر مگیر آن کس را
که بخواهی تو زیور دنیا و اطاعت مکن تو آن کس را
که دلش غافل است یاد مرا و کند پیروی ز نفس و هوا
هست افراط کار او هر جا

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ
فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا
وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ
الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا

و بگو حق بود ز ربّ شما
هر که را خواست می‌دهد ایمان هر که را خواست می‌دهد
کفران
و مهیا کنیم دوزخ و نار بهر آن کس که شد ستم‌کردار
که سرپرده‌اش محیط بر اوست هر که در آن میان اعانت
جوست
آب خواهد اگر کسی به ندای آب بهرش گدازه است آنجا
که رخ خلق را کند بریان چه بد است این شراب و مجمعه‌شان

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ
أَحْسَنَ عَمَلًا

آن کسانی که آورند ایمان و بود کار نیک با آنان
پس نسازد تباه آن غفار اجر و پاداش قوم نیکوکار

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ
فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّنْ
سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَكِينِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نَعَمٌ أَلْوَابُ
وَحَسَنَتٌ مُّرْتَفَقًا

بهرشان بوستان جاویدان زیر اشجارش آبهای روان
دستبند زر است زیورشان جامه‌ها از حریر در برشان
هم در آن بر اریکه تکیه زن و چه خوب است اجر و
مجمعه‌شان

وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ
أَعْنَبٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا

مثلی زن برایشان زد و مردکه از ایشان دهیم بر یک فرد
خوب و خرم دو باغ از انگورو اندو در بین نخلها محصور
بینشان کشتزار و بار فزون

كَلَّا الْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أَكْلَهَا وَلَمْ تَظْلِمِ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا
خِلَالَهُمَا نَهَرًا

و اندو باغ است باردار اکنون
باغ از بر نکرد خودداری بینشان نیز نهر شد جاری

وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ
مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا

گفت با دوست صاحب بستان برترم از تو من به مال و کسان

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ ۚ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنَهَا مُنْقَلَبًا

۳۶

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ ۚ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا

۳۷

لَكِنَّا هُوَ ۚ اللَّهُ رَبِّي وَلَآ أَشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

۳۸

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ۚ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا

۳۹

فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا

۴۰

أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَهَا غُورًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُوَ طَلَبًا

۴۱

وَأُحِيطَ بِشَمَرِهِ ۚ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا

۴۲

وَلَمْ تَكُن لَّهُوَ فِتْنَةً يٰنَصْرُوْنَهُ ۚ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا

۴۳

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ ۚ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا

۴۴

وَأَضْرَبَ لَهُم مَّثَلًا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنزَلْنَاهُ مِن السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا

۴۵
۲۵۷۲

چون به بستان خویش گام نهادخود روا داشت بهر خود بیداد گفت هرگز نباشدم به گمان‌که شود محو این بر و بستان

و ندارم گمان قیامت را بازگردم اگر به سوی خدا جایگاه نکوتری یابم

دوستش گفت بهر او آندم آنکه از خاک آفرید ترا سپس از نطفه کافری آیا؟ پس تو را فرد کاملی پرداخت و همینطور عالمی را ساخت

اوست پروردگار من یکتاو ندانم کسی شریک او را

و چرا چون روی تو در بستان‌به زیانت نیاید این سخنان هر چه خواهد خدا برآید آن‌جز خدا کس نداشت هیچ توان چون بدیدی من از توام کمترهم به اولاد و هم به مکنت و زر

شاید از رحمت خداست مرابتر از باغ تو در این دنیا آفتی از سما شود نازل‌پس شود باغ خاک بی‌حاصل

یا که آبش رود به خاک فروبرنگیری تو حاصلی از او

میوه‌ایش تمام شد نابودپس دو دستش به یکدیگر می‌سود که در آن بس هزینه‌ها دادست‌همه با داربست افتادست پس بگفتا نبود کاش مرا شرک ورزی به خالق یکتا

یاوری نیستش بجز داورهم خودش نیست بهر خود یاور

حکم اینجاست از برای خداندزد او بهترین ثواب و جزا

مثل زندگانی دنیا هست آبی که می‌رسد ز سما همرهش می‌رسد گیاهی چندو پس از چند روز خشک شوند باد آنگه پراکند او رابر همه چیز قادرست خدا

الْمَالِ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا

آنچه فرزندان و مال بهر شمایست زینت زندگانی دنیاست و آنچه از خیر خود به جای نهید بهتر است از لحاظ اجر و امید

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا

چون برانیم کوههای و زمین و آشکارا چو بنگری تو زمین همه افراد را چو حشر دهیم پس از ایشان کسی فرو نهمیم

وَعَرِضْهُ عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًا لِّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا

به صف آیند جمله نزد خداهمچنان خلقت نخست شما لیک پنداشتید اینکه خدانهد موعدی برای شما

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يُبَوِّلُنَا مَا لِي هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا

مؤمنان بنگرند نامهی خویشز آنچه هستند در هراس و پریش پس بگویند وای ما که کتابداشت خرد و بزرگ را به حساب و ببینند کارها حاضرو خدا نیست بر کسی جائز

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا

به ملائک خدا چنین فرمود که به آدم کنون برید سجود همه بردند سجده جز شیطان خلقت این مقوله بود از جان شد به امر خدای نافرمان این شمایید و دیو و فرزندان پس مگیریدشان ولی خود راکه همه دشمنند بهر شما بر ستمکارگان چه بد بدلی است پیروی از فریب بد عملی است

مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا

موقع خلقت زمین و سما من گواهی نخواستم ز آنها نیز در آفرینش ایشان من شهادت نخواستم ز آنان من نگیرم ز گمراهان همکار

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا

حق بگوید به مشرک این گفتار آن خداها که داشتید گمان با ندایی کنید دعوتشان نپذیرند دعوت آنان مهلکی افکنم میانه‌اشان

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا

مجرمان بنگرند نار جز او ببینند وصل با او را و ندارند چاره‌ای از آن که بسوزند زار در نیران

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ
الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا

۵۵

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا
رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا

۵۶

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ
الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي
وَمَا أَنْذِرُوا هُزُوءًا

۵۷

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ
مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ
وَفِيْٓ أَعْذَانِهِمْ وَقْرًا ۖ وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِلَّا
إِبْدًا

۵۸

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ ۖ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ
لَهُمُ الْعَذَابُ بَلْ لَهُمْ مَّوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْيلًا

۵۹

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ
مَّوْعِدًا

۶۰

۲۶۰۲

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ
أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا

۶۱

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي
الْبَحْرِ سَرَبًا

گونه‌گون آوریم در قرآن‌هر مثل را برای آدمیان

هست انسان به این پیام و مقال از همه چیز بیشتر به جدال

چیست مانع به خلق از ایمان؟چونکه آمد هدایت از رحمان
تا بخواهند از خدا غفران‌ورنه آید ز حق سوی ایشان
سرگذشت گذشتگان به شتابو بگردند رو برو به عذاب

انبیا را نداشتیم گسیل‌جز به بیم و امید [ربّ جلیل
کافران را به باطل است جدال‌تا که حق را کنند محو و زوال
نیز هشدار آیه‌های مرا بگرفتند جمله استهزا

کیست بدتر از او به راه جفا؟که به تذکار آیه‌های خدا
[زین همه لطف گشت رو گردان‌کار خود را فکند در نسیان
پرده افکنده‌ایم بر دلشان‌تا نفهمند آن پیام و نشان
شد از آن گوشه‌ایشان سنگین که ندارند از خدا تمکین
ور که دعوت کنیدشان به هدابه هدایت نمی‌رسند ابدا

هست یزدان رحیم و ذو غفران‌گر که می‌خواست زود
کیفرشان
می‌فرستاد بهر‌شان به شتاب‌لیک دارند موعدی به عذاب
که از آن هیچ نیست راه فرار

و انهمه در گذشته شهر و دیار
شد هلاک از پی ستم در خاکو نهادیم موعدی به هلاک

چونکه موسی بگفت بهر جوان‌من بمانم در این طریق روان
تا رسم مجمع دو دریا رایا رهی دور را شوم پویا

چون رسیدند آن دو تن به مکان‌پس فراموش گشت
ماهی‌شان
[ماهی از دستشان چو گشت رها]راه خود را گرفت در دریا

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتْنِهِ ءَاتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْخُوتَ وَمَا أَزْنِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا

قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَأَرْتَدَّا عَلَى ءِثَارِهِمَا قَصَصًا

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا ءَاتِيْنَهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَهُ مِنَ لَّدُنَّا عِلْمًا

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ ۗ خُبْرًا

قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا ۖ قَالَ أَخَرَقْتُهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا

فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ ۖ قَالَ أَقْتَلْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا

چون گذشتند گفت بهر جوان که بیاور غذا و ماهی مان
زین سفر رنجا بیاوردیم

گفت وقتی به صخره جا کردیم

پس فراموش گشت ماهی مان بود نسیان دسیسه ی شیطان
تا نیارم به یاد وین چه شگفت ماهی از بحر راه خویش گرفت

گفت این است بهر ما دلخواه بازگشتند پی سپار از راه

پس بدیدند بنده ای در پیش که به او داده ایم رحمت خویش
نیز تعلیم داده ایم او رادانشی را که بود جانب ما

گفت موسی که از تو جویم راه ز آنچه را گشته ای از آن آگاه

گفت با من شکیب نتوانی

چه شکیبی بر آنچه نادانی؟

گفت بینی ز من شکیبایی پیروی دارم آنچه فرمایی
و نیچم تو را سر از فرمان گر که خواهد خدای عالمیان

گفت در پیروی مکن تو سؤال خود بگویم هر آنچه گردد حال

شد روان و سپس به کشتی جستو از آن نیز تخته ای
بشکست
گفت اهلش شوند غرقه به آب به یقین کرده ای تو کار خراب

گفت آیا نگفتمت با من نیست با تو شکیب بهر سخن؟

گفت بر من مگیر از این نسیان و مشو سخت گیر بر من از آن

پس برفتند و نوجوانی راکشت در راه و گفت پس موسی
می کشی بی گناه نفسی را؟ به یقین کرده ای تو کار خطا

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

گفت آیا نگفتمت با من؟نیست بر تو شکیب بهر سخن

قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَحِّبْنِي ۖ قَدْ بَلَغْتَ
مِنَ اللَّدْنِيِّ عُذْرًا

۷۶

فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ
يُضَيِّقُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ ۖ
قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا

۷۷

قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ۖ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ
تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

۷۸

أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرْدَتْ
أَنْ أَعْيِبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا

۷۹

وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا
طُغْيَانًا وَكُفْرًا

۸۰

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا

۸۱

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ
كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا
أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنَ رَبِّكَ ۚ وَمَا فَعَلْتُهُ
عَنْ أَمْرِي ۚ ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

۸۲

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ ۖ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُم مِّنْهُ
ذِكْرًا

۸۳
جزء: ۲۶

سوی اهل دهی شدند روان و غذا خواستند از ایشان
که از اطعام داشتند ابا بود دیوار ما یلی آنجا
پس به پا راست داشت آن دیوارگفت اگر خواهی اجر گیر ز
کار

گفت این شد جدایی تو و من زود گویم ز رمز و راز سخن
چون نبودت شکیب در این کار

بود کشتی ز مردمی نادار
کار این جمع هست در دریا زار و معیوب خواستم آن را
پادشاهی است در پی ایشان هر چه کشتی است گیرد از
آنان

مام و باب است از برای جوان کاندو هستند پاک و با ایمان
و از این نوجوان شوند ایشان راهی راه کفر و هم طغیان

خواستم تا به آن دو حی احد طفل پاک و رحیم تر بدهد

بود دیوار از دو طفل یتیم زیر دیوار گنج بود مقیم
پدر این دو هست نیکوکار چون شوند از بلوغ برخوردار
خواست حق تا برآورند آن را و همین هست رحمتی ز خدا
من نکردم به میل این تأویل بهر کاری که داشتی تعجیل

از تو خواهند ذکر ذی القرنین گو که آرام از او سخن در بین

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُوَ فِي الْأَرْضِ وَعَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا

۸۵ فَأَتْبَعَ سَبَبًا

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ

وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَبْدَأُ الْقَرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِنَّمَا

أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا

قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ

۸۷ عَذَابًا نُّكَرًا

وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ

۸۸ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا

۸۹ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ

۹۰ نَجْعَلْ لَهُمْ مِّنْ دُونِهَا سِتْرًا

۹۱ كَذَٰلِكَ ۖ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا

۹۲ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا

۹۳ يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا

قَالُوا يَبْدَأُ الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي

۹۴ الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ

سَدًّا

۹۵ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ

وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا

۹۶ ءَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ

أَنْفِخُوا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا

۹۷ فَمَا اسْطَلْعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطْلَعُوا لَهُوْ نَقَبًا

مکتتش داده‌ام به روی زمین‌نیز هر چیز در ره تمکین

و پس از این وسایل چندین‌پیروی کرد از ره تمکین

رفت جایی که مهر گشت نهان‌یافت در چشمه‌ای گل آلود آن

و در آن جا بدید قومی را پس بگفتیم بهر او کاینجا

یا برایشان فرود آر عذاب‌یا رهی را بگیر خوب و صواب

گفت آن کس که شد به راه ستم‌زود در این جهان عذاب
کنم

باز سوی خدا رود به عذاب‌و چه سخت است آن عذاب و
عقاب

و انکه مؤمن شد و نکوکردار‌هست از مهر و خیر برخوردار
و بگوییم بهر او فرمان‌حکم و امری که باشدش آسان

و پس از این وسایل چندین‌پیروی کرده از ره تمکین

رفت جایی که مهر از آن زد سردید قومی که نیستش مستر

آنچنان رفت و بوده‌ایم آگاه‌ز آنچه بودش ز عز و نعمت و جاه

و پس از این وسایل چندین‌پیروی کرد از ره تمکین

بین دو سدّ به عده‌ای برسیدکه سخن هیچکس نمی‌فهمید

پس بگفتند لشکر یاجوج‌کند افساد ارض چون مأجوج
شود آیا که از هزینه‌ی ما؟سدّ بسازی تو بین ما و آنها

گفت تمکین حق بود بهترپس شوید از توان مرا یاور
بیتان تا نهیم سدّ سدید

به من آرید پاره‌های حدید

تا میان دو کوه را پوشیدگفت پس در میان آن بدمید
آتش از آن میان نمود پدیدپس بگفتا مس مذاب آرید

تا بریزیم بر فراز حدید[و چنین کرد و ساخت سدّ سدید]

تتوانست کس رود بالایا کند نقب و روزنی آن را

<p>گفت این رحمت است از رحمان چون رسد نیز وعده‌ی یزدان می‌کند سخت جمله را ویران و درست است وعده‌ی یزدان</p>	<p>قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي ۖ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَّبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ ۚ وَكَانَ وَعْدُ رَّبِّي حَقًّا</p>	<p>۱۸: کهف ۹۸/۱۱۰</p>
<p>و رها می‌کنیم فوج به فوج می‌زنند آن گروه در هم موج پس دمیده شود به صور و از آن‌گرد آریم جمع آدمیان</p>	<p>وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ ۚ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ۚ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا</p>	<p>۹۹: حزب ۱۲۲</p>
<p>عرضه داریم نار بر کفار</p>	<p>وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا</p>	<p>۱۰۰</p>
<p>چونکه دارند پرده بر دیدار و ندارند قدرتی به شنود [بهر ذکر و کلام حی و دود]</p>	<p>الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا</p>	<p>۱۰۱</p>
<p>کافران در گمان شدند آیا؟ که بگیرند اولیا چو خدا جز خدا آن عباد بر دادار هست آماده نار بر کفار</p>	<p>أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِّن دُونِ أَوْلِيَآءٍ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِّلْكَافِرِينَ نَزُلًا</p>	<p>۱۰۲ ۲۶۳ر</p>
<p>گو شما را کنون کنم اخبار که زیانکارتر که شد در کار؟</p>	<p>قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا</p>	<p>۱۰۳</p>
<p>آنکه در زندگانی دنیاگم شود همت و تلاش او را و گمان می‌کند که در آن حال حسنات است بهر او اعمال</p>	<p>الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا</p>	<p>۱۰۴</p>
<p>کافرانند بر نشان خداهم به دیدار او به روز جزا پس تباه است کرده‌ی ایشان و بنا نیست بهرشان میزان</p>	<p>أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِٗ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَزَنًا</p>	<p>۱۰۵</p>
<p>دوزخ آمد برای کفر جز اسخره بر آیه و رسول خدا</p>	<p>ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا ءَايَتِي وَرُسُلِي هُزُورًا</p>	<p>۱۰۶</p>
<p>آنکه شد مؤمن و نکو اعمال پس به فردوس باشدش انزال</p>	<p>إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا</p>	<p>۱۰۷</p>
<p>ماندگارند جاودانه در آن و نخواهند هیچ نقل مکان</p>	<p>خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا</p>	<p>۱۰۸</p>
<p>آب دریا اگر شود جوهر بر سخنهاى خالق اكبر گو به پایان خود رسد دریاو نگردد تمام حرف خدا و ر ز بحر دگر رسد به مدد [هم به پایان حرف حق نرسد]</p>	<p>قُلْ لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا</p>	<p>۱۰۹</p>
<p>گو منم یک بشر به مثل شماو حی آید به سوی من ز خدا که خدای شماست حی احدهر که دیدار ربّ خود خواهد بایدش کار صالح و به نمازبر خدایش نیاورد انباز</p>	<p>قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ ۖ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ ۚ أَحَدًا</p>	<p>۱۱۰</p>

۱
۲۶۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
كَهَيْعَضَ

[کاف و ها یا و عین و صاد آمدرازی از کردگار بر احمد]

۲

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ وَ زَكَرِيَّا

یادی از خیر حق به بنده‌ی اوزکریا [که بود عبد نکو]

۳

إِذْ نَادَى رَبَّهُ وَ نِدَاءً خَفِيًّا

چونکه پروردگار را به ندابه نهان خواند [آن نبی خدا]

۴

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ
أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا

گفت یا ربّ شد استخوانم سست‌بر سرم شعله‌های پیری
رست
و دعایت نگشت از من فوت

۵

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوْلَىٰ مِن وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ
لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا

ترسم از قوم و خویش بعد از موت
همسر من زنی بود نازاجانشینی به من عطا فرما

۶

يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِن عَالٍ يَعْقُوبُ ۖ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا

وارث ما و آل اسرائیل‌هم پسندیده‌ی خدای جلیل

۷

يَزَكِّرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ أَسمُهُ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِن
قَبْلُ سَمِيًّا

زکریا تو راست مژده ز مایسری کاسم او بود یحیی
و نبودست بهر او همنام

۸

قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ
بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا

گفت پورم کجاست ای علام
همسر من زنی بود نازانیز فرتوتی است حال مرا

۹

قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هَيْنٍ ۖ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ
وَلَمْ تَكُ شَيْئًا

گفت آری شدست حال چنان‌لیک این کار بر من است آسان
پیش از این ساختم تو را موجودکه نبودت نشانه‌ای ز وجود

۱۰

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّيٓ ءَايَةً ۖ قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ
ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا

گفت بهرم نشانه‌ای بگذارگفت اینت نشانه از دادار
که نگویی سه شب به خلق سخن و ترا هیچ عیب نیست به
تن

۱۱

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِۦ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا
بُكْرَةً وَعَشِيًّا

پس برآمد به قوم از محراب‌پس چنین کرد بهر خلق خطاب
که به تسبیح او شوید تمام‌موقع بامداد و موقع شام

۱۹ مریم ۱۲ /۹۸	يٰحَيُّ خُذِ الْكِتٰبَ بِقُوَّةٍ ۚ وَّءَاتَيْنٰهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا	با توان گیر نامه را یحیی حکم دادم به کودکی او را
۱۳	وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكُوَّةً ۚ وَكَانَ تَقِيًّا	مهر دادم ز نزد خود او رانیز پاکی و بود با تقوا
۱۴	وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا	بود بر والدین نیکوکارو نبودست عاصی و جبّار
۱۵	وَسَلَّمْ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا	وقت میلاد و مرگ باد سلام بهر او نیز وقت بعث و قیام
۱۶ ۲۶۵۲	وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ مَرْيَمَ اِذْ اُنْتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا	یاد کن در کتاب مریم را چونکه از اهل خویش گشت جدا و گزین کرد جای شرقی را
۱۷	فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا ۚ فَأَرْسَلْنَا اِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا	بینشان پرده ای گرفت فرا سوی او روح داشتیم گسیل بشری بی عیوب در تمثیل
۱۸	قَالَتْ اِنِّیْۤ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا	گفت آرم پناه بر رحمان گر تو باشی ز جمع متقیان
۱۹	قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَسُوْلُ رَبِّكَ لِاَهْبَ لَكَ غُلَمًا زَكِيًّا	گفت من مرسلم ز سوی خداپسری پاک می دهیم تو را
۲۰	قَالَتْ اَنْیَیْ یَّکُوْنُ لِیْ غُلَمٌ وَلَمْ یَمَسَّسْنِیْ بِشَرٍّ وَّلَمْ اُكُۢ بِغِیًّا	گفت مریم بود چگونه پسرکه مرا مس نکرده است بشر
۲۱	قَالَ کَذٰلِکَ قَالَ رَبُّکَ هُوَ عَلٰی هٰیۡنٍ ۭ وَلَتَجْعَلَهۭٗۤ ؕ ؕ ؕ اٰیَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ اَمْرًا مَّقْضٰیًّا	نیز آلوده هم نبودم من گفت آری به حق تو راست سخن هست این کار بر خدا آسان و بسازیم بهر خلق نشان آیت و رحمتی است از یزدان حال انجام یافت این فرمان
۲۲ حزب ۱۲۳	فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهٖ ۭ مَكَانًا قَصِيًّا	بارور گشت و پس کناره گزیدبرد آن حمل را به جای بعید
۲۳	فَاجَاۤءَهَا الْمَخَاضُ اِلٰی جِذْعِ النَّخْلَةِ ۖ قَالَتْ یٰلَیَّتَنِیْ مِثُّ قَبْلِ هٰذَا وَکُنْتُ نَسِیًّا مَّنْسِیًّا	درد دادش به پای نخلی جاگفت ای کاش پیشتر زینها رفته بودم ز خانه ی دنیاو فراموش می شدم همه جا
۲۴	فَنَادٰهَا مِنْ تَحْتِهَا اَلَا تَحْزَنِیْ قَدْ جَعَلَ رَبُّکَ تَحْتِکِ سَرِیًّا	پس ندایی رسید از پایین که تو از ماجرا مباش غمین هست زیر تو چشمه ای از آب که به دشت جهان رود به شتاب
۲۵	وَهٰزِیْۤ اِلَیْکِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَیْکِ رُطْبًا جَنِیًّا	تنه ی نخل را بده تو تکان رطب تازه چیده افتد از آن

فَكُلِيْ وَاشْرَبِيْ وَقَرِّيْ عَيْنًاۖ فَإِمَّا تَرِيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا
فَقُولِيْ إِنِّيْ نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

۱۹:۰
مریم
۲۶
/۹۸

فَأَتَتْ بِهِۦ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُۥ ۖ قَالُوا۟ يَمْرِئٌ مُّقْدٌ جِئْتَ شَيْئًا
فَرِيًّا

۲۷

يَتَأَخَتِ هٰذِرُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ أَمْرًا سَوِيًّا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ
بَغِيًّا

۲۸

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِۚ قَالُوا۟ كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْأَمْهِدِ صَبِيًّا

۲۹

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ؕ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا

۳۰

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا
دُمْتُ حَيًّا

۳۱

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا

۳۲

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

۳۳

ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ۖ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ

۳۴

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ ۚ سُبْحٰنَهُۥٓ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا
فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُنْ فَيَكُونُ

۳۵

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ هٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

۳۶

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۖ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ

۳۷

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي
ضَلٰلٍ مُّبِينٍ

۳۸

خور و آشام و چشم روشن دارو کسی را اگر کنی دیدار
گو که صوم سکوت دارم من و لب امروز بسته‌ام ز سخن

پس بیاورد نزد قوم پسرکودک خود گرفته بود به بر
قوم گفتند خواهر هارون بس شگفت است کار تو اکنون

مریما باب تو نشد بدکارمادرت هم نبود بدکردار

کرد مریم اشاره بر فرزندمردمان در جواب او گفتند
ما چگونه به او سخن گوییم‌او به گهواره کودکی است مقیم

گفت من بنده‌ای از آن خداکه پیام و کتاب داد مرا

و مبارک کند مرا همه جانیز تا زنده‌ام در این دنیا
به نماز و زکات کرد ایما

نیز نیکی به مام گفت مرا
و نخواهد که من شوم جبّارنه سیه روزگار بدکردار

وقت میلاد و مرگ باد سلام‌بهر من نیز وقت بعث و قیام

عیسی مریم است این فرزندسخن حق که شک در او دارند

نیست شایسته‌ی خداوندی‌که بگیرد کسان به فرزندی
گذرد چونکه امر حی احدچون بگوید که باش پس باشد

او خداوندگار ما و شماستپس عبادت کنیدش این ره
راست

گونه‌گون شد فریق در آراوای بر کافران به روز جزا

چون رسد دیدگاه روز عظیم‌چه سمیع و بصیر می‌آریم
لیک اهل ستم به یوم الدین‌جمله هستند در ضلال مبین

<p>روز افسوس را بده هشدار آن زمانی که بگذرد همه کار خلق در غفلتند و نادانندو گریزان ز راه ایمانند</p>	<p>وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ</p>	<p>۱۹: مريم ۳۹ /۹۸</p>
<p>می‌بریم ارث ارض و ما فیهابازگشت همه بود سوی ما</p>	<p>إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ</p>	<p>۴۰</p>
<p>و به یاد آر در کتاب خلیل‌بود صدیق و هم نبی جلیل</p>	<p>وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا</p>	<p>۴۱: ر ۲۶۶</p>
<p>با پدر گفت کای پدر تو چرا؟عابدی بهر کور و ناشنوا و از آن هیچ نیست سود ترا</p>	<p>إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا</p>	<p>۴۲</p>
<p>دانشی دارم و نبود تو را پیروی دار ای پدر تو مرادهمت من به راه راست هدا</p>	<p>يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا</p>	<p>۴۳</p>
<p>پدرم پیروی مکن شیطان‌که بود بر خدای نافرمان</p>	<p>يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا</p>	<p>۴۴</p>
<p>ترسم از حق رسد به تو کیفرشود ابلیس پس تو را یاور</p>	<p>يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا</p>	<p>۴۵</p>
<p>گفت اعراض داری ابراهیم؟ز آنچه ما سوی او نماز آریم باز هم گر شوی تو رو گردان‌ندهی راه خویش را پایان سنگسارت کنیم و هم مهجوردیرگاهی ز من بمانی دور</p>	<p>قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ ءَالِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا</p>	<p>۴۶</p>
<p>گفت بر تو سلام از یزدان‌زود خواهیم برای تو غفران به یقین مهربان بود با من و پذیرد ز من دعا و سخن</p>	<p>قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا</p>	<p>۴۷</p>
<p>دور مانم من از شما یکسرو آنچه خوانیدشان بجز داور ربّ خود را دعا کنم شایداین دعا راه خیر بگشاید</p>	<p>وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا</p>	<p>۴۸</p>
<p>چون کناره گرفت آنان راکه پرستید قوم غیر خدا دادم اسحاق و نیز اسرائیل‌بهر او آن پیمبران جلیل</p>	<p>فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وهَبْنَا لَهُوَ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۖ كُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا</p>	<p>۴۹</p>
<p>لطف خود داده‌ایم بر ایشان‌نیز آوازه‌ای ز صدق بیان</p>	<p>وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُم لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا</p>	<p>۵۰</p>
<p>یاد کن در کتاب از موسی‌مخلصی بود و هم رسول خدا</p>	<p>وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا</p>	<p>۵۱: ر ۲۶۷</p>

وَنَدَيْتَهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا

دادمش از یمین طور نداو به ما شد قریب با نجوا

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا

رحمت خویش داشتیم [فزون به نبی و برادرش هارون

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

یاد کن در کتاب اسماعیل صادق الوعد آن رسول جلیل

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا

به نماز و زکات اهلش راامر می‌کرد آن رضی خدا

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا

یاد کن از کتاب از ادريس‌نبی راستگوی و بی‌تلییس

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا

و نهادیم جای او والا

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَءِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

۵۸
سجده
مستحب

آن کسانند منعمان ز خدا
انبیا از نوادهی آدمو انکه با نوح از بلا بردم
نیز از دودمان پاک خلیل‌نیز از خاندان اسرائیل
و انکه را برگزیده‌ام به هداچون بخوانند آیه‌های خدا
پس در افتد به سجدهی یزدان وز خوف خدا [شود گریان

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا

۵۹
حزب
۱۲۴

پس از آنان بماند نسلی چندکه نماز خدا تبه کردند
پیروان طریق نفس و هوی‌زود بینند بر ضلال جزا

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا

۶۰

مؤمن تائب نکوکردارکه درآید به جنت دادار
می‌نشینند ذره‌ای بیداد

جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا

۶۱

ز آنچه حق داد وعده بهر عیاد
جنت جاودانه‌ای است به غیب‌وعده‌های خدا رسد بی‌ریب

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا

۶۲

نیست حرفی در آن به غیر سلامو بود رزقشان به صبح و به
شام

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا

آن بهشت است ارث بهر عبادهر که شد متقی و پاک نهاد

وَمَا تَنْزِيلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا

۶۴

و نداریم آیه‌ای تنزیل‌جز به فرمان کردگار جلیل
از پس و پیش و آنچه هست میان‌می‌نباشد خدای را نسیان

رَّبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا

ربّ ارض و سما و بینهماپس عبادت کنید بهر خدا
صبر کن بر عبادتش آیاهیچ یابی سمی برای خدا؟

وَيَقُولُ الْإِنْسَنُ أَإِذَا مَا مِئْتُ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا

و بگوید چنین بنی آدمچونکه مردم چگونه زنده شوم

أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَنُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا

می‌ندارد به یاد کاین آدم‌هیچ بودست و خلقتش کردم

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا

به خدا جمع می‌کنیم آنان و به همراهشان بود شیطان
پس به گرد جهنم آرمشان و به زانو بیوفتند ایشان

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

پس ز هر دسته آوریم برون‌تا که عصیان به حق که داشت
فزون

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أُولَىٰ بِهَا صِلِيًّا

نیز ما اعلیم از دگران‌کیست اولی به آتش سوزان

وَإِنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا

همه وارد شوید در نیران‌این بود حکم قطعی یزدان

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا

پس نجات است بهر متقیان و به زانو ستمگر است در آن

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

چونکه شد خوانده آیه‌های خداکافران را به مؤمن است ندا
که کدام از دو فرقه نیکوتر در مقام و به مجلس و محضر

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَرِعًا

شد فنا پیش از این امم بسیارهم نکوتر به مکت و دیدار

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا

حق دهد مهلتی به گمراهان‌تا ببینند وعده یزدان
یا به دنیا و یا به روز جزا زود ببیند کیفر خود را
هم بدانند جای کیست بترو چه کس اضعف است در لشکر

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَقِيَّةُ الصَّلَاحُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا

آن کسی که گزید راه هداحق هدایت فزون کند او را
کارهای نکو که هست مدا‌به بود در ثواب و در فرجام

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا

دیدی آن را که کافرست آیا؟گفت قطعاً به من رسد اینجا مال بسیار و نیز فرزندان

۷۸ أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

آگه است او مگر ز علم نهان یا گرفتست از خدا پیمان

۷۹ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا

می‌نویسیم هر چه داشت بیان ما عذابی به او دهیم مدید

۸۰ وَنَرِيهِ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا

هم ز او می‌بریم و اوست فرید

۸۱ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا

و گرفتند جز خدا معبودبه گمانی که عز ایشان بود

۸۲ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا

نه عباداتشان کنند انکارزود بر ضدشان کنند اظهار

۸۳ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْزُهُمْ أَزًّا

شد شیاطین به اهل کفر گسیل‌تا به تحریکشان شوند دلیل

۸۴ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا

پس بر آنان مدار هیچ شتاب‌ما همه کارشان کنیم حساب

۸۵ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا

روز محشر به جانب رحمان‌جمع سازیم جمع متقیان

۸۶ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِدًّا

و برانیم ما گنهکاران‌همه را تنشه جانب نیران

۸۷ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

از شفاعت کسی نشد داراجز کسی که گرفت عهد خدا

۸۸ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا

و بگویند داشت حق فرزند

۸۹ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا

سخنی بس قبیح می‌آرند

۹۰ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا

هست نزدیک اینکه ارض و سما‌بشکند یا شکافد از اینها و بریزند کوهها از جا

۹۱ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا

که ولد آورند بهر خدا

۹۲ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا

نیست شایسته کردگار بلندکه بگیرد برای خود فرزند

۹۳ إِنَّ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا ءَاتِيَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا

نیست چیزی در این زمین و سما‌جز که او بنده است بهر خدا

۹۴ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا

به یقین حق شمارد آن‌ها را

۹۵ وَكُلُّهُمْ ءَاتِيهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَرْدًا

همه تنها شوند روز جزا

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ
وُدًّا

مؤمنی را که هست نیکوکاربهر او مهر می‌دهد دادار

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِئُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَنُنذِرَ بِهِ
قَوْمًا لُّدًّا

این به گفتار تو کنم آسان‌تا بشارت دهی به متقیان
دشمنان را دهی به آن زنهار

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ نُحِشُ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ
تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا

پیش از آنان هلاک شد بسیار
هیچیک را تو حس کنی زیشان؟یا ندایی تو بشنوی ز آنان؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
طه

[ط و ها این دو حرف کاغاز استبین حق و رسول او راز
است

نفرستیم بر تو این قرآن‌که بیفتی به رنج و سختی از آن

مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ

بلکه هست این کتاب ما تذکاربهر آن کس که ترسد از دادار

إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ

نازل است از خدای بی‌همتاخالق ارض و آسمان علا

تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَىٰ

بهر رحمان به عرش استیلاست

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ أُسْتَوَىٰ

و از او آنچه در زمین و سماست
و آنچه در بین این دو گشته مکین‌و آنچه باشد نهان به زیر
زمین

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ
الْأَرْضِ

آشکارا اگر کنند بیان‌داند او کل آشکار و نهان

وَإِنْ تَجَهَّرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَىٰ

نیست غیر از خدا دگر معبودنامهای نکوست بهر ودود

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

نشیدی تو قصه‌ی موسی؟

وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ

نار را دید و گفت اهلش را
دیدهام آتشی کنید شکیب‌کاورم بهرتان کمی ز لهیب
یا که یابم ز نار نور هدا

إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي
ءَاتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدُ عَلَى النَّارِ هُدًى

چونکه آمد بگفت یا موسی

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَمُوسَىٰ

من خدای توام تو کفش بر آروادی قدس را تو پا بگذار

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى

وَأَنَا أَخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ

من تو را برگزیدم ای موسی‌گوش کن آنچه وحی هست تو را

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

من خدا هستم و کسی جز من نیست شایان به بندگی کردن
پس به من آورید راز و نیازو به یادم به پا کنید نماز

إِنَّ السَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ

به یقین می‌رسد به روز جزاگر چه مخفی کنیم ما آن را
می‌رسد بهر هر کسی پاداش‌هر عمل را که داشته است
تلاش

فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ

آنکه ناباور و مطیع هواست‌هان نگرداندت ز شیوهی راست
که ز اغوای او شوی نابود[پیروی کن از آن چه حق فرمود]

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَمُوسَىٰ

چیست در دست راستت موسی؟

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَاهْتَسُّ بِهَا عَلَيَّ غَنَمِي وَلِي فِيهَا مَنَازِلُ أَخْرَجْتُنِي مِنْهَا وَمَا أَكْفَأُنِي لِلْغَنَمِ مِنْ حَافِلٍ

گفت در دست راست است عصا
که بر این [چوب خشک تکیه کنم‌برگ ریزم از آن برای غنم
نیز حاجات دیگری است مرا

قَالَ أَلْقِهَا يَمُوسَىٰ

گفت آن را بیفکن ای موسی

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ

پس بیفکند و گشت مار روان

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ

گفت خائف مشو بگیر همان
ما به شکل نخست باز آریم

وَأَضْمُمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ؕ ءَايَةٌ أُخْرَىٰ

دست خود را به جیب دارضمیم
پس برآید سفید بی‌خطری‌از من این است آیت دگری

لِنُرِيكَ مِنْ ءَايَاتِنَا أَكْبَرَىٰ

تا نشانت دهیم ای موسی‌باز آیات برتر خود را

أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

سوی فرعون رو که شد طاغی

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي

گفت بگشا تو سینه‌ام ربّی

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي

نیز کار مرا بکن آسان

وَأَحْلَلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي

بر گشا این گره مرا ز زبان

يَفْقَهُوا قَوْلِي

تا که روشن شود مرا گفتار

وَأَجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي

تو وزیری ز اهل من بگذار

هَارُونَ أَخِي

هست آن کس برادرم هارون

أَشَدُّ بِهِ أَزْرَىٰ

و به او قدرتم بکن افزون

وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي

و بکارم شریک کن او را

كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا

بیش تسبیح تو کنیم ادا

وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا

و فراوان کنیم یاد تو را

إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا

و تو هستی ز حال ما بینا

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَمُوسَىٰ

گفت دادیم خواهشت یکسر

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ

بر تو منت نهیم بار دگر

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ

سوی مامت رسید وحی از ما

أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ
بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَهُ ۚ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ حَبَّةَ
مَمْنَىٰ وُلِّصْنَعٍ عَلَىٰ عَيْنِي

۳۹

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ ۖ
فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَكَلَّمْتُ نَفْسًا
فَنَجَّيْنَكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ
مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَمْوَسَىٰ

۴۰

وَأَصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي

برگزیدم برای خویش تو را

۴۱

أَذْهَبُ أَنتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي

با نشان و برادرت تو برو

۴۲

أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

[هم زیاد خدا تو سست مشو]
سوی فرعون رو که شد خودکام

۴۳

فَقُولَا لَهُ ۖ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ

و بگویند حرف خود آرام
شاید او اهل پند و ترس شود

۴۴

قَالَا رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَن يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَن يَطَّعَىٰ

پس بگفتند ای خدای احد
می‌هراسیم اگر کند آزاریا به طغیان او شویم دچار

۴۵

قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ ۖ وَأَرَىٰ

گفت حق با شما منم همدم‌مهراسید بینم و شنوم

۴۶

فَأَتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَا
تُعَذِّبْهُمْ ۖ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ ۖ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ
الْهُدَىٰ

پس به نزدش روید و برگوییدما رسولیم از خدای وحید
همره ما کنون بدار گسیل‌قوم مظلوم آل اسرائیل
و مده تو عذابشان دیگرآیت آورده‌ایم از داور
و سلامی به پیروان هدا

۴۷

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

به یقین وحی شد به جانب ما
هر که سر پیچد و کند تکذیب‌آیه‌های خدا شود تعذیب

۴۸

قَالَ فَمَنْ رَّبُّكُمْ يَا يَمْوَسَىٰ

گفت پس کیست ربّتان موسی؟

۴۹

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ۖ ثُمَّ هَدَىٰ

گفت پروردگار ماست خدا
همه چیز آفرید و داد هدا

۵۰

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ

گفت پس چیست حال پیش از ما؟

۵۱

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى

۵۳

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا
وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ
شَتَّىٰ

۵۴

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَمَكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

۵۵

حزب
۱۲۶
۲۷۲۲

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً
أُخْرَىٰ

۵۶

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ

۵۷

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِّنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يٰمُوسَىٰ

۵۸

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرِ مِّثْلِهِ ۚ فَأَجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا
تُخْلِفُهُ ۚ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى

۵۹

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَن يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحَىٰ

۶۰

فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ

۶۱

قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَيَلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ ۖ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَىٰ

۶۲

فَتَنَزَّعُوا أَمْرَهُم بَِيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَىٰ

۶۳

قَالُوا إِن هَٰذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ
أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَىٰ

۶۴

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ أَتَتْهُمَا صَفَاً وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَن
اسْتَعْلَىٰ

گفت علمش بود به نزد خدانه فراموش و گم کند او را
ثبت گشته است در کتاب قضا[و خدا آگه است از آن تنها]

این زمین مهد ساخت بهر شماره گشودست بهرتان ز آنجا
و ببارید از آسمان باران و برآریم هر گیاه از آن

ز آن خور و چارپا ببر به چراهست در آن نشان به اهل نها

در زمین است خلق و عود شماو برآریم باز از آنجا

داده‌ایمش بسی ز آیه نشان‌منکر جمله گشت رو گردان

گفت آیی که آوری بیرون‌خلق را از دیار با افسون؟

پس بیارم فسون ترا چون این‌موعدی بین ما بکن تعیین
که نباشد تخلفی از آن‌و آن بود بهر ما و تو یکسان

گفت میعاد روز آذین دان‌گرد آیند چاشتگاه کسان

رفت فرعون و کید افزون کردسوی آن جایگاه روی آورد

گفت موسی که وای بهر شماچونکه بهتان نهید بهر خدا
با عذابی همه هلاک شویدمفتری زود می‌شود نومید

پس فتاد اختلاف آنان رانیز کردند در نهان نجوا

کاین دو ساحر به حيله و افسون‌همه را زین زمین کنند
برون
رسمتان را ز راه بردارند

گرد آرید حيله و ترفند
و بیايید در صفی کامروز‌هر که برتر شود شود پیروز

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ

قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ

وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلَقَّفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ

فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ

قَالَ ءَامَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَأَصْلَبَنَكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ آيُنَا أَشَدَّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ

قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفَرَ لَنَا خَطِيئَتَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ

جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّىٰ

پس بگفتند بگن ای موسی یا نخست افکنیم ما آن را

گفت آن بگنید پس به گمان رشته و چوبها شدند روان

ترس در جان خویش کرد احساس

پس بگفتیم برتری مهراس

آنچه در دست تست ساز رهاپس ببلعید جمع ساخته‌ها
کانچه سازند کید سحر استرفت ساحر به هر دیار و نرست

اوفتادند ساحران به سجود[سجده از بهر کردگار ودود]
پس بگفتند مؤمنیم اکنون به خداوند موسی و هارون

گفت آیا بیاورید ایمان؟پیش از اینکه دهم اجازه‌تان
او به سحر است اوستاد شماسحر را داده است یاد شما
میکنم دست و پا یمین و یساربه درختان زنیمتان بردار
تا بدانید که عذاب که راستو کدامین عذاب پا برجاست؟

پس بگفتند نیستت ترجیح بهر ما بر نشانه‌های صریح
به کسی کافریدمان سوگندحکم کن هر چه داری از ترفند
که بر این زندگی است این فرمان

ما به دادار آوریم ایمان
تا ببخشد گناه ما را اوو آنچه تحمیل کردی از جادو
و خدا بهتر است در هر کارهمه فانی شوند و او ستوار

هر که مجرم رود سوی داداربهرش آماده است دوزخ و نار
نه رها از جزا شود به مماتنه که او بهره‌ای برد ز حیات

هر که مؤمن شود سوی دادارگر که شایسته بود او را کار
بهر او هست پایه‌های بلند

باغهایی که جمله جاویدند
زیر اشجارش آبهای روانماندگارند جاودانه در آن
هر که شد پاک از گناه و خطاین جزایی نکو بود او را

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ
طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَفْ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ

۷۸

فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ ۖ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ اللَّيْلِ مَا غَشِيَهُمْ

۷۹

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ ۖ وَمَا هَدَىٰ

۸۰

يَبْنِي إِسْرَءِيلَ ۚ قَدْ أَنْجَيْنَاكَ مِّنْ عَدُوِّكَ ۖ وَوَعَدْنَاكَ
جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْمَنَّاءَ وَالسَّلَوىٰ

۸۱

كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ
عَلَيْكُمْ غَضَبِي ۖ وَمَن يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ

۸۲

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ

۸۳
حزب
۱۲۷

وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يٰمُوسَىٰ

۸۴

قَالَ هُمْ أَوْلَاءِ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ

۸۵

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ

۸۶

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَنَ أَسَفًا ۚ قَالَ يَقَوْمُ أَلَمْ
يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ
أَرَدْتُمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمُ
مَّوْعِدِي

۸۷

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمِلْنَا أَوْزَارًا مِّن
زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ

وحی کردیم پس سوی موسی که شبانه ببر عباد مرا
پس به دریا تو راهشان بگشانه ز پیگرد ترس نز دریا

رفت فرعون و لشکرش از پی‌بهر پوشاند او و لشکر وی

کرد فرعون قوم خود گمراه و ز هدایت نکردشان آگاه

آل یعقوب رستی از دشمن‌گشت میعاد طور و هم ایمن
و بدادیم من و هم سلوی

طیباتی که گشت رزق شما
بخورید و فراز حدّ نرویدورنه خشمم شود به قوم پدید
هر که را خشم من فرود آیدبه یقین ساقط است [در ره بد]

و ببخشم چو در انابت شدمؤمن و نیک و با هدایت شد

چیست باعث به کارت ای موسی؟که شدی در شتاب قومت
را

گفت اینان چون پیروان مننددر شتابم که تا شوی خرسند

گفت قومت بیازمود اللهبعد تو کرد سامری گمراه

سوی قومش روانه شد موسی‌خشمگین و غمین بگفت آیا؟
وعدہی نیکتان نداد خداگشت طولانی از برای شما
یا غضب خواستید از یزدان‌پس گذشتید از سر پیمان

پس بگفتند خلف این پیمان‌نیست از روی میل و خواهشمان
بلکه یک توده زیور آوردیمو فکندیم و مجتمع کردیم
بود القای سامری در کار[که به این معصیت شدیم دچار]

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ
وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِیَ

جسم گوساله‌ای پدید آورد که نوا داشت پس ندا آورد
کاین برای شما بود یزدان ربّ موسی فتاد در نسیان

۸۹

أَفَلَا يَرَوْنَ إِلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا
نَفْعًا

پس نبینند اینکه این معبودپاسخیش از برای قوم نبود
و ندارد به خلق سود و زیان

۹۰
۲۷۴ج

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِن قَبْلُ يَقَوْمُ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ ^ط وَإِنَّ
رَبَّكُمْ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي

نیز هارون بگفت با ایشان
که شما آزمون شوید به آن‌هست پروردگارتان رحمان
پیرو من شوید و این فرمان

۹۱

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ

پس بگفتند عاکفیم بر آن
تا بیاید به سوی ما موسی

۹۲

قَالَ يَهْرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا

پس به هارون بزد ندا موسی
چون بدیدی که گم‌رهند ایشان

۹۳

أَلَّا تَتَّبِعَنِ ^ط أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي

از چه با من شدی تو نافرمان
سر بتابی ز حکم من آیا؟

۹۴

قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي ^ط إِنِّي خَشِيتُ أَن
تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي

گفت ای پور مام من موسی
از سروریش من تو دست بدار من بترسیدم از تو در گفتار
که بگویی ره تو بود دلیل‌بهر تقسیم آل اسرائیل
و نبودی محافظ گفتار

۹۵

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَسْمُرِي

گفت ای سامری چه بود این کار؟

۹۶

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ ^ط فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ
الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي

گفت دیدم ندیده‌اند ایشان‌جای پای رسولی از یزدان
برگرفتم فکندمش بر آن نفس من داد جلوه‌اش اینسان

۹۷

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَوةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ ^ط وَإِنَّ
لَكَ مَوْعِدًا لَّن تُخْلَفَهُ ^ط وَانْظُرْ إِلَىٰ إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ
عَاكِفًا ^ط لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا

گفت موسی خطاب کن با ناس‌که نگیرند با تو هیچ تماس
نیست در وعده‌ات خلاف و نگر به الهت تو ای پرستشگر
که بسوزانم این جسد اینجاو بپاشم بقیه در دریا

۹۸

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

هست معبودتان حق یکتاغیر الله نیست هیچ خدا
او محیط است بر همه اشیاوز همه چیزها بود دانا

<p>این چنین با تو می‌کنم تبیین از خبرهای دوره‌ی پیشین آوریمت ز نزد خود قرآن</p>	<p>كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۚ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا</p>	<p>۲۰: طه ۹۹ ۱۳۵/</p>
<p>و آنکه شد زین کتاب رو گردان می‌کشد روز حشر بار گران</p>	<p>مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وِزْرًا</p>	<p>۱۰۰</p>
<p>ماندگارند جاودانه در آن بار روز قیامت است چه بد</p>	<p>خَالِدِينَ فِيهِ ۖ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ حِمْلًا</p>	<p>۱۰۱</p>
<p>چونکه در صور هم دمیده شود جمع سازیم هر که مجرم بودبا بدن‌ها و چشمهای کبود</p>	<p>يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمِذٍ زُرْقًا</p>	<p>۱۰۲</p>
<p>پس بود بینشان چنین نجوااینکه ده روز مانده‌اند آنجا</p>	<p>يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا</p>	<p>۱۰۳</p>
<p>ما چه داناتریم از آن گفتارنیز گوید بزرگشان در کار که به یک روز داشتند آن حال</p>	<p>نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا</p>	<p>۱۰۴</p>
<p>و بپرسند از تو حال جبال گو خدا خرد می‌کند آن را</p>	<p>وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا</p>	<p>۱۰۵ ۲۷۵ر</p>
<p>و به هامون بدل کند آنجا</p>	<p>فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا</p>	<p>۱۰۶</p>
<p>که در آن نیست هیچ پست و بلند</p>	<p>لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا</p>	<p>۱۰۷</p>
<p>وز منادی چو پیروی دارند انحرافی پدید نیست در آن‌هر ندا هست خاشع رحمان نشوی هیچ جز صدای فرود</p>	<p>يَوْمِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ ۖ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا</p>	<p>۱۰۸</p>
<p>چون شفاعت نداشت بهره و سود جز به اذن خدای حی ودودو خدا شد ز گفته‌اش خشنود</p>	<p>يَوْمِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ إِلَّا مَنْ أِذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا</p>	<p>۱۰۹</p>
<p>از پس و پیش آگه است خداکس ندارد احاطه علمش را</p>	<p>يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ ۚ عَلِمًا</p>	<p>۱۱۰</p>
<p>چهرها خاضعند بر قیومحامل ظلم می‌شود محروم</p>	<p>وَعَنْتِ الْأُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا</p>	<p>۱۱۱ حزب ۱۲۸</p>
<p>صالحی را که بود با ایماننیست ترسی ز جور و از نقصان</p>	<p>وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا</p>	<p>۱۱۲</p>
<p>و چنین آوریم ما قرآنو به لفظ عرب کنیم بیان گونه‌گون بیم را کنیم اداشاید ایشان شوند با تقوا یا که از بهرشان شود ایجادبهره‌ای از تذکر و از یاد</p>	<p>وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا</p>	<p>۱۱۳</p>

۲۰: طه	فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا	حق بود خسرو بلند مکان و شتابی مدار در قرآن پیش از آنکه تراست وحی قضاگو خدا دانش مرا افزا
۱۱۵	وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَلَمْ نُجِدْ لَهُ عَزْمًا	من از آدم گرفته‌ام پیمان‌پیش از اینها و هست در نسیان و ندیدیم بهر او تصمیم
۱۱۶ ر ۲۷۶	وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ	چون به جمع فرشتگان گفتیم که به آدم سر آورید فروددیو سرباز زد ز امر سجود
۱۱۷	فَقُلْنَا يَتَّعَادُمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ	پس بگفتیم این شد ای آدم‌بهر تو خصم بهر زوجت هم گر شما را برون کند ز جنان‌رنج و بدبختی است قسمت‌تان
۱۱۸	إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ	نه گرسنه شوید و نه عریان
۱۱۹	وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ	هم نه تشنه نه ز آفتاب نوان
۱۲۰	فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَتَّعَادُمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ	وسوسه کرد بهر او شیطان‌گفت آدم تو را شوم رهبان به درختی که هست جاویدان و به ملکی که هست بی‌پایان
۱۲۱	فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ	پس بخوردند از آن و گشت عیان‌بهرشان شرم و عورت آنان و نهادند پوششی بر آن‌از ورقهای بوستان جنان گشت آدم به حق چو نافرمان‌پس به گمراهی اوفتاد از آن
۱۲۲	ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ	پس خدایش گزیده کرد او راتوبه‌اش شد قبول و داد هدا
۱۲۳	قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ	گفت پس از جنان شوید فروپاره‌ای‌تان به پاره‌ای‌ست عدو چون ز من سویتان رسید هداهر که تابع شود هدای مرا نشود تیره روز و نه گمراه هم مبرا بود ز لوث گناه
۱۲۴	وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَىٰ	و آنکه گرداند رو ز یاد خدامی‌شود تنگ زندگی او را و در آید به حشر نابینا
۱۲۵	قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا	و بگوید خدای را که چرا؟ کور گشتم به عرصه‌ی محشرداشت‌م در جهان پیش بصر

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ ءَايَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا^ط وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى

پس بگویند که آمد آیت ماتو فراموش کرده‌ای آن را
این چنین] بهر کیفر و تاوان خود فتادی به بوته‌ی نسیان

۱۲۷

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ^ج
وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى

من جزا می‌دهم به افزون‌کارو آنکه آیت‌ها را کند انکار
و عذاب خدا به یوم الدّین سخت‌تر هست و پایدارترین

۱۲۸

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ
فِي مَسْكِنِهِمْ^ج إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ

من ندادم نشان‌شان آیا؟که بسی برده‌ام به دار فنا
چه جماعات پیشتر زیشان‌که روان بوده در مساکنشان
به یقین آیتی بود در آن‌بهر اندیشه‌ی خردمندان

۱۲۹
۲۷۷ج

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى

گر نبود از خدا کلامی پیش‌می‌فرستاد زود کیفر خویش

۱۳۰

فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ
الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا^ط وَمِنْ ءَآثَائِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ
النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ

صبر کن هر چه گفته‌اند ایشان‌حمد و تسبیح گوی با یزدان
پیشتر از طلوع مهر به بام‌پیشتر نیز از غروب به شام
پاسی از شب کرانه‌ای از روزتا که خشنود گردی و پیروز

۱۳۱

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ^ج أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ^ج وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

و نگاهی بیفکن ایشان را بر متاع و شکوفه‌ی دنیا
آرماییمشان به آن یکسررزق حق بهتر است و پای‌تر

۱۳۲

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا^ط لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا^ط
نَحْنُ نَرْزُقُكَ^ط وَالْعَقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ

اهل خود بر نماز ده فرمان‌پس از آن نیز صبر کن بر آن
از تو روزی نخواست ربّ جهان‌بلکه ما می‌دهیم روزی‌تان
هست عقبا برای متقیان

۱۳۳

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ^ج أَوْ لَمْ تأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي
الصُّحُفِ الْأُولَىٰ

و بگفتند از چه ربّ جهان؟
آیتی را نیاورد بر ماگو بر آنان نیامدست آیا؟
بیّناتی به نامه‌ی پیشین پس به امرم بیاورید یقین

۱۳۴

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ^ه لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا
أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَاتِكَ^ج مِّن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ
وَنُخْزَىٰ

پیش از این با عذاب اگر که خدازود می‌بردشان به دار فنا
می‌بگفتند ای خدا تو چرا نفرستاده‌ای رسول به ما
تا که تابع شویم بر فرمان‌و نبینیم خواری و خذلان

۱۳۵

قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا^ط فَسَتَعْلَمُونَ مَنِ أَصْحَابُ
الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ

گو همه منتظر شوند و شمایس بمانید منتظر اینجا
پس ببینید زود مهتدیان‌و آنکه باشد به راه راست روان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ

زود بپند حساب خلق جهان و به غفلت شوند رو گردان

مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ

نرسد تازه آیه‌ای ز خداجز که بازی گرفته‌اند آن را

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأُ التَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصِرُونَ

لهو بگرفت قلب آنان را و ستمگر نهان کند نجوا
که بود این بشر به مثل شماسوی افسون مرو تو ای بینا

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

گفت پروردگار من داناست‌سخنی را که در زمین و سماست
بشنود هر چه خلق می‌گویندو بدانند رهی که می‌پویند

بَلْ قَالُوا أَضَعَتْ أَحْلَمَ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بَيِّنَاتٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ

گفته‌اند اینکه خواب آشفته است هر چه پیغمبر خدا گفته
است
اوست شاعر به حق نهد بهتان‌باید آرد به سوی خلق نشان
چون نشانهای محکم و مرسل‌بهر اقوام پیش از اول

مَا ءَامَنْتُ قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ

پیش از این هم نداشتند ایمان‌که بکردیم شهرها ویران
خلق ایمان بیاورند آیا؟[بعد از این قصه‌ها به حکم خدا]

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسَئَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

بود پیش از تو نیز بس مرسل‌داشت وحی از خدای عز و جل
پس بپرسید آن ز آگاهان‌گر که باشید ذکر را نادان

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ

و نبودند پیکری ایشان‌که نباشند اهل قوت آنان
و نبودند نیز جاویدان بلکه بودند جملگی انسان

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ

راست بودیم بر سر پیمان‌پس رهاندیم جمعی از آنان
هر که را خواستیم [در این خاک مسرفان نیز کرده‌ایم هلاک

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

ما فرستاده‌ایم جانبان‌نامه‌ای ذکر‌تان بود در آن
نیست آیا خرد برای شما؟[بهر تنزیل آیه‌های خدا]

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا
ءَاخِرِينَ

فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسْكِنِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ

قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خِلْدِينَ

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعَيْنٍ

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهْوًا لَا تَتَّخِذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَلَعِينَ

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ
وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ
عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ

أَمْ اتَّخَذُوا إِلَهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَهِةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَنَ اللَّهُ رَبِّ
الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلَهِةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرُ
مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ
فَهُمْ مُّعْرِضُونَ

ما شکستیم شهرهای جفاو آفریدیم قوم دیگر را

چون که دریافتند خشم مرا پس گریزان شدند از آنجا

از چه آرید رو به سوی فرار؟باز گردید سوی شهر و دیار
ناز و نعمت بود شما را حال باز هم از شما کنند سؤال

پس بگفتند قوم وای به ماچونکه بودیم ما ز اهل جفا

و چنین بودشان مقال و خروش تا درو گشت قوم و شد
خاموش

خلق ارض و سما و بینهمانیست از بهر بازی تو و ما

گر که می‌خواستیم لهو به کار نزد خود داشتیم ما بسیار

حق بگوییم بر سر باطل تا تباهی همه شود زایل
هست نابود رشته‌ی بطلان‌وای بهر شما ز وصف و بیان

هست از او هر که در زمین و سماستیست مستکبر آنکه
نزد خداست
و نه از طاعتند رو گردان و نگردند هیچ رنجه از آن

اهل تسبیح او به لیل و نهارو ندارند سستی از این کار

هر چه معبود یافتند آیا؟می‌کند مرده در زمین احیا

گر که می‌بود جز خدای اله این زمین و سپهر بود تباه
ربّ عرش است بس منزّه از آن‌که به وصفش بیاورند بیان

نیست مسئول خلق از افعال خلق مسئول اوست در اعمال

برگرفتند اله جز یزدان‌گو بیارید بهر آن برهان
این بود ذکر قوم همره من و آنکه بودست پیش از گه من
لیک اکثر بود به حق نادان پس شوند آن گروه رو گردان

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيْٓ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ

۲۶

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُۥٓ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ

۲۷

لَا يَسْبِقُونَهُۥ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ

۲۸

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضَىٰ وَهُمْ مِنَ خَشِيَّتِهٖ مُشْفِقُونَ

۲۹

حزب
۱۳۰

وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَٰهٌ مِّنْ دُونِهٖ فَلَا يَكُنْ خَزِيْرَهُۥ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي ٱلظَّٰلِمِيْنَ

۳۰

۲۸۰ ر

أَوَلَمْ يَرَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ أَنَّ ٱلسَّمَٰوٰتِ وَٱلْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ۖ وَجَعَلْنَا مِنَ ٱلْمَآءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ

۳۱

وَجَعَلْنَا فِي ٱلْأَرْضِ رَوَاسِئًّ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

۳۲

وَجَعَلْنَا ٱلسَّمَآءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا ۖ وَهُمْ عَنْ ءَايٰتِهَا مُعْرِضُونَ

۳۳

وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱللَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ ۖ كُلٌّ فِى فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

۳۴

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ ٱلْخُلْدَ ۖ أَفَإِن مِّتَّ فَهُمُ ٱلْخٰلِدُونَ

۳۵

كُلُّ نَفْسٍ ذٰبِقَةٌ ٱلْمَوْتِ ۖ وَنَبْلُوْكُمْ بِٱلشَّرِّ وَٱلْخَيْرِ فِتْنَةً ۖ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

ما رسولی نداشتیم گسیل‌پیشتر از تو جز که با تنزیل وحی کردیم اینکه نیست خداغیر من بندگی کنید مرا

و بگفتند خالق سبحان‌بهر خود برگزید فرزندان بندگان گرامی حقند[نیستند از برای حق فرزند]

و نگیرند سبقتش به کلام‌هر چه فرمود می‌دهند انجام

اوست آگاهشان ز پیش و ز پس و شفاعت نمی‌کنند از کس جز به اذن خدای بی‌همتادر هراسند از هراس خدا

هر که گوید منم الاله شماپس جهنم به او دهیم جزا

هم جزا می‌دهیم اهل جفا‌اهل کفران ندیده‌اند آیا؟ بود پیوسته این زمین و سما‌ما گشودیم باز آنها را زنده کردیم از آب اشیا را‌باز ایمان نیاوردند آیا؟

و نهادیم کوهها به زمین‌تا نلرزند وز آن شوند مکین و نهادیم نیز وادی و راه‌تا که از راهها شوند آگاه

و به بام سما دهیم امان‌وز نشانش شوند رو گردان

روز و شب آفرید و شمس و قمر‌در فلک جمله‌اند راهسپر

نیست پیش از تو هیچ کس جاویدگر بمیری تو کیست پس جاوید؟

همه کس مرگ را چشد بر جان‌خیر و شرّ است آزمایش‌تان و به سوی خدای عالمان‌باز گردید جمله خلق جهان

وَإِذَا رَأَاكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهْذًا
الَّذِي يَذْكُرُ ءَالِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ

کافران چونکه بنگرند تو را پس بگیرند راه استهزا
کاین سخن گوید از اله شما کافرن این کسان به ذکر خدا

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ ءَايَاتِي فَلَا
تَسْتَعْجِلُونِ

خلق گشته است از شتاب انسان زود بهر شما دهیم نشان
می‌رسد زود آیه‌های عذاب پس نباشید بهر آن به شتاب

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

هم بگویند کو وعید خداراست باشد اگر کلام شما

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونِ عَنْ وُجُوهِهِمُ
النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

کاش دانند فرقه‌ی کفار آن زمان را که داخلند به نار
نه علاج است از آن ز روی و ز پس و نه دارند یابوری از کس

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ
يُنظَرُونَ

ناگهان می‌رسد سوی ایشان نیز مبهوت می‌شوند از آن
کس ندارد به دفع آن قدرت و ندارند مدتی مهلت

وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا
مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

پیشتر از تو هم رسولان را کرده‌اند این گروه استهزا
پس گریبان گرفت ایشان را آنچه را داشتند استهزا

قُلْ مَنْ يَكْلَأُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ
ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُّعْرِضُونَ

گو چه کس می‌کند حفاظتشان؟ روز و شبها ز کیفر یزدان
لیک از ذکر خالق منان این جماعت شوند رو گردان

أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ
أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِّنَّا يُصْحَبُونَ

از خدایان برایشان آیا هیچ امداد هست غیر از ما؟
تتوانند کرد یاری‌شان هم ندارند یاری از یزدان

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَءَابَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا
يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ

بهره دادیم این جماعت را طول عمری به شیوه‌ی آبا
بنگرند اینکه در زمان چندین‌کاهشی داده‌ایم بهر زمین
پس بگویند چیره‌اند ایشان‌یا که ما چیره‌ایم [بر دو جهان

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذِرُونَ

۲۱:
انبیاء
۴۵
/۱۱۲

وَلَيْنَ مَسَّتْهُمُ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

۴۶

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ

۴۷

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَآءَ وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ

۴۸

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ

۴۹

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ

۵۰

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ

۵۱
حزب
۱۳۱
۲۸۲

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ

۵۲

قَالُوا وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ

۵۳

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَعَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۵۴

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ

۵۵

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ

۵۶

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ

۵۷

گو که با وحی می‌دهم هشدارنشنود کر حدیثم از زنهار

نفعه‌ای گر رسد عذاب خداگوید ای وای بودم اهل جفا

در قیامت کنیم میزان را بر اساسی ز حق و عدل بنا
نشود هیچ بهر خلق جفا هر چه باشد بیاوریم آنرا
می‌شماریم هر چه هست عمل‌گر چه هموزن دانه‌ای خردل
[و آن چه باشد حساب از هر کس حاسب او خدای عالم بس

و کلیم خدا و هارون راداد فرمان و ذکر و نور خدا
داد آن را برای متقیان

که بترسند از خدا به نهان
و بترسند هم ز روز جزا

و فرستاده‌ایم قرآن را
این که ذکرِی خجسته شد ز خدایس شما منکرش شوید آیا؟

و بدادیم رشد ابراهیم‌پیش از این هم علیم او بودیم

با پدر گفت و قوم او را هم‌چه نماز آورید بهر صنم؟

پس بگفتند شیوه‌ی آبادود راه عبادت بتها

گفت گمره شدید چون پدران این ضلال است آشکار و عیان

قوم گفتند گفته‌ای صائب‌آوری یا که آمدی لایع

گفت پروردگار ما و شما هست پروردگار ارض و سما
خلق کردست جمله را داداروز گواهان منم بر این گفتار

می‌کنم در غیبتان به خدانقشه‌ای طرح در بتان شما

فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ

۵۹ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ

۶۰ قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ وَابْرَاهِيمُ

۶۱ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ

۶۲ قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا ابْرَاهِيمُ

۶۳ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ

۶۴ فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ

۶۵ ثُمَّ نَكِسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ

۶۶ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ

۶۷ أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۶۸ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ

۶۹ قُلْنَا يَبْنَازُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

۷۰ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ

۷۱ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ

۷۲ وَوَهَبْنَا لَهُ ذُرِّيَّةً إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ

خرد کرد آن بتان بجز مهترتا کنندش به بازگشت نظر

همه گفتند هر کسی این خواسته به خدایان ما ز اهل جفاست

پس بگفتند ما شنیدستیم نوجوانی به نام ابراهیم

سخنش بود ذکری از بتها پس بگفتند آورید او را
پیش چشمان مردمان به عیان تا گواهی دهند خلق به آن

پس بگفتند بهر ابراهیم این جفا بر بتان که ما دیدیم
از تو آیا ز دست سرایدر؟

گفت کردست آن بت اکبر
پس پیرسید این سخن زیشان اگر این حرف را کنند بیان

بازگشتند پس به خویش آنجا کان گروهند اهل جور و جفا

سرفکندند پیش کاین بتها هیچ حرفی نمی‌کنند ادا

گفت هستبد عبد غیر خداکه نه نفع و نه ضر بود او را

بر شما اف چرا نیندیشید؟و به غیر از خدا شوید عبید

پس بگفتند این بسوزانید تا کنید این بتان خود تأیید

گفتم ای نار باش سرد و سلیم از برای خلیلم ابراهیم

چونکه گشتند کید را خواهان پس فکندیشمان به قعر زیان

و رهاندیم او و لوط [از بندو بگفتیم تا که روی آرند]
به زمینی که بود خیر در آن هم مبارک برای عالمیان

نیز اسحاق دادم و یعقوب همه را ساختیم صالح و خوب

وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ
الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَبِيدِينَ

و نهادیمشان امام کسان تا هدایت کنند از این فرمان
وحی کردیم سوییشتان خیرات و اینکه هر جا به پا کنند صلاه
و زکوة خدا کنند ادا و عبادت کنند بهر خدا

۷۴

وَلَوْ ظَنَّ عَاثِيْنَهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي
كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَاثَاتِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَلَسِقِينَ

لوط را حکم و علم بخشیدیم هم ز شهر بدی رها نیدیم
قوم آن شهر بود بس بدکار

۷۵

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

بود لوط نبی نکو کردار
گشت وارد به لطف خاص خدا

۷۶
۲۸۳۲

وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ
مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

پیش از او نوح چون بداد ندا
[و به پروردگار کرد خطاب پس بدادیم آن خطاب جواب
او و یاران او رها کردیم از بلای بزرگ و کرب عظیم

۷۷

وَنَصْرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ
سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ

و بدادیم از آن گروه نجات که مکذب شدند بر آیات
چونکه بودند شرّ به راه عذاب همه گشتند غرقه در گرداب

۷۸

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفِثَتْ فِيهِ
غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ

و سلیمان و باب او داود چونکه بر کشتگه شدند فرود
رماه ای چون چریده بود در آن پس بدادند بهر آن فرمان
ما بر آن حکم بوده ایم گواه

۷۹

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَرْنَا مَعَ
دَاوُدَ الْجَبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرُ وَكُنَّا فَاعِلِينَ

و سلیمان بساختیم آگاه
و بدادیم حکم و هم حکمت و به داود داده ام قدرت
بهر تسبیح با طیور و جبال و هم از ماست کل این افعال

۸۰

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ
فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ

و زره سازیش بدادم یاد تا کند حفظتان به راه جهاد
بهر این کار شاکرید آیا؟

۸۱

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي
بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمِينَ

باد تسخیر شد سلیمان را
تا به فرمان او گذارد گام به زمینی که شد خجسته مقام
از همه چیز بوده ایم آگاه چونکه از نزد ماست حشمت و جاه

وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ^ط وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ

وز شیاطین گروه غواصان بود از بهر او و نیز جز آن حفظ کردیم کار آنان را

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ^ط أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

نیز ایوب چونکه داد ندا که خدایا به من رسید زیان ارحم الراحمینی ای رحمان

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ^ط وَكَشَفْنَا مَا بِهِ^ط مِنْ ضُرٍّ^ط وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ^ط وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً^ط مِّنْ عِنْدِنَا^ط وَذِكْرًا^ط لِلْعَبِيدِينَ

پاسخش دادم و همه مشکل شد چون نقصان مالیش زایل اهل او نیز بازگرداندیم رحمت خود بر او بیفشاندیم مثل آن نیز دادمش کانهابر ستایشگران شود ذکری

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ^ط كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ

بود ادریس و نیز اسماعیل همچو ذو الکفل اهل صبر جمیل

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا^ط إِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ

داخل رحمت منند ایشان همه هستند از نیکوکاران

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْضِبًا^ط فَظَنَّ أَن لَّنْ نَّقْدِرَ عَلَيْهِ^ط فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

رفت ذو النون تزند و کرد گمان که نداریم بر شکنجه توان پس به ظلمت چنین ندایش بودغیر تو نیست هیچکس معبود من ستمکاره بوده ام پاکا

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ^ط وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ^ط وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

پس بدادیم پاسخی او را هم ز غم کردمش رها و چنان می رهانیم قوم با ایمان

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ^ط رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

زکریا چنین بداد نداکه تو مگذارم ای خدا تنها بهترین وارثان تویی ربّا

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ^ط وَوَهَبْنَا لَهُ^ط يَحْيَى^ط وَأَصْلَحْنَا لَهُ^ط زَوْجَهُ^ط وَإِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ^ط وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا^ط وَرَهْبًا^ط وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ

پس بدادیم پاسخی او را و به او داده ایم یحیی را همسرش نیز داده ایم شفا بهر خیرات بوده اند شدیدو بخواندند حق به بیم و امید نیز بودند بر خدا خاشع و به حق و حدود حق خاضع

وَالَّتِي أَحْصَنْتَ فَرَجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَهَا
وَأَبْنَاهَا ءَايَةً لِّلْعَالَمِينَ

۲۱:
انبیاء
۹۱
/۱۱۲

و زنی را که پاک بد دامان پس دمیدیم روح خود در آن
او و فرزند او کنیم نشان آیتی از برای عالمیان

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ

۹۲

بود این جمع امتی یکتا این منم آفریدگار شما
پس مرا جملگی شوید عابد

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ

۹۳

و ان جماعت ز امر جمع برید
بازگشت همه بود سوی ما

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ
لِسَعْيِهِ ؕ وَإِنَّا لَهُ وَكِتُبُونَ

۹۴
۲۸۴۲

مؤمنی هم که هست از صلحا
نیست از بهر کار او کفران می نویسیم هر چه دارد از آن

وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

۹۵

و حرام است اهل شهر هلاک بازگردند بر حیات به خاک

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ
يَنْسِلُونَ

۹۶

تا زمانی که وا شود یاجوج همره قوم دیگر از مأجوج
تا ز هر تپه ای شوند فرا

وَأَقْرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ
كَفَرُوا يَوِيلًا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا
ظَالِمِينَ

۹۷

وعده حق بود قریب به ما
بازماند دو دیده ی کفار که به غفلت از این شدیم دچار
بلکه بودیم از ستمکاران

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا
وَارِدُونَ

۹۸

می پرستید هر چه جز یزدان
داخل دوزخید و هیزم آن همره آن الاهی ها ز بتان

لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ ءَالِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ

۹۹

گر که باشند این بتان معبود به جهنم نمی کنند ورود
[و روند این گروه در نیران همه در آن شوند جاویدان

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ

۱۰۰

ناله ها هست بهر شان آنجاو از آن نشنوند چیزی را

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

۱۰۱

و آنکه از قبل داشت وعده نیک به جهنم نمی شود نزدیک

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا أُشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ
خَالِدُونَ

و نخواهد صدای نار شنیدهر چه خواهد ورا بود جاوید

لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّيْنَهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا
يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

نیست غمگین ز وحشت پیشینملکش بیند و بگوید هین
این بود وعدهی خدا به شما

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ
خَلْقِ نُعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ

چون بیچیم در زمانه سما
همچو طومار و بازگردانیم آنچه را کافریده ایم قدیم
وعد حق است و میکنیم این کار

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

در زبور است نیز این گفتار
که زمین و حکومت آن راوارثند آن عباد خوب خدا

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ

هست در این پیامی از داوربهر قومی که شد پرستشگر

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

نفرستادهام تو را به جهان جز که رحمت برای عالمیان

قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ
مُسْلِمُونَ

گو به من وحی می شود تنهاکه خدای شما بود یکتا
تا به اسلام آورید ایمان نیز مؤمن شوید از دل و جان

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنْ أُدْرِيَ أَقْرَبُ أَمْ
بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ

و اگر هم شوید رو گردان همه را می دهم خبر یکسان
و ندانم هر آنچه هست وعیدمی رسد زود یا که هست بعید

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

حق بداند کلامهای عیان و آنچه سازید از همه پنهان

وَإِنْ أُدْرِيَ لَعَلَّهُ فَتَنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

شاید این آزمون برای شماست و متاع دو روزهی دنیاست

قُلْ رَبِّ أَحْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا
تَصِفُونَ

گو خدایا بده به حق فرمان ای تو پروردگار و ای رحمان
و خدا هست مستعان ما را هر کلامی که می کنید ادا

مردمان بهر حق بیرهیزیدز لرله در قیامت است شدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

مام اگر طفل شیر خواهد داد می برد شیر خواره اش از یاد
و دهد باردار طفل از دست و بینی تو خلق را چون مست
لیک آنان نیند مست آنجاکه شدید است بس عذاب خدا

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ
ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ
وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ

بعضی از مردمان کنند جدال در سخن از مهیمن متعال
پیروی می کنند نا آگاه بهر ابلیس سرکش و گمراه

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ
شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ

کرد مکتوب خالق منان هر که ورزید مهر با شیطان
به یقین گمره است و بهر عذاب به سوی آتش است او
رهیاب

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى
عَذَابِ السَّعِيرِ

مردمان گر ز بعث شک دارید ما شما را بیاوریم پدید
ابتدا خلق می کنیم از خاک پس از آن هم ز نطفه ای [ناپاک
پس از آن خون بسته ای] به شکم پس از آن گوشت پاره ای
در هم
گاه بی چهره گاه صورت دارو به ارحام می دهیم قرار
آنچه خواهیم تا گه محتوم تا کنیم از برایتان معلوم
پس بر آریم کودکی ز آن حال پس بلوغ شما رسد به کمال
پاره ای میرد و بسی دیگر می کند تا حضيض عمر گذر
[گر چه دانست چیزها ز جهان هم پس از علم می شود نادان
و زمین مرده می رسد به نظرمی فرستیم از سپهر مطر
جنبد و از زمین شود رویان هر گیاه نگه نواز از آن

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا
خَلَقْنَاكُمْ مِّن ثُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ
مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ لِّبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ
مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا
أَشْدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ
الْعُمُرِ لَكُمْ لِيَلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ
هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن
كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَأَنَّ السَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ

ثَانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ أُنْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا نَبْعُهُ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

يَدْعُوا لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لِبَيْسٍ الْمَوْلَىٰ وَلِبَيْسِ الْعَشِيرُ

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَن لَّنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ

این از آن شد که راست است خداو همو زنده می‌کند موتی و به هر کار قادر است خدا

به یقین می‌رسد زمان جزا و خدا آورد به بعث و نشورهر که را هست خفته در دل گور

بعضی از مردمان کنند جدال‌در سخنها ز قادر متعال بی‌کتابی منیر و ناآگاهو ندارند آگهی از راه

روی پیچند تا که مردم رادور سازند از طریق خدا بهرشان هست خواری دنیاو عذاب جحیم روز جزا

خود فرستاده‌ای ز پیش آن راو خدا را به بنده نیست جفا

بعضی از مردمان به لفظ و بیان می‌پرستند کردگار جهان گر که خیری رسید بر آنان‌پس به او می‌کنند اطمینان آرمونی اگر رسد به میان زود از حق شوند رو گردان و زیانکاره‌اند در دو جهان‌وین بود آن زیان که هست عیان

و بخوانند جز خدا معبودنه زیان می‌دهد به خلق و نه سود هست گمراهی بعید همین به حقیقت بود ضلال مبین

برگزیدند آن کسی معبودکه زیانش فزون بود از سود چه بد است این صدیق و این مولاو چه بد مونسی بود او را

و نکوکار خوب با ایمان می‌برد حق درون باغ جنان زیر اشجارش آبهای روان‌هر چه خواهد همان کند یزدان

هر که دارد گمان که از حق عون‌نرسد بر پیمبرش به دو کون ریسمان گو بر آسمان آویزخویش را بر فراز آن آویز و سپس قطع کن طناب و ببین‌خشم خود را دهی به آن تسکین

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ

آنچنان آیه‌های روشن را ما فرستاده‌ایم [بهر شما]
به یقین می‌نمایدش ره راست‌هر که را کردگار یکتا خواست

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى
وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ
الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

صابئین و گروه ایمانی‌هم مجوس و یهود و نصرانی
و آنکه مشرک بود خدا همه را دآوری می‌کند به روز جزا
به یقین هست ایزد واحدی‌هر اعمال مردمان شاهد

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَمَن فِي
الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ
وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ ۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۗ
وَمَن يُوْهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ۖ

بینی آیا که بهر ذات خدا؟ سجده آرند اهل ارض و سما
مهر و ماه و نجوم و کوه و شجرهم دواب و بسی ز نوع بشر
و عذاب است بر بسی ز آنان‌هر چه را خواست می‌کند یزدان
هر که او را خدا کند رسواچه کسی عزتی دهد او را

هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ ۚ فَالَّذِينَ كَفَرُوا
قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن تَارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ
الْحَمِيمُ

دو گروهند در جدل به خدایس کسانی که کافرند او را
جامه دوزند از لهب جحیم و بریزندشان به فرق حمیم

که کند ذوب بطن و ظاهر تن

يُصْهَرُ بِهِ ۚ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ

گرزهایی‌ست بهرشان ز آهن

وَلَهُمْ مَّقْلِعٌ مِّن حَدِيدٍ

كَلَّمَآ أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا
عَذَابَ الْحَرِيقِ

هر چه خواهند وارهند از آن‌بازگردند سوی آن پڑمان
[پس ندا می‌دهند با ایشان بچشید این عذاب از نیران]

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ
تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِّن ذَهَبٍ
وَلَوْثٌ ۖ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

پس در آرد خدا به باغ جنان آنکه را صالح است و با ایمان
زیر اشجارش آبهای روان و در آنجاست زیور ایشان
دستبندی ز لؤلؤ و از زرو لباس حریرشان در بر

وَهُدُّوْا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُّوْا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ

به سخنهاى پاک و راه حمید رهنمایی شوند [بی‌تردید]

۲۵

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ
وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

و کسانی که اهل کفر اندمانعی بهر راه یزدانند
نیز بیت الحرام را که در آن ساختمان جمله مردمان یکسان
آن کسی را که ساکن است در آن یا کسی را که سوی اوست
روان
هر که در آن ستم کند [به جحیم می‌چشانیمش از عذاب
الیم

۲۶
۲۸۸۸

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا
وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

چونکه آماده گشت بهر خلیل‌جای بهر بنای بیت جلیل
[پس ز حق سوی او رسید ندا] که نیاور شریک بهر خدا
پاک ساز این سرای ربّ و دودبه قیام و رکوع و طوف و سجود

۲۷

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ
مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

و به حج بانگ زن برای کسان‌گز ره دور هم رسند به آن
ور سوارند بر رکوب نوان‌ور پیاده به ره شوند روان

۲۸

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَةٍ
عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا
أَوَايِصَ الْفَقِيرِ

تا که بر سود خود شوند گواه‌بر زبان آورند اسم الله
بهر انعام کان ز رزق خداست و به ایام ثابتی اینهاست
بهره گیرید خود از آن انعام و به هر بینوا دهید طعام

۲۹

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُرَهُمْ وَلِيَطَوفُوا بِالْبَيْتِ
الْعَتِيقِ

از پلیدی شوند پاک و رهاو به هر نذر خود کنند وفا
پس بدارید طوف بیت حرام و کنید امر ربّ خود اکرام

۳۰

ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعِظْكُمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ رَبِّهِ
وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا
الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ

هر که تکریم کرد امر خدا این بود به به نزد حق او را
هست انعام بهر خلق حلال‌غیر چیزی که گفته شد به مقال
دور باش از پلیدی بهتانی از آن سخن که نیست روا

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِۦ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا
خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي
مَكَانٍ سَحِيقٍ

ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعِيرَةَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ
الْعَتِيقِ

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ
مِّنْ بَهِيمَةٍ ۖ أَلَّا نَعْلَمَ ۖ فَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَلَهُۥٓ أَسْلِمُوْا ۚ وَبَشِّرِ
الْمُخْبِتِينَ

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّٰرِغِينَ عَلَىٰ مَا
أَصَابَهُمْ وَالْمُقِمِي الصَّلٰوةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا حَيْرٌۭ
فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ ۖ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا
فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا
لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ
مِنْكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا
هَدٰنَكُمْ ۖ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ
كُفُورٍ

پاک باشید از برای خداو میارید بهر او همتا
هر که آرد برای حق همتاگویی افتاده است او ز سما
پس برندش پرندگان هوایا که طوفان فرا برد او را

هر که اکرام داشت حکم خداهست کارش نشانه‌ی تقوا

هست سودی برایتان در آن‌تا به گاه معینی به زمان
پس محلش بود به بیت حرام

و به هر امتی دهیم مرام
کز خدا آورند ذکر به نام‌چونکه خواهند ذبح کرد انعام
و آنچه دادیم رزق آنان را پس خدای شما بود یکتا
باش تسلیم بهر امر خدامژده ده مردم فروتن را

آن کسان که به ذکری از یزدان‌هست دل‌هایشان ز حق
ترسان
و شکبیا شده مصائب راو نماز خدا کنند به پا
و آنچه بخشیده‌ایم از ارزاق‌بهر ایشان از آن کنند انفاق

اشتران بزرگ و هم پروارکه بود در شعائر دادار
خیر در آن بود برای شمایبرش در صفوف نام خدا
چون به پهلو فتاد هر حیوان‌بخورید و دهش کنید از آن
به فقیران قانع و درویش‌تو عطا کن ز رزق و روزی خویش
رام کردیم جمله بهر شماتا به جای آورید شکر خدا

گوشت یا خون نمی‌رسد به خدامی‌رسد سوبیش از شما تقوا
چون مسخر شوند بهر شماو خدا دادتان طریق هدا
ذکر تکبیرگوی بر یزدان‌و بده مژده بر نکوکاران

و مدافع شود خدای جهان‌بهر آن کس که آورد ایمان
و خدا نیست دوست با کفارنیز با مردم خیانتکار

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَتِّلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

داده شد اذن جنگ آنان را که به ایشان شدست جور و جفا
به یقین آن توانگر قاهر بهر امدادشان بود قادر

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّتْ صَوَامِعُ وَبِيعُ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

۴۰

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

۴۱

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ

۴۲

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ

۴۳

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

۴۴

فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ

۴۵

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَىٰ الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَىٰ الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ

۴۶

مردمی کز ره جفا ز دیارگشت اخراج و بودش این گفتار
ربّ ما هست قادر یکتا آن خدای بزرگ بی‌همتا
گر نمی‌کرد رفع و دفع خطر مردمی را به مردمی دیگر
دیرها و کنشت و هر معبد نیز مسجد محل ذکر احد
بود یکسر خراب در ذلت هست یزدان عزیز و با قدرت
و مدد می‌کند خدا آن را که رساند مدد به دین خدا

آنکه چون قدرتی به دست آرد پس نماز خدا به پا دارد
و بسازد زکات مال ادا و کند امر کار نیکو را
نهی سازد ز کار زشت و خطا هست پایان کارها ز خدا

گر که تکذیب می‌کنند تو را بوده تکذیب کار اهل جفا
پیش از این قوم نوح و عاد و ثمود

قوم لوط و خلیل حی و دود

نیز اصحاب مدین و موسی مهلتی داده‌ایم کافر را
پس نگه کن چگونه بود انکار [از سوی ما و از سوی کفار]

ای بسا شهر کرده‌ایم هلاک که ستم داشتند در هر خاک
همه بر بام و سقف ریخته‌اند چاهای رها و کاخ بلند

می‌نگردند در زمین خدا؟ تا که باشد برایشان دلها
که بفهمند از آن سخن آنان یا که گوشی که بشنوند از آن
نشود این دو چشم نابیناکور در سینه می‌شود دلها

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا
عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

وَكَايِنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ أُمْلِيَتْ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى
الْمَصِيرِ

قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
الْجَحِيمِ

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى
أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ
ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ ءَايَتِهِ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ
وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ ۚ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ ۚ
فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ
مُّسْتَقِيمٍ

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ
بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ

در شتابند بر عذاب و جزان نیست خلفی به وعده‌های خدا
آنچه یک روز در حساب خداست در حقیقت هزار سال
شماست

چه بسا شهر بود جای ستم‌مهلتی داده‌ام به اهلش هم
پس گرفتیم جمله را به جزا بازگشت شماست سوی خدا

گو که ای مردمان [روی زمین این منم بهر تان نذیر مبین

صالحی را که بود با ایمان هست غفران و روزی شایان

آنکه کوشید در نشانه‌ی ماکه کند زار و ناتوان ما را
خود شود اهل دوزخ و نیران و نگیرد ز ما نشان و توان

نفرستاده‌ایم پیش از این از رسول و نبی که [بد چندین
جز که چون خواند بهر خلق نشان کرد القا به خواندنش
شیطان
می‌برد از میان خدای جهان آنچه القای اوست از شیطان
پس خدا آیتش کند تحکیم‌حق تعالی بود علیم و حکیم

آنچه را اهرمن کند القا آزمونی است بر بسی دلها
آن قلوبی که سخت و بیمار است آن دل زار و سخت کفار
است
و آن جماعت که شد ستم کردار به شقاقی بعید گشت دچار

داند این نکته هر که شد دانا از سوی حق که حق بود ز خدا
پس به آن حق بیاورند ایمان و فروتن شود به او دلشان
مؤمنان راست ایزد یکتا به ره حق و راست راهنما

آنکه دارد طریقه‌ی کفران هست در شک دائم از قرآن
تا قیامت بر او رسد ناگاه‌یا عذاب خدا رسد از راه
و به روزی رسد عذاب گران‌نیست راه گریز یا جبران

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ ۖ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

۲۲: ح ۵۶ / ۷۸

هست امروز ملک از یزدان دآوری می‌کند میانه‌ی‌شان هر که او صالح است و با ایمان جای او هست در نعیم جنان

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

۵۷

و آنکه کافر شود به حکم خدائیز تکذیب کرد آیت ما هست از بهر او عذاب مهین که شود خوار نزد اهل یقین

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

۵۸ ۲۹۲

آنکه هجرت کند به راه خداگر شود مرده یا کشند او را رزق نیکو دهد خدا او رابترین رازق است آن یکتا

لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ

۵۹

پس در آید به مدخلی ز رضاهست یزدان حلیم و هم دانا

ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ۖ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوءٌ غَفُورٌ

۶۰ حزب ۱۳۶

گر کسی را رسید رنج و عذاب و به حدّ عذاب کرد عقاب پس بر او داشتند جور و جفایهر او یار و یاور است خدا بی‌گمان آفریدگار جهان جرم بخشنده است و ذو غفران

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۚ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

۶۱

آورد شب به روز و روز به شب و سمیع و بصیر هست آن ربّ

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

۶۲

آن بود زان که آن چه غیر خدا باطل است آنچه خوانده‌اید آن را اوست حق و جزا و بود نار است و خدا هم بزرگ و هم والاست

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً ۚ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

۶۳

می‌بینی که می‌دهد یزدان؟ از دل آسمان خود باران و زمین سبز می‌شود آنگاه حق بود هم لطیف و هم آگاه

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

۶۴

هست از او آنچه در زمین و سماست بی‌نیاز و ستوده ذات خداست

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي
فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۖ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا
بِإِذْنِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَحِيمٌ

می‌بینی که ایزد یکتا کرد تسخیر ارض بهر شما؟
کشتی از امر اوست در دریا هم نگهدارد آسمانها را
جز به اذنش نیوفتد به زمین وانگهی چون شهاب هست
مبین
به یقین خالق قدیر و علیم بهر مردم بود رءوف و رحیم

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۚ إِنَّ
الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ

او همه خلق زنده گرداندهم پس از زندگی بمیراند
باز هم زنده می‌کند انسان هست انسان غریق در کفران

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ ۖ فَلَا يُنْزِعُ عَنْكَ فِي
الْأَمْرِ ۖ وَاذْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۚ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ

ما به هر امتی دهیم آیین که به آن می‌روند در ره دین
و در این امر نیست جای جدال و بخوان سوی قادر متعال
تو به کار هدایتی بس راست جمله طاعات تو برای خداست

وَإِنْ جَدَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

گر بگیرند با تو راه جدال گو که حق آگه است از اعمال

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

بیتان حاکم است حکم خدادر قیامت به اختلاف شما

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ
كِتَابٌ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ

می‌دانی که آگه است خدا؟ آنچه باشد در این زمین و سما
همه در نامه‌ای شدست بیان و آن برای خدا بود آسان

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ ۖ سُلْطَنًا وَمَا لَيْسَ
لَهُمْ بِهِ ۖ عِلْمٌ ۖ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ

و پرستش کنند جز یزدان که نیامد برای آن برهان
و ندارند هیچ علم و خبر نیست از بهر ظالمان یاور

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ
كَفَرُوا الْمُنْكَرَ ۚ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتُلُونَ عَلَيْهِمْ
ءَايَاتِنَا ۚ قُلْ أَفَأَنْبِئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَٰلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ
الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ وَبَشِّرِ الْمَصِيرُ

چون بخوانند آیه‌های مبین کافران را تو بنگری به جبین
که بر آن منکرند و ناخرسند با کسانی که آیه‌ها خوانند
هست نزدیک حمله‌ی آنان گو خبر می‌دهم به بدتر از آن
حق دهد نار وعده بر کفارو سر انجام بد بود آن نار

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ
مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِنْ
يَسْلُبُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ
وَالْمَطْلُوبُ

۲۲:
حج
۷۳
۷۸
۲۹۴ ر

زده شد یک مثل ای آدمیان پس شما گوش بسپريد به آن
هر کسی را بجز خدا خوانيدو شریکی برای او دانيد
توانند یک مگس سازندور که جمعیتی بپردازند
ور که چیزی رباید از آنان نتوانند باز گیرند آن
چه ضعیف است طالب و مطلوب

و ندانند قدر حق را خوب
به یقین حق بود قوی و عزیز

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

۷۴

برگزید از ملک رسولان نیز
نیز در بین مردمان چو شما هست حق هم سمیع و هم بینا

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ
سَمِيعٌ بَصِيرٌ

۷۵

از پس و پیششان بود داناباز گردد امور سوی خدا

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

۷۶

مؤمنان سر به حق کنید فرودو در آيید در رکوع و سجود
و عبادت کنید بهر خدا عمل خیر آورید به جا
شاید ای خلق رستگار شوید[و به نزد خدا شوید سعید]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ
وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۷۷

سجده
مستحب

و به راه خدا کنید جهاداز حقیقت که در جهاد نهاد
او شما را گزید در این دین و نکردست کارتان سنگین
این بود کیش پاک ابراهیم پدر مسلمین [به هر اقلیم
حق بنامید کیشتان اسلام پیش از این نامه و در این پیغام
تا پیمبر شود گواه شما و هم به مردمید گواه
پس نماز خدا به پا سازیدو زکات خدا بپردازید
متمسک شوید سوی خدایر شما اوست یاور و مولا
به شما خوب یآوری است خداو خدا هست بهترین مولا

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ
عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ
سَمَّكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ
شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا
الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ
فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ

۷۸

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	جزء: ۱۸
جزء: ۱۸	حزب: ۱۳۷	ر: ۲۹۵
۲	وَالَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَشِعُونَ	
۳	وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ	
۴	وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ	
۵	وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِضُونَ	
۶	إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ	
۷	فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ	
۸	وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ	
۹	وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ	
۱۰	أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ	
۱۱	وَالَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ	
۱۲	وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ	
۱۳	ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ	
۱۴	ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظًا فَكَسَوْنَا الْعِظَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا ءَاخِرَ فِتْنَارِكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ	
۱۵	ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ	
۱۶	ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ تُبْعَثُونَ	
۱۷	وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ	

مؤمنان یافتند راه نجات

آن کسان خاشعند بهر صلاه

هم ز لغوند سخت رو گردان

و زکات است کاری از ایشان

و نگهبان شوند بر دامن

جز به منظور جفت و همسرشان
و به مملوکه نیستند ملوم

و آنکه جوید خلاف این مفهوم
متجاوز شدست بر قانون وین گروهند حمله از عادون

وان کسان که درست کاراندهم وفادار عهد و پیمانند

به نماز خدا نگهبانند

نیز میراثدار آنانند

ارث دارند جنت رضوان و در آن جنتند جاویدان

آفریدیم آدمی از خاک

پس از آن گشت نطفه‌ای [ناپاک]
پس به جایی اقامتی بگزید

پس از آن خون بسته گشت پدید
تکه‌ای گوشت گشت بی‌ستخوان استخوان پس پدید گشت
از آن
استخوان پس به گوشت شد مضمر و آفریدیم خلقتی دیگر
پس بزرگ است کردگار جهان‌بهترین خلقت است از یزدان

پس از آن می‌روید از دنیا

زنده سازیم باز در عقبا

هفت ره در سپهر شد خلقت و نبودم ز خلق در غفلت

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ ط وَإِنَّا
عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا
فَوَاكِهٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ
لِّلْأَكْلَيْنِ

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا
وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا
لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ
مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ
مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فترَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَبُونَ

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا ووَحِينَا فَإِذَا جَاءَ
أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ
وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ ط وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي
الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ

می‌فرستیم از سما باران و به روی زمین دهیم اسکان
دارد اندازه و آنگی آن رامی‌توانیم برد از هر جا

پس پدید آوریم از باران باغهای نخیل و تاکستان
و بسی میوه شد پدید از آن بخورید [از مواهب یزدان

و درختی به طور سینا هست که دهد روغن و خوراک به
دست

و به انعام عبرتی است پدید که در آنهاست ز آنچه می‌نوشید
و در آن بهره‌های برای شماست و غذای شما هم از آنهاست

که به انعام می‌شوید سوار که به کشتی [روید روی بحار]

نوح چون سوی قوم گشت روان گفت عابد شوید بر یزدان
نیست معبود کس به غیر خدا اهل تقوا نمی‌شوید آیا؟

گفت اشراف کافران آنجا بشری هست این به مثل شما
بر شما سلطه جوید از ایمان گر که می‌خواست کردگار جهان
می‌فرستاد بهر ما ز سماملکی از فرشته‌های خدا
نشنیدیم این چنین فرمان ما ز پیشینیان و از پدران

هست این مرد مبتلا به جنون مدتی منتظر شوید اکنون

گفت ای ربّ من مرا شو یار بهر تکذیب [فرقه‌ی کفار]

وحی کردیم سوی نوح آنگاه که به وحی و عنایت الله
ساز کشتی و کن سوار بر آن از ذکور و اناث هر حیوان
تا زمانی که امر ما آمد آب و سبیل از تنور بیرون زد
به هلاکت شدند جمله دچار غیر آنان که گفته شد گفتار
و شفاعت مکن ز اهل جفا همه گردند غرقه در دریا

فَإِذَا أَسْتَوَيْتَ أُنْتَ وَمَنْ مَّعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي نَجَّيْنَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۲۹

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

۳۰

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ

۳۱

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءَاخِرِينَ

۳۲

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ
إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ

۳۳
۲۹۷ر

وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِِقَاءِ الْآخِرَةِ
وَاتَّرفَنَهُمْ فِي الْحَيَوةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ
يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ

۳۴

وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ

۳۵

أَيَعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظْمًا أَنَّكُمْ
مُخْرَجُونَ

۳۶
حزب
۱۳۸

هِيَاهُتَ هِيَاهُتَ لِمَا تُوعَدُونَ

۳۷

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

۳۸

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ
بِمُؤْمِنِينَ

۳۹

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ

۴۰

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِّيُصْبِحَنَّ نَدِمِينَ

۴۱

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبُعَدًا لِلْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ

۴۲

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا ءَاخِرِينَ

پس به کشتی فرا شوید آنگاه‌تو و هر کس که با تو شد
همراه
پس بگو حمد حق که ساخت خدااز ستمکارگان رها ما را

پس فرود آرمان به یک منزل‌که خجسته است ای بهین
منزل

به یقین بس نشان بود در آن‌امتحان می‌کنیم خلق جهان

پس پدید آوریم قوم دگر

بهر هر قوم هست پیغمبر
که عبادت کنند بهر خدانیست معبود غیر از آن یکتا
اهل تقوا نمی‌شوید آیا؟

بود اشراف قوم در هر جا
کافران مکذّب آیات‌نیز منکر به دیدن عرصات
داده بودیم ان جماعت راناز و نعمت به عمر در دنیا
پس بگفتند این پیمبر ماآدمیزاده ایست مثل شما
می‌خورد آنچه می‌خورید از آن‌و بیاشامد او چو هر انسان

گر برید از چنین بشر فرمان‌به یقین بهره‌ی شماس‌ت زیان

می‌دهد وعده چون شدید هلاک‌استخوانی شدید وز آن پس
خاک
باز بیرون شوید بهر حیات

از چنین وعده بر شما هیهات

زندگی نیست غیر از این دنیاگر بمیریم و گر شویم احیا
برنگردیم باز سوی جهان بهر دیدار جنت و نیران

وین بشر بر خدا زند بهتان‌و نداریم ما به او ایمان

گفت یا رب تو باش با من یارچونکه حرف مرا کنند انکار

گفت نادم شوند این کفارزود از این گفته و از این کردار

میحه بر حق گرفت آنان راپس چو خاشاک کردم ایشان را
دور بادا ستمگران جهان از ره لطف و رحمت رحمان

خلق کردیم ما سپس به جهان‌قومهای دگر پس از ایشان

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَخِرُونَ

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ

فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِّقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيهِٔ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عٰبِدُونَ

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتٰبَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ ءَايَةً وَعَٰوَيْنَهُمَا إِلَىٰ رُبُوعِ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ

يٰٓأَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَأَعْمَلُوا صٰلِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

وَإِنَّ هٰذِهِٗ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِٓءٍ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنٍ

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ

اجل خلق چون رسد در پیش‌بهرشان نیست ساعتی کم و بیش

پس پیامد رسول پی در پی‌امتی چون رسد پیمبر وی می‌شمارد دروغ گفته‌ی وی‌پس هلاک آوریم پی در پی قصه‌ای ز آن امم بود دایردور بادا جماعت کافر

ما فرستاده‌ایم با موسی‌نیز هارون برادر او را آیه‌ها و دلیل روشنگر

سوی فرعون و دسته‌ی مهتر پس گرفتند راه استکبارهم به گردنکشی شدند دچار

پس بگفتند خلق نابورکه نداریم باور این دو بشر این دو چون ما [خورند آب و غذا]قومشان نیز بنده‌اند به ما

بهر تکذیب آن دو پیغمبرساختم قوم را فنا یکسر

و بدادم کتاب موسی را شاید آیند بر طریق هدا

مریم و کودکش شدند نشان‌و ببردیم بر بلند مکان که در آن بود هم قرار و امان‌هم در آن نقطه بود آب روان

ای رسولان خورید روزی پاک‌کار نیکو کنید [در هر خاک بهر اعمالتان منم دانا

بود این امت شما یکتا و منم آفریدگار شما‌اهل تقوا شوید بهر خدا

بعدها بینشان شکست افتادهر گروهی به راه خود شد شاد

پس رها کن به جهلشان تا حین

در گمانند بهر مال و بنین

که کمک می‌دهمیشان با آن می‌دانند جمله هست زیان بهر خیراتشان کنیم شتاب‌نیستند این گروه معنی یاب

جز که ترسند از خدای جهان

و به آیات آورند ایمان

و ندارند هیچ شرک روا‌بهر پروردگار بی‌همتا

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا ءَاتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَلٌ مِّنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَمِلُونَ

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْعَرُونَ

لَا تَجْعَرُوا أَلْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ

قَدْ كَانَتْ ءَايَتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰٰٓ أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِۦ سَمِرًا تَهَجُرُونَ

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ ءَابَاءَهُمْ الْأَوَّلِينَ

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُۥ مُنْكَرُونَ

أَمْ يَقُولُونَ بِهِۦ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ

وَلَوْ أَتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُونَ

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَّاجُ رَبِّكَ خَيْرٌۭ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزَاقِينَ

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَيِّبُونَ

چونکه انفاق می‌کنند ایشان‌هست دلهایشان ز حق ترسان باز گردنده سوی یزدانند

و به کار نکو شتابانند و بجویند سبقتی در آن

نیست تکلیف کس برون ز توان نامه ما به حق بود گویاهیچکس را نمی‌کنیم جفا

غفلتی هست خلق را در دل و به کاری جز آن بود عامل

پس بگیریم مترفین یکسر بهر کار عذاب در محشر

و میارید این زمان زاری نیست از کس برایتان یاری

بر شما خوانده شد بسی ز نشان‌که از آن بوده‌اید رو گردان

شب به نخوت چو یاوه می‌گویندراه تدبیر و حق نمی‌پویند

یا به آنان کتاب شد واصل‌که به اجدادشان نشد نازل

نشناسند این نبی آیا؟که گرفتند راه نفی و ابا

یا بگویند او بود مجنون‌گر چه آورده است حق اکنون خوش ندارند اکثرا حق را

حق اگر بود تابع اهوا آسمان و زمین شوند تباه‌اهل آن هم همه شود گمراه ذکر را داده‌ایم بر آنان‌پس از آن می‌شوند رو گردان

اجرتی خواستی مگر زیشان‌بهترین اجر هست از یزدان

و خداوندگار بی‌همتابهترین رازق است عالم را دعوت توست در طریقه‌ی راست

راه ناباوران دین به خطاست

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرِّ اللَّجْوِ فِي طُعَيْنِهِمْ
يَعْمَهُونَ

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا
يَتَضَرَّعُونَ

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ
مُبْلِسُونَ

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا
تَشْكُرُونَ

وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا
تَعْقِلُونَ

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ

قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَعَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا
أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ
إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ

گر که رحم آوریم بر ایشان دفع سازیم از این گروه زیان
پس لجاجت کنند در طغیان و بمانند سخت سرگردان

در بلا هم نبودشان خواری و نکردند سوی حق زاری

چون به آنان رسد عذاب شدیده‌مه گردند آن زمان نومید

اوست خلاق چشم و گوش و فؤادشاکر حق کم است بین
عباد

او شما را به خاک ساخت پدیدسوی او نیز جمع می‌گردید

او کند زنده و ستاند جان‌زو بود روز و شب پیایی هان

پس بگفتند مثل اولیان‌چون بگردیم سوی گور روان

استخوانهای ما شود پس خاک‌زندگی را چسان کنیم ادراک

ما ز آبا شنیده بودیم این‌هست اینهم فسانه‌ای پیشین

گو که از کیست ارض و ما فیها؟‌گر که هستید از این سخن
دانا

پس بگویند هست از آن خداگو نگیرید پند از آن آیا؟

گو که پروردگار ارض و سماست؟‌یا که پروردگار عرش
علاست؟

پس بگویند هست از آن خداگو که آیا نه‌اید با تقوی؟

گو که در دست اوست حکم جهان‌و پناهنده راست مهد امان
و پناهنده نیست او کس راگر که هستید از این سخن دانا

پس بگویند هست از ان خداگو که مسحور گشته‌اید آیا؟

بَلْ أَتَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

مَا أَتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَنَ اللَّهُ عَمَّا يُصِفُونَ

عَلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِي مَا يُوعَدُونَ

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَدِيرُونَ

أَدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ

حق بیاورده‌ایم [و می‌جویند]در حقیقت دروغ می‌گویند

نگرفتست او کسی مولودنیست همراه او کسی معبود ورنه هر یک به آفریده‌ی خویش‌راه مخصوص می‌گرفت به پیش بعضشان هم به راه شوکت و فربود برتر ز عده‌ای دیگر پاک باشد خدای عالمیان‌ز آنچه در وصف او کنند بیان

عالم غیب و جلوه برتر از آن‌که شریک آورند بر یزدان

گو خدایا اگر نشان بدهی‌و عده‌ای را که بر جهان بدهی

با ستمگر مرا مکن همراه و مرا ز آن وعید کن آگاه

هست از بهر ما قوا و توان‌که به تو وعد خود دهیم نشان

پاسخ هر بدی به نیکی ده‌ما به وصفیم و علم ز آنان به

گو پناه آورم به تو یزدان‌از فسون و ساوس شیطان

و پناه آورم به تو قادر‌چونکه گردند نزد من حاضر

چونکه با مرگ می‌رود ز جهان‌پس بگوید مرا تو برگردان

تا که کار نکو کنیم قضایین بود گفته‌ی زبان او را وز پی اوست برزخی مأمور‌تا به روز جزا و بعث و نشور

چون دمیده شود به صور آن جاسته‌نه سؤال و نه قوم آنان راست

هر که میزان او شود سنگین‌رستگاری است بهر او تأمین

هر که او را سبک شود میزان‌بس خسارت رسد به او از جان اهل نارند و جاودانه در آن

نار تازد به چهره‌ی آنان زشت رویند در دل نیران پس عبوسند ز انهمه خسران

أَلَمْ تَكُنْ عَآيَتِي تُنَالِي عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

نه مگر آیه خوانده شد به شما نیز تکذیب کرده‌اید آن را

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ

پس بگوید که چیره شد بر مابخت بد برد هم ز ره ما را

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ

ای خدا ز آن بکن برون ما راتا نباشیم باز اهل جفا
پس اگر سوی جرم روی آریم به یقین آن زمان ستمکاریم

قَالَ أَحْسُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ

گوید از من شوید دور و سخن هیچ دیگر نیاورید به من

إِنَّهُوَ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا
وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

به یقین بعضی از عباد خداسوی معبود داشتند دعا
کای خدا بر تو آوریم ایمان بهر ما بخش رحمت و غفران
رحمت و رحم تست افزونتراز رحیمان و راحمان یکسر

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِّنْهُمْ
تَضَحَكُونَ

سخره کردید جمع آنان رارفت از یادتان کلام خدا
خنده‌ها داشتید بر ایشان پس نگاهی کنید بر آنان

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ

ما جزا می‌دهیمشان امروزمی‌شوند از شکیبشان پیروز

قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ

پس بگوید که چند گه به زمین‌مانده‌اید از حساب یوم و
سنین

قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَلِ الْعَادِّينَ

پس بگویند روزی از ایام‌یا که یک پاره‌ای ز روز تمام
از شمارندگان سؤال کنید[بهر ما هست از این سخن تردید]

قَالَ إِنْ لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

پس بگوید که مانده‌اید آنچاکم اگر علم داشتید شما

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا
تُرْجَعُونَ

پس گمان داشتید این کایابه عبث خلق گشته‌اید شما؟
و نگردید باز سوی خدا

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
الْكَرِيمِ

خسرو راستین بود والا
نیست معبود جز خدای کریم اوست پروردگار عرش عظیم

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا
حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

هر که خواند الهه با الله نیست برهان برای او زین راه
پس حسابش بود به نزد خدانرھاند گروه کافر را

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

گو خدایا ببخش و هم بخشاکه تویی بهترین رحیم مرا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَدَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ

وَالْخَمِيسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

وَيَذَرُوهَا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

وَالْخَمِيسَةُ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

سوره‌ای آمد و در اوست عیان واجبات از خدای عالمیان و در او هست آیه‌ها به بیان‌متذکر شوید شاید آر آن

زن و مردی که گشت اهل زناحد صد تازیانه است او را و مباحثید بهرشان دلسوز[تا که حکم خدا شود پیروز] مؤمنید ار به حق و روز جزاجمعی از مؤمنین شوند گواه بر مجازات و کیفر آنان این بود حکم قادر سبحان

بهر زانی نکاح نیست رواجز زنی کوست اهل شرک و زنا زن بدکاره نیز نیست رواجز به مردی ز اهل شرک و زنا این دو بر مؤمنین شدند حرام این چنین است حکم در اسلام

گر زنی متهم کند به زنا و نیارد بر او چهار گواه هست هشتاد تازیانه و راو شهادت نباشدش ابدا [حکم این است بر تبه کاران و ان جماعت شدند نافرمان

هر که تائب شد و نکو کردارپس خدا هست راحم و غفار

گر کند متهم زنش به زنا و نبودست شاهدهی او را پس شهادت دهد به نام خداچار بار اینکه صادق است آن را

پنجمین بار هم چنین گوید[بهر تعذیب آن مصاحب بد] باد ملعون کردگار احدکه اگر او دروغگو باشد

زن شود از عذاب جرم رهاچار بار ار گواه خواست خدا مرد او راه کذب می‌پوید

پنجمین بار هم چنین گوید باد مغضوبه‌ی خدای احداگر این مرد راست می‌گوید

هست لطف و کرم از آن خدااوست توبه‌پذیر و هم دانا

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ أُمَرٍ مِّنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

۱۲

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ

۱۳

لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشَّهَدَاءِ فَقُوتِلَكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ

۱۴

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

۱۵

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالْإِسْنَةِ كُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ

۱۶

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ

۱۷

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

۱۸

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۱۹

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

۲۰

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

آن گروهی که کذب بود او را بود یک دسته از میان شما
بهرتان نیست زان دروغ زیان بلکه خیریست بر شما از آن
هر یک از آن گروه کرد گناهو به کسب گناه گشت تباه
و آنکه سهمی بزرگ داشت از آن هست از بهر او عذاب گران

چون رسید این خبر به گوش شماپس نبردید ظن خیر چرا؟
بهر خود [و آن گروه با ایمان و بگویند اوست کذب عیان

چون نیاورده اند چار گواه پس دروغ است این به نزد خدا

گر نمی بود لطف و فضل خداهم به دنیا و هم به روز جزا
[بهر این کذب و این چنین بهتان بود از بهرتان عذاب گران

می گرفتید این سخن ز کسان باز آورده اید آن به زبان
بی خبر ز آن گذشته اید آسانو آن بزرگ است در بر یزدان

چون رسید این خبر به گوش شما می نگفتید حی سبحان را
توانیم این سخن گوئیم این خبر کذب و تهمتی است عظیم

و خدا پند می دهد به شما که نگویید این سخنها را
گر شما مؤمنید بر یزدان دور باشید از ره بهتان

آیه ها حق بیان کند به شماو خدا هست عالم و دانا

هر که خواهد شیوع فحشا را در جماعات مؤمنین خدا
هم به دنیا و هم که محشر سهم او شد عذاب درد آور
و خدای جهان بود دانائیز آگاه نیستید شما

هست لطف و کرم از آن خداو رئوف است و مهربان به شما

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ
خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا
فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَّى مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا
وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

وَلَا يَأْتِلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولِي
الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيَعْفُوا
وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ

يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ
الْمُبِينُ

الْحَبِيشَتِ لِلْحَبِيشِ وَالْحَبِيشُونَ لِلْحَبِيشَتِ وَالطَّيِّبَتِ
لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَتِ أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا
يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ
تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَذَكَّرُونَ

ای کسانی که آورید ایمان پس مباحثید پیرو شیطان
هر که شد پیرو ره شیطان او به خبث و بدی دهد فرمان
گر نمی بود لطف و فضل خدا بود آلوده هر کسی ز شما
پاک دارد هر آنکه خواست خدا و سميع است و او بود دانا

آنکه را فضل و وسع رزق دهند نيست جائز که او خورد
سوگند
بهر امساک مالی از خويشان نيز هجرت کنان و درويشان
ور به عفو و گذشت رو آريدمگر آيا نه آرزو داريد
تا کند عفوتان خدای جهان هست يزدان رحيم و ذو غفران

هر که نسبت دهد گناه زنابه زنی پاک و بی خبر ز خطا
لعنت حق بر اوست در دو جهان هست از بهر او عذاب گران

چون زبانه و دست و پای کسان شاهد آید به کرده ی ایشان

آن زمان حق دهد جزای تمام حق حق نیز می شود اعلام

زن و مرد پليد و اهل خطا بهر او زوج هرزه هست روا
نيز مرد و زن بری ز خطا بهر شان زوج پاک هست روا
بهر شان پاکی است در بهتان نيز رزق کریم و هم غفران

ای کسانی که آورید ایمان در نیايید خانه های کسان
جز به اذن و سلام اهلش را کاین بود خير از برای شما
[آوریم اينهمه بيان و نشان متذکر شويد شايد از آن

فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ
وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

گر نباشد کسی در آن منزل بی‌اجازت مشو به آن داخل
ور ندادند اذن برگردید این به نفع شماست بی‌تردید
و خدای جهان بود دانا ز آنچه باشد ز کارهای شما

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ
فِيهَا مَتَعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

بی‌گناهیید اگر شوید درون‌خانه‌ای را که هست نامسکون
که متاعی در آن برای شماست و خدای جهان از آن داناست
هر چه پنهان کنید یا که عیان‌هست پروردگار آگاه از آن

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

گو به مؤمن که حفظ کن چشمان و نگهدار باش بر دامان
که در این راه نفع بهر شماست و ز اعمالتان خدا داناست

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ
بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ
ءَابَائِهِنَّ أَوْ ءَبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ
إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا
مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ
أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا
يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَىٰ
اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

و به زن گوی حفظ کن چشمان و نگهدار باش بر دامان
زیور خویش را مساز عیان‌جز به حدی که ظاهر است از آن
و سر اندازها به سر بزیند نیز آن را به سینه برفکنید
آشکارا مکن ز خود زیور جز به چشمان باب یا شوهر
یا که ابنای شوهر و آبایا به اخوان خویش و هم ابنا
یا که پور برادر و خواهر یا زنان و کنیزکان یکسر
یا که مردان بی‌نصیب از باهیا به طفلی ز باه ناآگاه
و مکوبید پا که زیب نهان ز آن شود آشکار بهر کسان
همگی جانب خدا بروید مؤمنان تا که رستگار شوید

وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ
وَأِمَّا بَكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ
وَاسِعٌ عَلِيمٌ

وَلَيْسَتْ عَفِيفٌ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ
مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ
أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۖ وَءَاتُوهُمْ مِّنْ
مَّالِ اللَّهِ الَّذِي ءَاتَاكُمْ ۖ وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَّتَكُمْ عَلَى
الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتُغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ
يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ ءَايَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا
مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ مَثَلُ نُورِهِ ۖ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا
مِصْبَاحٌ ۚ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۚ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ
دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا
غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى
نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ
لِلنَّاسِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ ۖ يُسَبِّحُ لَهُ
فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ

هر عزب را کنید همسر دارنیز آن بردگان نیکوکار

گر که نادار باشد و درویش حق غنی سازدش ز رحمت
خویش

هم گشایش دهنده است خداهم به اعمال بندگان دانا

و آنکه را نیست بر نکاح توان پاک باید بماندش دامان

تا توانا کند خدا او راو غنی گردد از عطای خدا

بردگان چون نوشته‌ای خواهند بدهند ار به خیرش آگاهند

ثروتی را که داده است خداسهمی از آن دهید آنان را

و کنیزان مدار بر فحش‌بهر این زندگانی دنیا

چونکه خواهند پاکی دامان‌گر که مجبور می‌شوند آنان

[توبه آرند اگر به رب کریم به یقین حق بود غفور و رحیم

من بیاوردم آیه‌های مبین و مثلاً مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا

و آنچه پند است بهر متقیان تا شما بهره‌ای برید از آن

هست یزدان فروغ ارض و سماهمچو مشکات بین فروغ خدا
که چراغی است فاش در دل آن‌نورش از آبگینه‌ای است

عیان

و آن بود چون ستاره‌ای تابان و فروزان شدست شعلهی آن

از درخت مبارک زیتون‌که خود از شرق و غرب هست برون

هست نزدیک تا شود تابان‌نرسد گر چه شعله‌ای بر آن

نور بر نور شد فراز و خداهر که را خواست گشت راهنما

حق مثلاً زند برای شماوز همه چیز آگه است خدا

خانه‌هایی دهد اجازه خداکه ز نور خدا شود والا

ذکر گردد در آن خدا را نام‌نیز تسبیح حق به صبح و به شام

رَجَالٌ لَا تُلِهِمُ تِجْرَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ
الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ
وَالْأَبْصَارُ

مردمی را که بیع یا سودانکند بی‌خبر زیاد خدا
و نماز خدا به پا سازندو زکات خدا بپردازند
نیز باشند از آن زمان هایل‌که دگرگون شوند دیده و دل

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ
وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

تا جزا بهرشان دهد یزدان‌بهترین کار داشتند آنان
و ز فضلش فزون دهند و عطای‌حد است آنکه را که
خواست خدا

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْثَانُ
مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِندَهُ
فَوَقَّعَتْهُ حِسَابُهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

کار کفار هست مثل سراب‌که به پندار تشنه باشد آب
چون به سویش رود نیابد آن‌و بیابد در آن زمان یزدان
و خدایش دهد تمام جزا و شتابان بود حساب خدا

أَوْ كُظِّلِمَتْ فِي بَحْرِ لَّجِيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن
فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَتْ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ
لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن
نُّورٍ

یا که چون تیرگی به بحری ژرف‌روی آن بحر موجهای شگرف
موج بر موج و روی موج سحاب‌تیرگی روی تیرگی [چو حجاب
گر که دستی شود ز جیب برون‌هست از حوزه نگه بیرون
ندهد گر خدا کسی را نورماند از نور و از هدایت دور

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالصَّيْرُ
صَفَّتْ كُلُّ قَدِّ عِلْمٍ صَلَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا
يَفْعَلُونَ

می‌بینی که اهل ارض و سماذکر تسبیح او کنند ادا؟
هر پرنده به راه در پروازداند او ذکر‌کردگار و نماز
و آنچه انجام می‌دهند به راه‌هست پروردگار از آن آگاه

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

بهر دادار ملک ارض و سماست‌بازگشت همه به سوی
خداست

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ
رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ
مِن جِبَالٍ فِيهَا مِن بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ
عَن مَّن يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ

می‌بینی که ابرها راندو سپس جمله را به هم خواند
کند انبوه دانه‌ی باران‌به در آرد ز لایه لایه‌ی آن
و تگرگ آورد ز کوه سحاب‌ز آن کند هر که را که خواست
مصاب
باز گیرد ز هر که خواست همان‌نور برقش برد ز دیده توان

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِۦٓ
وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ
يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

لَقَدْ أَنْزَلْنَا ءَايَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ
صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ
مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ
مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ

وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ

أَفِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ
عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُۥٓ بَلْ أُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ
لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ

وَمَن يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْفَائِزُونَ

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ لَئِن أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُل لَّا
تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

او شب و روز را کند گردان این بود پند بهر دیده و روان

آفریند ز آب هر حیوان بعضشان بر شکم شوند روان
دسته‌ای راه می‌رود به دو پاچارپایند بعضی از آنها
هر چه را خواست آفرید خداو تواناست بر همه اشیا

آمد این آیه‌ها و در ره راست‌حق به هر کس که خواست
راهنماست

پس بگویند می‌کنیم قبول آنچه باشد ز سوی حق و رسول
عده‌ای زان شدند رو گردان نیستند این گروه با ایمان

چون کنند این گروه را دعوت‌سوی حق و پیمبر رحمت
تا کند داوری میانه‌ی‌شان پس گروهی شدند رو گردان

گر که حق بود بهره‌ی ایشان‌پس بیایند از ره اذعان

هست در جانشان مرض آیا؟یا که شک است در دل آنان را؟
یا که ترسند از رسول و خداکه بر آنان کنند جور و جفا
نه خود آنان شوند اهل ستم نیست حکم حکیم غیر کرم

مؤمنان را کنند چون دعوت‌سوی حق و پیمبر رحمت
تا کند داوری میانه‌ی‌شان آورند این کلام را به زبان
ما شنیدیم گفته‌ی یزدان و اطاعت کنیم از آن فرمان
رستگاری نصیب آن جان است

که مطیع رسول و یزدان است
و ز خدا داشت خشیت و تقوارستگارست و نیز کامروا

و قسم می‌خورند بر یزدان‌که به امر خدا شوند روان
گو نخواهیم ما قسم ز شماطاعتی نیک آورید به جا
که خدا هست آگه و داناز آنچه انجام می‌دهید شما

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

گو اطاعت کن از خدا و رسول شد نبی بهر کار خود مسئول
ور بیچید سر ز حکم خداکار و بار شماسست بهر شما
به هدایت رسید از این تمکین بر رسل نیست جز بلاغ مبین

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أُسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

مؤمنین را نوید داد خداگر که کار نکوست آنان را
می‌کند جانشین‌شان به زمین همچو حکام دوره‌ی پیشین
و توان می‌دهد به آن فرمان‌که پسندیده است بر ایشان
وز پس خوفشان دهیم امان‌که پرستند ربّ عالمیان
و نیارند شرک بر یزدان‌گر که شرک آورند بعد از آن
پس شوند آن گروه نافرمان بهر فرمان خالق منان

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

هم نماز خدا به پا سازیدهم زکات خدا بپردازید
آورد مرحمت خدای مجیدگر مطیع پیمبرش باشید

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ

نשמایید کافر حق رامانعی در زمین [به حکم خدا]
جای آن قوم هست دوزخ و نارو چه جای بدی است [بر کفار]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای کسانی که آوردید ایمان‌باید آیند با اجازیتان
پیشتر از نماز صبح و دعا‌شامگاهان پس از نماز عشا
نیز در ظهر موقع آرام‌که بر آرید جامه آن هنگام
بردگان و جمیع فرزندان‌که نباشد بلوغ با ایشان
گو نیابند در مقام لقاجز که با اذن یا جواز شما
این سه هنگام ویژه بهر شماسست و مزاحم شدن خطا و
جفاست
خارج از این سه وقت بی‌تردید می‌توانید گرد هم گردید
حق کند آیه‌ها بیان به شما هست یزدان حکیم و هم دانا

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَعِزُّوْا كَمَا
أَسْتَعِزُّنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ ۚ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

کودکی را بلوغ چون برسیده‌هم بگیرد اجازه بی‌تردید
حق کند آیه‌ها بیان به شما هست یزدان علیم و هم دانا

گر زنی سن پیریش برسد و شد از ازدواج خود نومید
نیست از بهر او خطا و گناه‌گر که پوشیده نیست گاه به گاه
ور که از خویش پرده بگشاید بایش خویشتن نیاراید
ور بیوشید بهتر است او را و خدا هست عالم و شنوا

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ
عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ ۖ
وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۶۰

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى
الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ
بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ
بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ
أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ
جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا
فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةٌ طَيِّبَةٌ
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَالَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

۶۱

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَإِذَا كَانُوا
مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ
يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ فَإِذَا
أَسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرُ
لَهُمُ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۲۴
نور
۶۲
/۶۴
۳۰۹

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ۚ
قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ
يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ ۚ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ
أَلِيمٌ

۶۳

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۖ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ
عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ

۶۴

۸ صفحه

۷۷ آیه

مکی

الْفُرْقَان: فرقان

۲۵. فرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ ۚ لِيَكُونَ لِلْعٰلَمِیْنَ
نَذِيرًا

۱
حزب
۱۴۴
۳۱۰

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ شَرِیْکٌ فِی الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ
تَقْدِيرًا

۲

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ
وَلَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا
وَلَا حَيَوةً وَلَا نَشُورًا

۴

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ
عَلَيْهِ قَوْمٌ ءَاخِرُونَ ۖ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا

۵

وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً
وَأَصِيلًا

۶

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ
غَفُورًا رَحِيمًا

۷

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي
الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ وَنَذِيرًا

۸

أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ
الظَّالِمُونَ إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

۹

أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَلَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
سَبِيلًا

۱۰
را۱۱

تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلْ لَّكَ قُصُورًا

۱۱

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا

و گرفتند جز خدا معبودکه نیاورده خلقتی به وجود

و آن بود آفریده‌ی یزدان‌و ندارد به خویش سود و زیان

هم ندارد حیات و موت و نشور[این پرستش بود ز عقل به دور]

کافران گفته‌اند این قرآن‌هست کذب و به حق بود بهتان

و گروهی به این سخن یارنده‌ی یقین کاذب و ستمکارند

و بگفتند می‌شود املاهر فسانه بر او به صبح و مسا

گو فرستاده است قرآن راآنکه داند نهان ارض و سما

به یقین او بود غفور و رحیم و کتابش به حق بود تعلیم

و بگفتند این رسول خدامی‌خورد همچو قوم خویش غذا

می‌رود همچو ما به هر بازارملکی بهر او نباشد یار

تا که بیمی به خلق بنماید

یا که گنجی بر او فرود آید

یا که بهرش رسد یکی بستان‌و سپس خود خورد ز میوه آن

و بگفتند ظالمان اکنون‌تابعید آنکه را که شد افسون

بنگر چون زنند بر تو مثال‌برگرفتند از این طریق ضلال

تتوانند راه برگیرند[نیز پند خدای نپذیرند]

بس بزرگ است کردگار جهان‌گر بخواهد دهد بسی به از آن

می‌دهد بهر تو بسی بستان‌زیر اشجارش آبهای روان

و برای تو کاخها سازد[هم به کار دگر بپردازد]

[آورند این بهانه‌ها به رسول چون قیامت نمی‌کنند قبول

گر قیامت کسی کند تکذیب‌شد مهیا بر او سعیر و لهیب

إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَزَفِيرًا

چون ببیند ز دور آنان راخشم او بشنوند و هم آوا

وَإِذَا أَلْفَوْا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا

چون بیفتند در دل نیران پس بیابند تنگ جا و مکان
دست و پاهایشان فتاده به بندمرگ خود نیز از خدا خواهند

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا

نکنید این زمان یکی فریاد بلکه فریاد آورید زیاد

قُلْ أَذِلَّكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا

گو کدامین به است آیا آن یا بهشتی که هست جاویدان؟
آن نوید است بهر متقیان بازگشت و جزا بود در آن

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْئُولًا

هر چه را خواستند در آنجاست و آن نوید مسلمی ز خداست

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ

چون الالهانشان بجز یزدان جمع گردند جمله با ایشان
پس بگوییم بهرشان آیاکه شما بوده‌اید راهنما؟
که چنین بندگان شوند از راهی که خود بوده‌اند ناآگاه

قَالُوا سُبْحَنَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَعَابَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا

پس بگویند کای حق سبحان نیست ما را بجز تو از یاران
لیک این قوم را کرم کردی بهره‌مند از بسی نعم کردی
تا فراموش کرد ذکر تو را و بیفتاد در طریق فنا

فَقَدْ كَذَّبَكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِم مِّنكُمْ نَذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا

پس سخنهایتان شود تکذیب و رهایی نباشد از تعذیب
وز شما هر که ظلم کرد اکنون بچشانم به او عذاب فزون

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ ۖ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ۖ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا

نیز پیش از تو انبیای عظام‌جملگی داشتند چون تو طعام
و به بازار بوده‌اند روان و بصیر است ربّ عالمیان
امتحانید بهر یکدیگر چون شکبای شوید [هست ظفر]

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَكُتُ
أَوْ نَرَى رَبَّنَا^ط لَقَدْ أَسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًا كَبِيرًا

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ
حِجْرًا مَحْجُورًا

وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا

وَيَوْمَ تَشْقَى السَّمَاءُ بِالْغَمِّ وَنُزِلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ
عَسِيرًا

وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي أَخَذْتُ مَعَ
الرَّسُولِ سَبِيلًا

يَوَيْلَ لِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي^ط وَكَانَ الشَّيْطَانُ
لِلْإِنْسَنِ خَدُولًا

وَقَالَ الرَّسُولُ يَرْبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ
مَهْجُورًا

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ^ط وَكَفَى بِرَبِّكَ
هَادِيًا وَنَصِيرًا

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً^ج
كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ^ط فُؤَادَكَ^ط وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا

آنکه منکر بود لقای مراگفت با مؤمنان ما که چرا؟
ملکی بهر ما نمی‌آیدیا نبینیم از چه ربّ احد؟
متکبر شدند از دل و جان و فتادند در ره طغیان

به ملایک چون آوردند نگاه‌مژده‌ای نیست بهر اهل گناه
و بگویند جمله ممنوعید[از بهشت و نعیم ربّ مجید]

و آنچه بودست بهرشان کردار جمله را می‌کنیم همچو غبار

و کسانی که در بهشت آرندبہترین جا و را مگه دارند

چون سما را به ابر بگشایندو ملایک همه فرود آیند

ملک آن روز بهر رحمان استسخت آنگه به اهل کفران
است

می‌گزد دست خویش اهل جفاو زبانش چنین بود گویا
کاش بودیم با نبی همراه

و نبودیم با فلان گمراه

دور کرد او مرا ز یاد خداور نه ذکر خدا رسید مرا
اھرمن خوار کرد انسان را

و نبی گوید اینچنین به خدا
قوم من گشت از حقیقت دوربود قرآن به نزدشان مهجور

ھر نبی راست عده‌ای دشمن از گنھکار یا ز اھریمن
و آن جماعت شدند بدکرداربس بود حق به خلق هادی و یار

و بگفتند کافران که چرا بر تو قرآن نمی‌رسد یکجا؟
ما دلت را کنیم از آن محکم و فرستیم وحی را کم کم

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا

کس نیارد به مثل این تقریرما حق آریم و بهترین تفسیر

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا

آنکه روی آورد به سوی جحیم بدترین جایگه شدست مقیم
اوست گمراه‌ترین ز خلق جهان که ره او بود ره نیران

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ وَ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا

ما به موسی کتاب خود دادیم یاوری هم بر او فرستادیم
بود او با برادرش هارون

فَقُلْنَا أَذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا

پس بگفتیم شان روید کنون
کز گروهی که می‌کنند انکار آیه‌هایم بر آوریم دمار

وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ ءَايَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا

قوم نوح آن رسل چو کرد انکار غرقه کردیمشان [به آب
بحار]
و نهادیم آن جماعت را بهر مردم نشانه‌ای [ز بلا]
بهر هر فرقه ستم گسترشد مهیا عذاب دردآور

وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا

همچو عاد و ثمود و فرقه رس‌بوده‌اند اندر این میانه چه
بس

وَكَلَّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَلُ ۖ وَكَلَّا تَبَرَّنَا تَتَبِيرًا

می‌زدیم از برایشان امثال‌پس بدادیمشان هلاک و زوال

وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أُمِطِرَتْ مَطَرُ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا

هم از آن شهر کرده‌اند گذر که بر آن بوده است بارش شر
دیده‌اند آن دیار [گاه عبور] و ندارند امید بهر نشور

وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَخَذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا

چون ببینند این گروه ترا با تو دارند حرف استهزا
که همین است آن رسول آیا؟ که خدا برگزیده است او را

إِن كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا

گر نمی‌بود پایداری مادورمان کرده بود از بتها
زود دانند در نزول عذاب‌که چه دورند از طریق صواب

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ ۚ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا

آنکه معبود او شدست هواتو وکالت کنی از او آیا؟

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالَّذِينَ لَا نَفْعَ لَهُمْ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا

۲۵:
فرقان
۴۴
/۷۷

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا

۴۵
ر ۳۱۴

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا

۴۶

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا

۴۷

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا

۴۸

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْآسِيَّ كَثِيرًا

۴۹

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

۵۰

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا

۵۱

فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا

۵۲

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا

۵۳
حزب
۱۴۶

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا

۵۴

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۖ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا

۵۵

تو گمان می‌کنی که اکثرشان فهم دارند و گوش بهر بیان
وین گروهند چون خر و استر بلکه ز آن هم شدند گمره‌تر

می‌بینی که چون خدای مجید؟ بر زمین طول سایه‌ها بکشد
بود ساکن اگر خدا می‌خواست مهر پس بهر سایه راهنماست

پس بگیریم سایه را آسان می‌کنیم آفتاب و سایه نهان

پوششی ساخت بهر تان شب را خواب را کرد رامگاه شما
روز را ساخت وقت جنبش و کار [تا ز نعمت شوید برخوردار]

او فرستاد باد پیشاپیش مژده‌ای بر نزول رحمت خویش
و فرستاد از آسمان باران که چه بسیار پاک آمد آن

تا که از خاک مرده رویانیم و به انعام و ناس نوشانیم

گونه‌گون آیه کرده‌ایم بیان متذکر شوند شاید از آن
منکردند این گروه اکثرشان و بمانند در ره کفران

گر که می‌خواستیم به هر رستابر می‌انگیختم نذیری را

پس اطاعت مکن تو از کفار بهرشان باش در ره پیکار

رود و دریا کنار هم بنهاد به یکی آب خوب و شیرین داد
تلخ گردید آب دیگر و شور بینشان ساخت برزخی محجور

خلقت آدمی ز آب افکند و به او داد خویشی و پیوند
پس توانا بود خدای شما

و عبادت کنند جز او را

که ندارد به خلق سود و زیان هست کافر به شرک پشتیبان

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

تو رسولی به مژده و هشدار

۵۷

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

گو نخواهم من اجرتی زین کار

مزدم این بس که کس شود آگاه‌سوی پروردگار جوید راه

۵۸

وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا

کار خود را به زنده‌ای بسپارکه نگردد به نقص و مرگ دچار

ذکر و تسبیح حمدش آر به جاآگهی از گناه بس او را

۵۹

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَلِّ بِهِ خَبِيرًا

آن کسی کافرید ارض و سماو آنچه باشد میانه‌ی آن‌ها

هم به شش روز این جهان را ساخت‌پس به تدبیر کارها پرداخت

زو بخواهید هر چه دلخواه است‌او ز هر کار و حکم آگاه است

۶۰

سجده
مستحب

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۝

چونکه گفتی بیاورید سجودبهر رحمان خدای حی و‌دود

پس بگویند چیست آن رحمان؟که تو بر حکم او دهی فرمان

می‌فزاید برایشان نفرت دور گردند از ره رحمت

۶۱

۳۱۵۲

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا

هست یزدان خجسته و وال‌آفریند بروج را به سما

زو چراغی است چون مه رخشا[در دل آسمان شب هر جا]

۶۲

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا

روز و شب آفرید از پی هم‌تا که آرد به ذکر و شکرش دم

۶۳

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

بندگانم به ره روند آرام‌حرفشان بهر جاهل است سلام

۶۴

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَمًا

شب بمانند در قیام و سجودبهر پروردگار حی و‌دود

۶۵

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

و بگویند دور کن از مانار و دوزخ که هست پا برجا

۶۶

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

جایگاهی بد و مقامی بد[دوزخ است و به کافران برسد]

۶۷

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا

و کسانی‌که بخششی دارندنه بخیلند و نه فزون کارند

کارشان هست بین این دو روال اعتدال است خوب در هر حال

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ
الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ
أَثَامًا

يُضَعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ ۚ مُهَانًا

إِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ
اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۖ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُوْا عَلَيْهَا صُمًّا
وَعُمْيَانًا

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ
أَعْيُنٍ وَاجْعَلْ لَنَا لِمَتَّقِينَ إِمَامًا

أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً
وَسَلَامًا

خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ۖ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ
فَسَوْفَ يَكُونُ لِرَأْمَا

آنکه داعی نشد به هیچ خداجز خداوند قادر یکتا
و نکشته‌ست ناروا کس را که حرام است آن به نزد خدا
و نکردست هیچگاه زنا[هست جایش بهشت در عقبا]
و آنکه این کارها بداد انجام‌پس ببیند عذاب در فرجام

دو برابر بود بر او کیفرخوار ماند مدام در محشر

جز که با توبه آورد ایمان و کند کار نیک بعد از آن
پس گناهان کنیم از او دورو خدا هست بس رحیم و غفور

هر که با توبه کار نیکو کردپس به سوبیش خدای روی آورد

و کسانی که نیستند گواه‌ناروا [و نه شاهدان گناه
و چو از لغو بگذرند آنان‌پس کریمانه بگذرند از آن

گر شنید آیه‌ای ز حی احدکور و کر روی او نمی‌افتد

گوید ای ربّ من زن و فرزندروشنی بهر چشم من گردند
نیز ما را بساز ای مٔان‌رهبرانی برای متقیان

ما به این مردمان دهیم نصیب‌درجاتی بلند بهر شکیب
رو برو می‌شوند در هر گام‌با تحیات قدسیان و سلام

ماندگارند جاودان در آن‌و چه خوب است آن مقر و مکان

گو نباشد اگر داعی شما نیستید ارجمند نزد خدا
آنچه از حق که داشتید انکارزود بر کیفرش شوید دچار

۱	حزب ۱۴۷ ر ۳۱۶ منزل ۵	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسّم	[طا و سین است و میم رمز دگر]
۲		تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ	آن نشان از کتاب روشنگر
۳		لَعَلَّكَ بَخِيعٌ نَفْسِكَ إِلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ	گوییا شسته‌ای تو دست از جان‌چونکه آنان نیاورند ایمان
۴		إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ ءَايَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ	گر بخواهیم از آسمان نازل آهنی می‌کنیم بس حایل پس شود گردن همه خاضع گاه ساجد شوند و گه راکع
۵		وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ	سخنی نو نیامد از رحمان‌جز که از آن شدند رو گردان
۶		فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَاتِيهِمْ أَنْبَأُوا مَا كَانُوا بِهِ ۚ يَسْتَهْزِءُونَ	منکران را کنیم ما داناز آنچه را داشتند استهزا
۷		أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ	نگرند این زمین که چند گیا؟رست از قلب آن به اذن خدا
۸		إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ	به یقین آیتی بود در آن لیک مؤمن نیند اکثرشان
۹		وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	ربّ تو قادر است بر ایجادمهربان است نیز بهر عباد
۱۰	ر ۳۱۷	وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ	گفت پروردگار با موسی‌که برو نزد عاملان جفا
۱۱		قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۖ أَلَا يَتَّقُونَ	قوم فرعون نیست تقواکار؟
۱۲		قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ	گفت ترسم مرا کنند انکار
۱۳		وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ	سینه تنگ و زبان من الکن‌پس تو هارون گسیل کن [با من
۱۴		وَلَهُمْ عَلَىٰ ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ	و گناهی به گردن است مراکه ز کشته شدن کنم پروا
۱۵		قَالَ كَلَّا ۖ فَادْهَبَا بِآيَاتِنَا ۖ إِنَّا مَعَكُمْ مُّسْتَمِعُونَ	گفت از ما برید وحی و نشان‌با شماییم ما ز مستمعان
۱۶		فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ	پس به فرعون گو که ما دو نفر از سوی حق شدیم پیغمبر
۱۷		أَنْ أُرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ	پس به همراه ما بدار گسیل‌دوده‌ی خاندان اسرائیل
۱۸		قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ	گفت بودی به ما چو یک فرزندبین ما نیز مانده‌ای یک چند
۱۹		وَفَعَلْتَ فَعَلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ	کرده‌ای آنچه کرده‌ای آن را تو یی ناسپاس در بر ما

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ

گفت آری منم از آن بی راه

فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا
وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ

من گریزان شدم ز ترس آن گاه
حق به من داد بعد از آن فرمان و شدم من پیمبر یزدان

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَىٰ أَنْ عَبَّدَتْ بَنِي إِسْرَءِيلَ

تو به من متنی کنی تحمیل بهر تعبید آل اسرائیل

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

گفت فرعون ربّ عالَمیان کیست یا چیست؟

قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ إِنَّ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

گفت ربّ جهان ربّ ارض و سما و بینهما
اگر اهل یقین شوید شما

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ ۚ أَلَا تَسْتَمِعُونَ

گفت با مردمان دربارش
که شنیدید هیچ گفتارش

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

گفت ربّ شما و اجداد است

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ

گفت دیوانه این فرستاده‌ست

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

گفت بر شرق و غرب و بینهماست
او خدا گر که عقل بهر شماست

قَالَ لَئِنْ اتَّخَذَتِ الْإِلَٰهَ غَيْرِي لِأَجْعَلَكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

گفت جز من گرت الاله بود
حبس بهر تو جایگاه بود

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ

گفت آیا نشانی از یزدان؟
آورم بهرت آشکار و عیان

قَالَ فَأْتِ بِهِ ۖ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ

گفت پیش آر گر که بتوانی
اگر از جمع راستگویانی

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

پس عصایش فکند و شد ثعبان

وَنَزَعَ يَدَهُ ۖ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ

و برآورد دست و شد تابان

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ ۚ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ

گفت با مهتران قوم آن جا
هست این مرد ساحری دانا

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ ۖ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

خواهد او تا برون برد ز اینجا
قوم ما تا که چیست رأی شما؟

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ ۖ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

پس بگفتند بهر این افسون
مهلتی ده به موسی و هارون و روان کن رسول در کشور

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَارٍ عَلِيمٍ

تا که گرد آورند افسونگر

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

جمع افسونگران چو شد موجود
در همان وقت وعده‌ی موعود

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُّجْتَمِعُونَ

گفته شد بهر مردمان آنجا
جمع آیا نمی‌شوید شما؟

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَمَّا لَآجِرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَّمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

قَالَ لَهُم مُّوسَى الْقُوا مَا أَنْتُمْ مُّلقُونَ

فَالْقُوا حِبَالَهُمْ وَعَصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ

فَالْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

فَالْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ

قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ

قَالَ ءَامَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ

قَالُوا لَا صَبِيرٌ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَتَنَا أَن كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَن أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكَ مُتَّبَعُونَ

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ

وَأَنَّهُمْ لَنَا لَغَآيِطُونَ

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَٰذِرُونَ

فَأَخْرَجْنَاهُم مِّن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

كَذَٰلِكَ وَأَوْثَنَّا بِهَا بَنِي إِسْرَءِيلَ

فَاتَّبَعُوهُمْ مُّشْرِقِينَ

پیروی می‌کنیم از افسون‌گر شود چیره جمعشان اکنون

ساحران چون پیامدند آنجاپس بگفتند اجر هست آیا؟
گر که غالب شویم آنان را

گفت آری مقربید اینجا

گفت موسی بیفکنید آن را

پس فکندند ریسمان و عصا
عز فرعون را قسم خوردندکه برآیند چیره ز آن ترفند

چونکه موسی عصای خود افکندبرگرفت آن دروغ و آن
ترفند

ساحران پس به سجده افتادند

و به مردم چنین ندا دادند
اینک آورده‌ایم ما ایمان‌بهر پروردگار عالمیان

ربّ موسی و ربّ هارون است آیت حق فراز افسون است

گفت آیا بیاورید ایمان‌پیش از آنکه دهم اجازه‌ی‌تان؟
علم او هست بهر سحر افزون‌او بیاموخت بر شما افسون
می‌کنم دست و پا و یمین و یسارهمه را می‌کشم سپس
بردار

پس بگفتند نیست ما را بیم‌ما به پروردگار برگردیم

هست امید بهر ما ز خداگذرد از گناه و کیفر ما
می‌شویم اولین مسلمان ما

وحی کردیم پس سوی موسی
که از این جا ببر عباد مراتحت پیگرد گشته‌اید شما

کرد فرعون یک گروه گسیل

و بگفت آن گروه هست قلیل

خشم داریم بهرشان بسیار

همه آماده‌ایم بر پیکار

[آن جماعت که ظلم کرد چنان رفت بیرون ز چشمه و بستان

وز همه گنجها و جای نکو

آل یعقوب گشت وارث او

پس برفتند در پی آنان رابامدادان و دید این آن را

فَلَمَّا تَرَأَّا الْجُمُعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ

پس بگفتند امت موسی دست یابند این زمان بر ما

۶۲ قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ

گفت نه ربّ ماست راهنما

۶۳ فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى أَنْ أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ ۖ فَانْفَلَقَ
فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ

وحی کردیم پس سوی موسی
که بزَن چو بدست بر دریاگشت دریا شکافته ز عما
و عیان شد به هر طرف از آن آبها رویهم چو کوه گران

۶۴ وَأَزَلَفْنَا ثَمَّ الْأَخْرِينَ

لشکر خصم هم رسید در آن

۶۵ وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَّعَهُ ۖ أَجْمَعِينَ

پس رها نمودیم پیمبر و یاران

۶۶ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْأَخْرِينَ

قوم دیگر شدند غرقه در آن

۶۷ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

و در این قصه آیتی است نهان
لیک اکثر ز مردمان زمان نمی آورد بهر او ایمان

۶۸ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و بود ربّ تو عزیز و رحیم

۶۹ وَأَنْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ

و بخوان داستان ابراهیم

۷۰ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ ۖ مَا تَعْبُدُونَ

چونکه گفت از برای قوم و پدرچه پرستید این زمان ایدر؟

۷۱ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَافِيَةً

پس بگفتند بر بتیم عیب

۷۲ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ

گفت یا ردا، دعای خلق شنید؟

۷۳ أَوْ يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ

یا دهد خیر و شر برای شما

۷۴ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ

پس بگفتند آن گروه که ما
پدران را بیافتیم چنان این چنین بود شیوهی آنان

۷۵ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

گفت موسی الهه های شما

۷۶ أَنْتُمْ وَعَآبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ

نیز بتهای مانده از آبا

۷۷ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ

دشمنان منند جز یزدان کوست پروردگار عالمیان

۷۸ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ

خلقتم داد پس بداد هدا

۷۹ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ

و مرا داده است آب و غذا

۸۰ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ

او دهد چون شوم مریض شفا

۸۱ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ

هم رساند حیات و مرگ مرا

۸۲ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ

هست از او امید عفو برابر گناهان به حشر و روز جزا

۸۳ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا ۖ وَالْحَقِّنِي بِالصَّالِحِينَ

حکم و حکمت مرا بده ای حقو مرا کن به صالحان ملحق

		۲۶: شعراء ۸۴: ۲۲۷/
<p>وَأَجْعَلْ لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ</p>	<p>شهره ام کن به مردمان پسین</p>	
<p>وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ</p>	<p>وارثم کن به باغ خلد برین</p>	<p>۸۵</p>
<p>وَأَغْفِرْ لِّإِخِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الصَّالِينَ</p>	<p>پدرم را ببخش ای منان بود او هم ز جمع گمراهان</p>	<p>۸۶</p>
<p>وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ</p>	<p>نیز خوارم مکن تو در عقبا</p>	<p>۸۷</p>
<p>يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ</p>	<p>نیست مال و ولد مفید آنجا</p>	<p>۸۸</p>
<p>إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ</p>	<p>جز که روی آورید سوی خدا با دلی خوب و پاک در دنیا</p>	<p>۸۹</p>
<p>وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ</p>	<p>متقین را قریب هست جنان</p>	<p>۹۰</p>
<p>وَبُرَزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ</p>	<p>گمراهان را جهنم است عیان</p>	<p>۹۱</p>
<p>وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ</p>	<p>گفته آید که بودتان معبود؟</p>	<p>۹۲</p>
<p>مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمَوْ يَنْتَصِرُونَ</p>	<p>غیر پروردگار حی و دود با شما یآوری کنند آیا؟ یا کسی هست یاور آنان را</p>	<p>۹۳</p>
<p>فَكَذَّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ</p>	<p>افکنند آن گروه در نیران قوم گمراه همراه آنان</p>	<p>۹۴</p>
<p>وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ</p>	<p>نیز همراه لشکر شیطان</p>	<p>۹۵</p>
<p>قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ</p>	<p>پس بگویند با نزاع ایشان</p>	<p>۹۶</p>
<p>تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ</p>	<p>به خداوند قادر منان همه بودیم در ضلال عیان</p>	<p>۹۷</p>
<p>إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ</p>	<p>که برابر شمرده ایم بتان با خداوندگار عالمیان</p>	<p>۹۸</p>
<p>وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ</p>	<p>گمراهیم از طریق اهل خطا</p>	<p>۹۹</p>
<p>فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ</p>	<p>و نباشد شفاعتی ما را</p>	<p>۱۰۰</p>
<p>وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ</p>	<p>و نداریم هیچ یار مصمیم</p>	<p>۱۰۱</p>
<p>فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ</p>	<p>کاش یک بار باز برگردیم آن زمان می‌شویم با ایمان</p>	<p>۱۰۲</p>
<p>إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ</p>	<p>به یقین آیتی بود در آن لیک اکثر ز مردمان زمان نمی‌آورد بهر حق ایمان</p>	<p>۱۰۳</p>
<p>وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ</p>	<p>بی‌گمان ربّ توست بس قادر مهربان است [و خلق را ناصر]</p>	<p>۱۰۴</p>
<p>كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ</p>	<p>کرد تکذیب قوم نوح نجی‌قول و فرمان هر رسول و نبی</p>	<p>۱۰۵ ۳۲۱ ر</p>
<p>إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ</p>	<p>گفت نوح آن برادر ایشان که شوید از گروه متقیان</p>	<p>۱۰۶</p>
<p>إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ</p>	<p>هان رسول امین منم به شما</p>	<p>۱۰۷</p>
<p>فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا</p>	<p>اهل تقوا شوید بهر خدا و اطاعت کنید حکم مرا</p>	<p>۱۰۸</p>
<p>وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ</p>	<p>ما نخواهیم اجرتی ز شما اجر من ثابت است نزد خدا</p>	<p>۱۰۹</p>
<p>فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا</p>	<p>بهر یزدان شوید با تقوا و اطاعت کنید حکم مرا</p>	<p>۱۱۰</p>
<p>قَالُوا أَنْوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ</p>	<p>پس بگفتند [آن گروه دغا] بهر تو ما نیاوریم ایمان ناکسانند تابع فرمان</p>	<p>۱۱۱ حزب ۱۴۹</p>

قَالَ وَمَا عَلَّمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

گفت بر کارشان نیم دانا

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ

هر حسابی که هست آنان را
هست نزد خدا و خالق ماگر که فهم است از برای شما

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ

ما نرانیم مؤمنان به یقین

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

نیستم من مگر نذیر مبین

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَنُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ

پس بگفتند نوح دست بدارورنه بر رجم می‌شوی تو دچار

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ

گفت یا ربّ مرا کنند انکار

فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

پس نجاتم بده تو با انصار
فصل کن کار ما و ایشان را

فَأَنجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ ۚ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ

پس رهانديم او و یاران را
بود آگنده کشتی از هر باب

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ

ماندگان غرقه ساختیم به آب

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

به یقین آیتی بود در آن لیک اکثر ز مردمان زمان
نمی‌آورد بهر حق ایمان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

بهر ربّ تو هست مهر و توان

كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ

مرسلین را چو عاد کرد انکار

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ

گفت هود آن پیمبر دادار
اهل تقوی نمی‌شوید آیا؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

هم رسول امین منم به شما

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

اهل تقوی شوید بهر خداو اطاعت کنید حکم مرا

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ

ما نخواهیم اجرتی ز شماجر ما ثابت است نزد خدا

أَتَتَّبِعُونَ رِيعَ عَايَةٍ تَعْبَثُونَ

بر بلندی بنا کنید آیا؟آیتی را ز روی میل و هوی

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ

یا بسازید قصرها بر آن‌تا در آن جا شوید جاویدان

وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ

چونکه کیفر دهید بهر کسان‌جابرانه دهید آن فرمان

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

اهل تقوا شوید بهر خداو اطاعت کنید حکم مرا

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ

اهل تقوی شوید با اللهکه ز امداد او شوید آگاه

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمٍ وَبَنِينَ

داد امدادتان به مال و بنین

وَجَنَّتِ وَعُيُونِ

نیز جنات و چشمه‌های گزین

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

از برای شما منم در بیم‌بر عذاب و عقاب روز عظیم

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ

پس بگفتند بهر ماست یکی‌پند ما گر دهی و گر ندهی

این بود رأی مردم پیشین	إِنْ هَذَا إِلَّا خُلِقَ الْأَوَّلِينَ	۲۶: شعرا، ۱۳۷ /۲۲۷
و نداریم ما جزا به یقین	وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ	۱۳۸
پس چو کردند هود را انکاربه هلاک و فنا شدند دچار به یقین آیتی بود در آن-لیک اکثر ز مردمان زمان نمی‌آورد بهر حق ایمان	فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ	۱۳۹
بهر ربّ تو هست مهر و توان	وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	۱۴۰
مرسلین را ثمود کرد انکار	كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ	۱۴۱ ۳۲۳
گفت صالح پیمبر دادار اهل تقوا نمی‌شوید آیا؟	إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ	۱۴۲
که رسول امین منم به شما	إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ	۱۴۳
اهل تقوا شوید بهر خداو اطاعت کنید حکم مرا	فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا	۱۴۴
ما نخواهیم اجرتی ز شما-اجر ما ثابت است نزد خدا	وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ	۱۴۵
پس رها می‌کنندتان آیا؟که بمانید در امان اینجا	أَتُزَكُّونَ فِي مَا هَلُنَا بِمِنِينِ	۱۴۶
در جنان و عیون	فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ	۱۴۷
و زرع و نخیل که بود طلع آن هضمیم و جمیل	وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ	۱۴۸
می‌تراشید خانه‌ها به جبال زیرکانه به شادمانی حال	وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ	۱۴۹
اهل تقوا شوید بهر خدا و اطاعت کنید حکم مرا	فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا	۱۵۰
مصرفان را مباح در فرمان	وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ	۱۵۱
مفسدند آن کسان به روی جهان‌و ندارند کار در اصلاح [دور ماندند از طریق فلاح	الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ	۱۵۲
پس بگفتند ای فسون شده هان	قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ	۱۵۳
این تویی آدمی به مثل کسان-آیتی آر اگر که بتوانی اگر از جمع راستگویانی	مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بَآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ	۱۵۴
گفت این ناقه سهم دارد از آب نیز سهم شما شدست حساب	قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ	۱۵۵
مکنیدش اذیتی یک آن که عذابی الیم گیردتان	وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ	۱۵۶
ناقه را پی زدند یا کشتند پس ندیم ندامتی گشتند	فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَدِيمِينَ	۱۵۷
به یقین آیتی بود در آن لیک اکثر ز مردمان زمان-نمی‌آورد بهر حق ایمان	فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ	۱۵۸
بهر ربّ تو هست مهر و توان	وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	۱۵۹

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ

بس رسل قوم لوط کرد انکار

إِذْ قَالَ لَهُمُّ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

گفت لوط آن پیمبر دادار
اهل تقوا نمی‌شوید آیا؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

که رسول امین منم به شما

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

اهل تقوا شوید بهر خداهم اطاعت کنید حکم مرا

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ

ما نخواهیم اجرتی ز شماجر ما ثابت است نزد خدا

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ

از چه سوی ذکور میل آرید

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ
قَوْمٌ عَادُونَ

و خدا جفت ساختست پدید
و شمابید بس تجاوزگر[بهر حکم و حکومت داور]

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ

پس بگفتند دست از این بردارورنه اخراج می‌شوی ز دیار

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ

گفت من دشمنم به کار شما

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

ای خدا این مرا و اهل مرا
کن رها ز آنچه می‌کنند ایشان

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ وَأَجْمَعِينَ

او و اهلش رهاندم از آنان

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَيْرِينَ

جز عجوزی که ماند در آن خاک

ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ

دیگران را خدای داد هلاک

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ

بارشی بهرشان بباریدیمپس چه بد بارشی است بارش بیم

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

به یقین آیتی بود در آن‌لیک اکثر ز مردمان زمان
نمی‌آورد بهر حق ایمان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

بهر ربّ تو هست مهر و توان

كَذَّبَ أَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ

بس رسل اهل ایکه کرد انکار

إِذْ قَالَ لَهُمُّ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ

پس شعیب آن پیمبر دادار
گفت تقوا نمی‌کنید آیا؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

که رسول امین منم به شما

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

اهل تقوا شوید بهر خداو اطاعت کنید حکم مرا

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ

ما نخواهیم اجرتی ز شماجر ما ثابت است نزد خدا

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ

حق پیمانه را کنید اداو مدارید در زیان کس را

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ

با ترازوی راست وزن کنید[و بسازید عدل و قسط پدید]

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعَثُوا فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ

و مسازید کسر حق کسانو مکوشید در فساد جهان

وَأَتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِينَ

و بترسید از کسی که شما آفرید و گروه پیشین را

۱۸۵ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

پس بگفتند ای فسون شده هان

۱۸۶ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَذِبِينَ

این تویی یک بشر چنان دگران
نیستی راستگو به دیده‌ی ما

۱۸۷ فَاسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

پس فرود آر قطعه‌ای ز سما
راست گویی [اگر به وحی و نزول تا سخنها‌ی تو کنیم قبول

۱۸۸ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّي آيَةً فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

گفت ربّ است بیشتر دانا‌ز آنچه انجام می‌دهید شما

۱۸۹ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

قوم چون کرد حرف او تکذیب‌شد در آن روز سایبان تعذیب
بود آن روز بس عذاب گران

۱۹۰ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

به یقین آیتی بود در آن
لیک اکثر ز مردمان زمان‌نمی‌آرند بهر حق ایمان

۱۹۱ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ربّ تو قادر است بر هر کارمهربان است نیز با اخیار

۱۹۲ وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

این بود نازل از خدای جهان

۱۹۳ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ

نیز روح الامین بیاورد آن

۱۹۴ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ

بر دلت نازل است از دادارتا دهی بهر مردمان هشدار

۱۹۵ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ

عربی و عیان به تبیین است

۱۹۶ وَإِنَّهُ لَفِي زُبْرِ الْأَوَّلِينَ

نیز در نامه‌های پیشین است

۱۹۷ أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَتُ بَنِي إِسْرَءِيلَ

نیست آیا نشان که دانایان؟ز آل یعقوب آگهند از آن

۱۹۸ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ

بود نازل اگر همین قرآن‌بهر جمعی ز قوم اعجمیان

۱۹۹ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُّؤْمِنِينَ

پس همی خواند نامه بر ایشان‌نمی‌آورد عده‌ای ایمان

۲۰۰ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ

این چنین آیه‌ها کنیم بیان‌در دل [و گوش این گنه کاران

۲۰۱ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

و نیارند باز هم ایمان‌تا ببینند آن عذاب گران

۲۰۲ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

آن عذاب گران رسد ناگاه‌نیست این قوم هیچ از آن آگاه

۲۰۳ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ

پس بگویند وقت هست آیا؟

۲۰۴ أَفِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

در شتابند بر عذاب خدا

۲۰۵ أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ

گر بمانند سالها به جهان

۲۰۶ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ

پس ببینند وعده‌ی یزدان

ندهد هیچ سود ایشان راهر چه دارند بهره از دنیا	مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ	۲۰۶ شعراء ۲۰۷ /۲۲۷
ما نکردیم هیچ شهر فناجز که هشدار بوده است آن را	وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ	۲۰۸
تا بگیرند خلق از آن تذکار نیست دادارتان جفا کردار	ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ	۲۰۹
نفرستاد وحی را شیطان	وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيْطَانُ	۲۱۰
نه لیاقت بود در او نه توان	وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ	۲۱۱
برکنارست از شنیدن آن	إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَزُولُونَ	۲۱۲
پس الهی مخوان تو با یزدان ورنه بهرت رسد عذاب از آن	فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذِّبِينَ	۲۱۳
بیم ده بهر قوم و نزدیکان	وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ	۲۱۴
بال بگشای بهر پیرو خویش آنکه را راه باورست به پیش	وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ	۲۱۵
ور به عصیان ز تو شدند دچارگو که از کارتان منم بیزار	فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ	۲۱۶
کار خود را سپار بهر کریم آنکه قادر بود به خلق و رحیم	وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ	۲۱۷
آنکه ببند تو را به وقت قیام	الَّذِي يَرِنَاكَ حِينَ تَقُومُ	۲۱۸
وینکه در ساجدان نه ای آرام	وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّجِدِينَ	۲۱۹
به یقین او بود سمیع و علیم	إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ	۲۲۰
ما تو را زود با خبر سازیم چه کسانند مهبط شیطان	هَلْ أَنْبِئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيْطَانُ	۲۲۱
کافرانند و هم گنهکاران	تَنْزَلُ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ	۲۲۲
هر چه را بشنوند می‌گویندبیشتر راه کذب می‌پویند	يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ	۲۲۳
قومی ار گشت پیرو شعراراه گمراهی است آنان را	وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ	۲۲۴
خود به هر وادیند سرگردان	أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ	۲۲۵
کارشان بر خلاف گفته‌ی‌شان	وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ	۲۲۶
جز که مؤمن شوند و نیکوکارذاکر حق شوند پس بسیار چون رسد ظلم و جور بر آنان‌یاری آید به جانب ایشان زود ببیند عاملان جفا هست برگشت ظالمان به کجا؟	إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا ۗ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مَنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ	۲۲۷

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْقُرْءَانِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ	حزب ۱۵۱ ۳۲۷ر
۲	هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ	
۳	الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ	
۴	إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَلَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ	
۵	أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ	
۶	وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْءَانَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ	
۷	إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا سَآتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبْرٍ أَوْ ءَاتِيكُمْ بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ	
۸	فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	
۹	يَمُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ	
۱۰	وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ	
۱۱	إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ	
۱۲	وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ۖ فِي تِسْعِ ءَايَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ	
۱۳	فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ ءَايَتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ	

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنْتَهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ
كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ
الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۚ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ
يُوزَعُونَ

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ اللَّمْلِ قَالَتِ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا اللَّمْلُ
أَدْخُلُوا مَسَكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ
لَا يَشْعُرُونَ

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَلَدِيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا
تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ
الْغَائِبِينَ

لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَنٍ
مُّبِينٍ

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ ۚ وَجِئْتُكَ
مِنْ سَبَأٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ

گر چه از جان یقین بیاوردند از سر کبر و جور ابا کردند
پس نگه کن که چون بود فرجام بر تبه کار و مفسد [خودکام

بر سلیمان و باب او داود داد دانش خدای حی ودود
پس بگفتند حمد بهر خدا که بدادست برتری ما را
که خدا بهر ما فضیلت داد بر کثیری ز مؤمنان عباد

شد سلیمان چو وارث داود پس چنین بهر مردمان فرمود
حق به ما هر چه بود کرد عطا منطقی الطیر یاد داد به ما
این بود نعمتی که هست عیان

پس سلیمان بخواست لشکریان
جمع گشتند جن و انس به وی دسته دسته شدند و پی در
پی

تا رسیدند نزد مورچه ها پس یکی گفت در شوید سرا
که سلیمان و لشکرش ما را له کند زیر پا ز راه خطا

پس بخندید و گفت ای دادار تو زبانم به کار شکر بدار
بر من و والدین نعمت دوست کاری آرم که آن رضایت دوست
کن مرا اهل رحمت ای غفار همه ر بندگان نیکوکار

پس سراغی گرفت از هدهد کز چه از جمع طیر غایب شد

پس عذابش کنم عذاب گران جز که آرد دلیل صدق و عیان

پس نه چندان درنگ کرد و بگفت دانشی از من است بر تو
نهفت
[گوش کن از ره یقین که تو را خبر آورده ام ز شهر سبا

إِنِّي وَجَدْتُ أَمْرًا تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ

وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۝

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أَتَىٰ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَىٰ وَثُؤِنِي مُسْلِمِينَ

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةٍ وَأُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ

حکمرانش زنی است با شوکت‌تخت او راست حشمت و عظمت

او و قومش چو می‌کنند سجودسر به خورشید آورند فرود اهرمن جلوه دادشان اعمال‌پس بیفکندشان به راه ضلال

نکنند این گروه سجده چرابهر دانای آشکار و خفا؟ هم برون آرد و کند افشا آنچه باشد نهان به ارض و سما و آنچه سازید فاش یا پنهان‌داند آن را خدای عالمیان

هیچ معبود نیست غیر خدااوست پروردگار عرش علا

گفت بینیم راست می‌گویی؟یا که راه دروغ می‌پویی

نامه‌ام را ببر سوی ایشان‌پس ببین چیست پاسخ آنان

گفت ای مهتران به من دادندنامه‌ای بس عزیز و ارزشمند

نامه‌ی مرسل از سلیمان است و آنچه اکنون بیان کنم آن است
ابتدای سخن به نام خداخیر بخشنده و عطا بخشا

هان مجوید بر من استعلانیز روی آورید حکم مرا

گفت آن زن به مهتران دیاراز شما دارم اینک استفسار
هیچ کاری نکرده‌ام اجراجز به تأیید و مشورت ز شما

پس بگفتند بهر ماست توان‌لیک ما تابعیم بر فرمان

گفت شاهان اگر به ملک آیندراه ظلم و فساد بکشایند و بدارند هر عزیزی خواراین چنین است حاکمان را کار

هدیه‌ای سویشان کنیم روان‌تا ببینیم چیست پاسخشان؟

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَنَ قَالَ ائْتِدُونِنِ بِمَالٍ فَمَا ءَاتَيْنِ ۚ اَللّٰهُ خَيْرٌ مِّمَّا ءَاتٰكُمْۚ بَلْ اَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُوْنَ

اَرْجِعْ اِلَيْهِمْ فَلَنَاْتِيَنَّهُمْ بِجُنُوْدٍ لَاۡ قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِّنْهَا اَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُوْنَ

قَالَ يٰۤاَيُّهَا الْمَلٰٓئِٔۤا اَيُّكُمْ يٰۤاتِيْنِيۡ بِعَرْشِهَا قَبْلَ اَنْ يَّاْتُوْنِيۡ مُسْلِمِيْنَ

قَالَ عِفْرِیْتُۙ مِّنَ الْجِنِّ اَنَاۡ ءَاتِيْكَ بِهٖۤ قَبْلَ اَنْ تَقُوْمَ مِّنْ مَّقَامِكَۙ وَاِنِّیۡ عَلَیْهِ لَقَوِیُّۙ اٰمِیْنُۙ

قَالَ الَّذِیۡ عِنْدَهُۥ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتٰبِ اَنَاۡ ءَاتِيْكَ بِهٖۤ قَبْلَ اَنْ یَّرْتَدَّ اِلَیْكَ ظَرْفُكَۚ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُۥۙ قَالَ هٰذَا مِّنْ فَضْلِ رَبِّیۡ لَیْبَلُوْنِیۡ ءَاشْكُرْۤ اَمْ اَكْفُرُۙ وَمَنْ شَكَرَ فَاِنَّمَا یُشْكُرْ لِنَفْسِهٖۙ وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ رَبِّیۡ غَنِیُّۙ كَرِیْمٌۙ

قَالَ نَكِّرُوْا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ اَتَهْتَدِیۡۤ اَمْ تَكُوْنُ مِّنَ الَّذِیۡنَ لَا یَهْتَدُوْنَ

فَلَمَّا جَآءَتْ قِیْلَ اَهٰكٰذَا عَرْشُكِۙ قَالَتْ كَاَنَّهُۥ هُوَۙ وَاُوْتِیْنَا الْعِلْمَ مِّنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِیْنَ

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُۙ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِۙ اِنَّهَا كَانَتْۢ مِنْ قَوْمِ كٰفِرِیْنَ

قِیْلَ لَهَا اَدْخِلِ الصَّرْحَۙ فَلَمَّا رَاَتْهُۤ حَسِبَتْهُ لُجَّةًۙ وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِیْهَاۙ قَالَ اِنَّهٗۙ صَرْحٌ مَُّرَدُّۙ مِّنْ قَوَارِرَۙ قَالَتْ رَبِّۙ اِنِّیۡ ظَلَمْتُ نَفْسِیۡ وَاَسْلَمْتُۤ مَعَ سُلَیْمٰنَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ

قاصد و هدیه چون به شهر رسیدو فرستاده را سلیمان دید گفت آیا کمک کنید مرا؟با متاعی قلیل از دنیا آنچه بخشد به من خدای جهان بهتر است از همه هدایاتان این شما بهر پیشکش شادید

باز گرد و بگو که بی‌تردید با سپاهی روم به جانبشان‌که ندارند بهر دفع توان به در آرم ز شهر با ذلت‌و دهم اهل کفر را خفت

ای بزرگان کدامیک ز شماتخت او را بیاورید اینجا پیش از آنکه که خود شود تسلیم

گفت جنّی که ماورا آریم پیش از آنکه ز جای برخیزی‌و در این ره منم امین و قوی

گفت آن کس که داشت علم کتاب‌آرم او را به پیش تو به شتاب

تا زنی چشمهای خود بر هم‌پیش از آن تخت سوی تو آرم پس سلیمان چو دید پا برج‌ازد خود [تخت شاه شهر سبا] گفت این باشد از عطای خداتا کند آرمایشی ما را تا کنم شکر یا کنم کفران‌شکر سود آورد به هر انسان و آنکه کفران کند عطای رحیم‌هست ربّ جهان غنی و کریم

گفت تخت ورا کنید چنان‌که نداند اگر ببیند آن تا ببینیم هست اهل هدایا که دورست از هدای خدا

چونکه آمد یکی بگفت او را این همان تخت تو بود آیا؟ گفت آری شدید آگه از آن‌نیز بودیم از مسلمانان

از ره شرک ساخت او را دور‌گر چه بود از زمان پیش کفور

چون به تالار قصر پای گذاشت‌دامنش برگرفت و آب انگاشت گفت کاخی بلور هست اینجاگفت کردم به خویش جور و جفا با سلیمانم از مسلمانان‌از برای خدای عالمیان

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ

۴۶

قَالَ يَاقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

۴۷

قَالُوا أَطِیرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَّعَكَ قَالَ طَیْرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ

۴۸

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

۴۹

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

۵۰

وَمَكْرُؤٌ مَكْرًا وَمَكْرُؤٌ مَكْرًا وَمَكْرُؤٌ مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۵۱

فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَقِبُهُمْ مَكْرِهِمْ إِنَّآ دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ

۵۲

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

۵۳

وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

۵۴

وَلَوْطَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ

۵۵

أَيِّنَّكُمْ لَأَتَاتُوكَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

ما فرستاده ایم بهر ثمود صالح آنکه به او برادر بود که پرستند قادر متعال شد دو فرقه از آن به جنگ و جدال

گفت بهر چه با شماست شتاب؟بر بدی پیش تر ز کار صواب بهر خالق کنید استغفار تا ستانید رحمت از دادار

قوم گفتند بد شدید به فال تو و همکار تو در این احوال گفت فال شماست نزد خداو بدان آرمون شدید شما

بود در شهر نه گروه به کار نه نکوکار بلکه بد کردار پس بگفتند هم قسم گردید که شبیخون زنید بی تردید

او و اهلش [کشیم ما با هم پس بگوییم بهر صاحب دم چیزی از قتلها نمی دانیم نیز ما جمله راستگویانیم

مکر کردند و مکر کرد خداو نبودند عاقل و دانا

چیست فرجام مکرشان بنگر؟همه با قوم شد فنا یکسر

خانه هاشان همه شده است رها چونکه آن قوم داشتند جفا به یقین ز آن نشانه ای است عیان بهر قومی که عالم است به آن

ما رها ندیم قوم با ایمان و شدند از گروه متقیان

لوط چون گفت بهر قوم زمان زشتی آرید و خود ببینید آن

میل دارید جانب مردان و ندارید میل با نسوان پس شما ببید امتی نادان که شکستید حکمی از یزدان

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ

پاسخ قوم او نبود مگر که بداریدشان ز شهر به در
این گروه است پاک و با تطهیر [دارد از بهر قوم ما تدبیر]

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أَمْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ

او و اهلش رها شدند الا همسرش کو بماند در آنجا

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ

بارشی بهرشان بیاوردیم و چه بد بارشی است بارش بیم

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ۚ اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ

گو که حمد است از خدا تنها و سلامی به بندگان خدا
که خدا برگزید آنان را و خدا بهتر است از بتها

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ۚ أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ

چه کسی آفرید ارض و سما و فرستاد آب از بالا
ما برویاندیم از آن آب بوستانهای خرم و شاداب
توانید آفرید شجر نیست همتای حق خدای دگر
می نهد آن جماعت نادان شرکا را برابر یزدان

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِي وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۚ أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

که زمین را بداد امن و قرار؟ و روان ساخت بین آن انهار
و سپس کار کوهها پرداختمانعی در میان دریا ساخت
هست معبود جز خدا آیا؟ اکثر خلق نیست ز آن دانا

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۚ أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

که دهد پاسخی سوی مضطر؟ چونکه روی آورد سوی داور
و کند رفع مشکل او راهان شما بید بر زمین خلفا
هست معبود جز خدا آیا؟ متذکر شود کمی ز شما

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۚ أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

چه کسی بر شماست راهنما در سیاهی به خشکی و دریا
که فرستاد باد پیشاپیش مژده بخشی برای رحمت خویش
هست معبود جز خدا آیا؟ اوست از شرک مشرکان والا

أَمَّنْ يَبْدُوْا اَلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُۥ وَمَنْ يَّرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ
وَالْأَرْضِۙ أَعِلَّهُۥ مَعَ اَللّٰهِۚ قُلْ هَاتُوا بُرْهٰنَكُمْۚ اِنْ كُنْتُمْ
صٰدِقِيْنَ

۶۵

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ اَلْغَيْبَۚ اِلَّا اَللّٰهُۚ وَمَا
يَشْعُرُوْنَ اَيَّٰنَ يُبْعَثُوْنَ

۶۶

بَلِ اَدْرٰكَ عِلْمُهُمْۚ فِي الْاٰخِرَةِۚ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَاۚ بَلْ هُمْ
مِّنْهَا عَمُوْنَ

۶۷
ر۳۳

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اَعِذَا كُنَّا تُرَابًا وَّءَابَآؤُنَاۤ اِنِّیۡنَاۤ لَمُخْرَجُوْنَ

۶۸

لَقَدْ وُعِدْنَا هٰذَا نَحْنُ وَّءَابَآؤُنَاۤ مِنْ قَبْلُۚ اِنْ هٰذَاۤ اِلَّا اَسْطِیْرُ
الْاَوَّلِيْنَ

۶۹

قُلْ سِيرُوْا فِي الْاَرْضِ فَانظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عٰقِبَةُ الْمُجْرِمِيْنَ

۷۰

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْۚ وَلَا تَكُنْ فِيْ ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُوْنَ

۷۱

وَيَقُولُوْنَ مَتٰی هٰذَا الْوَعْدُۚ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ

۷۲

قُلْ عَسٰی اَنْ يَّكُوْنَ رَدْفٌ لَّكُمْۚ بَعْضُ الَّذِی
تَسْتَعْجِلُوْنَ

۷۳

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا
يَشْكُرُوْنَ

۷۴

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُوْرُهُمْۚ وَمَا يُعْلِنُوْنَ

۷۵

وَمَا مِنْ غَآیَبَةٍ فِی السَّمَآءِ وَالْأَرْضِۙ اِلَّا فِیْ كِتٰبٍ مُّبِیْنٍ

۷۶

إِنَّ هٰذَا الْفُرْعَانَ یَقُصُّ عَلَىٰ بَنِیْ إِسْرَءِیْلَ أَكْثَرَ الَّذِی هُمْ
فِیْهِ یَخْتَلِفُوْنَ

چه کسی خلقتش کند آغاز؟و بگرداند آفرینش باز
که دهد رزقتان به ارض و سما؟هست معبود جز خدا آیا؟
گو دلیلی بیاورید پدیداگر از جمع راستگویانید

گو نداند کس از زمین و سمرازهای نهان به غیر خدا
و نداند کسی ز روز نشور

علمشان از جزاست از حق دور
و به شکند هم ز روز جزاو از آن جلوه‌اند نابینا

و بگفتند کافران چون ماهمچو پیشینیان و هم آبا
خاک گردیم و هم در آن مدفون‌از دل خاک چون شویم
برون؟

بهر ما وعده بود پیش از این‌هم به آبا فسانه‌ای پیشین

گو بگردید و بنگرید جهان‌عاقبت چیست بر گنهکاران؟

تو ز ایشان مشو غمین و تزندو مشو تنگدل چو مکر کنند

و بگویند کو وعید خدا؟راست باشد اگر حدیث شما

گو بسا در بر شماس‌ت عذاب‌آنچه را سوبش آورید شتاب

لطف دارد به مردمان یزدان‌نیستند اهل شکر اکثرشان

هست معلوم بر خدای جهان‌راز دلها و هر چه هست عیان

نیست رازی در آسمان و زمین‌جز که ثبت است در کتاب
مبین

می‌شود در کتاب حق تحلیل‌اختلافات آل اسرائیل

وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

۷۸

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

۷۹

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۖ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ

۸۰

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

۸۱

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ صَلَاتِهِمْ ۖ إِنَّ تَسْمَعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُّسْلِمُونَ

۸۲
حزب
۱۵۴

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ

۸۳
رسم

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوجًا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ

۸۴

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ إِذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۸۵

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ

۸۶

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

۸۷

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ۚ وَكُلُّ أَتَوِّهٍ دَاخِرِينَ

۸۸

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ۚ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلُّ شَيْءٍ ۚ إِنَّهُ ۖ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

رحمت است و هدایت از یزدان بهر قومی که آورند ایمان

و خدا داور است ایشان راو همو قادر است و هم دانا

کار خود را سپار با یزدان و تو بر حقِ و بود به عیان

تتوانی به مردگان و کران سخن خویش را کنی تو بیان و آنگهی از تو روی گردانند[خیر و اقبال خود نمی‌دانند]

نکشی کور را به راه هداتا ز گمراهیش کنی تو رها سخن خویش را کنی تفهیم به کسی کو به حق بود تسلیم اوست مؤمن به آیه‌های خدا[سخن و قول حق رسد او را]

چونکه فرمان رسد برای کسان هست جنبنده‌ای به روی جهان که ندامی دهد سوی ایشان که یقین نیست خلق را ز نشان

گرد آریم از امم بسیار که کنند آیه‌های حق انکار پس بمانند مدتی آنجا

تا که ملحق شوند آنان را پس بگوییم منکرید آیا؟ جاهلانه نشانه‌های مرا این چه کاری است از برای شما؟

[سخنی نیست بهرشان آنجا] می‌رسد پس عذاب آنان راز آنکه بودند اهل جور و جفا

ننگرند اینکه آفریدم شب‌گاه آرامشی ز بعد تعب نور و دید آورم به روز پدید[تا که بهر تلاش و رزق روید] به یقین آیه‌ها بود در آن بهر قومی که آورند ایمان

بادم صور ترس مردم راست‌هر چه خلق خدا به ارض و سماست جز کسی را که خواسته‌ست خداهمگی می‌رسند خوار آنجا

کوه را بنگری که بی‌سفر است‌گر چه همچون سحاب در گذر است صنعتش محکم است و پا برجاهست از کارتان خدا دانا

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ
ءَامِنُونَ

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ
إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ
شَيْءٍ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ ۖ فَمَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ
وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنْذِرِينَ

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ ۖ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

۲۸. قصص

القَصَص: داستان‌ها

مکی

۸۸ آیه

۱۲ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
طسّم

تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَّبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّهُ
طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ
مِنَ الْمُفْسِدِينَ

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

هر که نیکی کند بود او را بهتر از آن چه کرده است ادا
ایمن است از هراس در محشر]و بر او نیست هیچ خوف و
خطر]

و آنکه در راه بد بود سرکش‌پس بیفتد به روی در آتش
پس جزا داده می‌شوید آیا؟جز به کاری که کرده‌اید شما

بر عبادت منم کنون تسلیم‌ربّ این شهر را که شد تکریم
همه چیز است از خدای غفورمن به اسلام گشته‌ام مأمور

اینکه خوانم به مردمان قرآن‌هر که ره یافت برد سود از آن
و آنکه گم کرد راه در کردارگو مرا نیست جز ره هشدار

و بگو حمد هست از یزدان‌آیه‌هایش دهد به خلق نشان
پس شناسید آن نشان ز خدانیست غافل خدا ز کار شما

طا و سین است و میم]از یزدان

آیه‌هایی است از کتاب عیان

پس بخوانیم قصه‌ها به شماذکر فرعون و قصه‌ی موسی
راست دانیم]قصه را بر خوان بهر قومی که هست با ایمان

چونکه فرعون سر فرا آوردجای هر قوم را مجزا کرد
خوار بگذاشت قومی از آنان‌کشت از اهلشان همه پسران
زنده می‌هشت بهرشان نسوان‌به یقین بود مفسدی به جهان

خواستم تا نهم بسی منت‌بهر قومی که بود در ذلت
تا شود راهبر به خلق زمان‌و شود وارثی به ملک جهان

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ

نیز مکت دهمشان به جهان تا به فرعون همچین هامان
نیز اتباعشان دهم نشان آنچه را بیم داشتند از آن

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ
فَالْقِيَهُ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۗ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ
وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

وحی کردم به مادر موسی که بده شیر کودک خود را
و مشو در هراس طفلت را و بیفکن به پهنی دریا
به دل خویش ره مده غم و بیم که به سوی تو باز گردانیم
میکنیمش ز انبیای عظام که ز حق آورد کتاب و پیام

فَالْتَقَطَهُ ءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا ۖ إِنَّ
فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ

آل فرعون برگرفت او راتا شود دشمنی به اهل جفا
بود فرعون و همچین هامان هم سپاهش به کار خود نادان

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ ۖ لَا تَقْتُلُوهُ
عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

زن فرعون گفت با همسر این بود بهر ما چو نور بصر
مکشیدش بسا که نفع از اوست بهر فرزندی تو هم نیکوست
و بر آنان نبود هیچ پدید

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَرَجًا ۖ إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن
رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

مام موسی دلش تهی گردید
بود نزدیک تا کند اظهارگر نمی کرد حق دلش ستوار
[این چنین خواست کردگار جهان تا بماند ز خلق با ایمان]

وَقَالَتِ لِأُخْتِهِ ۖ قُصِّيه ۖ فَبَصُرَتْ بِهِ ۖ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا
يَشْعُرُونَ

گفت با خواهرش سفارش کار نیز خود بود ناظری به کنار
کس ندانست ما چه می آریم

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ
أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ

حق به او داشت شیرها تحریم
گفت من رهنما شوم به شما [خانه ای را پر از صفا و وفا]
اهل آن خانه بر کفالت اوهست دلسوز و خیر خواه و نکو

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ ۖ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ
اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

باز گردانمش سوی مادر تا بود بهر مام نور بصر
نبود غمگن و بود داناکه همه راست است وعد خدا
[همه جا حکم اوست حکمروا] اکثر خلق نیست ز آن دانا

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ۖ وَاسْتَوَىٰ ؕ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ ۖ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ ۖ فَاسْتَغْنَتْهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ ۖ عَلَىٰ الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ ۖ فَوَكَّزَهُ ۖ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۖ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ ۖ إِنَّهُ ۖ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ۖ فَاغْفِرْ لِي ۖ فَغَفَرَ لَهُ ۚ إِنَّهُ ۖ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ

فَاصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ ۖ فَإِذَا الَّذِي اُسْتَنْصَرُهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ ۚ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَعَوِيٌّ مُّبِينٌ

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَمُوسَىٰ أَرِيدُ أَنْ تُقَاتِلَنِي ۚ كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ ۖ إِن تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ ۚ قَالَ يَمُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ ۖ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

چون به رشدش رسید و شد برناپس بدادیم حکم و علم او را
آنچنان مزد می‌دهیم به کاربر هر آن کس که شد نکوکردار

گشت در شهر وارد و آنگاه مردم شهر بود ناآگاه
گرم رزم و نزاع بود دو تن این یک از پیروان و آن دشمن
پیروش خواست چون کمک از اوتا بسازند دفع شر عدو
پس یکی مشت زد به او موسی‌او از این ضربه رفت سوی فنا
گفت این بود کار اهریمن اوست اغواگر و بود دشمن

گفت کردم به خود ستم رب‌اپس ببخشا از این جفا تو مرا
پس ببخشیدش آن عزیز و کریم به یقین حق بود غفور و رحیم

گفت از این لطف و رحمت ای یزدان نشوم یاور ستمکاران

صبح فردا به شهر بس نگران دید آن را که بود پشتیبان
باز امداد خواست نعره زنان گفت موسی تو گمرهی به عیان

پس به هنگام حمله گفت به اوآنکه با هر دو بود خصم و عدو
از چه خواهی مرا کشی موسی؟ای که دیروز قتل بود تو را
از چه خواهی شوی ستم کردار؟می‌خواهی شوی تو نیکوکار

از فراسوی شهر شد به شتاب مردی و این چنین نمود خطاب
مهتران کرده‌اند بس کنکاش بهر قتل تو می‌کنند تلاش
پس برون شو ز شهر ای موسی این منم یار خیر خواه تو را

پس برون شد ز شهر و بس نگران گفت یا ربّ مرا رها گردان
زین گروهی که هست اهل جفاتو خدایا نجات بخش مرا

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ
السَّبِيلِ

چونکه رو کرد جانب مدین گفت امیدم بود که خالق من
رهنمایم شود به راه صواب

تا به مدین رسید بر سر آب

مردمی جمع دید در آنجا آب می‌داد هر کسی رمه را
پس دو زن دید در تلاش و شتاب رمه را منع می‌کنند ز آب
گفت این کار چیست بهر شما؟ پس بگفتند مانده‌ایم اینجا
تا شتابان روند بی‌تأخیر پدر ما دو تاست مردی پیر

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ
وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ ۖ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا
لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأُبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ

۲۳

رمه را آب داد و سایه نشست پس برآورد سوی خالق دست
که عنایات تو مراست نیازخیز بفرست [ای تو بنده نواز]

فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ
مِّنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ

۲۴

پس یکی ز آن دو زن ز راه حیاگفت بایم بخوانده است تو را
تا دهد اجرت تو را بر کاررفت و جریان خود نمود اظهار
گفت هستی رها مترس اینجا ز گروهی که هست اهل جفا

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي
يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ
عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۲۵

دختری روی کرد کای بابا بهر خدمت اجیر کن او را
بهترین کس که می‌کنی تو گزین این اجیرست و هم قوی و
امین

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَأَبَتِ اسْتَعْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَعَجَرْتَ
الْقَوِيُّ الْأَمِينُ

۲۶

گفت خواهم مرا شوی داماد مهر آن هشت سال خدمت باد
اگر آن خدمت شود ده سال لطف مخصوص توست در آن
حال
ما نخواهیم بر تو سختی کارزود یابی مرا نکوکردار

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نُكَحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ
تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حَجَجٌ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا
أُرِيدُ أَنْ أَمْسُقَ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ
الصَّالِحِينَ

۲۷

گفت بین من و تو ماند آن هر کدام از دو مدت است عیان
نیست بر من به هیچ راه جفا حق و کیل است گفته‌ی ما را

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ۖ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ
عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

۲۸

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ ۚ آنَسَ مِنْ جَانِبِ
الْطُّورِ نَارًا ۖ قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي
آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

چونکه موسی تمام کرد زمان همراه اهل خویش گشت روان
دید آتش به کوه طور ز سنگ گفت با اهل خود کنید درنگ
آتشی دیده ام ز دور آنجا زود آرام خبر برای شما
یا لهیبی بیاورم از آن تا که گردید گرم ز ان نیران

فَلَمَّا أَتَتْهَا نُودِيَ مِنَ شَاطِئِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ
الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَن يَمُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ
الْعَالَمِينَ

پس برفت و روانه شد آنجا از سوی راست در رسید ندا
به زمینی خجسته و میمون وین ندا آمد از درخت برون
ای کلیم خدا منم یزدان حق و پروردگار عالمیان

وَأَن أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا
وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمُوسَى أَقْبَلَ وَلَا تَخَفْ ۖ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ

پس بیفکن کنون عصایت را دید جنبد به سان مار آنجا
پشت کرد و گریخت از زهار شد منادا مترس و هم روی آر
که تویی ایمن از هراس و خطر

أَسْأَلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ
وَأَضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ ۖ فَذَنِكَ بُرْهَنَانِ مِنَ
رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ

دست خود را تو در گریبان بر
پس برآید سفید بی اشکال پس ز بیم آر سوی خود پر و بال
این دو برهان به توست از دادار سوی فرعون و قوم او روی
آر
کان جماعت شدند نافرمان

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ

گفت من کشته ام کسی زیشان
ترسم از قتل خود کنون یا رب هم ز تنهاییم به رنج و تعب

وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا
يُصَدِّقُنِي ۖ إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ

در سخن هم برادرست ظهیر و هست شیواییش ز من افزون
پس به همراه من بدار گسیل تا شود بهر من نصیر و خلیل
و به تصدیق من شود همکار در هراسم اگر کنند انکار

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا
يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا ۖ أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعُكُمَا الْغَالِبُونَ

گفت بر تو برادرست ظهیر و نهیم از برایتان تسخیر
با چنین آیه ها و معجز مادت ایشان نمیرسد به شما
پس شما و آنکه گشت پیروتان همه جا غالبید بر ایشان

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيَّنَّتْ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

چونکه آورد سويشان موسى آيه‌هاى عيان يزدان را پس بگفتند نيست جز بهتان‌نيز افسون بود [در آن پنهان نشنيديم اين سخنها رانه ز پيشينيان و نه آبا

وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ ۖ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

گفت موسى خداست داناتر بهر آنکس که هست پيغمبر آنکه آرد هدا ز نزد خداو آنکه او راست اجر روز جزا نکند رستگار آنان را که در اين عالمنده اهل جفا

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَأْتِيهَا الْمَلَائِكَةُ لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَهْمَنُ عَلَى الطَّيْنِ فَأَجْعَلْ لِّي صَرْحًا لَّعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ

گفت فرعون مهترانش را نيست جز من خداى بهر شما پس بپز خشت بهر من هامن و بنا كن مرا تو قصرى از آن ربّ موسى ببينم از آنجامن كه كاذب گمان كنم او را

وَأَسْتَكْبَرَهُ وَهُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ

او و ياران به ناروا به دياربرگرفتند راه استكبار و گمان كرده‌اند سوي خدا برنگردند آن گروه دغا

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ ۖ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ

پس گرفتيم او و قومش را و فكنديم جمله در دريا پس نكه كن كه عاقبت او را چيست قومى كه بود اهل جفا

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۖ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ لَا يُنصَرُونَ

و شدند آن گروه رهبر شرکه بخواندند خلق بر آذر در قيامت كه هست وقت جزا هيچ يارى نباشد آنان را

وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً ۖ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ

لعن پيگيرشان در اين دنياست زشتروبي به عالم عقياست

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

داده‌ام من كتاب موسى را چون قرون نخت شد به فنا آن بصيرت بود به خلق خدارحمت و هم هدايت آنان را شايد آن قوم پند گيرد از آن‌متذكر شود [از اين تبيان

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا
كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ

تو نبودى به جانب غربى چون ز امر خداى گشت نبى
تو نبودى گواه در آنجا

وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ
ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا
مُرْسِلِينَ

اى بسا قوم آفريد خدا
و به ايشان دراز بود ز من تو نبودى مقيم در مدين
كه بخوانى تو آيه هاى خدا ما فرستاده ايم مرسل را

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ
لِئَنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَتْهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ
يَتَذَكَّرُونَ

تو نبودى به جنب طور مقيم آن زمانى كه ما ندا داديم
ليك اين بود رحمت از دادارتا كه اين قوم را دهى هشدار
پيش از تو نداشتند نذير شايد آنان شوند پند پذير

وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا
لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ

گر رسد بهرشان بلا و جازاز آنچه از پيش كرده اند آنرا
پس بگويند اى خدا بر مانفرستاده اى رسولى را
ورنه بوديم پيروان نشان همه بوديم پاك و با ايمان

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ
مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا
سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ

چون رسد حرف حق ز سوى خداپس بگويند جملگى كه چرا؟
نرسيده است آيتى سوى مامثل آنها كه بود با موسى
كفر بر او نداشتند آيا؟ چونكه آمد نشانهى موسى
پس بگفتند اين فسونكاران بهر يكديگرند پشتيبان
و بگفتند ما به هر يكشان فاش داريم شيوهى كفران

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ
إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

گو بياريد نامه اى ز خداكو بود رهنما تر از اينها
تا كه تابع شويم در افعال راست گوييد اگر در اين اقوال

فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ
أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

گر كه پاسخ نمى دهند تو راپس بدان تابعدار بهر هوى
در ره گمراهى چه كس شد بيش؟ آنكه شد تابعى به خواهش
خويش
گر نباشد هدا ز سوى خدا [كه تواند رود به راه هدا]
و هدايت نمى كند يزدان به يقين فرقهى ستمكاران

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

داده ایم این سخن به هم پیوندتا که مردم تذکری گیرند

الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ ۚ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ

۵۲

وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَامَنَّا بِهِ ۚ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا ۖ إِنَّا كُنَّا
مِنْ قَبْلِهِ ۚ مُسْلِمِينَ

۵۳

أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ
بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

۵۴

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ
أَعْمَلُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ

۵۵

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

۵۶

وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا ۖ أَوَلَمْ
نُمْكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا
مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

۵۷

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا ۖ فَتِلْكَ مَسَكِنُهُمْ
لَمْ تُمْسِكْ مِّنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا ۖ وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ

۵۸

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا
يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِنَا ۚ وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا
ظَالِمُونَ

۵۹

آن کسانی که داشتند ایمان می رسید این کتاب چون
سویشان

خوانده می شد چو آیه بر آنان می گفتند آوریم ایمان
راستست و بود ز ربّ حکیم و از این پیش ما مسلمانیم

آن کسان اجرشان دهند دوبار چون شکبا شدند [و نیکوکار]
و بدی را ز خود دهند طلاق ز آنچه دادیمشان کنند انفاق

هم ز لغوند جمله رو گردان و بگویند ما و کرده ی مان
و شما بید و آنچه کار شماست و سلامی ز ما نثار شماست
و نخواهیم [صحبت نادان که ندارند بهر حق ایمان

تتوانی به راه حق آری آنکه را خود تو دوست می داری
ره بیابد هر آنکه خواست خدا اوست آگاهتر به اهل هدا

گفته اند ار شویم پیرو دین پس ربایندمان ز شهر و زمین
ما ندادیم امنشان آیا؟ میوه و رزقشان رسد از ما
لیک دانا نیند اکثرشان چون ندارند صبر در ایمان

چه بسا شهر شد به دار فنا مردمش مست بود و بی پروا
جز کمی کس نگشت ساکن آن نیز ماییم وارث آنان

نیست شهری که حق کند ویران جز که بودست مرسلی در آن
که بخواند بر ایشان آیات تا که یابند از هلاک نجات
و نسازیم هیچ جا ویران جز که ظالم شدند مردم آن

وَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰٓ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۶۱
ر۳۴۰

أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

۶۲

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآئِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

۶۳

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ ۖ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ

۶۴

وَقِيلَ أَدْعُوا شُرَكَآءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ ۚ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ

۶۵

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ

۶۶

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ

۶۷

فَأَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰٓ أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ

۶۸

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۚ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

۶۹

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

۷۰

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۚ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

آنچه مال و منال بهر شماست زیور و بهره‌ای از این دنیاست به بود هر چه هست نزد خدانیست آیا خرد برای شما

آنکه را داده‌ایم وعد نکوو رسد وعده‌اش به جانب او نیست او چون کسی که ما او را بهره دادیم بهره‌ی دنیا به یقین اوست هم به روز جزا از فرا خواندگان به سوی خدا

چون بیاید ندا سوی ایشان‌کو شریکان که داشتید گمان

چون سخن راست گشت ایشان را پس بگویند کرده‌ایم اغوا آنچنان که شدیم خود افسون‌هست بیزار جان ما اکنون هم نبودند در عبادت ما] بلکه بودند عابدان هوی

گفته آید که آن بتان خوانندپس بخوانند و در سخن مانند پس ببینند کیفری ز خداکاش بودند در طریق هدا

چون به آوا چنین کنند خطاب‌انبیا را چه داده‌اید جواب؟

پس بر آنان خبر شود پنهان‌و ندارند بر سؤال توان

تائب و مؤمن نکوکردار شاید او رسته گردد از آزار

آفرید و گزید هر چه که خواست‌غیر دادار اختیار که راست؟ هست یزدان منزّه و والاکه شریکی بیاورند او را

هست معلوم بر خدای جهان‌راز دلها و هر چه هست عیان

غیر الله هیچ نیست خداحمد در دو جهان بود او را حاکمیت فقط از آن خداست‌سوی دادار بازگشت شماست

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ
الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَوْ لَا تَسْمَعُونَ

گو خدا اگر دهد برای شما شب جاوید تا به روز جزا
که بجز حق کند فروغ پدید؟ سخن حق مگر نمی‌شنوید

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ
الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ
أَوْ لَا تُبْصِرُونَ

گو خدا اگر دهد برای شما روز جاوید تا به روز جزا
که شب آرد به غیر حق معید؟ بهر راحت مگر نمی‌بینید

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ
وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

گردش روز و شب ز فضل خداست بهر آرام و جستجوی
شماست
تا ز فضلش شوید برخوردار شاید او را شوید شکرگزار

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

چون بیاید ندا سوی آنان کو شریکان که داشتید گمان

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا
أَنْ لَا حَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

چون بگیریم ز هر فریق شهید پس بگویم که هان دلیل آرید
پس بدانند حق از آن خداست گم شود آن دروغ کانان
راست

إِنَّ قُرُونًا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ^ط وَعَاتَيْنَهُ مِنْ
الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ
لَهُمْ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحُوا^ط إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ

بود قارون ز امت موسی پس ستم کرد امت خود را
ثروتی داشت وافر و سرشار بود گنجینه‌های او بسیار
بهر حمل کلید آنهمه گنج بود هر مرد پر توان در رنج
قوم او گفت شادیت نه نکوست که خدا نیست بهر شادان
دوست

وَأَتَّبَعْنَا فِي مَا عَاثَلَك اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ
مِنَ الدُّنْيَا^ط وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ^ط وَلَا تَبْغِ
الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ^ط إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

کن طلب ز آنچه داده است خدا بهر ای از برای روز جزا
و نگه دار سهمی از دنیا خیر کن چونکه خیر داد خدا
و مجو در زمین ره افساد نیست حق دوستدار اهل فساد

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِن الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ

گفت مالی که من شدم دارا هست از دانشی که بود مرا
می‌دانست حق بساخت هلاک؟ هر که بود از قرون پیش به
خاک

بس که بودند از او تواناترو به مال و منال دارا تر
بر گناهانشان که هست عیان نشود پرسش از گنهکاران

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَلِيتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قُرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

پس بر آمد به قوم خود با جاه‌گفت جمعی که بود دنیا خواه
کاش دارا بدیم چون قارون به یقین بهره‌اش بود افزون

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَن ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ

۷۹

۸۰

آن جماعت که بود دانشورگفت ای وای بر شما یکسر
بهتر از این ثواب یزدان است هر که را خوب و اهل ایمان
است
این چنین اجر از سوی یزدان بهر کس نیست جز شکیبایان

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ

۸۱

شد فرو او و خانه‌اش به زمین جز خدا بهر خلق کیست
معین؟

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَتَّوْا مَكَانَهُ بِالْأُمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآنَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَن مَّنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَآتَهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

۸۲

روز بعد آن گروه شد آگاه‌گر چه دیروز بود دنیا خواه
گفت حق رزق بر عباد چو خواست‌گه فزون دارد و گهی ز آن
کاست
منت حق اگر نبود به ماقعر این خاک بود جا ما را
آن جماعت که هست در کفران وای‌شان کی رهند از نیران

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

۸۳

خانه آخرت بود او را که ندارد فساد و استعلا
هست عقبا برای متقیان جایشان در بهشت جاویدان

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّمَّا مَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۸۴

هر که انجام داد کار نکوبهتر از آن جزا بود با او
و آنکه انجام داد کاری بداجرتی مثل آن به او برسد

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّيَ
أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ
رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ

وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ ءَايَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ
إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ
هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

آنکه فرمان به تو ز قرآن داد باز گرداندت به سوی معاد
گو که ربّ من است داناتر که چه کس شد به راه راهسپر
و چه کس هست در ضلال مبین پس به علمش بیاورید یقین

تو نبودت امید آنکه کتاب شود از کردگار بر تو خطاب
رحمتی بود از سوی دادار پس نباشی تو کافران را یار

برنگردی ز آیه‌های خدابعد از آنکه رسیده است تو را
و به پروردگار خویش بخوان و نباشی تو مشرک یزدان

و مخوان با خدا کسی معبود نیست معبود غیر او به وجود
همه فانی شوند جز یزدان اوست مرجع و زو بود فرمان

۲۹. عنکبوت

الْعُنْكَبُوت: عنکبوت

مکی

۶۹ آیه

۹ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم

[الف و لام و میم کاغاز است بین حق و رسول او راز است

در گمانند مردمان که خدانکند آرمایش آنان را
اینکه گفتند آوریم ایمان بود ایمانشان فقط به زبان

آزمون کرده ایم پیش از این و خدا کرده است آن تبیین
که چه کس راست دارد این اظهار و چه کس کاذب است در
گفتار

آن کسانی که زشت کردارند گوییا این چنین گمان دارند
که به ره سبقت آورند به ما و چه بد داوری کنند اینجا

هر که خواهد لقای حق به جز امی رسد زود سر رسید خدا
و خدا هم سمیع و هم داناست

و آنکه رزمنده ای برای خداست
رزد و خویش بهره گیرد از آن بی نیازست حق ز عالمیان

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا
وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا
يَحْكُمُونَ

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ
الْعَالَمِينَ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

آنکه شد مؤمن و نیکوکردار بگذرد از گناهشان دادار و بگیرند اجرت کردار بهترین اجر را به روز شمار

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

ما سفارش کنیم بر انسان که کند والدین را احسان گر که کوشش کنند ناآگاه که شریک آوری تو بر الله پس اطاعت مکن تو از ایشان که به سوی من است مرجعتان به یقین می‌دهم خبر به شما هر عمل را که آورید به جا

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ

مؤمنی را که هست نیکوکار پس بدارم ز صالحان به شمار

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ ۖ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ

بعضی از مردمان به لفظ و بیان ادعا می‌کنند در ایمان چون به راه خدا شوند آزار و به رنجی ز مردمند دچار [آن چنانند در هراس و عنا] که شمارند چون عذاب خدا ور که خیری رسد ز رب رحیم پس بگویند با شما هستیم نیست آیا خدای اعلم از آن؟ که بود در صدور عالمیان

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ

حق شناسد فریق ایمان را و شناسد صف دو رویان را

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ

کافران بهر مؤمنان گویند [که نباشید بهر دین پابند] پیرو ما شوید بهر شما هر چه باشد خطا به عهده‌ی ما بر نگیرند باری از ایشان و دروغ است گفته‌ی آنان

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَنْثَقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

می‌کشید این گروه کرده‌ی خویش بارهای دگر بر آن شد بیش و بپرسندشان به روز شمار آنچه بهتان زدند در گفتار

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ ۖ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ

نوح پس شد رسول قوم و تبار ماند پنجاه سال کم ز هزار ماند و طوفان گرفت قومش را چونکه بودند اهل جور و جفا

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَبَ السَّفِينَةَ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ

او و هم ساکنان کشتی راما رهاوندیم از عذاب و بلا
و نهادیم آن رسول زمان آیتی از برای عالمیان

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ
لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

چونکه با قوم گفت ابراهیم پرستید آن خدای کریم
نیز تقوا کنید یزدان را کاین بسی بهتر است بهر شما
گر که در کار خیر دانایید [عابد قادر توانایید]

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَنًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ
تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا
عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُوَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

می پرستید جز خدا بتها آفرینید حرف کذب و خطا
هر چه را عابدید غیر خداند از او هیچ نیست رزق شما
رزق را از خدای خود خواهید و پرستش کنید حی مجید
و سپاس آورید یزدان را به سوی اوست بازگشت شما

وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى
الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

گر که تکذیب می کنید آن را بود تکذیب پیشتر ز شما
و بدانید بر رسول امین نیست تکلیف جز بلاغ مبین

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُوَ إِنَّ ذَلِكَ
عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

می بینند چون کند آغاز؟ خلقت خویش و پس بسازد باز
هست این کار بر خدا آسان

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ
يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

گو بگردید در تمام جهان
و ببینید چون کند آغاز خلقت خویش و پس بسازد باز
خلقت دیگری است در عقابر همه چیز قادر است خدا

يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ

هر که را خواست می دهد کیفر هر که را خواست رحمت آن
داور
بازگشت شما به سوی خداست پس به دنیا روید بر ره
راست

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ
مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

توانید چیره شد او رانه به روی زمین و نه به سما
نیست غیر از خدا شما را یار نه ولی جز اوست در هر کار

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِن
رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آنکه شد کافر نشان خداهم به دیدار حق به روز جزا
شده است او ز رحمتم نومید بهر آنان بود عذاب شدید

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ
فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

این چنین شد جواب قوم عنیدبکشیدش و یا بسوزانید
پس رهاندیش از دل نیران و در آن بهر مؤمن نشان

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ
وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ
تَّصْرِيحٍ

گفت بگرفته‌اید این بتهابین خود از محبت دنیا
چون فرا می‌رسد زمان جزایکدگر را کنید لعن و ابا
جایتان هست جملگی در نارو برای شما نباشد یار

فَقَامَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ

لوط آورد بعد از این ایمان‌گفت من می‌روم سوی یزدان
که بود قادر آن خدای کریم و به هر چیز عالم است و حکیم

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ
وَالْكِتَابَ وَعَاطَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ
الصَّالِحِينَ

بود اسحاق و نیز اسرائیل بهر او هدیه‌ای ز ربّ جلیل
بهر نسلش نبوت است و کتاب‌این به دنیا برای اوست ثواب
نیز در آخرت شوند آنان همه در زمره‌ی نیکوکاران

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا
سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ

لوط هم چون بگفت قومش راز چه روی آورید بر فحشا
که نکردست پیش از این به جهان هیچ کس از میان عالمیان

أَيُّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي
نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا
أَتَيْنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

هست میل شما سوی مردان راه بندید و زشت مجلس‌تان
پاسخش داد قوم او که بیاربر سر ما عذابی از دادار
گر تو از جمع راستگویانی و اگر تو رسول یزدانی

قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ

گفت یا ربّ مرا رسان امداد بهر قومی که می‌کنند فساد

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا
أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ ۖ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ

چون فرستاده‌ها فرستادیم مژده دادند بهر ابراهیم
اهل این شهر را کنیم فناکه در آن می‌کنند جور و جفا

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهُ
وَأَهْلَهُ ۖ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ ۖ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

گفت در شهر لوط هست مقیم پس بگفتند نیک می‌دانیم
او و اهلش از آن کنیم رهاجز زنش کو بماند در آنجا

وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ ۖ وَقَضَىٰ بِهِمْ ذُرْعًا
وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا أُمَّرَأَتَكَ
كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

سوی لوط آمدند چند رسول شد به دیدارشان غمین و ملول
پس بگفتند هان مترس ز مانیز غمگین مباش در اینجا
تو و اهل تو را کنیم رهاجز زنت که بماند در اینجا

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ ۖ بِمَا
كَانُوا يَفْسُقُونَ

می‌رسد ز آسمان عذاب گران بهر این مردمان نافرمان

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و نهادیم آیتی گویا بهر قومی که عقل هست او را

وَالِإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَتَقَوْمَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا
الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و به مدین شعیب گشت گسیل که عبادت کنید ربّ جلیل
و امید آورید بهر معاد و مکوشید در زمین به فساد

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثَمِينَ

قوم تکذیب کرد آن اقوال پس گرفت آن دیار را زلزال
همه گشتند پیکری بیجان در سرهایشان [که شد ویران

وَعَادًا وَثُمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسْكِنِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ
الشَّيْطَانُ أَغْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا
مُسْتَبْصِرِينَ

نیز از خانه‌های عاد و ثمود بهر تان ایزد آشکار نمود
جلوه داد از برایشان شیطان کارهایی که داشتند ایشان
بازگرداند از طریق هداگر چه بودند ظاهرا بینا

وَقَرُّونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَمَانَ^ط وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ
فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ

همچو قارون و نیز چون هامان گشت فرعون هم فنا به جهان
چون به آیین سرکشی رو کردگر چه موسی بسی نشان آورد
نگرفتند سبقتی ز خدا

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ^ط فَمِنْهُمْ مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا
وَمِنْهُمْ مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ
وَمِنْهُمْ مَّنْ أَغْرَقْنَا^ج وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

ما گرفتیمشان به جرم و خطا
بادی از شن رسید بعضی را قومی از صیحه شد دچار فنا
شد فرو عده‌ای دگر در خاک بعض آنان به آب گشت هلاک
هیچکس را ستم نکرد خدایکه مردم به خود کنند جفا

۴۰

مَثَلُ الَّذِينَ أَخَذُوا مِنَ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ
أَتَّخَذَتْ بَيْتًا^ط وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا
يَعْلَمُونَ

مثل آنکه برگزید ولی‌جز خداوندگار لم یزلی
هست چون عنکبوت و کاشانه‌و چه سست است بهر او خانه
گر که باشند مردمی دانا

۴۱

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ^ط مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ

و خدا آگه است آنان را
که بخوانند جز خدای کریم و خدا هست هم عزیز و حکیم

۴۲

وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ^ط وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ

آن مثلها که شد به خلق بیان‌غیر دانشوران نفهمند آن

۴۳

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
لِّلْمُؤْمِنِينَ

آفریدست حق سپهر و زمین‌هست آن آیتی به اهل یقین

۴۴

أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ^ط إِنَّ الصَّلَاةَ
تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ^ط وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ^ط وَاللَّهُ
يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

و بخوان از کتاب وحی خدا و نماز خدای دار به پا
باز دارد نماز مردم را از پلیدی و از گناه و خطا
وز همه برتر است یاد خدا هست یزدان ز کارتان دانا

۴۵
۳۴۶

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

وَكَذَلِكَ أُنْزِلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ ۚ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ

وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لِآرْتَابِ الْمُبْطِلُونَ

بَلْ هُوَ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ ءَايَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِندَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

أَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيِّنًا وَبَيِّنَاتٍ شَهِيدًا ۚ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲
۳۴۷

و مجادل مشو به اهل کتاب جز به راهی که هست خیر و صواب
جز کسانی که کرده اند جفا و بگویند مؤمنیم آن را
که به سوی شما بود نازل و آنچه از حق به ما بود نازل
پس به حق یگانه روی آریم ما شدیم از برای حق تسلیم

نامه را سوی تو فرستادیم به کسانی دگر چو ما دادیم
مؤمنان راست بهر آن ایمان و به این مؤمنند بعضی شان
و ندارند شیوهی انکار بهر آیات حق بجز کفار

تو نخواندی کتابی از این پیش نوشتی به دست ایمن خویش
ورنه تردید داشت در قرآن آنکه خواهد تباه سازد آن

آن بود آیه های روشن گر بهر آنکس که هست دانشور
و ندارند شیوهی حاشا غیر آنان که می کنند جفا

گفته اند اینکه آیه های خدا کند بهر او نزول چرا؟
گو که آیات هست از یزدان نیستیم من مگر نذیر عیان

نیست کافی همین کتاب آیا؟ که بخوانی به مردمان آن را
به یقین رحمتی بود در آن نیز پندست بهر با ایمان

گو که کافی است بهر من الله تا بود بین ما و خلق گواه
داند او هر چه در زمین و سماست نیز خسران به کار آنان
راست
که به باطل بیاورند ایمان نیز کافر شوند بر یزدان

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ
الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ
وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

يَعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِنِّي فَاعْبُدُونِ

كُلُّ نَفْسٍ ذَاقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ
غُرَفًا تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرُ
الْعَامِلِينَ

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

وَكَايْنِ مِّنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ
الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُوَ إِنَّ
اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَّنْ نَّزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ
مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ
لَا يَعْقِلُونَ

در عذاب خدا کنند شتاب می‌رسد ناگهان به خلق عذاب
گر نمی‌بود موقعی آن را می‌رسید و نیند از آن دانا

در عذاب خدا کنند شتاب اهل کفرند غرق نار و عذاب

چون بگیرد عذابشان در براز فراز و فرودشان یکسر
پس بگوید چشید طعم جزا بهر کاری که بود از آن شما

بندگان مؤمنان شدست وسیع ارض من عبد من شوید جمیع

بچشانیم مرگ هر کس را بازگشت شماست سوی خدا

مالحی را که بود با ایمان جا دهمیش به غرفه‌های جنان
و مقیم‌اند جاودانه در آن‌این چنین است اجر متقیان
زیر اشجارش آبهای روان و چه خوب است اجر کارگران

آن کسانند از شکیبایان و توکل کنند بر یزدان

هست جنبنده‌ای که خود نکشد روزیش را ولی خدای احد
می‌دهد رزق او و رزق شما و خدا هست عالم و شنوا

گر کنی تو سؤال آنان را که چه کس ساخت این زمین و سما؟
مهر و مه رام کرد و هم در بندپس بگویند حق و منحرفند

بسط رزق کسان به دست خداست و بگیرد همان ز هر کس
خواست
از همه چیز آگه است خدا[از طریق خدا مباش جدا]

گر کنی تو سؤال از ایشان چه کس از آسمان دهد باران؟
و کند خاک مرده را احیایس بگویند جملگی که خدا
گو که حمدست جمله از یزدان و ندارند عقل اکثرشان

وَمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ
لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۶۵

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا
نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ

۶۶

لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

۶۷

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ
حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ

۶۸

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ
لَمَّا جَاءَهُۥٓ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ

۶۹

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ
الْمُحْسِنِينَ

۳۰. روم

الرُّوم: روم

مکی

۶۰ آیه

۷ صفحه

۱
حزب
۱۶۲
۳۴۹ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم

۲

غُلِبَتِ الرُّومُ

۳

فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ

۴

فِي بَضْعِ سِنِينَ ۖ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ
يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ

۵

بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

نیست این زندگانی دنیاغیر بازی و لهو بهر شما
و به حق زندگی است در عقباگر که باشند مردمان دانا

چون به کشتی نشست پس به یقینخواند حق را و ناب شد
در دین
چون به خشکی نجات داد او راپس شریک آورد برای خدا

منکر است آنچه داده‌ایم او راخوش بود زود پس شود دانا

ما حرم را دهیم امن و امانمی‌ربایند خلق را در آن
پس به ناراست مؤمنند آیا؟نیز کافر به لطف و فضل خدا

کیست بدتر به راه جور و جفاز آنکه بدد دروغ بهر خدا
حق چو آید شوند منکر آن‌جای کفار هست در نیران

هر که رزمنده گشت در ره ماما به او می‌شویم راهنما
و خدا هست با نکوکاران پس نکوکار باش و با ایمان

[الف و لام و میم کاغازست‌بین حق و رسول او رازست

روم در مرز بوم خورد شکست

پس از این بر ظفر بیابد دست

از پس چند سال و ز آن خداست‌هر چه از پیش و از پس
آنان راست
[پس چو گردند رومیان پیروز]مؤمنان شاد می‌شوند آن روز

حق کمک می‌کند به هر کس خواست‌او توانا و مهربان به
شماست

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وعد حق است و نیست غیر از آن اکثر خلق لیک شد نادان

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفِلُونَ

ظاهری خوانده‌اند از دنیاغافلند از وقوع روز جزا

أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَفِرُونَ

نیست اندیشه بهرشان آیا؟که خدا آفرید ارض و سما و آنچه در بینشان بود بر حق و زمانی است هم بر آن ملحق بسی از خلق می‌کنند انکاربهر پروردگارشان دیدار

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

می‌نگردند در زمین کایاعاقبت چیست اهل عالم را؟ بس که بودند پیشتر زیشان و توانمندتر هم از آنان هم به آبادی و به کشته‌ی خویش‌بوده‌اند آن گروه ز آنان بیش هم بیامد رسول آنان رابا نشانهای روشنی ز خدا مردمان را جفا نکرد خدا بلکه مردم به خود کنند جفا

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَّأُوا السُّوْءَ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ

هر که اعمال بد دهد انجام‌اینچنین می‌رسد به او فرجام که شود منکر نشان خداو بگیرد طریق استهزا

اللَّهُ يَبَدِّئُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

خلقتش را خدا کند آغازهم بگرداند آفرینش باز باز گردید پس به سوی خداچون شود آشکار روز جزا

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ

چون قیامت شود به خلق پدیدهر گنهکار می‌شود نومید

وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاتٌ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ

بت شفاعت نمی‌کند زیشان آن زمان کافرند بهر بتان

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُؤْمِدِ يَتَفَرَّقُونَ

متفرق شوند روز جزا[هیچکس نیست یاور آنان را]

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ

مؤمنی را که بود نیکوکاردر بهشت است شادی بسیار

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ
فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

فَسُبْحَنَّ اللَّهَ حِينَ تُمَسُّونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ

وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ
تنتَشِرُونَ

وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

وَمِنْ ءَايَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ
الْسِّنَتِكُمْ وَالْوَنِيِّكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَلَمِينَ

وَمِنْ ءَايَاتِهِ مَنْامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ
فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

وَمِنْ ءَايَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْزِلُ مِنْ
السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

کافر و منکر نشان خدائیز دیدار او به روز جزا
در عذاب خدا بود حاضر[چون به هر کار او بود ناظر]

هست تسبیح او به موقع شام نیز آنگه که می‌رسید به بام

حمد ارض و سما به گاه پسین بهر حق است و هم گه پیشین

هم بر آورد زنده از موتی هم برآورد مرده از احیا
هم کند ارض مرده را احیاو چنان هم برون شوید شما

هست این از نشانه‌های خداکه ز خاک آفرید انسان را
پس پراکنده می‌شوید شما[در زمین بهر کارهای روا]

هست این از نشانه‌های خداکه کند خلق هم ز نوع شما
جفت از بهر رامگاه و ودادیبتان نیز رحمتی بنهاد
به یقین بس نشان بود در آن بهر اندیشه‌ی خردمندان

هست این از نشانه‌های خداکه کند خلق این زمین و سما
و تفاوت دهد به رنگ و زبان آن نشانه‌ها است بهر عالیمان

هست این نیز آیتی از ربّ‌خفتن مردمان به روز و به شب
نیز جهد شما به کار و تلاش بهر فضل خدا به امر معاش
به یقین بس نشان بود در آن بهر قومی که بشنوند بیان

هست این از نشانه‌های خدادیدن برق هم به خوف و رجا
می‌فرستد ز آسمان باران زنده سازد زمین مرده از ان
به یقین بس نشان بود در آن بهر اندیشه‌ی خردمندان

وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

هست این از نشانه‌های خدا که به پا ایستاد ارض و سما چون شما را بخواند بعد هلاک به در آید جمله از دل خاک

وَلَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُونٍ

اهل ارض و سما از اوست جميع خاضعند از برای حق و مطيع

وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

خلقتش را خدا کند آغاز هم بگرداند آفرینش باز این بود سهل از برای خدامثل برترین بود او را ز آنچه باشد در این زمین و سماو خدا قادر است و هم دانا

ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ ۖ هَلْ لَّكُمْ مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

حق مثالی زند میان شما هیچ دارید برده‌ای آیا؟ آنچه بهر شماست رزق خداست سهمی نصیب آنان را آنچنان کز خودید بس نگران نگرانید نیز از آنان آنچنان آیه‌ها کنیم بیان بهر اندیشه‌ی خردمندان

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ

ظالمان بی وقوف و ناآگاه پیرو خواهشند در هر راه هر که را گمراهی دهد دادار بهر او نیست هیچ هادی و یار

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِن أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

به سوی دین ناب رو گردان که بر آن آفریده شد انسان نیست تغییر بهر خلق خدا این بود دین استوار تو را اکثر خلق این نمی‌دانند [و به هر سوی روی گردانند]

مُتَّبِعِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

سوی تقوا و توبه روی آرید و نماز خدا به پا دارید و نیارید شرک بهر خدا

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا ۚ كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

چون پراکنده‌اند دین هدا بین خود بس گروه بنهاند هر گروهی به کیش خود شادند

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا
أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ

۳۴

لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

۳۵

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِۦ يُشْرِكُونَ

۳۶

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا ^ط وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا
قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ

۳۷

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَايِتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

۳۸

فَءَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَٰلِكَ
خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ ^ط وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۳۹

وَمَا ءَاتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لِّيرْبُؤَٰ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُا عِندَ
اللَّهِ ^ط وَمَا ءَاتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْمُضْعِفُونَ

۴۰

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ
يُحْيِيكُمْ ^ط هَلْ مِن شُرَكَائِكُمْ مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن
شَيْءٍ ^ع سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

۴۱
۳۵۳

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ
لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

چون زیانی رسید مردم راتوبه آرند سوی او به دعا
پس چشاند ز خیر آنان رابعضشان شرک آورد به خدا

کافرند آنچه دادم ایشان رابهره بر زود پس شوی دانا

یا که دادیمشان مگر برهان‌که ز شرک از خدا کنند بیان

چون چشاندیم خیر بهر کسان‌می‌شوند از چنین عطا شادان
ور که شری ز کارشان برسیدناگهان می‌شوند بس نومید

می‌نینند بسط رزق او راست‌نیز کاهد ز رزق هر کس
خواست
بی‌گمان بس نشان بود در آن‌بهر قومی که آورند ایمان

تو بده حق خویش و بیچاره و آنکه در راه ماند آواره
به بود [بهر آنکه رست ز بد]و آنکه وجه خدای را خواهد
[آن کسان مؤمنان یزدانند]همه از جمع رستگارانند

آنچه پرداخت می‌کنید رباکه فزاید منال مردم را
آن نگردد فزون به نزد خداوز زکوه آنچه کرده‌اید ادا
بهر رضوان خالق یکتاپس دو چندان از آن رسد به شما

آفرید و بداد رزق شماپس بمیراند و کند احیا
شرکا گو چه کار از آن دارندپاک و والاست ز آنچه شرک
آرند

شد تباهی به برّ و بحر عیان‌ز آنچه بودست کار این انسان
بچشانیمشان کمی زان کارشاید آرند رو سوی دادار

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلَ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَیِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ
مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ یَصَّدَّعُونَ

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَهُمْ
یَمْهَدُونَ

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ
لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّیَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ
رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ
بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا
نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّیَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ
كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ یَخْرُجُ مِنْ
خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ
یَسْتَبْشِرُونَ

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِهِ لُمْبُسِينَ

فَانْظُرْ إِلَى ءَاثَرِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
إِنَّ ذَلِكَ لَمُحِي الْمَوْتِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

گو بگردید و هر کجا بینیدکه به پیشینیاتنان چه رسید
بنگرید آخر ره ایشانمشرک حق شدند اکثرشان

روی کن سوی دین پابرجاییشتر ز آنکه چاره نیست تو را
نیست برگشتی آن زمان ز خدامتفرق شوند خلق آنجا

هرکه کافر شود به کار خداضرر کفر می‌رسد او را
و آنکه کار نکو گرفت به پیش‌کرد آماده کار را بر خویش

تا همان مؤمن نکو کرداراجر گیرد ز رحمت دادار
فضل پروردگار شامل اوستکافران را خدا ندارد دوست

هست این هم نشانه‌ی یزدان‌که فرستاد باد مژده رسان
می‌چشاند ز رحمتش به شماو روان کرد فلک در دریا
تا بخواهید رحمت غفارشاید آنگه شوید شکرگزار

و فرستاده‌ایم از این پیش‌مرسلین را به سوی امت خویش
هر یک آورد بهر قوم نشان‌کین ستاندیم از گنهکاران
یاری مؤمنان بود بر مااین بود حق مؤمنان به خدا

آن خدایی‌که باد بفرستادو از آن ابر را به جولان داد
پس گشاید به خواستش آن راو کند پاره پاره‌اش به سما
بینی از لایه‌های آن باران‌به در آید رسد به آدمیان
هر که خواهد خدا ز بین عبادناگهان می‌شوند از آن شاد

پیش از آنکه به سوبیشان برسیده‌همه بودند غمگین و نومید

پس ببین تو نشان ز فضل خداچون کند ارض مرده را احیا
این چنین زنده می‌کند موتی‌او تواناست بر همه اشیا

وَلَيْنِ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ
يَكْفُرُونَ

گر فرستیم باد [ناخوش و سرد]و از آن بنگرند مزرعه زرد
پس در افتند در ره کفران شکر دارید نعمت یزدان

۵۲

فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا
مُدْبِرِينَ

تتوانی به مردگان و کران سخن خویش را کنی تو بیان
و آنگی از تو روی گردانند[خیر و اقبال خود نمی‌دانند]

۵۳

وَمَا أَنْتَ بِهَادٍ الْعُمَى عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ
بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ

نکشی کور را به راه هدایا ز گمراهیش کنی تو رها
سخن خویش را کنی تفهیم‌به کسی کو به حق بود تسلیم

۵۴

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ
قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ
وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ

حزب
۱۶۴
۳۵۴ر

حق شما را ضعیف ساخت پدیدبعد از آن بهرتان توان
بخشید
بعد از آن سستی است و هم پیری هان مبادا ره خطا گیری
آفریند هر آنچه خواست خدااوست در کار قادر و دانا

۵۵

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِئُوا غَيْرَ سَاعَةٍ
كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ

چون قیامت رسد گنه کاران‌پس قسم می‌خورند بر یزدان
که بماندند ساعتی کوتاه‌اینچنین دور می‌شوند از راه

۵۶

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ
إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا
تَعْلَمُونَ

اهل ایمان و قوم دانشمندبهرشان این زمان چنین گویند
که به امر خدا شما ماندیدتا زمانی که رستخیز رسید
لیک آن را شما نمی‌دانید[که خدا داند آن زمان مدید]

۵۷

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعَذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ
يُسْتَعْتَبُونَ

پس در آن روز هر که ظالم بودتوبه و عذر او ندارد سود

۵۸

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَيْنِ
جِئْتَهُمْ بَيَاةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ

هر مثل آوریم در قرآن‌چون بیاید برای خلق نشان
پس بگویند کافران آنگاه‌که بود کارتان فسون و تباه

۵۹

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

اینچنین مهر می‌زند یزدان‌بر دل آن جماعت نادان

۶۰

فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

صبر کن راستست وعد خدا‌نکند اهل کفر خوار تو را

۱
۳۵۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم

[الف و لام و میم کاغازستیین حق و رسول او راز است

۲

تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

آن نشانهاست از کتاب حکیم

۳

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ

رحمت و هم هدایتی ز رحیم
بهر آنان که نیک کردارند

۴

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ
يُوقِنُونَ

هم نماز خدا به پا دارند
و زکوة خدا کنند ادامؤمنند آن کسان به روز جزا

۵

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

آن کسان در طریق لطف خدارستگارند و بر سبیل هدا

۶

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ
اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

عدهای میخرند گفتهای لهوتا به نادانی و طریقهی سهو
دور سازند از طریق خداو بگیرند راه استهزا
بهر آنان بود عذاب و جزاکه کند خوار آن جماعت را

۷

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا
كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

بشنود تا نشانی از یزدان او به گردنکشی است رو گردان
نشیده است خود تو گویی اینگوش او گشته است بس
سنگین
پس بشارت بده به او کیفرکیفری بس گران و دردآور

۸

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ

بهره‌ی صالحان با ایماننعمت و لطف حق بود به جنان

۹

خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ماندگارند جاودانه در آننیز حق است وعده یزدان
و خدا قادر است بر هر کارنیز آگاه از همه کردار

۱۰

خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْقَىٰ فِي الْأَرْضِ
رَوْسًى أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنزَلْنَا مِنَ
السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

آفریده است چرخ گردان رابیستونی که بنگری آن را
او فکندست کوهها به زمین تا نلرزید و ز آن شوید مکین
و پراکند در زمین حیوان و فرستاد ز آسمان باران
پس برویاند روی خاک و زمین از گیاهان تمام خوب و ثمین

۱۱

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِن دُونِهِۦٓ بَلِ
الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

این بود خلقتی از آن خداچییست پس خلقت بتان شما؟
خلق جز او به من دهید نشانظالمانند در ضلال عیان

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَن يَشْكُرْ
فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

و خدا داد علم لقمان را که بدارد سپاس یزدان را
و آنکه دارد سپاس بر دادار سود شکرش رسد به شکرگزار
و آنکه کفر آورد به ربّ مجید پس خدا هست بی‌نیاز و حمید

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ ۖ وَهُوَ يَعِظُهُ ۚ يَبْنَىٰ لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ
الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

چونکه لقمان بگفت بهر پسر پندهایی که [هست بهر بشر]
شرک ورزی مکن تو با یزدان به یقین هست شرک ظلم کلان

وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ
وَفِصْلُهُ ۖ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَىٰ الْمَصِيرِ

ما سفارش کنیم بهر بشر مهربانی به حق مام و پدر
مام چون باردار شد او را ضعف بر روی ضعف بد او را
طفل را شیر داد ظرف دو سال شکر کن بهر قادر متعال
شکر مام و پدر بیار به جابازگشت شماسست سوی خدا

وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ ۖ عِلْمٌ فَلَا
تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۖ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ
أَنَابَ إِلَيَّ ۖ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

گر به شرکت کشند ناآگاه پس اطاعت مدارشان آن گاه
خوب رفتار کن تو با ایشان پیروی کن ز تائب یزدان
بازگشت شماسست سوی خدا پس من از کارتان کنم دانا

يَبْنَىٰ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي
صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ
لَطِيفٌ خَبِيرٌ

پسرم! گر بود به سنگ جبل گر چه هموزن دانه‌ای خردل
یا بود در دل زمین و سما باز آورد خدا آن را
به یقین حق بود لطیف و خبیر [پس گناهان به خویش سهل
مگیر]

يَبْنَىٰ أَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

ای پسر جان نماز بر پا دار و سفارش به کار نیکو آر
نهی کن از خطا و شیوهی بدصبر کن آنچه را که بر تو رسد
کان بود کار بس مهم و عظیم هست شایان عزم هم تصمیم

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۚ إِنَّ
اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

رخ متاب از کسان و کبر مدار نیست یزدان به خودپرستان
یار

وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ ۖ وَأَغْضُضْ مِن صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنْكَرَ
الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ

معتدل باش و صوتت آر به زیربدرترین صوت هست صوت
حمیر

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَهَرَ وَبَاطِنًا^ق وَمِنَ النَّاسِ
مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا
عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أُولَؤُكَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ
السَّعِيرِ

وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ
بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ^ط وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ^ج إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ
بِمَا عَمِلُوا^ع إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ^ج
قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ^ج بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ^ج إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

وَلَوْ أَتَمَّا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمَ^ه وَالْبَحْرِ يَمْدُهُ^ه مِنْ
بَعْدِهِ^ه سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَتُ اللَّهِ^ج إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ

مَّا خَلَقُكُمْ وَلَا بَعَثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ^ج إِنَّ اللَّهَ
سَمِيعٌ بَصِيرٌ

می‌دیدید کاین زمین و سماحق مسخر کند برای شما
داد نعمت ز آشکار و نهان و آنکه دارد جدال در یزدان
نیستش دانش و نه راهنمانه کتابی منیر هست او را

گفته شد چونکه باش فرمانبر آنچه نازل کند خدا به بشر
گفته‌اند اینکه هست شیوهی ماراه متبوع شیوهی آبا
گر چه دعوت شوند از شیطان به عذاب جهنم و نیران

هر که تسلیم گشت بر دادار نیز باشد به خلق نیکوکار
متمسک به عروه الوثقااست آخر کارها به سوی خداست

هر که کافر شود مباش دژم‌همه را سوی خویش می‌آرم
می‌کنیم آگه از عمل آنگاه‌اوست از راز سینه‌ها آگاه

بهر کافر کم است و پس ناچار به عذابی شدید هست دچار

گر که پرسش کنی تو آنان را که چه کس آفرید ارض و سما؟
حق بگویند گوی حمد خدالیک اکثر نیند از آن دانا

هست از او آن چه در زمین و سماست هم غنی و حمید ذات
خداست

آب دریا اگر شود جوهر همرهش هفت قلزم دیگر
و درختان همه شوند قلم‌سخن حق نمی‌رسد به رقم
به یقین قادر است بر هر کار و خدا آگه است از اسرار

خلقت و نیز رستخیز شما هست مانند یک بشر تنها
به یقین حق بود سمیع و بصیر[پس ره ظلم و شرک را
مپذیر]

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ
اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

ننگری اینکه در جهان آن رب؟ آورد شب به روز و روز به
شب
مهر و مه شد مسخر یزدان تا زمانی معینند روان
به یقین خوب آگه است خداز آنچه انجام می‌دهید شما

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَطْلُ
وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

راست حق است و غیر اوست تباه آنچه خوانید بهر خویش
اله
به یقین حق بود بسی والو بزرگ است قادر یکتا

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ
مِّنْ ءَايَاتِهِۦ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

می‌بینی که کشتی دریا بگذرد در طریق لطف خدا
تا شما را نشان دهد از آن بس نشان از خدای عالمیان
بس نشانها در آن بود موجود بهر آنکو مبور و شاکر بود

وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَّوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا
كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ

چون رسد موج بهرشان چو جبال پس بخوانند قادر متعال
و به دین رو کنند با اخلاص چون به خشکی ز غم شوند
خلاص
بعضشان معتدل شوند به راه بعضشان سرکشی کنند آنگاه
آیه‌های مرا نکرد انکار کس بجز کافر و خیانتکار

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ
عَن وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ عَن وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ
اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ
الْغُرُورُ

مردمان رو کنید بر تقوا و بترسید هم ز روز جزا
نه پدر راست کیفر فرزند نه ولد را جزای باب دهند
به یقین راست است وعد خدایس مگردید غره بر دنیا
و مبادا ز حیلای شیطان رویگردان شوید از رحمان

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي
الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي
نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

علم روز جزاست از یزدان او فرستد ز آسمان باران
هم ز ارحام آگه است خدا و ندارد خبر کس از فردا
و ندانند مرگشان به کجاست؟ به یقین حق خبیر و هم
دانا است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْم

۱
۳۵۸۲

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۲

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَتْهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

۳

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

۴

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

۵

ذَٰلِكَ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

۶

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ۖ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَنِ مِنْ طِينٍ

۷

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ

۸

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ ۚ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ ۚ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

۹

وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۚ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ

۱۰

قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

۱۱
حزب
۱۶۶

[الف و لام و میم کاغازستیین حق و رسول او رازست

این کتابی که نیست شک در آن هست تنزیل ربّ عالمیان

این بخوانند افترا آیا؟ نه همین حق بود ز نزد خدا تا دهی بیم آن گروهی را که نذیری نداده است خدا شاید آنان [ز فضل و لطف خدا] راه یابند بر طریق هدا

آفریند خدای ارض و سماو آنچه موجود هست بینهما پس به شش روز این جهان را ساخت پس به تدبیر عرش خود پرداخت و شفیع و ولی به غیر خدانیست اهل تذکرید آیا؟

ز آسمان امر چون رسد به زمین بر شود بعد از آن به عرش برین آن به یکروز ایزد یکتاست هم به قدر هزار سال شماست

اوست دانای آشکار و نهان هم عزیز است و مهربان یزدان

آنکه خوب آفرید کل جهان از گل آورد خلقت انسان

نسل او آفرید ز آبی خوار

پس پرداخت پیکرش ستوار و در او روح خود دمید خداداد گوش و دل و بصر او را و کمند از میان آدمیان که سپاس آورند بر یزدان

و بگویند چون به خاک رویم شود آیا دوباره زنده شویم؟ منکرند این کسان به روز شمار بر دیدار خالق قهار

ملک الموت شد موکلتن که برد جمله را ز دار جهان بازگردید پس به سوی خدا [و دهند آن زمان به خلق جزا]

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا
أَبْصِرْنَا وَاسْمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًى وَلَٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي
لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ
وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا
وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١٥﴾

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا
كَانُوا يَعْمَلُونَ

أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ

أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ
نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا
مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي
كُنتُمْ بِهِءُ تَكْذِبُونَ

و ببینی به نزد ربّ آنگاه سر به زیر افکنند اهل گناه
کای خدا ما به چشم خود دیدیم آنچه وعد تو بود و بشنیدیم
بازگردان به آن جهان ما راتا که خیرات آوریم به جا
اهل ایمان و هم یقین شده‌ایم معتقد بر خدا و دین
شده‌ایم

گر که خواهد دهد به جمله هدالیک حق است وعد و قول
خدا
که جهنم کنیم پر یکسراز پریزادگان و هم ز بشر

بچشید آنچه برده‌اید از یاددیدن این زمان و یوم معاد
و ز شما بهر ما بود نسیان بچشید از عذاب جاویدان
آنچه را داشتید از اعمال بهرتان بود جمله و زر و بال

آن کسان بوده‌اند با ایمان که چو خوانند آیه بر ایشان
سجده و حمد آورند به جاو ندارند سرکشی به خدا

در دل شب ز بسترند جداو بخوانند حق به خوف و رجا
و آنچه بخشیده‌ایم از ارزاق بهر ایشان کنند از آن انفاق

کس نداند بر او چه پنهان است آنچه بهرش فروغ چشمان
است
این جزا هست جمله از کردار [پس مباشید غافل از هر کار]

مؤمن آیا بود چو نافرمان؟ نیستند ایندو هیچ‌گه یکسان

و کسانی که آورند ایمان و بود کار خیر با آنان
بهرشان بوستان عقبایی است و ز اعمالشان پذیرایی است

و کسی را که بود نافرمان جایگاه است در دل نیران
چونکه خواهند وارهند از آن باز گردند سوی آن پڑمان
[پس ندایی دهند با ایشان بچشید این عذاب و این نیران
که شما بوده‌اید منکر آن این بود حاصل گنه‌کاران

وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

بچشانیمشان عذاب جهان‌پیش از آنکه رسد عذاب گران
تا به راه خدای برگردند[و از آن روز با خبر گردند]

۲۲

کیست ظالمتر از کسی که شنیدآیهی حق و روی گردانید
[پس بداند که در دل نیران کین ستانیم از گنه کاران]

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ
الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ

۲۳
ره ۳۶

و بدادیم نامه با موسی و مکن شک لقای موسی را
و نهادیم رهنما و دلیل‌بهر اقوام آل اسرائیل

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّنْ
لِّقَائِهِ ۖ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ

و امامان نهادم از ایشان رهنمایان به گفته یزدان
چون شکبیا شدند در ره دین و به آیات داشتند یقین

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا
يُوقِنُونَ

۲۴

هست در اختلافشان داورذات پروردگار در محشر

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُم يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ
يَخْتَلِفُونَ

۲۵

نه هدایت کنیمشان آیا؟ که چه اقوام گشته‌اند فنا
همه رهپوی در زمین و دیار[و از آنان نماند هیچ آثار]
به یقین بس نشان بود اینجا[اینهمه قصه نشنوند آیا]

أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ
يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً أَفَلَا يَسْمَعُونَ

۲۶

می‌نینند می‌کند یزدان آب را در زمین خشک روان
پس برآریم کشت از آن آب و شود کشتگه به آن شاداب
خود و انعامشان خورند آن را[اینهمه لطف ننگردن آیا؟]

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرْزِ فَنُخْرِجُ بِهِ
زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ

۲۷

گفته‌اند ار که راست می‌گویید هست این فتح در چه وقت
پدید

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْفَتْحِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۲۸

گو که در روز فتح از ایمان هیچ سودی نمی‌برند آنان
مهلتی نیست بهرشان دیگرکفر ورزیده‌اند بر داور

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ
يُنْظَرُونَ

۲۹

پس از آن قوم روی خود گردان و بمان منتظر تو با ایشان

فَاعْرِضْ عَنْهُمْ ۖ وَانْتَظِرِ إِنَّهُمْ مُنْتَضِرُونَ

۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

۱
حزب
۱۶۷
۳۶۱

ای رسول خدای بی‌همتاراه تقوا بگیر بهر خدا
و اطاعت مکن دو رویان را نیز کفار [دشمنان خدا]
به یقین هست قادر متعال عالم و هم حکیم بر اعمال

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

۲

وحی را باش تابع فرمان که به سویت رسید از یزدان
به یقین ربتان بود داناز آنچه انجام می‌دهید شما

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

۳

کار خود را سپار سوی خدایس بود او و کیل بهر شما

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ ۖ وَمَا جَعَلَ
أَزْوَاجَكُمْ أُلَٰئِي تُظَاهَرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ ۚ وَمَا جَعَلَ
أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ ۖ وَاللَّهُ
يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ

۴

هیچ کس را خدای ما ننهاده درون تن و روان دو فؤاد
جفت خود را چو می‌کنید ظاهر نیست مادر برایتان ناچار
نیست فرزند خوانده‌ات فرزندسخنی هست و بر زبان آرند
حق بود راستگوی و اوست دلیل که بود رهنمایان به سیل

أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ ۖ فَإِنْ لَّمْ تَعْلَمُوا
ءَابَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ ۚ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ
جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ ۚ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ ۚ
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

۵

و بخوانیدشان به نام پدرکاین بود خوبتر بر داور
چون پدر را ندانی از ایشان یار و اخوان دینی‌اند آنان
و گنه نیست از برای شماگر از این باب کرده‌اید خطا
گنه است اینکه عمد باشد آن‌هست یزدان رحیم و ذو
غفران

النَّبِيُّ أَوْلىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ۚ وَأَزْوَاجُهُ ۖ أُمَّهَاتُهُمْ ۚ
وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ ۚ مِنَ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُم
مَّعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

۶

هست اولی پیمبر یزدان مؤمنان را هم از خود آنان
و زانش شدند مادران و بود هم به نامی یزدان
اینکه اولی ز بعض خویشاوند مؤمنان و مهاجران هستند
جز که خواهید خیر بر یاران و نوشتست در کتاب همان

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ
وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ ۖ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا
غَلِيظًا

عهدها ما ز انبیا داریم از تو و نوح و نیز ابراهیم
هم ز موسی و عیسی مریم ما گرفتیم عهد بس محکم

لَيَسْئَلَنَّ الَّذِينَ عَنِ صِدْقِهِمْ ۚ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا
أَلِيمًا

تا خدا صدق راستگویان را باز پرسد [برای اجر و جزا]
کند آماده نیز بر کفار کیفری دردآور از دل ناز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ
جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا
وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

مؤمنان خیر حق به یاد آرید بر شما چونکه لشکری برسید
پس فرستاد باد بر ایشان و سپاهی که خود نبینید آن
و خدای جهان بود بیناز آنچه انجام می‌دهید شما

إِذْ جَاءُوكُم مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ
الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا

لشکری آمد از فرود و فراز بود چشمانتان ز وحشت باز
جان و دل بر گلویتان برسد چه گمانها که بر خدا بردید

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا

مؤمنان آزمون شدند آنجاو تکانی رسید ایشان را

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا
اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

هر که بیماری است در دل اوهمنوا با منافقان دو رو
گفت وعد حق و رسول خدانیست چیزی مگر فریب و خطا

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ
فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا
عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا

چون بگفتند جمعی از ایشان اهل یثرب! شوید رو گردان
نیست اینجا برای قوم مکان اذن جستن بعضی از آنان
کای پیمبر بده تو اذن به ماییت ما مانده بی‌پناه آنجا
نه نبودست بی‌پناه دیار که نمی‌خواستند غیر فرار

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَفْطَارِهَا ثُمَّ سُلِواُ الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا
وَمَا تَلَبَّثُوا فِيهَا إِلَّا يَسِيرًا

گر که می‌شد ز هر طرف داخل لشکر کفر و فرقه‌ی باطل
و ره فتنه باز می‌کردند [مردم شهر] رو می‌آوردند
و درنگی نبودشان بر آن جز کمی یا خیلی از آنان

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤْلُونَ إِلَّا دُبُرَ ۚ وَكَانَ
عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

بسته بودند با خدا پیمان که نگردند هیچ رو گردان
هم ز پیمان حق کنند سؤال چون رسد گاه کیفر اعمال

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِّنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ
وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا

گو گریزید اگر ز قتل و فنانیست سودی از آن برای شما
و ندارید بهره‌ای جز کم آنهم از زیست در همین عالم

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا
أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا
نَصِيرًا

که کند دورتان ز رحمت و شر؟ گر که خواهد برایتان داور
و نیابد کسی به غیر خدانه نصیری و نه ولی را

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ
إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا

می‌شناسد خدای آنان را که بر آرند خلق را ز غزا
و بگویند نیز با اخوان که سوی ما شوید رو گردان
و بگویند جز کسانی چندبه سوی رزم رو نمی‌آرند

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ
تَدَوُّرًا أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغَشِّي عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ
الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ
لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

بخل ورزند بر شما ایشان چو رسد ترس بنگری آنان
چشمشان دور می‌زند گویابر ره مرگ می‌روند از جا
چون رود ترس پس به زخم زبان خشمگین می‌شوند بر
سرتان
آرمندند در غنیمتهانیست این جمع معتقد به خدا
کارشان را خدای ساخت تباه‌وین چه سهل است و ساده بر
الله

يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوْا لَوْ
أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا
فِيكُمْ مَا قَتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا

به گمانی که مانده‌اند احزاب کار ایمان خود کنند خراب
ور که احزاب باز روی آرند این کسان قصد دشتها دارند
هم پیرسند وضع و حال شماور که باشند بیتتان اینجا
رو نیارند بر صف میدان جز گروهی قلیل از آنان

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا
اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

هست بهر شما رسول خدا اسوه‌ای خوب و قدوه‌ای والا
بهر آنکو به حق و روز جزا اعتقاد و امید هست او را
نیز ذکر خدا کند بسیار [و نپوید بجز ره دادار]

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ
وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا
وَتَسْلِيمًا

چون بدیدند مؤمنان احزاب گفته‌اند اینکه وعده‌ایست
صواب
که خدا و رسول داد به ما راست گوید رسول حق و خدا
نفراید به چیزی از ایشان جز به تسلیم خالص و ایمان

مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا

مردمانى ز اهل ايمانند که به دادار راست پيمانند
بعضشان برده عهد تا پايان بعضشان مانده اند بر پيمان
منتظر بر عطاى حى قدبرو ندادند عهد خود تغيير

لَيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

تا خدا جمع راستگويان را بدهد بهر قول صادق جزا
و دهد كيفرى دو روايان راور که خواهد پذيرد ايشان را
به يقين مهربان بود يزدان و غفور است بر گنه کاران

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا

بازگرداند حق همه كفارگر چه بر خشم بوده اند دچار
و نبردند سود هم به نبردمؤمنان را خدا كفايت كرد
و خدا قادر است [بر هر كار] و تواناست [بر همه كفار]

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا

هم ز اهل كتاب بر آنان مردمانى شدند پشتيبان
پس ز دژهايشان فرو پرداخت و به دلهايشان هراس
انداخت
عده اى كشته شد در آن پيكار عده اى هم به بند گشت دچار

وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَرَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَّوْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

و نهادست حق براى شماخانه و مال و خاک آنان را
که نديديد پيش از اين پيكار و خدا قادر است بر هر كار

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

گو به ازواجت اى رسول خداگر که خواهيد زينت دنيا
پس دهم بهره اى براى شما و سپس خوب و خوش شويد رها

وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْدارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا

ور که خواهيد حق و پيغمبر هم بخواهيد عالمى ديگر
پس خدا بهر محسنات شماکرد آماده اجر وافر را

يَنْسَاءَ النَّبِيُّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

اى زنان نبى كسى ز شماگر که روى آورد سوى فحشا
دو برابر شود بر او كيفرو آن بود سهل و ساده بر داور

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا
أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا

گر فروتن شود کسی ز شما بر خداوند و هم رسول خدا
نیز شایسته باشدش کردار اجر و پاداش او دهیم دو بار
و برایش تهیه می‌سازیم روزی خوب و پاک رزق کریم

يَنْسَاءَ اللَّيِّ لَسْتَنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا
تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا
مَّعْرُوفًا

ای زنان نبی کسی ز شما نیست مانند دیگران ز نسا
اهل تقوا شوید در گفتار شیوهی خود کنید عز و وقار
تا نماند به آزر و سوء غرض آنکه دارد به قلب خویش مرض
پس مباحثید در سخن پر گوو بگویید گفته‌ای نیکو

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ
وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتَيْنَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا
يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا

و بمانید خود به خانه‌ی خویش نه چو نسوان به جاهلیت پیش
و مباحثید خود نما و شوید پس مطیع رسول و رب مجید
و نماز خدا به پا سازیدو زکات خدا بپردازید
و خدا خواست تا برد ز شما اهل بیت رسول زشتی را
و کند پاک خاندان نبی از همه عیب و نقص و ناپاکی

وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ
إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

یاد آرید آیه‌های خدا چون شود خوانده در سرای شما
حکمت است آن ز سوی حی قدیر بی‌گمان حق بود لطیف و
خبیر

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
وَالْقَنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ
وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ
وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِتِينَ وَالصَّامِتَاتِ وَالْحَافِظِينَ
فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ
أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

مرد و زن از همه مسلمانان از همه مردمان با ایمان
هر که شد از خدای فرمانبر راستگویان و صابران یکسر
نیز اهل تواضع و احسان روزه‌داران و پاکدامنان
و آنکه ذکر خدا کند بسیار می‌دهد اجر و عفو شان دادار

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ ۖ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

۳۷

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ ۖ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا

۳۸

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا

۳۹

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ ۚ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

۴۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا

۴۱
۳۶۶

وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

۴۲

هُوَ الَّذِي يُصَلِّيٰ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا

۴۳

چون به امری خدا دهد فرمان هم به حکم پیمبر یزدان نیست از بهر مؤمنان دیگر اختیاری به کارشان یکسر به خدا و رسول نافرمان هست گمراه و گمراهی است عیان

آنکه را بود خیر و لطف خدائیز نعمت تو داده‌ای او را گفته بودی که باش با تقوا و نگهدار همسر خود را داشتی در ضمیر خویش نهان آنچه را می‌کند عیان یزدان داشتی تو هراس مردم راو خدا بود بر هراس اولی زید چون جفت خویش کرد رهاجفت بهر تو ساختیم او را تا نماند حرام بهر کسان جفت فرزند خوانده‌ی ایشان در زمانی که آن زن است رهاحکم حق است لازم الاجرا

بهر پیغمبر است خوب و روا آنچه را فرض کرده است خدا سنت حق ز پیش بود روا هست روی حساب امر خدا

چون پیام خدا رسانیدند از کسی غیر او نترسیدند و خدا بر حسابها کافی است که حسابی بجز حسابش نیست

و محمد بود رسول خدا او ندارد پسر ز جمع شما اوست خاتم به انبیای هداوز همه چیز حق بود دانا

ای کسانی که آورید ایمان ذکر افزون کنید از یزدان

کن تو تسبیح او به بام و به شام

تا ملائک کنند بر تو سلام و خدا رحمت آرد و سوی نوربرد و سازدت ز ظلمت دور مهربان است خالق یکتا هر که را باورست بهر خدا

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ وَسَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا

روز دیدار او کنند سلام هست آماده بهرشان انعام

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

ای پیامبر تو را فرستادیم با گواهی و هم بشارت و بیم

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا

داعی حق شدی تو با فرمان و چراغی به ره شدی تابان

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا

باش بر جمع مؤمنان تو بشیر که دهد حق به جمع فضل کبیر

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذُنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

تو اطاعت مکن دو رویان رانیز کفار (دشمنان خدا)
نیز آزار آن کسان بگذار کار خود را به کردگار سپار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

که خدا بهر تو بس است و کیل او به خیر و کمال تست دلیل
مؤمنی که گرفت جفتی را پیش از مس باخت زوجه رها
عده ای نیست بهر او به طلاق که شمارند در زمان فراق
پس دهد بهر او متاع و صداق تا دهد از رهی صواب طلاق

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

ای پیامبر شدست بر تو حلال آنکه مهرش بداده ای تا حال
و آنکه در جنگ گشته است حلال نیز دختر ز عم و عمه و خال
دختر خاله هم که در هجرت با تو باشند همره و عورت
و هر آن مؤمنه که کرد قبول بی متاعی رود به عقد رسول
حکم شد ویژه ی تو نی دگران که در آن باره داشتیم بیان
آنچه دادیم حکم آنان راهمسران و کنیز ایشان را
تا نباشد گنه تو را از آن حق بود مهربان و ذو غفران

تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُصَوِّ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ
أَبْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ
أَعْيُنُهُمْ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا

هر که را خواستی بده تاخیر هر که را خواستی شبی بپذیر
گنهی نیست گر به بستر خودآوری آنکه راندی از بر خود
تا شود چشم جانیشان پر نورو نباشد کس از رضایت دور
و همه رو کنند بر شادی ز آنچه انعام بهرشان دادی
و خدا عالم است از دلهای بود هم حلیم و هم دانا

تتوانی کنی زنی دیگریا کزین پس عوض کنی همسر
گر چه در حسن او شدی به شگفتتتوانی بجز کنیز گرفت
و مراقب بود به کار شماسر همه حال خالق یکتا

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ
وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا

۵۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ
لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَبْظِرِينَ إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ
فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَعْسِفِينَ لِحَدِيثٍ
إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا
يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ
وَرَاءِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ
لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ
بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا

مؤمنان رسول و ربّ مجید داخل خانهی نبی مشوید
جز که اذنی دهد برای غذا و نمائید منتظر آنجا
چون بخواندنتان شوید درون بعد صرف غذا روید برون
و نمائید گرم با گفتار که نبی رنج میبرد زین کار
و پیمبر حیا کند ز شما و خدا را ز راست نیست حیا
و زنان را اگر کنید خطاب پس بخوانید از و رای حجاب
این به دلهایتان بود بهتر هم شما هم زنان پیغمبر
نیست بهر شما مجاز و روارنج و آزار بر رسول خدا
و مگیرید همسر او رابه زنی از پس رسول خدا
نزد حق هست این گناه گران زن پیغمبر است مادران

۵۳
۳۶۷

هر چه دارید از آشکار و نهان هست پروردگار آگاه از آن

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تَخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

۵۴

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِيْ ءَابَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ
وَلَا أَبْنَآءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَآءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا
مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ ۚ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
شَهِيدًا

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا
فَقَدْ أَحْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابٍ ۚ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا
يُؤْذِينَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ
وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ
فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا

مَلْعُونِينَ ۖ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخَذُوا وَقَتِلُوا تَقْتِيلًا

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ
تَبْدِيلًا

نیست از بهرشان گناه دگرکه مخاطب شوند بهر پدر
یا که فرزند یا برادرشان یا که فرزند یا برادرشان
یا که فرزند خواهران و زنان ز آن گروهی که هست با ایمان
نیز از بردگان خود یکسرنیز تقوا کنید از داور
به یقین کردگار بی‌همتابر همه چیز ناظر است و گواه

کردگار و فرشتگان یکسردر درودند بهر پیغمبر
مؤمنان پیمبر اسلامصلواتش کنید و نیز سلام

هر که آورده ساخت یزدان راهم رسول خدای منان را
در دو عالم بر اوست لعن خداو عذابی که سازدش رسوا

و آنکه آررد اهل ایمان رابه گناهی که نیست ایشان را
می‌کشد کوله‌باری از بهتان و گناهی که هست فاش و عیان

ای نبی گو به همسر و دختر نیز نسوان مؤمنان یکسر
گر سرانداز افکنند به بربر شناسایی این بود بهتر
تا نگردند رنجه از مردان‌هست یزدان رحیم و ذو غفران

نکشند این منافقان گر دستو آن کسان که به قلبشان
مرض است
و آن کسانی که می‌کنند شلوغ‌شهر را با گزافه‌های دروغ
پس بر آنان تو را کنم مأمورزود گردند از این دیار به دور

لعن گردند و هر کجا برون‌بعد از این دستگیر و کشته شوند

سنت حق بود به مردم پیش‌حق دگرگون کرد سنت خویش

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

يَوْمَ ثُقُلَتِ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَ

رَبَّنَا ءَاتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمُ لَعْنًا كَبِيرًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ ءَادَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَنُ ۖ إِنَّهُ ظَلُمًا جَهُولًا

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

از تو پرسند وقت روز جزاگو که علمش بود به نزد خدا
تو چه دانی زمان روز جزا؟شاید او هست بس قریب به ما

کرد نفرین خدای بر کفار ساخت آماده بهر آنان نار

ماندگارند جاودان به سقرپس نیابند یار و نه یاور

و به صورت در آن زمان کفارواژگون می‌شوند در دل نار
پس بگویند کاش می‌بودیم‌ما مطیع رسول و ربّ کریم

و بگویند ای خدای عظیم‌از بزرگان چو پیروی کردیم
ز آن سران گشته‌ایم ما گمراه نیز از ره شدیم نا آگاه

پس به آنان بده دوبار عذاب‌و به لعن کبیر ساز مصاب

ای کسانی‌که باور آوردیدپس مباشید همچو قوم عنید
که بیازرد آن کلیم خداو خدا پاک داشت موسی را
آنچه گفتند [جمله بود خطا]او گرانقدر بود نزد خدا

مؤمنان خوب و متقی باشیدو بگویید گفته‌های سدید

کارتان را خدا کند اصلاح‌و ببخشد گناه را به صلاح
هر که باشد مطیع حق و رسول‌کامیابی به او شدست وصول

داشتیم عرضه این امانت را بهر کهسار و این زمین و سما
همه را بهر حمل بود ابانیز ترسی گرفت آنان را
غیر انسان که حمل کرد آن را بود او بی‌وقوف و اهل جفا

تا دو رویان و اهل شرک شوندبر عذاب بزرگ حق پابند
رحمت آرد خدا به با ایمان‌حق بود هم رحیم و ذو غفران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ
الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

۱
ره ۳۷۵

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ
السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

۲

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي
لَتَأْتِيََنَّكُمْ عِلْمُ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي
السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ
إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

۳

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ
مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

۴

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن
رَّجْزِ أَلِيمٍ

۵

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ
الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

۶

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنْبِئُكُمْ إِذَا
مُرِّقْتُمْ كُلَّ مُمْرَقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

۷

هر سپاسی که هست از آن خداست و از او آنچه در زمین و
سماست
و از او هم سپاس روز جزاست و خدا بس حکیم و بس
دانااست

داند او آنچه شد به ارض درون و آنچه هم آمد از زمین
بیرون
و آنچه آید فرود از بالا و آنچه بالا رود به سوی سما
اوست بخشنده‌ی گناه شامهربان است با عباد خدا

و بگفتند کافران که به مانرسد هیچگاه روز جزا
گو چرا می‌رسد برای شما؟ هست علم نهان از آن خدا
نیست پوشیده در زمین و سماگر چه هموزن ذره بهر خدا
و نه کمتر نه بیشتر از آن‌جز که در نامهی خداست عیان

تا مگر مؤمن نکوکردارشود از عفو و رزق برخوردار

جدد و رزان به آیه‌های خداسعی کردند در شکستن ما
بهر آنان بسی بود کیفر از عذابی بزرگ و دردآور

آنچه نازل شود به تو ز خداچون ببینند اهل علم و دها
پس بدانند حق و راهنما به ره آن ستوده‌ی والا

کافران گفته‌اند آیا ما؟ راهنمایی کنیم بهر شما
از کسی کو خبر دهد به امام‌متلاشی شوید چونکه ز هم
باز آییند در حیات جدید [این سخنها شما یقین آرید]

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ

یا که بهتان زده است بهر خدایا که دیوانگی بود او را
منکر آخرت رسد به عذاب سخت گمره شد از طریق صواب

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ إِن نَّشَأْ نُخَسِّفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ
كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

می‌نینند در زمین و سما؟ و ز پس و پیش گر که خواست
خدا
در زمین می‌بریمشان داخل پاره‌ای ز آسمان کنم نازل
به یقین آیتی بود در آن‌بنده‌ای را که سوی ماست روان

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يٰجِبَالُ اَوْبِيْ مَعَهُ وَالطَّيْرُ
وَأَلَّنَا لَهُ الْحَدِيدَ

و به داود فضل دادم من و بگفتم به کوه و طیر سخن
وینکه با او شوند هم آواهر او نرم کردم آهن را

أَنِ اعْمَلْ سَبِغَتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

که زره را بباف خوب و نکوو به اندازه دار حلقه‌ی او
کار نیکو کنید در هر جاحق بود بهر کارتان بینا

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ
عَيْنَ الْقَظْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ
وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ

بر سلیمان چو باد شد مأمور [بهر او می‌سپرد راهی دور]
بامدادان به قدر ماهی راه‌عصر هم بود راه او یک ماه
چشمه‌ی مس بر او فرستادیم عاملانی ز جن به او دادیم
پیش رویش همه به اذن خداو آنکه پیچید سر ز گفته‌ی ما
می‌چشانندیم از عذاب گران‌کیفرش بود آتش سوزان

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَحِفَانٍ
كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَتْ أَعْمَلُوا ءَالَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ
مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُ

ساختند آنچه را که داد مثال همچو محرابها و هم تمثال
کاسه چون آبگیر و دیگ کلان‌که بر آن ثابت است جا و مکان
آل داود شکر بگزاردشاکران بس کمند بین عبید

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةٌ
أَلَّارِضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّوْ
كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

چونکه مرگش فرا رسید آنگاه هیچ چیزی نکردشان آگاه
غیر جنبده‌ای به روی زمین‌که عصایش به طعمه کرد گزین
چون بیفتاد گشت جن آگاه‌گر که می‌داشت علم غیب آنگاه
پس نمی‌ماند در عذاب مهین و نمی‌کرد از کسی تمکین

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ
كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ۖ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ

در دیار سبا دو باغستان در یمین و یسار بود نشان
[بهرشان گفته بود ربّ مجید] رزق او را خورید و شکر کنید
سرزمینی خوش و نکو اینجاست و خدایی غفور بهر شماست

فَاعْرِضُوا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ
جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِیْ اُكْلٍ حَمِطٍ وَاَثْلٍ وَشِئٍ مِّنْ سِدْرِ قَلِيلٍ

رویگردان شدند و بر اقلیم سیل ویرانگری فرستادیم
و آن دو باغ بزرگ شد تبدیل به گز تلخ و شور و سدر قلیل

ذَٰلِكَ جَزَیْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا ۖ وَهَلْ نُجْزِیْ اِلَّا الْكَافِرَ

این بود بهر اهل کفر جزا غیر کافر جزا دهیم آیا؟

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً
وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ ۚ سِيرُوا فِيهَا لَيَالٍ وَآيَامًا ؕ اٰمِنِينَ

بین آنان و شهرهای جوارکه خجسته شد و بسی پر بار
بود بس شهر و روستا پیداو نهادیم راهها آنجا
تا در آن راهها شوند روان روز و شب در کمال امن و امان

فَقَالُوا رَبَّنَا بَعِدْ بَيْنَ اَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ
اَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ ۚ اِنَّ فِيْ ذَٰلِكَ لَاٰیٰتٍ لِّكُلِّ
صَبَّارٍ شَكُورٍ

پس بگفتند ای خدای غفور راه ما را ز یکدیگر کن دور
و به خود ظلم داشتند آنان ساختیم آن گروه را دستان
و پراکنده ساختیم از هم و آن حدیثی شد از بنی آدم
به یقین بس نشان شناسد از آن آنکه دارد شکیب و هم
شکران

وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ اِبْلِیْسُ ظَنَّهُ ۖ فَاتَّبَعُوْهُ اِلَّا فَرِیقًا مِّنَ
الْمُؤْمِنِیْنَ

پس محقق شدست بر ایشان آنچه ابلیس داشته است گمان
همه گشتند پیرو شیطان جز قلیلی ز خلق با ایمان

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَیْهِمْ سُلْطٰنٌ اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ یُّؤْمِنُ
بِالْآخِرَةِ ۚ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِیْ شَكٍّ ۚ وَرَبُّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ
حَفِیْظٌ

و ندارد به جمع با ایمان هیچ راهی ز چیرگی شیطان
آنکه دارد به آخرت ایمان بر کسی کو به ریب هست از آن
می‌دهیم امتیاز و هست اولی‌حق بود حافظ همه اشیا

قُلْ اَدْعُوا الَّذِیْنَ رَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللّٰهِ لَا یَمْلِكُوْنَ مِثْقَالَ
ذَرَّةٍ فِی السَّمٰوٰتِ وَلَا فِی الْاَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِیْهِمَا مِنْ شَرِّکٍ
وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّنْ ظَهِیْرٍ

گو خدایان که می‌کنید دعار خیالات خود به غیر خدا
کیست مالک در این زمین و سماگر چه هموزن ذره چیزی را
و ندارند شرکتی در کارو نباشند بهر یزدان یار

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ

قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

قُلْ لَّكُمْ مَّيْعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَخِيرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ

و شفاعت ندارد آنجا سودجز به اذن خدای حی و دود ترس چون می‌رود ز جان گویندکه چه گفته است ربّتان گویند هر چه گفته‌ست جمله باشد راستو خدا بس کبیر و بس والاست

گو چه کس رزق می‌دهد به شمدار زمین و سما بگو که خدا یا هدایت طریق ما و شماستیا که گمراهی عیان ما راست

گو که مسئول نیست کس ز شمابهر ما هر چه بود جرم و خطا نیز مسئول نیست کس از مابر گناهان و کارهای شما

گو که جمع آورندمان یکجاق کند داوری میانهی ما و خدا هست داوری یکتاو به هر کار ما بود دانا

گو نشانم دهید آن شرکاکه فزودید بر حق یکتا نه چنین است حق بود دانا هم تواناست بر همه اشیا

نفرستادمت به سوی کسان جز بشیر و نذیر عالمیان لیک اکثر ز مردمان زمان‌هست [در کار حق و دین نادان

و بگویند اینکه وعد خداکی رسد گر که صادقید شما؟

گو که میعادتان بود در پیش‌و ندارید ساعتی کم و بیش

کافران گفته‌اند بر قرآن‌ما نداریم باور و ایمان همچنین هر کتاب پیشین راگر نگاهی کنی به روز جزا بس ستمکاره ایستند آنجانزد پروردگار بی‌همتا بینشان رد شود سخن بسیارعده‌ای سرکش و گروهی خوار پس بگویند آن جماعت خواربه بزرگان راه استکبار گر که پای شما نبود میان‌همه بودیم پاک و با ایمان

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ
عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ

پس بگویند در جواب ایشان چون بیامد هدا به جانب‌تان
ما مگر منع کرده‌ایم آن رانه شما بوده‌اید اهل جفا

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُؤُنْدَادًا
وَأَسْرُوا الثَّمَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَعْلَالَ فِي
أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

باز گویند پاسخ آنان راروز و شب مکر کرده‌اند [به ما]
امر کردید بهر کفر به ماتا بگیریم بهر حق شرکا
پس ندامت همه کنند نهان‌تا ببینند کیفر یزدان
می‌گذاریم غل به گردن‌ها آن کسان را که کافرنده به ما
پس مجازات می‌شوند آیا؟ جز به کاری که داشتند آنها

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا
أُرْسِلْتُمْ بِهِء كَافِرُونَ

نفرستاده‌ام به هیچ دیار هیچ پیغمبر از ره هشدار
جز که گفتند قوم خوشگذران منکریم آنچه آورید نشان

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَدًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

به بنین و زرییم ما برترما نبینیم هیچ‌گه کیفر

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

گو دهد رزق حق به هر کس خواست و آنکه را خواست روزی
او کاست
[لیک غافل شدند خلق از راه اکثر خلق نیست ز آن آگاه]

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ
إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الصَّعْفِ
بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ ءَامِنُونَ

نیست اولاد و مال‌های شما عملی بهر قرب در بر ما
غیر آن کس که آورد ایمان‌کار شایسته‌ای کند با آن
پس به آنان رسد دوبار جزادر امانند و جای‌شان والا

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ
مُحْضَرُونَ

و آنکه کوشید در نشانه‌ی ماتا کند زار و ناتوان ما را
می‌شود در عذاب ما حاضر [و بود بر شکست خود ناظر]

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِء وَيَقْدِرُ لَهُ
وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُء وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

گو دهد رزق حق به هر کس خواست و آنکه را خواست رزق
او را کاست
و آنچه انفاق می‌کنید شما عوضش را خدا نهد بر جا
[ور کسی داده است روزی‌تان بهترین رازق است حق به
جهان]

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَكَةِ أَهْؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ
كَانُوا يَعْبُدُونَ

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ^ط بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ
الْحِجْنَ^ط أَكْثَرَهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ
لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ
يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا
هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرًى^ج وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا
جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ
مِنْ نَذِيرٍ

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ
فَكَذَّبُوا رُسُلِي^ط فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنِئَ^ط وَفُرْدَى^ط ثُمَّ
تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ
بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ^ط إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى
اللَّهِ^ط وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عََلَمُ الْغُيُوبِ

چونکه گرد آوریمشان یکسربه ملک می‌دهد ندا داور
اینهمه عابدند بهر شما

پس بگویند پاک معبودا

ای خدا این تویی به ما مولا[نیستند این گروه عابد ما]
لیک بودند عابد پریان و به آن جمع داشتند ایمان

این زمان نیست هیچ نفع و ضرر با شما از برای یکدیگر
و بگوییم با ستم کردار که بچش این زمان تو کیفر کار
این تو و آن عذاب دوزخ و نارکیفری را که داشتید انکار

چون تلاوت شود نشان خدایس بگویند این پیمبر ما

می‌شود مانعی به راه شمادر عبادت به شیوه‌ی آبا

و بگویند این بود بهتان چون حق آمد به جانب ایشان

کافران این چنین کنند بیان نیست این هیچ غیر سحر عیان

و کتابی نبود با ایشان ما ندادیم تا بخوانند آن

نفرستاده‌ایم از این پیش‌بهرشان منذری ز جانب خویش

پیش از این نیز داشتند انکار[هر چه دادم ز وحی و از
هشدار]

و ندارند یک دهم از آن‌که به اقوام پیش بود نشان

آن رسل را چو داشتند انکار پس ببینند کیفر کردار

گو فقط پند می‌دهم به تمام‌کز برای خدا کنید قیام

دو به دو یا یکی یکی تنها نیز اندیشه‌ای کنید شما

که ندارد جنون جلیس شما و دهد بیمتان ز سوی خدا

ز آن زمانی که رو برو باشید جمع کفار با عذاب شدید

گو نخواهیم اجرتی ز شما جر من ثابت است نزد خدا

او گواه است بر همه اشیا[پس بیابید در طریق خدا]

گو که حق را بیفکند یزدان اوست دانای رازهای نهان

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي ۖ وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ

وَقَالُوا ءَامَنَّا بِهِ ۚ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ ۚ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ

۳۵. فاطر

فَاطِرُ: فاطر

مکی

۴۵ آیه

۷ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّتَنَّىٰ وَثَلَّثَ وَرُبَعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ ۖ مِنْ بَعْدِهِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۖ هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ

گو حق آمد و باطل از آغازنه پدید آورد نه سازد باز

گو اگر من شوم دمی گمراه نیستم من ز راه خود آگاه ور که ره یابم آن ز وحی خداست او قریب است بر من و شنواست در قیامت چو بنگری کفارد در فغانند [جملگی در نار]

در هراسند و چون کنار روند پس به نزدیک دستگیر شوند و بگویند کاوریم ایمان و آنچه خواهند تا رسند به آن

دور باشد ز دسترس آتجا[و بمانند در عذاب خدا]

پیش از این بوده اند منکر آن دور می داشتند روز نهان

دور گشتند از همه آمال هم از این پیش بود این احوال بهر هم مسلکانشان یکسر که همه بوده اند ناباور

هر چه حمدست از برای خداست او پدید آور زمین و سماست پس ملک را رسول ساخت به کار با دو بال و سه بال یا که چهار نیز بر خلق خویش افزاید آنچه را حق اراده فرماید و خدا قادر است بر هر کار[بلکه هر قدرت است از دادار]

چون گشاید به خلق باب عطا چه کسی منع می کند او را و آنچه را بازگیرد از انسان چه کس از بعد او بود رحمان هم توانا بود خدا در کار هم حکیم است بر همه اسرار

ایها الناس آورید به یاد نعمتی را که حق تعالی داد خالقى هست جز خدا آیا؟ که دهد رزق از زمین و سما نیست معبود کس به غیر خدابه کجا می برند تان به خطا

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوْءُ عَمَلِهِۦ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَدِئِ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِۦ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَضُ مِنْ عُمرِهِۦ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

گر که امر تو را کنند انکار چون تو بودند مرسلان بسیار که به تکذیب گشته‌اند دچار و به سوی خدا رود هر کار

مردمان! راستست وعد خدا پس مباشید غره بر دنیا نفریبید ز بخشش رحمان دلتان را و ساوس شیطان

دارد ابلیس دشمنی به شما دشمن خویش گیر شیطان را دسته‌ی خویش را فرا خوانده‌همه را جانب سقر راند

کافران را بود عذاب شدید[در زمانی که دوزخ است پدید] مؤمنی را که بود نیکوکار هست غفران و اجرتی بسیار

بهر یک جمع زشتی کردار جلوه کردست خوب در پندار هر که را خواست می‌کند گمراه‌هر که را خواست می‌کند آگاه حسرتی به‌رشان مباد تو راحق ز کردارشان بود دانا

و خدا باد را فرستادست‌ابر را نیز گردشی دادست پس ببارد از آن به هر صحرا و از آن خاک را کند احیا این چنین است روز رستاخیز[باز گردد به سوی حق همه چیز]

هر که را عزت است میل و رجاگو همه عزت است نزد خدا سخن پاک می‌رود سوی او نیز برتر رود ز کار نکو و آن کسان را که بود مکر پلیدبهر آنان بود عذاب شدید نیز هر حیل‌ه بود آنان را جملگی می‌رود به باد فنا

آفریند خدایتان از خاک‌پس از آن هم ز نطفه‌ای [ناپاک همسر آورد پس برای شما نیست چیزی مگر به علم خدا ز آنچه شد باردار هر اثنی و زمانی که می‌نهد آن را و آنکه گردد کهن به ماه و به سال و آنکه را کم کنیم آن احوال نیست جز در کتاب حق مسطور و آن برای خدا بود می‌سور

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حُلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۳۵: فاطر
۱۲
۴۵/

این دو دریا نمی‌شود یکسان آب این خوشگوار شد به دهان و آن دگر تلخ و شور و هر دریاگوشتی تازه داد بهر شما و برآرید زینت و زیورو آنهمه حیلۀ را کنید به بر می‌بینی که کشتی است روان‌تا بجویید رحمت یزدان شاید اکنون شوید شکرگزار [به خداوند قادر غفار]

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ

۱۳

آورد شب به روز و روز به شب‌مهر و ماهند تحت سلطه‌ی ربّ تا به وقتی معینند روان‌آن خدا هست ربّ عالمیان حکم از اوست و آنچه جز یزدان‌می‌شوی دست بر دعا سوی آن نیست چیزی در اختیار او راگر چه جلدی ز هسته‌ی خرما

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكْفُرُونَ بَشْرِكُكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ

۱۴

گر بخوانید نشنوند خطاب‌ور شنیدند کسی دهند جواب منکر شرکتان به روز جزاندهد کس خبر به تو چو خدا

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

۱۵ حزب
۱۷۵
۳۷۸

مردمان جمله‌اید اهل نیازی به خدای حمید بی‌انبار

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

۱۶

گر بخواهد از این جهان برویدمردمان دگر شوند پدید

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعِزٍ

۱۷

و آن برای خدای نیست گران

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۚ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

۱۸

نکشد کس گناهی از دگران و ر که آوا کند گر انباری‌نکند کس برای او کاری خلق باری برای او نبرندگر چه باشند قوم و خویشاوند تو دهی بیم آنکه او به نهان‌شد ز پروردگار خود ترسان و بدارد نماز را بر پاو آنکه پاکیزه شد برای خدا سود تقوا و پاکیش او راست‌بازگشت همه به سوی خداست

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ

نیست بینا به جان و دل چون کور

وَلَا الظُّلُمْتُ وَلَا النُّورُ

و نه ظلمت یکی شود با نور

وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ

نیست سایه چو باد سوزنده

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ^ط
وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ

نیست همپایه مرده و زنده

هر که را خواست حق کند تفهیم‌ندهی تو به مردگان تعلیم

إِن أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ

نیستی تو مگر به خلق نذیر

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا^ط
فِيهَا نَذِيرٌ

تو به حق گشته‌ای نذیر و بشیر

نبود هیچ امتی به جهان‌جز که بودست منذری در آن

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ^ط
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

گر که امر تو را کنند انکارچون تو بودند مرسلان بسیار

شده تکذیب با زبور و نشان‌و کتابی که بود نور افشان

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ^ط

پس گرفتیم کافران به جزاو چه سخت است کیفری ز خدا

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ^ط ثَمَرَاتٍ^ط
مُتَخِلِّفًا أَلْوَانَهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ^ط
أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ

می‌بینی که از سما یزدان؟بفرستاد بر زمین باران

پس برآریم از زمین با آن‌گونه‌گون میوه گونه‌گون الوان

در دل کوه شد نمایان راه‌گه سفید است و سرخ و گاه سیاه

وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَآبِّ^ط وَالْأَنْعَمِ^ط مُخْتَلِفٌ أَلْوَنُهُ^ط كَذَلِكَ^ط إِنَّمَا^ط
يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ^ط الْعُلَمَاءُ^ط إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

چارپا و دوابّ و هم انسان‌همه گشتند گونه‌گون الوان

اهل علمند اهل ترس خداحق تواناست هم گنه بخشا

نکته خوانان نامهی یزدان‌که مقیمند بر نماز آنان

و آنچه دادیم بهرشان ارزاق‌در عیان و نهان کنند انفاق

نیست سودایشان جز آن سوداکه نباشد در آن زوال و فنا

مزدشان را کند تمام اداهم فزاید ز فضل ایشان را

به یقین هست او گنه بخشانیز دارد سپاس مردم را

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا
بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ

و آنچه کردیم وحی بر تو ز خویش شد هماهنگ نامه‌ها از
پیش
به یقین بهر بندگان خدا اوست دانا و او بود بینا

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ
ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ
اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

ارث دادیم نامه بر آنان کز عباد خدا گزیدمشان
ظلم بر خود کنند بعضی‌شان معتدل گشت پاره‌ای زیشان
بعضشان پیشتاز در احسان و آن ز حق است لطف و فضل
کلان

جَنَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ
وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

در جنان جاودان اقامتشان لؤلؤ و هم زرست زیتشان
و حریرست جامه‌ی آنان

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ
شَكُورٌ

و بگویند شکر از یزدان
کز غم و رنج کرد ما را دور به یقین حق بود غفور و شکور

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ
وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ

داد از فضل خویش ما را جاو در آن نیست رنج و غم ما را
نیز و اماندگی به ما نرسد [اینچنین است لطف حی احد]

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا
وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ

کافران راست دوزخ و نیران‌نرود مرگ هم سوی ایشان
و نکاهیمشان ز رنج و عذاب اینچنین بهر کافرست عقاب

وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ
الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ
وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ

هست فریادشان چنین که خداتو برون آر زین مکان ما را
بعد از این می‌شویم نیکوکار رویگردان شویم از آن کردار
[پس بگوییم بهر آنان ما] ما ندادیم عمرتان آیا؟
که از اینها شوید پند پذیر هم به سوی شما رسید نذیر
بچشید [از عذاب دوزخ و نار] و ستمکاره را نباشد یار

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الصُّدُورِ

اوست عالم به غیب ارض و سماهم ز اسرار سینه‌ها دانا

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ
كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا مَقْتًا^ط
وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا

جانشین کردتان خدا به جهان هر که کافر بود بر اوست زیان
نیست حاصل ز کفر بر ایشان غیر خشم خدا و غیر زیان

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي
مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَمْ
ءَاتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْهُ بَلْ يُعِدُّ الظَّالِمُونَ
بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا

۴۰

گو نشانم دهید آن شرکاکه بخوانیدشان به غیر خدا
چه به روی زمین پدید آرند؟ یا چه شرکت در آسمان دارند؟
یا چه دادیمشان کتاب و نشان که دلیلی بر آن کنند بیان؟
وعدۀ ظالمان بود یکسر حرف کذب و فریب یکدیگر

إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ
أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

۴۱
حزب
۱۷۶

حق نگهدارد این زمین و سماکه نگردد ز جای خویش رها
ور رها گردد آسمان و زمین که نگهداردش دوباره چنین؟
به یقین صبر دارد آن دانا هم بود بهر تان گنه بخشا

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ
أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا
نُفُورًا

۴۲

و قسم می‌خورند بهر خدا هم به تأکید و کوشش والا
گر بیاید نذیری از داور در هدایت شوند از همه سر
چون بیامد نذیر بر ایشان پس نیفزود غیر نفرتشان

أَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ
إِلَّا بِأَهْلِيهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ
لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا

۴۳

سرکشی در زمین و مکر پلیدمکر بد جز به صاحبش نرسید
پس ببینند سنت پیشین که به کیفر خدا کند تعیین
نیست در سنت خدا تبدیل نیست در سنت خدا تحویل

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ
شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا

۴۴

می‌نگردند در زمین آیا؟ بنگرند اینکه چیست آنان را؟
که از این پیش بوده‌اند به جاو از اینان شدیدتر به قوا
هیچ چیز از خدا نگشت رهانه به روی زمین و نه به سما
به یقین اوست عالم از عالم و تواناست بر بنی آدم

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا

یس. ۳۶

یُس: یس

مکی

۸۳ آیه

۶ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یس

۱
۳۸۱ ر

وَالْقُرْءَانَ الْحَكِيمِ

۲

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

۳

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

۴

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

۵

لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤَهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ

۶

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

۷

إِنَّا جَعَلْنَا فِيْٓ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ

۸

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

۹

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

۱۰

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ

۱۱

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاتَاهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ

۱۲

گر بگیرد خدا کسان به جزای‌نماند کسی دگر بر جا پس به تأخیر افکند به زمان‌تا بیاید زمان قطعی‌شان به یقین هست ایزد یکتابر همه بندگان خود بینا

و به قرآن قسم که هست حکیم

این تویی از پیمبران عظیم

و تویی در مسیر راست روان باز گوییم با تو از قرآن

هست تنزیل آن عزیز و رحیم

تا دهی قوم غافلت را بیم
بهر آباءشان نبود نذیر[شاید آنان شوند پندپذیر]

قول شد حتم بهر اکثرشان‌وین جماعت نیاورند ایمان

یوغ برگردنند تا به زنج‌سر به بالا روند [تا دوزخ

وز پس و پیش راهشان شده بندچشمشان بسته و
نمی‌بینند

گر دهی بیمشان ز روز جزا و ترسانی آن جماعت را
هست یکسان دو حال برایشان‌به ره حق نیاورند ایمان

آنکه تابع شود به ذکر خدا و بترسد ز ایزد یکتا
می‌دهی بیم او ز روز جزا ده بشارت به عفو و اجر خدا

زنده سازیم خفتگان در گورکار و آثارشان بود مسطور
می‌شماریم جمله اشیا رادر کتابی بیانگر و پیدا

وَأَصْرِبُ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَبَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُم لَمُرْسَلُونَ

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

قَالُوا طَيِّرُكُم مَّعَكُمْ أَإِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَاقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلْكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ

وَمَا لِيَ لَّا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

ءَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ

إِنِّي إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

إِنِّي ءَامَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَلِيَّتْ قَوْمِي يَعْلَمُونَ

بِمَا عَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ

بزن از اهل آن دیار مثل‌که پیامد به سوبشان مرسل

چون پیامد به شهرشان دو رسول‌هیچکس حرفشان نکرد قبول
سوَمی را سپس فرستادیم‌هم از او بر دو تن توان دادیم
پس بگفتند ما ز ربّ جلیل‌به دیار شما شدیم گسیل

پس بگفتند نیستید شماغیر افراد آدمی چون ما
هیچ نازل نکرده است خداحرفتان نیست جز دروغ و خطا

پس بگفتند حق بود داناکه فرستاده‌ایم ما به شما

نیست بر ما مگر بلاغ عیان

پس بگفتند [مردم نادان
ما گرفتیم فال بد به شماور نسازید این رویه رها
ما شما را چو سنگسار کنیم‌می‌رسد بر شما عذاب الیم

پس بگفتند فال بد ز شماست نیز این فال بد فریب و
خطاست
گر که بر پند و ذکر رو آریدو شما مردمی فزونکارید

ز آن سر شهر یک نفر به شتاب‌آمد و سوی قوم کرد خطاب
پیرو مرسلین شوید شما

که نخواهند اجر و مزدی را
تبعیت کنید آنان را راه آنان بود طریق هدا

خالق من مرا بود معبودباز گردید سوی حی ودود

چون بگیرم خدا بجز یزدان؟که اگر خواست بهر خلق زیان
نه شفاعت از او رساند سودنه نجات است بهر کس موجود

ورنه باشد مرا ضلال عیان

من به دادار آورم ایمان
بشنوید این زمان کلام مرا

پس بگفتند در بهشت در آ
گفت ای کاش قوم من داند

که ببخشد مرا خدای احد
پس شوم من عزیز و با تکریم از ره لطف کردگار کریم

وَمَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِن جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خُمِدُونَ

يَحْسِرَةً عَلَىٰ الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ

وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ

وَعَايَةُ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ

لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ

وَعَايَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

نفرستاده ایم لشکر مابر سر قوم بعد از آن ز سما

صیحه‌ای در ربودشان یکسر شد خموش [آن سپاه فتنه و شر]

وای از این بندگان که استهزا داشت با جمله انبیای خدا

می‌نیده ز پیش نسلی چند؟گشت معدوم و بر نمی‌گردند

همه حاضر شوند در بر ما[موقع رستخیز و روز جزا]

و نشانی است بهرشان ز خداکه کنیم ارض مرده را احیا و برون آوریم دانه از آن‌تا که از آن خورند خلق جهان

باغهایی ز نخل و از اعناب‌ساختیم و روان در آنها آب

تا از آن میوه‌ها که بار آرند بخورند و سپاس بگزارند

پاک آن کافرید زوج و از آن‌بشر است و نبات و شیء نهان

شب تار آیتی است بر ایشان‌روز چون پوست می‌کنیم از آن

مهر شد تا مقر خود پویا هست تقدیر قادر دانا

ماه را در منازل گردون‌سیر دادیم و گشت چون عرجون

مهر را کی رسد که مه گیرد؟و نه شب هم ز روز ره گیرد همه در چرخه‌ای شدند روان‌به شنایند در یم دوران

وَعَايَةُ لَهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ

کشتی پر به حمل آدمیان آنهم از بهر خلق گشت نشان

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ

آفریدیم مثل آن بسیارکه خلیق بر آن شوند سوار

وَإِنْ نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ

ور که خواهیم غرقه آنان رانیست راه نجات ایشان را

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ

نه صریخی به غیر رحمت ماتا زمانی است بهره آنان را

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

گفته شد چونکه آن جماعت را که بترسید از عذاب و جزا
یا به پیش شماست یا به قفاشاید آرند رحم بهر شما

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ ءَايَةٍ مِّنْ ءَايَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

و نیامد برای خلق نشان جز که از آن شدند رو گردان

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُۥٓ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

چونکه گفتیمشان کنید انفاق ز آنچه دادست بهرتان ارزاق
گفت کافر به مؤمنین آیاما غذا می‌دهیم آن کس را؟
که اگر خواست حق کند احسان این گروه‌اند در ضلال عیان

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و بگویند کو وعید خدا؟ راست باشد گر این سخن ز شما

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ

در ستیزند و میچه‌ای یکتاچشم دارند گیرد آنان را

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ

که نه ز آن بر وصیت است توان‌نه توانند رفت نزد کسان

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ

چون رسد رستخیز و نفخ‌ی صوربه سوی حق روان شوند ز
گور

قَالُوا يَوَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا ۚ هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ

پس بگویند وای ما آیاکه برانگیخت این زمان ما را؟
و چنین است وعده‌ی رحمان راست گفتند انبیا به جهان

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ

نیست این غیر میچه‌ای یکتاهمه حاضر شوند در بر ما

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و در آن روز هیچ نیست جفاهست پاداش بهر کار شما

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكِهِونَ

۵۶ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِونَ

۵۷ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ

۵۸ سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ

۵۹ وَامْتَرُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ

۶۰ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَىٰءَٰدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطٰنَ ۖ إِنَّهُ لَكُم عَدُوٌّ مُّبِينٌ

۶۱ وَأَنِ اعْبُدُونِ ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

۶۲ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا ۖ أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ

۶۳ هَٰذِهِ ۖ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

۶۴ أَصَلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

۶۵ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

۶۶ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ

۶۷ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ

۶۸ وَمَن تُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ

۶۹ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ مُّبِينٌ

۷۰ لِيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ

و در آن روز هست اهل جنان سخت در کار و بار خود شادان

همه در زیر سایه‌های درخت‌تکیه با زوج خود زنند به تخت

میوه دلخواه می‌شود تقدیم

و سلام است قول ربّ رحیم

‏[و ندا می‌رسد به گوش آن دم مجرمان هان جدا شوید از هم

آدمیزادگان! مگر به جهان‌نگرفتیم از شما پیمان که نباشید بنده‌ی شیطان‌او بود آشکاره دشمتتان

و پرستش کنید یزدان رااین ره راست است بهر شما

گشت بسیاری از شما گمراه‌نیستید از خرد مگر آگاه

این بود دوزخی که بود وعید

بهر کفر این زمان در آن آید

آن زمان مهر می‌زنیم به کام‌دست و پا می‌شود گواه به کلام آنچه باشد ز کار ایشان را[این چنین است کار روز جزا]

گر بگیریم بهرشان تصمیم‌نور از چشمشان برون آریم چون بجویند سبقتی در راه‌پس نبینند هیچ جا آنگاه

گر بگیریم بهرشان تصمیم‌همه بر جای مسخ می‌سازیم نتوانند رهسپر گردندنتوانند نیز برگردند

و آنکه دادیم عمر بسیارش‌پس به خلقت کنم نگون سارش نیست اندیشه بهرشان آیا؟

و نیاموختیم شعر او را نیست شایسته بهر او این کارهست قرآن عیان و هم تذکار

تا دهد بیم زندگان و سخن‌بر همه کافران شود روشن

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَمًا فَهُمْ لَهَا
مَلِكُونَ

به سواری شوند آنها را و از آن نیز می‌خورند طعام

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ

هست از آن سود و نوش مردم را شکر یزدان نمی‌کنند آیا؟

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

بگرفتند جز خدا معبودشاید آنان دهند یاری و سود

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ

تتوانند بهرشان شد یار چون سپه بهرشان شوند احضار

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُونَ

پس به گفتارشان مباش دژ من عیان و نهانشان دانم

فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

می‌دانند هیچ آدمیان که من از نطفه آفریدیمشان؟
او بود خصم آشکار به ما

أَوْ لَمْ يَرَ الْإِنْسَنُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ

مثلی می‌زند برای خدا
که کند زنده باز عظم رمیم؟ شد زیادش که خلقتش کردیم

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ۖ قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ

گو کسی زنده می‌کند او را کاولین بار کرده است انشا
او به هر آفریده‌ای داناست و تواند کند هر آنچه که
خواست

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

آتش آورد از درخت پدیدتا کز آن شعله‌ها برافروزد

الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ
تُوقِدُونَ

آن کسی کافرید ارض و سمانیست قادر به خلقتش آیا؟
کافریند دوباره چون او را اوست خلاق و اوست هم دانا

أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

خواست امری چو کردگار احدچون بگوید که باش پس باشد

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

پاک آنکس که حکمها او راست‌بازگشت شما به سوی
خداست

فَسُبْحَنَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	من قسم می‌خورم به صف‌شدگان
۳۸۶ منزل ۶	وَالصَّافَّاتِ صَفًّا	
۲	فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا	و به زجرآوران نهی کنان
۳	فَالتَّلِيلَاتِ ذِكْرًا	و کسانی که ذکر می‌خوانند
۴	إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ	که خدای شماست بی‌مانند
۵	رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا رَبُّ الْمَشْرِقِ	اوست پروردگار ارض و سماخالق مشرق است و بینهما
۶	إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ	جلوه دادم سپهر دنیا را با نجوم و کواکب رخشا
۷	وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ	حفظ کردم ز جور دیو پلید
۸	لَّا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ	تتواند که هیچ چیز شنید هر چه گوید ملائک بالاہم ز هر سو هدف کنند او را
۹	دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ	می‌شود رانده بهر اوست عذاب‌جاودان است آن عذاب و عقاب
۱۰	إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ	ور که یک لحظه بشنود ز خطاب‌در پی او دود درفش شهاب
۱۱	فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مِّنْ خَلْقًا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّنْ طِينٍ لَا زِبِ	پس بگو آفرینش اینها سخت‌تر هست یا که زان شما؟ گل چسبنده بود و گشت بشر
۱۲	بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ	در شگفتی و او کند تسخر
۱۳	وَإِذَا دُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ	نپذیرند چونکه آید پند
۱۴	وَإِذَا رَأَوْاٰ آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ	سخره گیرند آیه چون ببینند
۱۵	وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ	و بخوانند این فسون عیان
۱۶	أَعِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ	و بگویند با تو این سخنان چون بگیریم ما طریق هلاک‌استخوانهای ما شود پس خاک باز ما را خدای چون سازدو به بعثی نوین بپردازد
۱۷	أَوْ عَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ	پدران هم چنین شوند آیا؟
۱۸	قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ	گو بلی خوار و کوچکید شما
۱۹	فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ	پس شود یک نهیب سخت عیان‌همه گردند بهر آن نگران
۲۰	وَقَالُوا يَوَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ	پس بگویند اینکه وای به ما[بهر مردم رسید روز جزا]
۲۱	هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِۦ تُكَذِّبُونَ	آن بود روز داوری که شما سخت انکار داشتید آن را
۲۲ حزب ۱۷۹ ۳۸۷	أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ	[و ندا می‌رسد ملایک را]جمع سازید جمله اهل جفا همره همبران‌شان به جهان‌نیز معبودها بجز یزدان
۲۳	مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْجَحِيمِ	به ره دوزخ آورید الحال
۲۴	وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ	باز داریدشان برای سؤال

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ

از چه یاری نمی‌کنید به هم

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ

همه امروز گشته مستسلم

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

فرقه‌ای زان دگر کند درخواست

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ

و بگویند کامدید از راست

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

[در دغل بوده‌اید و در ترفند]و آن کسان در جوابشان گویند
خود شما بوده‌اید بی‌ایمان

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍۭ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طٰغِينَ

ما نداریم بر کسی فرمان
سرکشی داشتید همچون ما

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذٰٓئِقُونَ

شد مسلّم کنون کلام خدا
می‌چشیم این زمان عذابش را

فَاعْوِزْنَٰكُمْ إِنَّا كُنَّا عٰوِزِينَ

همچو مایید و گمرهید از ما

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍۭ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ

در عذابند مشترک ایشان

إِنَّا كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ

کارم این است با گنهکاران

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ

گفته شد بهر امت گمراه‌سخن لا اله الا الله
کرد گردنکشی از این تبیین

وَيَقُولُونَ أَبِنَا لَتَارِكُوٓا۟ ٱلْهَتٰنَا لَشَاعِرٍۭ مَّجْنُونٍۭ

و بگفتند آن گروه چنین
ترک سازیم این بتان را چون؟بهر گفتار شاعری مجنون

بَلْ جَآءَ بِٱلْحَقِّ وَصَدَقَ ٱلْمُرْسَلِينَ

نه چنین است آورد حق رانیز تصدیق مرسلان خدا

إِنَّكُمْ لَذٰٓئِقُوٓا۟ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَلِيمِ

بچشید این زمان عذاب مرا

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

هست کیفر برای کار شما

إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلِصِينَ

بجز آن بندگان ناب خدا

أُو۟لَٔئِكَ لَهُم رِزْقٌۭ مَّعْلُومٌۭ

رزق معلوم هست ایشان را

فَوَٰكِهَ وَهُم مُّكْرَمُونَ

میوه دارند و می‌شوند اکرام

فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ

در بهشت نعیم کرده مقام

عَلَىٰ سُرُرٍۭ مُّتَقَابِلِينَ

رو بروی همند بر او رنگ

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍۭ مِّن مَّعِينٍۭ

جام می‌گردشان روان خوشرنگ

بَيَضَآءَ لَذَّةٍۭ لِلشَّارِبِينَ

روشن و برخوردارندگان لذت

لَا فِيهَا غَوْلٌۭ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ

نه تباهی به عقل و نه حالت

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَتُ ٱلْأَرْفِ عَيْنٍۭ

نزدشان حوریان چشم گشادکه بجز شوی برده‌اند از یاد

كَأَنَّهُنَّ بَيَضٌۭ مَّكْنُونٌۭ

همچو مرغانه‌ای نهان در بال

فَاقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍۭ يَتَسَاءَلُونَ

رو به هم آورند بهر سؤال

قَالَ قَآئِلٌۭ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌۭ

پس یکی را بود کلام چنین‌داشتم آن جهان جلیس و قرین

يَقُولُ أَعِنتَكَ لِمَنِ الْمُصَدِّقِينَ

أَعِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعِنَّا لَمَدِينُونَ

قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُّطَّلِعُونَ

فَاطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ

قَالَ تَأَلَّاهُ إِنْ كِدَتْ لِتُردِّينِ

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَدِّينَ

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ

أَذَلِّكَ خَيْرٌ تَزُلَا أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ

طَلَعَهَا كَانَتْهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ

فَإِنَّهُمْ لَا يَكُونُ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ

فَهُمْ عَلَىٰ ءَاثَرِهِمْ يُهْرَعُونَ

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُّنْذِرِينَ

فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَقِبُهُ الْمُنْذَرِينَ

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحَ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

او به من گفته بود چندین بارکه تو را باورست این گفتار

چون بگیریم ما طریق هلاک‌استخوانهای ما شود پس خاک باز آیا به ما رسد کیفر؟

هیچ دارید از آن جلیس خبر

پس بیابد ورا میان جحیم

و بگوید چنین به حی قدیم
 که قسم بر تو بود بس نزدیک‌که کنی چشم جان من تاریک

گر نمی‌بود لطف آن غفاری‌شدم من در آن مکان احضار

پس بگوید به دوستان آنجاما نمیریم بعد از این آیا؟

جز که مرگ نخست در دنیاو نداریم ما عذاب خدا

هست پیروزی بزرگ همان

و چنین باد کار کارگران

این نعم بهتر است یا ز قوم؟

و آن بود فتنه بهر قوم ظلوم

روید آن میوه از بن نیران

غنچه‌اش هست چون سر شیطان

آن جماعت خورند میوه‌ی آن‌و از آن پر کنند اشکمشان

پس بنوشند شربتی ز حمیم

پس بود بازگشتشان به جحیم

پدران یافتند چون گمراه

بر اثر رفته‌اند ناآگاه

نیز گمراه شدند پیش از این‌بیشتر نسل مردم پیشین

منذران داده‌ایمشان به یقین

چیست فرجام منذران تو ببین

غیر از آن بندگان ناب خدا

نوح هم بهر ما بداد ندا
 و چه خوب است این جواب خدا

بس رهندیم او و اهلش را
 از غمی بس بزرگ و جان فرسا[و چه خوب است راه حق و
 هدا]

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ

خاندانش از او گرفت بقا

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و پس از او نهیم نامش را

سَلَّمَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعِلْمِينَ

در همه عالمین به نوح درود

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

این جزایی ز ما به نیکان بود

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

اوست از بندگان با ایمان

ثُمَّ أَعْرِفْنَا الْآخِرِينَ

غرقه کردیم در فنا دگران

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ

بود از پیروانش ابراهیم

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

رفت در نزد حق به قلب سلیم

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ

با پدر گفت و قوم او که شماچه پرستش کنید اینها را؟

أَيْفَاكَ ءَالِهَةٌ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ

هر دروغین خدا چه می‌خواهید؟

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

از خدای جهان چه آگاهی؟

فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي التُّجُومِ

پس نگاهی فکند بر کوکب

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ

گفت بیمار گشته‌ام امشب

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ

روی برتافتند از او ایشان

فَرَاغَ إِلَى ءَالِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

روی آورد سوی جمع بتان
گفت چیزی نمی‌خورید آیا؟

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ

هیچ حرفی نمی‌زنید چرا؟

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ

پس بزد دست راست بر آنان

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ

پس به سویش گروه گشت روان

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ

گفت مصنوعاتان بود معبود؟

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ

آورد حق شما و بت به وجود

قَالُوا أَبْنِوْا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ

پس بگفتند جمعی از ایشان‌که بسازید بهر او بنیان
و به آتش در افکنید او را[و خدا خواست آن سخنگو را]

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ

خواستندش ز کید خود مغلوب‌ساختیم آن گروه را منکوب

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ

گفت من می‌روم به سوی خدازود او رهنما شود ما را

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ

پس عطا کن مرا تو ای غفارپسری مؤمن و نکوکردار

فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ

مژده‌اش بود کودکی صبار

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعَى قَالَ يَبْنَئِي إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي
أَذْبُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَتَأَبَّتْ أَفْعَلُ مَا تُؤْمَرُ
سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

چون به او یار گشت در رفتار
گفت دیدم تو را که در رؤیایم‌کشم چیست رای و دید تو
را؟
گفت بابا کن آنچه امر تو راست‌مابرم یابی ار خدا این
خواست

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ

هر دو تسلیم حکم حق گشتندچونکه پیشانیش به خاک افکند

۱۰۴ وَنَدَيْتُهُ أَنْ يَتَّبِعْهُمْ

پس ندا دادمش که ابراهیم

۱۰۵ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّعْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

این چنین اجر محسنین بدهیم
شد محقق برای تو رؤیا

۱۰۶ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ

آزمونی است آشکار تو را

۱۰۷ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ

و ندا دادمش ذبیحی را

۱۰۸ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و نهادیم نام او بر جا

۱۰۹ سَلَّمَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

و سلام خدا به ابراهیم

۱۱۰ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

این چنین اجر محسنین بدهیم

۱۱۱ إِنَّهُمْ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

اوست از بندگان مؤمن ما

۱۱۲ وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ

و بشارت بداده‌ایم او را
اینکه اسحاق شد پیمبر ما

۱۱۳ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ

و نکوکار هست نزد خدا
او چو اسحاق شد مبارک پیو دو نسل آمدند از پی وی
عده‌ای نیک بود و جمعی هم‌آشکارا به خویش کرد ستم

لِنَفْسِهِۦ مُبِينٌ

متنی بهر موسی و هارون‌داد آن حی و قادر بیچون

۱۱۴ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

متنی بهر موسی و هارون‌داد آن حی و قادر بیچون

۱۱۵ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

او و قومش رهاوند از غم و شر

۱۱۶ وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

داد یاری و داد فتح و ظفر

۱۱۷ وَعَاتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ

داده‌ایم آن دو را کتاب عیان

۱۱۸ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

و ره راست داده‌ایم نشان

۱۱۹ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ

و نهادیم نامشان بر جا

۱۲۰ سَلَّمَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

بهر هارون سلام و هم موسی

۱۲۱ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

بهر نیکان چنین دهیم جزا

۱۲۲ إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

بوده‌اند از عباد مؤمن ما

۱۲۳ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

بود الیاس هم رسول خدا

۱۲۴ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ أَلَا تَتَّقُونَ

آن زمانی که گفت قومش را
اهل تقوا نمی‌شوید آیا؟

۱۲۵ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَلْقِينَ

بعل خوانید و می‌نهید خدا؟
بهترین آفریدگار خداست

۱۲۶ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ عَابَائِكُمُ الْأُولِينَ

ربّ پیشینیان و ربّ شماست

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

پس بکردند حرف او انكارزود بهر جزا شوند احضار

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

بجز از بندگان ناب خدا

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

که نهادیم نامشان بر جا

سَلَّمَ عَلَىٰ إِيَّايَ يَاسِينَ

و سلام خدا به الیاسین

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

نیکوان را جزا دهیم چنین

إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

بود از بندگان مؤمن ما

وَإِنَّ لُوطًا لِّمِنَ الْمُرْسَلِينَ

لوط بود از پیمبران خدا

إِذْ حَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

او و اهلش رهاندم [از غمها]

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَدِيرِينَ

جز عجوزی که ماند در آنجا

ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ

ما فنا داده‌ایم بر دگران

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُّصْبِحِينَ

صبح‌گه رد شوید بر آنان

وَبِالْأَيْلٍ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

به شب آیا شما نیندیشید؟

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

بود یونس ز مرسلان مجید

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ

او به کشتی پر چو پا بنهاد

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ

قرعه زد پس به نام او افتاد

فَالْتَقَمَهُ الْخَوْتُ وَهُوَ مُلِيمٌ

پس چو بگرفت ماهیش در کام‌کار او بود در مقام ملام

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ

گر شناگر نبود بود آنجا

لَلَيْثِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

در دل حوت تا به روز جزا

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ

و به صحرا فکندمش بیمار

وَأَثْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَّقُطِينَ

و کدو در برش گرفت قرار

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ

و به شهری گسیل شد ذو النّون مردمش صد هزار یا افزون

فَعَامَتُوا فَمَتَّعْنَاهُمُ إِلَىٰ حِينٍ

خلق آورد سوی او ایمان‌گشت پس بهره‌مند از آن دوران

فَاسْتَفْتِهِمُ الرِّبَّكَ الْأُنثَىٰ وَلَهُمُ الْبُنُونَ

پس بپرس از چه خلق راست پسر؟وز چه رو از خدا بود دختر؟

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ

یا ملائک شدند از نسوان‌وین جماعت شدند شاهد آن

أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ

هان که اینان ز کذب خود گویند

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

که خدا نیز آورد فرزند حرفشان شد دروغ و کذب است این

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ

که گزیند بنات را به بنین

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

۱۵۵ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

۱۵۶ أَمْ لَكُمْ سُلْطَنٌ مُّبِينٌ

۱۵۷ فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۱۵۸ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

۱۵۹ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ

۱۶۰ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

۱۶۱ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ

۱۶۲ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفِتْنِينَ

۱۶۳ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ

۱۶۴ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ

۱۶۵ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ

۱۶۶ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ

۱۶۷ وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ

۱۶۸ لَوْ أَنَّ عِندَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ

۱۶۹ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

۱۷۰ فَكْفَرُوا بِهِ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

۱۷۱ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ

۱۷۲ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ

۱۷۳ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ

۱۷۴ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ

۱۷۵ وَأَبْصَرَهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

۱۷۶ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

۱۷۷ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ

۱۷۸ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ

۱۷۹ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

۱۸۰ سُبْحَنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

۱۸۱ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

۱۸۲ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

این چه حکم است از برای شما

متذکر نمی‌شوید آیا؟

حجتی آشکار اگر دارید

با کتابی و نامه‌ای آرید راستست این سخن اگر ز شما[همه اینهاست شرک بهر خدا]

پری و حق کنند خویشاوندشود احضار جن و خود دانند

حق منزّه بود از این توصیف همگی گم‌رهند از این تعریف

بجز از بندگان ناب خدا[که ندانند کفر و شرک روا]

پس شما ز آنچه را شدید عبید

تتوانید کس فریب دهید

جز کسی را که هست اهل جحیم

هست معلوم جای ما [به علیم

ما به صف ایستیم [بهر نماز]

و به تسبیح و هم به راز و نیاز

و بگویند اهل کفر چنین

داشتیم ار که نامه‌ی پیشین

[می‌شدیم آن زمان به راه خدا][بنده‌ی ناب می‌شدیم او را

کافردن و شوند آگه از این

این سخن بود و مردم پیشین
مرسلان آن عباد ناب خدا

یاوری می‌شوند از سوی ما

لشکر ما مظفردن چنان

تا زمانی ز جمع رو گردان

و نگه کن [به جانب کفار]زود بینند کیفر کردار

به عذاب خدا کنند شتاب

چون بیاید در آستانه عذاب
بد بود مبهگاه بر آنان

تا زمانی ز جمع رو گردان

و نگه کن [به جانب کفار]زود بینند کیفر کردار

شد منزّه خدا ز وصف کسان‌ماحب قدرت است [ربّ جهان

و سلام خدای بی‌همتابر تمام پیمبران خدا

هر چه حمد است هست از یزدان‌کوست پروردگار عالیمان

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَّ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ	[صاد رمزی است از خدای بلند]و به قرآن قسم که دارد پند
۲	بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ	در ستیزند و سرکشی کفار
۳	كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ	به هلاک و فنا شوند دچار پیش از این نیز مردمی بسیاربانگ کرد و نبود راه فرار
۴	وَعَجِبُوا أَن جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِّنْهُمْ ۖ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ	در شگفتند هم ز پیغمبرکه بود منذری ز نوع بشر هم بگفتند مردم کفاردارد افسون و کذب در گفتار
۵	أَجْعَلِ الْأِلَٰهَةَ إِلَٰهًا وَاحِدًا ۚ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ	همه معبودها یکی بگرفت؟و چنین گفته است سخت شکفت
۶	وَأَنْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتِكُمْ ۖ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ	و برفتند مهتران زیشانو بگفتندشان شوید روان و شکیب آورید بهر بتانخواستند از شما عبید همان
۷	مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْأَمَلَةِ ۚ الْآخِرَةُ إِنَّ هَذَا إِلَّا آخِثَلَقٌ	نشنیدیم این به کیش پسین‌به یقین بدعتی کنند به دین
۸	أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ۚ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي ۚ بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابٍ	زین همه مردمی که چون ما بودذکر تنها به او شدست فرود؟ هم به وحیند این زمان مرتاب‌بچشیدند این گروه عذاب
۹	أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ ۙ الْوَهَّابِ	گنجاها هست نزدشان آیا؟از عطای خدای بی‌همتا
۱۰	أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ	یا که دارند ملک ارض و سمایا برآیند از رسن بالا
۱۱	جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ	این سپاه شکسته‌ی احزاب نیست تنها دروغ زن به کتاب
۱۲	كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ	پیش از این قوم نوح بوده و عادنیز فرعون بود ذو ال‌اوتاد
۱۳	وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَبُ لُيْكَةَ ۚ أُولَٰئِكَ الْأَحْزَابُ	قوم لوط و ثمود کرد همان‌نیز اصحاب ایکه بود چنان
۱۴	إِن كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابٍ	همگی منکران پیغمبرشد محقق بر ایشان کیفر
۱۵	وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ	صیحه را مانده‌اند چشم به راه‌که در آن نیست مهلتی آن گاه
۱۶	وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ	و بگویند کای خدا بشتاب‌بهر ما پیشتر ز روز حساب

أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ
أَوَّابٌ

۳۸:
ص
۱۷
/۸۸

إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

۱۸

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهِ أَوَّابٌ

۱۹

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ ۖ وَءَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ

۲۰

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضَمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ

۲۱
حزب
۱۸۲

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ
بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَأَحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ
وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ

۲۲

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةً وَاحِدَةً
فَقَالَ أَكْفَلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ

۲۳

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ ۖ وَإِنَّ كَثِيرًا
مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۖ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ
فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ ۖ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۝

۲۴
سجده
مستحب

فَغَفَرْنَا لَهُ ۖ وَذَٰلِكَ ۖ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّعَآبٍ

۲۵

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَأَحْكُم بَيْنَ
النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ
إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا
نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ

۲۶

صبر کن بهر گفته‌ی آنان‌یاد داود دار بنده‌ی‌مان
توبه گر بود و صاحب نیرو

رام کردیم کوه را با او
داشت تسبیح شامگاه و پگاه

طیر بودند بهر او همراه

ملک او استوار فرمودیم‌حکمت و حکم نیز افزودیم

قصه‌ی شاکیان رسید تراچون به محراب بر شدند فرا

چون به داود در شدند آنان‌کرد داود وحشت از ایشان
پس یکی گفت تو مترس از ماداد خواهیم ما دو تن اینجا
که یکی ظلم کرد بر دیگرباش بر حق میان ما داور
و نداری روا ستم بر مابه ره راست باش راهنما

هست این آدمی برادر من‌هست میشی برای من یک تن
نود و نه از آن بود او راگوید آن را بده به من یکجا
سلطه دارد به گفتگو بر من

گفت داود در جواب سخن
که گرفتست او طریق جفاکه بخواهد یگانه میش ترا
بسی از هم‌رهان به جمع بشرظلم دارند بهر یکدیگر
بجز از مؤمن نکو کردارنیست از این گروه هم بسیار
گشت آگاه آزمایش راکرد غفران طلب ز سوی خدا
و بیفتاد در رکوع آنگاهو بیامد به جانب الله

پس ببخشید کردگار او راجای خوبی از اوست نزد خدا

[و برایش خدا چنین فرمود]جانشین منی تو ای داود
داوری کن به حق خلیق راو مکن پیروی ز راه هوای
دور دارد تو را ز راه خداو آنکه شد دور از طریق هدا
پس عذابی شدید هست او رااز فراموشیش به روز جزا

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ
الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي
الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ

كِتَبٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا ءَايَاتِهِ ۖ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو
الْأَلْبَابِ

وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ ۚ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّفِينَتُ الْحَيَّادُ

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ
بِالْحِجَابِ

رُدُّوهَا عَلَيَّ ۖ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ ۖ وَالْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ ۖ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا ۖ لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ
بَعْدِي ۖ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

فَسَخَرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَعَوَّاصٍ

وَعَاخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

هَٰذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ ۖ بَغَيْرِ حِسَابٍ

وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّعَآبٍ

وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ ۖ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ ۖ أَنِّي مَسْنِيَ الشَّيْطَانُ
بِنُصَبٍ وَعَذَابٍ

أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ ۖ هَٰذَا مُغْتَسِلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ

ما نکردیم خلق ارض و سماو آنچه در بینشان بود بیجا
این گمانی است بهر آن کفاروای بر کافران ز کیفر نار

مؤمن خوش عمل به نزد خدا با ستمگر برابر است آیا؟
یا که پرهیزگار شد یکسان؟ با گنه کار در بر یزدان

این کتاب خجسته را دادیم تا که آیات آن شود تفهیم
بلکه در آیه‌ها بیندیشند نیز اهل خرد بگیرد پند

و سلیمان رسید بر داودبنده‌ای خوب و رو به یزدان بود

چونکه شد عرض عصرگاه بر اواسبهای دونده و نیکو

گفت بگزیده‌ام به یاد خدادوستی را ز نعمت دنیا
مهر در پشت کوه گشت نهان

بار دیگر بگفت با ایشان
سوی من جمله بازگردانید دست بر یال و ساقشان بکشید

آرمودیم ما سلیمان راو به تختش جسد فکند خدا
پس از آن توبه کرد نزد خدا

که خدایا ببخش جرم مرا
دولتی کن به من عطا کز پس نیست شایسته بهر حکمش کس
به یقین این تویی تو بخشنده موهبت می‌دهی به هر بنده

باد شد رام او که گشت روان هر کجا خواست تابع فرمان

نسل شیطان مطیع شد او راگاه غوامص بود و گه بنا

و گروهی فتاده در زنجیر [پس بگفتش چنین خدای قدیر]

یا ببخش این عطا به راه صواب‌یا نگهدار آن بدون حساب

جای خوبی از اوست نزد خداو چه خوب است بازگشت او را

هم ز ایوب عبد من یاد آر که ندا داد جانب غفار
که فکندست رنج و درد به من دشمن حق و خلق اهریمن

گفتمش پس بکوب پا به زمین چشمه‌ای هست سر دو هم
نوشین

		وَوَهَبْنَا لَهُ ذُرِّيَّتَهُ أَهْلَهُ وَامثالُهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لِرَأْسِ الْأَلْبَبِ	۳۸: ص ۴۳ / ۸۸
		وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ إِنَّهُ وَجَدَنَّهُ صَابِرًا نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ	۴۴
		وَأَذْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَرِ	۴۵
	ویژه گشتند بهر یاد معاد	إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ	۴۶
	برگزیده شدند و نیک نهاد	وَأَنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ	۴۷
	یسع آور به یاد و اسماعیل نیز ذو الکفل [نیکخوی جلیل همه بودند از نکوکاران	وَأَذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ	۴۸
	این بود ذکر از سوی یزدان بازگشتی است خوب آنان را چون بگیرند شیوهی تقوا	هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ	۴۹
	بوستانهای جاودان به جزاستباز بر رویشان همه درهاست	جَنَّتِ عَدْنٍ مُّفْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ	۵۰
	تکیه دارند و از شراب و ثمارمی‌شوند این گروه برخوردار	مُتَّكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَلَكَهٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ	۵۱
	نزدشان همسران هشته نگاه‌نیز همسن و سال در همه گاه	وَعِنْدَهُمْ قَصِيرَاتُ الْظُّرْفِ أَثَرَابٌ	۵۲ حزب ۱۸۳
	وعده این است بهر روز جزا	هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ	۵۳
	و بر این رزق نیست هدم و فنا	إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ	۵۴
	بازگشت بدی است بر سرکش	هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ	۵۵
	از جهنم بر او رسد آتش و چه بد بستری است نار جحیم	جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَيُئْسَ الْمِهَادُ	۵۶
	هم ز غساق می‌چشند و حمیم	هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ	۵۷
	و جز این است گونه‌های دگر[و بگوید بر ایشان داور]	وَأَخْرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ	۵۸
	این گروهی که هست هم‌رہتان‌بی‌درودی فتند در نیران	هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ	۵۹
	و بگویند بی‌درود شمدادده‌اید این مکان شوم به ما	قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَيُئْسَ الْقَرَارُ	۶۰
	ای خدا هر که این رساند به ماتو عذابی دوباره‌اش افزا	قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ	۶۱

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ

۳۸: ص ۶۲ / ۸۸

أَتُخَذُ لَهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ

۶۳

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ

۶۴

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

۶۵ ر ۳۹۵

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

۶۶

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ

۶۷

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ

۶۸

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَائِكَةِ إِلَّا عَالِي إِذْ يَخْتَصِمُونَ

۶۹

إِنْ يُوحَىٰ إِلَىٰ إِلَّا أَنْمَأَ أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

۷۰

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ

۷۱

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ

۷۲

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

۷۳

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ

۷۴

قَالَ يٰٓإِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي ۖ
اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ

۷۵

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ

۷۶

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ

۷۷

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ

۷۸

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ

۷۹

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ

۸۰

إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

۸۱

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا غُورِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

۸۲

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ

۸۳

هم بگویند آن کسان که شمارداشتیم از جماعت اشرار
ما نبینیمشان به روز جزا

چیست از بهر ما و دیده‌ی ما؟
یا گرفتیمشان به استهزایا که چشمان ما کنند خطا

راست است این سخن که در نیران همستیزی است بین
دوزخیان

گو منم منذری و نیست خداجز خداوند قاهر یکتا

ربّ ارض و سما و بینهماآن توانا و معصیت بخشا

گو که این آگهی بسی است گران

که از آن گشته‌اند رو گردان

از ملائک به عالم بالانیستم از ستیزشان دانا

نشود وحی سویم از یزدان‌غیر از اینکه منم نذیر عیان

چون خدا با فرشتگان فرمودبشری از گل آورم به وجود

چونکه این طرح آفرید خداروح خود را در او دمید خدا
[پس خداوند خالق سبحان‌به ملائک بداد این فرمان
که در آییند بهر او به سجود

ملک آورد سر به سجده فرود

جز که ابلیس کرد استکبارو از این کار او شد از کفار

گفت ای اهرمن بگو ز چه روسر نیاورده‌ای به سجده فرو
آنچه با قدرت آفریدم هان‌بهتری یا که برتری به گمان

گفت من بهترم که خلقت من ز آتش و از گل است او را تن

گفت بیرون رو ای رجیم لعین

تا به روز جزا به تو نفرین

گفت تا حشر زنده‌ام می‌دار

گفت مهلت دهیم بر این کار

نیز وقتی معین است تو را

گفت بر عزتت قسم ربّا
آدم و آدمی کنم اغوا

غیر از آن بندگان ناب تو را

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ

پس از آن گفت قادر اعظم که همین راستست و حق گویم

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

تو و هر کس شود به تو پیرودوزخ از جملگی کنم مملو

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ

گو که مزد از شما نمی‌جویم و نه این ذکر را ز خود گویم

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

این بود ذکر بهر عالمیان

وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأُهُ بَعْدَ حِينٍ

و بگیرید از او خبر به زمان

۳۹. زمر

الرُّمَر: گروه‌ها

مکی

۷۵ آیه

۱۰ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

این کتاب است نازل از الله آن خداوند قادر و آگاه

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ بِالْحَقِّ فَاَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

حق فرستاده است بر تو کتاب پیرستش برای دینی ناب

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ

هان بود دین ناب از آن خداو گرفتند بر خدا شرکا و بگفتند ما چنین شرکامی پرستیم بهر قرب خدا حق کند داوری میانه‌ی‌شان آنچه دارند اختلاف ایشان به یقین نیست ره‌نما دادار آنکه را هست کاذب و کفار

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ ۚ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

گر خدا خواست بهر خویش ولدمی‌گزیند از آنچه می‌آرد آن چه را خواست پاک آن دادارو آن خدا هست واحد و قهار

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ۖ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

ساخت ارض و سما به حق آن رب می‌برد شب به روز و روز به شب مهر و مه رام سازد و همگان در زمانی معینند روان او تواناست بر همه عالمو ببخشد گناه مردم هم

خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنزَلَ
لَكُمْ مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَنِيَّةً أَزْوَاجًا يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ
أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمْ
أَللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ

خلق را آفرید از یک جان جفت او را قرار داد از آن
هم ز انعام هشت زوج نهاد و ز جنین بهر تان تنوع داد
خلقتی بعد خلقتی دیگر در سه ظلمتسرای در مستر
او خدای شما و رب شماست در جهان ملک سلطنت او راست
نیست معبود جز خدای جهان به کجا می‌شوید رو گردان

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ
الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ
أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ
تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

گر چه کافر شوید بهر خدایی نیاز است ربتان ز شما
نپسندد به بندگان کفران می‌پسندد برایتان شکران
و کسی بار دیگری نبرد باز گشت شماست سوی احد
پس خبر می‌دهد به کار شما اوست از راز سینه‌ها دانا

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ
نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ
أُنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ
مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

چون به انسان رسید رنج و زیان پس بخواند خدای توبه
کنان
چون به او نعمتی کنیم عطا برد از یاد آن زیان و دعا
و شریک آورد برای خدا و بگرداند از طریق هدا
گو کمی بهره بر تو در کفران که تویی عضو حزب دوزخیان

أَمَّنْ هُوَ قَلِيتُ عِثَّةً أَلِيلٍ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ
وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ
لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

آنکه در شب بایستد به نماز در سجودش شود به راز و نیاز
هم هراسان بود ز روز جزا هم امیدش بود به لطف خدا
گو مساوی شوند دانایان هیچ‌گاه با جماعت نادان؟
[و در این آیه‌ها که بر تو رسد] متذکر شوند اهل خرد

قُلْ يٰعِبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي
هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ
أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

گو که ای بندگان مؤمن ما اهل تقوا شوید بهر خدا
هر که نیکی کند در این دنیا هست پادشاهی نیک او را
و زمین خداست پهناور [بهر هجرت روید جای دگر]
صابران را دهند اجر تمام بی حساب است [بهرشان انعام

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

قُلِ اللَّهُ أَعْبُدْ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِّنْ دُونِهِ ۗ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۗ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ۚ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ ۚ عِبَادَهُ يَعْبَادُ فَاَتَّقُونَ

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُوْلُوا الْأَلْبَابِ

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ

لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّن فَوْقِهَا غُرْفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَنُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ

گو که مأمور گشته‌ام ز خداکه عبادت کنم فقط او را
و کنم ناب بهر خود ایمان

و شوم ز اوّلین مسلمانان

گو که ترسم ز کیفر عقباگر کنم معصیت خدایم را

گو عبادت کنم برای خداو کنم ناب بهر او دین را

بپرسید هر چه را خواهیدغیر پروردگار حی مجید
گر کسی در عناد روز معادهستی خویش و بستگان را داد
بهر آنان خسارتی است عیان‌گو همین است معنی خسران

چتری از آتش است بر سرشان‌زیرشان نیز چتری از نیران
بندگان را خدا کند تهدیدبندگان خوب و متقی باشید

آنکه پرهیز کرد از شیطان‌دور شد از عبادتش [به جهان
شد منیب خدا لهم بشری‌پس بشارت بده عباد مرا

آن کسانی که بشنوند سخن‌پس متابع شوند بر احسن
بهر آنان بود هدا ز خدااین چنین مردمند اهل دها

آنکه حق است بهر او کیفرکی توانی رهانی از آذر

و آنکه شد متقی برای خدابهر او غرفه‌ایست بس والا
بر فراز است غرفه‌ها ستوارنیز جاری است زیر آن انهار
این بود وعده‌ای که یزدان دادنیست حق را خلاف در میعاد

می‌بینی ز رحمت یزدان‌گشت نازل از آسمان باران؟
در زمین ساخت چشمه‌های روان‌و برآورد کشتها از آن
پس به الوان گونه گون آوردپس شود گاه خشک و گاهی
زرد
پس از آن خرد سازد و در آن‌پندها هست بر خردمندان

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ ۖ
فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ
مُّبِينٍ

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَبِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ
مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ
إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ ۚ مَنْ يَشَاءْ وَمَنْ
يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

أَفَمَنْ يَتَّبِعِ بَوَاجِهَهُ ۖ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَقِيلَ
لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَاَتَتْهُمْ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا
يَشْعُرُونَ

فَاذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ
أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ
يَتَذَكَّرُونَ

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَكِّسُونَ وَرَجُلًا
سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَّيِّتُونَ

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ

آنکه بگشود سینه بر اسلام هست بر نور ایزد عالم
وای بر سنگدل زیاد خدادر ضلال مبین شدست رها

حق فرستاد بهترین گفتاردر کتابی شبیه و با تکرار
آنکه ترسد ز کیفر یزدان پوست گردد به پیکرش لرزان
پس کند نرم یاد لطف خدا باطن و ظاهر تن او را
حق هدایت کند هر آنکو خواست آنکه گمره کند که
راهنماست؟

چه کسی هست آنکه بتوانداز مجازات روی گرداند
چون بگویند با ستمکاران بچشید آنچه کسب کردید آن

پیش از این نیز داشتند انکاربه عذاب خدا شدند دچار
از محلی که می‌دانستند[او فتادند از عذاب به بند]

حق چشانید آن جماعت را خواری زندگانی دنیا
بدتر از اوست کیفر عقباگر که باشند زان جزا دانا

هر مثل داده‌ایم در قرآن‌تا بگیرند خلق پند از آن

راست و روشن است این قرآن‌تا که گردند متقی ایشان

حق مثل می‌زند غلامی را که در او هست دعوی شرکا
و آنکه را بود یک نفر مولا این دو انسان مساویند آیا؟
هر چه حمدست هست از یزدان اکثر خلق غافلند از آن

هم تو هم قوم راست راه زوال

در جزا نزد حق کنید جدال

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالْصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُۥٓ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ

کیست بدتر به راه جور و جفا؟ ز آنکه بندد دروغ بهر خدا راستی چون به سوی او آید راه تکذیب را بپیماید در جحیم است منزل کفار [چون به آیات داشتند انکار]

۳۳

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

و آنکه صدق آرد و کند تصدیق اوست پرهیزگار [در تحقیق

۳۴

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

هر چه خواهد دهد به او یزدان آن بود اجر بر نکوکاران

۳۵

لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

پس بپامزد ایزد یکتا بدترین کرده های آنان را و دهد اجر و مزد روز جزا بهترین کارهای ایشان را

۳۶

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِۦ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

نیست آیا خدا به مردم بس؟ که بترساندت ز دیگر کس چه کسی مقتدا و راهنماست آنکه را حق ببرد از ره راست

۳۷

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُّضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ

و آنکه را شد خدای راهنما چه کسی گمراهی دهد او را و خدا قادر است و کینه ستان پس بترس از عقوبت یزدان

۳۸

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَتُ ضَرِّهِۦ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِهِۦ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

گر بپرسی تو این جماعت را که چه کس آفرید ارض و سما؟ پس بگویند بی گمان که خداگو چه خوانید جز خدا شرکا؟ گر برایم خدای خواست زیان کی شوند این گروه مانع آن؟ ور خدا خواست رحمتی بر مامی کند این گروه سدّ آیا؟ گو که کافی است بهر ما یزدان می سپاریم کار بر رحمان

۳۹

قُلْ يَتَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

گو کنید آنچه در توان شماست می کنم نیز من هر آنچه مراست پس به زودی شما شوید آگاه که چه کس را رسد عذاب گناه

۴۰

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

تا که از این عذاب خوار شود هم بماند بر او عذاب ابد

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

ما فرستاده‌ایم بر تو کتاب‌بهر مردم به راه حق و صواب
هر که ره یافت سود بود او راور که گم‌ره شود بر اوست جزا
و تو مأمورشان نه ای به هدا[کارشان را سپار سوی خدا]

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

حق برد جان خلق را به تمام‌ور نمردست جان کس به منام
پس نگه دارد آنچه داد مماتو آن دگر را برد به سوی حیات
تا زمان معینی ببردو آن نشانهاست بهر اهل خرد

أَمْ أُتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أُولَؤْكَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ

یا بگیرند جز خدا شفعاگر چه مالک نیند چیزی را
و ندارند هیچ عقل و دها

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

گو شفاعت بود از آن خدا
حکم او راست در زمین و سماهم سوی اوست بازگشت شما

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۖ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

چون رسد ذکر ایزد یکتا‌بهر ناباوران روز جزا
دلشان سخت می‌شود بیزار[چونکه دارند بهر دین انکار]
ذکر دیگر چو می‌رسد به میان‌شاد گردند ناگهان آنان

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

گو که ای کردگار ارض و سما‌ی تو از فاش و از نهان دانا
تو کنی داوری میان عبادز آنچه در بینشان خلاف افتاد

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَا فُتْدُوا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ

داشت ظالم اگر که ملک زمین‌باز هم داشت ثروتی چون این
می‌دهد جمله را به کفاره‌گز عذاب خدا کند چاره
می‌شود آشکار بر آنان آنچه قبل‌ا نداشتند گمان

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
يَسْتَهْزِءُونَ

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ
إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا
يَعْلَمُونَ

قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ
سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ

أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ
فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ
رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ

وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ
الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ
يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتُنِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ
وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ

می‌شود جمله آشکار عیان‌هر گناهی که داشتند آنان
و آنچه را سخره داشتند ایشان‌عاقبت می‌رسد به جانبشان

چون زبانی رسید بر انسان‌نام حق را بیاورد به زبان
چون به او نعمتی کنیم عطاگوید این شد ز کردانی ما
اینهمه آرمون بود او را‌اکثر خلق نیست ز آن دانا

پیش از این نیز بود این گفتارسود هرگز نبرده‌اند از کار

و بدیهای کارشان دیدند‌آن کسانی که ظلم ورزیدند
زود بینند زشتی کردارن‌رهند از عقوبت دادار

می‌دانند هر که را حق خواست‌باب روزی گشود یا زان
کاست
به یقین هست بس نشان در آن‌بهر آنان که آورند ایمان

گو که ای بندگان افزون‌کارکه به خود بوده‌اید بدکردار
پس مباشید هیچ‌که نومیداز در رحمت خدای مجید
حق ببخشد همه گناهان را‌اوست غفار و مهربان به شما

بازگردید سوی خالق‌تان‌نیز تسلیم او شوید به جان
پیشتر ز آنکه سر رسد کی‌فرو نباشد برایتان یاور

تبعیت کنید احسن را‌آنچه آمد ز حق برای شما
پیشتر ز آنکه سر رسد کی‌فرو ندارید از آن عذاب خبر

[هان مبادا که بعد از این هشدار]‌کس بگوید فسوس بر من
زار
که مقصر شدم به حق خداو به این داشتیم استهزا

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

گر خدا بود رهنما ما را بودم امروز پاک و با تقوا

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ
الْمُحْسِنِينَ

یا بگوید چنین به وقت عذاببار دیگر روم به راه صواب

بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ ءَايَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ
الْكَافِرِينَ

گو که آمد نشانت از دادارکارت انکار بود و استکبار
کفر ورزیده‌ای به قول خدا

وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ
أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ

و ببینی کسان به روز جزا
که به تکذیب گفته‌ی الله‌روی آن عده گشته است سیاه
نیست آیا جهنم و آتش‌جا و مأوای مردم سرکش؟

وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا
هُم يَحْزَنُونَ

متقین را خدا رها سازدبهرشان نیست سوء، پیشامد
و نباشند هیچ‌گه غم‌گین بلکه شادند در بهشت برین

اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

همه چیز آفرید ربّ جلیل‌و به هر چیز هم خداست و کیل

لَهُۥ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

هست از او کلید ارض و سما[روزی خلق هست نزد خدا]
منکران نشانه‌ی یزدان؟همه هستند از زیانکاران

قُلْ أَغْيَرِ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ

گو پرستم که را بجز یزدان‌جاهلید ار دهید این فرمان

وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ
لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

وحی حق بر تو یافتست نزول‌نیز پیش از تو بوده است
رسول
شرک سازد تباه هر کارت‌و به خسران کند گرفتارت

بَلِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ

حق پرست و گزار شکر خدا

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ۚ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ
الْقِيَمَةِ ۚ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِّيَمِينِهِ ۚ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَىٰ
عَمَّا يُشْرِكُونَ

کس ندانست حق قدرش را
در کف قدرتش گرفته زمین‌نیز پیچیده آسمان به یمین
کار روز قیامت است چنان از چه شرک آورید بر یزدان
هست یزدان منزّه و والاز آنچه شرک آورید بهر خدا

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

چون دمیده شود به صور آنجا رود از هوش اهل ارض و سما جز کسی را که خواهد آن داور پس دمیده شود چو بار دگر همگی در زمان شوند به پامتنظر بر حساب روز جزا

۶۹

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَتْ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

ارض روشن شود به نور خدانامهی کارها بود بر جا حاضر آیند هر نبی و شهیدداوری بینشان کنند پدید هست این داوری بحق و به جاو نگردهد به خلق جور و جفا

۷۰

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ

پس جزا می‌دهند بر اعمال و خدا آگاه است از افعال

۷۱
۴۰۳

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ

رانده گردند کافران به جحیم‌دسته دسته [در آن شوند مقیم در شود باز چون رسند ایشان‌پس بگویندشان نگهبانان انبیایی نبودتان آیا؟ که بخوانند آیه‌ها به شما و بیارند بهرتان هشداربهر امروز روز و این دیدار پس بگویند آن گروه چرا و رسد بهر اهل کفر جزا

۷۲

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَلِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ

گفته آید که در شوید به نارجاودانه [که نیست راه فرار] جای گردنکشان بد است آنجاچونکه غرقند در عذاب خدا

۷۳

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ

رانده گردند متقین به جنان‌دسته دسته [همه خوش و شادان در شود باز چون رسند ایشان‌پس بگویندشان نگهبانان پاک باشید بر شماست درودجاودانه کنون کنید ورود

۷۴

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

پس بگویند حمد از آن خداست‌که به ما داشت وعده‌اش را راست نیز وارث شدیم بهر جهان‌هست دلخواه جایمان به جنان و چه خوب است اجر کارگران که نکوکار بوده‌اند ایشان

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و ببینی کنون ملائک راگرد آیند حول عرش خدا
و ستایش کنند یزدان رادآوری راست گشت ایشان را
و بگویند حمد بر یزدان اوست پروردگار عالمیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حم

[ح و میم است رازی از دادار بهر محمود سید ابرار]

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

این کتاب است نازل از الله آن خداوند قادر و آگاه

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ

او گنه بخش و اوست توبه پذیر کیفرش سخت و خیر اوست
کثیر
نیست معبود غیر از آن یکتا باز گردند خلق سوی خدا

مَا يُجَدِّلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقْلُبُهُمْ فِي الْبَلَدِ

نستیزد در آیه های خدا کس به جز کافران [اهل جفا]
نفریبد ترا [چنان آزاد] آمد و رفت کافران به بلاد

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

قوم نوح و گروه های پسین منکر حق شدند [پیش از این
قصد کردند هر یک از آنها که بگیرد پیامبر خود را
و جدل کرده اند از باطل که بسازند کار حق زایل
ما گرفتیمشان] برای عذاب پس نگه کن چگونه بود عقاب

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

گشت محکوم امر بر کفار آنچنانند اهل دوزخ و نار

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

حاملان سریر و عرش خدائیز جمع مجاور آنان را
حق ستایند از ره ایمان و بخواهند از خدا غفران
بهر آنان که مؤمنند به دین سخن این جماعت است چنین
که محیط است بر همه اشیا رحمت و علم و حکمتت ربّا
تائب و تابع ره خود را [از ره لطف خود] گنه بخشا
دورشان دار از عذاب جحیم از ره لطف ای خدای کریم

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ
عِبَادِهِمْ وَأَرْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ای خدا این جماعت و آباهمسران گروه و هم ابنا
هر که شایسته است در کردارتو به جنّات جاودانه در آر
وعدده دادی چنین تو ایشان راتو توانایی و تویی دانا

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ
وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

و نگهدارشان ز شر و گناهو آنکه را داری از شرور نگاه
به یقین مهر ورزیش تو رحیمو همین است لطف و فوز عظیم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ
أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ

کافران را چنین دهند نداخشم حق برتر است از آن شما
چون بخواندندتان سوی ایمان از چه بودید جمله در کفران

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَتُنْتِنِ وَأَحْيَيْنَا أَتُنْتِنِ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا
فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ

پس بگویند ای خدا ما را بریدی و باز کرده‌ای احیا
اعتراف آوریم ما به گناه‌هست آیا خروجی از این راه؟

ذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ
بِهِ تَوَمَّنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ

[پس ندا می‌رسد ز ربّ جلیل که بر این کار بوده است دلیل
چونکه خواندند ربّ یکتا را راه انکار داشتید شما
چونکه بستند شرک بر داور جمله کردید این سخن باور
داوری هست این زمان ز خداو بزرگ است و او بود والا

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا
وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ

آیتش را نشان دهد به شمارزقتان را بیاورد ز سما
و نگیرند پند از اینهاجز که روی آورند سوی خدا

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

دین خود ناب کن بخوان الله‌گر چه دارند کافران اکراه

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ
يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ

صاحب عرش آن بلند مقام‌هر که را خواست از عباد عظام
روح خود را در او کند القاتا بترساند از زمان جزا

يَوْمَ هُمْ بَرْزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ
الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

همه آن روز می‌شوند عیان‌نیست چیزی برای حق پنهان
چه کس امروز ملک را داراست‌او خداوند قاهر یکتاست

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ
سَرِيعُ الْحِسَابِ

این زمان هر که را دهند جزا آن بود اجر کارها او را
هیچکس را نمیکنند جفا و شتابان بود حساب خدا

وَأَنْذَرُهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظْمِينَ
مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعَ يُطَاعُ

بیمشان ده ز وحشت فردا که رسد جانشان به حنجره‌ها
بر ستمکاره نیست یار و شفیع که به حکمش شوند جمله
مطیع

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

داند او چشمهای دزد کسان و آنچه در سینه می‌کنند نهان

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ
بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

و به حق داوری کند یزدان و ندارند داوری آنان
هر که خوانند جز خدا او راحق سمیع است و هم بود بینا

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَءَانَارًا فِي الْأَرْضِ
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ

می‌نگردند و ننگرند آبیاعاقبت چیست پیش از آنان را؟
بس جماعت که از توان و اثر بود از این گروه بس برتر
پس خدا برگرفتشان به گناه‌فوق حق نیست بهر خلق پناه

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

بس رسول و نشانه با آنان آمد و خلق بود در کفران
بر گرفت آن گروه حی مجید آن قوی راست پس عذاب
شدید

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ

و فرستاده‌ایم بر موسی‌آیه‌ها و دلیل روشن را

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقُرُونَ فَقَالُوا سَحِرٌ كَذَّابٌ

سوی فرعون پس سوی هامان نیز قارون [با سرو سامان
پس بگفتند اوست افسون‌گرو ببندد دروغ بر داور

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ
ءَامَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي
ضَلَالٍ

چون به آنان رسید حق از ما پس بگفتند [آن گروه خطا]
بکشید از گروه او پسران و گذارید از او به جانشوان
و نیاورد حیل‌ی کفار غیر گمراهی و تباهی بار

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ وَإِنِّي أَخَافُ
أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ

گفت فرعون وانهید مرا تا که موسی برم به دار فنا
و برآرد دعا به ربّ جلیل‌ترسم او دیتان کند تبدیل
یا پدید آورد به ارض فساد[گوید او بهر حق شوید عباد]

وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا
يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

گفت موسی بود پناه مرا به خدای من و خدای شما
ز آنکه سرکش بود برای خداو ندارد یقین به روز جزا

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ
رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ
رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا
يُصِيبُكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ
مُسْرِفٌ كَذَّابٌ

ز آل فرعون مؤمنی ایمان‌داشت از قوم خویشتن پنهان
گفت آیا کشید مردی را؟ که خدای یگانه خواند خدا
و نشان آرد از خدای شماگر دروغ آورد بود او را
ورکه صادق بود رسد به شما بعضی از وعده‌های او ز خدا
می‌نیارد خدا به راه صواب‌قوم اسرافکار و هم کذاب

يَقَوْمَ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا
مِنْ بَاسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا
أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ

قوم من از شماست ملک امروز بر زمینید این زمان پیروز
خشم حق گر رسد به جانب ماچه کسی یآوری کند ما را
گفت فرعون رأی خود را من‌می‌کنم پیش چشمتان روشن
و ندارم برایتان ارشادجز به راه درست راه رشاد

وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنَ يَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ
الْأَحْزَابِ

گفت مؤمن که بهر من تشویش‌بر شما هست مثل دورهی
پیش

مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا
اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ

همچنان قوم نوح و عاد و ثمودو گروهی که بعد از آنها بود
و نخواهد خدا ستم به عباد[بلکه ظالم به خود کند بیداد]

وَيَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ

قوم من هست خوف من به شما آن زمان که به هم دهید ندا

يَوْمَ تُولَوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ
يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

آن زمانی که رو بگردانیداز کسی نیست بهرتان تأیید
آنکه گمراه کند خدا او را بهر او نیست هیچ راهنما

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي
شَكِّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ^ط حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ
اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ
مُرْتَابٌ

۴۰
غافر
۳۴
/۸۵

یوسف آورد بهر قوم نشان‌پیش از این داشتید شک در آن
رفت و گفتید بعد از او مرسل نفرستد خدای عزّ و جلّ
آنچنان گمراهی دهد دادار بهر شکاک و بهر افزونکار

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ كُبرٌ
مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ
كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ

۳۵

آنکه دارد جدل به آیت حق و دلیلی نمی‌کند ملحق
بهر او هست خشم نزد خدائیز آن کس که مؤمن است او را
آنچنان مهر می‌زند دادار بر دل اهل کبر و هر جبار

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَهْمَنُ ابْنُ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابِ

۳۶

گفت فرعون اینکه ای هامان‌ساز قصری که تا رسم در آن

أَسْبَبَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلَعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ
كَذِبًا وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ
السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ

۳۷

راه یابم به بابهای سماییتم آنجا خدای موسی را
من گمان دارم او بود ناراست‌جرم فرعون کار او آراست
باز گرداند از طریق هداکید فرعون کی بود گیرا

وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنَ يَقَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

۳۸
۴۰۸۸

گفت مؤمن که می‌کنم ارشادپیروم باش در طریق رشاد

يَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ
الْقَرَارِ

۳۹

قوم من زندگانی دنیا بهره‌های قلیل هست او را
آخرت هست خانه‌ی جاوید [پس به سودای آخرت باشید]

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا
مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ
يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ

۴۰

بهر هر کس که باشد او بدکار هست پاداش مثل آن کردار
مؤمنی گر که کار نیکو کردو آن نکوکار بود زن یا مرد
پس به فردوس بهر اوست قرار می‌رسد رزق او بدون شمار

وَيَقُومَ مَا لِيَ أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجْوَةِ وَتَدْعُونِي إِلَى النَّارِ

قوم من خواستم نجات شما از چه خوانید سوی نار مرا

تَدْعُونِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ
وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ

دعوتی سوی کفر و شرک خداکه در آن نیست هیچ علم مرا
من شما را به حق کنم دعوت سوی آمرزگار با قدرت

لَا جَرَمَ أَنْتُمْ تَدْعُونِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا
فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ
النَّارِ

آنکه دعوت مرا کنید به آن دعوتش هیچ نیست در دو جهان
هست برگشت ما به سوی خدامسرفان را به دوزخ است
سرا

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأُفَوِّضُ أُمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

زود یاد آوری کنید آن را که بگویم کنون برای شما
کار خود را سپرده‌ام به خداحق بود بهر بندگان بینا

فَوَقَّهَ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكُرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ
الْعَذَابِ

حق نگهداشتش ز مکر پلیدآل فرعون را عذاب رسید

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ
أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ

عرضه دارند قوم را بر ناردرد دل صبح روشن و شب تار
در قیامت شوند هم رهیاب آل فرعون بر اشدّ عذاب

وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا
إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ

چون جدل می‌کنند بر آتش جمع خواران به فرقه سرکش
اینکه ما گشته‌ایم تابعتان سهم ما را برید از نیران

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ
الْعِبَادِ

پس بگویند فرقه‌ی سرکش همه هستیم در دل آتش
که خدا حکم کرد بین عباد[هر که را هر چه بود لایق داد]

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخِزْنَةِ جَهَنَّمَ أَدْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ
عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ

فرقه‌ای کو در آتش است مقیم پس بگویند به خازنان جحیم
که بخوانید ربّ که سازد کم‌روزی از این عذاب و این ماتم

قَالُوا أَوْ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمُ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا
فَادْعُوا وَمَا دُعَاؤُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

پس بگویند که نبود آیات و بینات بهر شما؟
پس بگویند اهل کفر چرا؟ پس بگویند خود کنید دعا
و دعا نیست قوم کافر راجز به راه ضلال در عقبا

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ
الْأَشْهَادُ

نصرت آریم ما به پیغمبرو آنکه دین و را کند باور
در همین زندگانی دنیاو گواهان چو می‌شوند به پا

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ
الدَّارِ

در چنان روز هر که ظالم بودعذر خواهی از او ندارد سود
بهرشان هست لعنت یزدان نیز جایی بد است مسکنشان

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ الْكِتَابَ

ما هدا داده‌ایم موسی را آل یعقوب راست نامهی ما

هُدًى وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ

بهر اندیشمند ذکر و هداست

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ
رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

صبر کن هست وعد یزدان راست
بر گناهت بیار استغفار حمد کن بالعشی و الابکار

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي ءَايَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ إِنْ
فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ
هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

آنکه دارد جدل بدون دلیل بهر آیات حق ربّ جلیل
نیست در سینه غیر کبر او راتو بیاور پناه سوی خدا
هست بینا خدا و هم شنوا

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَٰكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

آفرینش در این زمین و سما
هست برتر ز خلقت انسان اکثر خلق هست از آن نادان

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءَ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ

نیست یکسان بصیر و نابینامؤمن خوش خصال و اهل خطا
و چه بسیار کم ز اهل جهان متذکر شوند از این سخنان

إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

به یقین می‌رسد گه محشر نیست از بهر اکثر این باور

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

گفت حق سوی من کنید دعائا اجابت کنم برای شما
هر که سرکش شد از عبادت من‌خوار در دوزخش دهم مسکن

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

و خدا شب نهاد بهر قرار روشنی بخش خلق کرد نهار
و خدا رحمت آورد بر ناس اکثر خلق نیست اهل سپاس

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآذِنُوا لَهُ فَنُفِذَ

همه چیز آفرید ربّ شمانیست معبود غیر آن یکتا
منحرف می‌شوید سوی کجا؟ [روی آرید بر طریق هدا]

كَذَٰلِكَ يُؤْفِكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

و آنچنان منحرف شدند از آن منکران نشانه‌ی یزدان

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

حق زمین را نهاد بهر قرار آسمان را فکند پی ستوار
بهرتان ساخت بهترین صورت‌رزقتان پاک داد [از رحمت
بس خجسته است ایزد سبحان‌اوست پروردگار عالمیان

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

او بود حی و نیست غیر خدا خالق سوبش آورید دعا
ناب سازید بهر او ایمان حمد هست از خدای عالمیان

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

گو مرا نهی کرد آن یکتا که نیارم برای حق شرکا
چونکه از حق به من رسید نشان‌نیز دارم ز سوی حق فرمان
که مسلمان شوم من از دل و جان بهر پروردگار عالمیان

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِّتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِّتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُتَوَفَّىٰ مِن قَبْلٍ^ط وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ^ط فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ^و كُن فَيَكُونُ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِيَّ ءَايَاتِ اللَّهِ أَنِّي يُصْرَفُونَ

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ^ط رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

إِذِ الْأَغْلُلُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيُّنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ

مِن دُونِ اللَّهِ^ط قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمَّ نَكُنْ نَدْعُوا مِن قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ

ذَٰلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا^ط فَبئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ^ج فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ

اوست کو آفریدتان از خاک پس از آنهم ز نطفه‌ای [ناپاک پس از آن خون بسته در زهدان پس به طفلی برون شدید از آن پس از آن می‌رسید تا به کمال بعد از آن هم کهن شوید به سال پیش از این بعضتان رود ز جهان و شما را مشخص است زمان شاید ای مردمان بیندیشید] که شما را خدای ساخت پدید

او کند زنده و بمیراند] کار مرگ و بقا بگرداند] چون مقرر کند خدای احدپس بگوید که باش پس باشد

می‌بینی مجادلان نشان به کجا می‌شوند رو گردان؟

منکران رسول وحی و کتاب زود دانند] از جزا و عذاب

هست زنجیر و غل به گردنشان و چنین بار می‌کشند ایشان

می‌برند این گروه در جوشاب بعد از آنهم به آتشند کباب

پس بگویندشان که هست کجا؟ آنچه معبود بود غیر خدا

پس بگویند گم شدند از مایا نخواندیمشان خدا ابدآ آنچنان می‌کند خدا گمراه کافران را] به کار شرک و گناه

[پس ندا می‌رسد ز حی مجید] این بود ز انکه شادمان بودید ناروا در زمین بیاسودید گرم سرگرمی و طرب بودید

پس در آییند جاودان در نارسرکشان را بد است جای قرار

صبر کن راستست وعد خدا] آنچه بر کافران دهیم جزا] گر ببینی تو پاره‌ای ز وعید که به ایشان دهیم گشته پدید یا که بیرون بریمت از دنیا هست برگشتشان به جانب ما

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ
وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ
بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ
هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ

پیش از تو ز سوی حی جلیل‌بس پیمبر که گشته است
گسیل
بعضشان بر تو داشتیم عیان‌پاره‌ای را نکرده‌ایم بیان
می‌نیارد رسول هیچ نشان‌جز به اذن خدای عالمیان
داوری می‌شود میان بشرچون رسد حکم از سوی داور
و به آنان رسد بسی خسران‌که روانند در ره بطلان

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَمَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا
تَأْكُلُونَ

چارپا آفرید بهر شما بهر اکل و سواری از آنها

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ
وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

هم از آن سودها برای شماست‌هم رسیدن از آن به
حاجت‌هاست
و به کشتی و آن شوید سوار[تا شما را برد به بر و بحر]

وَيُرِيكُمُ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ

آیه‌ها را نشان دهد دادارپس کدام آیه را کنید انکار؟

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَءَثَارًا فِي الْأَرْضِ
فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

می‌نگردند در زمین آیا؟ پس ببینند عاقبت‌ها را
بس که بودند پیشتر زیشان‌نیز برتر به قدرت و به نشان
هر چه از کارهای آنان بود بهر آنان نداشت هرگز سود

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ
الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

چون رسل بهرشان نشان آوردقوم بر علم خویش نازش کرد
عاقبت شد محیط آنان را آنچه را داشتند استهزا

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا
بِهِ مُشْرِكِينَ

چونکه بینند انتقام مراباور آرند آن زمان به خدا
و بگویند نیست باور ما آنچه از شرک داشتیم روا

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ
خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ

ندهد سود بهرشان ایمان‌چونکه دیدند قهر از یزدان
بود این سنت خدا به عبادکافر آنگاه هستی از کف داد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حَم

۱
۴۱۳

[حا و میم است راز حی حکیم

تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲

نامه از سوی خیر بخش رحیم

كِتَابُ فَصَّلَتْ ءَايَتُهُ وَ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

۳

نامه از آیه‌ها شدست بیان به زبان عرب به دانایان

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

۴

ز آن بشیر و نذیر اکثرشان نشنوند و شوند رو گردان

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي ءَاذَانِنَا وَقْرٌ
وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْ إِنَّا عَمِلُونَ

۵

و بگفتند قلب ماست نهان ز آنچه دعوت کنیدمان سوی آن
گوشهامان به اوج سنگینی بینمان پرده‌ای [ز بد بینی
تو به دستور خالقت کن کارما مطیع خودیم در کردار

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَٰهُ
وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ۖ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ

۶

گو منم آدمی به مثل شما می شود وحی سوی من ز خدا
که خدای شما بود یکتا کار خود راست دار بهر خدا
و بخواهید از خدا غفران وای بر مشرکان بی ایمان

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

۷

که زکاتی نمی کنند ادا و همه کافرنند بر عقبا

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

۸

به یقین صالحان با ایمان بهرشان هست اجر بی پایان

قُلْ أَنتَ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ
وَتَجْعَلُونَ لَهُ ءُتْدَادًا ۚ ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ

۹
حزب
۱۹۱
۴۱۴

گو اگر منکری به آنکه زمین آفریدست در دو روز چنین
نیز همتانهد با یزدان اوست پروردگار عالمیان

وَجَعَلَ فِيهَا رَوْسِيَٰ مِّنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا
أَقْوَتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّالِيلِينَ

۱۰

و نهادست کوهها بر آن و در او خیرها بساخت نهان
رزقها زو مقدر است در آن وقت او در چهار روز زمان
بهر درخواست آوران یکسان مهربان است بهرتان یزدان

ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ
أُتَيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ

۱۱

کرد آهنگ آسمان چو ودوده زمین و سما چنین فرمود
خواه ناخواه در وجود آید پس بگفتند آمدیم مرید

فَقَضَلَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثُمُودَ

إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۖ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِءٍ كَافِرُونَ

فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً ۖ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ ۖ فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

کرد هفت آسمان دو روز ایجادامر خود را به هر سپهر بداد جلوه دادم سپهر دنیا را با چراغ و بدارم آنها را آن بود کار ایزد داناو حسابی دقیق هست آن را

رویگردان شوند اگر از ماگو که من بیم می‌دهم به شما آورم تندی به قوم فرودتندی همچو ز آن عاد و ثمود

گفته‌اند انبیا ز پیش و ز پس‌که بجز حق مباحش عابد کس پس بگفتند خواهد ار که خداملک آید فرو به جانب ما کافریم آن‌چه هست امر شماکه فرستدنتان [ز سوی خدا]

ناروا عاد کرد استکباردر زمین وین چنین شدش گفتار ما تواناتریم در هر جامی‌ندیدند از چه کار خدا که خدا آفرید ایشان را اوست برتر ز جملگی به قوا داشتند آیه‌های حق انکار

پس فرستاد مرمری دادار روزهایی که بهرشان شد شوم‌می‌چشیدند کیفری ز سموم این عذاب است خواری دنیا بعد از اینهاست کیفر عقبا و ندارند یاوری آنجا[هان بترسید از عذاب خدا]

بهر قوم ثمود بود هداخود مرجع شناخت عمیا را تندی از عذاب ذلت‌بارهمه را برگرفت ز آن کردار

دسته‌ی مؤمنان با تقواهمگی را نجات داد خدا

دشمنان خدا چو گرد آیندبه سوی نار مدتی پاییند

پس شود چشم و گوش و پوست گواه‌کارشان را چو می‌رسند از راه

وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

پس بگویند بهر پوست چرا؟ تو گواهی دهی مقابل ما گوید ایزد کند مرا گویا آنکه گویا کند همه اشیا اولین بار نیز کرد پدیدسوی او جمله باز می‌گردید

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنْنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ

می‌نکردید هیچ پوشیده‌که گواه شما شود دیده یا گواهان ز گوش یا ز جلود بلکه بهر شما گمان این بود که نباشد خدایتان دانا از بسی کارهای زشت شما

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنْنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَدْتُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَسِرِينَ

بهر حق چونکه داشتید گمان اوفتادید در ره خسران

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ

گر بگیرند راه صبر و شکیب بهرشان نار دوزخ است نصیب و ر بگیرند راه عذر آنجا نپذیرند عذر ایشان را

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّيْنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّرٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ

بهرشان ساختیم یار قرین‌که کند کار زشتشان تزیین ز آنچه از پیش روی و از پس سرداشتند آن کسان ز فتنه و شر شد محقق او امر داورپیش از آنان ز نوع جن و بشر و فتادند جمله در خسران پند گیرید از ره دگران

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ

کافران گفته‌اند ای یاران مسپارید گوش بر قرآن و در آن یاوه‌ها کنید به پاتا که غالب شوید جمع شما

فَلَنُذِيقَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

بچشانیم ما بر این کفار از عذاب شدید بر کردار و جزا می‌دهیم آنان را بدترین کارهای ایشان را

ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

آن مجازات دشمنان خداست آتشی جاودان به دار بقاست به مجازات می‌شوند دچار از آنکه آیات ما کنند انکار

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أُضْلَلْنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ

پس بگویند کافران ربّاحالیا آن کسان به ما بنما که از آنان شدیم ما گمراه‌ر که باشد ز جن و انس [تباه زیر پا می‌نهییم آنان را پست سازیم جمع ایشان را

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ
تُوعَدُونَ

نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا
مَا تَشْتَهُي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ

۳۱

نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ

۳۲

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ
إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

۳۳
۴۱۷ر

وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

۳۴

وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ
عَظِيمٍ

۳۵

وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۳۶

وَمِنْ ءَايَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا
لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنْتُمْ
إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

۳۷

فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ
وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ۝

۳۸
سجده
واجب

آن کسانی که گفته‌اند خداهست پروردگار ما و شما
پایداری سپس کنند در آن‌پس ملک آید [و بگویدشان
که باشید هیچ‌گه ترسان و مبدا غمی به خاطرتان
بر شما این زمان بشارت باد به بهشتی که حق نویدش داد

هست ربّ جهان ولی شما هم به دنیا و هم گه عقبا
هر چه خواهید می‌شود حاضر و آنچه دارید سوی او خاطر

میهمانی است ز آن غفور رحیم بهر آن بنده‌ی به حق تسلیم

کیست برتر به راه قول و دعا؟ ز آنکه دعوت کند به سوی
خدا
عملش نیک باشد و به زبان می‌بخواند خود از مسلمانان

کار زشت و نکو نشد یکسان‌کار بد را به کار نیک بران
آنکه بوده است با تو خصم قدیم می‌شود زین رویه یار حمیم

می‌دهند این مقام و خیر سترگ صابری را که داشت سهم
بزرگ

گر که وسواسی آید از شیطان‌پس پناه آر جانب یزدان
که خدا هست بر همه دانابشود او ز هر کجاست ندا

روز و شب مهر و مه نشانه‌ی اوسر به شمس و قمر میار فرو
سجده آرید سوی خالقشان‌گر پرستش کنید بر یزدان

گر تکبر کنند در این کار خلق نزدیک خالق غفار
می‌ستایند روز و شب یزدان و نگردند هیچ رنجه از آن

وَمِنْ ءَايَاتِهِۦ أَنَّكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ۚ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتِ ۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي ءَايَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَن يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَن يَأْتِي ءَامِنًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُۥ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ ۖ وَإِنَّهُۥ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

لَّا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِن خَلْفِهِ ۖ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَاتُهُ ۖ ءَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ ۚ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ ۚ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقُرْ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۚ أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ

مَّنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ

۴۵

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵
۴۱۸۹

۴۶

از نشانه‌های حق یکی است همین‌که فسرده است و مرده است زمین
چون فرستیم بهر آن باران‌جنبد و کشتزار روید از آن
آنکه این مرده را کند احیامی‌کند زنده مرده‌های شما
به همه چیز قادر است خدا[بلکه قدرت فقط بود او را]

آنکه کجرو بود در آیه مانیست کارش نهان به نزد خدا
آنکه را افکنند در نیرانو آنکه دارد به آخرت ایمان
گو کدام است به به نزد شما؟آنچه خواهید آورید اینجا
به یقین هست قادر یکتابر همه کاره‌ایتان بینا

گر که بر ذکر آورند انکارچونکه آمد ز جانب دادار
[مزد انکار خویش را بینند]به یقین نامه‌ای است نیرومند

باطل از پیش و پس نبود او رانازل است از ستوده‌ی دانا

آنچه گویند یاوه بر تو کسان‌رسل پیش دیده‌اند همان
هست پروردگار تو غفارو الیم است کیفر جبار

عجمی بود اگر که این قرآن‌می‌بگفتند [مردمان جهان
آیه‌هایش چرا نگشته عیان؟عجمی و جماعت عربان
گو که آن هست بهر با ایمان‌هم شفا هم هدایت از رحمان
و آن کسان که نیاورند ایمان‌هست ثقلی به گوششان پنهان
گو همان کوری است آنان راگویی از دورشان دهند ندا

ما بدادیم نامه با موسی‌پس در آن اختلاف شد پیدا
گر نمی‌بود گفته‌ی یزدان‌داوری بود در میانه‌ی شان
و هنوزند آن کسان در شککه در آن بدگمانی است کمک

صالحان راست سود کار نکوو آنکه بد کرد می‌رسد بر او
و خدای جهان برای عبادبرنگیرد طریقه‌ی بیداد

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا ءَاذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ

علم روز جزاست ز آن علّامیوه بیرون نیاید از اکمام
ماده را نیست کار حمل جنین نهد بار خویش را به زمین
جز به علم خدای بی‌همتا [نیست کس از دقایقش دانا]
چون ندا می‌رسد ز سوی خدا که کجایند بهر من شرکا؟
پس بگویند مردمان آنگاه‌گفته بودیم نیستیم گواه

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَدْعُونَ مِن قَبْلُ وَظَنُوا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ

گم شود آنچه خوانده‌اند آنان و مفری نمی‌کنند گمان

لَا يَسْتَمُ الْإِنسَانُ مِن دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ

نشود رنجه کس ز حسن دعا چون رسد شر به خلق نیست
رجا

وَلَئِن أَدْقَنَهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَّسَّهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لِلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

چون ببینند رحمت یزدان بعد از آنکه که دیده‌اند زیان
پس بگویند این لیاقت ماست که بداند قیامتی بر پاست؟
و اگر هم رویم نزد خدازند او اجرتی بود ما را
بهر کفار می‌کنیم بیان هر چه انجام داده‌اند آنان
و چشانیمشان هم از کیفر کیفری بس شدید و رنج آور

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَسَا بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ

چونکه نعمت دهیم بر آنان از خدا می‌شوند رو گردان
چونکه شری رسد به جانب‌شان پس از آن بس دعا کنند آنان

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِءَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

این سخنها اگر بود ز خدا و شما کافرید اینها را
کیست گمراه‌تر به راه خطا ز آنکه دارد مخالفت به خدا

سَرُّهُمْ ءَايَتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

می‌نمایمشان نشانها راگاه جانها و گه کرانها را
تا شود آشکار بهر کسان اینکه حق است کردگار جهان
نیست کافی خدای تو آیا؟ که به هر کار و چیز اوست گواه

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَاءِ رَبِّهِمْ ؕ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ

شک کنند ار لقای آن یکتا و محیط است بر همه اشیا

۱
۴۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حم

۲

عَسَق

و

۳

كَذَلِكَ يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ

۴

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

۵

تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ ۚ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

۶

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِیْظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا
أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

۷

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ
حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۚ فَرِیقٌ فِي الْجَنَّةِ
وَفَرِیقٌ فِي السَّعِيرِ

۸

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ
فِي رَحْمَتِهِ ۚ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

۹

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ ۖ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي
الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱۰
۴۲۰

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ ۖ فَحُكْمُهُ ۖ إِلَى اللَّهِ ۗ ذَلِكُمُ اللَّهُ
رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

حا و میم است و عین و سین و قاف رازی از حق و هیچ
نیست خلاف

بر تو وحی است و انبیای قدیم از خدایی که قادر است و
حکیم

هست از او آنچه در زمین و سماست و خدا بس بزرگ و بس
والاست

هست نزدیک کآسمان جهان بشکافد [ز گفته‌ی آنان
هر ملک در ستایش یزدان خواهد از کردگار خود غفران
بهر اهل زمین از این گفتار حق بود مهربان و هم غفار

هر که گیرد ولی بجز رحمان پس مراقب بود بر او یزدان
تو وکالت نمی‌کنی او را [کار او را سپار سوی خدا]

وحی کردیم بهر تو قرآن به زبان عرب شدست بیان
تا بترسانی [از عذاب فزون اهل امّ القرا و پیرامون
تا دهی بیمشان ز روز جزا که در آن شک و شبهه نیست روا
هم در آن عده‌ای بود به جنان هم گروهی در آتش سوزان

گر که می‌خواست قادر دانا همه بودند امتی یکتا
هر که را خواست رحمت است او رانیست یار و ولی به اهل
جفا

بس ولی جز خداست آنان را؟ در حقیقت ولی است آن یکتا
و خدا زنده می‌کند مردارو همو قادر است بر هر کار

آنچه دارید اختلاف در آن داندش حکم کردگار جهان
کار خود را سپرده‌ام به خدا بازگردم به سوی آن یکتا

فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

آفریده است این زمین و سماساخت او جفت از برای شما هم ز انعام نیز جفت آوردو از آن نسل خلق افزون کرد همچو او نیست در همه اشیااوست بینا و او بود شنوا

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

بهر یزدان کلید ارض و سماسترزق افزون کند به هر کس خواست
نیز از هر که خواست روزی کاستبر همه چیزها خدا داناست

شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ

بهرتان دین نهاد و توصیه کردآنچه را بر رسول وحی آورد همچو موسی و نوح و ابراهیمنیز عیسی رسول حیّ عظیم تا به هر جای دین به پا داریدو نیارید اختلاف پدید هست بر مشرکان ثقیل و گرانآنچه خوانید خلق را سوی آن آنکه را خواست برگزید خداتائبان را خداست راهنما

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّفَقَضَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ

چونکه دانش به سویشان برسیدپس ره اختلاف گشت پدید گر نمیبود حکم پیش خداداوری بود بینشان ز جفا بعد از آن قوم وارثان کتابهمه گشتند بهر حق مراتب

فَلِذَلِكَ فَادَّعِ وَأَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

دعوتی آر و شو بر آن ستوارز آنکه مأمور گشتی از دادار و مشو پیرو هوای کسانو بگو هست بهر من ایمان آنچه در این کتاب یزدان دادنیز مأمور گشتهام بر داد و خدا هست ربّ ما و شماکار هر کس بود همان کس را دشمنی نیست در میانهی جامع و برگشت ماست سوی خدا

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُمْ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

آن کسانی که می‌کنند جدل در وجود خدای عزّ و جلّ بعد از آنکه که داشتند قبول حکمشان نیست نزد حق مقبول بهرشان خشم هست از یزدان و عذابی شدید [در نیران

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

داد حق این کتاب را میزان و قیامت قریب باشد هان

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

در شتابند قوم بی‌باور [بهر دیدار عرصه‌ی محشر] در هراسند مؤمنان ز جراح حق بدانند جملگی آن را و آنکه دارد به یوم دین تردیده‌ست گمراه و در ضلال بعید

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

بندگان را خدا عطا بخشاست می‌دهد رزق هر که را حق خواست اوست در دو جهان قوی و عزیز نیز او قادرست بر هر چیز

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ

هر که خواهد زراعت عقبام فزاییم کشته‌ی او را ور که خواهد زراعت دنیاها همان خیر می‌دهیم او را و ندارد نصیب روز جزا [پس بخواهید بهره‌ی عقباً]

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آن بتان ساختند دین آیا؟ بهر آنان بدون اذن خدا گر نمی‌بود حرف قطعی مایبشتر بود کیفر آنان را بهر هر فرقه‌ی جفا گسترکیفری هست سخت دردآور

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُمْ وَقَعُ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

بیمناکند ظالمان از کارهم به کیفر شوند زود دچار لیک شایستگان با ایمان جایشان هست در نعیم جنان و آنچه خواهند می‌رسند به آن و آن ز حق فضل و رحمتی‌ست گران

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي
الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتِرْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ
غَفُورٌ شَكُورٌ

۴۲:
شوری
۲۳
/۵۳

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشِإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ
قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ
عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

۲۴

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ
وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ

۲۵

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم
مِّن فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

۲۶

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِن
يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ

۲۷
حزب
۱۹۵

وَهُوَ الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِّن بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ
وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ

۲۸

وَمِنَ ءَايَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن
دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ

۲۹

وَمَا أَصَبَكُمْ مِّن مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا
عَن كَثِيرٍ

۳۰
۴۲۲ر

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۚ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ
مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

۳۱

می‌دهد مژده بنده را دادار آنکه را مؤمن است و نیکوکار
گو خواهیم اجرتی بر آن‌جز مودت برای نزدیکان
هر که انجام داد کار نکومی‌فزاییم خیر را بر او
به یقین هست ربّ ما غفارو هم از بندگان سپاسگزار

این سخن خوانده‌اند کذب آیا؟یا بود افترا برای خدا
گر بخواهد خدا [شود مانع بر دلت مهر می‌زند] قاطع
محو سازد خدای باطل را او محقق شود کلام خدا
او هم از راز سینه‌هاست خبیر

بندگان را هم اوست توبه‌پذیر
او ببخشد ز بنده جرم و گناهو هم از کارتان بود آگاه

می‌پذیرد دعایش آن غفار هر که مؤمن شد و نکوکردار
هم فزاید ز فضل بر آنان‌و به کافر رسد عذاب گران

گر فزاید خدا به رزق عباددر زمین می‌کنند جور و فساد
پس فرستد به قدر آنچه که خواست‌ببیند و بر عباد خود
دانااست

می‌فرستد ز آسمان باران‌چونکه نومید گشته‌اند از آن
گسترد فضل و رحمت خود راهم ولی است و هم حمید خدا

زو نشان است خلق ارض و سماو آنچه جنبنده است در
آن‌ها
او تواناست تا که گرد آردهمه را گر که خواست حی احد

هر مصیبت که شد برای شماهست محصول کارهای شما
بگذرد از بسی گناه و خطا

توانید از او رهید شما
در جهان غیر کردگار قدیرنیست بهر شما ولی و نصیر

وَمِنْ ءَايَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ

۳۳

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِۦ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

۳۴

أَوْ يُوقَهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ

۳۵

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي ءَايَاتِنَا مَا لَهُمْ مِّن مَّحِيصٍ

۳۶

فَمَا أُوتِيتُمْ مِّن شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

۳۷

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ

۳۸

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

۳۹

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ

۴۰

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۖ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ ۚ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

۴۱

وَلَمَنِ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ ۚ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّن سَبِيلٍ

۴۲

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۴۳

وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

۴۴

۴۲۳/

وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن وَلِيٍّ مِّنْ بَعْدِهِ ۖ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ

از نشانهای اوست در دریاچون جبالی به جلوه کشتیها

خواهد ار باد را کند ساکن روی یم فلکها کند ساکن
به یقین بس نشانه است در آن‌هر که دارد ز صبر و شکر
نشان

گاه کرد از جفایشان نابودنیز گاهی گناهشان بخشود

آنکه دارد جدل در آیت مانیست هرگز گریز گه او را

آنچه دادیم بهره از اشیاچملگی هست بهره دنیا
و آنچه باشد به نزد آن داورآن بود ماندنی‌تر و بهتر
این بود بهر خلق با ایمان‌که سپردند کار بر یزدان

که ز جرم کبیره بر حذرندو به هنگام خشم درگذرند

نیز لبیک گوی دادارندو نماز خدا به پا دارند
امرشان هست بینشان شور او ببخشند روز خود را

چون به آنها رسید ظلم و فسادمی‌ستانند از ستمگر داد

هست اجر بدی بدی چون اوو آنکه بخشید کردگار نکو
هست پاداش او بر دادارو خدا نیست با ستمگر یار

و آنکه چون دید راه جور و فسادو بگیرد خود از ستمگر داد
نیست ایراد و مشکلی بر او[یا که عذری برای مفسده جو]

هست ایراد آنکه مردم راناروا می‌کنند جور و جفا
بهر آنان بود عذاب الیم و بمانند جاودان به جحیم

گر ببخشید و صبر پیشه کنیداین مهم را سزااست عزم
شدید

هر که گمره کند خدا او رانیست بهرش ولی ز بعد خدا
چون به اهل ستم رسید عذاب‌جوید او بازگشت و راه
صواب

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ
طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ
خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي
عَذَابٍ مُّقِيمٍ

چون ببینند در برابر نارپس خشوعی کنند ذلتبار
پس نهانی نگه کنند به آن پس بگویند خلق با ایمان
آن کسانی شدند اهل زیان که ز کف رفت هستی ایشان
هستی اهل خانه‌ی خود رانیز دادند جمله در عقبا
هان ستم‌پیشگان شوند مقیم‌روز پاداش در عذاب جحیم

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ
يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ

بهرشان نیست هیچ یار و پناه‌بهر گمراه حق نماند راه

أَسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنْ
اللَّهِ مَا لَكُمْ مِّنْ مَّلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَّكِيرٍ

پس اجابت کنید حکم خداییش از آن روز که رسد به شما
نیست برگشت از عذاب خداو ندارید ملجأ و منجا

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ حَفِظًا ۖ إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا
الْبَلَّغُ ۖ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرَحَ بِهَا وَانْ
تُصِبَّهُمْ سَيِّئَةٌ ۖ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

گر که از تو شوند رو گردان‌نیستی تو محافظ ایشان
نیست بر تو مگر بلاغ پیام از پیامت ز کف مده آرام
چون چشانیم فضل بر انسان‌خود از این فضل می‌شود
شادان
چونکه شری رسد به او از کارناسپاسی کند به حق بسیار

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ يَهْبُ لِمَنْ
يَشَاءُ إِنْتَا وَيَهْبُ لِمَنْ يَشَاءُ ۚ الدُّكُورُ

از خدا ملک این زمین و سماست‌آفرید آنچه را که حق
می‌خواست
هر که را خواست می‌دهد دخترهر که را خواست حق بداد
پسر

أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنْتَا ۖ وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا ۚ إِنَّهُ
عَلِيمٌ قَدِيرٌ

هر که را خواست ساخت جنسش جوربهر او می‌رسد اناث و
ذکور
و آنکه را خواست حق بساخت عقیم‌به یقین حق بود قدیر و
علیم

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِ
حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ ۚ مَا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ عَلِيٌّ
حَكِيمٌ

حق ندارد به سوی خلق خطاب‌جز ره وحی یا ز پشت حجاب
یا که وحی آورد رسولی را آنچه را خواست حق بود دانا

وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا
الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِٓ مَن
نَّشَاءُ مِّنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

صِرَاطِ ٱللَّهِ ٱلَّذِي لَهُٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۚ ٱلَّا
إِلَى ٱللَّهِ تَصِيرُ ٱلْأُمُورُ

۴۳. زخرف	الرُّحُف: زینت	مکی	۸۹ آیه	۷ صفحه
----------	----------------	-----	--------	--------

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِیْمِ
حم

وَالْكِتٰبِ الْمُبِیْنِ

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِیًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

وَإِنَّهُٗ فِىٓ أُمِّ ٱلْكِتٰبِ لَدِیْنَا لَعَلِیْ حَكِیْمٌ

أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ ٱلدِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِیْنَ

وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِیِّ فِى ٱلْأَوَّلِیْنَ

وَمَا یَأْتِیهِمْ مِّن نَّبِیٍّ إِلَّا كَانُوا۟ بِهِٓ یَسْتَهْزِءُونَ

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَّمَضَىٰ مَثَلُ ٱلْأَوَّلِیْنَ

وَلَیِّن سَأَلْتَهُم مِّنْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَٱلْأَرْضِ لَیَقُولُنَّ
خَلَقَهُنَّ ٱلْعَزِیْزُ ٱلْعَلِیْمُ

ٱلَّذِی جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِیْهَا سُبُلًا
لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

آنچنان وحی آمدست تو راروحی از امر قادر یکتا
و نبودت خبر ز دین و کتابداده‌ام نور بر طریق صواب
و از این بندگان هر آنکو خواست‌رهنمایی کنی تو در ره
راست

راه آنکس کز او زمین و سماست‌بازگشت امور سوی
خداست

[حا و میم است رازی از قرآن‌به رسول گرامی یزدان

و قسم بر کتاب فاش و عیان

ما فرستاده‌ایم این قرآن
با زبانی فصیح و هم‌گویاشاید اهل خرد شوید شما

و آن به امّ‌الکتاب نزد خداست‌استوار است و هم بسی
والاست

گیرم این ذکر از شما آیا؟که فزونکار مردمید شما

و چه بسیار ما فرستادیم‌انبیای زمان به عهد قدیم

هر رسولی که آمد آنان را‌بهر او داشتند استهزاء

گشت نابود سخت تر زیشان‌و گذشته است قصه آنان

گر بپرسی از این گروه آیا؟چه کسی آفرید ارض و سما
پس بگویند آفرید آن راآن خدای توانگر و دانا

این زمین مهد کرد بهر شماره‌گشودست بهرتان ز ینجا
تا که بر آن طریق ره یابید[سوی مقصود خویش بشتابید]

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا
كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ
وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ

لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ
عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ
مُقْرِنِينَ

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ

۱۶
۴۲۵۲
أَمْ أُتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ
مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

۱۸
أَوْ مَنْ يُنشِئُوا فِي الْحَلِيِّةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ

۱۹
وَجَعَلُوا أَلَمَلِيكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبْدُ الرَّحْمَنِ إِنَّا أَشْهَدُوا
خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَدَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ

۲۰
وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ ۗ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ
عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

۲۱
أَمْ ءَاتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ ۖ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ

۲۲
بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ ءَاثَرِهِمْ
مُّهْتَدُونَ

او فرستاد آب را ز سمانیز اندازه‌ای بداد آن را
پس کند خاک مرده را احیایینچنین هم برون شوید شما

زوجها آفرید و کرد پدیدفلک و انعام تا سوار شوید

بر فرازش چو یافتید قرارید آرید نعمت دادار
و بگویید پاک یزداناتو به ما رام کرده‌ای این را
ورنه ما را نبود هیچ توان

باز گردیم ما سوی یزدان

جزیی از بندگان یزدان رابنهادند ویژه بهر خدا
ناسپاس است آدمی رسوا

ز آنچه حق آفریده است آیا؟
برگزیدست بهر خود دختری برای شما نهاد پسر

مژده چون می‌رسد به هر یکشانز آنچه نسبت دهند بر
یزدان
[که ورا داده دختری الله صورتش میشود ز خشم سیاه

[و شریک آورند بر داور]آنچه را پرورند در زیور
و ندارند بر دفاع بیان هست این قول شرک بر یزدان

بندگان خدا ملائک راماده دانند این گروه آیا؟
بهر خلق ملک شدند آگاه‌می‌نویسیم اگر شوند گواه
و شود پرسش این سخن زیشان که ملک کی بود ز جمع زنان

و بگویند خواهد ار یزدان‌ما نباشیم عابد اینان
و ندارند آگهی از آن‌و دروغ است گفته‌ی آنان

نامه‌ای داده‌ایمشان آیا؟که تمسک کنند بر آن‌ها

نی بگفتند یافتیم آباراه پوییم در پی آنان را

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا عِبَادَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ ءَاثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ عِبَادًا كُفُّوا قُلُوبًا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

فَأَتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَعَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُفْهًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ

ای محمد پیامبر یزدان پیشتر از تو نیز بود چنان
نفرستاده‌ام به هیچ دیار هیچ پیغمبر از ره هشدار
جز که گفتند قوم خوشگذران‌ما اطاعت کنیم از پدران

گفت اگر آورم برای شمارهنماتر ز شیوهی آبا
پس بگفتند [باز هم ما راهست انکار بر پیام شما

کین ستانددیم عاقبت ز آنان منکران را ببین چه شد پایان

و به یاد آر چونکه گفت خلیل‌پدر و قوم را [ز ربّ جلیل
هست بیزاری ای گروه مرا از خدایان و از بتان شما

جز خدایی که هست خالق مازود او بر من است راهنما

و نهاد این کلام در اعقاب‌تا که آرند رو به راه صواب

آن گروه و گذشتگان‌ش را بهره دادیم چندی از دنیا
تا که آمد به جانب ایشان سخن حق و هم رسول عیان

حق چو آمد به سویشان گفتنداین بود ساحری و هم ترفند
ما به این گفته آوریم انکار[و نگردیم بر فریب دچار]

و بگفتند از چه رو قرآن‌نیست نازل به مال دار کلان؟

که بود در دو شهر با عنوان این بود قول خلق بی‌ایمان
پخش دارند لطف حق آیا؟هست تقسیم بینشان از ما
سهم دادم حیات دنیا را این یکی شد به دیگری اول
تا بگیرند راه استهزا آن یکی بهر دیگری ز آنها
به بود لطف و رحمت یزدان ز آنچه جمع آوری کنند آنان

گر نگردند مردمان یکسان‌می‌نهم بهر خلق بی‌ایمان
سقف سیمین به خانهی ایشان نردبان‌ها که بر شوند بر آن

وَلِيُؤْتِيَهُمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ

وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ

وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ

وَأَنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ

وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْى وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

فَإِنَّمَا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ

أَوْ نُرِيَنَّكَ الْآذِيَ وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ

وَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ ءَالِهَةً يُعْبَدُونَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِۦ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ

نیز درها و تختها که بر آن‌همه باشند شاد و تکیه زنان

گر همه سیم و گوهر رخساست‌بهره‌ی زندگانی دنیاست

آخرت بهر خلق با تقواست‌اجرت آن کسان به نزد خداست

هر که غافل ز حق شود ابلیس‌می‌شود بهر او قرین و جلیس

می‌شود دور از طریق خدابه گمانش که هست راه هدا

پس بگوید گه جزا او راکاش می‌بود در میانه‌ی ما

فاصله همچو شرق و غرب زمین‌چه بد است این جلیس و یار

و قرین

نرسد سود بهرشان ز خطاب‌همگی ظالمند و اهل عذاب

چون کنی حرف خویش را تبیین؟‌کور دل هست در ضلال

مبین

گر تو را ما بریم از اینجااین بود انتقام آنان را

ور به تو وعد خود دهیم نشان‌به یقین قادریم بر آنان

خوب محکم بگیر وحی خداکه بود این طریق راست تو را

بر تو و قوم توست قرآن‌پندو شما را از آن سؤال کنند

و بپرس انبیای پیشین راکيست جز ذات حق اله و خدا؟

و فرستاد با نشانه خداسوی فرعون و قوم موسی را

پس بگفت آن رسول با ایشان‌من رسولم ز ربّ عالمیان

چونکه دادیم آیه برایشان‌قوم ناگاه شد بر آن خندان

وَمَا نُرِيهِمْ مِّنْ ءَايَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ
بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

۴۹

وَقَالُوا يَا أَيُّهُ السَّاحِرُ أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا
لَمُهْتَدُونَ

۵۰

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ

۵۱

وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَبْقَوْمُ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ
وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ

۵۲

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ

۵۳

فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأِكَةُ
مُقْتَرِنِينَ

۵۴

فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِيقِينَ

۵۵

فَلَمَّا ءَاسَفُونَا اُنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ

۵۶

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ

۵۷
حزب
۱۹۸
۴۲۹۲

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ

۵۸

وَقَالُوا ءَالِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ
قَوْمٌ خَصِمُونَ

۵۹

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ

۶۰

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَّلَآئِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ

ندهیم آیه‌ای به خلق نشان‌جز که باشد مهمتر از دگران
و به ایشان نشان دهیم عذاب‌تا بیایند در طریق صواب

پس بگویند ای تو افسونگر‌بهر ما خود بخواه از داور
به همان عهد در میان شماهمه آییم در طریق هدا

لیک چون از عذاب ما رستند‌جمله پیمان خویش بشکستند

داد فرعون بهر قوم نداکه منم پادشاه مصر و شما
نیز این رو دهاست جمله ز مان‌گیرید این همه جلال آیا؟

برترم زین که نیست از اشرافو ندارد به نطق خود اشراف

بهر او نیست دست‌بند از زرو ملک نیست بهر او یاور

خفتی داد امت خود راتا کند امر و حکم او اجرا
قوم بودند سخت نافرمان بهر حکم خدای عالمیان

چون شدم خشن‌اک از آنان انتقامی گرفتم از ایشان
غرقه کردیم قوم را یکسر

و مثل شد به مردمان دگر

مثلی چون زدند از عیسی‌قوم تو کرد ناگهان آوا

که خدایان ما بود بهتر[یا که آن برگزیده‌ی داور]
و نگفتند جز برای ستیز‌رای این قوم هست رأی ستیز

بنده‌ای بود بهر ما [عیسی که بر او بود فضلها ز خدا
و نهادیم از آن رسول و دلیل‌مثلی بهر آل اسرائیل

گر بخواهم فرشتگانی رامی‌گذارم خلیفه بهر شما

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

هست عیسی نشان روز جزا پس ندارید هیچ شبهه روا
این زمان پیروی کنید مرا این بود راه راست سوی خدا

۶۲

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

هان نگرداندت زره شیطان اوست بهر شما عدوی عیان

۶۳

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

چونکه آورد بس نشان عیسی گفت دادم به خلق حکمت را
میکنم من برای قوم بیان ز آنچه دارند اختلاف آنان
پس بترسید از گناه خدا و اطاعت کنید حکم مرا

۶۴

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

و خدا کردگار ما و شماست بپرستیدش این بود ره راست

۶۵

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ

دسته‌ها در نزاع گشته مقیم‌وای بر ظالم از عذاب الیم

۶۶

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

قوم نادان شدند چشم به راه‌که قیامت فرا رسد ناگاه

۶۷

الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ

دوستانند بهر هم اعدا غیر جمعی که بود با تقوا

۶۸
۴۳۵

يَعْبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ

نیست ترس از برایتان اکنون بنده من! مباش هم محزون

۶۹

الَّذِينَ ءَامَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ

چون به آیات مؤمنید شما و مسلمان شدید بهر خدا

۷۰

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ

پس در آییند در نعیم جنان شادمانه شما و همسران

۷۱

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

ظرف و جام زر است در جولان هم در آن هر چه دل بود
خواهان
نیز لذت برد از آن چشمان ماندگارید جاودانه در آن

۷۲

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

آن بهشت است و وارثید شما ز آنچه اعمال آورید به جا

۷۳

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ

میوه‌ها بهرتان بود بسیار تا که از آن شوید برخوردار

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

مجرمانند در عذاب جحیم‌هم در آندند جاودانه مقیم

لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ

کاهی‌شی نیست ز آن عذاب شدیدو در آن کیفرند بس نومید

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ

بهرشان ظلم نیست از سوی ما بلکه بر خود کنند جور و جفا

وَنَادُوا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۖ قَالَ إِنَّكُمْ مَكِثُونَ

حرف ایشان به مالک دوزخ اینچنین است مالکا آوخ
آه ما را کنون بمیرانیدو بگوید خدا که می‌مانید

لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ

حق بیاورده‌ایم بهر شما اکثر اکراه داشتید چرا؟

أَمْ أَبْرِمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ

بود در کار شرّتان تصمیم‌نیز ما عزم استوار کنیم

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ ۚ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ
يَكْتُمُونَ

در گمانند این کسان کآیاما ندانیم سر و هم نجوا؟
نی فرستادگان ما زیشان‌می‌نویسند هر کلام و بیان

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَبِيدِينَ

گو ولد بود اگر برای خدا اولین بنده این منم او را

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

پاک باشد خدای ارض و سماز آنچه توصیف می‌کنند او را

فَذَرَهُمْ يَخْضَوْنَ وَيَلْعَبُونَ حَتَّىٰ يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

کن رهاشان به یاوه از سخنان‌گرم بازی شوند و غرقه در آن
تا ببینند روزگار جزا که بر آن وعده داده است خدا

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ وَهُوَ الْحَكِيمُ
الْعَلِيمُ

او خداوندگار ارض و سماست و خدا هم حکیم و هم
دانااست

وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

پایدار و خجسته است خداهم از او هست ملک ارض و سما
و آنچه باشد میانه‌ی آنها نزد او هست علم روز جزا
بازگشت شماسست سوی خدا

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ
بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

و ندارد شفاعتی بتها
غیر آنانکه بر حقند گواهو از آندند جملگی آگاه

وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ ۖ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ

گر بپرسی ز مشرکان آیاکه بود آفریدگار شما
پس بگویند فطرتا یزدان‌به کجا منحرف شوند آنان؟

وَقِيلَ لَهُ يَرْبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ

و بگوید رسول ای یزدان این جماعت نیاورند ایمان

فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلِّمْ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

روی گردان ز قوم و گو که سلام‌زود آگه شوند از اسلام

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	۴۳۱ ر
۲	وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ	
۳	إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَرَّكََةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ	
۴	فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ	
۵	أَمْرًا مِّنْ عِندِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ	
۶	رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ	
۷	رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ	
۸	لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ عَابَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ	
۹	بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ	
۱۰	فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ	
۱۱	يَغْشى النَّاسُ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ	
۱۲	رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ	
۱۳	أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ	
۱۴	ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ	
۱۵	إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ	
۱۶	يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ	
۱۷	وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ	حزب ۱۹۹
۱۸	أَن أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَيَّ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ	

[حا و میم است رازی از داور]

به کتابی که هست روشنگر

ما فرستاده‌ایم این رحمت‌در شبی بس عزیز و پر برکت
مردمان را دهیم با آن بیم از عذاب خدا به نار جحیم

و در آن می‌شود جدا هر کار همه از علم و حکمت دادار

این بود امری از سوی داور که فرستاده‌ایم بهر بشر

هست این رحمتی ز ربّ شماهست یزدان سمیع و هم دانا

اوست پروردگار ارض و سماو آنچه باشد میانه‌ی اینها
گر شمایید اهل حق و یقین پس اطاعت کنید از ره دین

نیست معبود غیر از آن یکتا و بمیراند و کند احیا
اوست ربّ شما و هم آبا پدران نخست بهر شما

تو نگه کن به مردمان جهان اهل شکند و گرم بازی‌شان

منتظر باش آن زمان که سمدودی آرد به هر کجا پیدا

آن فراگیر می‌شود به بشروین عذابی‌ست سخت درد آور

پس بگویند این عذاب ببرای خدا آوریم ما باور

از کجا می‌شوند یادآور نبی آمد به خلق، روشنگر

رویگردان شدند از او چون گفته‌اندش معلمی مجنون

اندکی از عذاب برگیریم بازگردید بر خصال قدیم

چون بگیریمشان به خشم شدیدکین ستانیم از آن گروه
عنید

قوم فرعون آرمودم پیش‌با فرستاده‌ای عزیز از خویش

گفت این بندگان به من بسپارمن رسول امینم از دادار

	<p>وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُم بِسُلْطَنِ مُبِينٍ</p>	۴۴: دخان ۱۹/۵۹
هم مجوید برتری به خدامن دلیل آورم برای شما		
	<p>وَإِنِّي عَذْتُ رَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ</p>	۲۵
من پناه آورم به سوی خدازین که سازید سنگسار مرا		
	<p>وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَأَعْتَزِلُونِ</p>	۲۱
گر نگردید مؤمن و دیندارپس روید از جوار من به کنار		
	<p>فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ</p>	۲۲
برد دست دعا سوی یزدان‌کای خداوند مجرمند آنان		
	<p>فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ</p>	۲۳
گفتمش شب ببر عباد به راه‌که به تعقیبتان روند سپاه		
	<p>وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ</p>	۲۴
و تو آرام بگذر از دریاکان سپاهند غرقه در آنجا		
	<p>كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ</p>	۲۵
چه بسا باغ و چشمه گشت رها		
	<p>وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ</p>	۲۶
کشتزاران و خانه‌ی زیبا		
	<p>وَنِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ</p>	۲۷
چون ز نعمت شدند قسمت بر		
	<p>كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ</p>	۲۸
می‌نهییم از برای قوم دگر		
	<p>فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ</p>	۲۹
پس نگرید به قوم ارض و سماو ندیدند مهلتی اینجا		
	<p>وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ</p>	۳۵: ۴۳۲
و رهاندیم آل اسرائیل‌از عذابی که داشت قوم ذلیل		
	<p>مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِنَ الْمُسْرِفِينَ</p>	۳۱
بود فرعون [بس ستم کردار]برتری جوی بود و افزون‌کار		
	<p>وَلَقَدْ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ</p>	۳۲
برگزیدیمشان به علم چنان‌به یقین بر تمام خلق جهان		
	<p>وَعَاتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ</p>	۳۳
و نشانها بدادم ایشان راهمه بود آزمایشی پیدا		
	<p>إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ</p>	۳۴
و بگویند مشرکان خدا		
	<p>إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ</p>	۳۵
غیر مرگ نخست نیست به ما و نداریم بعث روز جزا		
	<p>فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ</p>	۳۶
پس بیارید بهر ما آبا گر که صدق است گفته‌های شما		
	<p>أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ</p>	۳۷
گو که [تبع بهند یا آنها رفت اقوام پیش سوی فناچونکه بودند در گناه و خطا		
	<p>وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِبِينَ</p>	۳۸
آسمان و زمین و بینهماهر بازی نیافرید خدا		
	<p>مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ</p>	۳۹
هست بر حق و داد خلقتشان‌وین ندانند بیشتر ز کسان		

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَتُهُمْ أَجْمَعِينَ

وعده گاه همه به روز جزاستداوری آن زمان هم آنان راست

۴۱

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

آن زمان کس نمی‌کند یاری‌یار هم پس نمی‌کند یاری

۴۲

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

جز کسی را که رحم کرد خدااو قدیر است و مهربان به شما

۴۳

إِنَّ شَجَرَتَ الزُّقُومِ

هست ز قَوم هم طعام اِثیم

۴۴

طَعَامُ الْأَثِيمِ

و

۴۵

كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ

چون گدازه است در دل و چو حمیم

۴۶

كَغَلِي الْحَمِيمِ

و

۴۷

خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ

[از ملک می‌رسد ز عرش ندا] که بگیرید این ستمگر را پرت سازید در میان جحیم

۴۸

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ

و بریزید بر سرش ز حمیم

۴۹

ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ

بچش این را تو قادر والا

۵۰

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

اینکه شک داشتید در دنیا

۵۱

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ

متقین راست جای امن و امان

۵۲

فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ

در بر چشمه سار در بستان

۵۳

يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ

جامه پوشند هم ز ابریشم‌بنشینند در مقابل هم

۵۴

كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ

جفتشان می‌دهیم حور العین

۵۵

يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ ءَامِنِينَ

میوه در امن می‌کنند گزین

۵۶

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَّاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

نیست هرگز ممات آنان راغیر مرگی که بود در دنیا حق کند حفظشان ز نار جحیم

۵۷

فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

این بود لطف حق و فوز عظیم

۵۸

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

سهل کردیم بر تو این قرآن‌شاید این قوم پند گیرد از آن

۵۹

فَأَرْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ

منتظر باش بهر خیر و صواب‌منتظر گشت قوم هم به عذاب

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	۴۳۴ ر
۲	تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ	
۳	إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ	
۴	وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ ؕ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ	
۵	وَأُخْتَلِفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ ؕ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ	
۶	تِلْكَ ؕ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَءَايَاتِهِ ؕ يُؤْمِنُونَ	
۷	وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ	
۸	يَسْمَعُ ؕ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا ۖ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ	
۹	وَإِذَا عَلِمَ مِنْ ؕ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ	
۱۰	مِّنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ	
۱۱	هَٰذَا هُدًى ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٌ	
۱۲	اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ ۖ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ	۲۰۰ حزب ۴۳۵ ر
۱۳	وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ	

[ح و میم است رازی از قرآن بر رسول گرامی یزدان

هم

این کتابی است نازل از الله از خداوند قادر و آگاه

به یقین در سپهرها و زمین بس نشانست بهر اهل یقین

خلقت آدمی و هم حیوان هم نشان است بهر با ایمان

آمد و رفت روز و شب به جهان و آنچه داد از سپهر روزیتان
و از آن ارض مرده کرد احیاباد را داد گردش و اجرا
آیه‌هایی‌ست بر خردمندان که تعقل کنند در یزدان

آن ز سوی خداست بر تو نشان‌که بحق است و ما بخوانیم آن
به چه گفتار آورند ایمان‌جز به آیات و گفته‌ی یزدان

وای بر کاذب گنه کردار

چون شنید آیه‌هایی از دادار
که تلاوت شود بر او بسیارو به انکار می‌کند اصرار
کرد از راه سرکشی این کارنشیدست گوییا گفتار
مژده ده بهر او تو پیغمبر از عذابی که هست دردآور

چونکه دانست چند آیه‌ی مابرگرفته است راه استهزا
بهر آنان بود عذاب مهین‌که به خواری و خفت است قرین

پشت آنان بود جهنم و نارنبود سود بهرشان از کار
و نه از یارها بجز یزدان و بر آنان بود عذاب گران

هست قرآن هدایت از رحمان بر دل و جان خلق با ایمان
بهر کفار آیه‌های حکیم‌کیفری هست از عذاب الیم

آنکه رام شما کند دریافلک گردد بر او به اذن خدا
تا که جویید رحمت غفارشاید از آن شوید شکر گزار

رامتان کرد این زمین و سماو آنچه در آن بود همه اشیا
به یقین بس نشانه‌هاست در آن‌بهر اندیشه‌ی خردمندان

قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

گو به مؤمن ببخش آنکس را که ندارد امید روز جزا
هر گروهی گرفت اجر و جزا آنچه برداشت از صواب و خطا

۱۵

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

هر که انجام داد کار نکواجر آن کار هست بهره‌ی او
و آنکه بد کرد نیز یافت جزاپس سوی اوست بازگشت شما

۱۶

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ

آل یعقوب داشت از یزدان نامه و هم رسالت و فرمان
دادم از طیبات روزی شان بلکه هم برتری به خلق جهان

۱۷

وَعَاثَيْنَاهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ ۖ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

نیز آیات روشن از فرمان پس نکردند اختلاف در آن
جز که دانش رسید برایشان پس ستم شد میانه‌ی آنان
پس کند داوری میانه‌ی شان در قیامت خدای عالمیان
آنچه دارند اختلاف در آن اوست دانای رازهای نهان

۱۸

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

حق تو را داد راهی از فرمان ای پیمبر تو باش پیرو آن
و مکن پیروی تو آنان را که نباشند بهر ره دانا

۱۹

إِنَّهُمْ لَن يَغْنَوْا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۚ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۖ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ

هیچ کاری نیاید از ایشان در قبال خدای عالمیان
یار یکدیگرند اهل جفاو خدا هست یار با تقوی

۲۰

هَذَا بَصِيرَةٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

این سخن بینش است و مهر و هداست بهر آن قوم که یقین
او راست

۲۱

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ أُجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

اهل ایمان که هست نیکوکارو آن کسی را که بد بود کردار
هر دو اینان مساویند آیا؟ در حیات و ممات نزد خدا
و چه بد داوری کنند آنان نشاسند شیوهی ایمان

۲۲
۴۳۶

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

او به حق آفرید ارض و سماهر کسی را به کار داد جزا
[در قیامت که داورست خدا] هیچکس را نمی‌کنند جفا

أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوْنَهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَتُتْلَا بِنَابِنَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِدِ الْيَحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ

وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ ءَايَتِي تَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيفِينَ

آنکه معبود خویش ساخت هواو به علمش ضلال داد خدا حق بزد مهر گوش و قلبش راو به چشمان او نهاد غشا بعد حق کیست رهنما او را؟متذکر نمی‌شوید آیا؟

و بگویند هیچ نیست به ماغیر از این زندگانی دنیا زنده‌ایم و سپس شویم فناکس بجز دهر نیست مهلک ما و ندارند هیچ علم به آن‌نیست در ذهنتان به غیر گمان

آن زمان کایه‌های روشن‌گر می‌شود خوانده بهرشان یکسر پس نماند برایشان حجت‌جز که گویند [از ره غفلت پدر و جد ما کنید پدیداگر این حرف راست می‌گویید

گو شما را خدا کند احیای پس از آن مرگ می‌دهد به شما پس کند گردتان به روز جزا که در آن شک و ریب نیست روا لیک اکثر ز مردمان جهان آگهی نیست بهرشان از آن

وز خدا ملک این زمین و سماست‌نیز آنکه که آخرت برپاست اهل باطل در آن زیانکارند[عمر را داده‌اند و در نارند]

هر گروهی نشسته بر زانومی‌شود خوانده نامه‌اش بر او آن زمان اجرتان بود از کار

وین کتاب است از سوی دادار راست گوید سخن برای شمامی‌نوشتیم کارهای شما

و گروهی که آورد ایمان‌و بود کار خیر با ایشان هست در بحر رحمت یزدان‌و آن بود بهر خلق فوز عیان

و آن کسانی که کفر ورزیدند[گوید آن فرقه را خدای بلند] آیه‌هایم نخوانده‌اند آیا؟[پیش از این روزها] برای شما پس گرفتید راه استکبارو گنه کرده‌اید در کردار

گفته شد چونکه وعده‌ی یزدان‌همه حق است و نیست ریب در آن

نیز روز جزاست بی‌شب‌هت‌پس بگفتید چیست این ساعت؟ ما گمان می‌کنیم هست گمان‌و نداریم ما به به تو ایمان

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
يَسْتَهْزِءُونَ

و بدیهایشان شود رسواو فراگیر گردد آنان را
آنچه را داشتند استهزا [بر همه وعد و آیه‌های خدا]

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِلْكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا
وَمَأْوَكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ تَلْوِينٍ

و بگویند برده‌اید از یادچونکه دیدار وقت و روز معاد
پس شما نیز می‌روید از یادجایتان آتش است بی‌امداد

ذَٰلِكُمْ بِأَنكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ
الْحَيَوةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

این بدان است کز نشان خدابرگرفتید راه استهزا
و شما را فریفت آن دنیا پس نگردند از عذاب رها
نپذیرند عذر آنان را [و بمانند در عذاب خدا]

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

حمد بهر خدای ارض و سماکه بود کردگار عالمها

وَلَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و از او کبریای ارض و سماست و خدا قادر است و هم
دانااست

۴۶. احقاف

الأَحْقَافُ: سرزمین احقاف

مکی

۳۵ آیه

۵ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حم

[ح و میم است رازی از قرآن بر رسول گرامی یزدان

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

این کتاب است نازل از الله آن خداوند قادر و آگاه

مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ
مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ

ما نکردیم خلق ارض و سماو آنچه باشد میانه‌ی آنها
جز بحق و آن زمان که شد تعیین و در آن هست حتم و قطع
و یقین
هر چه دادیم بهرشان هشداررویگردان شدند از آن کفار

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ
الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَتُتُونِي بِكِتَابٍ مِّنْ
قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

گو نشانم دهید این شرکا که بخوانیدشان به غیر خدا
چه به روی زمین پدید آرندیا چه شرکت در آسمان دارند
کو بیارید ز آنچه بود از پیش‌اثر از علم و هم کتاب از
خویش
اگر این حرف راست می‌گویید [و ره حق و داد می‌جوید]

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ

کیست گمراه‌تر از آنکه دعاداشت سوی کسی به غیر خدا
که اجابت نمی‌کند دعانہ کنون بلکه تا به روز جزا
[و پرستندگان به جمع بتان غافلند از دعایشان ایشان]

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءَ وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ

چونکه محشور می‌شوند کسان آن بتانند دشمن ایشان و عباداتشان کنند انکار [از چه مشرک شوید بر دادار]

چونکه خوانند آیه‌های مرا پس بگویند کافران خدا نیست اینها بجز فسون عیان‌گر چه حق آمده سوی ایشان

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

یا بخوانند این سخن بهتان‌گو اگر کذب آورم به زبان که مدافع شود مرا ز خدا؟ اوست آگاهتر به کار شما و خدا بین ما بس است گواه‌هست غفار و مهربان الله

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ ۚ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۖ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

گو نیم من ز انبیا نو پاو ندانم چه می‌کنند به ما تابعم من به وحی از یزدان نیستم من مگر نذیر عیان

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرَىٰ مَا يَفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ ۖ إِنِ اتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

گو اگر این بود ز نزد خداو شما سخت منکرید آن را و گواهی ز آل اسرائیل‌گشت بر آن گواه [و بود دلیل او در ایمان و سرکشید شمار همنما نیست حق به اهل جفا

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ ۖ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ ۖ فَقَامَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

کافران بهر مؤمنان گوینداز چه آنان ره یقین پویند خیر اگر بود پیشدستی مابود بر باور و یقین اولی چون نیابند ره به امر حکیم‌پس بخوانند وحی کذب قدیم

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ ۚ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ ۖ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ

پیش از این بود نامهی موسی‌پیشوا نیز رحمتی ز خدا این کتاب است هم گواه او رابه زبانی فصیح گشته ادا بهر اهل ستم بود هشدارو نوید است بهر نیکوکار

وَمِن قَبْلِهِ ۖ كَتَبْ مُوسَىٰٓ إِيمَانًا وَرَحْمَةً ۚ وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِّلْمُحْسِنِينَ

آن کسانی که گفته‌اند خدا هست پروردگار و خالق ما پایداری کنند پس بر آن نیست حزن و هراس بر آنان

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آن کسانند ساکنان جنان‌ماندگارند جاودانه در آن این جزا هست بهرشان از کار [بهر آن مردم نکوکردار]

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا
وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا
بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا
تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۚ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ
الْمُسْلِمِينَ

۴۶:
احقاف
۱۵
/۳۵

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَتَجَاوَرُ
عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ ۖ وَعَدَ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا
يُوعَدُونَ

۱۶

وَالَّذِي قَالَ لِيُؤَلِّيَنِيهِ أَفِ لَكُمْ أَتَّعِدَانِي أَنْ أَخْرَجَ وَقَدْ
خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَكْبِرَانِ ۖ اللَّهُ وَبِكَ ءَامِنُ
إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

۱۷

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ
قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ

۱۸

وَلِكُلِّ دَرَجَتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُؤْفِيَهُمْ ۖ أََعْمَلَهُمْ وَهُمْ لَا
يُظْلَمُونَ

۱۹

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيِّبَتِكُمْ
فِي حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ
الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۖ بِمَا
كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ

۲۰

ما سفارش کنیم بر انسان که کند بهر والدین احسان
هست مادر به حمل ناراحت‌پس کند وضع حمل با زحمت
هست حمل و رضاع او سی ماه پس به نیروی خود رسد آنگاه
پس چهل سالگی رسد او را پس بگوید خدای را به دعا
در دلم شکر نعمتت افکنز آنچه دادی به والدین و به من
کار نیکو کنم رضای تو را خاندانم تو نیک کن ربّا
بازگشتم به سویت ای یزدان و منم ز اولین مسلمانان

آنکه اف گفت باب و مامش را که چه ام وعده می‌دهید آیا؟
[چون برآیم دوباره از دل خاک پیش از این مردمان شدند
هلاک
و آن دو جویند یاری از دادارو بگویند وای ایمان آر
که بود راست وعده‌ی یزدان لیک هرگز نیاورد ایمان
و بگوید که نیست این قرآن غیر افسانه‌های اولیان

پس معین شود کلام خدا چونکه بودست خلق پیشین را
گر پری بوده‌اند و گر انسان همه هستند از زیانکاران

درجاتی است بهرشان از کار اجر کامل برند از کردار
و به ایشان نمی‌کنند جفا [همه شادند در نعیم خدا]

هم در آن روز در برابر نار چون بگیرند اهل کفر قرار
پس به آنان چنین دهند ندای بهره بردید خوب از دنیا
و خوشیها نهاده‌اید آنجا هست امروزتان زمان جزا
کیفری که کند شما را خوار چون شما داشتید استکبار
در زمین بود کارتان بیجا این جزایی است بهر فسق شما

وَأَذْكُرُ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتْ
الْثُّدُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي
أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

یاد کن هود را برادر عادکه به احقاف پند قوم بداد
وز پس و پیش قوم شد انذارکه پرستش مکن بجز دادار
گفت من بر شما شوم ترسان از قیامت وز آن عذاب گران

پس بگفتند آمدی آیاکه بگیری ز ما خدایان را؟
وعده‌هایی که داده‌ای تو بیاراستگویی اگر در این گفتار

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَّ عَنْ إِلَهِتِنَا فَأَتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ
مِنَ الصَّادِقِينَ

گفت دانش فقط به نزد خداست نیز ابلاغ این پیام مراست
لیک کار شماست نادانی رفته در لجهی پریشانی

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ
وَلَكِنِّي أَرِئُكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ

چون بدیدند همچو ابر آن راکه رود بهرشان به وادیها
پس بگفتند ابری از باران پس چنین شدندا سوی ایشان
این بود آنچه داشتید شتاب این بود باد زوست درد و عذاب

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ
مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ

همه ویران شود به اذن خدانیست زین قوم مسکنی بر جا
اینچنین می‌دهیم اجر و جزا] در دو عالم گناهکاران را

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَكِنُهُمْ
كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ

قدرتی داده بودم آنان راکه ندادیم با شما آن را
چشم و گوش و دلی بر آنان بودکه برایشان نداشت چیزی
سود
چونکه آیات داشتند انکارکیفر سخره را شدند دچار

وَلَقَدْ مَكَنَّاهُمْ فِيْمَا إِنْ مَكَنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا
وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَرُهُمْ
وَلَا أَفْعِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

بسی از شهرهای گرد شما برده‌ایم این زمان به باد فنا
بس ز آیات کرده‌ایم بیان تا بگردند [از ره طغیان

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

آنچه خواندند بهر خویش خدا بهر تقریب جز حق یکتا
هیچ یاری نداد برایشان بلکه گم گشته‌اند از آنان
این بود قول کذب ایشان راو آنچه بستند افترا به خدا

فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ
ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّنْذِرِينَ

قَالُوا يَتَقَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ

يَتَقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ ۚ يَعْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ

وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْ يَخْلُقْهُنَّ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ ۚ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ ۚ بَلَّغٌ فَبَلِّغْ لَهُمُ الْبَيِّنَاتِ ۚ إِنَّهُمْ أَكْثَرُ الْفَاسِقِينَ

۳۵

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۱
۴۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ

۲

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ

۳

ذَٰلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَلَهُمْ

۴

فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْمَتْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۚ ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ ۖ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَلَهُمْ

۵

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ

۶

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ

۷

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

۸

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ

۹

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ فَاحْبَطَ أَعْمَلَهُمْ

۱۰
حزب
۲۰۳

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۖ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا

۱۱

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَىٰ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ

قوم کفار ز طریق خدا بازگرداند [بس ز مردم را]
[پس خدای توانگر دانا] گم کند کارهای آنان را

آن کسانی که آورند ایمان نیز اعمالشان بود شایان
ز آنچه بهر محمد است نزول راست از ربّشان کنند قبول
حق ببخشد گناه آنان را و کند خوب حال ایشان را

کافران پیروند بر ناراستلیک مؤمن به راه حق پویاست
هست حق از خدای خلق و چنان می زند حق مثال بهر کسان

چون بدیدید کافران [به ضلال بکشید آن گروه را [به قتال
تا که از تاب و از توان افتند پس اسیرانشان کشید به بند
پس به منت کنیدشان آزادیا بگیرید فدیّه بعد جهاد
گر خدا خواست خود ستاند دادلیک این آزمون به خلق نهاد
و آنکه شد کشته در ره دادار گم نسازد خدایشان کردار

بهر آنان خداست راهنما و کند خوب حال ایشان را

و در آرد تمام را به جان که شناسانده است برایشان

ای کسانی که آورید ایمان گر که یاری کنید بر یزدان
بر شما نیز اوست ناصر و یارو قدمه یاتان کند ستوار

کافران را خدای مرگ دهد نیز اعمالشان دهد بر باد

چون رمیدند از پیام الاله کارشان را خدای کرد تباه

می نگردند در زمین آیا؟ بنگرند اینکه چیست آنان را
که از این پیش بوده اند به جاهمه را داد حق به باد فنا
این بود بهر کافران امثال تا برآیند از طریق ضلال

هست مولای مؤمنان دادار نیست مولا و یار بر کفار

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ
وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ

وَكَايْنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجَتْكَ
أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ

أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ
وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ
ءَاسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ
لِّلشَّرِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ
الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَن هُوَ خَلِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا
مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ

وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا
لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ ءَانِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ
عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

وَالَّذِينَ أَهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى وَءَاتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ
أَشْرَاطُهَا فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ

آن کسانی که آورند ایمان نیز کار نکوست با ایشان
به جانی در آورد یزدان زیر اشجارش آبهای روان
و کسانی که کافرند اینجابه‌رور می‌شوند از دنیا
و چو انعام می‌خورند غذا بجایگاه آتش است آنان را

چه بسا شهر کرده‌ایم افنا برتر از شهرت [ای پیمبر ما]
که تو زان شهر آمدی بیرون پس ندارند هیچ یار کنون

آنکه باشد دلیلش از دادارو آنکه آراست زشتی کردار
نیز شد پیرو هوا و هوس‌گو که آیا مساویند دو کس؟

آن بهشتی که وعده داد خدا بهر آن بندگان با تقوا
جویهائی در آن ز آب و ز شیرکه نکر دست طعم آن تغییر
جویهائی ز خمر آگنده که دهد لذتی به نوشنده
عسل صاف نیز هست روان‌وز هر میوه هست بر آنان
نیز آمرزشی ز ربّ عظیم آنکه در این بهشت هست مقیم
[هست آیا مساوی آنان که به دوزخ شوند جاویدان؟
بچشانندشان ز آب حمیم که کند روده‌هایشان تقسیم

بعضشان گفته‌ی تو را شنود پس از آن چونکه از بر تو رود
پس بگوید به جمع دانایان بهر سخریه او چه گفت الان
مهر زد بر قلوبشان یزدان آن کسان پیروند بر دلشان

و کسی را که داشت راهنمود به هدایات او خدا افزود
و ببخشید هم ره تقوا [که نیاید برون ز راه هدا]

می‌کشند انتظار تا ناگاه روزگار جزا رسد از راه
آمد اکنون نشانه‌ی [یزدان چون بیاید چه پند گیرد از آن

پس بدان نیست جز خدا دادار از گناهان بیار استغفار
از خود و نیز مؤمنان دگر حق بداند ز تو مسیر و مقر

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْءَانَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

إِنَّ الَّذِينَ أُرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنَطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَصْحَطَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ ۖ فَاحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَن لَّن يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَنَهُمْ

و بگویند مؤمنان که چرا؟نرسد سوره‌ای [به حکم غزا] چون رسد سوره و عیان در آن بهر پیکارشان رسد فرمان آنکه از جان و دل بود بیمارآنچنان از تو می‌کند دیدار که فتادست گوییا به مماتمرگ اولی است بهر او ز حیات

سخن خوب و طاعت است نکوچون شود امر استوار به او راست گوید اگر برای خدایشویهی صدق بهتر است او را

دوست دارید این زمان آیا؟چون حکومت رسد به دست شما به تباهی کشید کار جهان و ببرید هم ز نزدیکان

حق کند آن کسان ز نعمت دور[و دل و جانشان کند کر و کور

نه تدبیر کنند در قرآن؟گوییا هست قفل بر دلشان

آن کسی که شده است رو گردان‌چون هدایت بر او شده است بیان
اهرم‌ن زیوری نهاد بر اوآرزوی دراز داد بر او

چونکه گفتند آن گروهی راکه نخواهند امر وحی و خدا
ما اطاعت کنیفتان در کارو خدا هست آگه از اسرار

پس چگونه است حال او آنگاه‌که ملک می‌ربایدش ناگاه
می‌زند بر رخ و به پشت سرش می‌زند ضربه نیز بر کمرش

چون رمیدند از رضای خداو به پی رفته‌اند خشمش را
و خدا کارشان بساخت تباه این چنین است کار اهل گناه

آنکه از جان و دل بود بیماراینچنین است در دلش پندار
نکند فاش کینه‌ی او راهیچگه کردگار او آیا؟

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي
لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ

۳۱

وَلَتَبْلُوتَنَّهُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ
وَنَبْلُؤَ أَخْبَارَكُمْ

۳۲

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ
مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا
وَسَيَحِيطُ أَعْمَالُهُمْ

۳۳

حزب
۲۰۴

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا
تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ

۳۴

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ
كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

۳۵

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ
وَلَنْ يَتْرُكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ

۳۶

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ
أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلَكُمْ أَمْوَالَكُمْ

۳۷

إِنْ يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخُلُوا وَيُخْرِجْ أَصْغَنَكُمْ

۳۸

هَآأَنْتُمْ هَآؤُلَآءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ
يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ
وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا
يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ

گر بخواهیم می‌دهیم نشان‌بر تو تا بنگری کی‌اند آنان
پس به سیمایشان شناسی‌شان‌و شناسا شوی ز لحن بیان
و خدای جهان بود دانااز همه فکر و کارهای شما

آزمون می‌کنیم بهر شماتا معین شوند اهل غزا
و چه کس هست با شکیب‌ترین‌و خبرهایتان شود تعیین

آنکه کافر شود به راه هداو بگرداند از طریق خدا
و ستیزد رسول یزدان رابعد از آنکه به او رسید هدا
نزند هچ لطمه‌ای به خداو کند محو کارهایش را

ای کسانی‌که آورید ایمان‌پس اطاعت کنید از یزدان
همچین نیز از رسول اللهو مسازید کار خویش تباه

آنکه کافر شود به راه هداو بگرداند از طریق خدا
پس بمیرد به کفر خویش دچارنکند عفو جرم او دادار

تو مکن سستی و به صلح مخوان‌که شمايید برتر از آنان
و خدا هست با شما همراه‌کارتان را نمی‌کند کوتاه

لهو و لعب است بهره‌ی دنیاور که مؤمن شوید و با تقوا
می‌نهد اجرها برای شماو نخواهد ز مالهای شما

خواهد ار آن و پس کنند اصراربخل ورزید سخت بر این کار
و شود کینه‌هایتان پیدا

هان همینید ای گروه شما
چون بخوانند در ره انفاق‌در ره آن خدای ذو الارزاق
بخل آرند عده‌ای ز شماو زبانی است بخل آنان را
فقر ایید جمله بر یزدان‌بی‌نیازست حق ز عالمیان
گر که از او شوید رو گردان‌قوم دیگر بیاورد یزدان
کان کسان نیستند مثل شما[می‌دهند آنچه را که خواست
خدا]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

فتح دادیم بر تو فتح عیان

لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ
وَعَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

تا ببخشد گناه تو یزدان
وز پس و پیش بر تو بخشاید نعمتش را تمام فرماید
بنماید تو را صراط قویم

وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا

بر تو نصرت دهد قوی و عظیم

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا
مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ
عَلِيمًا حَكِيمًا

در دل مؤمنان نهاد امان تا فزاید بر ایشان ایمان
از خدا لشکر زمین و سماست و خدا هم حکیم و هم داناست

لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ
عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا

اهل ایمان رود به سوی جنان زیر اشجارش آبهای روان
ماندگارند جاودانه در آن و ببخشد گناهشان یزدان
[آنها لطف را که بر شمریم هست نزد خدای فوز عظیم

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ
الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ
اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

اهل شرک و نفاق زشت گمان‌کان گمان آورند بر یزدان
مبتلا می‌شوند خود بر آن و خدا خشم کرد بر آنان
و خدا کرد بهرشان نفرین کرد دوزخ برایشان تعیین
وای آنجا چه بد سر انجامی است وای آنجا چه سخت فرجامی
است

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

از خدا لشکر زمین و سماست و خدا هم حکیم و هم داناست

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

من فرستادمت به خلق نذیرهم به آنان تو شاهدهی و بشیر

لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً
وَأَصِيلًا

تا که مؤمن شوید بهر خدائیز پیغمبر گرامی را
نصرت او را دهید و ارج مقام‌نیز تسبیح حق به صبح و به
شام

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ
أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ
بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا
وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي
قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ
بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَبِيرًا

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ
أَبَدًا وَرُئِيَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنًّا سَوْءًا وَكُنْتُمْ
قَوْمًا بُورًا

وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ
سَعِيرًا

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ
يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَائِمٍ لِّتَأْخُذُواهَا دَرُونا
نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا
كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ
كَاوُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا

آن کسان که به بیعتند تو راعهد دارند جملگی به خدا
دست حق برترست از هر دست و آنکه پیمان خویش را
بشکست
او به خود داده است سخت زیان و آنکه دارد وفا به هر
پیمان
که بسته است با خدای کریم زود او را دهند اجر عظیم

زود آن بازماندگان ز اعراب این چنین می‌کنند با تو خطاب
اهل و اموال ما به عرصه‌ی کار همه را بازداشت از پیکار
بهر ما ای نبی کن استغفار [تا ببخشد گناه ما غفار]
آنچه این جمع آورد به زبان نبود پایبند آن از جان
گو که مانع شود اگر که خداخواست بهر شما زبانی را؟
یا اگر سود خواست بهر شما حق به کار شما بود دانا

و چنین داشتید حدس و گمان که رسول و گروه با ایمان
برنگردند سوی خانه دگر بود این بهر قلبتان زیور
و چنین داشتید ظن پلیدو چنین بود تا که نیست شدید

آنکه ایمان نداشت بهر خدائیز حکم پیمبر او را
ما مهیا کنیم بر کفاردوزخ و شعله‌های سرکش نار

از خدا ملک این زمین و سماست و می‌آمزد آنکه را او
خواست
هر که را خواست هم دهد کیفرو خدا غافر است و بخششگر

چون به سوی غنایمید روان‌پس بگویند ماندگان اینسان
بگذارید اینکه ما باشیم چون شما در چنان متاع سهیم
گو ندارید پیروی از ما بود از این پیش این کلام خدا
پس بگویند حاسدید به ماجز کمی نیستند خود دانا

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدُّعُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولَىٰ بِأُسِّ شَدِيدٍ تَقْتُلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ ۖ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ ۖ وَمَن يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَ لَكُمْ هَذِهِ ۚ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ ءَايَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا

وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

وَلَوْ قَتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ ۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

بهر اعراب باز مانده بگو[سوی جنگی کنیم اکنون رو] هم شما سوی جنگ خوانده شوید هست این خصم با قوای شدید
یا بجنگید سخت با ایشان یا که این قوم آورند ایمان
گر اطاعت کنید حکم خداحق دهد اجر نیک بهر شما
ور که از آن شوید رو گردان که از این پیش بوده اید چنان
پس خدا بهر تان دهد کیفر کیفری از عذاب درد آور

حرجی نیست بهر نابینانیز از بهر لنگ و بر مرضا
هر که دارد اطاعت از یزدان وز رسول گرامی رحمان
می شود داخل بهشت و جان زیر اشجارش آبهای روان
و آنکه برگشت از ره داور پس دهندش عذاب درد آور

دسته ای بود مرضی داور بیعتی با تو بست زیر شجر
بود آگه حق از دل ایشان داد آرامشی به خاطرشان
بود پاداش جمع فتح قریب هم به عقباست بهر جمع نصیب

بس غنیمت رسد به دست کسان و خدا قادر است و
حکمت دان

به شما وعده داده است خدا پس غنیمت رسد به دست شما
این یکی را شتاب کرد خدا قطع شد دست مردمان ز شما
آیتی بهر مؤمنان شد آن در ره راست اوست رهبرتان

باز دارد غنایمی یزدان که ندارید قدرتی بر آن
و خدا را احاطه بر آنهاست و به هر کار قادر آن یکتاست

چونکه کفار در ره پیکار همه بودند از شما به فرار
و نمی یافتند یار و نصیر[این بود آیتی ز حی قدیر]

بود از این پیش رسم ربّ جلیل و نیابی به رسم حق تبدیل

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

۴۸
فتح
۲۴
۲۹

اوست آنکس که دست آنان را کرد کوتاه از فراز شما نیز دست شما ظفربان کرد کوتاه از سر ایشان چونکه در مکه داشتید قرار هست بینا به کارتان دادار

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُمْ وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

۲۵

کافران خلق بازگرداندندهم ز بیت الحرامتان راندند نیز مانع شدند از قربان که رسد در همان محل و مکان لیک بودند مؤمنان آنجا که نبودید آگه ایشان را بهرشان از شما زبانی بود [گر خدا جنگ امر می فرمود] تا در آرد به رحمتش رحمان آنکه را خواست قادر سبحان و ر جدا می شدند بد کیفر بهر کفار سخت و درد آور

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحُمِيَّةَ حُمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

۲۶

در دل کافران نهاد خداعصیبات جاهلیت را به دل مؤمنان و پیغمبر داد آرامش و امان داور نیز ملزم شدند بر تقوا که سزاوار بوده اند آن را به یقین هست قادر یکتا از همه چیزها بسی دانا

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا

۲۷
۴۴۹

گشت خواب پیمبر حق راست و همین راستی خدا می خواست تا در آید خود به بیت حرام اینچنین خواست حق ذو الانعام روی امن و امان به دل دیده سر تراشیده یا که مو چیده آنچه از آن نبوده اید آگاه همه دانسته بود ذات اله پیش از این نیز بود فتح قریب که ز حق داشتید سهم و نصیب

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا

۲۸

او فرستد رسول خود به هدانیز آیین حق دهد او را تا شود چیره هر مرامی رادر گواهی بر او بس است خدا

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ
بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا
سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي
التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ
فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ
الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ
مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

۴۸
فتح
۲۹
/۲۹

این محمد بود رسول خدا و کسانی که همراهند او را
مهربانند در برابر هم‌بهر کفار قاطع و محکم
در رکوع و سجود الله‌اند فضل و رضوان ربّشان خواهند
اثر سجده کرده نقش جبین وصف آنان به نامی پیشین
هم به تورات هست هم انجیل این مثل هست همچو زرع و
نخیل
چون پدید آورد جوانه‌ی او پس قوی سازد و دهد نیرو
پس از آن ساقه‌اش بدارد راست‌وین کشاورز را شگفتی
زاست
تا که کفار از آن به خشم آیند می‌دهد وعده کردگار بلند
مؤمنی را که هست نیکوکار هست غفران و اجرت بسیار

صفحه ۳

۱۸ آیه

مدنی

الحجرات: حجره‌ها

۴۹. حجرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَأَتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۱
حزب
۲۰۶
۴۵۰

ای که ایمان حق کنی تو قبول‌پس مقدم مشو به حق و
رسول
نیز تقوا کنید بهر خدا هست یزدان سمیع و هم دانا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ
النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن
تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

۲

ای که دین خدا کنی باوردر صدا از نبی مشو برتر
و مزن داد بهر پیغمبران چنانید بهر یکدیگر
و مسازید کار خویش تباه‌که شما نیستید از آن آگاه

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
أُمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

۳

آنکه دارد فرو خطاب و ندادر حضور و بر رسول خدا
حق دلش آزمود بر تقواغفو و اجر عظیم هست او را

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا
يَعْقِلُونَ

۴

از پس حجره‌ات دهند ندا اکثر خلق نیست اهل دها

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

گر که می‌بود صبر با ایشان تا روی خود به جانب آنان
بهرشان بود این بسی به‌ترو خدا غافر است و بخششگر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصْحِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَدِمِينَ

مؤمنان فاسقی اگر به شما خبری داد بر رسید آن را
که مبادا به کس زنید زیان و پشیمان شوید بعد از آن

وَأَعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ

و بدانید در میان شما هست پیغمبر آن رسول خدا
گر مطیع شما شود در کاربه مشقات می‌شوید دچار
ساخت محبوب بر شما ایمان داد از آن زیوری به دلہاتان
ساخت منفور کفر و عصیان را بر شما نیز راه کفران را
[و آن کسانی که داشتیم بیان در طریق هدایتند روان

فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

بهرشان هست خیر و فضل خداو خدا عالم است و هم دانا

وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

چون دو قوم از جماعت دیندار بر گرفتند شیوهی پیکار
آشتی ده میانهی ایشان و یکی ظلم کرد بر دگران
پس بجنگید با گروه جفاتا بیاید به سوی حکم خدا
بینشان آشتی دهید به دادداد و رزید در میان عباد
که خداوند عادل یکتا دوستدار است دادگستر را

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

بینشان شد اخوت از ایمان آشتی ده میانهی اخوان
اهل تقوا شوید بهر خدا شاید آرند رحم بهر شما

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّغَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

مؤمنان هیچکس ز قوم شما نکند سخره قوم دیگر را
شاید آنان بهند خود ز شما نه نسا سرزنش کنند نسا
شاید آنان بهند از ایشان و مباحشید اهل زخم زبان
و مخوانید نام یکدیگر به بدی در سخن پس از باور
گر نگردند باز سوی خدا آن کسانی که اند اهل جور و جفا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ
الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا
أُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ
شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ
أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَامَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا
وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيْمَنُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ
وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا
وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ
الصَّٰدِقُونَ

قُلْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ
اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَيْتُكُمْ لِلْإِيْمَنِ إِن كُنْتُمْ
صَادِقِينَ

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا
تَعْمَلُونَ

ای کسی کآوری به حق ایمان باد پرهیزت از بسی ز گمان
بس گمان است خود گناه و پلیدهم تجسس به کار هم
مکنید

نیز غیبت ز کس مدار روادوست دارد کس از شما آیا؟
که خورد مردهی برادر رانیست این کار خوش برای شما
اهل تقوا شوید بهر خداوست توآب و مهربان به شما

ایّها النَّاس خلق شد انسان از دو جنس از رجال و از نسوان
آفریدیم دسته ها و شعوبتا شناسید یکدیگر را خوب
بهترین آدمی به نزد خدا باشد آن کس که هست با تقوا
و خدا آگه است از هر کارو خدا آگه است از اسرار

قوم اعراب می کند اظهار که همه مؤمنیم بر دادار
گو که مؤمن نه اید پس گویدراه اسلام بهر ماست پدید
دین به دلهایتان نکرده دخول گر مطیعید بهر حق و رسول
حق نکاهد ز کارهای شماوست غفار و هم عطا بخشا

آنکه دارد به امر دین باور هست مؤمن به حق و پیغمبر
نیست شکی به قلب او پنهان و جهاد آورد به مال و به جان
آن کسانند در طریق خداراستگویند نیز در همه جا

گو که دانا کنید یزدان را بهر ایمان و دیتان آیا؟
اوست آگه به خلق ارض و سماو به هر چیز او بود دانا

نیز منت دهند بر تو ز خویش که ره دین گرفته اند به پیش
گو که منت چه می نهید به ماحق نهد منت از برای شما
که هدایت به سویتان برسیداگر از جمع راستگویانید

اوست آگه ز غیب ارض و سماهم بود بهر کارتان بینا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ

۲

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ

۳

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ

۴

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ

۵

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ

۶

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ

۷

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

۸

تَبَصَّرَةٌ وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

۹

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ

۱۰

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ

۱۱

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيِّتَةً كَذَلِكَ الْخُرُوجُ

۱۲

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ

۱۳

وَعَادُ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ

۱۴

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ

۱۵

أَفَعَيَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ

[قاف رمزی است از خدای قدیربه رسولش که شد بشیر و نذیر]
و به قرآن قسم کتاب مجید[که روا نیست در خدا تردید]

در شگفتند اینکه از ایشانمنذری آمده است بهر کسان
پس بگفتند کافران یکسر هست این چیز بس شگفت‌آور

چونکه مردیم خاکمان در گوربازگشتش بود ز عقل به دور

آنچه را خاک کاهد از ایشان‌هست دانا خدای عالمیان
و کتاب حفیظ نزد خداست

نیز منکر شوند بر هر راست
چونکه حق می‌رسد به جانبشان‌همه هستند در عمل حیران

در سماوات ننگرند که ما بر سر خلق کرده‌ایم بنا؟
نیز زیور بر آن کنیم پدیدو شکافی برای او نرسید

نیز گسترده‌ایم روی زمین‌کوه را در زمین کنیم مکین
و بر آریم از آن گیاهان رااز همه نوع خرم و زیبا

این بود بر عباد بینش و پندکه به سوی خدای روی آرند

و فرستادم از سما باران‌برکات از خدای بود در آن
نیز رویانده‌ایم از او بستان‌دانه و غله نیز هست از آن

نخلهای کشیده تا بالاخوشه‌هایی است چیده بر آنها

این بود رزق بندگان مراز آن کنیم ارض مرده را احیا
این چنین است کار روز جزاکه برون آوریم موتی را

پیش از این قوم نوح و رس و ثمودبهر آیات حق مکذب بود

نیز فرعون و قوم لوط چو عاد[داشت در کار دین ره بیداد]

تبع و اهل ایکه کرد انکارهر رسول و به وعد گشت دچار

خلقت اولین ایشان راناتوان بوده‌ایم آیا ما؟
کاین ز مانند قوم در تردیدبهر آن خلقتی که هست جدید

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ
أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ
فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٌ

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ
الشَّدِيدِ

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ

مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيزٍ

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ

أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ

آفریدیم ناس و ز آن وسواس آگهیم اینکه هست در دل
ناس
پس قریبیم به بندگانم من‌بلکه هم اقرب از رگ گردن

دو ملک نیز بهر ضبط او راست‌که نشسته است بر چپ و بر
راست

هیچ حرفی نیاورد به زبان‌جز که او را مراقبی است بر آن

چون به حق سکر مرگ یافت قرارگویی از این تو بوده‌ای به
فرار

چون سرافیل هم به صور دمیدگویی این است روزگار وعید

هر که آید به او بود همراه‌پیش راننده‌ای و نیز گواه

[و چنین بهر او دهند ندا]بی‌خبر بودی از چنین غوغا
پرده از چشم تو زدیم کنارتیز شد دید تو کنون بسیار

هم بگوید فرشته‌ای به قرین‌نزد من نامه‌ی تو هست همین

افکنیدش کنون به داخل نارهر که بودست سرکش و کفار

و آنکه از کار خیر دارد بازمتجاوز شد و به شک انداز

و آنکه معبود جز خدا بگزیدپس در آرید در عذاب شدید

نیز شیطان که بهر اوست قرین‌گوید این وقت با خدای چنین
از من این سرکشی به او نرسیدبلکه خود بود در ضلال بعید

حق بگوید مکن جدال اینجاگفته‌ام پیش از این وعید شما

نیست تغییر حال قول مرا و ندارم به هیچ بنده جفا

گویم ای نار پر شدی اکنون‌گوید آیا که باز هست فزون

متقین را نعیم هست قریب‌نیست ز آنان جنان بعید و غریب

این همان وعده‌ایست آنان را که شدند اهل توبه و تقوا

آنکه ترسد ز ربّ خود به نهان و بیارد دلی انابه کنان

پس در آیند با درود و سلام و در آن تا ابد کنند مقام

هر چه خواهند از نعیم آنجاست و از آن بیشتر به نزد
خداست

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ

۳۷

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ

۳۸

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ

۳۹

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ

۴۰

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَرَ السُّجُودِ

۴۱

وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مَن مَّكَانٍ قَرِيبٍ

۴۲

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ

۴۳

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ

۴۴

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرُ

۴۵

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ

۵۱. ذاریات

الذَّارِيَّات: پادهای ذره افشان

مکی

۶۰ آیه

۴ صفحه

۱

ره۴۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالذَّرِيَّتِ ذُرَّوَا

۲

فَالْحَمِلَتِ وَقْرَا

۳

فَالْجَرِيَّتِ يُسْرَا

۴

فَالْمُقْسِمَتِ أَمْرَا

۵

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ

۶

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ

و چه بسیار کرده ایم فنامردمی را که بود پس اقوی و بگشتند در جهان بسیار هست آیا کنون محل فرار

هست از آن پند بهر صاحب هوش یا شود شاهد و بدارد گوش

آسمان و زمین و بینهما بود شش روزه خلقت آنها بهر ما ز آن نبود رنج و گزند

میر کن آنچه را که می‌گویند

پس سپاسی بدار بر الله‌پیشتر از غروب و نیز پگاه

نیز تسبیح گوی بهر ودودلختی از شب پس از رکوع و سجود

گوش کن چون ندا رسد ز خطیب‌در مکانی که که بر شماست قریب

میحه‌ای بشنوند در آن روزکه بحق شد گه خروج امروز

من بمیرانم و کنم احیابازگشت شماست سوی خدا

ارض بشکافد و شتابان است‌حشر آنان به ما چه آسان است

هست اعلم خدا ز هر گفتارو نداری تو بهرشان اجبار پس تذکر بده تو این قرآن‌آنکه ترسد ز کیفر یزدان

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ

و قسم بر سپهر صاحب راه

إِنِّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ

که بود بس خلاف در افواه

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أَفِكَ

کج رود منحرف ز راه صواب

قَتَلَ الْخَرَّاصُونَ

مرگ بادا به هر که شد کذاب

الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرَةٍ سَاهُونَ

آن کسان در جهالتند و خطا

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمَ الدِّينِ

پس بپرسند کو زمان جزا

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ

چون شوند آزمون به دوزخ و نار[پس ندا می‌رسد به آن کفار]

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِء تَسْتَعْجِلُونَ

بچشید آزمونتان [ز عذاب آنچه را داشتید سخت شتاب

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

متقین راست چشمه سار و جنان

ءَاخِذِينَ مَا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ

پس بگیرند داده‌ی رحمان
پیش از این بوده اهل کار صواب

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ

بود این قوم کم به شب در خواب

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

هر سحر داشتند استغفار

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

بود در مالهای آن اخیار
سهم و حق برای اهل سؤال و آنکه محروم مانده از هر مال

وَفِي الْأَرْضِ ءَايَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ

بس نشانهاست از خدا به زمین‌بهر قومی که هست اهل یقین

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ

بس نشانهاست هم به جان شما[در همه چیز] ننگرید آیا؟

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ

در سپهر است رزق و وعد شما

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلِ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ

پس قسم بر خدای ارض و سما
که بحق است مثل نطق شما

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ

این سخن را شنیده‌ای آیا؟
داستان خلیل و مهمانگاه گرامی بدند پیش خدا

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا ۖ قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ

آن جماعت بر او چو کرد ورودابتدا داد بر خلیل درود
چون جواب سلامشان برسیدگفت ای قوم ناشناخته‌اید

فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ ۖ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ

پس سوی خانواده گشت روان کرد گوساله‌ای سمین بریان
چون که گوساله را نهاد به جا

فَقَرَّبَهُوَ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

گفت از چه نمی‌خورید آن را

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ ۖ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ

پس بترسید سخت از آنهاپس بگفتند هان مترس از ما
مژده دادند آن گروه او راکه جوانی است بهر تو دانا

فَاقْبَلَتْ أَمْرَانَّهُوَا فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ

پس زنش روی کرد جیغ‌کشان و بزد او به صورتش [شادان
که چگونه کنون پسر آریم‌که منم این زمان عجوز و عقیم

قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ ۖ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ

پس بگفتند حق بگفت این رابه یقین اوست عالم و دانا

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

گفت ای مرسلان ز سوی خداچيست فرمان و کار و بار شما

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

پس بگفتند ما ز ربّ جلیل‌بهر اهل گنه شدیم گسیل

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ

تا برایشان کنیم ما نازل‌سنگبارانی از شن و از گل

مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ

و آن نشاندار گشته از یزدان‌بهر جمعیت فزونکاران

فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

پس برون آوریم ما از آن‌آن گروهی که هست با ایمان

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

جز یکی خانه ما نیافته‌ایم‌خانه‌ای بهر امر حق تسلیم

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

و نهادیم آیتی در آن‌بهر ترسنده از عذاب گران

وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

[و نشانه‌است نیز در موسی چون فرستاده‌ایم ما او را
سوی فرعون با دلیل عیان

فَتَوَلَّى بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَحَرٌ أَوْ مَجْنُونٌ

پس از او سخت گشت رو گردان
گفت این ساحری است یا مجنون

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ

پس گرفتیم او و قوم زبون
غرق کردیم جمله را در آب‌مستحق ملام بود [و عذاب

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ

[هست از حق بسی نشان در عادکه فرستاده‌ام بر آنان باد

مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالْأَرْمِيمِ

تند بادی که بر هر آنچه وزیده‌مچو ستخوان مردگان پوسید

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ

نیز چون گفته شد به قوم ثمودتا زمانی برید بهره و سود

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

چونکه سر باز زد ز امر خداصاعقه بر گرفت آنان را
خیره خیره نگاه می‌کردند[همه ناگاه بر زمین خوردند]

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ

کسی از جای خود بلند نشدو کسی هم نبود یاور خود

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِيقِينَ

مردم نوح نیز قبل از آن‌مردمی بود سخت نافرمان

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ

آسمان را نهاده‌ایم بناو به قدرت بگستریم آن را

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ

نیز گسترده‌ایم روی زمین‌و چه نیکو بگستریم چنین

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

آفریدیم جفت از اشیامتذکر شوید بلکه شما

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

پس به سوی خدا کنید فراربه عیان بهرتان دهم هشدار

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

و میارید شرک بهر خدامن نذیر مبین شدم به شما

كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ
أَوْ مَجْنُونٌ

۵۳ أَتَوَاصَوْا بِهِۦٓ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ

۵۴ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ

۵۵ وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ

۵۶ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

۵۷ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ

۵۸ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ

۵۹ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا
يَسْتَعْجِلُونَ

۶۰ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

۵۲. طور	الطُّور: کوه طور	مکی	۴۹ آیه	۳ صفحه
---------	------------------	-----	--------	--------

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالطُّورِ

ای پیمبر به کوه طور قسم

۲ وَكِتَبَ مَسْطُورٍ

و کتابی که گشته است رقم

۳ فِي رَقٍ مَّنْشُورٍ

که به طومار بر گشوده نهاد

۴ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ

و قسم هم به خانه‌ی آباد

۵ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ

و قسم می‌خورم به بام بلند

۶ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ

و به دریا قسم که بردارند

۷ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ

که عذاب خدا شود واقع

۸ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ

هیچ چیزی نباشدش مانع

۹ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا

چونکه افتد در آسمان تب و تاب

۱۰ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا

و رود کوهسار هم به شتاب

۱۱ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین

۱۲ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ

که به بازی به لهو هست قرین

۱۳ يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَى نَارٍ جَهَنَّمَ دَعَاً

پس بخوانندشان به دوزخ و نار[پس بگویند بهر آن کفار]
این بود آنچه گفته‌ایم از نار

۱۴ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

که به آن بوده‌اید در انکار

و نیامد رسولی از این پیش‌جز که گفتند [قوم کافر کیش
این بشر ساحر است یا مجنون پس مباش ای رسول ما
محزون

و سفارش کنند نیز به آن‌آن گروهند جمله در طغیان

پس بگردان تو روی از آنان‌که ملامت نمی‌شوی از آن

هم تذکر بده که این تذکارمؤمنان را منافع آرد بار

ما نکردیم خلق جن و بشرجز برای عبادت داور

روزی از این کسان نمی‌خواهیم‌نیز اطعامشان نمی‌خواهیم

روزی ماست در بر یزدان‌که خداوند قدرت است و توان

بس گناه است بر ستمکاران‌همچون باران پیشتر زیشان
پس نباشند هیچ اهل شتاب که رسد زود بهر خلق عذاب

وای بر کافران ز روز جزاکه بود وقت وعده آنان را

أَفْسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

این بود کار ساحران آیا؟و نینید نیز آن آیا؟

۱۶

أَصْلَوْهَا فَأَصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و در آبیید هم بود یکسان صبر و بی‌تابی شما در آن
و جزای شما بود تنهاکیفری بهر کارهای شما

۱۷

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

و در آنجاست اهل تقوا را بوستانها و هم نعیم خدا

۱۸

فَكَهِنَ بِمَا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَّاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

شادمانند از عطای خداوز عذاب جحیم گشته رها

۱۹

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

پس گوارا خورید و آشامیداز عملها که کرده‌اید پدید

۲۰

مُتَكِّينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ

صف به صف بر اریکه تکیه زنان‌حور عین است همسر آنان

۲۱

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ

نسلی از مؤمنان نیکوکاربهر این قوم تابع از کردار
نیز ملحق شوند بر آنان‌نشود گم ز کرده‌ی ایشان
خلق باشد رهین کرده‌ی خویش نشود کارهای او کم و بیش

۲۲

وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفَكَهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

میوه و گوشت بهرشان دلخواه می‌رسد از عنایت الله

۲۳

يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ

جام گیرند و هیچ آنان رانیست بیهودگی و لغو و خطا

۲۴
حزب
۲۱۰

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ

و بگردند گردشان غلمان‌بهرشان همچو گوهر پنهان

۲۵

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

روی آرند پس به سوی سؤال‌و چنین است آن خطاب و مقال

۲۶

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ

پیش از این بوده‌ایم ما ترسان‌در دل خانواده و خویشان

۲۷

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَّعْنَا عَذَابَ السَّمُومِ

پس خدا متنی نهاد به ماوز عذاب سموم ساخت رها

۲۸

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ

پیش از این خوانده‌ایم ما او رااو بود خوب و مهربان با ما

۲۹
۴۵۹ر

فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ

پند ده کز عطای آن بیچون‌نیستی کاهن و نه ای مجنون

۳۰

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَرَبَّصُ بِهِۦ رِيبَ الْمُنُونِ

یا بگویند شاعری که تو رامی‌کشیم انتظار مرگ و فنا

۳۱

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ

پس بگو منتظر شوید بر آن‌که منم با شما ز منتظران

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَمُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ

عقلشان می‌دهد چنین فرمان یا که این جمع هست در طغیان

۳۳ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُۥٓ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ

یا بگویند افترا به خدا بلکه ایمان نباشد آنان را

۳۴ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِۦٓ إِن كَانُوا صَادِقِينَ

پس بیارند گفته‌ای چون آن راستگویند اگر چنین سخنان

۳۵ أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ

آفریدیمشان ز هیچ آیا؟ یا که خود خالقند هم خود را

۳۶ أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ

یا که کردند خلق ارض و سما؟ به یقین هیچ نیست آنان را

۳۷ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمْ الْمَصِيطِرُونَ

گر که گنج خداست با آنان یا مسلط شدند بر کیهان

۳۸ أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِۦٓ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ

یا که دارند نردبانی راکه از آن بر شوند سوی سما
بشنوند از سما کلامی راگو بیارند آن سخن سوی ما
و دلیلی بیاورند عیان چیست پس ادعایشان به بیان

۳۹ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُْ الْبَنُونَ

بهر دادار دخترست آیا؟ و پسرها شدند از آن شما

۴۰ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّن مَّعْرَمٍ مُّثْقَلُونَ

خواهی آیا تو مزد از ایشان که غریمند زیر بار گران

۴۱ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ

یا که دارند علم غیب آنان و آنچه دانند می‌نویسند آن

۴۲ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا۟ فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ

کید خواهند کافران آیا؟ می‌رسد این وسیله آنان را

۴۳ أَمْ لَهُمْ إِلٰهٌ غَيْرُ اللَّهِۚ سُبْحٰنَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

یا که معبود جز خدا دارند حق بود پاک از آنچه شرک آرند

۴۴ وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَآءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ

گر ببینند قطعه‌ای ز سما افتد در برابر آنان را
پس بگویند توده‌ای از ابر[ای پیمبر به کارشان کن صبر]

۴۵ فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ

این جماعت به حال خود بگذار تا کند روز مرگ را دیدار

۴۶ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

ندهد کید سود آنان را و ندارند یابوری آنجا

۴۷ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

ظالمان راست باز هم کیفرو ندارند بیش هیچ خبر

۴۸ وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَاۖ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ

صبر کن در اطاعت یزدان پس تویی در حفاظت رحمان
حمد و تسبیح او بیار به جا آن زمانی که می‌شوی برپا

۴۹ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ الْجُومِ

نیز در شب ستای یزدان را آن زمان که روند اخترها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ	۱	به ستاره قسم که گشت فرا
مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ	۲	نیست گمراه و پرت یار شما
وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ	۳	و نگوید سخن ز روی هوی
إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ	۴	بل به وحیی که می‌رسد او را
عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ	۵	یاد داد آنکه در وی است توان
ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ	۶	پرتوان ایستاد و چیره بر آن
وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ	۷	در افق بود نقطه‌ای زبرین
ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ	۸	پس به نزدیکی آمد و پایین
فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ	۹	دو کمان بود مرز یا کمتر
فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ ۖ مَا أَوْحَىٰ	۱۰	وحی بر بنده داد از داور
مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ	۱۱	دل نگوید دروغ آنچه که دید
أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ	۱۲	آنچه ببند چرا ستیز کنید
وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ	۱۳	در فرودی دگر بدید او را
عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ	۱۴	سدر بن که نهایت است آنجا
عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ	۱۵	و در آن است جایگاه جنان
إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ	۱۶	و آنچه را سدر بن شود پوشان
مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ	۱۷	چشم او دور از خم و طغیان
لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ	۱۸	دید آیات برتر یزدان
أَفَرَأَيْتُمُ اللَّتَ وَالْعُرَىٰ	۱۹	پس خبر ده ز لات و از عزی
وَمَنَوَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ	۲۰	و منات است سومین ز آنها
أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ	۲۱	بهر دادار دختر است آیا؟و پسرها شدند ز آن شما
تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ	۲۲	هست این بخشکرد بی‌هنجار
إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمِيَّتُوهَا أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ ۖ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ۚ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ ۚ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ	۲۳	نیست اینها مگر که در گفتار از شما نام یافت و ز پدران حق نداده است بهر آن برهان و شما بید پیروان گمان‌هم هواهای نفس در دل و جان هم ز پروردگار قادرشان‌پس هدایت رسید برایشان
أَمْ لِلْإِنسَنِ مَا تَمَنَّىٰ	۲۴	آنچه خواهد رسد به کس آیا؟
فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ	۲۵	هست دنیا و آخرت ز خدا
وَكَمْ مِنْ مَّلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ	۲۶	بس ملک هست در سپهر که سوددر شفاعاتشان به خلق نبود جز پس از اذن کردگار ودودآنکه را خواهد و بود خشنود

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَهُ الْمَلَكَةَ تَسْمِيَةً
الْأُنثَى

۵۳:
نجم
۲۷
۶۲/

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا
يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

۲۸

فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ
الدُّنْيَا

۲۹

ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ
سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى

۳۰

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا
بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

۳۱

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ
رَبَّكَ وَاسِعٌ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ
الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا
أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى

۳۲

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى

۳۳
۴۶۲/

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْثَى

۳۴

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوْ يَرَى

۳۵

أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى

۳۶

وَأِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى

۳۷

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى

۳۸

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَنِ إِلَّا مَا سَعَى

۳۹

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى

۴۰

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى

۴۱

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَى

۴۲

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى

۴۳

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا

۴۴

به قیامت نباشدش ایمان که نهد بر فرشته اسم زنان

دانشی نیست بهره‌ی آنان پیروی می‌کنند حدس و گمان
و گمان بهر حق ندارد سود[پس مشو مشرک خدای ودود]

روی گردان رسول ما ز آنان که به ذکر حقند رو گردان
و نخواهند جز حیات جهان

این بود حد دانش ایشان
هست معلوم‌تر برای خدای فرقه‌ی گمراهان و اهل هدا

هست ارض و سما از آن خداو دهد بهر خلق مزد و جزا
بر بدان کیفر بد از دادار نیز خوبی است اجر نیکوکار

آن کسی را که هست در پرهیز از گناه و بدی مگر ناچیز
هست عفو غفور پهناور هم به کار شماست دانای
که شما را به خاک ساخت پدیدنیز در بطن مادران بودید
نستایید این زمان خود را اوست آگاه‌تر به با تقوا

دیدی آن را که گشت رو گردان؟

کم عطا کرد و داشت بخل در آن

نزد او هست علم غیب آیا؟و ببیند نهفته را پیدا

نیست آگه ز نامه‌ی موسی؟

و خلیل آنکه حق بکرد ادا

نکشد کس ز فرد دیگر بار

نیست بهر بشر به غیر از کار

عمل خویش را کند دیدار

حق او را دهند از هر کار

و به ربّ تو می‌رسد پایان

او بخنداند و کند گریان

او بمیراند و کند احیا[بر همه کار قادر است خدا]

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

کرد خلقت دو زوج ماده و نر

مِنْ تُطْفَةِ إِذَا تُمْنَىٰ

چون بریزد ز نطفه‌ای (به مقر)

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشَأَ الْأُخْرَىٰ

و به حق است نشئه‌ای دیگر

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ

او دهد بی‌نیازی و هم زر

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ

اوست پروردگار بر شعرى

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ

و فنا داد عاد اولی را

وَتَمُودًا فَمَا أَبْقَىٰ

نیز نگذاشت کس ز قوم ثمود

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّنْ قَبْلِ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَىٰ

مردم نوح پیش از آنان بود
بود سرکش‌تر و ستمگرتر

وَالْمُوتِفَكَّةَ أَهْوَىٰ

واژگون کرد شهرشان یکسر

فَغَشَّاهَا مَا عَشَىٰ

پس بپوشاند [با عذاب شدید]

فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ

به چه الطاف حق کنی تردید

هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَىٰ

این نذیر است اولین زیشان

أَزِفَتِ الْأَزِفَةُ

هست نزدیک [وعده‌ی رحمان

لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ

جز خدا نیست مانعی آن را

أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ

در شگفتید از این سخن آیا؟

وَتَضَحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ

نیز خندان شوید نه گریان

وَأَنْتُمْ سَمِيدُونَ

نیز غافل شدید هم حیران

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا

سجده آرید پس برای خداو عبادت کنید یزدان را

۶۲
سجده
واجب

۵۴. قمر

القَمَرُ: ماه

مکی

۵۵ آیه

۴ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گشت نزدیک ساعت محشرپس شکافی رسید بهر قمر

أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ

۱
۴۶۳

وَإِنْ يَرَوْا ءَايَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ

پس چو ببینند آیه‌های خداروپگردان شوند از آنها
و بگویند این فسون روان

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ

نیز منکر شوند [بر فرمان
تابعدند این کسان به میل و هوی و همه چیز هست پا برجا

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ

و بیامد برایشان اخبار آنچه بودست نهی از انکار

حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ التُّدْرُ

گر چه هشدار حکمتی است رسالیک سودی ندارد آنان را

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُكْرٍ

پس بگردان تو روی از ایشان تا رسد روز دعوت آنان
داعیان می‌کنندشان دعوت‌بهر امری کریه و پر وحشت

خُشْعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ

مُّهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ

فَدَعَا رَبُّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ

وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسْرٍ

تَجَرَّى بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِّمَن كَانَ كُفِرَ

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّثَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعُرٍ

أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِّنَ الْكَذَّابِ الْأَشِرِّ

إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَأَرْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ

چشمها اوفتاده بر پایین‌پس برآیند از درون زمین
چون ملخها شده پراکنده

می‌شتابند سوی خواننده
و بگویند آن زمان کفار هست امروز کار بس دشوار

پیش از این قوم نوح کرد انکار خواند مجنونش و بکرد آزار

بود اینش دعا سوی یزدان‌در ستوهم تو داد من بستان

پس گشودیم بابهای سماآب ریزان شد و گرفت فرا

در زمین چشمه‌ها برآورد آب‌با هم آمیخت این دو روی
حساب

پس بر آن میخ و تخته گشت روان

با نگاه خدای عالمیان
[غرق گشتند دشمنان یکسر] بهر کفار این بود کیفر

و نهادیم آن برای نشان‌تا چه کس ذکر و پند گیرد از آن

این عذاب من است و هم هشدارپس نگه کن که چون کنم
انذار

بهر هر پند سهل شد قرآن‌کیست آنکس که پند گیرد از
آن؟

عاد حرف رسول کرد انکار بهرشان بود کیفر و هشدار

ما فرستاده‌ایم بر ایشان‌تند بادی به روز شوم و زان

مردمان را چنان ز جا بر کندچون نخیلی که ریشه کن
شده‌اند

این عذاب من است و هم هشدارپس نگه کن که چون کنم
انذار

بهر هر پند سهل شد قرآن‌کیست آنکس که پند گیرد از آن

نیز قوم ثمود کرد انکار هر چه دادیم بهرشان هشدار

پس بگفتند بر کسی چون ماگر که تابع شویم هست خطا

اوست چون ما و وحی شد سوی او اوست کذاب و سرکش و
پررو

زود دانند روز بعد از این‌کیست کذاب و سرکش و خودبین؟

می‌فرستیم ناقه‌ای آنجاآزمون است ناقه ایشان را
پس مراقب شو و شکبیا باش منتظر بر عذاب فردا باش

وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌّ

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِاللُّذْرِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا عَالَ لُوطٌ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ

نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِاللُّذْرِ

وَلَقَدْ رَاودُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ ۚ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذْرِ

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذْرِ

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

وَلَقَدْ جَاءَ عَالَ فِرْعَوْنَ النَّذْرُ

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ

أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أُولَئِكَمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ

سَيَهْزِمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبُرَ

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَى وَأَمَرُّ

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ

گو که آب است بینشان مقسوم سهم هر کس از آن بود معلوم

پس گروهی به یار روی آوردتیغ بگرفت و ناقه را پی کرد

این عذاب من است و هم هشدارپس نگه کن که چون کنم انذار

حق فرستاد میجهای یکتاقوم شد همچو کاه ریز آنجا

بهر هر پند سهل شد قرآن کیست آنکس که پند گیرد از آن؟

نیز چون قوم لوط کرد انکارهر چه دادیم بهرشان هشدار

تند بادی شد و شدند تباهشیعهی لوط شد رها به پگاه

این بود نعمتی ز سوی خداشاکران را چنین دهیم جزا

سخت آن قوم داده ایم انذاردر ستیز آمدند با هشدار

کام می‌خواستند از مهمان‌محو کردیم دیدهی آنان پس چنین گفت بهرشان داداربچشید این عذاب و این انذار

صبحگه برگرفت آنان راکیفری پایدار و پابرجا

[پس چنین گفت بهرشان دادار]بچشید این عذاب و این انذار

بهر هر پند سهل شد قرآن کیست آنکس که پند گیرد از آن؟

آل فرعون را رسید انذار

پس نشانه‌ای ما بکرد انکار برگرفتیم جمعشان به توان

کافران نیستند به زیشان گو امان نامه‌ای است بهر شما؟

یا که دارید چیرگی بر ما

زود گردند بر شکست دچارو گذارند زود پا به فرار

باز میعادشان به روز جزاستکه بسی سخت و تلخ‌تر زینهاست

مجرمان در ضلال و نار دچارچون به رخ برکشندشان در نار

[پس بگویند جمله را یکسر]بچشید این تماس را ز سقر

آفریدیم جملهی اشیانیز اندازه داده ایم آن را

نیست فرمان ما مگر یک بارو چو یک لمح هست از ابصار

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ

چون شما بس کسان شدند فنامتذکر نمی‌شوید آیا؟

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاءَكُمْ فَهَلْ مِنْ مَدَّكِرٍ

هست مکتوب کارشان همه جور

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ

از صغیر و کبیر شد مسطور

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ

هست آماده بهر متقیان‌پیش نهر بهشت جا و مکان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ

در نشیمن گهی ز صدق و صغانزد آن حکمران کل قوا

فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ

۵۵. رحمن

الرَّحْمَنُ: بخشاینده

مدنی

۷۸ آیه

۴ صفحه

۱
حزب
۲۱۳
ر ۴۶۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الرَّحْمَنُ

آن خداوند عالم و رحمان

۲

عَلَّمَ الْقُرْآنَ

داد تعلیم دانش قرآن

۳

خَلَقَ الْإِنْسَانَ

آفرید انس و یاد داد بیان

۴

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

و

۵

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ

مهر و ماهند هر دو در حسابان

۶

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ

و گیاه و درخت سجده کنند

۷

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ

هم برافراشت آسمان بلند
و نهادست بهرتان میزان

۸

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ

[بهر سنجش مبادتان طغیان

۹

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ

پایه‌ی وزن عادلانه نهیدنیز میزان خلق کم ندهید

۱۰

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ

آفریدست خاک بهر کسان

۱۱

فِيهَا فَكִيهُةٌ وَالنَّحْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ

میوه و نخل و خوشه است در آن

۱۲

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ

دانه‌ها گاه کاه همره اوستو در آن گاه سبزی خوشبوست

۱۳

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

اینهمه نعمتی که داد خداکذب خوانید مر کدامین را؟

۱۴

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ

خلق کرده است قادر متعال آدمی را ز خشک گل چو سفال

۱۵

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ

نیز کرده است خلقت پریان‌از دل شعله‌هایی از نیران

۱۶

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعم که داد خداشد دروغین به پیش چشم
شما؟

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ

بر دو شرق و دو غرب اوست خدا

۱۸ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر چه لطفش مکذیبید آیا؟

۱۹ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ

و روان ساخت آن دو دریا رانیز برخورد هست آنها را

۲۰ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ

هم بود حایلی میان دویم که تجاوز نمی کنند به هم

۲۱ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر کدامین عطیه از دادار هست بهر شماره انکار؟

۲۲ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ

ز آن بر آیند لؤلؤ و مرجان

۲۳ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت یزدان؟

۲۴ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ

و در آن شد پدید کشتیها همچو کوهی است در دل دریا

۲۵ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعم که داد خدا شد دروغین به پیش چشم شما

۲۶ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

هر که باشد به روی پهنه‌ی خاک‌پس بگیرد به پیش راه
هلاک

۲۷ وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

و بماند به ملک خویش مدام ربّ تو ذو الجلال و الاکرام

۲۸ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

اینهمه نعمتی که داد خدا کذب خوانید مر کدامین را؟

۲۹ يَسْأَلُهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

خلق ارض و سما از او جویاست هر زمانی به کار تازه خداست

۳۰ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر کدامین عطیه از دادار هست بهر شما ره انکار؟

۳۱ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ

زود پای شما کشم به میان‌ای دو مخلوق جن و آدمیان

۳۲ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر کدامین عطیه از دادار هست بهر شما ره انکار؟

۳۳ يَمْعَشَرَ الْجَنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ

ای گروه پری و آدمیان هست اگر بهر هر دو جمع توان
که ز اقطار آسمان و زمین بدر آیبید پس کنید چنین
تتوانید کرد جز به توان

۳۴ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت یزدان؟

۳۵ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

می فرستد زبانه‌ای سرکش نیز رویین گدازه چون آتش
تتوانید هم طلبکاری از کسی بر نجات یا یاری

۳۶ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعم که داد خدا شد دروغین به پیش چشم
شما؟

۳۷ فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ

چون گشاید سپهر والا کامو شود مثل چرمها گلفام

۳۸ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعم که داد خدا شد دروغین به پیش چشم
شما؟

۳۹ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ

هم در آنروز ز آدمی و ز جان می‌نپرسند از گناه کسان

۴۰ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر کدامین عطیه از دادار هست بهر شما ره انکار؟

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَصِي وَالْأَقْدَامِ

خلق بدکار را به روز جزای شناسند از رخ و سیما
پس بگیرند موی پیشانی نیز پاهای مردم جانی

۴۲ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر کدامین عطیه از دادار هست بهر شما ره انکار؟

۴۳ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ

این جهنم بود که بدکردار داشت با او رویه‌ی انکار

۴۴ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانِ

بین آب حمیم و آتش تفت‌هست اهل گنه درآمد و رفت

۴۵ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعم که داد خداشد دروغین به پیش چشم
شما؟

۴۶ وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ

آنکه خائف ز حی سبحان است‌بهر او آن زمان دو بستان
است

۴۷ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بر کدامین عطیه از دادار هست بهر شما ره انکار؟

۴۸ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ

همه پر شاخسار دو بستان

۴۹ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت رحمان؟

۵۰ فِيهِمَا عَيْنَانِ مُجْرِيَانِ

و در آنها دو چشمه در جریان

۵۱ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت رحمان؟

۵۲ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ

هم ز هر میوه زوجها به جنان

۵۳ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت یزدان؟

۵۴ مُتَّكِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَآئِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ

تکیه داده به فرش‌ی از دیبامیوه‌های دو باغ در آنجا

۵۵ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

اینهمه نعمتی که داده خداکذب خوانید مر کدامین را؟

۵۶ فِيهِنَّ قَلَصِرَاتُ الْظُرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

همسرانی فرو گرفته نظرنگرفتند جن و انس به بر

۵۷ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

به کدامین عطیه از دادار هست بهر شما ره انکار؟

۵۸ كَانَهُنَّ أَلْيَافُوتٌ وَالْمَرْجَانُ

همچو یاقوت یا که چون مرجان

۵۹ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت رحمان؟

۶۰ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ

آنکه نیکی کند [به راه خدا] اجر او غیر نیکی است آیا؟

۶۱ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعم که داد خداشد دروغین به پیش چشم
شما؟

۶۲ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ

هست پایین‌شان دو باغ دگر

۶۳ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت داور؟

۶۴ مُدْهَمَّاتَانِ

هست سر سبز و شاد هر بستان

۶۵ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت رحمان؟

۶۶ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاحَتَانِ

و در آنها دو چشمه شد جوشان

۶۷ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت یزدان؟

فِيهِمَا فَكِهَةٌ وَنَحْلٌ وَرُمَّانٌ

و در آن میوه است و نخل و انار

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس چه نعمای حق کنید انکار؟

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ

و زنانی جمیل و خوشرفتار

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس چه نعمای حق کنید انکار؟

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ

حوریانی به خیمه‌ها اندر

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت داور؟

لَمْ يَطْمِئْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

نگرفته ز جن و انس به بر

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

منکری بر چه نعمت داور؟

مُتَّكِعِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانِ

تکیه‌گاه بهشتیان آنجابالشی سبز و بستری دیبا

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین عطیه از داداربهرتان هست در خور انکار؟

تَبَرَّكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

هست فرخنده اسم و نیکو نام ربّ تو ذو الجلال و الاکرام

۵۶. واقعه

الْوَاقِعَةُ: پیشامد

مکی

۹۶ آیه

۴ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

چونکه واقع شود زمان جزا

لَيْسَ لَوْقَعَتِهَا كَاذِبَةٌ

نیست ناراستی وقوعش را

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ

گه به پایین برند و گه بالا

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا

و زمین سخت می‌پرد از جا

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا

کوهها گوییا شود رنده

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا

پس غباری شود پراکنده

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً

سه گروهید گاه يوم الدّین

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

دسته اولی است اهل یمین

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

دیگری نیز هست اهل یسار

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ

سومی پیشگام در هر کار

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ

که همه یافتند قرب خدا

فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ

بهرشان باغهای پر آلا

ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَى

هست جمعی ز دسته‌ی اول

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ

لیک مجموع آخری است اقل

عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ

صف کشیده به تخت کرده مقر

مُتَّكِعِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ

تکیه زن رو بروی یکدیگر

		<div>۵۶- واقعه ۱۷ /۹۶</div>	يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ	جاودانند گردشان پسران
۱۸	بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ			همه با جامی از شراب روان
۱۹	لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ			نه خرابی نه درد سرگیرند
۲۰	وَفَكَهَةَ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ			میوه‌ها نیز آنچه برگیرند
۲۱	وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ			لحم طیر است بهرشان دلخواه
۲۲	وَحُورٌ عِينٌ			نیز از حوریان خوب نگاه
۲۳	كَأَمْثَلِ اللَّوْلُوعِ الْمَكْنُونِ			همگی همچو گوهر پنهان
۲۴	جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ			این بود اجر کار بر آنان
۲۵	لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا			نشنوند از گناه و لغو کلام
۲۶	إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا			بشنوند این سخن سلام سلام
۲۷	وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ			حال بشنو ز حال اهل یمین‌جایشان هست در بهشت چنین
۲۸	فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ			سدر بیخارشان بود به کنار
۲۹	وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ			با درختان موز پر پر و بار
۳۰	وَضَلٍّ مَّمدُودٍ			سایه‌های کشیده
۳۱	وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ			آب روان
۳۲	وَفَكَهَةِ كَثِيرَةٍ			میوه بسیار
۳۳	لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ			و منع نیست در آن
۳۴	وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ			همسرانی رفیع و بس وال
۳۵	إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً			کافرینیم تازه آنان را
۳۶	فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا			همه دوشیزه
۳۷	عُرُبًا أَتْرَابًا			یار شو همسال
۳۸	لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ			بهر اهل یمین بود این حال
۳۹ ۴۷۰	ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ			همه جمعی ز دسته‌ی اوّل
۴۰	وَأُولَئِكَ مِّنَ الْآخِرِينَ			و گروه سوم که هست اقلّ
۴۱	وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ			پس بگویم که چیست اهل شمال
۴۲	فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ			[این چنین است بهر آنان حال بهرشان باد گرم و آب حمیم
۴۳	وَضَلٍّ مِّن يَحْمُومٍ			سایه از بهرشان زدود مقیم
۴۴	لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ			نه خوشی و نه سردی است در آن
۴۵	إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ			پیش از این بوده‌اند خوشگذران
۴۶	وَكَانُوا يُصْرُونَ عَلَى الْحَنَثِ الْعَظِيمِ			به گناه بزرگ در اصرار
۴۷	وَكَانُوا يَقُولُونَ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ			اینچنین بود بهرشان گفتار چون شدیم استخوان و خاک آیا؟ زنده سازند باز هم ما را
۴۸	أَوْ عَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ			وین چنین است جد و آبامان
۴۹	قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ			ای پیمبر بگوی با ایشان‌اولینید و آخرین آنجا
۵۰	لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتٍ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ			چون رسد روز وعده فردا

ای گروه مکذب گمراه	ثُمَّ إِنَّكُمْ أَتَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ	۵۶: واقعه ۵۱ /۹۶
میوه ز قوم می‌خورید آنگاه	لَا يَكُونُ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقُومٍ	۵۲
پس شکمها چو پر کنید از آن	فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ	۵۳
بگشایید بر حمیم دهان	فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ	۵۴
پس بنوشید آب چون آتش‌چون شترهای مبتلا به عطش	فَشَرِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ	۵۵
این پذیرایی است روز جزا	هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ	۵۶
ما شدیم آفریدگار شما پس چرا نیست بهرتان باور[به حیاتی که هست بار دگر]	نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ	۵۷
نطفه را چون رها کنید شما	أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ	۵۸
این بود خلقت شما یا ما؟	ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ	۵۹
آفریدیم مرگ بهر شما بهر کس نیست سبقتی بر ما	نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ	۶۰
تا بیاریم خلق مثل شماو ندانید کی شوید احیا	عَلَىٰ أَن تُبَدِّلَ أَمْثَلَكُمْ وَنُنشِئَکُمْ فِی مَا لَا تَعْلَمُونَ	۶۱
نیک دانید خلقت اولی‌متذکر نمی‌شوید چرا؟	وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ	۶۲
و آنچه را کشت می‌کنید شما	أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ	۶۳
این بود کشته‌ی شما یا ما؟	ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ	۶۴
گر بخواهیم می‌کنیمش کاه‌بس شگفتی کنید پس آنگاه	لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ	۶۵
و بگویید اهل خسرانیم	إِنَّا لَمُغْرَمُونَ	۶۶
بلکه ناکام و اهل حرمانیم	بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ	۶۷
هم ز آبی که می‌خورید آن را	أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِی تَشْرَبُونَ	۶۸
ما ز ابر آوریم یا که شما؟	ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ	۶۹
گر بخواهیم تلخ سازیم آن‌پس چرا نیستید در شکران	لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ	۷۰
آتشی را که بر می‌افروزید	أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِی تُورُونَ	۷۱
ما درختان آن کنیم پدید یا شما خلق کرده‌اید آن را؟	ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ	۷۲
[چیست بهر شما جواب آیا؟] و خدا هر درخت را آورده‌بهره و پند بر بیابانگرد	نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْکِرَةً وَمَتَعًا لِلْمُقْوِينَ	۷۳
پس تو تسبیح گوی نام خداآن خدای بزرگ [ارض و سما]	فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ	۷۴
به مکان ستارگان سوگند	فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ	۷۵: حزب ۲۱۵ ۴۷۱ ر
گر بدانید آن کلان سوگند	وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ	۷۶

إِنَّهُ وَلَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ

که گرامی است نزد ما قرآن

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ

و بود ضبط در کتاب نهان

لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

نکند لمس آن بجز پاکان

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

نازل از سوی ربّ عالمیان

أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ

سست دانید از چه این گفتار

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ

رزقتان شد که می‌کنید انکار

فَأُولَآ إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُوفَ

پس چرا چون شوید جان بر لب؟

وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ

نگرانید آن زمان [به تعب

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ

هست نزدیکتر خدا به شما نیستید آن زمان به حق بینا

فَأُولَآ إِن كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ

پس اگر نیست بهرتان کیفر

تَرْجِعُونَهَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

باز دارید نفس را ز سفر

راست گویید اگر که این سخنان چه جوابی کنون کنید بیان

فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ

هست بهر مقربین خدا

فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٍ

روح و ریحان و باغ پر آلا

وَأَمَّا إِن كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

ور کسی نیز بود از اهل یمین

فَسَلِّمْ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

گو که بر تو درود از اهل یمین

وَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ

نیز بر منکران و گمراهان

فَنُزِّلُ مِنْ حَمِيمٍ

از حمیم است نزل بر ایشان

وَتَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ

و چشائیم نار بر آنان

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ

باوری راستین همین می‌دان

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

پس تو تسبیح کن برای خداآن خدای بزرگ [ارض و سما]

۵۷. حدید

الحَدِيد: آهن

مدنی

۲۹ آیه

۵ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هست تسبیح اهل ارض و سما بهر یزدان قادر دانا

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يُحْيِ ۖ وَيُمِيتُ ۖ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بهر حق است ملک ارض و سماو بمیراند و کند احیا
و به هر کار او بود قادر

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

او بود اول و بود آخر
او بود مخفی و بود پیداوز همه چیزها بود دانا

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

اوست آن کافرید ارض و سماو به شش روز خلق کرد آن را پس از آن کار عرش را پرداخت و امور جهان یکایک ساخت آنچه را می‌شود به خاک درون و آنچه از خاک می‌شود بیرون آنچه نازل شود ز سوی سماو آنچه هم از زمین رود بالا همه را داند آن حق یکتا هر کجایید حق بود آنجا و آنچه انجام می‌دهید شما هست ربّ شما به آن بینا

لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

هم ز دادار ملک ارض و سماست بازگشت امور سوی خداست

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۚ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

آورد شب به روز و روز به شب هست آگاه ز سینه‌ها آن ربّ

ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ ۖ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ

مؤمن حق شوید و پیغمبرو ببخشید ارث خلق دگر مؤمنی را که می‌کند انفاق هست اجری کبیر از رزاق

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

از چه ایمان نیاوری به خدائیز حکم پیمبر او را که بخواند تو را سوی ایمان و گرفتست از شما پیمان اگر ایمان بود برای شما

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُمْ مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ

او فرستاد بنده‌ی خود را با نشانهای روشنی که تو را برد از تیرگی به نور و هدا به یقین آن خدای بهر شما؟ هم رءوف است هم عطا بخشا

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَّنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ أَوْلِيَّتِكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتَلُوا ۚ وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

هان بگوئید چیست بهر شما که نبخشید در طریق خدا هست میراث این زمین و سما از برای خدای بی‌همتا پیش از فتح هر که چیزی دادو پس از آن گرفت راه جهاد هست بالاتر از کسی که بداد از پس فتح و شد به راه جهاد هر دو را وعد نیک داد خداحق به کار شما بود دانا

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ ۖ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ

هر که وامی نکو دهد به خداحق دو چندان دهد جزا او را نیز از بهر اوست اجر کریم در قیامت به نزد ربّ عظیم

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرُكُمُ الْيَوْمَ جَنَّتُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

و در آن روز اهل ایمان راستنوری از رو بروی و جانب
راست
مژده امروز می‌دهند چنان‌زیر اشجارش آبهای روان
ماندگارند جاودانه در آن‌این بود بهر خلق فوز کلان

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا انْظُرُونَا
نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا
فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُو بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ
مِنْ قَبْلِهِ الْعَذَابُ

۱۳

پس دورویان طلب کنند آن‌گاه‌مؤمنان را که افکنند نگاه
تا که نوری شود به جمع پدیدپس بگویند جمله برگردید
تا نخواهید نور [و زین گفتار] می‌رسد بینشان در و دیوار
از درون رحمت خدای مجیدوز برون کیفر و عذاب پدید

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ
أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ
أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

۱۴

پس به ایشان چنین دهند ندایا شما ما نبوده‌ایم آیا؟
پس بگویندشان چرا اماخود فکندید خویش را به بلا
بهرتان شک و انتظار نصیب آرزوها فکندتان به فریب
تا رسید از خدایتان فرمان‌داد از حق فریبتان شیطان

فَالْيَوْمَ لَا يُوْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا
مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

۱۵

پس کنون از شما و از کفارنپذیرند فدیة زان کردار
پس درون لهیب جای شماست و چه بد جایگاه و بد مولاست

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ
مِنْ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ
فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

۱۶
حزب
۲۱۶

بهر مؤمن رسید وقت آیا؟ که شود نرم دل به ذکر خدا
و آنچه نازل بود ز سوی خداست باشد ز قادر یکتا
تا نباشند همچو اهل کتاب‌که زمانی دراز بود به خواب
سخت شد بعد از آن دل ایشان‌بس از آنان شدند نافرمان

أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ
الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

۱۷

و بدانید خالق یکتا می‌کند ارض مرده را احیا
بس نشان بهرتان کنیم بیان‌شاید اندیشه‌ای کنید در آن

إِنَّ الْمَصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا
يُضَعْفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ

۱۸

هر زن و مرد خوب و بخششگرکه دهد وام نیک بر داور
پس دو چندان رسد به او ز خدانیز اجری بزرگ هست او را

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِۦٓ اُولٰٓئِكَ هُمُ الصّٰدِقُوْنَ
وَالشّٰهَدَآءُ عِنْدَ رَبّٰهِمْ لَهُمْ اَجْرُهُمْ وَنُوْرُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوْا
وَكَذَبُوْا بِآيٰتِنَا اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ الْجَحِيْمِ

مؤمنان خدا و پیغمبر راستند و گواه بر داور
اجر و نورست بهره‌ی ایشان اجر حق است و نوری از ایمان
اهل کفران و منکران نشان جایشان هست در دل نیران

اَعْلَمُوْا اَنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وِزِيْنَةٌ وَتَفَاخُرٌ
بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِى الْاَمْوَالِ وَالْاَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ
اَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرٰهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُوْنُ
حُطَمًا وَّفِى الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيْدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللّٰهِ
وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا اِلَّا مَتَعُ الْعُرُوْرِ

و بدان زندگانی دنیا زیب و سرگرمی است و بازیها
نیز بالیدن است بین شما و فزون خواهی از بنین و غنا
همچو باران که اهل کفران راسبزه آرد خوش و شگفتی را
پس شود زود زرد و گردد کاه چون رسد وقت آخرت آنگاه
هست بر مردمان عذاب شدید و عفو و رضای ربّ مجید
نیست این زندگانی دنیا جز متاع فریب بهر شما

سَابِقُوْا اِلٰى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِۦٓ ذٰلِكَ
فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَن يَشَآءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ

بشتایید سوی عفو خدا و بهشتی به عرض ارض و سما
که مهیاست بهر [مهدیان مؤمنان پیمبر و یزدان
و آن نعم حق دهد به هر کس خواست لطف و فضل عظیم از
آن خداست

مَا اَصَابَ مِنْ مُّصِيْبَةٍ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِىْ اَنْفُسِكُمْ اِلَّا فِى
كِتٰبٍ مِّنْ قَبْلِ اَنْ نَّبْرَآهَا اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ

هیچ آسیب نیست بهر شما و نه در ارض میشود پیدا
جز که در نامه بود پیش از آن وین برای خدا بود آسان

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوْا بِمَاۤ اٰتٰكُمْ
وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُوْرٍ

مخور افسوس رفته‌های شما و مشو شاد از آنچه داد خدا
نیست محبوب در بر الله آنکه بالنده است و هم خودخواه

الَّذِيْنَ يَبْخُلُوْنَ وَيَأْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَن يَتَوَلَّ فَاِنَّ
اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ

آنکه ورزید بخل بهر کسان نیز بر بخل می‌دهد فرمان
هر که گرداند رو ز حکم مجید پس خدا هست بی‌نیاز و حمید

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۖ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ عَائِثِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ ۖ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ ۖ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَعَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ ۖ وَيَجْعَلَ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ ۚ وَيَغْفِرَ لَكُمْ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ إِلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

من فرستاده‌ام رسولان را با نشانهای روشن و پیدا و فرستاده‌ام به همراهشان هم کتاب هدا و هم میزان کز عدالت همه شوند به پاو فرستاده‌ایم آهن را که از او قوتی است سخت و شدیدهم از او منفعت به خلق پدید نیز معلوم می‌شود به خدای که کس یآوری کند او را هم رسولش کمک کند به نهان‌پر توان است و مقتدر یزدان

شد فرستاده نوح و ابراهیم و کتابی برایشان دادیم نیز در خاندان آن دو رسول هم نبی هم کتاب یافت نزول بعضشان شد ز جمع مهتدیان و بسی هم شدند نافرمان

در پی آن کسان فرستادم بس رسولان و عیسی مریم نیز انجیل داده‌ام او را در دل پیروان و لا و صفا ترک دنیا که خود بنا کردند [حق نبوده است هیچ از آن خرسند] حکم ما بود بر رضای خدا و رعایت نکرده‌اند آن را اجر دارند مؤمنان زیشان و بسی هم شدند نافرمان

ای کسانی که آورید ایمان اهل تقوی شوید بر یزدان به رسولش بیاورید ایمان تا دو سهم از عطا ببخشند تا و دهد نور بهر راه شما بگذرد از همه گناه و خطا هست آن کردگار بی‌همتا جرم بخشنده و عطا بخشا

تا شوند اهل نامه خود داناکه ندارند قوتی به عطا حق دهد نعمتش به هر کس خواست فضل و خیر بزرگ لطف خداست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

قول آن زن شنیده است خداکه جدل داشت شوهر خود را و شکایت ببرد سوی خدا بشنود حق ز گفتگوی شما به یقین حق بود سمیع و بصیر [وز همه قول خلق هست خبیر]

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مَنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ

جفت خود را چو می‌کنندظهار نیست مادر برایشان ناچار مادر اوست آنکه زاد او رازشت و بیهوده می‌کنند القا [اگر آورده‌اید آن گفتار] حق بود جرم بخش و هم غفار

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّ ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

گر کسی کرد جفت خویشظهار پس از آن بازگشت از این گفتار بنده‌ای را رها کند از بند و سپس آن دو تن به هم برسند این بود پند بهر تان ز خدا او بود بهر کار تان دانا

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّ فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ور نیابد دو ماه پی در پی روزه دارد سپس رسد بر وی گر توانا بود کند اطعام شصت درویش را به جای میام بهر ایمان به کردگار و رسول و اینکه مرز خدا کنید قبول [کفر بهر خدا بود منکر] کیفر کافرست درد آور

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ

هر که شد دشمن خدا و رسول همچو پیشینیان شود مخدول من فرستاده‌ام نشان مبین کافران را بود عذاب مهین

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنُسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

چون برانگیخت خلق را یکسر زود از کار خود شوند خبر آنچه را هست در حساب خدا خود فراموش کرده‌اند آن را [بهر هر چیز حق بود آگاه بر همه چیز هم خداست گواه]

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ط مَا
يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ
سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ
مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ

می‌بینی که عالم است خدا آنچه را هست در زمین و سما
سه نفر هیچ نیست در نجوامگر آنکه که چارمی است خدا
ور سخن بین پنج تن باشدششمین هست کردگار احد
کمتر از این و گر که بیشتر است بین آنان خدای دادگر است
هر گجایند می‌شوند خیراز همه کارشان گه محشر
و خدا عالم است از اشیا [اوست دانای کارهای شما]

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا
عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ ط وَإِذَا
جَاءُوكَ حَيَّوكَ بِمَا لَمْ يُحْيِكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ
لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُكُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا ط
فَبِئْسَ الْمَصِيرُ

می‌بینی تو آن کسانی را؟ که خدا منع کرد از نجوا
بازگشتند و کرده‌اند شروع آنچه بوده است بهرشان ممنوع
راز گویند از گناه و خطانیز سرپیچی از رسول خدا
چون بیایند می‌کنند درودنه چنان که خدا به تو فرمود
و بگویند پیش خود یکسر این سخن نیست در خور کیفر
پس جهنم بس است برایشان پس چه بد مرجعی است بر
آنان

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَنَجَّيْتُمْ فَلَا تَتَنَجَّوْا بِالْإِثْمِ
وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَجَّوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى
وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

ای کسانی که مؤمنید به ماگر که نجواست در میان شما
پس مگویید از گناه و خطانیز سرپیچی از رسول خدا
بلکه گویند خوبی و تقوانیز تقوا کنید بهر خدا
که همه جمع می‌شوید بر او [بهر حق آورید کار نکو]

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ
بَضَائِرِهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

هست نجوا پیامی از شیطان تا شود رنجه خلق با ایمان
نزد هیچ صدمه برایشان جز به اذن خدای عالمیان
و همه مردمان با ایمان کار خود بسپرنند بر یزدان

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ
فَأَفْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ ط وَإِذَا قِيلَ أَنْشُرُوا فَأَنْشُرُوا
يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

مؤمنان چونکه گفته شد به شما بگشایید محن مجلس را
بگشایید تا دهد وسعت بهر تان کردگار از رحمت
نیز چون گفته شد که برخیزید پس بغیزید [جمله بی‌تردید]
مؤمن و اهل علم را درجات می‌فزاید خدای [در دو حیات
حق ز کار شما بود آگاه دور باشید از خطا و گناه]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ
نَجْوَيْكُمْ صَدَقَةٌ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَظْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا
فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

ءَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَيْكُمْ صَدَقْتِ فَإِذْ لَمْ
تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ
وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَّا هُمْ
مِّنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

اتَّخَذُوا أَيْمَنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ
مُّهِينٌ

لَن تَغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُۥ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ
وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ؕ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَذِبُونَ

أَسْتَحْوِذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ ؕ أُولَٰئِكَ
حِزْبُ الشَّيْطَانِ ؕ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۖ أُولَٰئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ

كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ۚ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

مؤمنان چونکه با رسول خداگفتگو آورید با نجوا

صدقه پیش از آن عمل اولی است‌بہتر و پاکتر برای شماست

گر که باشید ناتوان از آن‌حق بود مهربان و ذو غفران

گر بترسی ز بذل مال و عطایبشتر ز آنکه آوری نجوا

چون ندادی خداست توبہ‌پذیر[روی دل کن بہ سوی حی قدیر]

پس نماز خدا بہ پا سازیدو زکات خدا بپردازید

و اطاعت کنید حکم خدانیز حکم پیمبر او را

و خدای جهان بود دانااز آنچه انجام می‌دهید شما

می‌دیدید بین خود آنان‌که بہ قومی شدند رو گردان

کہ خدا خشم داشت بر آنان‌نہ شدند از شما و نی زیشان

و دروغ است ہر سخن زیشان‌زین سخن آگہند ہم خودشان

کرد آمادہ بہرشان یزدان‌کیفری سخت [در دل نیران

مردمی سخت بد عمل بودند

سپری شد برای‌شان سوگند

منع کردند از رہ یزدان‌خوار ساز است کیفر آنان

مال و اولادشان چہ سازد کاربا عذاب و جزای آن قہار

آن کسانند یار نار و جحیم‌جاودانند در جحیم مقیم

چون بہ حشر آورند آنان راپس قسم می‌خورند بہر خدا

بہر‌تان آنچنان کہ می‌آرندبہر ہر کار خویشتن سوگند

در گمانند باز از خودشان‌هان بدانید کاذبند ایشان

شد مسلط بہ جانشان شیطان‌برد یاد خدا ز خاطرشان

حزب شیطان شدند و در خسران

دشمنند آن گروہ بر رحمان

نیز خصم پیمبر یزدان‌در صف ناکسان روند آنان

حق چنین کرد در کتاب رقم‌کہ شوم چیرہ با رسولانم

بی‌گمان ہست کردگار بلندبس توانمند و نیز نیرومند

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ
 عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ
 بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ
 اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۵۸
مجادله
۲۲
/۲۲

می‌نیایی تو مؤمنان به خدائیز آن مؤمنان به روز جزا
 که به خصم خدا و پیغمبر دوست باشند و یار یکدیگر
 گر که باشند بهرشان پسران یا که باشند بهرشان پدران
 یا که قومند یا که از اخوان هست ایمان نوشته در دلشان
 روح حق شد مؤید ایشان و درون می‌برندشان به جنان
 زیر اشجارش آبهای روان ماندگارند جاودانه در آن
 هست راضی از آن گروه خدائیز دارند آن گروه رضا
 آن جماعات حزب یزدانندهان که این دسته رستگارانند

۴ صفحه

۲۴ آیه

مدنی

الحشر: گردآمدن

۵۹. حشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ

۱
۴۷۹

هست تسبیح اهل ارض و سما بهر یزدان قادر دانا

اوست آنکس که کافران یهودکرد از خانه‌هایشان مطرود
 کس گمانی در این نبرد نبرده که برآیند ز اولین برخورد
 و گمان داشتند کان دژهامانعی هست از برای خدا
 پس پیامد سراغشان آن سان که جماعت نداشتند گمان
 و بیفکند رعب در دلشان کرد آن خانه‌هایشان ویران
 کار تخریب گاه با خودشان گاه با دست جمع با ایمان
 پس بگیرد عبرتی از آن‌ای گروه بمیر و دیده‌وران

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ
 دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ
 مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمْ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ
 يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ
 بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يٰأُولِيَ الْأَبْصَارِ

۲

وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ
 فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ

۳

ور مقدر نبود بر آنان که برآیند از وطن ایشان
 بهرشان بود کیفر دنیاو عذاب جحیم در عبا

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَمَن يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ
شَدِيدُ الْعِقَابِ

این بدان است که شدند ایشان دشمن حق و مرسل یزدان
و آنکه را دشمنی بود به خداکیفری سخت هست روز جزا

مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ
اللَّهِ وَلِيُخْرِىَ الْفٰسِقِينَ

قطع کردید اگر درختان رایا به پا واگذاشتید آن را
پس به اذن خدا بود آن کار فاسقان را خدای سازد خوار

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِن
خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ
وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنچه بخشید حق رسولش را بهر آنها نتاختید شما
حق مسلط کند به هر کس خواست آنکه پیغمبر و رسول
خداست
او تواناست بر همه اشیای بلکه هر قدرت است ز آن خدا

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ
وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَىٰ لَا
يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا ءَاتَاكُمُ الرَّسُولُ
فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
شَدِيدُ الْعِقَابِ

آنچه حق بر پیمبر خود داد از غنائم که بود از اهل بلاد
شد ز حق و رسول و خویش قریب هم فقیر و یتیم و مانده
غریب
بین آنان مباد دست به دست که خدا بیش مالشان دادست
آنچه را دادتان رسول خدا بستانید از رسول شما
و آنچه را نهی کرد بهر شما مکنید و شوید با تقوا
گر به حکم خدا جفا کردید به یقین کیفر خداست شدید

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ
يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ
أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ

این بود از مهاجر نادار که برون کرده شد ز ملک و دیار
رزق جویند و هم رضای خدایار حق و رسول در همه جا
آن کسان جمله راست می گویند [راه حق و رسول می پویند]

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَن هَاجَرَ
إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ
عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ۚ وَمَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و آن کسانی که بوده اند از پیش در همین دین حق و خانه ی
خویش
دوست بودند هر مهاجر را و نبودند منتظر به عطا
و مرجع شناختند به خویش گر چه نادار بوده اند از پیش
آنکه برداشت دل ز آرزو و هوی پس بود رستگار [نزد خدا]

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا
الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ
ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ

و کسانی که آمدند از پیو بگفتند بهر خالق حی
که بیمارز ما و اخوان را که به دین پیش بوده‌اند از ما
کین مؤمن به جان ما مگذار تو رثوف و رحیمی ای غفار

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا
مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا
نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ
يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

می‌ندیدی دو رو که داشت خطاب؟ با رفیقان کفر ز اهل کتاب
گر که بیرون کنندتان ز دیار با شما بییم ما مدافع و یار
و نباشیم آن کسان را یار که بگیرند بر شما پیکار
ور که آیند با شما به غزما همه می‌شویم یار شما
و گواه است قادر سبحان که دروغ است گفته آنان

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ
وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُولَّيْنَّ الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يُصَرُّونَ

گر که بیرون کنندشان ز دیار نیستند آن کسان بر آنان یار
ور که باشند در طریق غزای نباشند یار آنان را
ور که باشند یار آنان را بگیرزند و نیستند به جا
و سپس در چنین غم و بحران هیچ کس نیست یاور ایشان

لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا
يَفْقَهُونَ

از شما هست خوفی آنان را که بود بیشتر ز خوف خدا
نیست فهمی چنین جماعت را [کز همه برتر است آن یکتا]

لَا يَقْتُلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ
جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

همه دورند از ره پیکارجز که از قلعه از پس دیوار
بین آنان خصومتی است شدیدگر چه همگام می‌شوند پدید
متفرق شدند از دل و جان اهل اندیشه نیستند آنان

كَمْثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ

مثل آن عده‌ای که چندی پیش بچشیدند طعم کرده‌ی خویش
بهر آنان بود عذاب الیم هم در آنجا و هم به نار جحیم

كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ
إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

مثل شیطان که گفت با انسان اهل کفران شوید بر یزدان
چو که کافر شدند بر یزدان گفت بیزارم از تو ای انسان
در هر اسم من از خدای جهان اوست پروردگار عالمیان

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ
الظَّالِمِينَ

هست پایان کارشان نیران ماندگارند جاودانه در آن
و آن بود کیفر ستمکاران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ
لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ای کسانی که آورید ایمان
اهل تقوا شوید بهر خداو ببین پیش داده‌ی فردا
اهل تقوا شوید بهر خدااوست از کارهایتان دانا

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ
هُمْ الْفَاسِقُونَ

و نباشید مثل آنان را که فراموش کرده‌اند خدا
پس ز خاطر ببردشان یزدان آن جماعت شدند نافرمان

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
هُمْ الْفَائِزُونَ

اهل نار جحیم و اهل جنان نیستند این دو همگن و همسان
آن گروهی که هست اهل جنان رستگارند [در بر یزدان

لَوْ أَنزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا
مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَتَفَكَّرُونَ

گر فرستیم این کلام خدا بر دل کوه بنگری آن را
که شکافد ز ترس و خوف خداوین مثلها که می‌زنیم آن را
هست از بهر مردمان جهان‌تا که اندیشه‌ای کنند در آن

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

نیست معبود جز خدای جهان اوست دانای آشکار و نهان
اوست روزی رسان و اوست رحیم

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ
الْمُؤْمِنُ الْمُهِيمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا
يُشْرِكُونَ

نیست معبود جز خدای کریم
پادشاهی است پاک و کشف امان هم نگهبان و قطب عز و
توان
آن بزرگی که هست جبران ساز اوست پاک و منزله از انباز

هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ
يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

آن خدا خالق است و طرح افکن نقش‌بند و به نامها احسن
هست تسبیح اهل ارض و سما بهر یزدان قادر دانا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ
تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ
يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ
كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَدًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ
إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ
يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

۱
۴۸۲

إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءَ وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ
أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ

۲

لَنْ تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۳

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ
قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ
اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ
أَبَدًا حَتَّى تُوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ
لَا اسْتَعْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا
عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

۴

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ
أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۵

مؤمنان دشمن من و خود را مگزینید بهر خود مولا
و مگیرید دوست آنان را منکرانند وحی و قرآن را
هم شما و رسول را ایشان کرده بیرون به خاطر ایمان
گر روید از ره رضایت من از برای جهاد با دشمن
دوستی گر کنیدشان به نهم منم آگاه از نهم و عیان
و آنکه این کار را دهد انجام در طریق بدی گذارد گام

گر که یابند چیرگی به شمالین گروهند بهر تان اعدا
میگشایند باز دست و زبان به بدی روی آورند ایشان
دوست دارند کفر بهر شما [پس مباحثید دوست آنان را]

ندهد سود خویش و فرزندان پس جدایی فتد میانه‌ی تان
این چنین است حال در عقباو به کار شماست حق بینا

اسوه‌ای نیک داد ربّ جلیل از خلیل و متابعان خلیل
چون بگفتند مردم خود راهست بیزار جمع ما ز شما
و پرستید هر چه غیر خدانیز کافر شدیم ما به شما
دشمنی هست بین ما و شما جز که مؤمن شوید بهر خدا
با پدر بود قول ابراهیم عفو جرم تو از خدا خواهیم
نیست قدرت مرا به حکم خداتا کنم کاری از برای شما
ای خدا من به تو سپارم کارسوی تو بازگشتم ای غفار
روی آریم سویت ای علام و بسوی تو می‌رود فرجام

ای خدا آزمون مکن ما را بهر کفار [در طریق خطا]
و بیامر زمان تو ربّ رحیم به یقین این تویی عزیز و حکیم

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ

اسوه‌ای نیک هست در آنان‌بهر امیدوار بر یزدان
نیز امیدوار بر عقباو آنکه پیچید سر ز حکم خدا
بی‌نیازست کردگار شماو ستوده است نزد اهل دها

عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُمْ

هست امید بر صفا و ولابین یاران و دشمنان شما
و خدای جهان بود قادرو بود مهربان و هم غافر

لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ

و آنکه جنگی نکرد از کفارو نیاوردتان برون ز دیار
سویشان راه عدل بگشاییدو ره خیر و قسط پیمایید
که خداوند قادر سبحان‌دوست باشد به جمع دادگران

إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ

و آنکه پیکار کرد از کفارو برون بردتان ز شهر و دیار
و به این کار بوده پشتیبان‌رویگردان شوید از آنان
و آن جماعت که بهرشان یارندپس همان دسته هم
ستمکارند

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ

مؤمنان! چون مهاجران زنان‌کوچ کردند و داشتند ایمان
ابتدا آزمون کنید ایشانو خدا اعلم است بر ایمان
گر به ایمان بیاورند اقراربرنگردند جانب کفار
که حرامند جمله بر ایشان‌نیز ایشان حرام بر آنان
مهرشان را دهید بر اعدانیست آنکه گناه بهر شما
که به عقد آورید آنان راچونکه دادید اجر ایشان را
زن مرتده را کنید رهاو بخواهید مهر آنان را
و بگیرند آنچه پردازنداین بود حکم کردگار بلند
و خدا عالم است هم دانا[حکم حق را بیاورید به جا]

وَإِن فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ

همسری گر به دشمنان پیوست‌چون بیابید بر غنائم دست
مهر زن را به شوی او بدهید[این بود حکم کردگار مجید]
اهل تقوا شوید بر یزدان‌آنکه دارید بهر او ایمان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَدَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۶۰:
ممتحنه
۱۲
/۱۳

ای پیامبر اگر رسند زنان سوی تو بھر بیعت از ایمان
گر نیارند شرک بھر خدارو به سرقت نیاورند و زنا
هم نباشند قاتل فرزند نیز بهتان ز خویشتن ننهند
و نباشند با تو نافرمان در ره خیر و نیکی و احسان
پس تو ببذیر بیعت آنان از خدا خواه بھرشان غفران
که خدا مهربان و غفارست با زن و مرد مؤمنان یار است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ

۱۳

مؤمنان آنکه راست خشم خدامگزینید بھر مهر و ولا
ناامید از قیامتند و نشورهمچو کفار خفته در دل گور

۲ صفحه

۱۴ آیه

مدنی

الصَّفَّ: صف

۶۱. صف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ

۱
۴۸۴ر

هست تسبیح اهل ارض و سما بھر یزدان قادر دانا

از چه ای مؤمنان دین خدا کارتان نیست همچو قول شما

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ

۲

پس بود ناپسند نزد خدا کارتان نیست گر چو قول شما

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

۳

دوست دارد خدا کسانی را که بجنگند در طریق خدا
گویی آنان بنای سربین اند [سخت پیوسته در ره دینند]

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنَيٌّ
مَرَّضُونَ

۴

گفت با قوم خویش چون موسی از چه آزار می کنید مرا
هم بدانید که برای شما من پیام آورم ز سوی خدا
کج شدند از ره خدا آنان پس خدا ساخت کج دل ایشان
و هدایت نمی کند یزدان آن کسی را که بود نافرمان

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَتَقَوَّمُ لِمَ تُؤْذُونِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي
رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

۵

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَبْنِي إِسْرَءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اُسْمُهُوَ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

۶۱: ص ۶
۱۴/

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

۷

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

۸

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تَجَرَّةٍ تُنَجِّيَكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

۱۰
۴۸۵ر

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۱۱

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۱۲

وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا ۖ نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ۖ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

۱۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَءَامَنْتَ طَآئِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَكَفَرْتَ طَآئِفَةٌ ۖ فَأَيَّدَآ الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَٰلِمِينَ

۱۴

نیز چون گفت عیسی مریم آل یعقوب را رسول منم راست دانم کتاب پیشین را[حکم تورات هست نزد شما] مژده بخشم که بعد من آیدمرسلی نام او بود احمد چونکه آورد سوی قوم نشان‌گفت قومش که هست سحر عیان

کیست بدتر به راه جور و جفا؟ز آنکه بهتان زند برای خدا و به اسلام خوانده‌اند او رانیست حق رهنمای اهل جفا

خواست سازد خموش با افواه‌نور حق قوم کافر گمراه نور خود را کمال داد الله‌کافران را اگر چه هست اکراه

او فرستد رسول خود به هدانیز آیین حق دهد او را تا شود چیره هر مرامی رامش‌رکان را اگر چه نیست رضا

ای کسانی که مؤمنید او را رهنمای شما شوم آیا؟ سوی کاری که می‌رهندتان از بلای عظیم [در نیران

مؤمن حق شوید و پیغمبرو بجنگید در ره داور با زر و جان که آن بود بهتربهرتان گر که داشتید خبر

حق ببخشد همه گناه شماو در آرد به بوستان خدا زیر اشجارش آبهای روان‌بس اقامتگه نکو در آن در بهشتید جاودانه مقیم‌آن بود بهر خلق فوز عظیم

دوست دارید امر دیگر راو آن بود یاری و کمک ز خدا هست نزدیک فتحی از یزدان‌مژده ده بهر جمع با ایمان

ای کسانی که آورید ایمان‌همه باشید یاور یزدان گفت عیسی بن مریم این گفتارکیست از این حواریان انصار؟

پس بگفتند ما همه یاران‌گشت مؤمن گروهی از ایشان شد گروهی ز آل اسرائیل‌یاورانی به کردگار جلیل کفر ورزید عده‌ای دیگرمؤمنان را خدای شد یاور پس به دشمن بیافتند ظفر[حال در سرگذشتشان بنگر]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ
الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۱
حزب
۲۲۱
۴۸۶

هست تسبیح گوی بهر خدا آنچه باشد در این زمین و سما
پادشاهی است پاک از اشیا اوست هم پرتوان و هم دانا

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ
آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا
مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

۲

اوست کز بین عامیان به جهان برگزیند رسولی از آنان
آیه هایش بر ایشان خواند پاک و پاکیزه شان بگرداند
هم کتاب و حکم کند تعلیم بهر ایشان [ز سوی حی حکیم
گر چه ز آن قبل بوده اند ایشان گمراهی فاش در ضلال عیان

وَعَاخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۳

هست اقوام دیگری که در آن می نیویسته اند بر ایشان
و خداوند عالم و داناست

ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

۴

و آنچه گفتیم جمله فضل خداست

دهد از فضل حق به هر کس خواست نیز فضل بزرگ از آن
خداست

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ
يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

۵

آنکه تورات گشت بر او بارو نبردست اوست همچو حمار
که بر او بار شد کتابی چند مثلی بد برای او آرند
اوست کافر به آیه های خدا نیست حق رهنمای اهل جفا

قُلْ يَٰأَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ
دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۶

گو یهودان گمان کنید شما؟ دوستانید خاص بهر خدا
پس کنون آرزوی مرگ کنید اگر شما صادقید [بی تردید]

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
بِالظَّالِمِينَ

۷

و ندارند آرزو بر آن ز آنچه از پیش کرده اند آنان
[کارهایی ز راه جور و جفا] حق بود بر ستمگران دانا

قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ
تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَلِيمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ

۸

گو که مرگی کز آن کنید فرار با شما هست در ره دیدار
باز گردید پس سوی یزدان کوست دانای آشکار و نهان
پس خبر می دهد خدا به شما هر عمل را که داشتید اینجا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

مؤمنان چونکه بر نماز خداروز جمعه همی کنند ندا پس شتایید سوی ذکر خدا و بسازید کار بیع رها کاین بود بهتر از برای شماگر که باشید آگه و دانا

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

چون به پایان رسد نماز شماپخش گردید در زمین خدا و بخواهید از عطای خدا و فزون آورید ذکرش را شاید ای قوم رستگار شوید[رستگاری است ذکر حی مجید]

وَإِذَا رَأَوْا تِجْرَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجْرَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

چونکه لهو و تجارتی بینندسوی آن کار راه بگزینند و رها می‌کنند کار قیام‌که تو داری در آن تلاش تمام گو که از لهو و بیع شد بهترآنچه باشد به نزد آن داور و خداوند هست رزق رسان‌بهترین رزق هست از یزدان

۲ صفحه

۱۱ آیه

مدنی

الْمُنَافِقُونَ: منافقان

۶۳. منافقون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ

چون دورویان به نزد تو آیندو دهان بر شهادت بگشایند که گواهی دهیم ما اینجاکه همانا تویی رسول خدا حق بدانند تویی رسول خدا و گواه است کذب آنان را

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

قسم خویش را کنند سپرباز دارند از ره داور و چه زشت است کرده ایشان که دو رنگند در عیان و نهان

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

چونکه اول بیاورند ایمان و سپس رو کنند بر کفران پس خدا مهر زد به دلهایشان‌پس نفهمند هیچ چیز از آن

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَتَى يُؤَفَّكَونَ

چون ببینند خلق آنان را جسم آنان بود شگفتی را چون ز ایشان تو بشنوی گفتارمثل چو بند پشت بر دیوار هر خروشی به ضد خود داننددشمنان تو هم همانانند پس بپرهیز آن جماعت را مرگشان باد کج روند کجا؟

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأْ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

چونکه گفتند آن جماعت را پیش آید [در طریق هدا] تا رسول مهیم یکنافو افاد ز حق برای شما سر بیچند و روی گردانند سرکش از راه و حکم رحماند

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

گر بخواهی تو عفو آنان رایا نداری دعا تو ایشان را هست یکسان دو حال برایشان حق نخواهد برایشان غفران رهنما نیست قادر منان بهر قومی که هست نافرمان

هُمْ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا ۖ وَاللَّهُ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ

گفته اند اینکه بخششی نکنید بهر یار رسول حی مجید تا روند از بر رسول خداوز خدا هست گنج ارض و سما نیست فهم سخن دورویان را [و ندانند لطف یزدان را]

يَقُولُونَ لِنِ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ ۚ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

گفته اند ار رویم سوی دیار پس ذلیلان برون شوند ز دار هست عزت از آن حق و رسول و کسانی که دین کنند قبول و نداند منافق این سخنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

ای کسانی که آورید ایمان ندهد غفلتی به قلب شما مال و اولادتان زیاد خدا آن گروهی که داشت این رفتار به زیان کلان شدست دچار

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ

و ببخشید روزی خود را پیش از آنکه رسد ممات شما پس بگوید اگر کمی تقدیر گیرد از بهر من ره تأخیر پس ببخشم به مدتی کوتاه هم ز شایستگان شوم آنگاه

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

حق چو مرگ کسی کند تقدیر نگذارد برای او تأخیر و خدای جهان بود داناز آنچه انجام می دهید شما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱
۴۹۰

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۲

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ
صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

۳

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا
تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

۴

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ
أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۵

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ
يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

۶

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَشَاعِرٌ ثُمَّ
لَتُتَبَوَّنَ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

۷

فَقَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْثَوْرَ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

۸

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنِ
بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۹

هست تسبیح گو برای خدا آنچه باشد در این زمین و سما
حمد و ملک دو عالم است او را او تواناست بر همه اشیا

اوست آن کافریدتان به جهان وز شما کافرست و با ایمان
و خدای جهان بود بیناز آنچه انجام می‌دهید شما

او بحق ساخت این زمین و سماچهرتان را نگاشت پس زیبا
و سر انجام خلق سوی خداست

داند او آنچه در زمین و سماست
و آنچه پنهان کنید یا افشاوست از راز سینه‌ها دانا

نرسیده است پیش از این آیا؟ خبر کافران به گوش شما
پس چشیدند کیفر خود راهست از ایشان عذاب جانفرسا

بهرشان آمده است پیغمبرهمره آیه‌های روشنگر
پس بگفتند هست هادی ما آدمیزاده‌ای چو ما آیا؟
اهل کفران شدند و رو گردان بی‌نیاز است ایزد از آنان

و خدا هست بی‌نیاز و حمید [اینکه عابد برای او باشید]
در گمانند کافران که خدا بر نینگیزد آن جماعت را
گو چرا که قسم به ذات خدا که برانگیزم آن جماعت را
و به اعمالشان کنم دانا هست این کار سهل نزد خدا

پس خدا را بیاورید ایمان با رسول گرامی یزدان
نیز نوری که ما فرستادیم بر همه کارتان خداست علیم

چون کند جمعتان خدا به زمان هست آن روز روزگار زیان
مؤمنی را که هست نیکوکار پس ببخشد گناه او غفار
و خدایش در آورد به جنان زیر اشجارش آبهای روان
ماندگارند جاودانه در آن و آن به نزد خداست فوز کلان

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
خَالِدِينَ فِيهَا ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

کافران و مکذبان نشان همه هستند در دل نیران
ماندگارند جاودانه در آن بد سر انجامی است با ایشان

مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ
قَلْبَهُ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

هیچ آسیب نیست بهر شما جز که باشد به اذن و حکم خدا
و آنکه ایمان بیاورد به خداقلب او را خداست راهنما
وز همه چیز حق بود دانا

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى
رَسُولِنَا الْمُبَالِغُ الْمُبِينُ

کن اطاعت حق و رسول خدا
پس چو از حق شوید رو گردان بر نبی نیست جز بلاغ عیان

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

نیست معبود جز حق مطلق مؤمنان را توکل است به حق

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا
لَكُمْ فَأَحْذَرُوهُمْ ۚ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ
غَفُورٌ رَّحِيمٌ

ای کسانی که آورید ایمان هست در همسران و فرزندان
آنکه دشمن بود برای شما پس شما هم حذر کنید او را
ور که عفو آورید و هم غفران پس غفور است و مهربان
یزدان

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۚ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

آزمونی است مال و فرزندان نزد حق است اجر و مزد کلان

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا
لِّأَنْفُسِكُمْ ۚ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ ۖ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ

اهل تقوا شوید بهر خداتا بدانجا که قادرید شما
بشنوید و مطیع حق باشید و ببخشید [بهر رب مجید]
این بود بهتر از برای شما و آنکه از بخل خویش گشت رها
پس بود رستگار نزد خدا [هم ز نار جحیم هست رها]

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ
وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

قرض نیکو دهید اگر به خدایس دو چندان کند خدا آن را
و کند عفو هر خطای شما بر دبار است و شاکر است خدا

عَلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

اوست دانای آشکار و نهان قادرست و حکیم آن یزدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ
وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ
بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ
حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا
تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

۱
حزب
۲۳۳
۴۹۲

فَإِذَا بَلَغَنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ
بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ
لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

۲

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ
حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

۳

وَالَّتِي يَسْنَى مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ
فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَتْ الْأَحْمَالِ
أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ
أَمْرِهِ يُسْرًا

۴

ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ
سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا

۵

ای پیمبر گه طلاق زنان هست در وقت عده‌ی ایشان
بشمارید عده آنان را اهل تقوا شوید بهر خدا
و زنان از سرا برون مکنیدو آنکه گردد برون ز خانه پدید
زشتی آشکار هست او راو آن بود مرزهای حکم خدا
و آنکه بگذشت از حدود خدا بهر خود کرده است جور و جفا
تو ندانی که بعد از این شاید از خدا حکم تازه‌ای آید

چونکه آن عده را رسد پایان یا نگهدار همسرت پس از آن
یا به طرزی نکو شوید جداو دو عادل بر آن بگیر گواه
و گواهی بود برای خداست پند خدا در آن به شما
هر که مؤمن شود به حکم خدانیز مؤمن شود به روز جزا
و آنکه تقوا کند برای خدا پس رهایی دهد خدا او را

نیز رزقی دهد به او یزدان از رهی که نیاورد به گمان
هر که بسپرد کار خود به خدا پس کفایت کند خدا او را
و به فرمان خود رسد یزدان و به هر چیز می‌دهد میزان

و زنی کز محیض شد نومیدگر که در امر خود کند تردید
و آنکه هرگز ندیده قاعده راعده‌ی او بود سه مه اینجا
و اگر باردار بود آن زن مدت اوست تا گه زادن
آنکه پرهیز کرد بهر خداحق کند سهل مشکل او را

امر خود داد حق برای شماو آنکه پرهیز کرد بهر خدا
پس ببخشید از او گناه و خطانیز اجرش کند بزرگ خدا

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وَّجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمُّوْا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَسَرِّضُوهُ لَهَا وَآخَرَىٰ

نیز مسکن دهید آنان را هر کجا هست در توان شما و مگیرید راه رنج و زیان و مگیرید تنگ بر آنان گر که باشند باردار زنان بر شما هست خرجی ایشان تا زمانی که وضع حمل کنندور که دادند شیر بر فرزند بر شما هست خرجی آنان رابه بود مشورت میان شما گر توافق نبود بین شما دایه باید گرفت کودک را

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ ۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۚ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

گو ببخشد ز مال خود او را و آنکه را نیز نیست هیچ غنا هم ببخشد ز داده ی یزدان نیست تکلیف کس به غیر توان و پس از هر صعوبتی یزدان می کند کار بندگان آسان

وَكَايِنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ ۖ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكَرًا

چه بسا شهر گشت رو گردان از خدا و پیمبر یزدان پس گرفتیم از آن حساب شدیدو بر او کیفری عجیب رسید

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا

پس چشیدند اجر کار آنان بود فرجام کارشان خسران

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا

شد مهیا ز کردگار مجیدبهر آنان عذاب سخت و شدید فاتقوا الله یا اولی الالباب مؤمنان! حق بداد ذکر و کتاب

رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا

بر شما خوانده است پیغمبر از همه آیه های روشنگر تا خدا مؤمنان صالح را برد از تیرگی به نور هدا مؤمنی را که هست کار نکودهدش جا به روضه ی مینو زیر اشجارش آبهای روان ماندگارند جاودانه در آن و خداوند قادر یکتا می دهد رزق نیک آنان را

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

ساخت هفت آسمان خدا به جهان از زمین نیز داده است چنان هست نازل میانشان فرمان تا بدانید بهر اوست توان بر همه چیز قادرست خدانیز داناست از همه اشیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ
أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ
الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ
وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ
فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَتْبَاكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ
الْخَبِيرُ

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ
فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَلِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ
بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ

عَسَى رَبُّهُوَ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكُنَّ
مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَتِلَّبَتِ عِبْدَاتٍ سَلِيحَاتٍ
ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ
اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

ای پیمبر چرا کنی تو حرام؟ آنچه بر تو رواست ز آن علام
تا به دست آوری رضای زنان حق بود مهربان و ذو غفران

داد فرمان خدا [که کفار بهر سوگندها شود چاره
و آن خداوند بر شما مولاست و خدا هم حکیم و هم داناست

چون نبی راز گفت با همسرو آن خبر برد [بر زنی دیگر]
به رسولش چو فاش ساخت خدایس به او گفت قسمتی ز
آن را
ساختم قسمتی دگر پنهان چون خبر را به زوجه کرد بیان
گفت دادت چه کس خبر آنگاه گفت یزدان عالم و آگاه

توبه آرید پس به سوی خدا چون بگشته است قلبهای شما
گر که با هم شوید پشتیبان یار پیغمبرش بود یزدان
نیز جبریل و قوم با ایمان و ملائک شوند بعد از آن

گر شما را رها کند شاید حق زانی به او ببخشد
کز شما بهترند در ایمان هم به اسلام و هم تواضعشان
توبه و رزان و عابدان خدایک یا بیوه رهروان هدا

مؤمنان خویش و اهل و فرزندان دور دارند ز آتش سوزان
که بر او هیزم است ناس و حجرو ملائک موکل کیفر
سختگیر و خشن به کیفرشان و به حق نیستند نافرمان
و آنچه فرمان رسد ز سوی خدازود انجام می‌دهند آن را

کافران عذر نیست بهر شما که به اعمالتان دهند جزا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای کسانی که آورید ایمان توبه سازید ناب با یزدان
تا گناهانتان ببخشد اوو درآیید در دل مینو
زیر اشجارش آبهای روان نیست آن روز خواری و خذلان
با رسول خدا و اهل یقین نورشان رو برویشان به یمین
پس بگویند ای خدا بر ماساز تکمیل نور [ایمان را]
تا گناهان ما ببخشایی و به هر چیز تو توانایی

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

ای نبی گیر شیوهی پیکار با دورویان و فرقه‌ی کفار
کار را سخت گیر بر ایشان در دل دوزخ است منزلشان
و چه جای بدیست بر ایشان این سر انجام در دل نیران

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ

حق زند بهر اهل کفر و ضلال همسرانی ز نوح و لوط مثال
همسر بندگان صالح ماآن دو بر شوی داشتند جفا
و نبردند سودی از کردارگفته شد هر دو در شوید به نار

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

می‌زند بهر خلق با ایمان زن فرعون را مثل یزدان
چون به حق گفت نزد خویش مراخانه‌ای در جنان بساز خدا
هم ز فرعون و کار او تو مراکن رها وز گروه اهل جفا

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ فِيهَا وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ

نیز مریم که دخت عمران بوددختری خوب و پاکدامان بود
پس دمیدیم روح خود او را [و از آن گشت حامل عیسی
سخن حق و نامه‌هایش را کرد تصدیق و شد مطیع خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبْرَكَ الَّذِي يَدِيَهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بس بزرگ است آنکه ملک او راستو توانا به جمله‌ی
اشیاست

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

او کند مرگ و زندگی ایجادتا بود آزمایشی به عباد
تا چه کس بهتر است در کردارو خدا قادر است و هم غفار

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ
مِن تَفَوتٍ ۚ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ

لایه لا آفرید هفت سماییست نقصی برای صنع خدا

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ
حَسِيرٌ

بازگردان نگاه را آیا؟هست نقصی برای صنع خدا؟
بازگردان نگاه را به بصر[با تمام وجود] بار دگر
باز گردد زبون سوی تو نظرو شود ناتوان ز رأی بصر

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا
لِّلشَّيَاطِينِ ۚ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

جلوه دادم سپهر دنیا رابا چراغ و نهادم آنها را
سنگهایی برای اهرمانکیفری هم ز آتش سوزان
ما مهیا کنیم بر ایشان

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

نیز از بهر کافر یزدان
کیفری هست در جحیم آنجابد سر انجامی است آنان را

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ

چون بیفتند در دل نیرانبانگ و فریاد بشنوند از آن
و بجوشند از دل نیران

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ ۚ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ
خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

گویی از خشم بگسلند آنان
چون گروهی در افکنند آنچاپس ندا می‌دهند آنان را
که نذیری نبودتان آیا؟

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ
شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ

همه پاسخ دهند اینکه چرا
بود از بهر ما بسی هشدارما به هشدار داشتیم انکار
و بگفتیم نیست از یزدان و شماپید در ضلال کلان

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ

گر که با عقل و گوش می‌بودیم ما نبودیم در عذاب جحیم

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ

به گناهان خود کنند اقرارمرگ بادا بر این صحابه‌ی نار

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

آنکه ترسد ز ربّ خود به نهان‌اهل آمرزش است و اجر کلان

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ ۖ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا
وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ ۚ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ

ءَأَمِنْتُمْ مَّن فِي السَّمَاءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ
تَمُورُ

أَمْ أَمِنْتُمْ مَّن فِي السَّمَاءِ أَن يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۖ
فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيفَ كَانَ نَكِيرِ

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَّتٍ وَيقْبِضْنَ ۚ مَا
يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ ۚ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ

أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُم مِّن دُونِ
الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ

أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنِ أَمْسَكَ رِزْقَهُ ۚ بَلْ لَّجُّوا فِي
عُتُوٍّ وَنُفُورٍ

أَفَمَن يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ ۖ أَهْدَىٰ أَمَّن يَمْشِي سَوِيًّا
عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ
وَالْأَفْئِدَةَ ۚ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

گر سخن فاش بود یا که نهان اوست دانای راز خلق جهان

نیست آگه ز خلقتش آیا؟اوست باریک بین و هم دانا

او زمین را بساخت رام شماپس به دوشش شوید ره پیما
هم ز روزیش بهره‌ور گردیدو به سویش تمام برگردید

از خداوند ایمنید آیا؟که بود بر سپهر حکمروا
که به کام زمین شوید نهان‌و بود آن زمان زمین لرزان

از خداوند ایمنید آیا؟که بود در سپهر حکمروا
که فرستد ز سنگ و شن طوفان‌پس بدانید بیم دادنمان

پیش از این نیز داشتند انکاربین چه بوده است کیفر آن
کار

ننگرند آن پرنده را آیا؟که بود قبض و بسط بالش را
که نگهداشت جز خدا او را؟بهر هر چیز او بود بینا

چه سپاهی بود معین به شما؟در بر حکم خالق یکتا
کافرانند در فریب و خطا

چه کسی رزق می‌دهد به شما؟
حق کند رزق خویش را گر دورپا فشارند بهر کبر و نفور

آنکه بر روی خود رود آیابه بود یا کسی که شد پویا؟
راست قامت روانه در ره راست‌گو کدامین بهین به چشم
شماست؟

گو شما را خدای کرد ایجادبهرتان چشم و گوش و قلب نهاد
و قلبی شدید شکرگزار[بهر انعام رحمت دادار]

گو شما را به ارض ساخت پدیدهمه سوی خدای جمع شوید

و بگویند کو زمان وعید؟اگر این گفته راست می‌گویید

گو که دانش بود به نزد خداو منم منذری عیان به شما

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا
الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِیَ اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ
الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ عَامِنًا بِهِ ۚ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ
هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ
مَعِينٍ

۶۸. قلم	القلم: قلم	مکی	۵۲ آیه	۳ صفحه
---------	------------	-----	--------	--------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ

بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ
بِالْمُهْتَدِينَ

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ

وَلَا تُطِعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ

هَمَّازٍ مَشَّاءٍ مَبِيمٍ

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ

عُتْلٍ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

چونکه نزدیک بنگرند آن راکافران را سیه شود سیما
و بگویند آنچه خواسته‌ایداینک از بهرتان شده است پدید

گو اگر حق من و گروه مرا بدهد خیر یا برد به فنا
کافران را چه کس رها سازد؟از عذاب الیم [دار ابد]

گو که ایمان به حق بیاوردیم‌کار خود بر خدای بسپردیم
زود آگاه می‌شوید از این‌که چه کس هست در ضلال مبین

گو که آب ار فرو رود به جهان‌چه کسانی دهند آب روان

نون [بود رمزی از خدای نعم به قلم و آنچه شد نوشته قسم

که به لطف خدا نه ای مجنون

و ترا اجرتی است ناممنون

و تویی در مقام خلق بلند

زود بینی و خلق هم بینند

که کدام است از شما مجنون

هست آگاه آن حق بیچون
که کدام است از شما گمراه؟و چه کس هست از هدا آگاه

پس اطاعت مکن تو [در کردار]از کسانی که آورند انکار

دوست دارند تو کنی نرمی‌تا که نرمی کنند [با گرمی

و اطاعت مکن قسم خور پست

عیبجویی که با سخن‌چین است

مانعی بهر راه خیر و نکوست

متجاوز به حق و مفسده جوست
هست گستاخ و پست بعد از آن

صاحب مال هست و فرزندان

چونکه خوانند آیهی رحمان‌گوید افسانه‌های اولیان

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ

می‌نهم داغ روی بینی‌شان

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ

۱۷

وَلَا يَسْتَنْثِنُونَ

۱۸

فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ

۱۹

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ

۲۰

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ

۲۱

أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰرِمِينَ

۲۲

فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ

۲۳

أَن لَّا يَدْخُلْنَهَا أَلْيَوْمَ عَلَيْكُم مَسْكِينٌ

۲۴

وَعَدُوا عَلَىٰ حَرْدٍ قَدِيرِينَ

۲۵

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ

۲۶

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

۲۷

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ

۲۸

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

۲۹

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ

۳۰

قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِعِينَ

۳۱

عَسَىٰ رَبَّنَا أَن يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ

۳۲

كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۳۳

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ

۳۴
۴۹۹

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ

۳۵

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

۳۶

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ

۳۷

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ

۳۸

أَمْ لَكُمْ أَيْمَنٌ عَلَيْنَا بَلِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ

۳۹

سَلَامٌ أَيُّْهُمْ بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ

۴۰

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِن كَانُوا صَادِقِينَ

۴۱

يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

۴۲

امتحان می‌کنیم از ایشان

همچنان صاحبان آن بستان‌که قسم خورده‌اند صبحگاهان که بچینند میوه‌ها یکسر

و نگفتند خواهد ایزد اگر

پس عذابی ز حق رسید آنجاخواب هم برده بود آنان را

باغ شد همچو شام تیره سیاه

پس مخاطب به هم شدند پگاه

صبحگاه سوی کشت روی آریدگر که خواهید میوه‌ها را چید

پس بگشتند سوی باغ روان‌و بگفتند اینسخن به نهان

که مواظب شوید در این حین‌نرسد بر شما یکی مسکین

و برفتند صبحگاه چنان‌که بود بهر‌شان به دفع توان

چون بدیدند باغ را آنگاه‌پس بگفتند گم شدیم از راه

بلکه اینک شدیم ما ناکام

گفت عاقل‌ترین در این هنگام
من نگفتم بر ایتان آیا؟بستایید نام پاک خدا

پس بگفتند ای خدا پاکاما همه بوده‌ایم اهل جفا

سوی هم چونکه روی آوردندپس نکوهش ز یکدیگر کردند

پس بگفتند وای وای به ماکه شدیم اهل سرکشی و جفا

بس امید است اینکه بهتر از آن‌بدهد بهر ما خدای جهان
ما گرایش کنیم سوی خدا

این چنین است کیفر دنیا
زین بتر هست کیفر عقباگر که باشند مردمان دانا

متقین راست نزد خالقشان‌بوسستانها ز نعمت یزدان

مسلمین را خدا نهد آیا؟با گنه کار مردمان یکجا

این چه حکمی است می‌کنید شما

چه کتابی است خوانده‌اید آن را

هر چه خواهید می‌رسید آن را

قسمی سویتان رسید آیا؟
که شما راست تا به روز جزاآنچه را حکم می‌کنید شما

به چه چیزی بیاورند ضمان

گر بتانند یار با ایشان
گو بیارند آن خدایان راگر سخن راست است ایشان را

چون شود سخت خلق را خواندبهر سجده و لیک نتوانند

خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهَقُهُمْ ذَلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّنْ مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ

فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ

لَوْلَا أَن تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَفَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

۶۹. حاقه	الحَاقَّة: حتمی	مکی	۵۲ آیه	۳ صفحه
----------	-----------------	-----	--------	--------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَاقَّةُ

۲
ما الْحَاقَّةُ

۳
وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ

۴
كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ

۵
فَأَمَّا ثَمُودُ فَأَهْلِكُوا بِالطَّاعِيَةِ

۶
وَأَمَّا عَادٌ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ

۷
سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَنِيَةً أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ

۸
فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّنْ بَاقِيَةٍ

نگه خود فکنده روی زمین خود به خواری و شرم گشته قرین که چه دعوت شدند سوی سجودو سلامت به جان آنان بود

به من و خواستهای من بسپارهر که این گفته را کند انکار ببرم پله پله [در این راه از مسیری که نیستند آگاه

بهرشان مهلتی کنم تعیین چونکه طرح من است خوب و متین

خواستنی هیچ مزدی از ایشان؟که بر آنان شده است بار گران

یا که دارند علم غیب آنان هر چه دانند می نویسند آن

صبر کن بهر حکم آن باری و مشو مثل صاحب ماهی که ندا داد و خویش بود غمین

گر بر او لطف حق نبود معین در بیابان خشک می افتادو نکوهیده بود زان فریاد

برگزیدش مهیمن غفارو شد از مردم نکوکردار

کافران خواستند با چشمان برسانند بر تو رنج و زیان چون شنیدند ذکر آن بیچون پس بگفتند او بود مجنون

نیست [فرمودهی خدای جهان غیر اندرز بهر عالمیان

روز آینده

چیست آینده؟

و به علم تو نیست آینده

کرد کیفر ثمود و عاد انکار

به هلاکت ثمود گشت دچار

لشکر عاد هم به سوی فنا رفت از باد پر خروش و نوا

هشت روزان و هفت شب یکسر شد مسلط به جانشان مرصرقوم گشتند سرنگون پیدا همه چون ساق پوک نخل آنجا

هیچ کس هست باقی از آنان؟ [این بود کیفر خدای جهان

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً

إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أذُنٌ وَعَيْةٌ

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفَخَهُ وَاحِدَةً

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَةٌ

يَوْمَئِذٍ تُعَرِّضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَةَ

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَةَ

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ ۖ فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَةَ

وَلَمْ أَذِرْ مَا حِسَابِيَةَ

يَلَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَّةٌ

هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ

ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ

قوم فرعون و شهرهای تباه‌پیش از او بود در طریق گناه

سرکشیدند از رسول خداپس عذابی گرفت آنان را

آب چون پر شد از همه اقلیم‌پس به کشتی سوارتان کردیم

تا شما را دهیم از آن پندگوشها نیز آن فرا گیرند

یک دمیدن به صور چون بدمند

خاک با کوه را کنند بلند
پس بکوبند آن همه یکبار

پس بود روز واقعه در کار

و شکافد سپهر و سست است آن

و ملائک بر آن روند کران
عرش پروردگار هشت سروش بر سر آسمان کشند به دوش

جملگی عرضه می‌شوند عیان‌کارها نیست از کسی پنهان

گر کسی نامه‌اش رسد به یمین‌پس بگوید که این بخوان و
ببین

من یقین داشتم حساب و جزا

پس رضایت ز عیش هست او را

در بهشتی بلند دارد جا

میوه در دسترس بود او را

پس بگویند بر خورید آن رابس گواراست میوه‌ها به شما
آنچه را در گذشته داشته‌ایداینک از بهرتان شده است
پدید

گر کسی نامه‌اش رسد به یسارپس بگوید نبود کاش این کار

و نبودم من از حساب آگاه

کاش مرگم فرا رسد از راه

مال من سود بهر من نگذاشت

هم ز من قدرت مرا برداشت

پس بگیرندش و کشند به بند

و سپس در جهنم اندازند

پس به زنجیری افکنندش بازکان به هفتاد ذرع هست دراز

چون نبودست مؤمن یزدان

و نبودست است یار درویشان
و مشوق نبود بهر کسان‌تا غذایی دهند بر ایشان

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَهُنَا حَمِيمٌ

و بر او نیست یاوری اکنون

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ

و غذایی ز چرک هست و ز خون

لَا يَأْكُلُهُوَ إِلَّا الْخَطِئُونَ

نخورد آن به غیر اهل خطا

فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ

پس قسم می‌خورم به دید شما

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ

و آنچه را نیست بهرتان به نگاه

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

کاین سخن هست از رسول الله

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ

نیست گفتار شاعر این قرآن وقلیلی است بهرتان ایمان

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذْكُرُونَ

نیست گفتار کاهن این گفتار و کمی هست بهرتان تذکار

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

این فرستاده‌ای است از یزدان‌کوست پروردگار عالمیان

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ

گر که می‌بست بر خدا چوین

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ

حق از او می‌گرفت دست یمین

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

می‌بریدیم از او رگ و شریان

فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ

وز شما کس نبود مانع آن

وَإِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

این بود پند بهر متقیان

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ

وز شما هست کس مکذب آن

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

و فسوس است بهر ناباور

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ

بی‌گمان راست است بر داور

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

پس به پاکی ستای نام خداآفریننده بزرگت را

۷۰. معارج

المَعَارِجُ: درجات

مکی

۴۴ آیه

۳ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ

سائلی خواست کیفر واقع

لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ

نیست کفار را بر آن مانع

مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ

حق بود صاحب عروج و صعود

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ

أَلْفَ سَنَةٍ

ملک و روح چونکه بال گشود
روز رهرو که رو به سوی خداستپنج ره ده هزار سال
شماست

فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا

بشکیب این زمان شکیب نکو

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ وَبَعِيدًا

خویش را دور بنگرند از او

وَنَرْنَهُ قَرِيبًا

ما به نزدیک بنگریم آن را

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ

چون فلزی گداخته است سما

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ

مثل پشم زده شده کهسار

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا

و ندارد سؤال یار از یار

<p>چون نمایندشان [عذاب مهین مجرمان آرزو کنند چنین بر رهایی ز کیفر نیران‌کاشکی فدیہ بود فرزندان</p>	<p>يُبْصِرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ</p>	<p>۷۰: معارج ۱۱ / ۴۴</p>
<p>نیز همسر و یا برادر ما</p>	<p>وَصَلَحِبَّتِهِ وَأَخِيهِ</p>	<p>۱۲</p>
<p>نیز قومی که جا دهد ما را</p>	<p>وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُتَوِيهِ</p>	<p>۱۳</p>
<p>و آنکه را در زمین بود مأواتا رهایی دهد به امر جزا</p>	<p>وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ</p>	<p>۱۴</p>
<p>نی بود شعله‌هایی از آذر</p>	<p>كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْلَىٰ</p>	<p>۱۵</p>
<p>که برآرند پوست را از سر</p>	<p>نَزَاعَةً لِّلشَّوٰى</p>	<p>۱۶</p>
<p>و ندا می‌دهد به رو گردان</p>	<p>تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ</p>	<p>۱۷</p>
<p>آنکه گرد آورد متاع جهان</p>	<p>وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ</p>	<p>۱۸</p>
<p>بی‌شکیب آفریده شد انسان</p>	<p>إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا</p>	<p>۱۹ حزب ۲۲۸</p>
<p>هست بی‌تاب وقت رنج و زیان</p>	<p>إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا</p>	<p>۲۰</p>
<p>بخل ورزد به نعمت و احسان</p>	<p>وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا</p>	<p>۲۱</p>
<p>غیر جمعیت نمازکنان</p>	<p>إِلَّا الْمُصَلِّينَ</p>	<p>۲۲</p>
<p>دائمند آن کسان به امر نماز</p>	<p>الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ</p>	<p>۲۳</p>
<p>و به اموالشان کنند انباز</p>	<p>وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ</p>	<p>۲۴</p>
<p>جمع پرسشگران و محرومان</p>	<p>لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ</p>	<p>۲۵</p>
<p>و به عقباست جمله را ایمان</p>	<p>وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ</p>	<p>۲۶</p>
<p>بیمناکند از عذاب خدا</p>	<p>وَالَّذِينَ هُمْ مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ</p>	<p>۲۷</p>
<p>که امان نیست ز آن جزا کس را</p>	<p>إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ</p>	<p>۲۸</p>
<p>و نگهبان شدند بر دامان</p>	<p>وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ</p>	<p>۲۹</p>
<p>بر همه غیر همسران ز ایشان و به مملوکه نیستند ملوم</p>	<p>إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ</p>	<p>۳۰</p>
<p>و از کسی کرد غیر این مفهوم متجاوز شده است بر قانون</p>	<p>فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ</p>	<p>۳۱</p>
<p>و آن امانات و عهد را راعون</p>	<p>وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ</p>	<p>۳۲</p>
<p>در شهادات پایدارانند</p>	<p>وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَتِهِمْ قَائِمُونَ</p>	<p>۳۳</p>
<p>به نماز خدا نگهبانند</p>	<p>وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ</p>	<p>۳۴</p>
<p>پس گرامی کنند ایشان رادر دل باغ و بوستان خدا</p>	<p>أُولَٰئِكَ فِي جَنَّتٍ مُّكْرَمُونَ</p>	<p>۳۵</p>
<p>کافران را چه می‌شود [ز عذاب که روانند سوی تو به شتاب</p>	<p>فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ</p>	<p>۳۶ جز ۵۰۳</p>
<p>از چپ و راست دسته دسته جدا</p>	<p>عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ</p>	<p>۳۷</p>
<p>و طمع هست این جماعت را که در آیند در نعیم جنان</p>	<p>أَيُّظْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ</p>	<p>۳۸</p>
<p>نه چنان است [کرده‌اند گمان و خدا آفرید ایشان راو از این قصه‌اند خود دانا</p>	<p>كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ</p>	<p>۳۹</p>

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِرُونَ

عَلَىٰ أَنْ تُبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ

خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهِقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

۰۷۱. نوح	نُوح: نوح	مکی	۲۸ آیه	۲ صفحه
----------	-----------	-----	--------	--------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا

يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْوَعَهُمْ فِي ٔءَاذَانِهِمْ وَأَسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا

به خداوند شرق و غرب قسم که بسی زین دو هست در عالم ما چنان قدرت و توان داریم

که نکوتر جماعتی آریم کس شکستی نمی‌دهد بر ما

تو رها ساز آن جماعت را یاوه گویند و لعب بگزیندتا که روز وعیدشان بینند

چون شتابان برون ز گور شوندگوییا جانب بتان بدوند

نگه خود فکنده روی زمین‌خود به خواری و شرم گشته قرین هست آن روز آنچه ایشان راوعده دادند [انبیای خدا]

نوح را ما به قوم او دادیم‌که دهد قوم خویشان را بیم پیش از آنکه رسد به جانبشان‌کیفری دردناک از یزدان

گفت ای قوم من ز بهر شمامی‌دهم بیم روشن و پیدا

حق پرستید از ره تقواو اطاعت کنید حکم مرا

حق ببخشد گناهتان یکسرو دهد وقت تا زمان دگر چون رسد سر رسید حی قدیرنیست دیگر برای آن تأخیر گر که آگه شوید [از این گفتار][بهره گیرید از زمان بسیار]

گفت من خوانده‌ام بسی یا رب‌مردم خویش را به روز و به شب

دعوتم هیچ بهرشان نفزودجز گریزی [ندیده‌ام ز آن سود]

چون بخوانیمشان به سوی خداتا ببخشد گناه ایشان را سر انگشت بر نهند به گوش‌جامه بر سر بیفکنند از دوش در ره کفر خود کنند اصرارو به شدت کنند استکبار

با صدایی بلند خواندمشان

که عیان خواندم و گهی پنهان

پس بگفتم کنید استغفاررَبّتان را که او بود غفار

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا

ز آسمان آب را کند ریزان

وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَرًا

داد یاری ز مال و فرزندان
و نهادست باغها اشجار هم نهادست بهر تان انهار

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا

از چه خائف نه اید از یزدان

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا

گونه‌گون ساختست خلقت‌تان

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا

می‌بینید که خدای شمالا به ۷ آفرید هفت سما

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا

ماه را کرده است نور افشان‌گشت خورشید مشعلی تابان

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا

و شما را ز خاک رویاند

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا

پس از آن باز باز گرداند
از دل خاک آورد بیرون

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا

و بود خاک فرشتان [اکنون

لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا

تا که از راههای آن برویدوسعتی هم به راهها بخشید

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا

نوح گفت ای خدای من آنان‌بهر من گشته‌اند نافرمان
پیروند از کسی که غیر زیان‌نیست سودش ز مال و
فرزندان

وَمَكْرُوا مَكْرًا كُبَّارًا

حیهل کردند بس بزرگ آنان

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا

و بگفتند بهر مردمشان
برندارید دست از این بت‌هانه سواع و یغوث و نه وَدرا
و یعوق است و نسر نیز الاله

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا

پس بکردند بس کسان گمراه
ای خدا بهر اهل جور و جفاتو به غیر از ضلالشان مفزا

مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا

غرقه گشتند از خطایاشان‌و درآیند در دل نیران
پس نیابند یآوری آنج‌اجز خداوند قادر یکتا

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا

نوح گفت ای خدای من مگذاردر زمینت ز کافران دِیّار

إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

گر بمانند این کسان آن گاه‌بندگان تو را برند از راه
نیست فرزند هم از این کفارغیر نابوران بدکردار

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَلَدِي وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۖ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا

تو مرا نیز والدین مرا ای خدا از ره کرم بخشا
نیز آن کس که بود با ایمان‌و در آمد به خانه‌ام آن سان
نیز هر مؤمن از رجال و نسا[تو اجابت کن این دعا او را]
و آنکه را بود اهل جور و جفاتو میفزا بجز هلاک و فنا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۖ وَلَن نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا

وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

وَأَنَّهُ كَانَ يَفُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن نَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَهَا مِْلَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدَ لِّلسَّمْعِ ۖ فَمَن يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَّصَدًا

وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرُّ أَرِيدَ يَمَنٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ ۖ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن نُّعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُ هَرَبًا

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ ۖ فَمَن يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ ۖ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا

گو که شد وحی سویم از یزدان که شنیدند جمعی از پریان پس بگفتند ما شنیدیم آن بس شگفتی بود در این قرآن

اوست در راه راست راهنمایر آن مؤمنیم اینک ما هیچکس را نمی‌کنیم انبازبهر پروردگار [بنده نواز]

و مقام خدای هست بلندز آنکه گیرد به خود زن و فرزند

و آنکه نادان شد از میانه‌ی مابود بیهوده گو به ذات خدا

به گمانیم ما که جن و بشرمی‌نبدند کذب بر داور

هم کسانی ز جمع آدمیان شد پناهنده چون سوی پریان پس فزون گشت از آن تباهی شان

و چنین داشت آن گروه گمان آنچنانکه بود گمان شمانیست مبعوث کس ز سوی خدا

آسمان سوده‌ایم [در هر باب پس نگهبان سخت بود و شهاب

پیشتر ما نشسته‌ایم آنجاو بر آن گوش داده‌ایم فرا گر کسی گوش بسپرد حالاپس شهاب است در کمین او را

ما ندانیم اینکه اهل زمین‌بهر شرّ یا هدا شده است گزین

بعض ما خوب و بعض ماست جز آن‌متفاوت شدیم [در ایمان

و بدانیم اینکه حق از مانشود ناتوان به ارض [و سما] و توان نیست بهر ما به گریز[و خدا قادر است بر هر چیز]

چون شنیدیم ما هدایت راپس شده است این کلام باور ما آنکه مؤمن شود بر آن یکتانه ز نقصان هراسد و نه جفا

۷۲: جن ۱۴/۲۸	وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا	
۱۵	وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا	و گروهی که شد جفا کردارپس به دوزخ شوند هیزم نار
۱۶	وَالْوِاسِقُونَ عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَّاءً غَدَقًا	پایدارند اگر به مذهب دادسیر سازیمشان ز آب زیاد
۱۷	لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا	این بود آزمون و هر کس راکه بگرداند رو زیاد خدا به عذاب شدید ساخت دچار[این چنین شد جزای بدکردار]
۱۸	وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا	و مساجد بود از آن خداو بخوانید با خدا کس را
۱۹	وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا	چونکه آن بندهی خدا به دعاایستاد ازدحام بود او را
۲۰ ۵۰۷ج	قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا	گو دعای من است بهر خداو ندانم شریک او کس را
۲۱	قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا	گو ندارم برای خلق توان‌نه به راه هدایت و نه زیان
۲۲	قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا	و ندارم ز کس پناه آتجا[گر به من فتنه‌ای بخواست خدا] و ندارم پناهگاهی راغیر آن حی داور یکتا
۲۳	إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتٍ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا	غیر ابلاغ حکم نیست مرا از خدا و پیامهای خدا و آنکسی را که بود نافرمان‌به خدا و پیمبر یزدان جای باشد به دوزخ و نیران‌ماندگارند جاودانه در آن
۲۴	حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أَضَعُ ناصِرًا وَاقِلٌ عَدَدًا	وعده بینند و پس شوند آگاه‌که بود ناتوان به یار و سپاه؟
۲۵	قُلْ إِن أَدْرِىٰ أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا	گو ندانم که وعده دادار هست نزدیک یا که مدت‌دار
۲۶	عَلِمَ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا	عالم غیب اوست پس کس رانکند بر رموز خود دانا
۲۷	إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا	هر رسولی کند گزین به رمداز پس و پیش دیدبان بنهد
۲۸	لِيَعْلَمَ أَنَّ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَ رَبِّهِمْ وَاحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا	تا بدانند اینکه حکم خدا هست ابلاغشان [به راه‌هدا] اوست آگه هر آنچه آنان راستو حسابش به جمله‌ی اشیاست

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ	خفته در جامه [ای رسول عزیز]
۲	قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا	جز قلیلی ز شب ز جا برخیز
۳	نُصَفَهُۥٓ أَوْ أَنْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا	نیمی از آن و یا کمی می‌کاهیا کمی نیز بر وی افزون خواه
۴	أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا	و به ترتیل خوان تو قرآن را
۵	إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا	سخنی سخت می‌کنیم القا
۶	إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأًا وَأَقْوَمُ قِيلًا	هست شب خیزی استوارترین و به گفتار پایدارترین
۷	إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا	روزها را [چنانکه می‌دانی آمد و رفت توست طولانی
۸	وَإِذْ كَرِهَ اللَّهُ مُبَاهَاةَ رَبِّكَ وَتَبَوَّأَ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا	و به یاد آر اسم ربّت راخاطرت را به او بده تنها
۹	رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا	خالق شرق و غرب ربّ جهان‌نیست معبود غیر آن رحمان کار خود را به ربّ خود بسپار[که چو او نیست در جهان دیار]
۱۰	وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْبِزْهُمْ هَزَبًا جَمِيلًا	صبر کن ز آنچه می‌کنند بیان و به خوبی تو دور شو ز آنان
۱۱	وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ وَمَهْلَهُمْ قَلِيلًا	من و این منکران با نعمت‌پس به ایشان بده کمی مهلت
۱۲	إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا	نزد ما هست بندهای گران و عذاب جحیم و آن نیران
۱۳	وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا	و عذابی است ناگوار در آن و عذابی است دردناک و گران
۱۴	يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَّهِيلًا	چون بلرزد زمین و کوه جهان‌کوهها می‌شود چو ریگ روان
۱۵	إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا	ما فرستاده‌ایم سوی شماآن فرستاده را که هست گواه هم به فرعون و قوم فرعونی‌من فرستاده‌ام رسول و نبی
۱۶	فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا	چونکه فرعون گشت نافرمان‌پس عذابی بر او رسید گران
۱۷	فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا	گر که کافر شوید یزدان راپس چه پرهیز هست بهر شما در زمانی که [در عذاب کبیر]کودک و نوجوان شوند چو پیر
۱۸	السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ ۚ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا	آسمان را رسد شکاف از آن‌هست محتوم وعده‌ی یزدان
۱۹	إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ۖ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا	این بود پند آن کسانی راکه بخواهند راه سوی خدا

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلَاثِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ ۖ وَثُلُثَهُ ۖ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ ۗ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ عَلِمَ أَن لَّنْ نَّحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُم ۖ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنْكُم مَّرْضَىٰ ۖ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ ۚ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ ۚ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۚ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۚ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۷۳:
مزمّل
۲۵
/۲۵
حزب
۲۳۵
۵۰۹ر

۷۴. مدثر	الْمُدَّثِّرُ: جامهٔ خواب به‌خود پیچیده	مکی	۵۶ آیه	۳ صفحه
----------	---	-----	--------	--------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ	خفته در جامه [ای رسول عزیز]
۲	فُمْ فَأَنْذِرْ	بهر هشدار مردمان برخیز
۳	وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ	و بگو بر خدای خود تکبیر
۴	وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ	جامه‌ی خویش را بکن تطهیر
۵	وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ	دور باش از همه پلید و تباه
۶	وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ	نیز منت منه زیاده خواه
۷	وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ	و برای خدای باش صبور
۸	فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ	آن زمان که شود دمیده به صور
۹	فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ	هست آن روزگار سخت همان
۱۰	عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ	و به کفار نیست آن آسان
۱۱	ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا	من و آن کافریده‌ام تنها
۱۲	وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا	مال گسترده داده‌ام او را
۱۳	وَبَنِينَ شُهُودًا	و بر او جمع جمله فرزندان
۱۴	وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا	کارش آماده ساختم به جهان
۱۵	ثُمَّ يَظْمَعُ أَنْ أَزِيدَ	باز خواهد کنم فرونش من
۱۶	كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِإِيْتِنَا عَنِيدًا	نه چنان است او بود دشمن اوست دشمن به آیه‌های خدا
۱۷	سَأَرْهُقُهُ صُعُودًا	زود بالا برم ز جا او را

إِنَّهُ فَكَرَ وَقَدَّرَ

به یقین فکر کرد و خود سنجید

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ

مرگ بر او چه نقشه‌ای که کشید؟

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ

مرگ بادش چگونه خود سنجید؟

ثُمَّ نَظَرَ

پس نگاهی فکند و آن را دید

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ

رو ترش کرد و رخ به هم بکشید

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ

روی گرداند و کبر هم ورزید

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ

پس بگفت این بود یکی جادوکه ز پیشینیان گرفتست او

إِنْ هَذَا إِِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ

نیست این غیر گفته‌ای ز بشر

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ

زود او را بیفکنم به سقر

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ

و تو از آن سقر نه ای دانا

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ

نه رها کرده نه نهد بر جا

لَوَاحٍ لِّلْبَشَرِ

پس بگرداند و بسوزد پوست

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ

نوزده عامل عذاب بر اوست

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ
إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَنًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
وَالْمُؤْمِنُونَ وَلَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ
مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ
وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِِلَّا
ذِكْرٌ لِّلْبَشَرِ

كَلَّا وَالْقَمَرَ

۳۲
۵۱۱ ر

وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ

و به شب چونکه گشت رو گردان

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ

و به صبح آن زمان که گشت عیان

إِنَّهَا لِإِحْدَى الْكُوبِ

که یکی از بزرگهاست همان

نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ

و برای بشر بود هشدار

لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ

خواستید این شما یکی ز دو کار
یا بمانید یا روید جلو

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ

هر که بر کار خویش هست گرو

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ

مگر اصحاب راستی به جنان

فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ

پرسش آرند از گنهکاران

عَنِ الْمُجْرِمِينَ

و

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ

چه شما را به نار ساخت روان

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِينَ

پس بگویند [در دل نیران
ما نکردیم بر نماز اقدام

وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَاطِئِينَ

یاوه گو را شدیم هم آوا

وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ

نیز منکر شدیم روز جزا

حَتَّىٰ أَتَيْنَا الَّتِيْنُ

تا که ما را گرفت مرگ فراو یقین آن زمان رسید به ما

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفْعَةُ الشَّلَفِيعِينَ

از شفاعات بهره‌ای نبرند

۴۹ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرةِ مُعْرِضِينَ

روگردان شوند از چه ز پند

۵۰ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ

[بهر این قوم نیست امن و قرار]همچو گوران ز شیرها به فرار

۵۱ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ

9

۵۲ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُوتَىٰ صُحُفًا مُّنْشَرَةً

دارد امید هر یک از آنان‌که خدا نامه‌ای دهد سوبشان

۵۳ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ

نه ترسند از گه عقبا

۵۴ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكِّرُهُ

وین کتاب است پند مردم را

۵۵ فَمَنْ شَاءَ ذَكِّرْهُ

هرکسی خواست گیرد از آن پند

۵۶ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَعْرِفَةِ

لیک اندرز از آن نمی‌گیرند

جز کسی را که خود بخواست خدااو بود اهل عفو و هم تقوا

۷۵. قیامت

الْقِيَامَةِ: قیامت

مکی

۴۰ آیه

۲ صفحه

۱
حزب
۲۳۱
۵۱۲ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ

من قسم می‌خورم به روز جزا

۲ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ

و به وجدان سرزنش فرما

۳ أَيْحَسِبُ الْإِنْسُنُ أَنْ يَجْمَعَ عِظَامُهُ

پس گمان دارد این بشر آیا؟نکنم جمع استخوانش را

۴ بَلَىٰ قَدِيرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِيَ بَنَانَهُ

می‌توانیم ما نهیم به جاهمه انگشتهای آنان را

۵ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَنُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ

خواهد انسان به پیش جرم و خطا

۶ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ

پرسد او کی بود گه عقبا؟

۷ فَإِذَا بَرَقَ الْبَصَرُ

آن زمان چشمها شود خیره

۸ وَخَسَفَ الْقَمَرُ

ماه در آسمان شود تیره

۹ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

و بهم می‌رسند شمس و قمر

۱۰ يَقُولُ الْإِنْسَنُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ

پس بگوید بشر کجاست مفر؟

۱۱ كَلَّا لَا وَزَرَ

نه نباشد پناهگاه آنجا

۱۲ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ

هست جای قرار نزد خدا

۱۳ يُنَبِّئُ الْإِنْسَنُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ

آدمی آن زمان شود داناآنچه از پیش و پس بود او را

۱۴ بَلِ الْإِنْسَنُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ

بشر ار نفس خویش آگاه است

۱۵ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ

گر چه از کار معذرت خواه است

۱۶ لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ

تو مجنبان پی شتاب زبان

۱۷ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ

من کنم جمع تا بخوانند آن

۱۸ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ

چون بخوانیم پی بگیر آن را

۱۹ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ

پس بیانش بود به عهده‌ی ما

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ

دوست دارید بهره‌ی گذرا

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ

و رها می‌کنید عقبا را

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ

چهره‌هایی است شادمان آنجا

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ

و نگه می‌کنند سوی خدا

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ

چهره‌هایی است بس غمین و نژند

تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ

و بدانند پشتشان شکنند

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ

چون رسد جانش آن زمان به گلو

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ

گفته گردد که کیست منجی او؟

وَوَظَنَ أَنَّهُ الْفِرَاقُ

و بداند که می‌رود ز جهان

وَأَلْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ

ساق بر ساق او شود پیچان

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ

چون برانند سوی حق همه را

فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ

نه یقین داشت نه نماز خدا

وَلَكِنْ كَذَبَ وَتَوَلَّىٰ

کرد تکذیب و گشت رو گردان

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ ۖ يَتَمَطَّىٰ

و خرامان به خانه گشت روان

أَوَّلَىٰ لَكَ فَأَوَّلَىٰ

وای بر تو دوباره وای به تو

ثُمَّ أَوَّلَىٰ لَكَ فَأَوَّلَىٰ

وای بر تو هماره وای به تو

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى

آدمی را گمان بود آیا؟که به بیهودگی شوند رها

أَلَمْ يَكْ نُطْفَةً مِّنْ مَّنِيٍّ يُمْنَىٰ

او نبوده است نطفه‌ای آیا؟که به ارحام می‌شوند رها

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ فَلْخَلَقَ فَسَوَّىٰ

پس شود خون بسته و آن را آفرید و قوام داد خدا

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

پس از او ساخت جفت ماده و نر[جای پندست بهرتان یکسر]

أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ

مقتدر نیست آن خدا آیا؟که کند خلق مرده را احیا

۷۶. انسان

الإنسان: انسان

مدنی

۳۱ آیه

۳ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَنِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا

مدتی برگذشت بر انسان نیست یادآوری از آن دوران؟

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا

گشت از نطفه خلقت انسانمختلط گشت و آزماییم آن پس کنیش سمیع و هم بینا

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

و به او می‌شویم راهنما یا شود بهر حق سپاسگزاریا که باشد ز فرقه‌ی کفار

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَلََّا وَسْعِيرًا

ما مهیا کنیم بر کفارغل و زنجیر و شعله‌ها از نار

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِّنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا

و بنوشند صالحان ز آن جام‌که شد آمیخته به عطر [مدام

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا

يُوفُونَ بِالَّذِئْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

إِنَّمَا نُنْطَعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا

فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا

وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا

مُتَّكِعِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَذَلَّلَتْ فَطُوفُهَا تَذْلِيلًا

وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِثَانِيَةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا

قَوَارِيرًا مِّنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا

وَيُطَوَّفُ عَلَيْهِمْ وَلَدَانُ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنْشُورًا

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمَلَكًا كَبِيرًا

عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوْا أَسَاوِرَ مِّنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَّشْكُورًا

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْءَانَ تَنْزِيلًا

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

چشمه‌ای را روان کنند آنجاکه بنوشند از آن عباد خدا

نذر خود می‌کنند خوب وفاو بترسند هم ز روز جزا
که عذاب و گزند و فتنه آن‌گسترد بهر مردمان جهان

و غذا می‌دهند بهر خدابه فقیر و یتیم و هم اسرا

و بگویند ما دهیم غذابه شما از پی رضای خدا
و نخواهیم اجرتی ز شماو نباشد سپاس مقصد ما

ما بترسیم این زمان ز خداکه عبوس است و سخت روز جزا

پس نگهدارشان بود یزدان‌و در آن روز شاد داردشان

وز شکیب است اجر بر ایشان‌جامه‌های حریر و نیز جنان

تکیه داده به تخت در آنجانه بود آفتاب و نه سرما

سایه‌ها هست بر سر آنان‌میوه‌ها چیدنش بود آسان

ظرف سیمین و جامهای بلورگرد ایشان به گردشند و حضور

و بود آبگینه‌ی سیمین‌که به دقت کنند آن تعیین

هم ز جامی کنندشان سیراب‌که بود زنجبیل در آن آب

چشمه‌ای سلسبیل دارد نام‌که بنوشند از او جمیع انام

و بگردند گردش‌ان پسران‌که مقیمند جاودان در آن
و گمان است بهر بیننده‌که بود گوهر پراکنده

و شما بنگرید در آنجانعمت و کشور بزرگی را

جامه‌ها از حریر سبز به برهم ز دیبا بود لباس دگر
دستبندی ز نقره زیورش‌ان‌و می‌پاکشان دهد یزدان

این بود بهرتان ثواب و جزاو سپاسی است بهر کار شما

ما فرستاده‌ایم این قرآن

صبر کن بر اطاعت یزدان
و اطاعت مکن تو از آنان‌که بود در گناه و در کفران

و به یاد آر نام یزدان رادر همه بامداد و در شبها

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَوَسِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا

کن سجود و زمانی از شب راباش تسبیح‌گوی آن یکتا

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذْرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا

[و آن جماعات کافر یزدان دوست دارند بهره‌ی گذران نیز در پشت سر کنند رهاکیفری سخت بهر روز جزا

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا

آفریدیم ما چو ایشان راست کردیم بند آنان را
گر بخواهیم بهرشان تبدیل‌آوریم از برای خلق بدیل

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

نیست این غیر پند آن کس راکه رهی بر گرفت سوی خدا

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

می‌نخواهید جز که خواست خداست حق هم حکیم و هم دانا

يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

هر که را خواست قادر بیچون‌می‌کند در نعیم خویش درون و مهیا کند بر اهل جفاکیفری دردناک [در عقبا]

۷۷. مرسلات

المُرْسَلَات: فرستادگان

مکی

۵۰ آیه

۲ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا

به فرستادگان پی در پی

فَالْعَصْفِ عَصًا

که بتوفند [و تابعند به وی

وَالنَّشِرَاتِ نَشْرًا

و کنند [ابرها] پراکنده

فَالْفَرَقَاتِ فَرَقًا

بین آنان جدایی آورنده

فَالْمُلقِيَاتِ ذِكْرًا

ذکر آرند از سوی دادار

عُذْرًا أَوْ نُذْرًا

بهر عذر و بهانه یا هشدار

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ

که یقین است وعده‌های خدا

فَإِذَا التَّجُومُ طُمِسَتْ

چون شود محو اختران به سما

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ

پس بیفتد شکافها به سما

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ

کوهها را چو برکنند از جا

وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِتَتْ

چون برای رسل نهند زمان

لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ

به چه روزی دهند مدتشان

لِيَوْمِ الْفَصْلِ

روز حکم است و داوری آنگاه

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ

نیستی تو ز روز حکم آگاه

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای بر منکران در آن دوران

أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ

ما فنا ساختیم اولیان

ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ

دیگران آوریم در پیشان

كَذَلِكَ نَفْعِلُ بِالْمُجْرِمِينَ

ما چنینیم با گنهکاران

وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

و در آن روز وای قومی راکه بود منکر نشان خدا

أَلَمْ تَخْلُقْهُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ

آفریدیمتان ز آبی خوار

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ

به مقری بیافتید قرار

إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ

تا زمانی که شد مشخص آن

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَدِرُونَ

پر توانیم و نیز نیک توان

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین و آنکه تکذیب کرد قول مبین

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا

نبود خاک مجمعی آیا؟

أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا

مرده و زنده را در این دنیا

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوْسِيَٰ شَيْخَتٍ وَأَسْقَيْنَكُم مَّاءً فُرَاتًا

کوههای بلند بنهادیم ز آب شیرین شرابتان دادیم

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین آنکه تکذیب کرد قول مبین

أَنْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ

[آن زمان می‌دهد ندا سویشان کو سوی کفر خود شوید روان

أَنْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثُلُثِ شَعْبٍ

سوی آن سایه‌ی سه شاخه‌ی دود

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهِبِ

بروید ار چه آن ندارد سود
در قبال لهیب نار جحیم و نه در سایه‌ای شوید مقیم

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ

افکند همچو کاخ نار شرر

كَأَنَّهُ جِمَلَتٌ صُفْرٌ

اشتری زرد می‌رسد به نظر

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین آنکه تکذیب کرد قول مبین

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ

این زمان ناتوان ز گفتارند

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ

نبود اذن تا که عذر آرند

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین آنکه تکذیب کرد قول مبین

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ

این بود روز داوری به جهان جمع سازم شما و اولیان

فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِدُونِ

حیله‌ای هست اگر برای شما پس بیارید بهر چاره مرا

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین آنکه تکذیب کرد قول مبین

إِنَّ الْمَتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ

و آنکه باشد درست و با تقوا سایه و چشمه‌سار هست او را

وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ

میوه‌ها هست بهرشان دلخواه و بگویند بهرشان آنگاه

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

زین گوارا شوید برخوردار این ثواب است بهرتان از کار

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

این چنین می‌دهیم اجر و جزا هر که کار نکو بود او را

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین آنکه تکذیب کرد قول مبین

كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُّجْرِمُونَ

و بگوییم کافران را هم بهره گیرید کم در این عالم

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

و در آن روز وای قومی را که بود منکر [نشان خدا]

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ

به رکوعی چو داده شد فرمان نپذیرند این سخن ایشان

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وای آن روز بهر منکر دین آنکه تکذیب کرد قول مبین

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

به چه گفتار بعد از این فرمان این جماعت بیاورند ایمان

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ	جزء ۳۰، حزب ۲۳۳، ر ۵۱۸
۲	عَنِ النَّبِإِ الْعَظِيمِ	
۳	الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ	
۴	كَلَّا سَيَعْلَمُونَ	
۵	ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ	
۶	أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا	
۷	وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا	
۸	وَخَلَقْنَكُمْ أَزْوَاجًا	
۹	وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا	
۱۰	وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا	
۱۱	وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا	
۱۲	وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا	
۱۳	وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا	
۱۴	وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا	
۱۵	لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا	
۱۶	وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا	
۱۷	إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَتًا	
۱۸	يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا	
۱۹	وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا	
۲۰	وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا	
۲۱	إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا	
۲۲	لِّلظَّالِمِينَ مَعَابًا	
۲۳	لِّبِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا	
۲۴	لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا	
۲۵	إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا	
۲۶	جَزَاءً وَفَاقًا	
۲۷	إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا	
۲۸	وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا	
۲۹	وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا	
۳۰	فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا	
از چه از یکدیگر کنند سؤال		
از حدیثی مهم و هست جدال		
نه به زودی کنیم آگهشان		
پس به زودی شوند آگه از آن		
ما زمین را کنیم مهد امان		
کوههايند همچو ميخ در آن		
از شما جفت خلق کرد خدا		
خواب آرام ساخت بهر شما		
شب بود پوششی [به روی زمین		
روز شد بهر زندگی تعيين		
و نهاديم بر فراز شما محکم و استوار هفت سما		
و چراغی نهاده ام تابان		
وز دل ابر داده ام باران		
تا برآرم از آن حبوب و نبات		
و بسازم پر از شجر جنات		
روز فصل است وعده گاه شما		
چون دمیده شود به صور آنجا پس بپایید دسته دسته شما		
و گشایند بابهای سما		
کوهها جملگی شوند سراب		
و جهنم کمین گهی [به عذاب		
جای برگشت سرکشان در آن		
و بمانند مدتی آنان		
نچشند آب سرد و نی که شراب		
جز که جوشاب دوزخ و چرکاب		
و مناسب بود جزا و عذاب		
و نبودند امیدوار حساب		
و بکردند آیه ها انکار		
ثبت سازم ز هر چه هست شمار		
بچشید این عذاب و جز کیفر بهر تان نیست هیچ چیز دگر		

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

رستگاری است بهر متقیان

حَدَاقٍ وَأَعْنَبًا

هم ز انگورها بسی بستان

وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا

حوریانی جوان و هم همسال

وَكَأْسًا دِهَاقًا

جامها از شراب مالامال

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذْبًا

نشنود کذب و لغو کس در آن

جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا

این جزا شد عطیه از یزدان

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا

ربّ آرض و سماء و بینهماکس ندارد خطاب بهر خدا

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا

روح و جمع فرشتگان بر پاو به صف ایستاده‌اند آنجا و نگویند جز به اذن خداو چو گویند خوش کنند ادا

ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَن شَاءَ اخْتِذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا

هست آن روز حق و هر کس خواست‌برگزیند به سوی ربّ ره [راست

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا

می‌دهم من برایتان انذاراز عذابی قریب هان [هشدار] پس نگه می‌کنند کرده خویش‌که فرستاده است هر کس پیش هست بر کافر آرزوی هلاکو بگوید که کاش بودم خاک

۷۹. نازعات

النَّازِعَاتُ: به قدرت کِشندگان

مکی

۴۶ آیه

۲ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا

به ملائک قسم که کافر را

وَالنَّشِيطَاتِ نَشْطًا

جان به سختی ز تن کنند جدا و به آنان که مؤمنان را جان‌بازگیرند راحت و آسان

وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا

و به آنان که می‌کنند شنا

فَالسَّيِّقَاتِ سَبَقًا

همه جا سبقت است آنان را

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا

نیز اجرا کنند هر فرمان

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ

آن زمان که زمین شود لرزان

تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ

دومین وقعه است در پی آن

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ

هست دلها در آن بسی نگران

أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ

چشمها در خشوع آنان را

يَقُولُونَ أَعْنَا لَمْرُدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ

پس بگویند این سخن کآیا؟ بازگردیم در هلاک جدید

أَعِذَا كُنَّا عِظَمًا نُخِرَةً

چو همه استخوان ما پوسید

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ

پس بگویند وای ما کاین باربازگشتی است سخت خسرانبار

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ

جز یکی میچه نیست در آنجا

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ

همه هستند در زمین پیدا

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ

و رسیده است سوی تو آیا؟داستان رسول حق موسا

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِاللَّوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى

چون خدایش ندا بداد او راکه تویی در زمین قدس طوی

۱۷ أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

سوی فرعون رو که شد طاغی

۱۸ فَقُلْ هَلْ لَّكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ

پس به او گو که بر توام هادی
سوی پاکی و نیز سوی هدا

۱۹ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ

که بترسی تو خالق خود را

۲۰ فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ

پس نشان داد بهر او موسی‌برترین آیتش ز سوی خدا

۲۱ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ

کرد تکذیب و گشت نافرمان

۲۲ ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَىٰ

رویگردان شد و بگشت روان

۲۳ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ

گرد کرد و چنین بداد ندا

۲۴ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ

مردمان این منم خدای شما

۲۵ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخِرَةِ وَالْأُولَىٰ

پس گرفتار کرد حق او رابه عذاب قیامت و دنیا

۲۶ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنِ يَخْشَىٰ

و بود عبرتی عیان در آن‌هر که را هست خوف از یزدان

۲۷ ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا

خلقت آسمان بود آیا؟سخت‌تر یا که خلقتی ز شما

۲۸ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا

بام آن را چو بر جهان افراخت‌پس به تنظیم آسمان پرداخت

۲۹ وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا

شب سیه کرد و روز را آورد

۳۰ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا

پس از آن کار خاک را گسترد

۳۱ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا

مرتع و آب از آن برون آورد

۳۲ وَالْحَبَالَ أَرْسَلَهَا

کوهها را به خاک محکم کرد

۳۳ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِإِنْعَامِكُمْ

بهره بر چارپا و بهر شما

۳۴ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ

چون رسد روز وقعه کبری

۳۵ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ

چون ببیند بشر چه بودش کار

۳۶ وَبُرِّرَّتِ الْجَحِيمُ لِمَنِ يَرَىٰ

و به بیننده فاش گردد نار

۳۷ فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ

آنکه سرکش بود به حکم خدا

۳۸ وَعَاثَرِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

و مرجح شناخت دنیا را

۳۹ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

پس جحیم است بهر او مأوا

۴۰ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَىٰ النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ

و آنکه ترسید از مقام خدا
نفس خود بازداشت از اهوا

۴۱ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

پس بهشت است بهر او مأوا

۴۲ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا

می‌پرسند از تو روز جزاکه چه موقع بود گه عقیبا؟

۴۳ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا

تو کجایی و ذکر دانش آن

۴۴ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا

که به نزد خداست آن پایان

۴۵ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرُ مَنْ يَخْشَاهَا

این تو را بس که می‌دهی هشدارآنکه را هست خوف از
دادار

۴۶ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا

چون ببینند خلق روز جزاپس گمان است جمله آنان را
که نبوده است وقفه بر آنان‌جز که روزی و یا شبی بر آن

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	چهره در هم کشید و رو برتافت
حزب ۲۳۴ ر ۵۲۲	عَبَسَ وَتَوَلَّى	
۲	أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى	چونکه اعمی به جانبش پشتافت
۳	وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى	شاید از پاکیش نبی دانا
۴	أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى	یا که بهری بگیرد از ذکری
۵	أَمَّا مَنْ أَسْتَعْنَى	و آنکه را مکنت است از باری
۶	فَأَنَّتْ لَهُ وَتَصَدَّى	پس به سوبیش تو روی می‌آری
۷	وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى	گر نشد پاک بر تو نیست گناه
۸	وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى	و آنکه آمد شتابگر در راه
۹	وَهُوَ يَخْشَى	و بترسید از خدای جهان
۱۰	فَأَنَّتْ عَنْهُ تَلَهَّى	پس تو آنگاه غافل از آن
۱۱	كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ	نه چنان است هست قرآن پند
۱۲	فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ	بهر آنان که پند از آن خواهند
۱۳	فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ	و به لوح عزیز و پاک و عظیم
۱۴	مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ	و
۱۵	بِأَيْدِي سَفَرَةٍ	و به دست سفیر خوب و کریم
۱۶	كِرَامٍ بَرَرَةٍ	و
۱۷	قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرُهُ	ناسپاس است مرگ بر انسان
۱۸	مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ	آفریده است از چه‌اش یزدان
۱۹	مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ	حق تعالی ز نطفه او را ساختنیز اندازه بهر او پرداخت
۲۰	ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ	پس نموده است ره به او آسان
۲۱	ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ	پس بمیراند و شد به گور نهان
۲۲	ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ	پس کند زنده هر زمانی خواست
۲۳	كَلَّا لَمَّا يَقِضْ مَا أَمَرُهُ	و نکرده است آنچه حکم خداست
۲۴	فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ	به غذایش نگه کند انسان
۲۵	أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا	ما فرو ریختیم بس باران
۲۶	ثُمَّ شَفَقْنَا الْأَرْضَ شَفًّا	ما زمین را از آن شکافانددیم
۲۷	فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا	پس از آن نیز دانه رویانددیم
۲۸	وَعِنَبًا وَقَضْبًا	سبزی انگور و نخل و هم زیتون
۲۹	وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا	و
۳۰	وَحَدَائِقَ غُلْبًا	باغ و هم میوه مرتع افزون
۳۱	وَفَلَاحًا وَأَبًّا	و
۳۲	مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ	بهره چارپا و بهر شما [بهره گیرید از نعیم خدا]
۳۳	فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ	پس چو آید غریو وحشتبار
۳۴	يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ	وز برادر کنند خلی فرار
۳۵	وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ	هم زمام و پدر زن و فرزند
۳۶	وَصَلْبَتِهِءِ وَبَنِيهِ	و
۳۷	لِكُلِّ أُمَرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ	همه آن روز گرم کار خودند
۳۸	وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ	چهره‌هایی است آن زمان تابان
۳۹	ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ	شادمانند و خنده روی لبان
۴۰	وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ	چهره‌هایی است نیز گرد آلود
۴۱	تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ	هست پنهان به پرده‌ای از دود
۴۲	أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ	آن کسانند کافر و فاجر [این چنین است کیفر کافر]

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ	آن زمانی که مهر گشت تپاه
۲	وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ	و به شبها ستاره گشت سیاه
۳	وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ	کوهها را بر آورند از جا
۴	وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ	شتر ماده را کنند رها
۵	وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ	و زمانی که وحش شد محشور
۶	وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ	و آن زمان که بحار شد مسجور
۷	وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ	و زمانی که جان به تن شد جفت
۸	وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سُيِّلَتْ	و منادی به دخت کشته بگفت
۹	بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ	به چه جرمی شدند زنده به گور؟
۱۰	وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ	نامهها آن زمان بود منشور
۱۱	وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ	پرده از آسمان چو برداریم
۱۲	وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ	و فروزان کنیم نار جحیم
۱۳	وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ	و چو نزدیک شد جنان در راه
۱۴	عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ	همه کس شد به ما حضر آگاه
۱۵	فَلَا أَقْسَمُ بِالْخَنَّسِ	به نجومی که می رسد سوگند
۱۶	الْجَوَارِ الْكُنَّسِ	که روند و ز چشم دور شوند
۱۷	وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ	و به شب چون ز خلق کرد گذر
۱۸	وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ	و به صبحی که گشت روی آور
۱۹	إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ	این سخن هست از رسول کریم
۲۰	ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ	نزد حق است با مقام عظیم
۲۱	مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ	و مطاع است و هم امین آنجا
۲۲	وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ	نیز دیوانه نیست یار شما
۲۳	وَلَقَدْ رَءَاهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ	دید جبریل در افق به عیان
۲۴	وَمَا هُوَ عَلَى الْعَيْبِ بِضَنِينٍ	و نباشد بخیل بهر نهان
۲۵	وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ	نیست قرآن کلام دیو رجیم
۲۶	فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ	به کجا می روید [بی تعلیم؟
۲۷	إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ	نیست جز پند بهر عالمیان
۲۸	لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ	هر که بر راه راست شد خواهان
۲۹	وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ	و نخواهید هیچ چیز جهان جز که خواهد خدای عالمیان

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	آن زمان کآسمان شود پاره
حزب ۲۳۵ ۵۲۴ر	إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ	
۲	وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ	و پراکنده گردد استاره
۳	وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِرَتْ	نیز دریا شود همه مَفجور
۴	وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ	و دگرگون شوند جمله قبور
۵	عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ	از پس و پیش جان بود آگاه که چه کاری گسیل کرده به راه
۶	يَا أَيُّهَا الْإِنْسَنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ	چه تو را ساخت ای بشر مغروربهر پروردگار حیّ غفور
۷	الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ	که تو را آفرید و هم پرداخت؟و پس آنگه تو را منظم ساخت
۸	فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ	کرد دلخواه صورتت ترکیب
۹	كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ	و جزا را کنون کنی تکذیب
۱۰	وَأَنَّ عَلَيْكُمْ لَاحْفَظِينَ	بس ملک شد نگاهبان شما
۱۱	كِرَامًا كَتِيبِينَ	آن نویسندگان بس والا
۱۲	يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ	بر همه کارهایتان دانا
۱۳	إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ	بهر نیکان بود نعیم خدا
۱۴	وَأِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ	و جحیم است بهر بدکاران
۱۵	يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ	که به عقبا بیوفتند در آن
۱۶	وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ	و نباشند غایب از آنجا
۱۷	وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ	و چه دانی که چیست روز جزا؟
۱۸	ثُمَّ مَّا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ	پس به علم تو نیست روز جزا[و خدا هست ز آن زمان دانا]
۱۹	يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا ۖ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ	کس به کس نیست هیچ سود رسان هست آن روز کار با یزدان

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	وای بر کم فروش [اهل جفاکه چه دورست از طریق هدا]
ر۵۲۵	وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ	
۲	الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ	که چو پیمانه می‌ستانند اونگذارند ز حد خویش فرو
۳	وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ	و چو پیمانه می‌دهد به کسانیا کند وزن می‌دهد خسران
۴	أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ	می‌دانند این کسان آیا؟که برانگیخته شوند آنها
۵	لِيَوْمٍ عَظِيمٍ	بهر روزی بزرگ آنکه کسان
۶	يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ	در قیامند بهر ربّ جهان

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سِجِّينِ

نامه‌ی فاجر است در سجّین

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ

و تو را علم نیست بر سجّین

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ

نامه‌ای برنوشته بهر قضا

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

و در آن روز وای قومی را
که بود منکر نشان خدا

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

و اینکه منکر شود به روز جزا

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ

و کسی را بود بر آن انکارکه تجاوزگر است و بدکردار

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

و چو خواندند آیهی یزدان‌گفت افسانه‌های اولیان

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ

دلشان را گرفت در زنگارآنچه را داشتند از کردار

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ

پس ندارند رو به ربّ جهان

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ

و به گمراهی‌ند و در نیران

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

پس بگویندشان چنین گفتاراین بود آنچه داشتید انکار

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيَّينَ

و آنکه از صالحان بود به یقین‌نامه‌ی او بود به علیّین

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ

و ندانی که چیست علیّین

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ

نامه‌ای بر نوشته و به یقین

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

شاهد آن مقربان خدا

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

صالحانند غرق نعمتها

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ

بر اریکه شوند تکیه زنان و نگه می‌کنند سوی جنان

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ

می‌شناسی ز چهره‌ی آنان‌شادمانی و خرمی ز جنان

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مِّحْتُمٍ

مهر گشته است باده‌ی ایشان

خِتَمُهُمْ مِسْكٌ ۚ وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ

هم ز مشک است مهر بر در آن
و به آن رغبتی است در آنان

وَمِرَاجُهُمْ مِنْ تَسْنِيمٍ

هست تسنیم مختلط با آن

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ

چشمه‌سازی که خود بنوشد ز آن‌هر که باشد مقرب یزدان

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ

و آنکه بوده است از گنه‌کاران‌خنده می‌زد به جمع با ایمان

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ

و چو می‌دید اهل ایمان ربا با اشارات داشت استهزا

وَإِذَا أَنْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ أَنْقَلَبُوا فَكِهِينَ

و چو می‌شد به سوی خانه روان‌بود خندان و هم بسی
شادان

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ

و چو می‌دید جمع با ایمان‌فاش می‌گفت قوم گمراهان

وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ خَافِظِينَ

و موظف نبود بر آنان‌که بماند مراقب ایشان

فَأَلْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ

پس در آن روز قوم با ایمان‌خنده دارند بر گنه‌کاران

عَلَىٰ الْأَرْيَافِ يَنْظُرُونَ

بر ارایک شوند تکیه زنان و نگه می‌کنند سوی جنان

هَلْ تُؤِيبُ الْكَفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

هست پاداش کافران آیا؟ آنچه کردار بود آنان را

۳۶

۸۴. انشقاق	الْإِنْشِقَاقُ: شکافتن	مکی	۲۵ آیه
------------	------------------------	-----	--------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ

۱
حزب
۲۳۶
۵۲۶ر

آن زمان کآسمان بود منشق

وَأَذِنتُ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

۲

هم به اذن خداست هم بر حق

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ

۳

و زمین را کشند و نیز اکنون

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ

۴

آنچه در اوست افکند بیرون

وَأَذِنتُ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

۵

اوست مأذون به حق و اوست روا

يَتَأْتِيهَا الْإِنْسَنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ

۶

و تو ای آدمی [بدان این را]
که شتابی به سوی آن یکتانیز دیدار می‌کنی او را

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَبِيمِينِهِ

۷

هر که را نامه می‌رسد به یمین

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا

۸

سهل گردد حساب او به یقین

وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا

۹

بازگردد به خانه‌اش شادان و بود غرق در نعیم جنان

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ

۱۰

و آنکه را نامه می‌رسد از پس

فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا

۱۱

زود خواهد هلاک خود آن کس

وَيُصَلِّي سَعِيرًا

۱۲

و درآید به شعله نیران

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا

۱۳

آنکه در خانه بود بس شادان

إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّنْ يَحُورَ

۱۴

در گمان شد که برنمی‌گردد

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

۱۵

بود بی‌با بر او خدای احد

فَلَا أَقْسِمُ بِالْشَّفَقِ

۱۶

به شفق می‌خورد خدا سوگند

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ

۱۷

به شب و آنچه را فرو پوشند

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ

۱۸

و به مهتاب چون بود در بحر

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ

۱۹

که برآیند پله پله به قدر

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

۲۰

از چه آنان نیاورند ایمان

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ ۝

۲۱
سجده
مستحب

هر چه خوانند بهرشان قرآن
می‌نیارند سجده بر دادار

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ

۲۲

کافرانند جمله در انکار

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ

۲۳

و خدا اعلم است از دلشان

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

۲۴

مژده ده بهرشان عذاب گران

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ
مَمْنُونٍ

۲۵

نیز شایستگان با ایمان اجرتی دائم است بر آنان

۱ ۵۲۷ر	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ	و قسم بر سپهر برج نما
۲	وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ	و به روزی که وعده داد خدا
۳	وَشَahِدٍ وَمَشْهُودٍ	به گواه و گواهی بر حق
۴	قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُحُدِ	مرگ بر یاوران آن خندق
۵	النَّارِ ذَاتِ الْوُكُودِ	آتشی هیمه‌دار و بس سوزان
۶	إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ	که نشستند عده‌ای بر آن
۷	وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ	مؤمنان را چو داشتند جفا به تماشا شدند آنان را
۸	وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ	کین ستاندند قوم از آنان‌چونکه مؤمن شدند بر یزدان
۹	الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ	آنکه از اوست ملک ارض و سماو به هر چیز شاهد است خدا
۱۰	إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ	آن شکنجه‌گران به اهل یقین‌از رجال و نساء مؤمن دین که نیارند توبه بر آنان‌کیفر دوزخ است و هم نیران
۱۱	إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ	نیز شایستگان با ایمان‌بهر آنان بود نعیم جنان زیر اشجارش آبهای روان‌و چنین رستگاری است کلان
۱۲	إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ	بس شدید است خشم حی احد
۱۳	إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ	کند آغاز و بازگرداند
۱۴	وَهُوَ الْعَفُورُ الْودُودُ	مهربان است و هم گنه بخشا
۱۵	ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ	صاحب عرش بس بود والا
۱۶	فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ	هر چه را خواست می‌دهد انجام پس بگیرید از خدا انعام
۱۷	هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ	دیدی آیا تو داستان جنود؟
۱۸	فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ	هم ز فرعون و هم ز قوم ثمود
۱۹	بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ	کافرانند جمله در انکار
۲۰	وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِم مَّحِيطٌ	و محیط است بهرشان دادار
۲۱	بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَّجِيدٌ	هست قرآن مجید و بس والا
۲۲	فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ	و به لوحی نوشته‌اند آن را

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ	به سپهر و ستاره‌ای در شب
۲	وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ	و چه دانی که چیست آن کوکب؟
۳	النَّجْمُ الثَّاقِبُ	اختری تابناک خود به سماست و شکافنده‌ای به ظلمتهاست
۴	إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ	به یقین هر که هست ز آدمیان‌بهر او هست حافظی به جهان
۵	فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ	آدمیزاده بنگرد کو را از چه چیزی بیافرید خدا
۶	خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ	آفریدش ز آبی آن داور
۷	يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ	که جهد از میان صدر و کمر
۸	إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ	حق به برگشت او بود قادر
۹	يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ	آن زمان رازها شود ظاهر
۱۰	فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ	و بر او هیچ نیست قدرت و یار
۱۱	وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ	و قسم بر سپهر باران بار
۱۲	وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ	و قسم بر زمین روزن دار
۱۳	إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ	کاین کلام است بهرتان معیار
۱۴	وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ	نیست شوخی و هر چه حيله کنند
۱۵	إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا	و
۱۶	وَأَكِيدُ كَيْدًا	هم مرا هست مکر هم ترفند
۱۷	فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُويْدًا	اندکی [ای پیمبر مختار][بهر کفار] مهلتی بگذار

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى	کن تو تسبیح نام ربّ بلند
۲	الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى	آنکسی کآفرید و نظم افکند
۳	وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى	آنکه سنجید و راه هم بخشید
۴	وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى	و آنکه بس مرغزار کرد پدید
۵	فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى	و پس آنگاه کرد خشک و سیاه
۶	سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنْسَى	بر تو خواند کلام خود الله تو ز خاطر نمی‌بری آن را
۷	إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى	جز که خواهد خدای بی‌همتا اوست دانای آشکار و نهان
۸	وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى	نیز کار تو می‌کنیم آسان
۹	فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى	پند ده گر که سود دارد پند
۱۰	سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى	خانغان ز آن تذکری گیرند
۱۱	وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَتَقَى	و نگون بخت از آن کند پرهیز
۱۲	الَّذِي يُصَلِّي النَّارَ الْكُبْرَى	آنکه افتد بر آتشی بس تیز
۱۳	ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى	نه بود زندگی بر او نه هلاک
۱۴	قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى	رستگارست آنکه گردد پاک
۱۵	وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى	و انکه نام خدا به یاد آوردپس برای خدا نیایش کرد

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

بلکه دنیا اهم به نزد شماست

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

بہتر و ماندگارتر عقیاست

إِنَّ هَٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ

این بود در کتابهای قدیم

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ

ز آن موسی و نیز ابراهیم

۸۸. غاشیہ

الْغَاشِيَةِ: غاشیہ

مکی

۲۶ آیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱
رہ۵۳

هَلْ أَتٰكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ

بر تو آیا رسیده است از ما؟آن فراگیر قصہ عقیبا

وَجُوهٌ يُّوْمِذٍ خَلِشَعَةٌ

بس کس آن روز چہرہ بشکستہ است

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ

بس عبث کار کردہ و خستہ است

تَصَلَّىٰ نَارًا حَامِيَةً

پس درافتد بہ شعلہی نیران

تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ عَٰنِيَةٍ

و بنوشد ز چشمہی سوزان

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ

نیست جز خوار تلخ و خشک او رااز خوراکی کہ ہست در آنجا

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ

نہ کند فر بہ این غذا او راو نہ از جوع می‌شوند رہا

وَجُوهٌ يُّوْمِذٍ نَّاعِمَةٌ

چہرہ‌هایی در آن زمان شادند

لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ

ہمہ از کارہایشان خرسند

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

و مقیمند در جنان بلند

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً

حرف بیہودہ‌ای نمی‌شنوند

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ

و در آن ہست چشمہ‌های روان

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ

تختہایی بلند ہم در آن

وَأَكْوَابُ مَوْضُوعَةٌ

و نہادہ است جامہا آنجا

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ

و بہ رج ایستادہ بالشہا

وَزَرَائِبُ مَبْثُوثَةٌ

فرشہایی است پهن بس زیبا

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ

پس نینند مردمان آیا؟ کہ چسان خلق گشت اشترہا

وَالِى السَّمَآءِ كَيْفَ رُفِعَتْ

و چسان بر فراز گشت سما

وَالِى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ

نیز بر پا چگونه شد کہسار

وَالِى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ

و زمین ہم چگونه شد ہموار

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ

پند دہ‌ای بہ پند ما مأمور

لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ

کہ نداری تو بہر ایشان زور

إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ

و آنکہ کافر شدہ است و رو گردان

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ

حق دہد کیفرش عذاب گران

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ

بہ یقین بازگشتشان بہ خداست

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ

پس از آن ہم حسابشان با ماست

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْفَجْرِ	به سپیده قسم به آن ده شب
۲	وَلَيَالٍ عَشْرٍ	9
۳	وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ	به تک و جفت [آن دو آیت ربّ
۴	وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرِ	و به شبهای تیره چون گذرد
۵	هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ	قسم است آن برای اهل خرد
۶	أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ	تو ندیدی خدا چه کرد به عاد؟
۷	إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ	با ارم شهر پر بنا و عماد
۸	الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبَلَدِ	که چو آن در همه بلاد نبود
۹	وَتُمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخَرَ بِالْوَادِ	نیز از درّه سنگ برد ثمود
۱۰	وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ	نیز فرعون بود ذو الاوتاد
۱۱	الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبَلَدِ	سرکشی داشتند بین بلاد
۱۲	فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ	بر چنان فاسدان طغیانگر
۱۳	فَصَبَّ عَلَيْهِمُ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ	زد خدا تازیانهی کیفر
۱۴	إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ	هست پروردگار تو به کمین هر کجا می‌روی به روی زمین
۱۵	فَأَمَّا الْإِنْسَنُ إِذَا مَا أُنْتَلَهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ	آدمی را چو آزمود خدانعمت و احترام داد او را پس بگوید که خالق یکتاساخت با عزّ و احترام مرا
۱۶	وَأَمَّا إِذَا مَا أُنْتَلَهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ	و اگر آزمون بکرد او راتنگ بر او گرفت رزق خدا پس بگفت اینکه خالق یکتاسخت خوار و ذلیل کرد مرا
۱۷	كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ	و یتیمان نمی‌کنید اکرام
۱۸	وَلَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ	و به مسکین نمی‌دهید طعام
۱۹	وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا	نیز میراث می‌خورید تمام
۲۰	وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا	دوست دارید مال [و جاه و مقام
۲۱	كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا	چون شود کوفته تمام زمین
۲۲	وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا	و ملائک به صف شوند قرین
۲۳	وَجِئَاءَ يَوْمَيْهِم بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَنُ وَأَنَّى لَهُ الدِّكْرَى	و جهنم پدید می‌آرندآن زمان آدمی بگیرد پند و تذکر دگر ندارد سود[چون به دنیا سخن پذیر نبود]

يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي

گوید ای کاش می‌فرستادم‌پیش از این بر حیات این عالم

فَيَوْمِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ

هست آن روز بهر او کیفرو چو او نیست هیچکس دیگر

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ

و چنانش به بندها بکشدکه چو او نیست هیچکس در بند

يَأْتِيَتْهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

و تو ای جان ایمن [از دنیا]

أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً

سوی پروردگار خود بازآ
هم تویی از خدای خود خشنودهم بود راضی از تو حی ودود

فَادْخُلِي فِي عِبْدِي

پس درآ جمع بندگان مرا

وَادْخُلِي جَنَّتِي

و درآ باغ و بوستان مرا

۹۰. بلد	الْبَلَد: شهر	مکی	۲۰ آیه
---------	---------------	-----	--------

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ

حزب
۲۳۸
۵۳۲

و به این شهر [شهر بیت حرام

۲ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ

که تو داری در این دیار مقام

۳ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ

و قسم هم به باب و هم فرزند

۴ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ

کادمی را چه رنجها دادند

۵ أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ

پس گمان می‌کند بشر آیا؟که ندارد کسی بر او یارا

۶ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا

و بگوید که کرده است فنا[در ره عمر] مال افزون را

۷ أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ

پس گمان می‌کند کنون آیا؟هیچ چشمی ندیده است او را

۸ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ

ما دو چشمش نداده‌ایم آیا؟

۹ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ

یک زبان نیز با دو لب او را

۱۰ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ

و دو معبر نموده‌ایم او را

۱۱ فَلَا أَفْتَحَمُ الْعُقَبَةَ

لیک از گردنه نرفت فرا

۱۲ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ

و ندانی که چیست گردنه هان؟

۱۳ فَكُ رَقَبَةً

هست آزاد کردن انسان

۱۴ أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ

یا به روز گرسنگی بدهند

۱۵ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ

قوت بهر یتیم خویشاوند

۱۶ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ

یا فقیری که هست خاک نشین

۱۷ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ

و سپس او شود ز اهل یقین
و سفارش کند به حق و شکیب

۱۸ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

نامه بر او شود ز راست نصیب

۱۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

کافران نشانه‌های خدانامه از چپ دهند آنان را

۲۰ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ

پس به آتش برند و پس بندند[و نگردد کسی رها از بند]

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا	و به مهر و به روشنایی آن
۲	وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا	و به مه کز پی خور است روان
۳	وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّلَهَا	و به روزی که سازدش پیدا
۴	وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا	و به شب چون به او شود پوشا
۵	وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا	نیز سوگند می‌خورم به سما و آنکه آن آسمان بساخت بنا
۶	وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا	به زمین و به گسترنده‌ی آن
۷	وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا	به روان و قوام بخش روان
۸	فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا	پس به الهام داده است او رادو مسیر از گناه یا تقوا
۹	قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا	رستگار است آنکه پالودش
۱۰	وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا	گشت محروم آنکه آلودش
۱۱	كَذَبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا	سرکشانه ثمود کرد انکار
۱۲	إِذِ انْتَبَعَتْ أَشْقَاهَا	بدترین‌شان گزید بر آن کار
۱۳	فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا	بهرشان گفت آن رسول خداناقه‌ی حق و آب دادن را
۱۴	فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا	منکر او شدند و پی کردندربیشان نیز در هلاک افکند همه را ساخت ز آن گنه چون خاک
۱۵	وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا	او ز پایان ره ندارد باک

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ	به شب آنکه که می‌شود پوشا
۲	وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ	و به روز آن زمان که شد پیدا
۳	وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ	و آنچه را آفرید ماده و نر
۴	إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَىٰ	نیست سعی شما چو یکدیگر
۵	فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ	و آنکه را بود بخشش و تقوا
۶	وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ	نیز تصدیق کرد خوبی را
۷	فَسَنِّيْسِرُّهُ وَلِلسِرِّی	کار او را کنیم سهل و درست
۸	وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ	و بخیلی که بی‌نیازی جست
۹	وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ	کرد تکذیب کار نیکو را
۱۰	فَسَنِّيْسِرُّهُ وَلِلْعُسْرَىٰ	سوی سختی روان کنیم او را
۱۱	وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ	مال از بهر او ندارد سودچون به نار جحیم کرد فرود
۱۲	إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ	و هدایت بود به عهده‌ی ما
۱۳	وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ	هم قیامت ز ماست هم دنیا
۱۴	فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ	پس شما را کنون دهم هشداراز جحیم و زبانه‌ها از نار

لَا يَصْلِيْهَا إِلَّا الْأَشْقَى

قوم بدبخت‌تر روند در آن

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى

آنکه منکر شده است و رو گردان

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى

و آنکه شد پیش در ره تقوادور ماند به زودی از آنجا

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى

اوست آنکس که مال کرد عطاو از آن جست پاکی خود را

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِّعْمَةٍ تُجْزَى

و نباشد به نزد کس او رانعمتی تا به او دهند جزا

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى

جز رضای خدای بس والا

وَلَسَوْفَ يَرْضَى

و به زودی برای اوست رضا

۹۳. ضحی

الضُّحَى: روشنائی روز

مکی

۱۱ آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالضُّحَى

به خور و روشناییش در بام

۲
وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى

و به شب چون در او بود آرام

۳
مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى

حق نه بدروود و قهر کرد تو را

۴
وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى

آخرت بهتر است از دنیا

۵
وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى

زود ربت دهد عطیه تو راتا رضایت بود تو را ز عطا

۶
أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَكَوَى

تو که بودی یتیم و دادت جا

۷
وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى

گم شدی بر تو بود راهنما

۸
وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى

در فقری تو را بداد غنا

۹
فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

مکن آر رده دل یتیمان را

۱۰
وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ

و نوا جوی را به بانگ مران

۱۱
وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

بازگو کن تو نعمت یزدان

۹۴. انشراح

الشَّرْح: گشایش

مکی

۸ آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ

نگشودیم سینه‌ات آیا؟

۲
وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ

نیز برداشتیم بار تو را

۳
الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ

آنچه بشکسته بود پشت تو را

۴
وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ

نیز کردیم یاد تو والا

۵
فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

همره سختی است آسانی

۶
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

همره سختی است آسانی

۷
فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ

چونکه فارغ شدی بکوش به کار

۸
وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ

سوی پروردگار خود رو آر

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ	قسم من به تین و هم زیتون به دو نام مبارک و میمون
۲	وَطُورِ سِينِينَ	و قسم بهر طور سینا هم
۳	وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ	و به این شهر امن مکه قسم
۴	لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ	آفریدیم گوهر انسان در بهین صورت و بهین میزان
۵	ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ	بازگردانده ایم پس او راسوی پایین ترین پایین ها
۶	إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ	غیر شایستگان با ایمان پس بود اجر دائم از ایشان
۷	فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِالِّدِينَ	چه پس از این کشانده است تو راسوی انکار بهر روز جزا
۸	أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ	نیست آیا خدای بی همتا؟خویش داورترین داورها

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ	بسم ربک بخوان که ساخت [جهان] نام پروردگار عالمیان
۲	خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ	آفریده است از علق انسان
۳	أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ	ربّ تو اکرم است هم برخوان
۴	الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ	آنکه آموخت با قلم به بشر
۵	عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ	آنچه انسان از آن نداشت خبر
۶	كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَىٰ	آدمی سرکش است بهر خدا
۷	أَنْ رَّاهُ اسْتَغْنَىٰ	چون توانمند حس کند خود را
۸	إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ	بازگشت شماست سوی خدا
۹	أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ	دیدی آن کس که نهی کرد او را
۱۰	عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ	بنده ای که نماز داشت به پا
۱۱	أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ	او به راه هدایت است آیا؟
۱۲	أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ	یا کسی که به شیوهی تقواکرد مأمور [خلق عالم را]
۱۳	أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ	آنکه منکر شده است و رو گردان
۱۴	أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ	می نداند که بیندش یزدان؟
۱۵	كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ	نکشد پای اگر که از این راهموی پیشانیش کشند آنگاه
۱۶	نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ	موی سر ز آن رفیق کذب و خطا
۱۷	فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ	پس بخواند تمام یاران را
۱۸	سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ	ما بخوانیم خازنان جزا
۱۹	كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝	نه چنان است [قول اهل جفا] تو مطیعش مشو بیار سجودنیز نزدیک شو بر آن معبود سجده واجب

۱
۵۳۹ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

کرده‌ام نازل این بیان شب قدر

۲

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ

و ندانی که چیست آن شب قدر

۳

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ

شب قدر از هزار شب بهتر

۴

تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ

ملک و روح [هست حکم‌آور]
اذن پروردگار با ایشان نازل آرند هر چه شد فرمان

۵

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

تا طلوع سپیده هست سلام از ملائک به امت اسلام

۱
۵۴۰ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ
مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

مشرکانی به ایزد غفارهم ز اهل کتاب آن کفار

۲

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً

بر ندارند دست از آیین تا رسد بهرشان نشان مبین

۳

فِيهَا كُتِبَ قَيِّمَةٌ

آن رسول است از سوی یزدان صفی پاک خوانده بر ایشان

۴

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ
الْبَيِّنَةُ

و در آن نامه‌ها بود ستوار[هم ز پیشینیان بود هشدار]

۵

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ
وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ

چون به اهل کتب رسید نشان اختلاف اوفتاد در ایشان
امرشان بود بندگی به خداکه بسازند ناب دینش را
پاک گردند هم ز شرک و خطا و نماز خدا کنند به پا
و زکات خدا کنند ادا و آن بود دین استوار خدا

۶

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ
جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ

مشرکان بهر ایزد غفارهم ز اهل کتاب هم کفار
به جهنم روند در نیران ماندگارند جاودانه در آن
بدترین مردمند هم آنان دور مانده ز رحمت یزدان

۷

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ
الْبَرِيَّةِ

نیز آن صالحان با ایمان بهترین مردمند هم آنان

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّتْ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ
خَشِيَ رَبَّهُ

۹۹. زلزال	الزَّلْزَلَةُ: زلزله	مدنی	۸ آیه
-----------	----------------------	------	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا	چون بلرزد به لرز خویش زمین
۲	وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَنْقَالَهَا	و برآرد ز خویش جرم و زین
۳	وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا	و بگوید بشر چه دارد کار
۴	يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا	پس بیان می‌کند زمین اخبار
۵	بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا	ز آنکه وحی آورد به او یزدان
۶	يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ	و برآیند مردمان جهان دسته دسته شوند خلق آنجاکارهاشان ارائه ایشان را
۷	فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ	ذره‌ای هر که داشت کار نکوپس به روز جزاش بیند او
۸	وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ	و آنکه یک ذره داشت کرده بدپس همان رو بروی خود بیند

۱۰۰. عادیات	الْعَادِيَات: دوندگان	مکی	۱۱ آیه	۲ صفحه
-------------	-----------------------	-----	--------	--------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَدِيَّتِ صُبْحًا	قسم من بود به آن اسبان‌که نفس زن شوند و ز آن تازان
۲	فَالْمُورِيَّتِ قَدْحًا	و قسم باز هم بر آن اسبان‌که ز سم‌هایشان جهد نیران
۳	فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا	و به آنان که صبح بستیزند
۴	فَأَثَرُنَ بِهِ نَقْعًا	و به اطراف گرد انگیزند
۵	فَوْسَطْنَ بِهِ جَمْعًا	و برآیند در میانه‌ی‌شان
۶	إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ	ناسپاس است خلق از یزدان
۷	وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ	و بر این مطلب است خویش گواه
۸	وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ	دوست دارد شدید نعمت و جاه
۹	أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ	پس نمی‌داند این سخن آیا؟که چو از گورها شوند رها

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ

و شود راز سینه‌ها پیدا

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ خَبِيرٌ

هست آنکه خدایشان دانا

۱۰۱ . قارعه

القَارِعَةُ: کوبنده

مکی

۱۱ آیه

۱
۵۴۳ ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
القَارِعَةُ

روز کوبنده چیست کوبنده؟

۲

مَا الْقَارِعَةُ

و

۳

وَمَا أَذْرَنكَ مَا الْقَارِعَةُ

و به علم تو نیست کوبنده

۴

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ

مردم] از حیرتند آگنده همچو پروانگان پراکنده

۵

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ

همچو پشم زده شده رنگین‌به نظر می‌رسد جبال چنین

۶

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

آنکه سنگین بود بر او میزان

۷

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

از حیات است راضی و شادان

۸

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

و آنکه باشد سبک بر او میزان

۹

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ

پایگاهش بود دل نیران

۱۰

وَمَا أَذْرَنكَ مَا هِيَهٗ

و ندانی که چیست معنی آن؟

۱۱

نَارٌ حَامِيَةٌ

معنیش آتشی بود سوزان

۱۰۲ . تکاثر

التَّكَاثُرُ: افتخار به زیادی ثروت

مکی

۸ آیه

۱
۵۴۴ ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْهٰكُمُ التَّكَاثُرُ

کرد سرگرم‌تان تکاثر‌تان

۲

حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ

تا که رفتید سوی گورستان

۳

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

نه چنان است زود می‌دانید

۴

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

پس نه آن است زود می‌دانید

۵

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

بود اگر بهر‌تان ز علم یقین

۶

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ

بود بهر شما جحیم مبین

۷

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ

بنگرید آن مکان به چشم‌دها

۸

ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

پس پپرسند‌تان ز نعمتها

۱۰۳ . عصر	الْعَصْرُ: روزگار	مکی	۳ آیه
-----------	-------------------	-----	-------

۱ ۵۴۵ر	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ	من قسم می‌خورم به عصر و زمان
۲	إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ	که بنی آدم است در خسران
۳	إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ	جز کسانی که آورند ایمان‌کار شایسته هم کنند ایشان و سفارش کنند حق و شکیب گر شوند از برای دین تعذیب

۱۰۴ . همزه	الْهُمَزَةُ: عیب‌جو	مکی	۹ آیه
------------	---------------------	-----	-------

۱ ۵۴۶ر	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ	وای بر عیبجوی مسخره‌کار
۲	الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ	که فزون کرد مال و کرد شمار
۳	يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ	و گمان کرد اینکه با زر و مال‌نیست از بهر او فنا و زوال
۴	كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ	نه شود او فکنده در حطمه
۵	وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ	و نداری تو علم بر حطمه
۶	نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ	آتشی بر فروخته ز خدا
۷	الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ	سر کشد آن لهیب از دلها
۸	إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَدَةٌ	و فرو بسته است بر آنان
۹	فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ	در ستونهای برکشیده از آن

۱۰۵ . فیل	الْفِيلُ: فیل	مکی	۵ آیه
-----------	---------------	-----	-------

۱ ۵۴۷ر	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ	تو ندیدی چه کرد ربّ جلیل؟فرقه‌ای را که بود صاحب فیل
۲	أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ	مکرشان را نهاد در تضلیل
۳	وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ	و ابابیل شد به فرقه گسیل
۴	تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ	چو بیفکند سنگ از سجّیل
۵	فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ	ساخت آن فرقه را چو کاه اکیل

۱۰۶ . قریش	قُرَيْشُ: قریش	مکی	۴ آیه
------------	----------------	-----	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا يَلْفُ قُرَيْشٍ	الفتی بر قریش بود مرام بهر امّ القرا و بیت حرام
۲	إِلَيْهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ	الفتی چون به ره شوند روان هم زمستان و هم به تابستان
۳	فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ	ربّ این خانه را شوند عبید
۴	الَّذِي أَطْعَمَهُم مِّنْ جُوعٍ وَعَآمَنَهُم مِّنْ خَوْفٍ	کز مجاعت نجاتشان بخشید هم امان دادشان ز خوف و خطر[از سپاهی بزرگ و رزم‌آور]

۱۰۷ . ماعون	الْمَاعُونُ: ظرف غذا	مکی	۷ آیه
-------------	----------------------	-----	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِاللِّدِينِ	دیدی آن کس که گشت منکر دین؟
۲	فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ	و براند یتیم [بی‌تمکین
۳	وَلَا يُحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ	هم نه تشویق کرد [در گفتار] بهر اطعام مردم نادار
۴	فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ	و ای قومی که هست گرم نماز
۵	الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ	وز نمازش گرفت راه مجاز
۶	الَّذِينَ هُمْ يُرَآءُونَ	آن کسانی که می‌کنند ریا
۷	وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ	هم ز ماعون کنند منع و ابا

۱۰۸ . کوثر	الْكُوثَرُ: خیر فراوان	مکی	۳ آیه
------------	------------------------	-----	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ	حق عطا کرد بهر تو کوثر
۲	فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَحْزَرْ	پس نماز خدا به جای آور سوی پروردگار قربان بر
۳	إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ	به یقین دشمنت بود ابتر

<p>۱۰۹ . کافرون</p>	<p>الْكَافِرُونَ: کافران</p>	<p>مکی</p>	<p>۶ آیه</p>
<p>۱</p> <p>را۵۵</p> <p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p> <p>قُلْ يَتَّيِّهَا الْكَافِرُونَ</p>	<p>گو به کفار [ای حبیب ودود]</p>		
<p>۲</p> <p>لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ</p>	<p>نیست معبودتان مرا معبود</p>		
<p>۳</p> <p>وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ</p>	<p>نپرستید هم خدای مرا</p>		
<p>۴</p> <p>وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ</p>	<p>نیست معبود من خدای شما</p>		
<p>۵</p> <p>وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ</p>	<p>نپرستید هم خدای مرا</p>		
<p>۶</p> <p>لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ</p>	<p>با من این دین و آن بود ز شما</p>		
<p>۱۱۰ . نصر</p>	<p>النَّصْر: یاری</p>	<p>مدنی</p>	<p>۳ آیه</p>

<p>۱</p> <p>را۵۵۲</p> <p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p> <p>إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ</p>	<p>چون رسیده است فتح و نصر خدا</p>		
<p>۲</p> <p>وَرَأَيْتِ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا</p>	<p>و نگه می‌کنی تو مردم را</p> <p>که به دین خدا شوند درون‌دسته دسته [به طرز روز افزون</p>		
<p>۳</p> <p>فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا</p>	<p>پس سپاس خدای را بگزارو بکن از گناه استغفار</p> <p>و یقین دان که اوست توبه‌پذیر[پس ره توبه و انابت گیر]</p>		

<p>۱۱۱ . مسد</p>	<p>المُسَد: لیف خرما</p>	<p>مکی</p>	<p>۵ آیه</p>
<p>۱</p> <p>را۵۵۳</p> <p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p> <p>تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ</p>	<p>هر دو دست أبو لهب باداقطع و هم خود رود به باد فنا</p>		
<p>۲</p> <p>مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ</p>	<p>مال سودی نداشته است او راو آنچه کرده است کسب [از همه جا]</p>		
<p>۳</p> <p>سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ</p>	<p>زود بر او رسد لهیب از نار</p>		
<p>۴</p> <p>وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ</p>	<p>وزنش هیزم است او را بار</p>		
<p>۵</p> <p>فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ</p>	<p>هست در گردنش ز لیف طناب آنک آماده است بهر عذاب</p>		

۱۱۲ . اخلاص	الإِخْلَاصُ: خالص کردن	مکی	۴ آیه
-------------	------------------------	-----	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	گو خدای جهان بود یکتا
۵۵۴ر	قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ	
۲	اللَّهُ الصَّمَدُ	و ندارد به کس نیاز خدا
۳	لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ	او نه کس زاید و نه کس او را
۴	وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ	و کسی نیست بهر او همتا

۱۱۳ . فلق	الْفَلَقُ: سپیده صبح	مکی	۵ آیه
-----------	----------------------	-----	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	گو پناهنده ام به ربّ سحر
۵۵۵ر	قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ	
۲	مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ	ز آنچه حق آفرید فتنه و شر
۳	وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ	و آنچه در شب رسد ز فتنه و شر
۴	وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ	وز بدیهای سحر افسونگر آن زمانی که در گره بدمد
۵	وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ	هم ز شر حسود وقت حسد

۱۱۴ . ناس	النَّاسُ: مردم	مکی	۶ آیه
-----------	----------------	-----	-------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	گو پناهنده ام به ربّ کسان
۵۵۶ر	قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ	
۲	مَلِكِ النَّاسِ	پادشاه و الاه خلق جهان
۳	إِلَهِ النَّاسِ	پادشاه و الاه خلق جهان
۴	مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ	از شرور وسوس خناس
۵	الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ	که به قلب کسان کند وسواس
۶	مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ	هست خناس گاه از پریان گاه باشد ز بین آدمیان